



BP۱۴۸۴.j۲ .

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۸)

مجموعه مقالات سبک زندگی و گام دوم / جلد دوم

زیر نظر: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی / به کوشش: ابراهیم رضایی آدریانی

چاپ اول: ۱۴۰۰ ش / ۱۴۴۳ ق

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

● چاپ: چاپخانه دیجیتال المصطفی ﷺ ● قیمت: ۴۴۴ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

## مراکز پخش

◀ ایران، قم، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸:

تلفن: ۰۲۵ ۳۷۸۳۶۱۳۴ +۹۸ ۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵ / (داخلی ۱۰۵) / تلفکس: ۰۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵

◀ ایران، قم، بلوار محمد امین، سه راه سالاریه. تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۱۳۳۱۰۶

pub\_almustafa

http://buy-pub.miu.ac.ir

miup@pub.miu.ac.ir

با تشکر از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثریاری رساندند.

● ناظر فنی: سید محمد رضا جعفری

● مدیر انتشارات: مصطفی نوبخت

● ناظر گرافیک: مسعود مهدوی

● مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری

● ناظر چاپ: ایوب جمالی



دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی  
۱۰۴

این اثر با حمایت «دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی»  
معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه چاپ شده است.

منشورات کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث (۱۸)

## مجموعه مقالات سبک زندگی و گام دوم

### جلد دوم

زیر نظر: دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

به کوشش: ابراهیم رضایی آدریانی



مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی، فراوری اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پایبندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو، مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و اندیشه‌های ناب و ژرف، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، اقتضا دارد که دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم، با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند، گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

بالندگی مراکز آموزشی، در گرو نظام آموزشی منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و پژوهشی و به‌روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه، نشاط علمی مراکز آموزشی و پژوهشی را در پی دارد. «جامعة المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمية» به‌عنوان بخشی از این مجموعه، که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم



کنگره بین المللی گام دوم انقلاب  
اسلامی از منظر قرآن و حدیث

### امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام:

انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است.

بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

### تقدیم به:

روح ملکوتی بنیان گذار تمدن نوین اسلامی حضرت روح الله موسوی خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و شهدای گران قدر راه انقلاب اسلامی که با خون خود نهال انقلاب را آبیاری نموده تا به درخت پربار تمدن نوین اسلامی بدل گشته و مقدمات طلوع خورشید عظمای ولایت فراهم گردد.



---

## فهرست

---

- مقدمه ریاست کنگره ..... ۹
- مقدمه مدیر علمی ..... ۱۱
- مقدمه معاون علمی ..... ۲۵
- مقدمه مدیر کمیته ..... ۲۹

### فصل اول: سبک زندگی مادی در آینه قرآن و حدیث

۱. از خانه تا شهر، سبک زندگی اسلامی - ایرانی از منظر آیات و روایات ..... ۳۳  
محمد محیط آرا ..... ۳۳
۲. آفات و برکات زبان از دیدگاه نهج البلاغه و مقام معظم رهبری (دام ظلّه) ..... ۶۶  
سمیه احمدی طیفکانی (نویسنده مسئول) - رقیه زحمت‌کش - نجمه عنایت - فاطمه خادمی ماشاری ..... ۶۶
۳. بیانیه گام دوم و کاوشی در دستاوردهای مدیریت زمان در سبک زندگی قرآنی و حدیثی ..... ۹۴  
مجید حیدری فر (نویسنده مسئول) - مرضیه محمدی آرام ..... ۹۴
۴. شاخصه های سبک زندگی اسلامی منطبق در قرآن و حدیث ..... ۱۲۱  
فاطمه ناصری (نویسنده مسئول) - بنت الهدی سلامی - حبیبه نژاد سبحانی - ملیحه نورالدینی ..... ۱۲۱

### فصل دوم: بایسته های سبک زندگی اسلامی

۱. بررسی شاخصه های سبک زندگی مسئولان حکومت اسلامی در نامه های نهج البلاغه و بیانیه گام دوم ..... ۱۵۲  
محمد رضا ضیایی ..... ۱۵۲

۲. راهکارهای مبارزه با اسراف در جامعه اسلامی \_\_\_\_\_ ۱۷۸  
زینب طیبی (نویسنده مسئول) - فاطمه ناصری - عارفه دادی نژاد \_\_\_\_\_ ۱۷۸
۳. راهکارهای مقابله جهادی و هوشمندانه با ترویج زندگی غربی در ایران از نگاه قرآن و حدیث \_\_\_\_\_ ۲۰۳  
زینب عباسی (نویسنده مسئول) - الهه نوبخت \_\_\_\_\_ ۲۰۳
۴. شناسایی نقش خانواده در توسعه و ترویج فرهنگ حجاب و عفاف در جوانان \_\_\_\_\_ ۲۴۴  
نرگس نجاتی (نویسنده مسئول) - نسترن بهرمان \_\_\_\_\_ ۲۴۴
۵. عوامل ترویج سبک زندگی غربی و راه‌های مقابله با آن از منظر قرآن و حدیث \_\_\_\_\_ ۲۷۳  
دکتر محمدنبی احمدی (نویسنده مسئول) - نوراله خانی پور \_\_\_\_\_ ۲۷۳
۶. نقش آفرینی زنان در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی \_\_\_\_\_ ۲۹۶  
فاطمه اسبقی \_\_\_\_\_ ۲۹۶
۷. وظایف جوانان در گام دوم از دیدگاه رهبر انقلاب (دام ظلّه) با تأکید بر سه اصل تحصیل، تهذیب، ورزش \_\_\_\_\_ ۳۲۲  
سیده زینب السادات حسینی - مرتضی فیروزجاهی (نویسنده مسئول) \_\_\_\_\_ ۳۲۲

#### فصل سوم: آسیب شناسی سبک زندگی مادی

۱. بررسی عوامل مبنایی افراط در «مدیریت بدن» با تأکید بر بیانیه گام دوم \_\_\_\_\_ ۳۵۸  
بی بی وحیده هاشمی \_\_\_\_\_ ۳۵۸
۲. چگونگی شکل‌گیری سبک زندگی غیردینی، با نگاهی دشمن‌شناسانه به داستان فرعون در قرآن کریم \_\_\_\_\_ ۳۹۲  
آمنه شهبازی \_\_\_\_\_ ۳۹۲
۳. آثار مبارزه با فساد اخلاقی جامعه در قرآن کریم و بیانات مقام معظم رهبری (دام ظلّه) \_\_\_\_\_ ۴۲۴  
زینب طیبی (نویسنده مسئول) - مرضیه شمس‌الدینی گورزانگی - زینب ذاکری \_\_\_\_\_ ۴۲۴
۴. آسیب شناسی سبک زندگی اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات با محوریت بیانیه گام دوم \_\_\_\_\_ ۴۴۱  
محمد سحرخوان \_\_\_\_\_ ۴۴۱
۵. تاملی بر راهبردهای قرآن کریم در باب دگردیسی سبک زندگی مورد اشاره در بیانیه گام دوم انقلاب \_\_\_\_\_ ۴۶۹  
جواد زروندی \_\_\_\_\_ ۴۶۹
۶. تحلیل کارکرد لذت در تأمین شادکامی انسان در سبک زندگی اسلامی \_\_\_\_\_ ۵۰۲  
مرتضی فدایی اصفهانی (نویسنده مسئول) - محمد زینلی خوزانی \_\_\_\_\_ ۵۰۲



---

## مقدمه ریاست کنگره

---

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن به عنوان کتاب هدایت، تبیان هر چیزی است که سعادت دنیوی و اخروی انسان در گرو آن است. آموزه‌های وحیانی قرآن، به گونه‌ای است که هر کسی در هر سطحی از ادراک و دانش که باشد می‌تواند نیازهای اندیشه‌ای و انگیزشی خود را از آن تأمین کند.

از طرف دیگر هر انسانی نیازمند الگوهای عینی و ملموسی است که به او نشان دهند که آثار و برکات راه چیست و چگونه می‌توان به سلامت به مقصد و مقصود رسید. از این رو خداوند، پیامبر مکرم ﷺ و عترت طاهره آن حضرت را به عنوان «مبین» و اسوه‌های عینی و عملی حسنه برای مردمان شمرده تا ایشان را سرمشق خویش قرار دهند.

بر اساس بیان قرآن نتیجه تمسک به عروة الوثقی الهی و حبل الله المتین که همان قرآن و عترت است، هدایت در صراط مستقیم و رهایی از گمراهی و گمگشتگی در ظلمت‌ها است. امروز که جهان به شدت گرفتار فتنه‌های گوناگون است، نیاز بشر به این مشعل هدایت برای برون رفت از بحران‌ها بیش از هر زمان دیگر است.

انقلاب اسلامی و گفتمان برآمده از آن در چارچوب و با محوریت اسلام ناب محمدی ﷺ به دنبال ارائه نظام جامع تمدن اسلامی در جهان معاصر است. امامان انقلاب اسلامی بر آن بوده و هستند تا تمدن نوین اسلامی را شکل دهند و الگویی عینی از زیست مؤمنانه در جهان معاصر را به بشریت ارائه کنند.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که مقام معظم رهبری علیه السلام ابلاغ فرمودند، در حقیقت منشوری مبتنی بر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم است که شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را مدنظر قرار داده و بنا دارد جهت‌گیری‌ها را در راستای تحقق آن سامان دهد.

تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و شناسایی و تبیین مبانی و اصول قرآن و حدیثی آن بی‌شک می‌تواند راهگشای تحقق آرمان‌های گفتمان انقلاب اسلامی باشد. جامعه المصطفی العالمیه در همین راستا و بر اساس رسالت و مأموریت خویش اقدام به برگزاری همایشی با موضوع تبیین مبانی و اصول قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نمود. ضمن تقدیر و تشکر از برگزارکنندگان این همایش ارزشمند به‌ویژه همکاران گرامی در مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث و همچنین فضلاء و اساتیدی که با ارائه بیش از ۱۰۸۰ مقاله به دبیرخانه دائمی همایش قرآن و حدیث المصطفی در این رویداد بزرگ علمی مشارکت داشته‌اند برای همگان توفیق خدمت به ساحت قرآن کریم را از خدای بزرگ مسألت دارم.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علی عباسی

آذرماه ۱۴۰۰

---

## مقدمه مدیر علمی

---

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾؛ (اسراء، آیه ۹).

قرآن کریم نوری در ظلمات جهل و کفر و شرک و خرافات جاهلیت بود جهان را در چهارده قرن پیش روشن ساخت و انقلابی در جهان برپا کرد که گام اول آن در عصر پیامبر اسلام ﷺ برداشته شد و گام دوم آن در عصر امام علی عَلَيْهِ السَّلَام برداشته شد و گام‌های بعدی توسط امامان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام پیموده شد و گام آخر آن توسط مهدی آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام برداشته خواهد شد.

یکی از جلوه‌های این انوار الهی در انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ شمسی درخشید و گام اول آن توسط امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ برداشته شد و تا چهل سال ادامه یافت، و اینک گام دوم آن توسط جانشین علی وار ایشان امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام برداشته می‌شود و می‌رود تا این انقلاب به دست صاحب اصلی آن حضرت بقیه الله عَلَيْهِمُ السَّلَام داده شود تا گام نهایی آن به دست ایشان رقم بخورد (ان شاء الله) حضرت امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام برای پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی بیانیه‌ای گرانسنگ صادر فرمودند و برنامه‌ای راهبردی و آینده پژوهانه را ترسیم نمودند که چراغ راه ایران و امت اسلامی باشد.

از آنجاکه مفاد این بیانیه مستند به آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است. دانشوران «مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه» بر خود فرض دیدند که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام تبیین کنند تا

مبانی، مستندات و لوازم قرآنی حدیثی محتوای عالی این بیانیه روشن گردد و زیر ساخت فرهنگی جهت عملیاتی شدن بیانیه گام دوم فراهم گردد.

بر این یک ماه بعد از صدور بیانیه گام دوم در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ شمسی یعنی در اسفند ۱۳۹۸ شمسی نخستین جلسات کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث برگزار شد و شروع آن اعلام شد.

لیکن مراحل اداری و مقدمات کار در سال ۱۳۹۸ شمسی انجام و جذب مقالات و نشست‌های علمی آن آغاز شد و با استقبال زیاد قرآن پژوهان و مراکز علمی روبه‌رو شد لیکن به خاطر شیوع بیماری کرونا (اسفند ۱۳۹۸ ش) برگزاری اجلاس نهایی کنگره به تاخیر افتاد تا در زمستان ۱۴۰۰ شمسی این شجره طیبه به بار نشست و به همت همکاران کنگره به ویژه قائم مقام مدیر و معاون علمی کنگره حجت‌الاسلام والمسلمین محمد امینی تهرانی و با حمایت خاص ریاست جامعه المصطفی‌العالمیه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و دیگر مسئولان؛ کاری عظیم سامان یافت که در زمره بزرگترین کنگره‌های تاریخ ایران گشت، والحمد لله رب العالمین.

---

## گزارش اجمالی کنگره

---

### ۱. اهداف کنگره:

همایش گام دوم دارای اهدافی است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

۱. تبیین مبانی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۲. تبیین راهکارهای اجرایی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
۳. تبیین جایگاه قرآن و حدیث در گام دوم انقلاب اسلامی
۴. تقویت و تعمیق گام دوم انقلاب اسلامی در اندیشه دینی
۵. تبیین الگوی قرآنی و حدیثی انقلاب اسلامی برای جهانیان
۶. تبیین نقش نهادهای قرآنی به‌ویژه در جامعه المصطفی‌العالمیه در گام دوم انقلاب اسلامی
۷. تبیین مبانی گام دوم انقلاب اسلامی انقلاب با توجه به آموزه‌های قرآنی و حدیثی.

### ۲. محورهای کنگره:

گام دوم، عقلا نیت و قرآن و حدیث	گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث
گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث	گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی
گام دوم و غرب و شرق	گام دوم و آینده‌پژوهی
گام دوم و دانش‌های قرآنی و حدیثی	راهکارهای اجرایی سازی گام دوم از منظر قرآن و حدیث
مبانی و مستندات قرآنی و حدیثی بیانیه گام دوم	رسالت طلاب جامعه المصطفی‌العالمیه در تحقق بیانیه گام دوم
نقش جوانان در تحقق بیانیه گام دوم	نقش بانوان و خانواده در گام دوم انقلاب اسلامی

### ۳. شورای سیاست گذاری کنگره

حضرت آیت الله اعرافی رئیس هیئت امنای جامعه المصطفی العالمیه و ریاست حوزه های علمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی رئیس جامعه المصطفی العالمیه
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبادی معاونت پژوهش جامعه المصطفی العالمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر قنبری معاونت ارتباطات و بین الملل جامعه المصطفی العالمیه
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی العالمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمدی عراقی مسئول دفتر معظم رهبری در قم
حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر رستم نژاد معاونت آموزش حوزه های علمیه	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر جزایری معاونت آموزش جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکرمیبدی رئیس مدرسه عالی قرآن و علوم	حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی رضایی اصفهانی رئیس مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی تهرانی رئیس مدیر گروه علمی قرائات	حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر رئیس مدرسه عالی تفسیر
حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن پیرولی معاونت آموزش مجتمع قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی معاونت پژوهش مجتمع قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین حسن رضایی رییس پژوهشگاه المصطفی	حجت الاسلام والمسلمین مسلم احمد لومعاون فرهنگی تربیتی مجتمع قرآن و حدیث

### ۴. شورای علمی کنگره

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن زمانی معاون اجتماعی حوزه های علمیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی ریاست محترم مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبد الکریم بهجت پور ریاست حوزه های علمیه خواران	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد فاکر میبدی ریاست مدرسه عالی قرآن و علوم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبد الکریم بی آزار شیرازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر ریاست مدرسه عالی تفسیر و علوم قرآن
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن پیرولی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد امینی

معاون آموزش مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث	تهرانی مدیر گروه علوم و فنون قرائات مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین محمدی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حیدر طباطبائی مدیر گروه علوم حدیث مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر صاعد رازی نماینده انتشارات انقلاب اسلامی و سایت اینترنتی مقام معظم رهبری	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید یوسف موسوی معاون پژوهش مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا ستوده نیا عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد اسکندرلو مدیر گروه علوم قرآن مجتمع عالی قرآن و حدیث
حجت الاسلام والمسلمین دکتر روشن ضمیر معاون پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی	حجت الاسلام والمسلمین حسین شیرافکن عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی مدیر گروه قرآن و علوم طبیعی مجتمع عالی قرآن و حدیث	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد معاون آموزش حوزه های علمیه سراسر کشور
حجت الاسلام دکتر غلام جابر جعفری از کشور پاکستان و نمایندگی روسیه	دکتر حمیدرضا طوسی عضو هیئت علمی جامعه المصطفی
دکتر فائق ولی زاده از کشور روسیه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد یعقوب بشوی از کشور پاکستان
دکتر سید علی سید اف از کشور تاجیکستان	دکتر رییس اعظم شاهد از کشور هندوستان

## ۵. ارکان کنگره

مدیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی (ریاست مجتمع عالی قرآن و حدیث)

معاونت علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی

معاونت اجرایی: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین

### ۶. کمیته اجرایی کنگره

معاون علمی کنگره و قائم مقام مدیر: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی تهرانی  
 معاون اجرایی کنگره: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی  
 معاون پیشتیبانی و منابع انسانی: حجت الاسلام والمسلمین خلیل زاد  
 معاون ارتباطات و بین الملل: جناب آقای حسین حیدری  
 معاون فرهنگی مجتمع عالی قرآن و حدیث: حجت الاسلام والمسلمین احمدلو

### دبیرخانه کنگره

مسئول دبیرخانه: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین  
 مسئول ارزیابی: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی  
 مسئول روابط عمومی: حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی  
 مسئول سایت و نشست های علمی: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت سمنانی

### ۷. کمیته های علمی کنگره

اول: کمیته گام دوم، علوم عقلی و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی رستم نژاد	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر محمد جواد دشتی
--	--

### اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد باقر قیومی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی عزیزی علویجه	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی یوسفی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد غفاری	



دوم: کمیته گام دوم، علوم روز و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر سید عیسی مسترحمی	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی
--	---

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین صاعد رازی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی واشیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی آقاصفری	جناب حجت الاسلام والمسلمین میثم ناظمی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حامد دادسرشت تهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی همتیان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالمومن حکیمی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله توکلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین رفیعی	

سوم: کمیته گام دوم، تمدن و قرآن و حدیث

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا حقیقت
---	--

اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین عباس الهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسین شفیعی دارابی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدهادی منصوری	حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی زکی مرتضوی

چهارم: کمیته گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی آدریانی	دبیر کمیته: جناب آقای محمد زینلی
---	-------------------------------------

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین حمید الهی دوست	حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم ملکی
حجت الاسلام والمسلمین محسن جلالی	حجت الاسلام والمسلمین محمد قربانی مقدم
جناب آقای دکتر احمدی فراز	جناب آقای محسن برقی کار
سرکار خانم زهرا سهرابی	سرکار خانم زهرا توکلی

**پنجم: کمیته گام دوم، انقلاب اسلامی و غرب و شرق از منظر قرآن و حدیث**

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسن زمانی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر باقر ریاحی مهر
---	--

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد نوروزی	جناب آقای دکتر غلام حسین مقیمی
جناب آقای دکتر حسن رضایی هفتادر	جناب آقای دکتر سید حسین علوی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسعلی براتی یزدی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر باقر ریاحی مهر

**ششم: کمیته گام دوم، و دانش های قرآنی و حدیثی**

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر فاکر میبدی	دبیر کمیته: حجت الاسلام دکتر عبدالله جبرئیلی
--	---

**اعضای کمیته:**

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدامینی طهرانی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجعلی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدحیدر طباطبائی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدصادق یوسفی مقدم

**هفتم: کمیته گام دوم، آینده پژوهی قرآنی و حدیثی**

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر غلامرضا بهروزی لک	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین علیرضا شاهین
---	---

**اعضای کمیته:**

دکتر اسماعیل شراهی	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید جعفر رحمان
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد کوهی	دکتر محمد رحیم عیوضی

**هشتم: کمیته تخصصی بانوان**

مدیر کمیته: سرکار خانم زینب بهجت پور	دبیر کمیته: سرکار خانم دکتر سمیه کامرانی
--------------------------------------	--

**اعضای کمیته:**

سرکار خانم دکتر زینب طیبی	سرکار خانم دکتر طاهره ماهرو زاده
سرکار خانم دکتر رقیه جاویدی	سرکار خانم دکتر عاطفه صادقی
سرکار خانم دکتر راضیه زارعی	سرکار خانم دکتر معصومه شریفی

**نهم: کمیته بین الملل**

مدیر کمیته: حجت الاسلام دکتر محمد یعقوب بشوی از پاکستان	دبیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین محمد عسکری از پاکستان
--	--

**اعضای کمیته:**

جناب آقای دکتر غلام جابر محمدی از پاکستان	جناب آقای دکتر رئیس اعظم شاهد از پاکستان
جناب آقای سید مجتبی رضوی از هندوستان	دکتر ترلان سیف الله اف از آذربایجان
دکتر منظر بیاتی از عراق	جناب آقای استیفان شفر از آلمان
جناب آقای رحمان دهلان از اندونزی	جناب آقای عبدالقادر محمد بلو از نیجریه
جناب آقای عباس خان فاضل اف از تاجیکستان	

### ۸. آثار کنگره

۱. شناخت نامه کنگره	۲. منبع شناخت بیانیه گام دوم
۳. نشست‌ها، کرسی‌ها و کارگاه‌های کنگره	۴. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد اول)
۵. چکیده مقالات کنگره (فارسی) (جلد دوم)	۶. چکیده مقالات کنگره (غیر فارسی)
۷. علم و عقل در گام دوم انقلاب اسلامی	۸. علوم و بیانیه گام دوم (جلد اول) (علوم اجتماعی. اقتصاد. سیاست. مدیریت)
۹. علوم و بیانیه گام دوم (جلد دوم) (علوم تعلیم و تربیت، روانشناسی و پزشکی)	۱۰. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد اول)
۱۱. دانش‌های قرآنی در گام دوم (جلد دوم)	۱۲. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد اول)
۱۳. تمدن نوین اسلامی و گام دوم (جلد دوم)	۱۴. انقلاب اسلامی و غرب
۱۵. رویکرد قرآنی بانوان به گام دوم	۱۶. آینده‌پژوهی و مهدویت در گام دوم
۱۷. سبک زندگی و گام دوم (جلد اول)	۱۸. سبک زندگی و گام دوم (جلد دوم)
۱۹. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد اول) (زبان اردو)	۲۰. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد دوم) (زبان اردو)
۲۱. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد سوم) (عربی، انگلیسی)	۲۲. مجموعه مقالات غیر فارسی (جلد چهارم) (هندی، آذری، بنگالی، برمه‌ای، آلمانی، اندونیزی، تاجکی، فرانسوی، روسی، ترکی، بلتی و...)

تذکره: تمام آثار در سمیم بررسی و مشابهت‌یابی انجام شد و سه مقاله به خاطر مشابهت

بالا حذف شد.

۹. مجلات منتشرکننده مقالات کنگره:

۱. مجله علمی قرآن و علم
۲. مجله علمی مطالعات قرائت قرآن
۳. مجله علمی قرآن پژوهی خاورشناسان
۴. مجله علمی علوم حدیث تطبیقی
۵. مجله تخصصی مطالعات حدیث پژوهی
۶. مجله تخصصی قرآن و علوم
۷. مجله تخصصی مطالعات قرآن پژوهی نور وحی

۱۰. کنگره در آینه آمار

تعداد کل چکیده‌ها: ۱۶۹۶	مقالات پذیرفته شده: ۹۵۸
مقالات چاپ شده در مجلات: ۴۲	مجموع مقالات رسیده به کنگره: ۱۰۸۲
مقالات چاپ شده در مجلدات: ۲۸۲	مجلدات منتشرشده: ۲۲
تعداد ارزیابان: ۷۱	تعداد نشست‌ها: ۱۶۳
تعداد کرسی‌های علمی و ترویجی: ۸	تعداد کارگاه‌ها: ۴۰

تذکر: دو جلد مجموعه مقالات کنگره به صورت جداگانه توسط مرکز خواهران هرمزگان

منتشر می‌شود.

۱۱. نرم افزارهای کنگره:

مجموعه آثار کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

## ۱۲. ارزیابان مقالات:

آقایان: محمد علی رضایی اصفهانی، محمدفاکر میبیدی، محمدحسن زمانی، مهدی رستم نژاد، غلامرضا بهروزی لک، حسین علوی مهر، سید عیسی مسترحمی، محمد امینی تهرانی، عباس علی واشیان، عباس الهی، محمد حسین صاعد رازی، علی کریم پور قراملکی، عبدالله جبرئیلی، حسن رضا رضایی، علی آقا صفری، محمدرضا حقیقت سمنانی، مهدی جهانی، علی رضا شاهین، محمداقبر ریاحی مهر، محمد جواد دشتی، محمد یعقوب بشوی، محمد عسکری ممتاز، عقیل یوسفی زارمی، سید مجتبی رحمانی، سید مجتبی رضوی اصیل، سیدرضی زکی مرتضوی، میثم ناظمی، علی فرهنگدیان، محمد حسین رفیعی، سید علی حسینی، سعید حسنی، حسین مرکزی مقدم، مجتبی انصاری مقدم، کامران اویسی، مهدی سازندگی، نجات یحیی، مجید ابوالقاسم زاده، عباس جوانشیر، علی اصغر کوراوند، محمدهادی منصوری، محمد حسین محمدی، علی محمد راهی، مهدی همتیان، ابوذر رجبی، حمید رضا کاظمی.

بانوان: زینب بهجت پور، زینب طیبی، نسترن بهرمان، منیژه کاشانی، محبوبه جوکار، معصومه حاجی مقصودی، مریم رمضانیان، نرگس رشیدی راوندی، سیده نفیسه حسینی واعظ، فاطمه طائبی، سمیه پاپی، حمیده کرمی، عفت رمضانیان، صدیقه بهرامی، فاطمه حسین آبادی، مریم افشارویگنی، حدیثه سلیمانی، فهیمه ربیعی، فاطمه قنبری، طاهره سادات ضیاء حسینی، فاطمه عطارد، مهدیه علوی فر، طیبه توکلی، سیده معصومه فاطمی، طاهره عبداللهی، زهرا فتحی، الناز جهان پور، راضیه شیرینی، پریوش علیزاده، فاطمه درویشی، صدیقه کاویانی.

۱۳. مراکز علمی همکار کنگره

۱. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها	۲. دانشگاه علوم اسلامی رضوی
۳. مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه‌های علمیه	۴. مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۵. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۶. مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۷. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>	۸. مؤسسه پژوهش‌های قرآنی المهدی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۹. پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی	۱۰. مرکز تخصصی کلام ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>
۱۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	۱۲. مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن
۱۳. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم	۱۴. دانشگاه میبد
۱۵. دانشگاه معارف	۱۶. انجمن‌ها و قطب‌های علمی حوزه علمیه قم
۱۷. رادیو معارف	۱۸. شبکه قرآن و معارف سیمای جمهوری اسلامی ایران
۱۹. مؤسسه مطالعات اسلامی	۲۰. مرکز تخصصی امام خمینی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>
۲۱. دانشگاه امام صاق <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۲۲. دانشگاه قم
۲۳. مرکز تخصصی تفسیر ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>	۲۴. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم اصفهان
۲۵. انجمن قرآن پژوهی حوزه	۲۶. دانشگاه علامه طباطبائی <small>رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ</small>
۲۷. جامعه الزهرا <small>عَلَيْهَا السَّلَام</small>	۲۸. مرکز مدیریت حوزه علمیه خاوران
۲۹. پژوهشگاه امام صاق <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	۳۰. سیلیویکا
۳۱. مؤسسه فتوح اندیشه	۳۲. دانشگاه آزاد اسلامی
۳۳. دانشکده شهید محلاتی	۳۴. دانشگاه فرهنگیان
۳۵. معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه	۳۶. دانشگاه اشرفی اصفهان
۳۷. نمایندگی المصطفی اصفهان	۳۸. پژوهشگاه المصطفی

۱۴. نشانی پایگاه اطلاع رسانی کنگره

<http://hamayesh.miu.ac.ir/hadith/fa>

نشانی کانال کنگره در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/Conferencegam2>

---

## سخن پایانی

---

در پایان لازم است از همه کارگزاران کنگره به ویژه مدیران محترم کمیته های علمی کنگره، معاونان محترم حجج اسلام دکتر امینی تهرانی و موسوی و اعضای دبیرخانه که با زحمات شبانه روزی و نویسندگان و ارزیابان محترم کتابها و مقالات و نیز همه کسانی که در آماده سازی آثار و برگزاری کنگره زحمت کشیدند به ویژه مسئول محترم انتشارات بین المللی المصطفی حجت الاسلام والمسلمین نویخت و همکاران انتشارات و ریاست امور مشترک مجتمع عالی امام خمینی رحمته الله علیه حجت الاسلام والمسلمین زهادت و به صورت خاص ریاست جامعه المصطفی عليه السلام العالمیه حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و معاون پژوهش المصطفی عليه السلام حجت الاسلام والمسلمین عبادی و نیز معاونت پژوهش حوزه های علمیه حجت الاسلام والمسلمین مقیمی که حمایت خاص از این کنگره نموده اند، تشکر کنم. اجرهم علی الله.

والحمد لله رب العالمین

مدیر علمی کنگره بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

محمد علی رضایی اصفهانی

۱۴۰۰/۸/۲۲



---

## مقدمه معاون علمی

---

بسم الله الرحمن الرحيم

هر روزی که سپری می‌شود و هر لحظه‌ای که به جلو می‌رویم برگه‌ای زرین از مدیریت داهیانه و حکیمانه ناخدای مدبر انقلاب اسلامی ایران مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای عنه‌السلام هویدا و آشکار می‌گردد.

یکی از این برگه‌های زرین و جلوه‌های درخشان مدیریتی ایشان «بیانیه گام دوم» انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران است. این بیانیه صحبت‌های بی‌پرده و شفاف یک مدیر و پدر دلسوزی برای فرزندان و ملت خود است که پس از طی زمانی ۴۰ ساله با همه سختی‌ها در حال عبور از مرحله‌ای سخت و ورود به مرحله مهم دیگری هستند که قرار است با پیمودن صحیح آن یک «پیچ تاریخی» در جهان معاصر اتفاق افتد.

بیانیه گام دوم آگاهی بخشی به منظور آماده کرده ملتی بزرگ برای مسئولیت‌های پیش روست. این بیانیه نقش راه انقلاب اسلامی ایران برای رسیدن به یک تمدن نوین اسلامی است. این بیانیه نشان از صداقت مدیری و رهبری فرزانه دارد که بدون تعارف همه خطرهای سختی‌های راه را برای روندگان آن، روشن می‌نماید و علاوه بر بیان نعمت‌ها و رویش‌های انقلاب اسلامی، ضعف‌ها و سختی‌ها را نیز بیان می‌نماید.

روشن و واضح است که بیانات و نوشته‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران متأثر از اندیشه‌های ناب ایشان است و این اندیشه‌های ناب در بستر قرآن و احادیث نورانی

اهل بیت علیهم السلام شکل یافته است. اندیشه‌هایی که از دوران کودکی و نوجوانی و جوانی تا میان سالی و بزرگ سالی همگی در اثر انس بسیار ایشان با قرآن و عترت شکل گرفته است. به یقین می‌توان گفت که برای همه عبارات ایشان در «بیانیه گام دوم» می‌توان مستندی از قرآن و حدیث یافت و به نوعی آن را با قرآن و حدیث ارتباط داد. وظیفه همه علاقه مندان به انقلاب اسلامی است تا ارتباط این بیانیه ارزشمند را با قرآن کریم بیش از پیش روشن نمایند و این امر مستلزم تلاشی در خور و شایسته است.

بر همین اساس کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب از منظر قرآن و حدیث در مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه و زیر نظر استاد فرزانه حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی که خود مفسری انقلابی و نواندیش است، شکل گرفت تا در این راستا به نوعی بیانیه گام دوم را با قرآن و حدیث بسنجد و مبانی و راهکارهای اجرایی این بیانیه را از قرآن و حدیث استخراج نماید.

در بررسی مقالات رسیده به کنگره مراحل متعددی طی شده است تا این کتب به حالت فعلی تبدیل شود. اگر چه ممکن است در رسیدن به این شرائط فعلی همه مقالات یکسان نباشند اما اهم مراحل که برای هر مقاله طی شده است را می‌توان در مراحل زیر معرفی نمود:

۱. ارسال مقاله توسط نویسنده به سایت کنگره
۲. ارزیابی اولیه چکیده توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۳. ارزیابی اولیه مقاله توسط مسئول ارزیابی جهت رفع اشکالات اولیه
۴. ارزیابی ثانویه توسط ارزیاب تخصصی
۵. برخی از مقالات دو یا سه ارزیاب داشته‌اند به خاطر تخصصی بودن
۶. ارسال فایل اصلاحات به نویسنده
۷. ارسال مقاله اصلاح شده توسط نویسنده به دبیرخانه
۸. رویت مقاله اصلاح شده توسط ارزیاب و تأیید نهایی

۹. ارسال مقاله به کمیته مربوطه
۱۰. ارزیابی مجدد در کمیته جهت بررسی چاپ در کتاب
۱۱. ارسال اصلاحات کمیته به نویسنده
۱۲. ارزیابی توسط معاون علمی و دبیر علمی کمیته
۱۳. رفع اشکالات و ارسال به دبیر کمیته توسط نویسنده
۱۴. تأیید نهایی مقاله توسط کمیته و چاپ در کتاب
۱۵. بررسی مقالات در سمیم جهت مشابهت‌یابی
۱۶. بررسی مجدد چکیده و یکسان‌سازی چکیده‌ها
۱۷. شکل دهی مقالات تأیید نهایی معاون و دبیر علمی
۱۸. ارسال برای انتشارات

امید است تا این فعالیت‌ها گامی در راستای رسیدن به تمدن نوین اسلامی را فراهم سازد و موجبات خشنودی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

قائم مقام و معاون علمی کنگره بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی ایران از منظر قرآن و حدیث

محمد امینی تهرانی

۱۴۰۰/۸/۲۲

---

## اعضاء کمیته گام دوم، سبک زندگی قرآنی و حدیثی

---

مدیر کمیته: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی آدریانی

دبیر کمیته: جناب آقای محمد زینلی

### اعضای کمیته:

حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم ملکی

حجت الاسلام والمسلمین حمید الهی دوست

حجت الاسلام والمسلمین محمد قربانی مقدم

حجت الاسلام والمسلمین محسن جلالی

جناب آقای محسن برقی کار

جناب آقای دکتر احمدی فراز

سرکارخانم زهرا توکلی

سرکارخانم زهرا سهرابی

---

## مقدمه مدیر کمیته

---

در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم همچون خونی تازه در رگ های انقلاب جریان یافت و افق پیش روی مردم و مسولان را ترسیم کرد؛ این بیانیه که از قلم یک مجتهد آگاه به زمان و سیاستمدار بی نظیر و مسلط بر اوضاع منطقه و جهان صادر شده بود، اولویت ها و ضروریات های علمی و اجرایی نظام را به خوبی تبیین نمود.

به لطف الهی، جامعه علمی واکنش های درخوری به این بیانیه نشان دادند که از جمله آن، برگزاری همایش های علمی بود. گنگره بین المللی "بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث" به همت و تلاش مدرسه عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی علیه السلام از بارزترین این فعالیت هاست که نظر به گستردگی موضوعات و دانش ها، در قالب کمیته های تخصصی فعالیت خود را دنبال کرد.

کمیته تخصصی سبک زندگی اسلامی در دو بخش "سبک زندگی مادی و معنوی" سامان یافت و با همت جامعه المصطفی علیه السلام نمایندگی اصفهان و مشارکت اعضای زیر کار خود را آغاز کرد:

اعضای کمیته سبک زندگی اسلامی - مجتمع آموزش عالی اصفهان		
ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت
۱	حجه الاسلام و المسلمین سیدامیررضا طاهایی	رئیس مجتمع آموزش عالی اصفهان
	دکتر محمدرضا ستوده نیا	دانشیار دانشگاه اصفهان
	دکتر محمدمهدی احمدی فراز	عضو هیأت علمی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی
۲	دکتر ابراهیم رضایی آدریانی	مسئول کمیته سبک زندگی اسلامی و رئیس مدرسه عالی علوم انسانی جامعه المصطفی اصفهان
۳	دکتر مرتضی فدایی	معاون محترم پژوهش و عضو هیات علمی نمایندگی اصفهان
۴	فتح الله دهقانی	معاون آموزش نمایندگی اصفهان
۵	محمد محبی اشنی	معاون فرهنگی - تربیتی نمایندگی اصفهان
۶	اسماعیل قاسمیان	رئیس اداره ارتباطات و بین الملل جامعه المصطفی اصفهان
۷	محسن برقی کار	رئیس مدرسه عالی علوم اسلامی جامعه المصطفی اصفهان
۸	زهرا توکلی	رئیس مدرسه عالی بنت المصطفی
۹	سید عبدالله موسویان	رئیس مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی جامعه المصطفی اصفهان
۱۰	حمید الهی دوست	مدیر گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی اصفهان
۱۱	دکتر محمد قربانی مقدم	مدیر گروه فقه و اصول و عضو هیات علمی نمایندگی اصفهان
۱۲	محمد زینلی خوزانی	دبیر کمیته سبک زندگی اسلامی

برگزاری نشست های علمی، کارگاه های علمی - پژوهشی، اختصاص نشریه های علمی به موضوع کنگره، فراخوان و دریافت مقالات، ارزیابی مقالات و در نهایت ساماندهی مجلد حاضر از جمله فعالیت های این کمیته بوده است.

آنچه رسالت جامعه علمی را در پرداختن به مقوله "سبک زندگی اسلامی" سنگین تر و انگیزه ها را فزون تر می کند تعبیر گلایه آمیز مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است که فرمودند: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی، زیان های بی جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان هاست.»

امید آن که کوشش جامعه علمی به ویژه دست اندرکاران این همایش، مورد رضای حق تعالی واقع شود؛ جا دارد از تمام مسئولان جامعه الصمطفی العالمیه علیه السلام و دست اندرکاران کنگره به ویژه استاد معزز حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضایی اصفهانی کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم.

ابراهیم رضایی آدریانی

مسئول کمیته سبک زندگی

کنگره بین المللی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن و حدیث

۱۴۰۰/۰۸/۱

## فصل اول

---

سبک زندگی مادی در آینه قرآن و حدیث

---



## از خانه تا شهر، سبک زندگی اسلامی - ایرانی از منظر آیات و روایات

محمد محیط آرا

### چکیده

سبک زندگی با مفهوم رایج شیوه زیستن از منظر آیات و روایات موضوع کلی مقاله با هدف اصلاح ابعادی از سبک زندگی و فضاهای مرتبط است. خانواده در جامعه اسلامی نقش اساسی بر عهده دارد و منشاء بسیاری از مسایل جامعه است. به نظر می رسد ایجاد تعادل و تعاملات اجتماعی بدون توجه به نهاد زیر بنایی خانواده نتیجه بخش نیست. تعامل و تعادل در خانه و خانواده زیر ساخت رسیدن به روابط اجتماعی متعادل از محورهای اساسی و مهم رسیدن به پایداری اجتماعی محله و شهر و جامعه اسلامی است.

با ورود مدرنیسم؛ شهر و خانواده اسلامی - ایرانی تحت تاثیر تمدن غرب دچار عدم تعادل هایی چون افزایش طلاق، کاهش ادب و احترام و اعتماد و... گردید و روند این تحولات منفی حتی با ورود به گام دوم انقلاب همچنان ادامه دارد. ضرورت توجه به این مساله حیاتی با رویکرد اصلاح سبک زندگی که درگام دوم بعثت اهمیت موضوع نیازمند به حرکت جهادی توسط جوانان ذکر شده است، تغییر ویا احیا بعضی ساختارها، فضاها، در خانه، خانواده، شهر و جامعه اسلامی نتیجه این بحث خواهد بود.

واژگان کلیدی: شهر اسلامی - ایرانی، خانواده، سبک زندگی، گام دوم انقلاب

## مقدمه، مساله

یکی از عینی ترین شاخص هایی که در حوزه جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان تفاوت های اجتماعی به کار برده می شود، مفهوم سبک زندگی است. این مفهوم اولین بار در سال 1929 توسط آلفرد آدلر، روانشناس اجتماعی، مطرح شد و پس از یک دوره افول، دوباره از سال 1961 مورد اقبال اندیشمندان، به خصوص جامعه شناسان، قرار گرفت. در این دوره سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزشها و نگرشها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیلهای اجتماعی روزبه روز افزایش میابد (ابادری، 1391). (اشتری فرد، ۱۳۹۷)

سبک زندگی با مفهوم رایج کنش ها و رفتارهای افراد، خانواده ها و عموم مردم همچون همچون تغذیه، اوقات فراغت، پوشش و.. از مسایل مهم و جدید یک دهه اخیر ایران پس از تاکیدهای فراوان مقام معظم رهبری مورد توجه محققان و علمای کشورمان قرار گرفته است. در محور هفتم بیانیه مهم گام دوم انقلاب اسلامی نیز اصلاح سبک زندگی مورد توجه ایشان بوده است. که به علت بسیاری سخن درباره سبک زندگی، پرداختن به آن به فرصت های دیگر واگذار شده است. اما حکیم انقلاب حرکت اساسی را متوجه جوانان نموده که با سبک زندگی غربی مبارزه ای هوشمندانه را آغاز کنند.

اهمیت و نقش فراوان مساله سبک زندگی در شرایط امروز جامعه سبب شده رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالهای قبل و دیدارهای مختلف نیز به میزان فراوانی که باید مورد توجه پژوهشگران و نخبگان قرار گیرد، پردازند. موارد مختصری از جهت یادآوری اهمیت موضوع سبک زندگی در نگاه ایشان و گام دوم آورده میشود.

. در دیدار با شاعران سال ۹۲ می فرمایند. جهاد اصلاح سبک زندگی - که عرض کردیم

متن تمدن اسلامی است. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار با شاعران، ۱/۵/۱۳۹۲،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23231>

در ۲۳ مهر ۹۱ در دیدار با جوانان خراسان شمالی بصورت مفصل مساله سبک زندگی را مورد توجه قرار می دهند و می فرمایند: یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از

سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن - اینها عبارةً اخرای یکدیگر است - این يك بُعد مهم است؛ این موضوع را می‌خواهیم امروز يك قدری بحث کنیم. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است.

(امام خامنه ای، بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>)

رهبر معظم انقلاب ابعاد بسیار متنوعی از سبک زندگی خانوادگی و اجتماعی را در سخنرانی دیدار با جوانان خراسان شمالی مورد توجه قرار می‌دهند که برخی از آنها عبارتند از افزایش طلاق - افزایش اعتیاد جوانان - روابط همسایگی - صله رحم - فرهنگ رانندگی - آپارتمان نشینی و میزان ضرورت و درستی یا نادرستی و الزامات آن - چگونگی نوع معماری و تناسب با نیاز ما - طراحی لباس - آرایش مردان و زنان - تفریح سالم - راستگویی در جامعه - رعایت حقوق اعضای خانواده - و...

معظم له در ادامه ضمن نقد ظواهر تمدن غرب و توجه به باطن فرهنگ و سبک زندگی غرب شرط رسیدن به تمدن نوین اسلامی عدم تقلید از سبک زندگی مادی گناه آلود و ضد معنویت غرب و اصلاح تدریجی سبک زندگی در لباس، مسکن و.. توسط فرهنگ سازان و نخبگان است.

با توجه به اینکه سبک زندگی از محورهای گام دوم انقلاب اسلامی است. و در یک دهه گذشته رهبر حکیم و معظم انقلاب بر اصلاح سبک زندگی و عدم پیروی از سبک زندگی تاکید زیادی داشته اند و موارد متعددی بر ساختارهای کالبدی و معماری شهرها همچنین ضرورت و درستی و نادرستی آپارتمان نشینی و یا نوع معماریها و تناسب با نیازها تاکید داشته اند. برای تحقق این امر و یعنی رسیدن به سبک زندگی اسلامی - ایرانی تغییر فضاها و

کالبدشهر از خانه ها و محلات و.. و متناسب سازی با رفتارها و فعالیت های لازم سبک زندگی اسلامی ایرانی همچون عبادات، رعایت حریم ها، صلّه ارحام، مناسک و مراسم و... یک ضرورت است. که در این پژوهش با روش پیمایشی و توصیف و تحلیل به بررسی معیارهایی از تعامل خانوادگی و اجتماعی در تعدادی از محلات شهر قم پرداخته شده است.

**شهرکامل:** شهری است که ارکان پایداری اجتماعی و فضایی در آن با توجه به اصول فردی، خانوادگی و اجتماعی دین اسلام در سه سطح فضایی: خانه، محله و شهر با نقطه کانونی و وحدت بخش مسجد بعنوان قلب آن در هر سه سطح اجتماعی: خانواده، همسایه و مردم یا جامعه با مفهوم عمیق تر و متعالی تر "امت" در جهت ایجاد آسایش و کمال به پایداری می رسند.

#### پیشینه

پژوهش های فراوانی در مورد سبک زندگی در سالهای اخیر و پس از تاکیدهای حکیم و رهبر انقلاب از اوایل دهه ۹۰ شمسی انجام شده است. اما پژوهش انجام شده در مورد ارتباط سبک زندگی با ساختارهای کالبدی و فضایی همچون خانه و محلات و... اندک است و نیاز توسعه کمی و کیفی این پژوهش ها وجود دارد. که در ذیل چند مورد بررسی می شود.

(مشکینی، ابوالفضل؛ رضایی مقدم، علی؛ ۱۳۹۳) در پژوهشی با نام بررسی مولفه ها و شاخص های شهر اسلامی با تاکید بر نقش و اهمیت فرهنگ سازی در تحقق الگوی شهر اسلامی - ایرانی "با هدف و منظور تجلی ارزش ها در کالبد شهردنبال شناسایی ارزش هایی هستند که بتواند هویت یک مجتمع اسلامی را نمایش دهد. از نگاه آنان مسجد محوری، درون گرایی، محله محوری و طبیعت گرایی شاخص هایی هستند که می تواند بار نمایش تاثیر در ساخت محیط را انجام داده و مانع استحاله شهرهای اسلامی شوند.

(اشتری فرد، ۱۳۹۷) در پژوهشی با هدف طراحی الگویی با سبک زندگی اسلامی - ایرانی برای شهروندان تهرانی هستند. سه محور سبک زندگی عبادی، سبک زندگی فردی و

خانوادگی و سبک زندگی اخلاقی و اجتماعی پژوهش آنان و منابع مکتوب اسلامی آنان قرآن، نهج البلاغه و میزان الحکمه و دیدگاههای بزرگان همچون رهبر فرزانه مقام معظم رهبری جهت تعیین الگوی سبک زندگی اسلامی - ایرانی شهروندان تهران و مولفه ها و شاخص ها بوده است.

(انصاری، ۱۳۸۱) در این پژوهش محور اصلی کار نقش اجتماعی محله است پژوهشگر معتقد است اسلام اسلام بعنوان یک ایدیولوژی کامل و فراگیر کلیه ابعاد زندگی اجتماعی و انسانی تحت تاثیر قرار داده و موجب دگرگونی شکل منازل و چهره شهرها شده است. و شکل فیزیکی شهرها اغلبا انعکاس ساخت اجتماعی آنهاست. در این تحقیق احیای فرهنگ معماری و جستجو برای هویت جدید معماری ایرانی - اسلامی از مسولیت های مهم معماران و شهر سازان است. تا فرهنگ غنی و اصیل در سیمای کالبدی و دیده شود.

#### تحولات خانواده

خانواده به عنوان کانون اصلی پرورش و تربیت انسان از دوران کودکی تا بزرگسالی نقشی بی بدیل در ساخت جامعه بازی می کند و کلید دست یابی به این کانون مقوله ازدواج است، این در حالی است که در دهه های اخیر ازدواج در جوامع مدرن به طرق مختلف به چالش کشیده شده است. جوامع مدرن با کنار گذاشتن مقوله ازدواج به عنوان یک اصل دینی و اجتماعی با مشکلات زیادی روبه رو شده اند. یکی از اصلی ترین تبعات از بین رفتن شکل سنتی خانواده، ظهور خانواده های تک نفره و رواج انواع خاصی از خانواده های تک والدینی است که هر کدام اثرات ویژه خود را دارند. (مشرق، ۱۳۹۶) خانواده های مدرن محصول سبک زندگی غربی به شدت جامعه اسلامی و ایرانی ما را تحت تاثیر قرار داده و هر روز بیش از قبل تهدید می کند.

در جوامع مدرن امروزی خانواده دارای ساختاری تناقض گونه و یادر تعارض با جامعه قرار گرفته است و رابطه این دو فقط رابطه ای تعامل گرایانه است. و با فردگرایی افراطی به سمت تخریب همبستگی خانوادگی می رود. (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳) در فرهنگ اسلامی خانواده

اهمیت و کارکردهای بسیاری دارد و حتی اساس جامعه نامیده می شود. و تعامل درون خانوادگی را می توان زیر ساخت و مقدمه تعامل درون اجتماع دانست. بسیاری از ناهنجاری ها و عدم تعامل های جامعه نتیجه مشکلات و یا کاستی های موجود در خانواده است خانواده نهاد زیر بنایی جامعه و اجتماع است. بدون خانواده هایی که اهل آن اهل مدارا و احترام و همکاری باشند امکان رسیدن به تعاملات اجتماعی مطلوب نیز میسر نخواهد بود به نظر می رسد تنظیم مناسبات و تعاملات اجتماعی بدون توجه به نهاد زیر بنایی خانواده نتیجه کافی نخواهد داشت. و این موضوع مهمی است که در برنامه ریزی و طرح های شهری غالباً مغفول و یا کم اهمیت مانده است.

درفرنگ و متون شریعت اسلامی برخلاف تمدن غرب که نسبت به خانواده - دیدگاه تاریخی و غیر هدفمند و یا متناسب با نظریه تکامل داروین غیر هدفمند و تصادفی است -، خانواده دارای اصالت و هدفمندی مبتنی بر فطرت بشر و قانون زوجیت و مکملیت مرد و زن از آغاز آفرینش شکل گرفته است.

در گذشته نزدیک، جامعه ایرانی "خانواده محور" بود و شبکه خویشاوندی در آن استحکام بالاتری داشت. خانواده در پناه حمایت ارزش های دینی و در پیوند با ساختار اقتصادی و سیاسی محکم ترین دژ جامعه محسوب می شد. اگرچه طلاق وجود داشت اما پدیده ای نادر بود. سن ازدواج برای دختران عموماً بین ۱۲ تا ۱۵ سال و برای پسران ۱۷ تا ۲۰ سال بود. خانواده مهم ترین تأمین کننده نیازهای فردی و جمعی محسوب می شد و دارای کارکردهای گسترده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بود روابط بین اعضای خانواده بر اساس سلسله مراتب مردسالارانه تنظیم می شد. فرزندان در فعالیت های اقتصادی خانواده نقش و مسئولیت داشتند. (فوکو، ۱۳۸۴: ۱۱) در دوره رضاشاه با تکمیل فرآیند شکل گیری دولت ملی مدرن، برنامه های مدرن سازی، نوسازی و توسعه دیوان سالاری به شدت بر ابعاد خانواده ایرانی تأثیر گذاشت. در دوران انقلاب مشروطیت، با گسترش سواد، دادوستد ایران و اروپا، انتشار مطبوعات، نشر کتاب، بسط آگاهی های اجتماعی و بسیاری تحولات دیگر، به

تدریج جایگاه موقعیت و معنای زن در ایران تحول یافت و این تحول به نوبه خود بر طرز کار خانواده و چگونگی روابط بین دو جنس تأثیر گذاشت. (فاضلی، ۱۳۹۱، ص. ۳۵-۳۷) در جریان مدرنیسم و نوگرایی با صرف هزینه فراوان زمینه ایجاد تغییر خانواده اسلامی-ایرانی در برنامه‌های فرهنگی گسترده و برنامه‌ریزی شده همچون جشن‌ها و مناسبات و رسانه و... بر طبق اصول و مبانی جریان مدرنیسم در کشورهای هدف همچون ایران به عنوان مقدمه تسلط سیاسی-اقتصادی به صورت جدی دنبال می‌شد و امروزه رسانه‌های جادویی جهانی در ایجاد هم‌زنی جهانی و جهانی سازی در جهت اهداف سلطه جویانه بشدت دنبال می‌کنند. اگر بر ناپایداری‌های زیست‌محیطی و آلودگی‌ها در دهه‌های آینده بتوان غلبه کرد اما به نظر می‌رسد برای غلبه بر ناپایداری‌های اجتماعی و خانوادگی راه دشوارتری در پیش است. اگرچه در جهان مدرن تقریباً همه بر مقابله بر ناپایداری‌های زیست‌محیطی به توافق رسیده؛ اما در حوزه اجتماعی و خانواده چالش بین دو طیف طرفداران خانواده‌های سنتی و طیف طرفدار تحولات مدرنیته خانواده هنوز جدی است.. (Blankenhorn, 1981 خانواده سنتی کاستی‌هایی دارد که نمی‌تواند به تقاضای انسان امروز پاسخ دهد. اما خانواده مدرن نیز چالش‌های فراوانی را پیش روی انسان قرار داده و مشکلات اجتماعی و عاطفی بسیاری را ایجاد کرده است. (فاضلی، ۱۳۹۱، ص. ۳۱)

به هر حال خانواده ایرانی با همه ریشه‌دار بودن در یک صد سال اخیر به ویژه در چند دهه اخیر با فراگیر شدن رسانه‌های دیجیتال دچار تغییرات و تحولات جدی در معنا و بعد و مکان و کارکرد و... شده است. و در خانواده‌های پای بند به مذهب این تغییرات در صورت تعارض داشتن با مذهب کمتر و یا حداقل است. همچنان که در ساختن شهر اسلامی-ایرانی نیاز به شناخت عمیق و ارزیابی اصول حاکم بر آن‌ها داریم در پایدار ساختن خانواده اسلامی - ایرانی نیز باید همین راه پیماییم و خانواده سنتی و اصول پایدارکننده حاکم بر آن را از نو بشناسیم و برای روزگار جدید احیاء کنیم و یا به کشف اصول جدید در گنجینه متون اسلامی بگردیم. چراکه ساختن و شناختن شهر اسلامی بدون خانواده اسلامی-ایرانی میسر



نیست. و شهر پایدار اسلامی - ایرانی بر خانواده‌های پایدار استوار است. و شاخصه‌های خانواده پایدار همان شاخصه‌های شهر پایدار در مقیاس خیلی کوچک‌تر است. تعداد کمتری یا چند صد و یا چند هزار خانواده‌های پایدار محله پایدار را شکل می‌دهند و چند و یا ده‌ها محله پایدار شهر پایدار خواهند ساخت. البته به شرط که همان سلسله‌مراتب‌ها به وجود آید. تا احساس تعلق قوی شود.

### خانه پایدار (کامل) در سبک زندگی اسلامی

ساختار و فضای کالبدی شهر اسلامی از خانه تا محله و شهر معمولاً در هماهنگی و همصدایی برای رسیدن و رساندن به یک هدف آن هم بوجود آمدن مکان و فضایی که آسایش لازم را برای زندگی مردم مسلمان در راه حرکت بسوی مقصد و هدف نهایی آن یعنی رشد و کمال فراهم کند. به نظر می‌رسد همه صفات و ویژگی‌هایی که در انسان مسلمان و مؤمن همچون ذکر، تواضع، تعادل، حیا، کرامت و... باید تجلی یابد تا به سمت کامل شدن و کمال یافتن برود. محل زندگی و سکونت و حرکت او نیز باید این بار بدوش بکشد و کالبد شهر و خانه نیز همواره یادآور و تداعی‌کننده این صفات و مشوق امت اسلامی در راه کسب این صفات و نظم ضروری باشد. معماران و شهرسازان مسلمان و اهل ذکر در قرون گذشته این حقایق را ذره ذره در کالبد و فضای شهرها ساری و جاری ساخته‌اند. وسعی کرده‌اند اصول و فروع دین اسلام را در فضای کالبدی خانه و محله و شهر متجلی کنند و نظمی در هماهنگی با نظم حاکم بر جهان و نظم حاکم بر زندگی انسانی که می‌خواهد خلیفه خدا باشد بوجود آورند. همه اجزای شهر مسلمانان باید در راه رسیدن به هدف نهایی زندگی مسلمانان بسیج و هماهنگ باشند (نقی زاده، محمد، ۱۳۹۰)

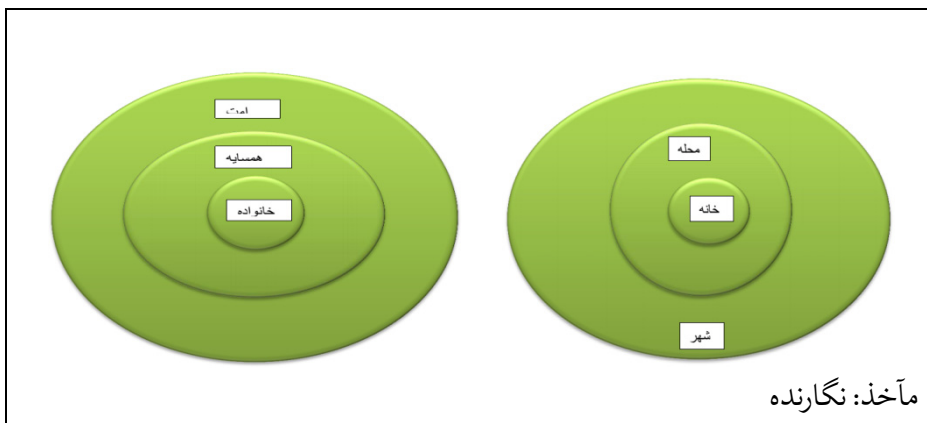
کالبد شهر اسلامی بدور از اجزا و عناصری که تجلی کالبدی دارند و در نقطه و یا بخش خاصی متمرکز می‌شوند، متشکل از محلات و بخش‌های مسکونی است که سازگاری مناسبی با هم دارند در این ساختار و کالبد بیش از اینکه به مصرف بیشتر کالا و محصولات توجه شود، به رفاه [آسایش] انسانی و تعالی معنوی ساکنین پرداخته می‌شود. به بیان دیگر، به

عکس تنوع موجود (که برای دسترسی به رفاه و آسایش مناسب و ارتقا کیفی محیط لازم است) وحدتی خاص در این فضا حاکم است، وحدتی که ناشی از قالب‌ها و فضاهاست و ربطی به مصالح، الگوها و ابعاد ندارد. در شهر اسلامی اگر از تجربیات دیگران استفاده می‌شود، بیشتر روش و تکنیک است. حال آن که اصول و ارزشها از دل فرهنگ اسلامی بدست می‌آید. (نقی زاده، ۱۳۷۷)

اسلام به خانه به عنوان محل سکونت و آرامش انسان توجه ویژه‌ای نموده و برای خانه شرایط ویژه‌ای قائل شده است. در این دیدگاه خانه جایی است که تمامی نیازهای انسان از قبیل استراحت، تغذیه، پذیرایی از مهمان، تربیت فرزند و عبادت مرتفع است؛ بنابراین سکونت در خانه با معیارهای اسلامی در رشد و تعالی انسان و شکل‌گیری رفتارهای فردی و اجتماعی تأثیر بسزایی دارد. (میرمیران، ۱۳۹۲، ص. ۳۹۲)

یکی از ضروریات تشکیل خانواده پایدار وجود خانه پایدار است. اگرچه تشکیل خانواده مقدم به نظر می‌رسد اما برای پایدار ماندن وجود خانه یک ضرورت است. کیفیت محیط خانه باید نیازهای جسمی و روحی روانی از جمله امنیت و ایمنی را فراهم کند.

### شکل (۱) - مدل جایگاه خانه و خانواده در جامعه و شهر اسلامی - ایرانی



برخی از شاخصه‌های مهم خانه یا مسکن در فرهنگ اسلامی با توجه به متون

### جدول شماره (۱) مسکن مطلوب (کامل) شهر اسلامی - ایرانی

برخی از ویژگی‌های مسکن اسلامی - ایرانی از منظر معصومین ع و قرآن کریم	
امنیت و ایمنی	<p>- رسول خدا ﷺ: سه گروه اند که خداوند عزوجل تو آن‌ها را دوست ندارد؛ مردی که در خانه خراب منزل کند و مردی که در مسیر سیل منزل کند و...</p> <p>- قرآن کریم: خداوند، خانه‌هایتان را محل آرامش و استراحت قرارداد. (سوره نحل، آیه ۸۰)</p> <p>- امام صادق علیه السلام: هرکه با کاستن مواد، ساختمانی بسازد، پاداش داده نمی‌شود. مجلسی، ج ۷۶، ص ۱۵۰</p> <p>- رسول خدا ﷺ کسی که در خانه خراب سکونت گزیند نباید انتظار داشته باشد خداوند حافظ او باشد. (صدوق، ج ۷۲، ص ۶۹)</p> <p>- پیامبر خدا ﷺ سرک کشیدن در خانه همسایه را نهی فرمودند (مجلسی، ۱۳۳۹، ص ۲۷۷)</p>
همسایه مداری	<p>- توصیه امام سجاد درباره حقوق همسایه: یاری و کمک به او - عدم تجسس برای یافتن اسرار او - حفظ اسرار او - فرونگذاشتن او در سختی‌ها - حسد نورزیدن به او - گذشت از لغزش‌های او - بردباری در برابر ناملایمات او - نیکو سخن گفتن با او (نراقی، ۳۹۳)</p> <p>- رعایت نکردن حقوق همسایه انسان را مصداق همسایه بد می‌کند. و همسایه بد شدیدترین بلا است. (نراقی، ۴۰۲)</p> <p>- از نشانه‌های پیروان ما، رسیدگی به همسایگان نیازمند، تهیدست، بدهکار و یتیمان است.</p> <p>امام محمدباقر علیه السلام (کافی، ج ۲، ص ۷۴)</p> <p>- باکسی همسایه شو که از وی در امان باشی و خوبی خود را از تو مضایقه نکند (هدایه العلم، ص ۹۶)</p> <p>- کسی که با همسایه‌اش خوش رفتاری نکند و همسایه‌اش از شر او در امان نباشد، از ما اهل بیت نخواهد بود امام رضاع و امام صادق ع (بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۵۱)</p> <p>- حسن همسایگی خانه‌ها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند. امام صادق علیه السلام کافی، ج ۲، ص ۶۶۷</p>
وسعت	<p>- بزرگی خانه نشانه‌ای از خوشبختی است (مجلسی، ج ۷۶، ص ۳۰۳)</p> <p>- زندگی واقعی درگرو برخورداری از مسکن با وسعت است. (مجلسی، ج ۷۳، ص ۱۵۳) از توصیه‌های پیامبر ﷺ به امام علی (علی)</p>

<p>- از جمله نعمت های این دنیایی خانه فراخ است. (صالحی، ۱۶۰)</p> <p>- شرافت خانه مسلمان در فراخی و وسعت است. (المحاسن، ۱۶۰) (امام صادق زندگی از قول امام علی ع)</p> <p>- از ناگواری زندگی تنگی خانه انسان است. امام صادق <small>علیه السلام</small> کلینی، ج ۶، ۵۲۵</p> <p>از خوشبختی مسلمان، داشتن خانه وسیع و همسایه شایسته است. (پیامبر ص) صدوق، خصال، ج ۱، ص ۲۰۱</p>	
<p>- توصیه پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در خصوص زدودن تار عنکبوت و جاروب کردن داخل و برون خانه حلیه المتقین، ۴۱۳</p> <p>- خاک و خاکروبه را پشت در اتاق (یا خانه) نریزید که آن پناهگاه شیطان (میکروب) است. پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> مجلسی، ج ۷۳، ص ۱۷۵</p> <p>- شستن ظروف و رفت و رروب حریم خانه باعث جلب روزی است. امام صادق <small>علیه السلام</small> طبرسی، ج ۱، ص ۲۷۷</p>	<p><b>بهداشت</b></p>
<p>- قرآن کریم: شما که ایمان دارید به خانه هیچ کس غیر از خانه های خود داخل نشوید تا آنکه آشنایی دهید ویر اهلش سلام کنید این برای شما بهتر است امید است که پند گیرید. ه سوره نور، آیه ۲۷</p> <p>- رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> هر کس در حریم گروهی چشم انداخت، خدا برای او تمام نمی گرداند در حالی که گناهکار است. در حالی که گناهکار است. (کلینی، ۱۳۹۰، ص ۵۲۶)</p> <p>- نهی از نظر کردن در خانه همسایه (پیامبر کرم ص) (مجلسی / حلیه المتقین، ۴۱۴)</p>	<p><b>محرمیت</b></p>

اسلامی و توصیه قرآن کریم و معصومین علیهم السلام آورده شده است برای شکل گیری و احیا سبک زندگی اسلامی وجود فضا و کالبد متناسب با فطرت که همان دستورالعمل های امروز مورد توجه قرار گرفته و ارتباط و کنش های متقابل انسان با مسکن و محل زیست خود از ابعاد مختلف و متعددی امروز مورد مطالعه پژوهشگران و حتی فیلسوفان و اندیشمندان است به نظر می رسد بخش مهمی از تغییرات سبک زندگی مربوط به فضای خانه و کالبد شهرها و محله بر میگردد که در شهر های مدرن امروز و خانه های متراکم ساخته شده مبتنی بر اصول مدرنیسم که اقتصاد و منفعت و فرد گرایی محور بسیاری از ساخت و سازها است. زندگی را برای خانواده های اصیل و سنتی محدود تر میکند.

بنابراین اولین قدم یا اولین قدم ها و گام های دوم انقلاب برای برداشتن یک گام مهم در تغییر سبک زندگی غربی و بازگشت به اصل و احیا روابط و کنش های لازم فطری بین انسان و مسکن و محل زیست خود تغییر در ساخت خانه ها و کالبد و فضای محل زیست است اصولاً بخش از تمدن سازی تغییر در چیدمان فضا و محل زیست و شکل دهی ساختار های کالبدی و فیزیکی جدید است این به معنای ساخت خانه های قدیمی نیست بلکه احیا اصول حاکم بر همچون درونگرایی، رعایت سلسله مراتب ها و تعادل های مورد نیاز و... است. و یا ساخت مسکنی که ارتباط انسان با طبیعت، خدا، همسایگان، خویشان نه تنها از بین نبرد. بلکه تقویت کند.

#### خانواده پایدار (کامل) در سبک زندگی اسلامی

از بدو پیدایش انسان بر روی کره زمین همواره مردان و زنان، با تشکیل کانونی به نام خانواده عمری را در کنار یکدیگر گذارنده و فرزندان در دامن پر مهر خویش پرورنده و از این جهان رخت بر بسته اند. طبیعی ترین شکل خانواده، همین است که هیچ عاملی جز مرگ نتواند پیوند زناشویی را بگسلد و میان زن و شوهر جدایی افکند. کوشش مصلحان جامعه - مخصوصاً پیامبران خدا - این بوده است که نظام خانواده یک نظام مستحکم و پایداری باشد و هیچ عاملی نتواند این کانون سعادت را متلاشی کند. (بهشتی، ۱۳۸۷)

یکی از عوامل بیگانگی انسانها از یکدیگر احساس غربت در زندگی نادیده گرفتن رابطه طبیعی و قراردادهای اصیل اجتماعی میان انسانهاست. ضررهای این گسیختگی در شاخه های اصلی درخت "دودمان" مانند پدران و مادران و خواهران و برادران روشن تر از آن است که نیازی به گفتگو داشته باشد. در آن هنگام که پدران و مادران به دوران کهنسالی و بازنشستگی می رسند و احتیاج شدید به عواطف فرزندان خود دارند با حیوانات و در و دیوار خانه و حداکثر باغی که چند بار آنرا دیده و سیر شده اند، انس می گیرند. (جعفری

جایگاه خانواده در سبک زندگی اسلامی - ایرانی و سبک زندگی غربی به مقدار زیادی متمایز و متفاوت شده است. در فرهنگ و سبک زندگی اسلامی نهاد خانواده دارای جایگاهی بسیار ارزشمند و مهم است و همواره بر استحکام و تقویت آن تاکید می شود. اما شرایط و سبک زندگی مدرن غربی به سرعت در حال اثر گذاشتن بر خانواده اسلامی - ایرانی همچون خانواده در تمدن غربی است فروپاشی شدید خانواده ها و شکل گیری مدل های بسیار ناسازگار با جامعه اسلامی و حتی انسانی از خانواده در جوامع غربی - تغییر و سلسله مراتب و جایگاه افراد خانواده و حقوق افراد خانواده - تضعیف رعایت ادب و احترام - کاهش امنیت و صمیمیت بین اعضای خانواده و... مسایل متعدد همچون نوع بهره مندی از پوشاک، خوراک، اوقات فراغت و... دیگر که خانواده امروز را تهدید می کند، در گام دوم انقلاب شناخت و چگونگی رسیدن به الگوی مطلوب و تراز خانواده اسلامی از منظر ساختاری و کمیت و روابط و همدلی اعضا و وابستگان و خویشان و در واقع پیاده سازی همان دستورات و اصول همچون صله ارحام در شرایط و شهرهای امروز مورد توجه جدی قرار گیرد. تغییر در ساختارهای فیزیکی و اقتصادی برای تسهیل شکل گیری خانواده های گسترده یا خانواده هایی که شرایط و تعاملات خویشاوندی فراموش نشوند و فرزندان نسبت های فAMILIARY متفاوت همچون عمو، خاله، عمه، دایی و... را درک کنند. بخشی از شرایط حفظ و تقویت خانواده اسلامی - ایرانی در شرایط تهدید کننده دنیای امروز است. تغییر در محتوای آموزشی متناسب با خانواده و خانواده محور شدن تمام برنامه های توسعه و پیشرفت کشور برای اصلاح سبک زندگی غربی و مخرب کنونی بعنوان یک راهبرد مهم در گام دوم انقلاب باید مورد توجه جدی قرار گیرد. اصلاح و تنظیم روابط متناسب با فطرت و وحی و فرهنگ اسلامی - ایرانی در خانواده زمینه تعاملات بهتر خانوادگی و پایداری خانواده و سپس ارحام و همسایگان و جامعه را سبب خواهد شد.

جدول شماره (۲) مستندات قرآنی و روایی شاخص های خانوادگی و اجتماعی در شهر اسلامی

مستندات	شاخص	مؤلفه
<p>- رسول خدا ﷺ: نزدیک ترین شما به جایگاه من در قیامت، نیکوترین شما از جهت اخلاق و سودمندترین شما نسبت به خانواده خویش است. (عیون الاخبار الرضا ﷺ، ص ۱۰۳) (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۸)</p> <p>- رسول خدا ﷺ: آدمی پس از ایمان به خدا به چیزی برتر از همسر همدل دست نمی یابد. مستدک الوسائل ۱۶۳/۱۴ (سیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۵)</p>	تعامل خانوادگی	
<p>رسول خدا ﷺ: ای علی همسایه را گرمی بدار اگرچه کافر باشد. جامع الاخبار، ص ۸۴</p> <p>امام باقر علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام خواندم (( رسول خدا ﷺ بین مهاجرین و انصار و اهل مدینه بخشنامه کرد)) که: همسایه مانند خود انسان است از هرگونه زیان و گناه باید مصون باشد. و حرمت همسایه بر همسایه مانند حرمت مادر است (الکافی، ج ۲، ص ۶۶۶)</p>	صمیمیت با همسایگان	روابط خانوادگی و تعامل اجتماعی
<p>امام صادق علیه السلام: از آنچه امام صادق حلال کرده است. چیزی نزد او منفورتر از طلاق نیست. (مصطفوی، سید جوادی)</p>	طلاق	
<p>- رسول خدا ﷺ: از ما نیست کسی که به اهل و مال مسلمانی خیانت کند. /- امام علی علیه السلام: همسایه بد بزرگترین رنج و سخت ترین بلاهاست / رسول خدا خطاب به امام علی علیه السلام: همسایه بد کمرشکن است. (علامه مهری، ۱۳۸۹، ص ۸۴)</p>	اعتماد بین همسایگان	
<p>قرآن کریم: خدا را بپرستید و چیزی شریک او قرار ندهید و با پدر و مادر و خویشاوندان، یتیمان، مستمندان، همسایه خویش و همسایه بیگانه، دروست موافق، ره ماندگان و بردگانی که مالکشانیید، نیکی کنید زیرا خدا متکبران فخر فروش را دوست ندارد. نساء، آیه ۳۶</p> <p>- رسول خدا ﷺ احترام همسایه بر انسان مانند احترام مادر بر او واجب است.</p> <p>- امام علی علیه السلام: رسول خدا بر حرمت هیچ چیز مثل حرمت هم نشین و همسایه تأکید نداشت. (علامه مهری، ۱۳۸۹، ص ۳۶)</p>	ادب و احترام بین همسایگان محله	

<p>-امام صادق <small>علیه السلام</small>: از ما نیست کسیکه بزرگسال ما را احترام نکند و بخردسال ما ترحم ننماید. (کلینی م. ب. ص. ۲۴۰) -رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>: بدترین مردم مرد سخت گیر بر خانواده است. شخص پرسید: ای رسول خدا، مراد از سخت گیری بر خانواده چیست؟ گفتند: مرد هرگاه وارد خانه شد، همسرش بترسد و فرزندش بهراسد و بگریزد و هرگاه از خانه بیرون رفت، همسرش بخندد. (علل الشرایع، ص ۲۱۰) (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص. ۲۴۰)</p>	<p>ادب و احترام در خانواده</p>	
<p>-قرآن کریم: در حقیقت نخستین خانه‌ای که برای عبادت مردم نهاده شده‌مان است که در مکه است و مبارک و برای جهانی‌ات مایه هدایت است. سوره آل عمران، آیه ۹۶</p> <p>-قرآن کریم: و چون خانه کعبه را برای مردم محل اجتماع و جای امنی قرار دادیم... بقره آیه ۱۲۵ - ۱۲۶</p>	<p>نقش اجتماعی مسجد در محله</p>	
<p>رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> داناترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند و خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند. بحار الانوار/ج ۵۳ / ۷۲</p> <p>رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> پروردگارم همانگونه که مرا به انجام واجبات فرمان داده، به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است.</p>	<p>پذیرش فرهنگ های دیگر</p>	
<p>پیامبر خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>: هرگاه قطع رحم همگانی شود دارایی در دست اشرار قرار می گیرد. الکافی. ج ۲. ص ۳۷۴</p> <p>امام صادق <small>علیه السلام</small>: صله رحم و حسن همجواری، شهرها را آباد و عمرها را طولانی می کند. الکافی. ج ۲، ص ۱۵۲</p> <p>امام صادق ع: مردی که از عمرش سی و سه سال مانده قطع رحم می کند، پس خداوند آن را به سه سال کاهش می دهد. الکافی، ج ۲، ص ۱۵۳</p> <p>امام صادق ع: صله رحم و حسن همجواری سرزمین‌ها را آباد و عمرها را طولانی می کند. مفاتیح الحیاه، ص ۳۴۳</p>	<p>صله ارحام</p>	

مأخذ: نگارنده



### - جامعه پایدار در سبک زندگی اسلامی

اندیشمندان اجتماعی یکی از نخستین شروط شکل‌گیری محله را وجود تعاملات و روابط چهره به چهره افراد می‌دانند. این نظریات متأثر از نظریات چارلز هورتون کولی بود که بر روابط گروه اختیاری نخستین و حضورشان در محله تأکید می‌کرد. (یزدانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۸)

هیچنانکه تعامل خانوادگی بن‌مایه وزیر ساخت رسیدن به تعامل اجتماعی در محله و شهر اسلامی می‌دانیم تعامل اجتماعی نیز از محورهای اساسی و مهم رسیدن به پایداری اجتماعی محله و شهر اسلامی است. موضوعی که در بسیاری از تعارف‌های ارائه‌شده از محله به‌وفور دیده می‌شود روابط چهره به چهره و تعاملات اجتماعی ساکنان محله است. با افزایش روابط اجتماعی در سطح محله زمینه اعتماد بین افراد و همسایگان نیز به وجود می‌آید.

در فضای محلات سنتی سطح تعاملات و روابط اجتماعی نسبت به محلات مدرن و یا فضاهای مسکونی جدید در حد قابل توجه و غیرقابل‌انکاری بالاتر است و اصولاً محلات سنتی بر پایه همین روابط همسایگی گرم و اعتماد اجتماعی بالا بسیاری از مشکلات را با کمک یکدیگر حل می‌کنند. در صورتی که محلات سنتی در سایه اصول و دستورات دینی همچون شهرهای اسلامی - ایرانی نیز باشد قاعداً باید سطح بالاتری از این اعتمادها و تعاملات شاهد باشیم. مسجد نقطه کانونی محلات سنتی نقش قابل توجهی در افزایش تعاملات و اعتماد اجتماعی بین همسایگان به دلیل افزایش کنش‌های اجتماعی از یک سو همچنین دستورات فراوان اسلام در این موارد ایفا می‌کند.

اگر نمونه‌هایی از ابعاد اخلاق اجتماعی و دیدگاه دین اسلام و مذهب تشیع در مورد رفتار افراد و جایگاهشان در جامعه و سایر هم‌نوعان اعم از خویشان و همسایگان و برداران و خواهران مسلمان و سایر انسان‌ها از هر کیش و آیینی را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد. با دامنه‌ای بسیار گسترده از موضوعات و مطالب روبرو خواهیم شد که در ظرفیت این پژوهش نخواهد بود؛ اما آنچه کلان‌شهر نشین‌های امروزی برای دستیابی به الگویی از تعاملات اجتماعی برای ساختن شهرهایی پایدار بدان

نیازمندند. خارج از نیازها و مطالبات فطری انسان نخواهد بود، و بهترین اصول و دستورات نیز همان است که آفریدگار انسان از مسیر وحی به او دستور داده است.

جدول شماره (۳) اصول دین اسلام در جهت ایجاد و تقویت تعاملات اجتماعی

پیامدها در جهت تعامل اجتماعی	برخی از اصول دین اسلام در روابط اجتماعی و توضیحات	
بهترین رفتار با دیگران	"فرزندم در روابط اجتماعی خویشتن خویش را معیار سنجش قرار ده و با دیگران آن گونه باش که انتظار داری آنان نیز با تو باشند" امام علی <small>علیه السلام</small>	اصل قرار دادن خود در جایگاه دیگران
روابط اجتماعی در سایه عدالت و تعادل	"پس راه میانه راه در پیش گیر که رهایی در همان است" عدم // افراط و تفریط در رفتار و روابط اجتماعی با دیگران / قوام جهان و جامعه به تعادل و اعتدال است	اصل میانه روی
برابری در حقوق اجتماعی و تأثیر فراوان در تعامل اجتماعی	در اسلام تنها ملاک برتری تقوا است و انسان ها در عین تفاوت ها و اختلافات بسیار در حقوق اجتماعی کاملاً با هم برابر هستند.	اصل برابری
احترام به شخصیت خود و شخصیت دیگران	در مذهب تشیع و سخنان امام علی <small>علیه السلام</small> کرامت انسان و حفظ آن بسیار مهم است.	اصل کرامت انسانی
شکل گیری پیوندهای اجتماعی و روابط اجتماعی مطلوب	در فرهنگ اسلامی افراد با ایمان با هم برادرند. مؤمن برادر مؤمن است "امام علی <small>علیه السلام</small> می فرماید: نمی شود مؤمن سیر و برادرش گرسنه باشد غرر ۳۴۸ / مسلمان برادر مسلمان است کسی به برادر خود ستم نمی کند. مجمع البیان، ج ۹ / ۱۳۴	اصل برادری
حل بسیاری از مشکلات و گرفتاری ها و حاکمیت امنیت	شریک کردن برادران دینی در مال و امکانات خود - برادری با هیچ چیز جز مؤسسات حفظ نمی شود "غرر ۳۲۳ / مؤسسات برطرف کردن نیازهای برادران ایمانی "غرر ۴۳۲ / مؤسسات، دیدار برادران ایمانی و مهربانی کردن در عمل به آن ها "غرر ج ۶، ص ۷۴	اصل مؤسسات

<p>دستیابی به حقوق اجتماعی با یاری دیگران</p>	<p>مشارکت همگانی در امور خیر/ "در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه تعدی دستیار هم نشوید و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است." مائده ۲</p>	<p>اصل تعاون</p>
---	--	------------------

### - شهر اسلامی - ایرانی پایدار (کامل)

راب کریر تحلیل‌گر فضاهای شهری فضاهای شهری عقیده دارد که "به احتمال زیاد اولین تمهیدی که انسان برای استفاده از فضاهای شهری به کاربرد، میدان بود؛ میدان از تجمع خانه‌ها در گردآگرد یک فضای باز به وجود می‌آید. این آرایش نظارت بسیار زیادی را در فضای درونی، و با به حداقل رساندن سطوح خارجی، آمادگی دفاعی در برابر حملات بیرونی را امکان‌پذیر ساخت. این نوع حیاط‌ها به کرات ارزش نمادی یافت و نمونه‌ای برای ساختمان‌های بی‌شمار مذهبی شد. (آگورا، فوروم، دیر، حیاط مسجد و...) (کریر، راب، ۱۳۷۵، ص. ۱۷) در واقع میدان یا حیات عمومی شهر و محله از همان آغاز از عهد باستان گرفته تا به امروز نقشش جمع‌کننده عناصر شهری و محله‌ای را داشته است در واقع همین جمع شدن و گرد هم آمدن عناصر طول یک فضا است که میدان ایجاد می‌کند. (صالحی، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۲)

نهادها و ساختارهای اجتماعی هر شهر که برآمده و محصول جهان بینی مردمانش می‌باشد هویت کالبدی - فضایی آن را در ظرف زمان و مکان شکل می‌دهند و این هویت کالبدی - فضایی نیز حافظ و تقویت کننده ساختارهای اجتماعی است تعامل و تعالی دهندگی این دو مجموعه ارتقا و حرکت آن دو را بسمت کمال و جامعه مطلوب جهان بینی و نگرش مردمانش را بدنبال خواهد داشت. هرچند که ممکن است کمال در یک جهان بینی مادیرا نهایت انحطاط به همان سمت را هدایت کند در جامعه اسلامی زیر بنای همه ساختارها و نهاد های اجتماعی را می‌توان خانواده مطلوب جامعه اسلامی تصور کرد. به نظر می‌رسد فضای محلات در شهر اسلامی بیش از هر چیز پاسبان و حافظ حریم خانواده و دودمان مسلمانان است.

در اینجا تعامل بین اعضا خانواده و سپس و همسایگان و محله بعنوان یکی از معیارها و عوامل رسیدن به یک شهر و جامعه پایدار با مفهوم و هدف مطلوب فرهنگ بومی در نظر گرفته شده است. بسیاری از معیارهای دیگر یک شهر پایدار همچون احساس تعلق، مشارکت، امنیت و... در سایه روابط انسانی درست و عقلانی و متناسب با وحی و فطرت انسان حاصل می شود.

#### جدول شماره (۴) سلسله مراتب پایداری خانه، محله و شهر اسلامی - ایرانی

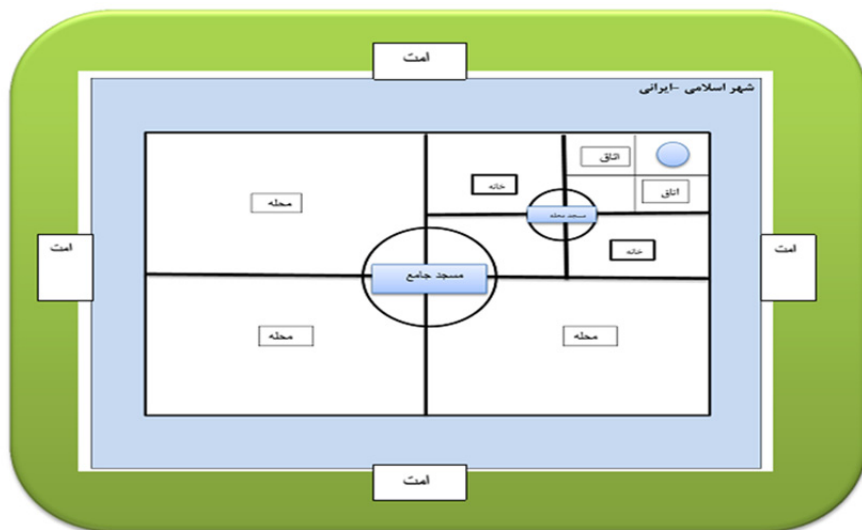
کیفیت محیط شهر		سلسله مراتب در شهر	امنیت و ایمنی در شهر	کیفیت زندگی	مشارکت در شهر	احساس تعلق به شهر	تعامل خانوادگی و اجتماعی	شهر اسلامی - ایرانی (کامل)
کیفیت محیط در محله		سلسله مراتب در محله	امنیت و ایمنی در محله	کیفیت زندگی در محله	مشارکت در محله	احساس تعلق به محله	تعامل خانوادگی و اجتماعی	
کیفیت محیطی در خانه و خانواده	سلسله مراتب در خانه و خانواده	امنیت و ایمنی در خانه و خانواده	کیفیت زندگی و خانه و خانواده	مشارکت در خانواده	احساس تعلق به خانه و خانواده	تعامل بین اعضای خانواده = تعامل در اجتماع	خانواده پایدار (کامل) - اسلامی - ایرانی	

مأخذ: نگارنده

تعامل بین اعضا در شهر با رعایت سلسله مراتب و توجه به جایگاهها تقویت می شود، حس تعاون و مشارکت در خانواده در سایه همین تعامل و سلسله مراتب به وجود خواهد آمد. و با مشارکت و تعاون و تعامل بر کیفیت زندگی و محیط زندگی نیز افزوده خواهد شد؛ یعنی شرایط آسایش و رشد و کمال نیز بهتر می گردد. همین فرآیند برای ساختن و شکل گیری محله پایدار در صورت وجود تعامل و مشارکت و سلسله مراتب و... در خانه و خانواده به خانواده بزرگتر محله و سپس کل شهر اسلامی - ایرانی منتقل می گردد. همچنان که در خانه بالاترین سطح سلسله مراتب مدیریتی پدر خانواده است.

در سطح محله نیز که مسجد محله محل تشکیل و کانون اجتماع و تبلور مشارکت مردم و همسایگان برای حل مسائل محله است. بزرگان محله، شورای محله و یا امام جماعت مسجد محله ممکن است همین نقش را بر عهده داشته باشد.

شکل (۲) مدل فضایی جایگاه خانه و محله در شهر اسلامی- ایرانی و ارتباط آن‌ها با مسجد



برای بازیابی شهر اسلامی- ایرانی و الگویی از محله متناسب با آن و متناسب با نیاز امروز و در ازدحام الگوهای بیرونی زائیده مدرنیسم به نظر می‌رسد باید شروع به بازیابی و بازنمایی خانه و خانواده و جامعه مطلوب ایرانی- اسلامی متناسب با تمدن نوین اسلامی درگام دوم انقلاب اسلامی کرد.

در شهر و جامعه اسلامی اگر مکانها و فضاها متناسب با فرهنگ و جامعه اسلامی طراحی و ساماندهی شوند رفتارهای ساکنان نیز تحت تأثیر فضاها قرار گرفته، همچنانکه مهمتر از این اگر اصول و احکام دین اسلام درست و کامل پیاده شود و یا بخواهیم درست پیاده کنیم ناگزیر خواهیم بود مکانها و فضاهای متناسب طراحی و اجرا کنیم و این دو مکمل و تقویت کننده همدیگر هستند و بسیاری از فضاهای شکل گرفته در شهرهای اسلامی

همچون درونگرایی خانه ها نتیجه اجرای درست احکام و دستورات اسلامی هستند که متأسفانه در سبک زندگی برآمده از مدرنیسم دچار آسیب جدی شده است.

### شهر قم

شهر قم در مرکز ثقل جغرافیایی ایران و در حاشیه غربی کویر مرکزی و یا غرب منطقه مرکزی ایران و با ارتفاع ۹۳۰ متر، در فاصله ۱۳۵ کیلومتری مرکز سیاسی - اداری و محل تلاقی شاهراه‌های ارتباطی کشور دارای موقعیت ارتباطی ممتازی است. شهر قم که هشتمین شهر پرجمعیت کشور است حدود ۱۲۰۰۰ هکتار از دشت قم را برای مصارف شهری مختلف به تصرف خود درآورده که با سرعت زیادی نیز در حال افزایش است. از منظر تاریخی قم پس از ظهور اسلام و فروختن دیوارهای شارستان هر شهر با ناحیه آن ادغام شده و ربض نیز به محلی برای توسعه شهر قرار می‌گیرد که به نظر می‌رسد توسعه هسته‌های روستایی همچون ممجان و کمیدان در بیرون از شهر باستانی قم به همین دلیل باشد. عامل مهم توسعه کالبدی شهر قم پس از اسلام عامل مذهب به‌ویژه قرار گرفتن مدفن و زیارتگاه حضرت معصومه علیها السلام از سال ۲۰۱ ه. ق و در قرن اخیر حوزه علمیه و خاستگاه انقلاب اسلامی که موجب توجهات زیاد در ایران و درجهان تشیع به این شهر و توسعه سریع شهر قم و تبدیل آن به شهری با عملکردهای ملی و فراملی گردیده است. (محیط آرا، محمد و همکاران، ۱۳۹۵)

تا اواخر قاجاریه شهر قدیم قم از ده محله بزرگ تشکیل می‌یافت که در داخل بازوئی گشاده‌تر از کالبد شهر محصور بودند، هر یک از این محلات به‌وسیله گذرهای اصلی خود به مرکز ارتباطی شهر قدیم یعنی میدان کهنه و کوچه لب چال متصل می‌شوند. بر اساس این مدل، شهر به‌طور کلی دارای ساختی تک‌هسته‌ای، متراکم و همگرا است. (قم، ۱۳۹۲)

در دوره پهلوی نیز قم چون دیگر شهرها تحت تأثیر مدرنیسم خیابان‌کشی در بافت سنتی و احداث راه‌آهن قرار گرفت؛ و اعتراض علما به برخی برنامه‌های نوگرایی همچون کشف حجاب جرقه‌های آغازین یک تحول بزرگ در این شهر و سپس انقلاب اسلامی می‌توان

دانست. محله چهار مردان یکی از ده محله اصلی و از محلات سنتی - تاریخی قم که در مرکز شهر برای مقایسه با محلات جدید انتخاب شده است، اگرچه هنوز برخی از ویژگی‌های کالبدی - فضایی و حتی بسیاری از رفتارهای پسندیده اجتماعی همچون استحکام خانواده، همسایه داری، تعاملات قوی محلات سنتی تا امروز در بافت قدیم قم در مرکز شهر به جامانده یا حفظ شده و در تفاوت با دیگر شهرهای تاریخی پویایی و فعالیت در بافت سنتی ادامه دارد. (محیط آرا، محمد و همکاران، ۱۳۹۵)

امروز هر آنچه از آشفتگی‌های و کالبدی و فضایی وعدم تناسب بین نیازها و فضاها و مقیاس‌های انسانی و تخریب گسترده منابع زیست محیطی اعم از آب و خاک و هوا و باغات و مهم‌تر اخلاق انسانی در کسب و کار و سایر فعالیت‌ها و نظم اجتماعی و خانوادگی و... شاهدیم محصول عدم دوراندیشی وعدم متناسب‌سازی فضای شهر اسلامی - ایرانی برای پذیرش مؤلفه‌های نوگرایی. می باشد... با احداث خیابان‌های آذر، باجک، چهار مردان و ارم. سیمای شهر دچار تحولی گریزناپذیر در برابر جریان گسترده نوگرایی و نظام دیوان‌سالاری جدید می‌گردد. آنچه این جریان را هرروز بیش از دیروز حریص تر می‌کند؛ اما مداخلات نوگرایی با سرعت ادامه دارد خیابان‌کشی و تجمیع خانه‌های فرسوده و تبدیل آن به آپارتمان بدون لحاظ شرایط محله‌ای و اصلاح معابر بدون حفظ ویژگی‌های مثبت فضای ارگانیک معابر و دسترسی‌ها زمینه تخریب و گسست انسجام اجتماعی را بیش از پیش میسر می‌سازد. پژوهش حاضر در تعدادی از محلات مختلف شهر قم به بررسی و مقایسه تعاملات خانوادگی و اجتماعی پرداخته است.

## جدول (۵) تعامل خانوادگی و اجتماعی در محله بنیاد

ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱۶,۵۸	۰,۷۵۳	۴,۵۴	همکاری خانوادگی
۲۳,۲۱	۰,۸۶۶	۳,۷۳	صمیمیت با همسایگان
۴۹,۱۷	۱,۰۹۶	۲,۷۷	طلاق
۲۳,۸۴	۰,۸۹۹	۳,۷۷	اعتماد بین همسایگان
۱۵,۴۵	۰,۶۶	۴,۲۷	ادب و احترام بین همسایگان محله
۱۹,۰۷	۰,۸۰۷	۴,۲۳	ادب و احترام در خانواده
۱۹,۲۴	۰,۸۳۷	۴,۳۵	نقش اجتماعی مسجد در محله
۲۲,۴۶	۰,۸۲۹	۳,۶۹	پذیرش فرهنگ‌های دیگر
۲۶,۵۹	۰,۹۹۲	۳,۷۳	صله ارحام

گویه های تعامل خانوادگی با میانگین ۴,۵۴ و ادب و احترام در خانواده بین اعضای خانواده بامیانگین ۴,۲۳ و صله ارحام بامیانگین ۳,۷۳ به طور معنا داری ( $p < 0/1$ ) بالاتر از حد متوسط قرار دارد. و در بعد طلاق نیز با میانگین ۲,۲۳ بطور معناداری کمتر از حد متوسط است؛ بنابراین تعامل خانوادگی در سطح خیلی بالایی قرار دارد.

و همچنین وضعیت پایداری اجتماعی در گویه های مربوط به تعامل اجتماعی با میانگین ۳,۷۳ برای صمیمیت با همسایگان و میانگین ۳,۷۷ برای اعتماد بین همسایگان و میانگین ۴,۲۷ برای گویه "ادب و احترام بین همسایگان" و میانگین ۴,۳۵ نیز برای "نقش اجتماعی مسجد محله" و در نهایت برای گویه "پذیرش فرهنگ‌های دیگر" میانگین ۳,۶۹ با توجه به حجم روز افزون ملیت‌های دیگر در محله همچون افغانستانی و پاکستانی و... و همچنین نقاط مختلف ایران وضعیت پایداری بطور معنا داری ( $p < 0/1$ ) بالاتر از حد متوسط هستند یعنی تعامل اجتماعی نیز همچون تعامل خانوادگی در محله بنیاد در بالاتر از سطح متوسط و در سطح بالایی قرار دارد.



جدول (۶) تعامل خانوادگی و اجتماعی در محله چهار مردان

ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه
۲۰,۴	۰,۸۵۵	۴,۱۹	همکاری خانوادگی
۲۳,۴۷	۰,۹۱۱	۳,۸۸	صمیمیت با همسایگان
۴۱,۶۷	۰,۷۴۶	۳,۲۱	طلاق
۲۳,۷۴	۰,۹۲۶	۳,۹	اعتماد بین همسایگان
۲۰,۴	۰,۸۰۶	۴,۰۲	ادب و احترام بین همسایگان محله
۱۵,۲۸	۰,۶۸۸	۴,۵	ادب و احترام در خانواده
۲۱,۸۲	۰,۹۱۹	۴,۲۱	نقش اجتماعی مسجد در محله
۳۰,۶۹	۱,۰۲۲	۳,۳۳	پذیرش فرهنگ‌های دیگر
۱۹,۲۴	۰,۸۱۶	۴,۲۴	صله ارحام

گویه های تعامل خانوادگی با میانگین ۴,۱۹ و ادب و احترام در خانواده بین اعضای خانواده با میانگین ۴,۵ و صله ارحام با میانگین ۴,۲۴ به طور معناداری ( $p < 0/1$ ) بالاتر از حد متوسط قرار دارد. و در بعد طلاق نیز با میانگین ۱,۷۹ (۳,۲۱) به طور معناداری کمتر از حد متوسط است؛ بنابراین تعامل خانوادگی در سطح خیلی بالایی قرار دارد.

و همچنین وضعیت پایداری اجتماعی در گویه های مربوط به تعامل اجتماعی با میانگین ۳,۸۸ برای صمیمیت با همسایگان و میانگین ۳,۹ برای اعتماد بین همسایگان و میانگین ۴,۰۲ برای گویه "ادب و احترام بین همسایگان" و میانگین ۴,۲۱ نیز برای "نقش اجتماعی مسجد محله" و در نهایت برای گویه "پذیرش فرهنگ‌های دیگر" میانگین ۳,۳۳ با توجه به حجم روزافزون ملیت‌های دیگر در محله همچون افغانستانی و پاکستانی و... و همچنین نقاط مختلف ایران وضعیت پایداری به طور معناداری ( $p < 0/1$ ) بالاتر از حد متوسط هستند یعنی تعامل اجتماعی نیز همچون تعامل خانوادگی در محله چهار مردان در بالاتر از سطح متوسط و در سطح بالایی قرار دارد.

جدول (۷) تعامل خانوادگی و اجتماعی در محله سالاریه

ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه
۲۱,۵۷	۰,۸۷۶	۴,۰۶	همکاری خانوادگی
۲۹,۶۱	۰,۹۱۸	۳,۱	صمیمیت با همسایگان
۴۶,۱۳	۱,۲۰۴	(-۲,۳۹) ۲,۶۱	میزان طلاق در محله
۲۲,۳۴	۰,۷۶۲	۳,۴۱	اعتماد بین همسایگان
۱۶,۲۶	۰,۶۴۴	۳,۹۶	ادب و احترام بین همسایگان محله
۱۷,۲۳	۰,۷۱۷	۴,۱۶	ادب و احترام در خانواده
۲۱,۸۴	۰,۸۶۵	۳,۹۶	نقش اجتماعی مسجد در محله
۲۴,۵۸	۰,۸۶۸	۳,۵۳	پذیرش فرهنگ‌های دیگر
۲۳,۵۳	۰,۹۱۸	۳,۹	صله ارحام

گویه‌های همکاری خانواده با میانگین ۴,۰۶ و ادب و احترام در خانواده بین اعضای خانواده با میانگین ۴,۱۶ و صله ارحام با میانگین ۳,۹ به‌طور معناداری ( $p < 0/1$ ) بالاتر از حد متوسط قرار دارد؛ بنابراین تعامل خانوادگی در این سه شاخص در سطح خیلی بالایی قرار دارد و در بعد طلاق نیز با میانگین ۲,۶۱ (۲,۳۹) به‌طور معناداری در حد متوسط است که از منظر با محلات دیگر تفاوت مهمی دارد.

و همچنین وضعیت پایداری اجتماعی در گویه‌های مربوط به تعامل اجتماعی با میانگین ۳,۱ برای صمیمیت با همسایگان و میانگین ۳,۴۱ برای اعتماد بین همسایگان و میانگین ۳,۹۶ برای گویه "ادب و احترام بین همسایگان" و میانگین ۳,۹۶ نیز برای "نقش اجتماعی مسجد محله" و در نهایت برای گویه "پذیرش فرهنگ‌های دیگر" میانگین ۳,۵۳ با توجه به حجم روزافزون ملیت‌های دیگر همچون اعراب در محله. نقاط مختلف ایران وضعیت پایداری به‌طور معناداری ( $p < 0/1$ ) بالاتر از حد متوسط هستند یعنی تعامل اجتماعی نیز همچون تعامل خانوادگی در محله سالاریه بالاتر از سطح متوسط و در سطح بالایی قرار دارد.

جدول (۸) تعامل اجتماعی و خانوادگی در بیست متری امام حسین علیه السلام

ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه
۲۲,۹۵	۰,۹۶۴	۴,۲۳	همکاری خانوادگی
۲۵,۳۱	۰,۸۰۵	۳,۱۸	صمیمیت با همسایگان
۳۹,۸۶	۰,۸۶۹	۲۸۲ (-۲,۱۸)	طلاق
۱۶,۱۴	۰,۵۷	۳,۵۳	اعتماد بین همسایگان
۲۲,۴۴	۰,۸۶۲	۳,۸۴	ادب و احترام بین همسایگان محله
۱۵,۸۱	۰,۶۸	۴,۳	ادب و احترام در خانواده
۲۵,۰۹	۱,۰۰۹	۴,۰۲	نقش اجتماعی مسجد در محله
۲۷,۴۷	۰,۹۴۵	۳,۴۴	پذیرش فرهنگ‌های دیگر
۱۷,۸۱	۰,۷۵	۴,۲۱	صله ارحام

گویه‌های تعامل خانوادگی با میانگین ۴,۲۳ و ادب و احترام در خانواده بین اعضای خانواده با میانگین ۴,۳ و صله ارحام با میانگین ۴,۲۱ به‌طور معناداری ( $p < 0/1$ ) بالاتر از حد متوسط قرار دارد. و درمیزان پایداری از بعد طلاق نیز با میانگین ۲,۸۲ به‌طور معناداری به‌طور معناداری ( $p < 0/1$ ) بالاتر از حد متوسط است؛ بنابراین تعامل خانوادگی در سطح خیلی بالایی قرار دارد.

و همچنین وضعیت پایداری اجتماعی در گویه‌های مربوط به تعامل اجتماعی با میانگین ۳,۱۸ برای صمیمیت با همسایگان و میانگین ۳,۵۳ برای اعتماد بین همسایگان و میانگین ۴,۰۲ برای گویه "ادب و احترام بین همسایگان" و میانگین ۳,۸۴ نیز برای "نقش اجتماعی مسجد محله" و درنهایت برای گویه "پذیرش فرهنگ‌های دیگر" میانگین ۴,۰۲ با توجه به حجم روزافزون ملیت‌های دیگر در محله همچون افغانستانی و پاکستانی، آفریقایی و... و همچنین نقاط مختلف ایران وضعیت پایداری به‌طور معناداری ( $p < 0/1$ ) بالاتر از حد متوسط هستند یعنی تعامل اجتماعی نیز همچون تعامل خانوادگی در محله بنیاد در بالاتر از سطح متوسط و در سطح بالایی قرار دارد.

جدول (۹) تعامل خانوادگی و اجتماعی در محله پردیسان

ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه
۲۵,۲۹	۰,۹۸۹	۳,۹۱	همکاری خانوادگی
۳۳,۸۸	۱,۰۴۷	۳,۰۹	صمیمیت با همسایگان
۳۹,۴۲	۰,۸۲۴	۲,۰۹	طلاق
۲۴,۶۳	۰,۸۵۵	۳,۴۷	اعتماد بین همسایگان
۱۸,۱	۰,۶۹۷	۳,۸۵	ادب و احترام بین همسایگان محله
۱۶,۷۳	۰,۷۲۸	۴,۳۵	ادب و احترام در خانواده
۱۸,۹۴	۰,۸۲۴	۴,۳۵	نقش اجتماعی مسجد در محله
۲۸,۲۷	۰,۹۱۶	۳,۲۴	پذیرش فرهنگ‌های دیگر
۱۹,۲۹	۰,۸۲۲	۴,۲۶	صله ارحام

گویه های تعامل خانوادگی با میانگین ۳,۹۱ و ادب و احترام در خانواده بین اعضای خانواده با میانگین ۴,۳۵ و صله ارحام با میانگین ۴,۲۶ به طور معناداری ( $p < 0/1$ ) بالاتر از حد متوسط قرار دارد. و در بعد طلاق نیز با میانگین ۲,۰۹ به طور معناداری کمتر از حد متوسط است. و بنابراین تعامل خانوادگی در سطح خیلی بالایی قرار دارد.

همچنین وضعیت پایداری اجتماعی در گویه های مربوط به تعامل اجتماعی یعنی گویه های شماره ۲۵ - ۲۷ - ۲۸ - ۳۰ و ۳۱ با میانگین ۳,۰۹ برای صمیمیت با همسایگان و میانگین ۳,۴۷ برای اعتماد بین همسایگان و میانگین ۳,۸۵ برای گویه "ادب و احترام بین همسایگان" و میانگین ۴,۳۵ نیز برای "نقش اجتماعی مسجد محله" و درنهایت برای گویه "پذیرش فرهنگ‌های دیگر" میانگین ۳,۲۴ با توجه به تنوع ملیت‌ها در این محله همچون لبنانی - افغانی و پاکستانی و... و... و همچنین نقاط مختلف ایران وضعیت پایداری به طور معناداری ( $p < 0/1$ ) بالاتر از حد متوسط هستند یعنی تعامل اجتماعی نیز همچون تعامل خانوادگی در واحد همسایگی یا محله پردیسان بالاتر از سطح متوسط و در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد.

جدول (۱۰) تعامل اجتماعی و خانوادگی در محله شهر قائم عَلَيْهِ السَّلَام

ضرب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه	
۱۹,۳۱	۰,۸۱۵	۴,۲۲	همکاری خانوادگی	۲۴
۲۲,۴۱	۰,۸۱۸	۳,۶۵	صمیمیت با همسایگان	۲۵
۵۴,۶۸	۱,۲۲۵	۲,۲۴	طلاق	۲۶
۴۱,۲۱	۱,۳۲۷	۳,۲۲	اعتماد بین همسایگان	۲۷
۴۰,۲۷	۱,۳۱۷	۳,۲۷	ادب و احترام بین همسایگان محله	۲۸
۳۷,۱۱	۱,۳۶۶	۳,۶۸	ادب و احترام در خانواده	۲۹
۳۰,۹۱	۱,۰۱۱	۳,۲۷	نقش اجتماعی مسجد در محله	۳۰
۳۱	۰,۹۸۹	۳,۱۹	پذیرش فرهنگ‌های دیگر	۳۱
۳۱,۴۴	۱,۱۱۳	۳,۵۴	صله ارحام	۳۲

گویه‌های تعامل خانوادگی با میانگین ۴,۲۲ و ادب و احترام در خانواده بین اعضای خانواده با میانگین ۳,۶۸ و صله ارحام با میانگین ۳,۵۴ به طور معناداری ( $p < 0/1$ ) بالاتر از حد متوسط قرار دارد. و در بعد طلاق نیز با میانگین ۲,۲۴ به طور معناداری کمتر از حد متوسط است؛ بنابراین تعامل خانوادگی در سطح بالایی قرار دارد.

و همچنین وضعیت پایداری اجتماعی در گویه‌های مربوط به تعامل اجتماعی با میانگین ۳,۶۵ برای صمیمیت با همسایگان و میانگین ۳,۲۲ برای اعتماد بین همسایگان و میانگین ۳,۲۷ برای گویه "ادب و احترام بین همسایگان" و میانگین ۳,۲۷ نیز برای "نقش اجتماعی مسجد محله" و در نهایت برای گویه "پذیرش فرهنگ‌های دیگر" میانگین ۳,۱۹ با توجه به حجم روزافزون ملیت‌های دیگر در محله همچون افغانستانی و پاکستانی و... و همچنین نقاط مختلف ایران به ویژه روستاهای همدان، کردستان، آذربایجان و... وضعیت پایداری به طور معناداری ( $p < 0/1$ ) بالاتر از حد متوسط هستند یعنی تعامل اجتماعی نیز همچون

تعامل خانوادگی در محله شهر قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ در بالاتر از سطح متوسط و در سطح تقریباً بالایی قرار دارد.

جدول (۱۱) مقایسه میانگین شاخص‌ها در محلات مختلف

میانگین هر شاخص برای کل شهر	شهر قائم <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ</small>	۲۰ متری امام حسین <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>	پردیسان	سالازیه	چهار مردان	بنیاد	محله شاخص
۳,۶۵	۳,۳۶	۳,۶۵	۳,۶۲	۳,۶۳	۳,۸۵	۳,۸۳	تعامل خانوادگی و اجتماعی

مقایسه محلات مورد بررسی این واقعیت را بیان می‌کند که محله قدیمی چهارمردان دارای میانگین بالاتری از سطح تعامل خانوادگی و اجتماعی است. باقی ماندن یکسری سنت‌ها و اصول حاکم بر محله همچون همسایه داری، احترام به بزرگترها، اهمیت جایگاه مسجد، بد دانستن طلاق و ل مشکلات و رفع اختلافات با ریش سفیدی یا پا درمیانی زرگترها و.. هنوز در محله چهارمردان علی‌رغم اینکه در مرکز شهر قرار گرفته وجود دارد. محله بنیاد و یا شهرک امام خمینی عَلَيْهِ السَّلَامُ که از سطح بالایی از تعامل برخوردار است. با اینکه این محله در دهه اول انقلاب برای افشار ضعیف ساخته شده است اما رعایت یکسری از اصول اسلامی - ایرانی حاکم بر محلات و خانه‌های حیاط دار و جایگاه مسجد و... باعث شده که تعاملات خانوادگی و اجتماعی ساکنان در وضعیت بهتری نسبت به محلات جدید مثل پردیسان و... بروز کند (محیط آرا، محمد و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین مشاهده می‌شود که ساکنان در ساختارهای کالبدی و فضایی محلات مثل محله سنتی و قدیمی چهارمردان و محله جدید تر بنیاد با ساختار و بافت محله‌ای نسبت به محلات آپارتمانی پردیسان و یا محلات حاشیه شهر قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ تعاملات و رفتارها و کنش‌های بیشتری متناسب با سبک زندگی اسلامی - ایرانی از خود نشان می‌دهند.

### نتیجه

اسلام دین کاملی است که برای همه امور زندگی از گهواره تا گور برنامه ریزی کرده، و مرجعی برای مسائل روزمره زندگی است و توانایی حل هر مسئله ای از جمله نوگرایی و نوآوری های مورد نیاز را با اجتهاد پویای خود در انطباق با اصول اجتماعی اسلام می تواند، داشته باشد. شهر اسلامی که بیانگر تأثیر اصول اجتماعی و فردی و خانوادگی دین اسلام در عرصه فضای کالبدی شهر، محله و خانه است. نیاز به باز تعریف نظری و کاربردی کارآمد برای بازگشت به سبک زندگی اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی در هجوم و سیطره شرایط سبک زندگی و مدرنیته غیر اسلامی است.

محله ی شهر اسلامی - ایرانی که با برنامه ریزی شهری بومی وحدت گرا یا (کل نگری و جزء نگری هماهنگ)

می توان در میان مدت به آن دست یافت با همبستگی های مهم اجتماعی - فضایی (نقی زاده، محمد، ۱۳۹۰) خانه و خانواده، خانواده و مسجد، خانواده و همسایگان، خانواده و خویشان، مسجد و همسایگان و... در ابعاد و معیارهای استحکام بخشی همچون افزایش مشارکت، احساس تعلق و امنیت و ایمنی و... به پایداری و ثبات لازم در چارچوب فرهنگ اصیل و پایدار اسلامی - ایرانی می رسد. و اثرات مخرب فرهنگ و تمدن نظام سلطه را به حداقل می رساند. اصلاح ساختارهای کالبدی و فضایی با رویکرد محله گرایی با مرکزیت مسجد محله در گام دوم انقلاب اسلامی تغییر اساسی در سبک زندگی خانوادگی و اجتماعی شکل خواهد گرفت.

## منابع

### قرآن کریم

- اشتری فرد، ح. و. (۱۳۹۷). طراحی الگوی سبک زندگی ایرانی - اسلامی شهروندان شهر تهران. پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۵۷ - ۱۸۴.
- انصاری، ا. (۱۳۸۱). جایگاه اجتماعی محله در شهراسلامی با تاکید بر اصفهان. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ۱۵ - ۲۶.
- آزاد ارمکی، ت. (1393). جامعه شناسی خانواده ایرانی. تهران: سمت.
- بهشتی، ا. (۱۳۸۷). خانواده درقرآن. قم: بوستان کتاب.
- جعفری، محمدتقی. (-). تفسیر نهج البلاغه، ج ۵ خطبه ۲۳.
- جوادی آملی، ع. (1394). مفاتیح الحیاه. قم: نشراسراء.
- حسینی خامنه ای، س (۹۲). سبک زندگی.
- سیدی، ح. (1388). همنام گل های بهاری. تهران: نسیم اندیشه.
- ۱۰، صالحی، ا. (1387). ویژگی های محیطی فضاهای امن شهری. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- علامه مهری، س. (1389). ما وهمسایه. قم: انتشارات علامه بحرانی.
- فاضلی، ن. (1391). خانواده و زندگی شهری. تهران: نشر نیسا.
- کریر، راب. (1375). مفهوم عناصر تیپولوژیکی و مورفولوژیکی فضای شهری. (ت. خ. نژاد، Trans.) تهران: دانشگاه تهران.
- کلینی، ش. م. (1390). اصول کافی، ج ۶. (ا. بانپور، Trans.) تهران: نشر استوار.
- کلینی، م. ب. (n.d.). اصول کافی جزء سوم به قلم سید جواد مصطفوی. تهران.
- مجلسی. (1339). بحارالانوار. (ع.، دوانی، Trans.) تهران: نشر حکمت.
- محیط آرا، محمد و همکاران. (۱۳۹۵، مهر ۸). تبیین الگوی محله شهر اسلامی - ایرانی درچارچوب پایداری اجتماعی فضایی.



مشرق. (۱۳۹۶، شهریور ۲۳). از خانواده های تک والدی تا خانواده تک نفره.  
مشکینی، ابوالفضل؛ رضایی مقدم، علی؛ (۱۳۹۳، زمستان). بررسی مولفه ها و شاخص  
های شهر اسلامی با تاکید بر نقش و اهمیت فرهنگ سازی در تحقق الگوی شهرسازی  
اسلامی - ایرانی. شهرپایدار، ۳۷ - ۶۸.  
مصطفوی، سید جواد. (n.d.). بهشت خانواده.  
میرمیران، س. م. (1392). الگوی اسلامی ایرانی مسکن از نظرگاه قرآن. مجموعه مقالات  
پژوهشی طراحی الگوهای معماری اسلامی - ایرانی. قم: شهرداری قم.  
نقی زاده، محمد (۱۳۷۷) صفات شهر اسلامی در متون اسلامی، مجله هنرهای زیبا  
نقی زاده، محمد. (1390). نسخه ایرانی توسعه پایدار شهری. تهران: نشر شهر.

یزدانی، م. (1394). محله گرایی. تهران: تیسرا.

Blankenhorn, D. (1981). All in the family. *The public Intrest*. No. 49.

## آفات و برکات زبان از دیدگاه نهج البلاغه و مقام معظم رهبری (دام ظلّه)

سمیه احمدی طیفکانی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - رقیه زحمت‌کش<sup>۲</sup> - نجمه عنایت<sup>۳</sup> - فاطمه  
خادمی ماشاری<sup>۴</sup>

### چکیده

زبان یکی از نعمت‌های بزرگ خدادادی است که در اختیار بشر قرار گرفته است. زبان مهم‌ترین وسیله ارتباط انسان با انسان‌های دیگر و برترین ابزار برای اظهار خواسته‌های قلبی است به بیانی دیگر آنچه در صفحه روح نقش می‌بندد قبل از هر چیز به صفحه زبان و در بین گفته‌های او خودنمایی می‌کند. زبان با وجود کوچکی، مسئولیت سنگینی برای انسان ایجاد می‌کند زیرا وظیفه بزرگی به عهده آن گذاشته، کفر و ایمان تنها با زبان آشکار می‌شود. هدف این پژوهش بررسی و تبیین آفات و برکات زبان از دیدگاه نهج البلاغه و اندیشه مقام معظم رهبری است که با استفاده از منابع مکتوب کتابخانه‌ای و پردازش اطلاعات با

- 
۱. دانش آموخته سطح ۳ کلامی اسلامی، موسسه آموزش عالی فاطمه معصومه علیها السلام بندرعباس، s.ahmadi\_t@yahoo.com
  ۲. دانش آموخته سطح دو مدرسه علمیه الزهرا سلام الله، بندرعباس razmiw1234@gmail.com
  ۳. دانش آموخته سطح دو آموزش قاسم بن الحسن تهران hadiskhademi1394@gmail.com
  ۴. طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه الزهرا علیها السلام، بندرعباس s.ahmadi\_t@yahoo.com

رویکرد توصیفی و تحلیلی به بررسی نهج البلاغه و واکاوی سخنان مقام معظم رهبری پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد برخی از آفات زبان، شش مورد شامل: غیبت و عیب جوئی، دروغ، دشنام، نکوهش بی جا و ملامت، افشاگری و بازگوئی اسرار، دورویی و دوزبانی و برخی از برکات زبان، هشت مورد شامل: صداقت، اعتدال در سخن، رازداری، موعظه، دعا و شکر، داوری و قضاوت، گشاده‌رویی، سنجیده سخن گفتن شناسایی شد. کلید واژه‌ها: آفات و برکات زبان، نهج البلاغه، مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

## مقدمه

زبان یکی از نعمت های خداوند است که آن را به انسان بخشیده است تا از طریق آن بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند اما به همان اندازه می تواند پیامدهای سوء به دنبال داشته باشد. زیرا زبان را آفت‌هایی است که اگر کنترل نگردد، موجب برهم زدن آرامش و امنیت اشخاص در جامعه و خود شخص می شود.

در قرآن زبان از جایگاه ویژه ای برخوردار است این پژوهش به بررسی آفات، برکات زبان از منظر نهج البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری پرداخته است. نقش زبان و اهمیت آن در میان اعضاء انسان برکسی پوشیده نیست. زبان با وجود کوچکی مسئولیت سنگینی برای انسان ایجاد می کند زیرا وظیفه بزرگی به عهده آن گذاشته، کفر و ایمان تنها با زبان آشکار می شود زبان با گفتن شهادتین بزرگترین جزء از اجزاء ایمان را بوجود می آورد و با انکار آن از کافران به شمار می آید. زبان با تمام فوایدی که برایش ذکر می شود آفاتی نیز دارد که باید آنها را شناخت تا با کنترل زبان از ابتلاء به آن آفات پیشگیری کرد.

## ۱. مفهوم شناسی

## ۱.۱. زبان

زبان یک سیستم قراردادی منظم از آواها یا نشانه های کلامی یا نوشتاری بوده که توسط انسان‌های متعلق به یک گروه اجتماعی یا فرهنگی خاص برای نمایش و فهم ارتباطات و اندیشه‌ها به کار برده می شود. کارکرد اصلی زبان ایجاد ارتباط یعنی انتقال اطلاعات از شخصی به شخص دیگر است زبان احوال دورن است امکان ندارد درون انسان پاک و سالم باشد اما زبان او کثیف. زبان دریچه ای است که محتویات درون را ظاهر می کند. زبان انسان آینه دل اوست. خداوند تنها در مورد خلقت انسان به خود آفرین گفته و به عنوان «أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» خود را توصیف نموده و فرموده است: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (الرحمن، ۵۵، آیه ۴) خداوند انسان را آفرید و سخن گفتن را بدو آموخت. و امیرالمؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «به شگفت آید از این انسان که بپاره ای «پی» می نگرد و با «گوشت»

سخن می گوید وبا «استخوان» می شنود واز شکافی نفس می کشد!!!» (دستی، ۱۳۸۸، ۴۵۵). سخنی از مقام معظم رهبری زبان استخوان فقرات یک ملت است. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از معلمان استان کرمان، ۱۳۸۴/۰۲/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3281>)

## ۲.۱. آفات

«زبان» عضوی کوچک است اما دارای آفات فراوان و خطرهای سهمگینی می باشد که هر لحظه آرامش و امنیت، اعتبار و آبرو، جان و مال، دین و دنیا و بالاخره موجودیت مادی و معنوی صاحب خود و دیگران را تهدید می کند و به سقوط و نابودی می کشاند. آن چنان که استخوان سالمی در بدنش باقی نمی ماند و یا بر اثر وجود توده آتشی که در مجاورت آن است سقوط کرده و می سوزد. کافی است که چنین شخصی لحظه ای غفلت کند یا بی تفاوتی نشان دهد که سرنوشتی جز مرگ و سوختن نخواهد داشت. البته دیگر اعضا بدن آدمی نیز هریک وسیله انواع خطرهای مادی و معنوی هستند که ممکن است صاحبان خود و دیگران را در معرض هلاکت قرار داده دچار بلا و بدبختی کنند. اما هرگز مجموع آفات خطاها و خطرهای آنها به حجم و جه آفت های زبان و واکنش های سوء آن نمی رسد. (ایمانی، ۱۳۸۰، ۳۱)

مقام معظم رهبری: این که بنده گاهی اوقات اعتراض میکنم به بعضی از مداخلی ها که مثلاً فرض کنید در عزاداری دهه ی محرم وقتی انسان نگاه میکند- که گاهی می آورند عکسهایش را؛ حالا هم که دیگر این وسایل زیاد شده؛ البته بنده ندارم اما گاهی می آورند به من نشان می دهند این عکسها و مانند این ها را - میبیند مثلاً در یک جلسه همه دارند همین طور میپزند هوا و می آیند پایین؛ خب، این چه فایده ای دارد؟ این چه تأثیری دارد؟ کجای این عزاداری است؟ اینکه من اعتراض میکنم، از هیجان جوان ها بنده ناراحت نیستم؛ خب جوان اهل هیجان است، جوان منبع انرژی است و دائماً دلش می خواهد انرژی خودش را تخلیه کند؛ من از این باب (می گویم) که این وظیفه های بزرگ زمین

نماند. وقتی که در یک جماعتی ده هزار جوان یا پنج هزار جوان جمع شدند و دلشان را دادند به شما، شما می‌توانید با یک اجرای عالی، هنرمندانه و پُر مغز، این‌ها را تبدیل کنید به انسان‌های کارآمدی که با عزم جزم بروند دنبال کار، می‌توانید هم تبدیل کنید به آدم‌های بی‌خیال، بی‌فکر، ناامید و از لحاظ معنوی تهیدست؛ این کار را هم می‌شود کرد. شما از این فرصت استفاده کنید و آن شقّ اوّل را انتخاب کنید. حرف من این است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۵/۰۱/۱۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32740>)

بنابراین موضوع آفات و مفسدات زبان از دیرباز مورد توجه دانشمندان گرانقدر فن اخلاق بوده است و در آیات شریفه قرآن و احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام و استفاده از سخنان مقام معظم رهبری و سخن گوهر بار مولای متقیان امیرالمؤمنان ارواح فداه تعدادی از آفات زبان را در این تحقیق بررسی کرده‌ام.

### ۳.۱. برکات

زبان است که قبل از دیگر اعضاء سرنوشت قطعی صاحب خود و کسانی را که در سایه‌ی تاثیرگفته‌های آن قرارگیرند از سر دوراهی خوشبختی یا بدبختی عزت یا ذلت، سرافرازی یا رسوائی، خوشنامی یا بدنامی، پاداش یا مجازات، سفیدروئی یا سیاه‌روئی، کامیابی یا ناکامی، سپاس‌گزاری یا کفران، دوست‌یابی یا دشمن‌تراشی، خیر یا شر، صلاح یا فساد، هدایت یا گمراهی، سعادت یا شقاوت، رستگاری یا گرفتاری، ایمان یا کفر، حق یا باطل، خدا یا شیطان و بالاخره بهشت یا جهنم تبیین خواهد کرد. و طبق فرموده قرآن مجید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا». (انسان، ۷۶، آیه ۳) انسان در برابر رهنمودهای خدا و پیامبران و امامان معصوم یا راه سپاس‌گزاری را در پیش می‌گیرد (که سرنوشتش بهشت باشد) یا راه کفران و ناسپاسی نعمت هدایت و سعادت را (که عاقبتش جهنم خواهد بود).

### ۴.۱. حفظ زبان

زبان یکی از شاهکارهای جهان آفرینش است پس انسان باید زبان خود را حفظ کند و هر

جا که لازم باشد سخن بگویید. امام امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «کسی که بداند گفتارش عملی از اعمال اوست و باید جوابگوی آثار و پیامدهای آن باشد) جز در موارد ضروری کم حرف خواهد بود.» (دستی، ۱۳۸۸، ۵۱۷) و نیز امام امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «سخن درمهارتو است تا دمی که آن را نگفته ای و چون گفתי تودرمهار آن خواهی بود. پس زبانت را نگه دار همانند طلا و نقره (یا اسناد مالی) ات که در خزانه نگه می داری چه بسا سخنی که نعمتی را تباه سازد و نکبتی را به بار آورد.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۸۱).

## ۲. آفات زبان

آفات زبان بسیار زیاد است و ما در ذیل به شش مورد از مهم ترین آفات زبان اشاره می کنیم.

### ۱.۲. غیبت و عیب جویی

امام علی علیه السلام در خطبه زیر مردم را از غیبت و عیب جویی یک دیگر نهی کرده است و دلایل مختلفی برای آن ذکر می فرماید: محنت این که: آنها که از عیب و گناه پاکند باید شکر این نعمت را در پرهیز از غیبت و عیب جویی دیگران قرار دهد: دیگر این که اگر عیب جویان درست درخویش بنگرند عیوبی همانند آنچه بر دیگران خرده می گیرند در خود می یابند با این حال که خود به آن گرفتارند. سوم این که: گاه ممکن است انسان گناه کوچکی مرتکب شده باشد و به گمان این که آلوده گناه بزرگی نیست به غیبت و عیب جویی دیگران پردازد که خود بزرگترین گناه است افزون بر این شخص عیب جو چه می داند شاید خداوند گناه کسی را که غیبتش می کند بخشیده باشد ولی گناه عیب جو بخشوده نشده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ۵۴۹/۵ - ۵۵۰)

در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید آمده است که در این خطبه که با عبارت «وَإِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ، أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ؛ همانا برای آنان که اهل عصمت اند و سلامت از گناه برای آنان فراهم است شایسته است که بر بزهکاران و گنه پیشگان رحمت آورند.» از سخنان آن حضرت علیه السلام در نهی از غیبت کردن

از مردم در چهار فصل آورده است که به راستی بسیار مفید است: فصل نخست درباره سخنان خداوند و بزرگان درنکوهش غیبت و گوش دادن به آن است که بخشی از آیه دوازدهم سوره حجرات شروع می شود و خداوند فرموده است: «و غیبت می کند برخی از شما برخی را» و سپس به ذکر احادیث پرداخته است. فصل دوم درباره حکم غیبت از لحاظ دین است که آن را از جهات مختلف بررسی کرده و این روایت را نیز آورده است که معاذ بن جبل روایت می کند و می گوید: «در حضور رسول خدا ﷺ نام مردی برده شده: گروهی گفتند: چه مرد ناتوانی است فصل سوم در علل و انگیزه های غیبت است و فصل چهارم در نشان دادن راه توبه از غیبت است. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ۲۷۸/۴)

مقام معظم رهبری: «اگر چنانچه ما چیزی را به کسی نسبت بدهیم که در او نیست، خب این میشود تهمت. اگر چنانچه چیزی را بگوئیم که به آن علم نداریم؛ مثلاً یک شایعه است - یک نفری یک حرفی را از قول یکی نقل میکند، ما هم همان را دوباره تکرار میکنیم - خب، این کمک کردن به شایعه است، این شایعه پردازی است؛ قول به غیر علم است. قول به غیر علم، خود قولش هم اشکال دارد، عمل کردن به آن امر غیر معلوم و بدون علم هم اشکال دارد. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20686>

بنابراین با رواج چنین آفت زبانی روح اخوت و اتحاد و یکرنگی جای خودش را به تفرقه و جدایی و بیگانگی می دهد و همچنین عیب جویی موجب گسترش بدبینی عداوت و کینه ورزی در جامعه می شود ما باید با تقویت ایمان و تقوی و الگو گرفتن از سخنان مولایمان امیر مؤمنان و مقام معظم رهبری از این گناهان دوری کنیم تا عاقبت به خیر شویم.

## ۲.۲.۲. دروغ

از بزرگترین آفت های زبان دروغ و سخن برواق است دروغ از بدترین رذائل اخلاقی و زیان بارترین گناهان زبان می باشد. به همین دلیل بیش از دیگر گناهان زبان و دیگر اعضا



آدمی مورد نکوهش قرار گرفته و به مجازات و عذاب شدید تهدید شده؛ دروغ از بدترین آفات زبانی است که همواره خط فامیل حق و باطل بوده و هست و بزرگ ترین عامل نافرجامی و شکست دروغگویان در راه رسیدن به اهدافشان همان وعده های دروغین و شناخته شدن به دروغگویی و التزام نداشتن به وعده هایی بوده که به مردم داده اند.

و نیز نقل است که مردی به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شد و عرض کرد ای رسول خدا! من چهار عمل ناپسند را مرتکب می شوم هر یک را بخواهید به خاطر شماترک می کنم و آن چهار چیز زنا، شرب، خمر، دزدی و دروغ است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دروغ را ترک کن! آن مرد هم قبول کرد و رفت. اما زمانی که خواست زنا کند اندیشید ممکن است پیامبر صلی الله علیه و آله از من بپرسد. چه کرده ای؟ پس اگر راست بگویم مرا حد خواهد زد و اگر دروغ بگویم برخلاف قرارداد با اوست. و بدین ترتیب به برکت تصمیم برترک دروغ از ارتکاب زنا منصرف شد و یکایک اعمال زشتی را که بدان مبتلا بود ترک کرد و یک مسلمان متعهد شد. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵، ۳۵۷/۶)

همچنین امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «جَانِبُوا الْكُذْبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ الصَّادِقُ عَلَيَّ شَفَا مَنْجَاةٍ كِدَامَةً؛ از دروغ بپرهیزید که دورکننده ایمان است راستگو در معرض رستگاری و بزرگواریست و دروغگو مشرف پرتگاه هلاکت و خواری. (دستی، ۱۳۸۸، ۱۰۳)

امام خود جلوه تمام عیار راستی و درستی در سیاست بود. آن حضرت در خطبه ای که پس از بیعت مردم با خود در مدینه ایراد کرد فرمود: «ذُمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِيْنَةً وَأَنَا زَعِيْمٌ... وَ إِلَيْهِ مَا كَتَمْتُ وَ شَمَّةٌ وَلَا كَذِبْتُ كَذِبَةً؛ آنچه می گویم در عهده خویش می دانم و خود ضامن آنم... به خدا سوگند! کلمه ای از حق را نپوشاندم و دروغی بر زبان نراندم. (دستی، ۱۳۸۸، ۳۰۷)

امیرمؤمنان علیه السلام در تمام دوران حکومتش به همین گونه بود و هرگز سیاست خود را به دروغ و فریب و خیانت و بی وفایی نیالود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷، ۱۰۸)

مقام معظم رهبری: یکی از کسب های حرام، کسب از طریق کذب و دروغ است. در

گذشته اکتساب از راه کذب، کمتر وجود داشت. اما در زمان ما این معنا وجود دارد. امروزه عده ای در دنیا از طریق دروغ گفتن نان می خورند! دروغ و شایعه پردازی، در دنیا کار رایجی است. بعضی از روزنامه نگارها، وبلاگ نویس ها یا کسانی که در رسانه های صوتی و تصویری کار می کنند، دروغ می سازند و بابت آن پول می گیرند. این یک معامله ای است که اگر بخواهیم بگوییم این معامله حرام است، لازمه اش این است که دروغ گفتن حرام باشد. حرام بودن مطلق دروغ و کذب از ضروریات فقه است؛ چه دروغ کوچک و بی اهمیت باشد و چه بزرگ و تأثیرگذار. اما کبیره بودن این گناه در صورتی است که کذب در امر دین و دروغ بستن به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله باشد؛ یا کذبی باشد که مفساد فراوانی بر آن مترتب است، و الا کذب از گناهان صغیره است. مثل اینکه از کسی پرسند: "شما فلانی را ندیدید؟" جواب می دهد: "نه". درحالیکه آن شخص را نیم ساعت پیش دیده است. این دروغ، اهمیتی ندارد. (امام خامنه ای، رساله ی آموزشی احکام معاملات، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27821>، ۱۳۹۳/۷/۱۴)

تکذیب سخنان صحیح و دروغ جلوه دادن واقعیات و حقایق دینی از آفت های زبان و گناه کبیره است که باید از آن برحذر بود که به وسیله ترک دروغ از بسیاری از گناهان انسان فاصله گرفته است.

### ۲.۳. دشنام (فحش)

شئون شخصی - خانوادگی، فامیلی، شغلی، مذهبی و دیگر چیزهایی افراد را با تعبیرات زشت، رکیک هدف جمله قرار دادن است. این آفت زبانی از بدترین رذائل اخلاقی و به دور از روح اسلام و انسانیت و مایه ظلم و آزدن مؤمن و اهانت به وی خواهد بود. امام امیر مؤمنان علی علیه السلام هنگامی که در جنگ صفین متوجه شد همراهانش به مردم شام دشنام می دهند فرمود: «من خوش ندارم شما پیروان من به (شامیان) دشنام دهنده باشید لکن به جا و نزدیک تر به صواب آن بود که رفتار ناپسند شان را بازگو می کردید و کج روی آنان را برمی شمردید. زیرا چنین روش و رفتار برای آن کس که مبارزه شما را با آنان نکوهش می

کند گویاترین و شایسته ترین پاسخ و اتمام حجت است. بهتر آن بود که به جای دشنام بگویی: پروردگارا تو خود خون ما و آن ها را از ریختن حفظ کن و بین ما و آنها صلح و آشتی برقرار فرما و آنان را از کجروی به راه راست رهنمود کن تا آنگاه به حق، حقیقت را بشناسد و ستیز گرد رعناد و سرکشی دست از آن بشوید و راه رستگاری جوید. (جعفری، ۱۳۸۰، ۲۳۰)

و امام امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: از گفتار دشنام آمیز و دروغ آلود برحذر باش که مایه آسیب و تحقیر گوینده است بنابراین دشنام یکی از عوامل اصلی اختلافات و کینه ها و نزاع ها و قهر و کینه های جمعی و فردی است. و دشنام یکی از آفات زبان و رذائل اخلاقی است که ما باید با پیروی از سخنان گهر بار مولای متقیان حضرت علی علیه السلام و مقام معظم رهبری از آن دوری کنیم تا عاقبت به خیر شویم حضرت علی علیه السلام و این داستان خود را در نهج البلاغه چه مظلومانه ثبت کرده است که می فرماید: «فَأَمَّا السَّبُّ فَمُبْهُونِي فَإِنَّهُ لِي زَكَاةٌ وَلَكُمْ نَجَاةٌ وَأَمَّا الْبِرَاءَةُ فَلَا تَنْتَبِرُوا وَأَمْنِي فَإِنِّي وُلِدْتُ عَلَيَّ الْفِطْرَةَ وَسَبَقَتْ إِلَيَّ الْإِيمَانَ وَالْهِجْرَةَ؛ در صورت اجبار به من دشنام بدهید زیرا دشنام به من مرا پاک می کند و برای شما موجب رهایی است. ولی اگر تبری و تبیزاری از من را بر شما عرضه کند از من تبری مجویی زیرا من بر فطرت پاک اسلام متولد شده ام و پیش از همه به ایمان و هجرت نایل گشته ام (نرم افزار نهج البلاغه، ترجمه و تفسیر آیت الله العظمی مکارم شیرازی)

رهبر انقلاب اسلامی: «بله کودکی که پیامبر اکرم، او را در آغوش خود می گرفت، با او روی منبر می رفت و برای مردم صحبت می کرد. او پسری بود که پیامبر درباره اش فرمود: «حسین منی و انا من حسین» رابطه ی بین این پدر و پسر، این گونه مستحکم بوده است، آن پسری که در زمان حکومت امیرالمؤمنین، یکی از ارکان حکومت در جنگ و صلح بود و در سیاست مثل خورشیدی می درخشید. آن وقت، کار آن جامعه به جایی برسد که همین انسان بارز و فرزند پیامبر، با آن عمل و تقوا و شخصیت فاخر و عزّت و با آن حلقه ی درس در مدینه و آن همه اصحاب و یاران علاقه مند و ارادتمند و آن همه شیعیان در نقاط مختلف دنیای اسلام را با آن وضعیت فجیع محاصره کنند و تشنه نگه دارند و

بکشند و نه فقط خودش، بلکه همه ی مردانش و حتی بچه ی شش ماهه را قتل عام کنند و بعد هم زن و بچه ی اینها را مثل اسرای جنگی اسیرکنند و شهر به شهر بگردانند. قضیه چیست و چه اتفاقی افتاده بود؟ این، آن عبرت است. شما جامعه ی ما را با آن جامعه مقایسه کنید تا تفاوت آن دورا دریابید. ما در این جا و در رأس جامعه، امام عظیم القدر را داشتیم که بلاشک از انسانهای زمان ما بزرگتر و برجسته تر بود؛ اما امام ما کجا، پیامبر کجا؟ یک چنین نیروی عظیمی، به وسیله ی پیامبر در آن جامعه پراکنده شد که بعد از وفات آن بزرگوار، تا دهها سال ضرب دست پیامبر جامعه را پیش می برد. شما خیال نکنید این فتوحاتی که انجام گرفت، از نفس رسول الله منقطع بود؛ این، ضرب دست آن بزرگوار بود که جامعه ی اسلامی را پیش می برد و پیش برد. بنابراین، پیامبر اکرم در فتوحات آن جامعه و جامعه ی ما حضور داشت و دارد، تا وضع به این جا رسید.

من، همیشه به جوانان و محصلین و طلاب و دیگران می گویم که تاریخ را جدی بگیرید و با دقت نگاه کنید، ببینید چه اتفاقی افتاده است: «تلك أمة قد خلت» عبرت از گذشتگان، درس و آموزش قرآن است. اساس قضیه در چند نکته است که حالا من نمی خواهم آن ها را در این جا تحلیل و بیان کنم. مقداری را گفتم و مقداری هم باب محافل بحث و تدقیق است که افراد اهل تحقیق بنشینند و روی کلمه کلمه ی این حرفها، دقت کنند.

یکی از مسائلی که عامل اصلی چنین قضیه ای شد، این بود که رواج دنیا طلبی و فساد و فحشا، غیرت دینی و حساسیت مسؤولیت ایمانی را گرفت. این که ما روی مسأله ی فساد و فحشا و مبارزه و نهی از منکر و این چیزها تکیه می کنیم، یک علت عمده اش این است که جامعه را تخدیر می کند. همان مدینه ای که اولین پایگاه تشکیل حکومت اسلامی بود، بعد از اندک مدتی به مرکز بهترین موسیقیدانان و آوازخوانان و معروفترین رقصان تبدیل شد. (امام خامنه ای، بیاناتی در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۸/۲/۱۸،

## ۴.۲. نکوهش بی جا و ملامت

نکوهش افراد در غیر مواردی که عنوان نصیحت و تذکر داشته باشد، از آفات زبان و از نظر قرآن و احادیث دینی ممنوع و از دیدگاه تعلیم و تربیت نتیجه ای معکوس خواهد داشت. مانند آن کسی که در انجام کاری دچار شکست شده و برخلاف آنچه می خواسته و انتظار می رفته به گرفتاری و دردسر مبتلا شده باشد. در این هنگام کسی او را مورد عتاب و سرزنش قرار دهد که چرا چنان کردی تا چنین شدی؟! بدیهی است کسی که به خاطر شکست و ناکامی در کارهایش مکدر و ناراحت است چه بسا اگر مورد تفقد و تقویت روحی دوستان و نزدیکان قرار نگیرد بیش از پیش تحت تأثیر شکست های روحی و غیر آن قرار می گیرد.

خداوند در قرآن مجید در توصیف مؤمنان واقعی می فرماید: «آنان - مؤمنان واقعی - در راه پیکار می کنند و از ملامت هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسند.» (مائده، ۵، آیه ۵۴)

امیر مؤمنان علیه السلام ضمن بیان فضائل اخلاقی و ملکات انسانی یکی از برادران دینیش می فرماید: «وَكَانَ لَا يُلُومُ أَحَدًا عَلَيَّ مَا يَجِدُ الْعُذْرَ فِي مِثْلِهِ حَتَّى يَسْمَعَ إِعْتِدَارَهُ؛ او چنان بود که کسی را درباره چیزی که نسبت به مانندش معذور بود سرزنش و نکوهش نمی کرد تا عذرش را بشنود.» (دستی، ۱۳۸۸، ۴۹۹) و نیز می فرماید: در سرزنش زیاده روی ممکن که کینه آورد و وارد به دشمنی کند. و نیز: زیاده روی در ملامت آتش لجاجت را شعله ورمی سازد.

و امام علی علیه السلام در این باره فرموده است: «مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التَّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنُّ؛ کسی که خود را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسی را که بدو بدگمان شده ملامت و سرزنش کند.» (باهمه انتقادهای که نسبت به ملامت و نکوهش بیجا انجام شده انسان هم نباید خود رت در معرض نکوهش دیگران قرار دهد همچنان که اگر کسی خود را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسانی را که به او بدگمان شده اند ملامت کند. (دستی،

رهبر عزیز می فرماید: امام صادق علیه السلام فرمودند: از دو خصوصیت و خصلت بهره‌یزید) **الضَّجْرَ وَ الكَسَلَ**، «ضَجْر»، به معنای دلتنگ شدن و ملول شدن و بی حوصله شدن است. انسان یک وقتی از یک وضعیتی، از یک حادثه ای مثلاً- یا از وضع مزاجی خودش، یا از کاری که به عهده ی او هست - ملول می شود، دلتنگ می شود. می فرماید مراقب باش دچار این دلتنگی نشوی، دچار این ملالت نشوی، دچار این کم حوصلگی نشوی، کم حوصلگی؛ این ضَجْر است. (امام خامنه ای، بیانات رهبر در درس خارج فقه، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35269>، ۱۳۹۵/۹/۱۶)

کسی که خود را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسی را که بدو بدگمان شده ملامت و سرزنش کند. باهمه انتقادهای که نسبت به ملامت و نکوهش بیجا انجام شده انسان هم نباید خود را در معرض نکوهش دیگران قرار دهد همچنان که اگر کسی خود را در معرض تهمت قرار دهد نباید کسانی را که به او بدگمان شده اند ملامت کند.

## ۲.۵. افشاگری و بازگویی اسرار

بازگوکردن اسرار و شایع کردن مطالبی که افشاء آن موجب ضرر برای خود یا دیگران باشد از آفت های بزرگ و غیر قابل جبران زبان است و در قرآن مجید و روایات اسلامی شدیداً از این آفت زبانی نهی شده است. افشا و بازگو کردن سر اعم است از کشف عیب و بازگو نمودن مطالب پنهانی زیرا سر همیشه عیب نیست ولی افشاء آن در بسیاری از موارد مایه رنجش خاطر مؤمن و برخلاف مصالح شخصی او و گاهی منجر به خطر جانی آبرویی یا مالی وی خواهد شد. سرگشایی در عبارتی کوتاه سقوط زبان از پایگاه اعتماد است. مولای متقیان حضرت علی علیه السلام می فرماید: سر تو تازمانی که گشوده نشده و ناگشوده مانده سبب سرور است اما هرگاه که فاش شد سبب اندوه خواهد بود. حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ؛ كَتْمَانُ كُنْدَةٌ سِرَاحْتِيَارَكَارِ خَوْذِ رَا دِر دَسْتِ خَوَاهِدِ دَاشْتِ.» (دستی، ۱۳۸۸، ۴۷۵)

رهبر انقلاب: راز به دیگری گفتید اختیار از شما خارج شده است اگر بخواهید راز پنهان

بماند باید مکتوب نگه بدارید. (امام خامنه ای، بیانات در نخستین دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم، ۱۴۰۰/۶/۶، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48588)

بنابراین افشاگری دربارهٔ بندگان خدا یک نوع خیانتی است که افشاگر نسبت به اسرار و اهانت های لازم الحفظ مردم مسلمان مرتکب می شود. و اصولاً ناشی از کم ظرفیتی، نفاق، دشمنی یا جلب منفعتی است که افراد پست و موذی بدان تن در می دهند. و نیز امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «در پرده برداشتن از اسرار خود بخیل باش و رازی را که به تو سپرده می شود آن را فاش مساز که فاش ساختن اسرار دیگران خیانت است. (تمیمی آمدی، ۱۳۷۵، ۵۶۸)

## ۲.۶. دورویی و دوزبانی (نفاق)

کسی که با دوزبان و با دو چهره با مردم برخورد کند منافق نام دارد که این دورویی یکی از آفات زبان است. منافق کسی است که درپیش رواج برادر دینی خود مدح و تمجید کند و درغیاب وی مذمت بدگویی. درحضور او اظهار دوستی و محبت کند و در خفا مرتکب فحش، کارشکنی و آبروریزی گردد. و بالاخره منافق کسی است که ظاهرش با درونش متفاوت باشد و حضور و غیابش برخلاف یک دیگر.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: همانا پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: «من بر امتم نه از مؤمن می ترسم نه از مشرک. زیرا مؤمن را خدا در درپرتو ایمانش از بیراهه بردن نگاه می دارد و مشرک را به خاطر شرکش ذلیل و سرکوب می نماید. لیکن ترس من بر شما از منافق دورویی است که نفاقش را در دل پنهان می دارد و زبانش گویای حقایق علمی و وظایف دینی است. او در مقام سخن آنچه پسندیده شماست می گوید اما در مقام عمل آنچه را که از آن ابا دارید مرتکب می گردد.» (نهج البلاغه نامه ۲۷)

همچنین می فرماید: از مردم منافق و دورو شما را برحذر می دارم زیرا هم خود گمراهند و هم دیگران را به گمراهی می کشانند هم خود خطا کارند و هم دیگران را به خطا می

افکنند. بنا به مصلحت کار خویش هرزمان به رنگی درآیند تا مردم ساده لوح وزود باور را بفریبند. ستودن آنان همچون دوا وگفتارشان شفاست اما کردار و رفتارشان دردی است درمان ناپذیر، بیجا از این وآن ستایش می کنند و مانند آن را انتظار دارند. درخواست خود را با پافشاری انجام می دهند و هرگاه به عیب کسی پی ببرند رسوایش سازند و اگر در کاری به حکمت و داوری منصوب گردند سخن به باطل می گویند و آن راحق وانمود کنند. مقاصد شوم خود را با ظاهری آراسته جلوه می دهند و آیین پاک و راست الهی را ناراست و کج. بی شک چنین مردمی پیرو شیطان و زبانه آتش ضلالت و گمراهی اند. اینان حزب شیطانند آگاه باشید پیروان شیطان زیان کار اند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۴)

رهبر انقلاب مفهوم نفاق را پنهان کردن فکر و راه و ابراز خلاف آن به مؤمنان می دانند و با اشاره به اهمیت موضوع نفاق در قرآن، بر توجه ویژه به آن تاکید می کنند. رهبر انقلاب به سه دسته از منافقان در قرآن اشاره می کنند که عبارت اند از: "منافقین اول ورود پیامبر به مدینه"، "مؤمنانی که در آغاز هیچ نشانه ای از نفاق در آنها نبود و بعد منافق شدند" و "منافقان محارب". رهبر انقلاب همچنین از خطرناک بودن پدیده نفاق و همیشگی و ناشناخته بودن آن سخن می گویند و دشمن نقابدار (منافق) را بدترین دشمن می دانند. بی توجهی به نماز و نمازریایی، سوء ظن به خدا و قبول نداشتن وعده الهی و پنهان کاری و ریاکاری از جمله ویژگی هایی است که رهبر انقلاب برای منافقان برمی شمارند. "ناپسند بودن توهم نفاق"، "لزوم جهاد با منافقان" دو نکته کلیدی و مهم دیگر است که رهبر انقلاب بر آنها تاکید می کنند

سپس مواظب باشید که اخلاق نیکو را درهم نشکنید و به رفتار ناپسند مبدل نسازید زبان و دل راهما هنگ کنید انسان باید زبانش را حفظ کند زیرا همانا این زبان سرکش صاحب خود را به هلاکت می اندازد. (دشتی، ۱۳۸۸، ۲۳۹)

در گام دوم در چهارمین محور مورد تاکید مقام معظم رهبری به عدالت و مبارزه با فساد پرداخته شده و بیان شده که بروز فساد در جامعه انقلابی امری واقعی است که اگر چه



میزان و سطح فساد در ایران اسلامی نسبت به زمان طاغوت و بسیاری از کشورهای دیگر بسیار کمتر است اما زشتی این پدیده در حکومت اسلامی ایران مذموم تر و سطح توقع پیشگیری از فساد بالا تر از سایر جوامع است.

### ۳. برکات زبان

برکات زبان بسیار زیاد است و ما در ذیل به هشت مورد از مهم ترین آنها شرح می دهیم.

#### ۱.۳. صداقت

یکی از برکات زبان صداقت است مهم ترین کمال انسانی و شاخصه والایی است که انسان وجودش از راستی بهره مند باشد و یکی باشد. امام علی علیه السلام در تفسیر حکمت می فرماید: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ الصِّدْقِ لِمَنْ صَدَقَهَا وَدَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَّ عَنْهَا دَارِعِنِي لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَدَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَطَّ بِهَا؛ دنیا سرای صدق و راستی است برای آن کس که به راستی با آن رفتار کند جایگاه عافیت برای کسی که از آن چیزی بفهمد سرای بی نیازی است برای آن کس که از آن توشه بگیرد و محل موعظه و اندرز است.» (دشتی، ۱۳۸۸، ۴۶۷)

به این ترتیب دنیا گرچه در نظر اول «دارالغرور» و «دارالمولعب» است ولی با دقت می تواند به سرای عافیت و موعظه و برگرفتن زاد و توشه تبدیل شود و نردبان ترقی انسان برای قرب الی الله باشد و معراج مؤمن و مزرعه آخرت گردد.

رهبر انقلاب اسلامی در این ذیل می فرماید: واقعاً انسان باید این ها را مثل دُر و گوهر گرانبها روی چشمش بگذارد و به دنیا عرضه کند. حالا این صفات چیست؟ اول: صدق الحدیث راستگویی؛ الان کشور خود ما کشور اسلامی است و از بسیاری از جوامع دنیا هم انصافاً بهتر و پاکیزه تر و طاهرتراست اما در عین حال شما ببینید خیلی از مشکلات داخل کشور ما ناشی از نبودن همین صفت است؛ صدق الحدیث نیست، راستگویی نیست. راستگویی یعنی چه؟ یعنی شما حرفی را که می زنید، مطابق با واقع باشد. اگر دانستید مطابق با واقع است و گفتید، این راست است؛ اگر نه، نمی دانید مطابق واقع است یا نیست اما می گوئید، این صدق نیست. «صدق» عبارت است از اینکه شما

چیزی را که می دانید مطابق واقع است، بیان می کنید. فضای مجازی را ملاحظه کنید که بر اثر حرف، شایعه، دروغ، خلاف، تهمت، نسبت بدون واقعیت به این، به آن، به بالا، به پایین، به همدیگر، يك فضای دروغ در کشور به وجود می آید؛ ببینید، اینها اشکال است. پس اول «صِدْقُ الْحَدِيثِ» یعنی همه سعی کنیم راست بر زبان جاری کنیم. دوّم: وَ صِدْقُ النَّاسِ. (امام خامنه ای، بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره صفت های برجسته اخلاقی، ۱۳۹۷/۱۲/۱۲، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-(content?id=42121)

بنابراین صداقت استوارترین بنیانی است که دوستی ها، مشارکت ها بر آن استوار می گردد و بدون آن همه این بنیادها در معرض فروپاشی و گسیختگی قرار می گیرد. رهبر انقلاب در گام دوم بیان می کنند که این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه ی عمل جهانی و منطقه ای در کنار مظلومان جهان مایه ی سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد.

### ۲.۳. اعتدال در سخن

یکی از برکات زبان اعتدال در سخن است بهترین کلام سخنی است که در آن مساوات یعنی نه در آن افراط باشد نه تفریط لازم است که مسلمانان در معاشرت ها و برخورد با یکدیگر بشاش و گشاده رو باشند و از طرفی برخورد ها باید مؤدبانه و جدی باشد.

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «المرء مخبوء تحت لسانه» منظور از (مرء) انسان در این جا شخصیت و ارزش انسان است و منظور از (مخبوء) «نهفته بودن» در زیر زبان این است که هنگامی که سخن بگوید شخصیت او آشکار می شود چرا که سخن ترجمان عقل و دریچه ای به سوی روح آدمی است هرچه در روح اوست از خوب و بد، والا و پست بر زبان و کلماتش ظاهر می شود. گاه انسان به افرادی برخورد می کند که از نظر ظاهر بسیار آراسته و پرايهت اند اما همین که زبان به سخن می گشاید می بیند که چقدر تو خالی است و برعکس به افرادی برخورد می کند که ابدا ظاهر ندارد اما هنگامی که زبان به سخن می

گشاید انسان احساس می کند شخص دانشمند و حکیمی است. و در جایی دیگر امام علی علیه السلام می فرماید: انسان زیر زبان خود پنهان است. (دشتی، ۱۳۸۸، ص ۴۷۳) بنابراین آنچه که معرف شخصیت انسان است زبان اوست در صورتی که اعتدال در سخن داشته باشد ارزش بالای برخوردار است. (انصاری، ۱۳۸۳، ۱۹۵-۱۹۳)

مقام معظم رهبری در گام دوم بیان می کنند که انقلاب اسلامی هرگز مرتکب افراط ها و چپ روی هایی که مایه ی ننگ بسیاری از قیام ها و جنبش ها است نشده است نتیجه این که ایران در همه جا به خصوص زبان و رفتار اعتدال را حفظ کرده است.

### ۳.۳. رازداری

یکی از برکات زبان رازداری است که همان طور که باید ظرفیت نگهداری راز خود را داشته باشیم و آن را پیش دیگران نگوئیم رازی را که کسی با ما در میان گذاشته و یا از اسراری به نحوی آگاه شده ایم باید نگهداری و امین آن باشیم.

امام علی علیه السلام در تفسیر حکمت می فرماید: در این عبارت نورانی و آنچه در ذیل آن آمده بر چهار مطلب تأکید می کند؛ که نخست «صدرالعاقل صندوق سره؛ سینه عاقل گنجینه اسرا اوست.» همان گونه که صاحبان ثروت اشیاء قیمتی را در صندوق های محکم نگهداری می کنند انسان عاقل نیز باید اسرارش را در دل خود پنهان دارد چرا که اسرار او اگر به دست دوست بیفتد گاه سبب ناراحتی اوست و اگر به دست دشمن بیفتد ممکن است آبروریزی او شود. به علاوه بعضی از اسرار ممکن است با سرنوشت ملتی ارتباط داشته باشد که اگر بی موقع فاش شود سبب خسارت عظیمی برای جامعه گردد.

در جایی دیگری مولا علی علیه السلام می فرماید: سینه خردمند صندوق راز اوست و خوش رویی وسیله دوست یابی و شکیبایی گورستان پوشاننده عیب هاست. در تفسیر دیگری آمده است مولای متقیان حضرت علی علیه السلام می فرماید: سینه شخص عاقل صندوق اسرار او است و خوش رویی دام محبت است و تحمل ناراحتی بد عیوب است. (آشتیانی،

بنابراین همانطور که امام علی علیه السلام می فرماید: آن کس که راز خویش را پنهان دارد ابتکار عمل را در اختیار خواهد داشت.

پس رازداری هنرانسان های با ظرفیت است ما باید از مولا و پیشوایان معصوم علیهم السلام و مقام معظم رهبری را در این زمینه الگو قرار بدهیم.

### ۴.۳. موعظه (نصیحت)

در مورد جسم گاهی می بیند ورزشکاری در یک مسابقه سنگین نود دقیقه دویده است و بدنش خسته شده و نیاز به خواب دارد که اگر استراحت مناسبی نکند بدن دوباره سر حال می شود. روح انسان نیز چنین حالتی دارد. امیر المؤمنین علیه السلام در حکمت ۱۹۷ می فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ؛ بدانید دل‌های شما هم مانند بدنتان خسته و کسل می شود وقتی که این گونه شد آنجا دنبال نکات ظریف و حکمتها و مواعظ و نصیحت ها بروید آنجا درد روح را موعظه و نصیحت درمان می کند.» (انصاری، ۱۳۸۳، ۷۴-۷۱)

و این جاست که نصیحت و موعظه برای نجات انسان وارد صحنه می شود زیرا یکی از چیزهایی که زنگ را از روح انسان می زداید و کسالت و کدر بدون آن را از بین می برد و صافی روح ایجاد می کند نصیحت و موعظه است. انبیا این مسؤولیت را دارند. امام علی علیه السلام در تفسیر حکمت می فرماید: «وَإِذَا مَرَّوَابَايَةَ فِيمَا تَخْوِيفٌ أَصْفُوا إِلَيْهَا مِيَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَظُنُّوَانِ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَشَهيقُهَا فِي أُصُولِ آذَانِهِمْ؛ هنگامی که به آیه ای می رسند که بیم و اندرز در آن است (انذار در برابر گناهان) گوش های دل خویش را برای شنیدن آن باز می کنند و گویی فریادها و ناله های زبانه آتش دوزخ در درون گوششان طنین انداز است.» آری ایمان آن ها به مرحله شهود رسید و حقایق عالم غیب و جهان آخرت را با چشم می بینند. و با همه وجودشان لمس می کنند و هرگاه خواندن آیات قرآن بدین گونه باشد بهترین وسیله تربیت انسانهاست. (دستی، ۱۳۸۸، ۲۷۳)

درس اخلاق امام خامنه ای: حضرت موسی به خضر گفت یک نصیحتی بکن فرمود هرگز

لجاجت نکن لجاجت با دوست و دشمن لجاجت یعنی پا فشردن با یک امری که درست و معقول نیست، حرکت کنی راه بروی بدون این که هدفی در نظرت باشد، خطای خود و گناه خود را از یاد نبر باعث می شود انسان توبه کند و راه را دوباره نرود؛ باعث می شود انسان به خودش مغرور نشود خطای مردم را از بین ببر.

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1463>

بنابراین همانطور که امام علی علیه السلام می فرماید: آن چه که باعث نجات روح از درد و کسالت و تنبلی می شود موعظه و نصیحت است که با گوش کردن عمل به موعظه و نصیحت ائمه معصومین و انبیا علیهم السلام و مقام معظم رهبری همیشه روح شادابی خواهیم داشت.

رهبر اسلامی در گام دوم جوانان را نصیحت می کنند و می فرمایند جهان غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران زیان های بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است مقابله با آن جهادی همه جانبه و هوشمندانه میطلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان ها است.

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

### ۳.۵. دعا و شکر

یکی از برکات زبان دعا و شکر است. که ما انسانها همیشه باید خداوند را به خاطر نعمتهای زیادی که به ما ارزانی داشته شکر کنیم. امام علی علیه السلام در تفسیر حکمت می فرماید: «الشکرو یغلق عنه باب الزیادة ولا لیفتح علی عبد باب الدعاء ویغلق عنه باب الاجابة؛ چنین نیست که خداوند باب دعا را به روی کسی بگشاید و باب اجابت را به رویش ببندد.» این اشاره به آیه شریفه ۶۰ سوره غافر است: «وَقَالَ رَبُّكُمْ اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ» و آیه شریفه ۱۸۶ سوره بقره: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي اِدْعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي؛ هرگاه بندگان من درباره من از تو سؤال کنند بگو من به آنها نزدیکم و دعای دعا کننده را هنگامی که مرا از صمیم دل بخواند اجابت می کنم.» دلیل آن هم روشن است زیرا نه خداوند بخیل است و نه اجابت دعا چیزی از او می کاهد بلکه رحمانیت و رحیمیت او ایجاب می کند

که تمام تقاضاهای بندگان را اجابت می فرماید و اگر گاهی اجابت دعا تأخیر می افتد و یا بعضی از دعاها به اجابت نمی رسد حتما دلیل مصالحتی است یا به واسطه وجود موانع بسیار می شود. که انسان از خدا چیزی می خواهد که دشمن جان است اما توجه ندارد خداوند چنین دعایی را مستجاب نمی کند گاهی هم چیزهایی می خواهد اما موانعی مانند گناهان بزرگ جلوی اجابت آن رامی گیرد.

حقیقت شکر این است که انسان نعمت را از خدا بداند. نه این که به زبان بگوید؛ با همه ی وجود باور کند که آنچه از نعمت در اختیار اوست، از سوی خداست. این طور نباشد که خیال کند، اوست که این نعمت را برای خود فراهم کرده است. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۷۶/۳/۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2842>)

بنابراین ما انسان ها باید با الگو قرار دادن امام علی علیه السلام و مقام معظم رهبری همیشه شکر گذار نعمت های گران قدر خداوند بزرگ باشیم.

مقام معظم رهبری در انتهای بیانیه گام دوم می فرمایند پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق می سایم رهبر انقلاب با این بیان نشان می دهند که انسان همیشه باید شکر گذار باشد

### ۳.۶. داوری و قضاوت

یکی از برکات زبان داوری و قضاوت کردن است این که انسان بتواند با داوری و قضاوت درست دیگران را یا رای دیگر که مشکلاتشان به نحو احسن حل شود. امام علی علیه السلام می فرماید: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا به یمن فرستاد. گفتم ای پیامبر خدا مرا برای داوری به سوی یمن گسل می داری در حالی که جوانم و از داوری چیزی نمی دانم دست خود را روی سینه من گذاشت و گفت: «لَيْسَ مِنَ الْعَدْلِ الْقَضَاءُ عَلَيَّ ثَمَّةَ بِالظَّنِّ؛ پروردگارا دلش راهدایت کن و زبانش را استوار فرما. پس از آن هرگز در داوری بین دو نفر تردید نکردم. (محمدی، ۱۳۹۰،

امام علی علیه السلام می فرماید: داوری در حق افراد مورد اطمینان با تکیه بر گمان رسم عدالت نیست. در تعبیر دیگر آمده: داوری با گمان بر افراد مورد اطمینان دور از عدالت است.

مقام معظم رهبری می فرماید: یک نکته مهم در بام قوه قضاییه که می بینیم درست پیش نمیروند مسئله اعتمادسازی مردم است؛ افکار عمومی خیلی مهم است ما در مقابل دشمن و بدخواه و توطئه‌گر و دروغ‌گو و تهمت زن باید با صلابت و قاطعیت عمل کنیم ولی در مقابل افکار عمومی نمی شوند این جور ظاهر شد. در مقابل افکار عمومی بایستی با تواضع، بادلسوزی، با محبت وارد شد و به افکار عمومی تفاهم کرد؛ این خیلی چیز مهمی است، تا بتوانیم اعتماد افکار عمومی را جلب کنیم. و جلب اعتماد افکار عمومی، یکی از آن اساسی ترین کارها است برای قوه قضاییه؛ خوب، حالا چه کار کنیم برای این که این اعتماد بدست بیاید؟ به نظر می رسد و کار اساسی باید انجام بگیرد یک کار، کار عملی است یک کار، کار تبلیغاتی است. حوصله شنیدن باید داشته باشید هم در در دادسرا به وسیله بازپرس هم در مواجهه با دادستان هم در نهایت در دادگاه در مواجهه با دادرس و قاضی بایستی گوش شنوا وجود داشته باشد بشنوید، هم از آن کسی که شاکی است و آماده شکایت می کند گوش بدهید ببینید واقعاً چه می گوید، هم از آن کسی که متهم است و از خودش دفاع می کند کاملاً گوش کنید ببینید چه می گوید؛ این باید شنیده بشود؛ ممکن است حرف او را قبول هم نکنید اما گوش کنید در نتیجه باید خوب قضاوت کنید. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضاییه، ۱۳۹۷/۴/۶،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40036>

بنابراین ما باید با تکیه بر احادیث و سفارش مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام و رهبر انقلاب در مورد انسان ها زود داوری و قضاوت نکنیم تا خدای ناخواسته عذاب وجدان نداشته باشیم و عاقبت به خیر شویم و همیشه در راه صراط مستقیم گام برداریم.

### ۷.۳. گشاده رویی

یکی از برکات زبان این است که انسان گشاده رو و خوش اخلاق باشد که خوشرویی با مردم

از نشانه هایی حسن سلوک است. کسی که به اخلاق حسنه متخلق است گرچه ناراحت و اندوهگین باشد ولی در برابر دیگران اظهار ناراحتی نمی کند که امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ؛ شادی مؤمن در چهره اش نمایان و اندوه او در قلبش پنهان است.» اشاره به این که شخص با ایمان به قدری صابر و شکیباست که غم و اندوه خود را در دل نگه می دارد و در چهره اش چیزی جز شادی نیست. شادی از نعمت های خدا و شادی در برابر دوستان و معاشران همین امر موجب جذب افرادی زیادی به او خواهد شد چرا که همیشه او را شاد و خندان می بینند او هرگز نزد کسی زبان نه شکوه نمی گشاید و اندوه درون خود را به دوستان و معاشران خود منتقل نمی سازد در حالی که افراد ضعیف الایمان و کم ظرفیت تا مشکلی برای آنها پیدا می شود سفره دل خود را در برابر همه کس باز می کند و لب به شکایت می گشاید. (دشتی، ۱۳۸۸، ۵۰۷)

از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) یک شخصیت عظیم، با ظرفیت بی نهایت و با خلق و رفتار و کردار بی نظیر، در صدر سلسله انبیا و اولیا قرار گرفته است و ما مسلمانان موظف شده ایم که به آن بزرگوار اقتدا کنیم رهبر معظم انقلاب درباره ی شخصیت والای پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و لزوم اقتدای مسلمانان به ایشان می فرماید: پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جدای از خصوصیات معنوی و نورانیت و اتصال به غیب و مراتب و درجاتی که حتی امثال بنده هم از فهمیدن آن ها قاصر هستیم. از لحاظ شخصیت انسانی و بشری، یک انسان فوق العاده، طراز اول و بی نظیر است.

نتیجه می گیریم که مؤمن باید همیشه خوش اخلاق و خوشرو باشد که افراد زیادی را به خود جذب کند اما غم و اندوه همیشه درون اوست و آن را به کسی منتقل نمی کند. مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب اسلامی و ملت ایران قدرتمند اما مهربان و با گذشت و حتی مظلوم بوده است.

### ۸.۳. سنجدیده سخن گفتن

یکی از برکات زبان سنجدیده سخن گفتن است کم حرفی پرهیز از بیهوده گویی و سخنان



بی فکر و تأمل از نشانه های خردمند است. بنابراین عاقل کسی است که از پرحرفی پرهیزد یاوه و بیهوده نگوید و قبل از سخن بیندیشد. امام علی علیه السلام در تفسیر حکمت درباره حفظ زبان می فرماید: «لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَقَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ؛ زبان خردمند پشت قلب اوست و قلب نابخرد پشت زبان او» (محدثی، ۱۳۹۱، ۲۵) مفهوم این کلام آن است که عاقل ابتدا می اندیشد سپس سخن می گوید. اما احمق اول حرف می زند سپس می اندیشد خردمند با تأمل حرف می زند. اما نا بخرد سخنان بی فکر دارد. (دشتی، ۱۳۸۸، ۴۵۰) همین مضمون به شکل گیری درکلمات آن حضرت آمده است: «قلب الاحمق فی فیه ولسان العاقل فی قلبه؛ قلب احمق در دهان اوست اما زبان خردمند در قلب او.» اقتضای عقل و خردمندی کم حرفی و پرهیز از سخنان بیهوده است. عاقل قدرت سکوت و گزیده گویی دارد سکوتش هم زمینه تفکر است. بنابراین هرکس زبان خویش را نگه دارد و سنجیده سخن گوید به تقوا و پرهیزکاری نزدیک می شود.

### بحث و نتیجه گیری

زبان نعمتی خداداد است که در زندگی بشر اهمیت به سزایی دارد. زبان مهم ترین دریچه ای است که به روح انسان گشوده می شود و اساسی ترین راه ارتباطی بشر در طول تاریخ بوده است؛ بنابراین شناخت آفات و برکات آن حیاتی است. در پژوهش فوق با الهام از نهج البلاغه و اندیشه مقام معظم رهبری به بررسی و تبیین آفات و برکات زبان پرداخته ایم که به شش مورد آفات آن شامل: غیبت و عیب جویی، دروغ، دشنام، نکوهش بی جا و ملامت، افشاگری و بازگویی اسرار، دو رویی و دو زبانی و هم چنین هشت مورد برکات آن شامل: صداقت، اعتدال در سخن، رازداری، موعظه، دعا و شکر، داوری و قضاوت، گشاده رویی، سنجیده سخن گفتن پی بردیم که تعدادی از آفات و برکات زبان بی شمار زبان است.

نوروزی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «نقش آموزه های اسلامی در تربیت زبان» با

رویکرد کیفی با روش توصیفی، تحلیلی به پژوهش پرداخته‌اند که به برکاتی چون شیوه بیان مستدل و محکم، مودبانه و عاشقانه، پسندیده و به اندازه، نرم و مهربانانه، رسا و واضح، کریمانه و بزرگووارانه، زیبا و نیکو، نیک و پسندیده و هم‌چنین گفتاری متکی به عدالت به دور از نزاع و خشونت و هم‌چنین برای تبری از آفات زبان راهکارهای هم‌چون سنجش زبان، حفظ زبان، سکوت و صمت از نتایج پژوهش آنان بوده است که از لحاظ محتوایی با پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد.

بهارستانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تاثیرات منفی آفات سه‌گانه زبان (غیبت، تهمت و بهتان) بر زندگی اسلامی» از منظر آیات و روایات مورد بررسی قرار داده و پس از تبیین حوزه معنایی این سه واژه و تفاوت‌های مفهومی میان آن‌ها به بررسی آسیب‌های این سه‌گانه در زندگی اسلامی پرداخته و پیامدهای آن را تبیین نموده است که از لحاظ محتوایی با پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد.

نوآوری پژوهش حاضر از آن جهت حائز اهمیت است که به آفات و برکات زبان هم‌زمان در پژوهش پرداخته است که با نتایج حاصل از آن می‌تواند منشوری جامع جهت ارتقا اخلاق و تربیت اسلامی در زمینه شناخت و حفظ زبان در جامعه باشد. از موانع و محدودیت‌های پژوهش می‌توان کمبود منابع کارشده مشابه، زمانبر بودن مطالعه کتاب نهج البلاغه و بررسی بیانات مقام معظم رهبری اشاره کرد.

#### پیشنهادهای

۱. جهت پژوهش‌های آینده به آفات و برکات سایر اعضا و جوارح بدن هم‌چون گوش و چشم از منظر نهج البلاغه و بیانات مقام معظم رهبری مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.
۲. آفات و برکات زبان از منظر سایر متون اسلامی، قرآن و صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار و تبیین قرار گیرد.
۳. از نتایج پژوهش فوق و پژوهش‌های مشابه در برنامه ریزی‌های فرهنگی و گسترش اخلاقی اسلامی در جامعه استفاده بهینه گردد.



## منابع

### قرآن

### نهج البلاغه

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی - ج ۴. چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۵

آشتیانی، محمدرضا، امامی، محمد جعفر، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه - زیر نظر استاد محقق ناصر مکارم شیرازی، جلد سوم، چاپ اول، قم، مطبوعاتی هدف، ۱۳۶۷  
آمدی تمیمی، عبدالواحد، غررالحکم و درالکلم غررالحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۷۵

انصاری، محمد، فروغ حکمت، چاپ دوم، تهران، انتشارات بیان صداقت نور، ۱۳۸۳  
بهارستانی، اسما و پناهی، معصومه «تاثیرات منفی آفات سه گانه زبان (غیبت، تهمت و بهتان) بر زندگی اسلامی»، نشریه احسن الحدیث، پیش شماره یک، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ۶۳-۵۱

دشتی، محمد، شرح و تفسیر نهج البلاغه، چاپ اول، تهران، بقیه الله عجل الله حکمت، ۱۳۸۸

دلشاد، مصطفی، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، ناشر: دفتر نشر معارف چاپ شانزدهم پاییز ۱۳۸۷

فقیه ایمانی، مهدی بن محمد باقر، نقش زبان در سرنوشت انسان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات عطرت، ۱۳۸۰

محدثی، جواد، مشاوره، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱  
محمد تقی جعفری، ترجمه نهج البلاغه، ترجمه محمد تقی جعفری تبریزی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۰

محمدی، حمید، درسنامه نهج البلاغه، ج ۱، قم، بنیاد بین المللی آفاق، ۱۳۹۶

مکارم شیرازی ناصر و همکاران، پیام امام امیرالمؤمنین شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ج ۵، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲  
نوروزی، رضا علی، قاسم‌نژاد، حیدر، نصرتی هشی، کمال، قربانی، منصوره، متقی، زهره  
«نقش آموزه‌های اسلامی در تربیت زبان»، نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۷۹، بهار ۱۳۹۳،  
۲۶-۴۴

نرم افزانهج البلاغه، ترجمه و تفسیر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)  
تمامی بیانات مقام معظم رهبری از سایت [khamene.ir](http://khamene.ir)

## بیانیه گام دوم و کاوشی در دستاوردهای مدیریت زمان در سبک زندگی قرآنی و حدیثی

مجید حیدری فر<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - مرضیه محمدی آرام<sup>۲</sup>

### چکیده

مکتب پایا و پویای اسلام، با استناد به آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام کامل‌ترین برنامه های سعادت‌بخش را برای انسان به ارمغان آورده و در ارائه قانون‌های مفید برای همه شئون زندگی انسانی، همه نیازهای او در زندگی فردی و جمعی را در اختیارش قرار می‌دهد. یکی از اصول با اهمیت در بیانیه گام دوم رهبری، پرهیز از سبک زندگی غربی و رویکرد به سبک زندگی اسلامی و تلاش جهادگرانه در ترویج آن است. بی‌شک این مهم، در گرو شناخت زمان و مدیریت درست آن است؛ یعنی انسان‌های انقلابی و مؤمن برای وصول به اهداف و آرمان‌های خویش، باید با برنامه‌ریزی هوشمندانه و مجاهدانه، چگونگی استفاده از نعمت وقت را مدیریت کنند تا به سهولت و سرعت، به مقاصدشان برسند. هدف این نوشتار پاسخگویی تحلیلی به پرسش پیش‌روست: «مهم‌ترین برکات مدیریت زمان در سبک زندگی

۱. استاد سطوح عالی و دروس خارج حوزه علمیه قم. [313dr.mheidarifar@yahoo.com](mailto:313dr.mheidarifar@yahoo.com)

۲. کارشناسی ارشد دانشگاه معارف اسلامی قم و معاون پژوهشی موسسه قرآنی مقربون [m.m.raoof](mailto:m.m.raoof)

قرآنی و حدیثی چیست؟» که پنج رهاورد اندیشه‌ای و دوازده دستاورد کاربردی را به بحث می‌گذارد. در مغرب زمین، نخستین کتاب با عنوان مدیریت زمان، اواخر دهه ۱۹۵۰ به بازار آمد؛ ولی بسیار پیش‌تر، در منابع اسلامی با عناوین استفاده بهینه از عمر و فرصت‌های گوناگون زندگی، گاه نیز ضرورت داشتن نظم، از آن یاد شده بود. پرداختن تحلیلی به دستاوردهای نظری و عملی مدیریت زمان در سبک زندگی اسلامی، با الهام از آیات و روایات، بر اساس چیدمان منطقی و دسته‌بندی‌های گویا و نگارشی روان، از امتیازات این مقاله به شمار می‌آید. روش پژوهش، نقلی و حیانی (تحلیل دلالتی متنی و فرامتنی آیات و روایات) و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و نرم افزاری و داده‌پردازی متن مقاله، به شیوه توصیفی و تحلیلی است.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم انقلاب، سبک زندگی اسلامی، مدیریت زمان، برکات مدیریت زمان، دستاوردهای اندیشه‌ای، دستاوردهای کاربردی.

### مقدمه و بیان مسأله

در بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری (دامت برکاته) با توجه به تلاش‌های دشمنان اسلام، به ضرورت و اهمیت پرهیز از سبک زندگی غربی و رویکرد به سبک زندگی اسلامی و جهاد برای ترویج آن، اشاره کرده است. یکی از ارکان پیشرفت در زندگی، مدیریت و از زیرشاخه‌های آن، مدیریت زمان است که بر پایه رهیافت‌های عقلی و مدلول آیات و روایات، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، چون در نبودش، رشته امور از هم می‌گسلد و اهداف از دسترس دور می‌گردد.

مدیریت زمان فرایند برنامه‌ریزی هدفمند و به‌کارگیری هوشمندانه امکانات متناسب و کنترل آگاهانه وقت است که سبب افزایش اثربخشی و کارایی بیش‌تر انسان در زندگی می‌گردد. انسان خدا باور باید همه تلاش‌های خود را برای استفاده بهینه از عمرش و جلوگیری از اتلاف آن، به کار بندد. در این صورت، کامیاب خواهد شد. مدیریت زمان و هدایت آن در مسیر اهداف متعالی، نتیجه برنامه‌ریزی درست است تا انسان بتواند از لحظه لحظه عمرش بهره‌مند گردد و با سرعتی مضاعف، در مسیر حرکت خداپسندانه گام بگذارد و به سرمنزل مقصود برسد، چون نبود مدیریت زمان، به دوری از اهداف و اختلال در زندگی را در پی دارد.

مهم بودن مدیریت در شئون گوناگون زندگی از آن روست که انسان در قلمرو زیست فردی و اجتماعی، هم کمال طلب است، هم جست‌وجوگر آسایش و آرامش. بسی بدیهی است که بدون برنامه‌ریزی هوشمندانه، دستیابی به امور پیش‌گفته شدن نیست.

در مغرب زمین، نخستین کتاب با عنوان مدیریت زمان، اواخر دهه ۱۹۵۰ به بازار آمد؛ (راس، جی، ۱۳۹۱ش) ولی بسیار پیش‌تر، در منابع اسلامی با عناوین استفاده بهینه از عمر و فرصت‌های گوناگون زندگی، گاه نیز ضرورت داشتن نظم، از آن یاد شده بود.

روش پژوهش این مقاله، نقلی و حیانی (تحلیل دلالتی متنی و فرامتنی آیات و روایات) در برابر نقلی تاریخی است و گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و نرم افزاری و داده‌پردازی متن



مقاله، به روش توصیفی و تحلیلی است.

مجهول این نوشتار، با توجه به مفاد آیات و روایات، شناخت دستاوردهای اندیشه‌ای و برکات کاربردی مدیریت زمان در سبک زندگی قرآنی و حدیثی است.

## ۲. معنانشناسی واژگان کلیدی

پیش از پرداختن به تحلیل دستاوردهای مدیریت زمان، گزارش کوتاهی از معانی لغوی و اصطلاحی واژگان تحقیق بایسته است:

### أ) مدیریت زمان

بر اساس تصریح لغت شناسان، کلمه مدیریت مصدر از ریشه «دور» به معنای گرداندن و به دست گرفتن کاری، بدون احاله به وقت دیگری است. (ر.ک: حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۴۲۵).

درباره معنای اصطلاحی مدیریت تعاریف متعددی آمده است. (ر.ک: پیروز و دیگران، ۱۳۹۴ش، ص ۶؛ نبوی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۳؛ مقیمی، ۱۳۹۴ش، ص ۵۷). تعریف برگزیده مقاله این است: «فرآیند برنامه‌ریزی هدفمند و به کارگیری هوشمندانه امکانات متناسب و کنترل آگاهانه وقت در راستای اهداف و آرمان‌های انسان.»

ماده «زمن» بر محدوده چیزی دلالت می‌کند. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۹۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۳۱). از واژه‌های مرتبط با آن، «وقت» است که در لغت به مقداری از زمان گفته می‌شود و هر چه دارای پایان باشد، زماندار به شمار می‌آید. (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۰۸). در اصطلاح نیز یعنی عمر محدود انسان در دنیا.

### ۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در یک نگاه جامع دستاوردهای مدیریت زمان را می‌توان در دو دسته دنیائی و آخرتی قرار داد؛ برکات آخرتی مانند برخورداری از رحمت بیکران الهی و دستیابی به بهشت و رضوان الهی و نجات از آتش دوزخ. همچنین آثار و برکات دنیائی فراوانی دارد؛ لیکن موضوع این پژوهش تبیین دستاوردهای دنیائی مدیریت زمان در سبک زندگی اسلامی (قرآنی و حدیثی)

است که در دو شاخه اندیشه‌ای و کاربردی نمود دارد:

### یکم. دستاوردهای اندیشه‌ای و نظری

در حقیقت این گونه دستاورد، ثمره‌ای مهم از مدیریت زمان است که در قلمرو بینش و نگرش انسان پدید می‌آید، بر این اساس عناوین زیر درخور بررسی است:

#### ۱. بهره‌مندی از بینشی فراگیر و آینده‌نگرانه

در بیان مهم‌ترین برکات اندیشه‌ای رویکرد به مدیریت وقت در سبک زندگی اسلامی، از داشتن بینشی جامع و عاقبت‌نگر می‌توان نام برد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «بِالنَّظَرِ فِي الْعَوَاقِبِ تُؤْمَنُ الْمَعَاطِبُ: با نگرستن به پیامدهای امور، از هلاکت ایمن می‌ماند.» (لیثی، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۸۶؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۰۵).

آری در پرتو دوراندیشی، آدمی به تقویت اراده و جدیت در امور زندگی دست می‌یابد و از این رهگذر به همتی چند برابر می‌رسد؛ چنان‌که علی علیه السلام می‌فرماید: «مِنَ الْحَزْمِ صِحَّةُ الْعَزْمِ: درستی اراده و تصمیم، از برکات دوراندیشی است.» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش، ص ۴۷۰؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۸۲۲).

قرآن مبین حضرت یوسف علیه السلام را مدیر کارآمد و دوراندیش معرفی می‌فرماید: «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ \* ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُخْصِنُونَ \* ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ: گفت: هفت سال با تلاش پیوسته زراعت می‌کنید، پس آنچه را درو کردید جز اندکی را که خوراک شماست، در خوشه‌اش باقی بگذارید \* پس از آن، هفت سال سخت و دشوار پیش می‌آید که می‌خورید آنچه را برای آن سال‌ها ذخیره کرده‌اید، مگر اندکی که برای کاشتن نگهداری می‌کنید \* آنگاه بعد از آن دوره سخت، سالی می‌آید که مردم در آن باران فراوان یابند و در آن سال از محصولات کشاورزی، عصاره میوه می‌گیرند.» (یوسف (۱۲): ۴۷-۴۹).

بر این اساس، در برنامه‌ریزی کامل باید خطوط کلی امور در دراز مدت تا رسیدن به اهداف

مشخص گردد. فردی که نعمت خدادادی عمر را مدیریت می‌کند، پس از تعیین شرائط فعلی خود، به معین کردن راه‌هایی می‌پردازد که در آینده پیمودن آن‌ها بایسته است و بدین سان از ناهمگونی و پراکندگی در اهداف و تلاش‌هایش نجات می‌یابد. (ر. ک: نبوی، ۱۳۸۰ش، ص ۴۵).

برخی انسان‌ها توان دیدن افق‌های دور دست را ندارند و بسیار سطحی نگرند و فقط پیش پای خود را می‌بینند؛ گویا فردائی نیست. دم را غنیمت شمردن خوب است؛ اما نبود برنامه برای آینده و تنها به امروز نگرستن، زندگی انسان را با خطر رو به رو می‌سازد. چنین بینشی سبب می‌شود که انسان به مادی‌گرایی سوق پیدا کند و آینده برتر و دورتر را فراراه خود نبیند؛ چنانکه وقتی قوم حضرت موسی علیه السلام از شرّ فرعونیان نجات یافتند و از رود نیل گذشتند، به گروهی بت‌پرست برخوردند. آنگاه بنی اسرائیل گستاخانه گفتند: «یا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ: ای موسی! همان گونه که آنان معبودهایی دارند، تو هم برای ما معبودی قرار بده!». (اعراف (۷): ۱۳۸). سرانجام نیز همین اندیشه نادرست آنان را در نبود حضرت موسی علیه السلام به فتنه گوساله پرستی کشاند.

به هر حال، انسان نباید از رسیدن به نتایج زودگذر خرسند گردد و از ادامه راه بازماند؛ بلکه با دوران‌اندیشی و ژرف‌نگری، آینده دور را بنگرد و به اهداف بیش‌تر و بزرگ‌تر بیندیشد.

مدیریت زمان با برنامه‌ریزی گره خورده است؛ یعنی برای رسیدن به اهداف باید برنامه‌ریزی هدفمند داشت. امیرمؤمنان علیه السلام نادیده گرفتن برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی را یک گرفتاری می‌داند و در این باره می‌فرماید: «مَنْ قَعَدَ عَنْ حِيلَتِهِ أَفَامَتْهُ الشَّدَائِدُ: کسی که چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی را رها کرده باشد با گرفتاری‌ها و شداید درگیر خواهد شد.» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۴۴۱؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۳۰).

پس از شهادت شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی در تقویم ایشان نکته عجیبی آشکار گردید، چون تا شش ماه آینده همه فعالیت‌های احتمالی و دیدارها و برنامه‌های خود را نوشته بود. (خنیفر، ملکی، ۱۳۸۲ش، ص ۰۸).

## ۲. دگرگونی نگاه آدمی در استفاده بهینه از زمان

یکی دیگر از دستاوردهای اندیشه‌ای مدیریت زمان در سبک زندگی اسلامی، دگرگونی نگاه آدمی در استفاده بهتر از زمان است. بی‌تردید در صورت وجود برنامه‌ای بسامان، انسان مؤمن می‌تواند برای استفاده بیش‌تر از عمرش، کارهای مهم‌تری را انجام دهد و بر اثر تمرین و تکرار این اندیشه در ذهن او پدید آید که بهره‌وری بیشینه از وقت شدنی است.

بسی روشن است که اگر انسان باایمان یک لحظه به فکر مدیریت آگاهانه زمان نباشد و آن را فراموش کند، غارتگرانی که برای لحظه لحظه‌های وقت وی برنامه‌ریزی کرده‌اند، به آسانی عمرش را به غارت خواهند برد، پس بر انسان هدفمند بایسته است که همواره در اندیشه استفاده بهتر از لحظه‌های عمرش باشد.

## ۳. ترسیم اهداف گوناگون زماندار

یکی دیگر از دستاوردهای فکری مدیریت زمان در سبک زندگی اسلامی، ترسیم اهداف گوناگون زمانمند است. خدای حکیم همه آسمان‌ها و زمین و موجودات آن دو را بیهوده و بی‌هدف نیافریده است، (دخان (۴۴): ۳۸؛ ص (۳۸): ۲۷؛ مؤمنون (۲۳): ۱۱۵). پس برای انسان باایمان نیز بایسته است فرمانبردار او بوده و در زندگی خویش هدفمند باشد و برای رسیدن به آن، برنامه‌ریزی کند. مجموعه جهان هستی با اراده خدای دانا و توانا سوی هدفی معین پیش می‌رود؛ به گونه‌ای که فرصت‌های مناسبی برای گل سرسبد هستی یعنی انسان فراهم آید و بدین سان بستری برای خودسازی و شکوفاسازی توانمندی‌هایش تحقق یابد، پس همان‌گونه که جهان آفرینش هدفمند است و سوی جمال و کمال مطلق روانه می‌شود، انسان نیز با بهره‌گیری درست از فرصت‌هایش می‌تواند به اهداف تعیین شده دست یازد.

بی‌تردید هدفمندی در زندگی، برنامه‌ریزی را در پی دارد و هیچ برنامه‌ای بدون هدف معین تحقق پیدا نمی‌کند. تعیین اهداف روشن و منطقی و مدیریت زمان در راستای رسیدن به آن اهداف، به انسان اطمینان می‌دهد که عمرش را در مسیر درستی صرف می‌کند. هدفداری به انسان انرژی می‌دهد و او را به حرکت وادار می‌کند و با مقاومت جانانه، موانع را از سر راهش

برمی‌دارد و بدین سان احساس رضایت‌مندی و کامیابی به او دست می‌دهد. از سوی دیگر، اهداف زندگی هر شخصی با اعتقادات او ارتباط تنگاتنگی دارد، بنابراین هر انسانی با توجه به افکارش برای خود هدف‌گذاری کند.

در یک نگاه کلان، اهداف را می‌توان در دسته‌بندی جزئی و کلی یا کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت قرار داد. کنار اهداف کلان، تعیین اهداف جزئی و زمانمند به زندگی انسان نظم بیش‌تری می‌بخشد و او را در مدیریت زمان یاری می‌کند، زیرا اهداف جزئی در راستای مسئولیت‌های فردی و اجتماعی انسان تعیین می‌گردد. وظائفی که هر انسانی در برابر خدا و خویشتن و خانواده و جامعه و محیط زیست دارد.

قرآن مجید حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را الگوی مدیریت موفق و ترسیم‌کننده اهداف میان مدت و بلند مدت برای اداره امور اقتصادی و کشاورزی مردم مصر می‌شناساند. (یوسف (۱۲): ۴۷ - ۴۹).

#### ۴. امکان پیش‌بینی مشکلات و آسانی پیشگیری از آنها

یکی دیگر از برکات و دستاوردهای اندیشه‌ای مدیریت زمان در سبک زندگی اسلامی، امکان پیش‌بینی چالش‌های پیش‌رو و گردنه‌های پر پیچ و خم زندگی و آسان شدن برنامه‌ریزی برای برون رفت سالم از آنهاست. پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پاسخ به تقاضای کسی که از حضرت راهنمایی طلبید، چنین فرمود: «فَهَلْ أَنْتَ مُسْتَوْصٍ إِنْ أَنَا أَوْصَيْتُكَ؛ حَتَّى قَالَ لَهُ ذَلِكَ ثَلَاثًا وَ فِي كُلِّهَا يَقُولُ لَهُ الرَّجُلُ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَإِنِّي أُوصِيكَ إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ، فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ؛ فَإِنْ يَكُ رُشْدًا فَاْمُضِهِ وَإِنْ يَكُ غَيًّا فَاَنْتِهِ عَنْهُ: آیا تو آمادگی پذیرش سفارش مرا داری؟ سه بار حضرت تکرار کرد و او سه بار پاسخ مثبت داد. آنگاه به وی فرمود: توصیه من این است: هرگاه به انجام دادن کاری تصمیم گرفتی، درباره آن دور اندیش باش؛ اگر مایه پیشرفت و رشد یافتی، آن را انجام بده و اگر سبب عقب ماندگی و شکست دانستی، از آن صرف نظر کن.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۵۰؛ حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۶۵).

علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنَّ يَكُ خَيْرًا وَرُشْدًا فَاتَّبِعْهُ وَ إِنْ يَكُ غَيًّا فَدَعْهُ: هنگامی که به انجام دادن کاری تصمیم گرفتی با دوراندیشی از عواقب ناپسند آن دوری کن.» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۶؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۱).

همچنین در سخن دیگری می‌فرماید: «التَّوْبَةُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ النَّدَمُ: عاقبت اندیشی پیش از اقدام به هر کاری، تو را از پشیمانی ایمن می‌دارد.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص: ۹۰؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۲۱).

آری انسان با برخورداری از هنر دوراندیشی می‌تواند برای ایمنی از بلایا برنامه داشته باشد و از عواقب بد آن‌ها اجتناب کند و با امنیت خاطر و اطمینان، به اقدامات خود در آینده بپردازد. همچنین فرازاها و فرودهای زندگی‌اش را بشناسد و با ارائه راه حل‌های احتمالی، از هر گونه شکست و ندامت و خسارت نجات یابد. قرآن حکیم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ: و در برابر آنان آنچه در توان دارید از نیرو [و نفقات و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آن‌ها بترسانید دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنانی غیر از ایشان را که نمی‌شناسید؛ ولی خدا آنان را می‌شناسد و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می‌شود و مورد ستم قرار نخواهید گرفت.» (انفال (۸): ۶۰).

هنگامی که حضرت یوسف علیه السلام مسئولیت خزانه‌داری مصر را عهده دار شد، با رویکرد به مدیریت درست، مردم مصر را با رویدادهای سخت آینده و مشکل خشکسالی، آشنا ساخت. وی به مردم آن سرزمین دستور داد تا هفت سال تمامی محصولات کشاورزی خود را مصرف نکنند و مقداری از آن را برای سال‌های قحطی پیش‌رو ذخیره کنند و بدین سان از آسیب خشکسالی ایمن بمانند. این راهکار حضرت، مقبول همگان قرار گرفت و از این رهگذر مبارزه با قحطی را عملی ساختند. (یوسف (۱۲): ۴۷-۴۹).

## ۵. آموزش فرهنگ کار و تولید و انتشار آن

یکی دیگر از دستاوردهای نظری مدیریت زمان در سبک زندگی اسلامی، آموزش فرهنگ کار و تولید و انتشار آن است. وقتی حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ به سمت خزانة داری مصر گماشته شد، با توجه دقیق به مدیریت زمان، مردم مصر را با فرهنگ اشتغال و تولید آشنا ساخت. وی به مردم آن سرزمین دستور داد تا هفت سال از محصولات کشاورزی خود مراقبت کنند و مقداری از آن را برای سال‌های خشکسالی آینده ذخیره کنند و بدین سان از آسیب قحطی در امان بمانند. این شیوه تعلیم حضرت مقبول زمامدار مصر و مورد استقبال مردم قرار گرفت و از این رهگذر مبارزه با قحطی و رویکرد به تولید و ذخیره بیش‌تر را آموختند. (یوسف (۱۲): ۴۷-۴۹).

## دوم. دستاوردهای کاربردی و اجرایی

مدیریت زمان افزون بر برکات فکری و تحول‌آفرینی در عرصه ذهن، می‌تواند دستاوردهای مثبت و ارزنده‌ای در قلمرو عینی و اجرایی داشته باشد، بر این اساس بررسی عناوین زیر بایسته می‌نماید:

### ۱. برگزیدن اولویت‌های زندگی

گزینش اولویت‌ها یکی از برکات کاربردی مدیریت زمان در زندگی و عاملی مهم و مؤثر در برنامه‌ریزی است، چون از سوئی اندیشه و توان آدمی گنجایش همه افکار و اعمال را یکجا ندارد؛ از سوی دیگر یقیناً کارهای زندگی انسان یک دست نیست، برخی اهمیت بیش‌تری دارد و برخی دیگر اهمیت کمتر، پس با برنامه‌ریزی و مدیریت وقت می‌توان اولویت‌ها و اهم‌ها را مشخص کرد.

بر این اساس، امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ تقسیم ساعات شبانه روز را در رسیدن به اهداف بایسته می‌شمارد: «إِنَّ لَيْلَكَ وَ نَهَارَكَ لَا يَسْتَوْعِبَانِ حَاجَاتِكَ فَاقْسِمْهُمَا بَيْنَ رَاحَتِكَ وَ عَمَلِكَ: بی تردید شب و روز ظرفیت برآورده کردن نیازهای تو را ندارد، پس آن دو را میان کار و استراحت قسمت کن.» (لیثی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۵۵؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۴۳).

در آموزه‌های دینی به دقت انتخاب در کارهایی که با هم تراحم دارند، بسیار تأکید شده است: «مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمَهْمِ قَدْ ضَيَّعَ الْأَهْمَ: هر کس به کارهای غیر مهم بپردازد، کارهای اهم را از دست می‌دهد.» (لیثی، ۱۳۷۶ش، ص ۴۶۰؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۲۶) و «شَرُّ مَا سَعَلَ بِهِ الْمَرْءُ وَفَتَهُ الْفُضُولُ: پرداختن به کارهای اضافی و غیر مهم، بدترین چیزی است که انسان خودش را به آن مشغول بسازد.» (لیثی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۹۵؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۰۹)

علامه طباطبائی رحمته‌الله‌علیه تفسیر گرانسنگ المیزان را نخست بی نقطه می‌نوشت، پس از مرور مجدد، آن را نقطه گذاری می‌کرد. وقتی علت این کار را پرسیدند، ایشان پاسخ داد: من حساب کرده‌ام، اول که بی نقطه می‌نویسم و بعد در مرور نقطه می‌گذارم، چند درصد در وقتم صرفه جوئی می‌شود. (ر.ک: ره توشه راهیان نور، شماره ۲۷۲، ص ۱۴۰)

به هر حال، اولویت بندی، مهارتی ضروری؛ اما بسیار دشوار و چالش برانگیز است که انسان را وامی‌دارد تا با مدیریت زمان، ظرفیت و توانمندی خودش را افزایش دهد.

## ۲. وصول به توازن و تعادل در زندگی

یکی دیگر از رهاوردهای کاربردی مدیریت زمان، راهیابی به توازن و تعادل در زندگی اسلامی است. قرآن مبین در معرفی مؤمنان راستین، آنان را امتی معتدل و میانه رو و پرهیزکننده از افراط و تفریط می‌داند: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا: و همان گونه [که شما را به راه راست هدایت کردیم] شما را امتی میانه [و معتدل و پیراسته از افراط و تفریط] قرار دادیم.» (بقره ۱۴۳:۲)

بر این اساس، مؤمنان را به رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط؛ حتی درباره دشمنان دین نیز سفارش می‌کند: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ: خدا شما را از نیکی کردن و عدالت نسبت به کسانی که درکار دین با شما نجنگیدند و شما را از دیارتان بیرون نکردند باز نمی‌دارد؛ زیرا خدا عدالت پیشگان را دوست دارد.» (ممتحنه (۶۰): ۰۸) پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم



نیز میانه‌روی را مایه گریز از نداری می‌داند: «مَا عَالَ أَمْرٌ قَطُّ عَلَى افْتِصَادٍ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۶۰؛ ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۵۴).  
امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْإِفْتِصَادَ وَحُسْنَ التَّدْبِيرِ وَجَنَّبَهُ سُوءَ التَّدْبِيرِ وَ الْإِسْرَافِ: اگر خدا بخواهد به فردی خیری برساند، میانه‌روی و برنامه‌ریزی بهتر را به او الهام می‌کند و او را از بدتدبیری و اسراف دور می‌دارد.» (لیثی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۳۱؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۹۱).  
بر این اساس، انسان موحد با رعایت نظم و اعمال مدیریت وقت در امور زندگی خویش، نیز با برنامه‌ریزی درست و بهره‌برداری هوشمندانه از عمرش، می‌تواند به وصف اعتدال و میانه‌روی دست یابد.

### ۳. سودآوری سرمایه نخستین انسان

یکی دیگر از پیامدهای کاربردی مدیریت زمان در زندگی اسلامی، شکوفائی نیرومندی انسان در پرتو استفاده برنامه‌دار از عمرش و سودآور ساختن سرمایه خدادادی اوست. رویکرد به مدیریت وقت می‌تواند به خلاقیت و ابتکار انسان در استفاده بهینه و بیشینه از سرمایه گرانسنگ عمرش و شکوفائی علمی و عملی و فزونی کارائی او بینجامد؛ به گونه‌ای که انسان با صرف وقت کم‌تر، به اهداف بیش‌تری دست یابد.  
قرآن حکیم در باره سرمایه اصیل و مایه برتری انسان به دیگر آفریده‌ها، از دیده دانشی و توانشی می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْجَبِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا: به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم.» (اسراء (۱۷): ۷۰). بر این اساس، انسان از ظرفیت‌های خاصی برخوردار است که می‌تواند در صورت مدیریت زمان، سوی رشد و تکامل حرکت کند.

آری انسان با تمرین بیش‌تر در مدیریت وقت، سرمایه‌ها و داشته‌های بینشی و گرایشی و

کنشی خودش را افزایش می‌دهد و از این رهگذر به نتایج دلخواه و مطلوب می‌رسد.

#### ۴. شتاب دادن به پیشبرد آرمان‌ها

از رهاوردهای کاربردی مدیریت زمان در زندگی، تسریع در پیشبرد آرمان‌هاست. کسی که برنامه‌ریزی دارد، طبق آن حرکت می‌کند و در طول روز، استهلاک و هدررفتِ وقت ندارد. وی به سرعت می‌کوشد تا برنامه‌هایش را عملی کند و همین امر سبب می‌شود که سریع‌تر به اهداف خودش نزدیک گردد.

انسان می‌تواند به تناسب افق دیدش و با بهره‌مندی از توانائی‌هایش به کارهای ارزشمندی روی آورد. در این صورت با به دست آوردن موقعیت‌های تازه، پیمودن راه‌های جدید پیشرفت را برای خودش هموار سازد.

#### ۵. پایبندی به مراعات حقوق دیگران

از مهم‌ترین دستاوردهای کاربردی مدیریت زمان در زندگی اسلامی، التزام به رعایت حقوق دیگران است. حق الناس یعنی حقی که مختص مردم بوده و جدای از حق الله است. در دین اسلام به حفظ این نوع حقوق بسیار تأکید شده است، چون گذشت از حق الناس، جلب رضایت حق داران را می‌طلبد.

قرآن مجید در باره ضرورت و اهمیّت حق الناس می‌فرماید: «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ: پس پیمانان و ترازو را کامل کنید و از اجناس و اموال و حقوق مردم مکاهید.» (اعراف (۸): ۸۵؛ نیز. ک: هود (۱۱): ۸۵؛ شعراء (۲۶): ۱۸۳؛ مطففین (۸۳): ۱ - (۳)

امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ، خدای سبحان، حقوق بندگانش را مقدمه رسیدن به حقوق خود قرار داده است.» (لیثی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۲۳؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۴۰).

بر این پایه، ضرورت رعایت حقوق دیگران جای هیچ‌گونه تردید و تأمل ندارد و بر همگان روشن است که در صورت برنامه‌ریزی درست و مدیریت وقت، زمینه رعایت حق الناس

فراهم می‌گردد، چون با اجرای دقیق و زمان‌بندی شده برنامه‌ها، جایی برای تضییع حقوق دیگران نمی‌ماند.

#### ۶. بهره‌جویی بیشینه از فرصت‌ها و پس‌انداز بهینه زمان

یکی دیگر از دستاوردهای کاربردی مدیریت زمان در زندگی اسلامی، بهره‌وری بهینه و حداکثری از فرصت‌ها و ذخیره‌سازی بیشینه زمان است. برای هر کسی در زندگی فرصت‌هایی وجود دارد که با مدیریت درست وقت می‌تواند بیش‌تر استفاده کند؛ گاه این فرصت‌ها به گونه پیش‌بینی نشده است؛ مانند وقتی که برای انجام دادن کارهای خیر پیش می‌آید و در نبود مدیریت، به راحتی و بدون بهره‌گیری خاصی از دست می‌رود و جز حسرت و ندامت برای انسان نمی‌ماند.

در حقیقت، هیچ یک از اوقات انسان نباید بیهوده سپری گردد؛ حتی اگر کار خاص پیش‌بینی شده‌ای ندارد، می‌تواند با خواندن چند سطر کتاب یا گفتن ذکر خدا از عمرش بهره‌نیکو ببرد. در سخنان امیرمؤمنان علیه السلام آمده است: «فِي كُلِّ وَقْتٍ عَمَلٌ: در هر زمانی کاری باید انجام داد.» (لیثی، ۱۳۷۶ش، ص ۳۵۴؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۷۷).

آری برنامه‌ریزی سبب می‌شود هر کار در جای خودش انجام گردد و به اندازه خودش وقت ببرد، در نتیجه امکان ذخیره‌سازی وقت فراهم می‌گردد. علی علیه السلام می‌فرماید: «الْأُمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا: کارها در گرو اوقات خود هستند.» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۹؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۹۳).

بر این اساس، هر کاری باید با برنامه‌ریزی درست، در زمان خودش انجام بگیرد، پس بسیار شایسته است که انسان در برنامه‌های روزانه‌اش، وقت هر کاری را مشخص کند: زمان کار، زمان مطالعه، زمان عبادت، زمان استراحت و خواب، زمان تفریح و ورزش، زمان روابط خانوادگی و اجتماعی، ساعتی نیز برای خلوت با خودش در نظر بگیرد.

قرآن مجید حضرت ابراهیم علیه السلام را الگویی شاخص مدیریت زمان معرفی می‌کند: «فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النَّجُومِ \* فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ \* فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ \* فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ \* مَا لَكُمْ

لَا تَنْطُقُونَ \* فَرَاغَ عَلَيْهِمْ صَرْبًا بِالْيَمِينِ: [چون از او دعوت کردند که شبانه به مراسم عیدشان برود] نگاهی به ستارگان انداخت \* و گفت: به راستی من بیمارم. \* پس پشت کنان از او روی گرداندند. \* او هم مخفیانه به سوی بت‌هایشان رفت و [از روی ریشخند] گفت: آیا غذا نمی‌خورید؟ \* شما را چه شده که سخن نمی‌گویید؟ \* پس [به آنها روی آورد و] با دست راست ضربه‌ای کاری بر آنها کوبید [و خردشان کرد].»

بر پایه این آیه، آن حضرت با هوشمندی تمام و استفاده درست از زمان، با نقشه از پیش تعیین شده، مأموریت الهی خودش مبنی بر بت‌شکنی را انجام داد.

استاد شهید مطهری رحمته‌الله علیه برنامه‌ریزی دقیقی داشت؛ در شبانه روز، ساعتی را برای رسیدگی به مشکلات فرزندان‌ش قرار داده بود و بر انجام دادن فرائض دینی آنان نظارت دقیق داشت. در کنار تهجد و تدریس، مطالب قابل توجه را در فرصت‌های مناسب و به طور منظم یادداشت می‌کرد. (ر.ک: پاک‌نیا، ماهنامه مبلغان، شماره ۲۸، ص ۳۹).

#### ۷. انعطاف‌پذیری بیشینه در مدیریت فرصت‌ها

یکی دیگر از برکات کاربردی مدیریت زمان در زندگی اسلامی، انعطاف‌پذیری حداکثری در مدیریت وقت است. برخی کارها باید هرچه سریع‌تر انجام شوند و بعضی دیگر را می‌توان به تأخیر انداخت. در برنامه‌ریزی روزانه باید به اولویت‌ها توجه داشت، سپس به مدیریت پرداخت. کنار برخی کارها و وظائف روزانه، گاه کارهای پیش‌بینی نشده، برای انسان پیش می‌آید که باید برای آن‌ها وقت مناسبی در نظر بگیرد.

بهترین کار این است که برای انعطاف‌پذیری بیش‌تر در برنامه‌ها، انسان وقت‌های آزادی داشته باشد تا در صورت پیشامد کار ضروری غیرمنتظره، آن زمان آزاد را به این کار اختصاص دهد. اگر کاری پیش نیامد، می‌تواند این زمان آزاد را به دیگر کارهای مورد علاقه خود اختصاص دهد که در پیشبرد اهداف مدرسان هستند.

پس از گنجاندن همه وظایف و کارهای ضروری در برنامه روزانه، زمان‌های خالی را که به هیچ فعالیتی اختصاص نداده، به دقت مشخص کند. این زمان‌ها بخش‌های انعطاف‌پذیر

برنامه روزانه هستند. همچنین وجود بخش‌های انعطاف‌پذیر، این امکان را فراهم می‌سازد که آدمی وظائف و کارهای پیش‌بینی نشده و دقیقه‌نودی را پوشش دهد.

#### ۸. جایگزین‌سازی فرصت‌ها با تهدیدها

یکی دیگر از رهاوردهای کاربردی مدیریت زمان در زندگی، تشخیص کمبودها و تکمیل، نیز شناخت نادرست‌ها و اصلاح آن‌هاست که تهدیدها را به فرصت‌ها تبدیل می‌کند. یکی از مطالبات عقل و وحی از انسان که از اساسی‌ترین گام‌ها در تزکیه نفس و خودسازی به شمار می‌رود، ولایت بر خویش‌ترین خویش است.

قرآن کریم به انسان‌ها این گونه فرمان می‌دهد: «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ: مراقب خویش‌تان باشید.» (مائده (۵): ۱۰۵). یکی از شاخص‌های ولایت بر خود، در اختیار گرفتن زمان است. انسان متدین باید برای استفاده بهینه از اوقاتش و جلوگیری از اتلاف آن‌ها، همه هم‌تتش را به کاربندد، چون مدیریت عمر و هدایت آن در مسیر صحیح، نتیجه یک برنامه‌ریزی درست و هدفدار در زندگی توحیدی است تا انسان بتواند از نعمت گرانسنگ عمر بیش‌تر بهره‌بردار و با سرعتی مضاعف، سیر الی‌الله را انجام دهد و به اهدافش برسد، چون بی‌برنامگی و نداشتن مدیریت زمان، چیزی جز دوری از اهداف و آرمان‌ها را به دنبال نخواهد داشت.

در مدیریت مطلوب، انسان نه تنها فرصت‌ها را از دست نمی‌دهد؛ بلکه تهدیدها را نیز به فرصت بدل می‌کند؛ یعنی لحظه‌های سخت زندگی را که برای انسان پیش‌می‌آید و می‌تواند زندگی او را در هم بریزد، با مهارت مدیریت، به فرصت بدل کرده و از آن‌ها بهره‌بیش‌تری می‌گیرد و این مهم در گرو توجه به فرایند مدیریت زمان است. (ر.ک: امیری، ۱۳۹۴ ش، ص ۹۰). دقیقاً مانند حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام که تهدید قحطی و خشکسالی را با برنامه‌ریزی درست، به فرصت ترویج کار و ذخیره‌سازی محصولات کشاورزی تبدیل کرد. (یوسف (۱۲): ۴۷-۴۹). آری برنامه‌ریزی درست که با توجه به وظائف و اهداف شکل می‌گیرد، زمینه واکنش‌های متناسب در برابر تهدیدها را فراهم می‌سازد؛ به گونه‌ای که انسان از عواقب و پیامدهای شوم آن ایمن می‌ماند: «بِالتَّظَرِّ فِي الْعَوَاقِبِ تُؤْمِنُ الْمَعَاظِبِ: سلامت و ایمنی از هلاکت با

نگریستن در پیامدهای امور به دست می‌آید.» (لیثی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۸۶؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۰۵).

#### ۹. داشتن حس امیدمندی و رضایت‌مندی

از برکات کاربردی مدیریت زمان در زندگی، احساس امیدواری و رضایت‌داری با کاستن نگرانی‌ها و اضطراب‌ها و انواع فشارهای اقتصادی و اجتماعی است. اگر انسان در طول روز بدون برنامه‌ریزی قبلی به انجام دادن کارهایش بپردازد، دچار اضطراب و استرس می‌شود. برنامه‌ریزی تنها برای رسیدن به خواسته‌های اجتماعی و بهره‌وری بیشتر نیست؛ بلکه به حفظ سلامتی و شاد بودن نیز کمک می‌کند. کسانی که در برنامه‌ها زمانی را به خودشان اختصاص می‌دهند، بهتر بر اضطراب غلبه می‌کنند و موفق‌تر از دیگران هستند.

انسان موجودی نظام‌مند است و نظم و انضباط در شئون گوناگون زندگی برای او آرامش‌آور است. از سوی دیگر، بی‌نظمی و استفاده نادرست از وقت و امکانات، نظام فکری او را به هم می‌ریزد و سبب پیدایش تنش‌ها و فشارهای روانی می‌گردد. در طرف مقابل، برنامه‌ریزی و مدیریت زمان یکی از راه‌های احساس سعادت‌مندی و امیدواری و شادابی در زندگی است. معمولاً کسانی که در زندگی یا کار خود برنامه روشنی ندارند، مردمانی ناخشنود هستند که در زندگی خود احساس فشار می‌کنند. (ر.ک: میرکمالی، ۱۳۷۶، ش ۳۹-۴۰، ص ۴۰-۷۱).

آری با اجرای دقیق و به موقع برنامه و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده، دغدغه‌های ذهنی انسان کاهش می‌یابد و از این رهگذر، اضطراب‌ها و نگرانی‌ها و تنش‌های درونی او به حداقل می‌رسد.

همچنین یکی از لوازم زندگی دنیائی، برخورداری از امکانات مادی است. از آن زمان که انسان‌ها به بهره‌مندی از امکانات مادی و برآوردن نیازهای خود توجه کردند، منافع اقتصادی یکی از اصول زندگی شناخته شد؛ به گونه‌ای که امروزه هیچ فردی نمی‌تواند بدون بهره‌وری از امکانات اقتصادی، نیازهای خود را برآورده سازد.

قرآن کریم آفرینش روز و شب را زمینه‌ای برای کسب و کار و ایجاد انتظام در زندگی می‌داند:

«وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوُنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَتَبَتَّعُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّكُمْ وَ لِيَتَعَلَّمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَ كُلُّ شَيْءٍ فَضْلَنَا هُتَفْصِيلاً: ما شب و روز را دو نشانه [قدرت و حکمت خود] قرار دادیم؛ پس شب را بی نور کردیم و روز را روشن ساختیم، تا [در آن] روزی و رزقی را از پروردگارتان بطلبید و برای اینکه شماره سال‌ها و حساب [اوقات و زمان‌ها] را بدانید، و هر چیزی را [که نسبت به دنیا و دینتان و تربیت و کمالتان نیازمند به آن هستید] به روشنی و به طور کامل بیان کردیم.» (اسراء (۱۷): ۱۲).

بی شک هیچ‌گونه تلاش اقتصادی بدون مدیریت زمان نتیجه مطلوب نخواهد داشت. کسی که با توجه به نوع کارش به زمان مناسب برای کسب درآمد بیشتر را برگزیند و در آن به فعالیت اقتصادی خود بپردازد، مسلماً برکت و روزی بیش‌تری را به دست می‌آورد؛ چنانکه امام صادق علیه السلام در اهمیت توجه به زمان در موفقیت کسب و کار می‌فرماید: «لَأَنَّهُ زُبْمًا اِحْتِاجَ النَّاسِ إِلَى الْعَمَلِ بِاللَّيْلِ لِضَيْقِ الْوَقْتِ عَلَيْهِمْ فِي بَعْضِ الْأَعْمَالِ فِي النَّهَارِ وَ لِشِدَّةِ الْحَرِّ وَ إِفْرَاطِهِ فَيَعْمَلُ فِي ضَوْءِ الْقَمَرِ أَعْمَالًا شَتَّى كَحَرْثِ الْأَرْضِ وَ ضَرْبِ اللَّبَنِ وَ قَطْعِ الْخَشَبِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ: زیرا گاه مردم به شب کاری نیازمندند چون در روز همه کارشان انجام نمی‌شود یا از شدت حرارت نمی‌توانند درست کار کنند، پس در نور مهتاب کارهای مختلفی را انجام می‌دهند مانند شخم زدن زمین و دوشیدن شیر و بریدن درختان و مانند آن.» (مفضل، بی تا، ص ۱۳۱).

شایان بیان است که روایت پیش‌گفته دلیل روشنی بر اهمیت رعایت وقت و بهره‌برداری درست و مناسب از آن در راستای به دست آوردن منافع اقتصادی و کاستن از فشارهای مالی و روانی است.

۱۰. پیدایش پیوند درست با خدا و مردم

یکی از دستاوردهای کاربردی مدیریت زمان در زندگی، پیدایش رابطه درست با آفریدگار و پروردگار و توده مردم است. در صورت برنامه‌ریزی درست برای استفاده از فرصت‌های زندگی، انسان رابطه خود با خدایش را در قالب امثال فرمان‌های او سامان می‌بخشد. بسا

کسانی گله‌مندند که چرا موفق نمی‌شوند هر روز مقداری قرآن بخوانند یا با خدا مناجات کنند، رازش در این نکته مهم نهفته است که برنامه‌ریزی ندارند. اگر ساعتی را در روز مخصوص خواندن قرآن و دعا قرار دهند، یقیناً موفق خواهند شد.

همچنین برخوردهای اجتماعی خویش را مدیریت و حقوق برادران و خواهران دینی‌اش را رعایت می‌کند و روابط اجتماعی‌اش سامان بهتری می‌یابد، زیرا ثمره ارتباط حقیقی با خالق هستی، در برقراری رابطه خدمت رسانانه به مخلوقات او تبلور می‌یابد؛ چنانکه امیرمؤمنان علی علیه السلام در فرمان حکومتی‌اش به جناب مالک اشتر یادآوری فرموده است. (ر.ک: شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ن ۳۱).

آیت الله شیخ انصاری رحمته الله علیه با این که مرجع تقلید بود و از مادر خویش سرپرستی می‌کرد و به کار تدریس و تعلیم می‌پرداخت، با این حال هر روز یک جزء قرآن و نماز جعفر طیار و زیارت جامعه و عاشورا می‌خواند. (دهقان، ۱۳۸۲ش، ص ۲۵۳).

### ۱۱. سرفرازی اجتماعی

از برکات کاربردی مدیریت زمان در زندگی اسلامی، رسیدن به عزتمندی اجتماعی است. در آموزه‌های دینی انسان مؤمن عزیز شمرده شده است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ: عزت از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است.» (المنافقون (۶۲): ۷).

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا؛ أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ (المنافقون (۶۲): ۷). فَالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا: خدای والا همه امور مؤمن را به خودش وانهاده؛ ولی اجازه خوار کردن خود را به او نداده است؛ آیا این آیه را نشنیده‌ای: عزت از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است؛ پس مؤمن همیشه عزیز است و هرگز خوار نمی‌شود.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۳).

بر این اساس مؤمنان می‌توانند با مدیریت عمر و اوقات زندگی خود و با داشتن برنامه‌ریزی درست به عزت و اعتبار اجتماعی و عظمت و سربلندی دست یابند. (ر.ک: مکارم



شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۸، ص ۱۹۷).

امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُدِلَّ نَفْسَهُ قَبْلَ لَهُ وَ كَيْفَ يُدِلَّ نَفْسَهُ قَالَ يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ: برای مؤمن سزاوار نیست که خودش را خوار کند. راوی از حضرت پرسید: چگونه می‌تواند خودش را خوار کند؟ امام در پاسخ وی فرمود: با پرداختن و روی آوردن به کاری که در توان او نیست.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۴؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۸۰).

بر این پایه، برخی کارهای انسان به اعتبار اجتماعی او آسیب می‌زند و این آسیب برآمده از نبود مدیریت زمان و برنامه‌ریزی درست در زمینه بهره‌برداری از ابزار و امکانات مناسب است.

#### ۱۲. امکان سنجش میزان رشد انسان در زندگی

یکی دیگر از برکات مدیریت زمان، امکان اندازه‌گیری پیشرفت یا ایستائی یا پسرفت انسان در شئون مختلف زندگی است. امروزه فرصت‌های فراوانی برای رشد در عرصه‌های گوناگون وجود دارد؛ اما به دلیل گستردگی و چندگونگی، گاه انسان‌ها دچار سردرگمی یا چالش‌هایی می‌شوند مانند بی‌برنامگی یا بی‌انگیزگی که آنان را به سمت پوچی می‌کشاند. اگر انسان قدر فرصت‌ها و زمان را نداند، به راحتی آن‌ها را از دست می‌دهد یا نمی‌تواند به درستی از آن‌ها استفاده کند.

مهم‌ترین ابزار انسان برای رشد و پیشرفت، تعیین هدف و داشتن مدیریت زمان است؛ یعنی باید مقصد و مقصود و مقدار زمان معین برای رسیدن به آن را مشخص کند. نمونه قرآنی این حقیقت، وجود مبارک حضرت یوسف علیه السلام است که با هدفگذاری درازمدت سه ساله و اعمال برنامه‌های کوتاه مدت سالانه، موفق شد میزان پیشرفت مردم مصر را در عمل برایشان مشهود و ملموس گرداند. (رک: سوره یوسف (۱۲)، آیات ۴۷ - ۴۹).

اگر انسان نسبت به زمان حال و آینده بی‌برنامه و بی‌هدف و بی‌انگیزه باشد، به یقین هیچ نوع رشدی نخواهد داشت. بشر از دیرباز به فکر پیشرفت خود و اجتماعش بوده و برای

سرعت بخشیدن به آن، تلاش‌های شبانه‌روزی را انجام داده است، بزرگ‌ترین خطای راهبردی این است که تمامی دستاوردهای نوین امروزی را اتفاقی و بدون داشتن مدیریت زمان و هدف قلمداد کنیم. بی‌تردید پشت هر موفقیتی تلاشی نهفته است و هر کوششی در پی انگیزه‌ای تحقق می‌یابد و هر انگیزه‌ای محصول شناخت هدفی مقدس و داشتن برنامه برای دستیابی به آن است.

به صورت کلی، برنامه‌ریزی و داشتن مدیریت زمان سبب صرفه‌جویی در وقت و انرژی و هزینه‌ها می‌شود. همچنین از سردرگمی و افتادن در مسیرهای اشتباه و دچار شدن به ساعت‌ها تلاش بیهوده، جلوگیری می‌کند. اگر انسان، زمان و منابع و امکانات را به درستی مدیریت کند و انرژی خودش را برای کارهایی هزینه کند که در برنامه‌های خودش مشخص کرده، به یقین در پیشبرد انسان نتیجه بهتری خواهد داد و قهراً از هدر رفتن زمان و گرفتار پسرفت شدن جلوگیری خواهد شد.

بی‌شک امکانات انسان محدود است و اگر به درستی از آن‌ها استفاده نکند، ممکن است برای همیشه آن‌ها را از دست بدهد و دیگر نتواند به اهداف مطلوبش برسد. به یقین یکی از منابع محدود زمان است، اگر انسان در هنگام جوانی این منبع با ارزش را هدر بدهد، هنگام میانسالی توانایی انجام دادن خیلی از کارها را نخواهد داشت و ناچار باید از اهداف و الایش چشم پوشی کند.

باید انسان هنگام برنامه‌ریزی به محدودیت‌ها و موانع و احتمالی نبز بیندیشد تا پیش از آن که اتفاق ناگواری رخ دهد، به راحتی بتواند جلوی خیلی از آن‌ها را بگیرد یا خودش را برای رویارویی با آن‌ها آماده سازد. در این حالت با فکری باز و خیالی آسوده‌تر و راهکارهایی منطقی‌تر، با آن موانع روبه‌رو می‌گردد و به آسانی آن‌ها را پست سر می‌گذارد و در مسیر پیشرفت گام می‌نهد.

آری استعداد رشد و پیشرفت و به بیانی دیگر دستیابی به نعمت هدایت الهی، در همه موجودات وجود دارد؛ اما انسان‌ها باید با برنامه‌ریزی درست و داشتن مدیریت صحیح زمان

از این نعمت خدادادی در راستای پیشرفت خودشان در رسیدن به اهدافشان استفاده کنند و هر گونه مانعی را از سر راه خویش بردارند و امکان سنجش رشد و تعالی خودشان را اندازه گیری کنند.

### ۱۳. سعادت‌مندی دو جهانی

از رهاوردهای عملی و کاربردی مدیریت زمان در زندگی اسلامی، دستیابی به کامیابی در دنیا و آخرت است. از دیدگاه آیات و روایات، هدف کلی برای زندگی انسان، نیک روزی و نیک فرجامی است؛ یعنی رسیدن به اهداف دنیائی و آخرتی که همان قرب الاهی و تحصیل رضایت حضرت دوست است. رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ عُمْرَكَ مَهْرُ سَعَادَتِكَ إِنَّ أَنْفَدْتَهُ فِي طَاعَةِ رَبِّكَ: عمر (و زمان) قیمت و بهای سعادت توست، اگر (با برنامه‌ریزی) در مسیر طاعت خدا به کار گرفته شود.» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۴۹؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۲۲).

در سخن دیگری فرمود: «اِحْذَرُوا ضِيَاعَ الْأَعْمَارِ فِيمَا لَا يَبْقَى لَكُمْ فَفَائِئُهَا لَا يُعُودُ: پرهیز از تباه کردن عمر در چیزی که ماندگار نیست، چون زمان از دست رفته قابل برگشت نیست.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۶۳؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۶۰).

در جهان بینی الاهی، هدف اصیل از زندگی دنیائی، دستیابی به تعالی و تکامل و در نتیجه سعادت همه جانبه است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ: کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، برای آنان زندگی خوش و با سعادت و بازگشتی نیکوست.» (رعد (۱۳): ۲۹).

ظرف زمان فرصتی است برای بندگی بهتر و برتر و گردآوری توشه برای سرای آخرت که جایگاه جاودانی انسان است. قرآن مجید به انجام دادن امور عبادی و کارهای نیکو فرمان می‌دهد؛ بسیار بدیهی است که امکان فرمانبرداری دقیق در گرو مدیریت وقت آدمیان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: ای اهل ایمان! رکوع به جا آورید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام

دهید تا کامیاب شوید.» (حج (۲۲): ۷۷).

در مدیریت وقت، بر پایه آموزه‌های قرآن و روایات، با ایده کمال و سعادت انسانی روبرو هستیم و از همه مهم‌تر تولید و تکامل مکمل همدیگر هستند و هدف اصلی به کمال رسیدن انسان در سایه استفاده درست از زمان و تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های اوست. زندگی آخرتی استمرار حیات دنیائی به شمار می‌رود؛ لیکن اصالت بخشیدن به آن نادرست است. بر این اساس، هرگونه تلاش مادی دنیائی یا معنوی آخرتی عبادت و بندگی به شمار می‌آیند. (ر.ک: اژدری، ماهنامه جهان گستر، ص ۱۲، ش ۱۲۴).

### جمع بندی و نتیجه گیری

در پی تحقیق از دستاوردهای اندیشه‌ای و کاربردی مدیریت زمان در سبک زندگی اسلامی، به نتایج زیر دست یافتیم:

بر پایه بیانیه گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری، پرهیز از سبک زندگی غربی و رویکرد به سبک زندگی اسلامی بسیار اهمیت دارد، چون غربیان با کوشش برای ترویج سبک زندگی خودشان، زیان‌های جبران‌ناپذیر اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور زده‌اند و مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می‌طلبد.

زمان ارجمندترین نعمت خدای بزرگ برای انسان است. مدیریت زمان همان فرآیند برنامه ریزی هدفمند و به کارگیری هوشمندانه امکانات متناسب و کنترل وقت در راستای اهداف و آرمان‌های انسان است.

مدیریت زمان و بهره‌برداری بهینه و بیشینه از آن، مایه سعادت و سلامت و سیادت دنیا و آخرت انسان می‌گردد.

اگر انسان مدیریت وقت نداشته باشد، با داشتن دریائی از امکانات؛ ولی با به کارگیری غلط آن و انجام دادنش در زمان نامناسب، هیچ حرکت مثبتی ارائه نخواهد داد.

قرآن و روایات با تعابیر گوناگونی، انسان را به استفاده صحیح از وقت و عمر خویش فراخوانده و اتلاف آن را به عذاب‌های سخت تهدید کرده است، بنابراین کسانی که بر اثر

نبود مدیریت، وقت خود را به بیهودگی می‌گذرانند، بر خلاف نصوص و حیانی گام برداشته و در گمراهی آشکاری به سر می‌برند.

رویکرد به مدیریت زمان می‌تواند به خلاقیت انسان در استفاده بهینه و بیشینه از سرمایه گرانسنگ عمرش و شکوفائی علمی و عملی و فزونی کارائی او بینجامد؛ به گونه که انسان با صرف وقت کمتر، به اهداف بیش‌تری دست یابد.

هدفمندی در زندگی، برنامه‌ریزی را در پی دارد و هیچ برنامه‌ای بدون هدف معین تحقق نمی‌یابد. اولویت‌بندی، مهارتی ضروری؛ اما بسیار دشوار و چالش برانگیز است که انسان را وامی‌دارد تا با مدیریت زمان، ظرفیت و توانمندی خودش را افزایش دهد.

در مدیریت مطلوب، انسان‌ها نه تنها فرصت‌ها را از دست نمی‌دهند؛ بلکه تهدیدها را نیز به فرصت بدل می‌کنند و امکان سنجش رشد و پیشرفت خویش را فراهم می‌سازند.

## منابع

- \* قرآن مجید، ترجمه انصاریان با اندکی ویرایش.
- \* شریف رضی، نهج البلاغة، صبحی صالح، (۱۴۱۴ق)، چ اول، قم، هجرت.
- \* امام سجاد علیه السلام، الصحيفة السجادية، (۱۳۷۶ش)، چ اول، قم، دفتر نشر الهادی.
- ازدري، علیرضا، «مدیریت در اسلام و مصادیق آن»، ماهنامه جهان گستر، ش ۱۲۴.
- امیری، علی نقی، (۱۳۹۴ش)، ویژگی ها و وظایف مدیران در نهج البلاغه، چ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پاک نیا، عبدالکریم، «خاطراتی از زندگی معنوی استاد مطهری رحمته الله علیه»، ماهنامه مبلغان، شماره ۲۸.
- پیروز، علی آقا و دیگران، مدیریت در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۱۰، ۱۳۹۴ش.
- جمعی از نویسندگان، (بی تا)، ره توشه راهیان نور، شماره ۲۷۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- خنیفر و ملکی، (۱۳۸۲ش)، مهارت‌های برنامه‌ریزی در زندگی: رویکردی کاربردی در مدیریت و برنامه‌ریزی زندگی و یادگیری، تهران، فراشناختی اندیشه.
- دهقان، احمد، (۱۳۸۲ش)، چهل مجلس، قم، انتشارات ناصر.
- راس، جی، مدیریت زمان، ترجمه محمد تقی فرامرزی، بی جا، چ سوم، ۱۳۹۱ش.
- مقیم، محمد، (۱۳۹۴ش)، اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، چ دوم، تهران، راه دان.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- میرکمالی، محمد، (زمستان ۱۳۷۶ - ۱۳۷۷)، مجله دانش مدیریت، سال یازدهم، ش ۳۹ - ۴۰.
- نبوی، محمد حسن، (۱۳۸۰ش)، مدیریت اسلامی، چ ششم، قم، بوستان.
- ابن أبي جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ق)، عوالي اللئالی العزیزية في الأحادیث

الدینیة، الطبعة الاولى، مصحح: عراقی، مجتبی، قم، دارسید الشهداء للنشر.  
ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، الطبعة الثانية، مصحح:  
غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.  
ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام، الطبعة الثانية، مصحح:  
فیضی، آصف، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.  
ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق)، تحف العقول، الطبعة الثانية، محقق:  
غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین.  
ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، الطبعة الاولى، محقق: هارون،  
عبدالسلام محمد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.  
ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، الطبعة الثالثة، محقق: میر دامادی،  
جمال الدین، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.  
برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، المحاسن، الطبعة الثانية، محقق: محدث،  
جلال الدین، قم، دار الکتب الإسلامية.  
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶ش)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، الطبعة  
الاولی، مصحح: درایتی، مصطفی، قم، دفتر تبلیغات.  
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، الطبعة الثانية،  
محقق: رجائی، سید مهدی، قم، دارالکتب الإسلامية.  
حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، الطبعة الاولى،  
محقق: علی هلالی و سیری علی، بیروت، دارالفکر.  
حمیری، عبد الله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد، الطبعة الاولى، محقق: مؤسسة آل  
البيت عليهم السلام، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.  
شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۰۶ق)، خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير  
المؤمنين عليه السلام)، الطبعة الاولى؛ محقق: امینی، محمد هادی، مشهد، آستان قدس رضوی.

- طوسی، محمد بن الحسن، (١٤٠٧ ق)، تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان)، الطبعة الرابعة، محقق: خراسان، حسن الموسوی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (١٤٠٩ ق)، کتاب العین، الطبعة الثانية، قم، هجرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (١٤٠٧ ق)، الکافی (ط - الإسلامیه)، الطبعة الرابعة، محقق: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، (١٣٧٦ ش)، عیون الحکم و المواعظ، الطبعة الاولى، محقق: حسنی بیرجندی، حسین، قم، دار الحدیث.
- مفضل بن عمر، (بی تا)، التوحید، الطبعة الثالثة، محقق: مظفر، کاظم، قم، داوری.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، (١٣٩٧ ق)، الغیبة، الطبعة الاولى، محقق: غفاری، علی اکبر، تهران، صدوق.



## شاخصه های سبک زندگی اسلامی منطبق در قرآن و حدیث

فاطمه ناصری<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - بنت الهدی سلامی<sup>۲</sup> - حبیبه نژاد سبحانی<sup>۳</sup> - ملیحه نورالدینی<sup>۴</sup>

### چکیده

سبک زندگی اسلامی، به مجموعه ای از موضوعات قابل قبول در عرصه ی زندگی اشاره دارد که براساس آن، باید معیار رفتارها مبتنی بر اسلام باشد. رسیدن به سبک زندگی مطلوب اسلامی و آنچه در قرآن حیات طیبه نامیده شده درگرو شناختن شاخصه های زندگی اسلامی و به کارگیری آنهاست، همانگونه که رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات مکرر خود تاکید نموده اند که فرهنگ زندگی را بر اساس اسلام تبیین و تدوین و تحقق بخشیم و اگر در این زمینه موفق عمل نکنیم، پیشرفتهای سایر عرصه ها نیز ناکارآمد خواهد بود و ما را به اجرایی کردن چشم انداز چهل سال آینده انقلاب و هدف اصلی انقلاب که همان پایه ریزی تمدن نوین اسلامی است، نخواهد رساند. به خصوص که سبک زندگی فعلی ما و جهان متأثر از فرهنگ مهاجم غرب

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد، مدرس حوزه علمیه حضرت زینب علیها السلام، میناب  
minab.fatem@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح سه، رشته تفسیر و علوم قرآن ۸۰۸۳bahar@gmail.com

۳. طلبة سطح دو مدرسه علمیه حضرت زینب علیها السلام، میناب minab.fatem@gmail.com

۴. طلبة سطح دو مدرسه علمیه حضرت زینب علیها السلام، میناب minab.fatem@gmail.com

قرار گرفته که گاهی حتی در تعارض با اصول پایه‌ی اسلام می‌باشد و به شدت نیازمند اصلاح و پالایش است. برای همین منظور هم یکی از محورهای اساسی بیانیه‌گام دوم انقلاب، تغییر سبک زندگی انسان‌ها بر مبنای اسلام است. مقاله پیش‌رو، تحت عنوان "شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی مطابق در قرآن و حدیث"، باروش‌گردآوری کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی به توصیف داده‌های نقلی و وحیانی پرداخته است. سبک زندگی انسان در قالب دو نوع شاخصه فردی و اجتماعی قابل بررسی است. شاخصه‌های فردی عناوینی نظیر تقوا و خدامحوری، تفکر، صبر، راشامل می‌شود و مسائلی چون پایبندی به خانواده، صلح، رحم، کنترل خشم و... تحت عنوان شاخصه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**کلیدواژگان:** سبک زندگی اسلامی، حیات طیبه، بیانیه‌گام دوم انقلاب، تمدن نوین اسلامی

## مقدمه

"سبک زندگی اسلامی" به مجموعه ای از موضوعات قابل قبول در عرصه ی زندگی اشاره دارد که براساس آن، باید معیار رفتارها مبتنی بر اسلام باشد.

در دنیای به شدت متحول و تغییرپذیر کنونی که مکاتب دینی و غیردینی در پی طرح ریزی برنامه ای برای سبک زندگی انسانها و سامان دادن به نظام های اجتماعی و تثبیت جایگاه خود هستند، دین اسلام تنها دینی است که مدعی پاسخگویی به تمام نیازهای بشر در همه ی اعصار است و برای همه جوانب زندگی فرد و موقعیتهای فراروی او طرح و برنامه چیده است تا او را در مسیر درستی که هدف خلقت اوست هدایت کند.

پرداختن به موضوع "سبک زندگی اسلامی" و تبیین و تدوین آن، امری بسیار ضروری است و طبق فرمایشات مکرر مقام معظم رهبری تادراین زمینه دچار پیشرفت نشویم، پیشرفتهای سایر عرصه های سیاسی، نظامی و... کارایی لازم در جهت رشد و اعتلای انقلاب اسلامی به سمت زمینه سازی تحقق تمدن نوین اسلامی که هدف اصلی و نهایی انقلاب اسلامی است نخواهد داشت. به خصوص که سبک زندگی فعلی ما و جهان متأثر از فرهنگ مهاجم غرب قرار گرفته که گاهی حتی در تعارض با اصول پایه ی اسلام می باشد و به شدت نیازمند اصلاح و پالایش است. بدون شک گام نخست در این راه شناسایی دقیق و اصولی رویکردها و شاخصه های کلیدی می باشد.

سبک زندگی چه در سطح انسانی و چه در رتبه ی الهی از دو منظر قابل بررسی است: یکی از منظر ایجاد و نهادینه ساختن آن در اجتماع، چرا که سبک زندگی اسلامی ساختنی است نه یافتنی و دوم از منظر ارزیابی وضع موجود و تعیین فاصله تا وضعیت مطلوب. استخراج شاخص های سبک زندگی اسلامی تامین کننده هر دو منظور خواهد بود؛ چه شاخص از یک جهت ترسیم کننده وضعیت مطلوب و از جهت دیگر نشانگر وضع موجود یا وضعیت مطلوب است.

در پرداختن به سبک زندگی اسلامی، همانطور که از لفظ آن برمی آید؛ زندگی فرد متأثر از

میزان تقید او به آموزه‌های اسلام و مبانی عقیدتی و معرفتی اسلام است. پس بیش از هر چیز لازم است بنیان‌های عقیدتی فرد محکم باشد، درواقع مفهوم اسلامی بودن انعکاس مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره جامعه انسانی وضع شده است که نگاهی جهانی و فرادینی به زندگی انسان دارد. همانطور که این مفهوم تکیه بر آموزه‌های دینی دارد، برای استخراج و تبیین شاخصه‌های آن نیز لازم است به مهمترین منابع هدایتی و آموزشی مسلمین یعنی به قرآن، کتاب هدایتگر بشر بر پایه وحی و سیره معصومین علیهم‌السلام به عنوان انسان‌های کامل و دغدغه مند برای هدایت بشر مراجعه کنیم.

از آنجایی که اسلام از بدو پیدایش و فراگیری برای زندگی پیروانش و جهانیان برنامه ریزی و هدف داشته، و بزرگان و اولیای دین نیز در هر فرصتی به بیان مصادیق آن پرداخته اند و حتی آثار ارزشمندی را تدوین نمودند پس میتوان قدمت سبک زندگی اسلامی را به اندازه قدمت اسلام در نظر گرفت. به عبارتی سبک زندگی اسلامی همان حیات طیبه ای است که در قرآن از آن یاد شده و معصومین علیهم‌السلام در نشر مصادیق آن همت گماشته‌اند؛ و امروزه به علت ضرورت‌های کارکردی آن در جهت تحقق تمدن نوین جهانی، تحت این عنوان مورد توجه قرار گرفته و بر آن تاکید می‌شود.

از تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه می‌توان آثار و مقالاتی نظیر "بررسی رابطه دین داری و سبک زندگی شهروندان از محسن نیازی و کارکنان (۱۳۹۲)" و "سبک زندگی به عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان" از احمد حسین شریفی (۱۳۹۱) تدوین شده است که مطالعات آنها میدانی بوده و بیشتر به اثرات و روابط متقابل دیانت و نحوه دین داری افراد و بروز آن در شیوه‌ی زیست فردی و اجتماعی پرداخته است. درواقع بیش از آنکه به وضعیت مطلوب و مورد نظر بپردازد، نشانگر وضعیت موجود است.

در مقاله حاضر قصد داریم به تفکیک عرصه‌های زندگی شخص، بخشی از شاخصه‌های منطبق در آیات و روایات را برای سامان بخشیدن به سبک زیست مطلوب او به شیوه‌ی اسلامی، تعریف و تدوین نماییم. روش گردآوری مورد استفاده "کتابخانه‌ای" می‌باشد و روش

تحقیق آن مبتنی بر توصیف داده های نقلی ووحیانی است. با فرض محکم بودن مبانی عقیدتی، شاخصه های زندگی فردرادر دوسطح فردی واجتماعی تقسیم بندی نموده وزیرمجموعه های کلان هرکدام را از منابع روایی ووحیانی استخراج می کنیم.

شاخصه های فردی در قالب مسائلی چون: تقواوخدامحوری، تفکر، صبووخویشتن داری، و شاخصه های اجتماعی نیز شامل عناوینی نظیر... می شود.

### مفهوم شناسی سبک زندگی اسلامی

همانطور که رانندگی در جاده نیاز به رعایت اصول و مقررات و وجود علائم و نشانه هایی دارد شیوه ی زندگی هم نیاز به وجود برنامه، دیدگاه نظری و نحوه عملکرد دارد که تعیین این خط مشی زندگی همان سبک زندگی نام دارد (آرمندورسولی نژاد، ۱۳۹۴، ۲)، سبک زندگی عبارت است از هر شیوه ی متمایز و بنابراین قابل تشخیص زیستن (چاوشیان و اباذری، ۲۴، ۱۳۸۱).

در منظومه فکری مقام معظم رهبری، در بیان مفهوم سبک زندگی آمده است که سبک زندگی بخش حقیقی و اصلی تمدن است، مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش اصلی تمدن است که متن زندگی انسان ات (امام خامنه ای، بیانات رهبری در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>

مقام معظم رهبری بخش اصلی تمدن اسلامی را چیزهایی معرفی کرده اند که متن زندگی

است و در اصطلاح اسلامی به آن عقل معاش می گویند. معظم له می فرمایند: «عقل معاش، فقط به معنای پول درآوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه این عرصه وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است... خُب می شود این بخش را به منزله بخش نرم افزاری تمدن به حساب آورد». (همان).

ایشان می فرمایند ما باید سبک زندگی را، «سبک زندگی اسلامی - ایرانی» انتخاب کنیم. سبک زندگی از معماری، زندگی شهری، زیست انسانی، پیوندهای اجتماعی تا همه مسائل گوناگون زندگی را شامل می شود. (امام خامنه ای، بیانات رهبری در بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۴/۳/۱۳۹۵، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33259)

### اهمیت سبک زندگی اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری

از منظر مقام معظم رهبری، پرداختن به مسئله سبک زندگی به دلایل ذیل از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار است.

#### ۱. توجه اسلام به سبک زندگی

در این باره رهبر معظم انقلاب اسلامی فرموده است که در آداب زندگی اسلامی، همه آنچه را که مورد نیاز است، می توانیم پیدا کنیم (امام خامنه ای، بیانات رهبری در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۲۳/۷/۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>). انواع سلوک با افرادی که انسان با آنها ارتباط دارد، انواع رفتارهای ما، انواع چیزهایی که در زندگی اجتماعی برای انسان وجود دارد، اینها در اسلام هست؛ در مورد سفر کردن هست، در مورد رفت و آمد هست، در مورد سوار شدن و پیاده شدن هست، در مورد پدر و مادر هست، در مورد تعاون هست، در زمینه رفتار با دوست هست، در زمینه رفتار با دشمن هست. در همه چیزها، یا به طور خاص در منابع اسلامی ما موجود است،

یا تحت یک عنوان کلی وجود دارد؛ که اهل استنباط و اهل نظر می توانند آن چیزی را که مورد نیازشان است، از آن به دست بیاورند و پیدا کنند. (همان)

## ۲. سبک زندگی جهت دهنده به زندگی

حضرت آیت الله خامنه‌ای سبک زندگی را جهت دهنده به زندگی انسان معرفی کرده، می فرماید:

«آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می رویم یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت تأثیر قرار گرفتن نسبت به بافته ها و یافته های بی مغز غربی ها حرکت می کنیم؟ این خیلی مسئله مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد می کشاند» (امام خامنه ای، بیانات رهبری در جمع ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۵/۳۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34109>).

## ۳. سبک زندگی عامل هویت سازی

یکی از امور مهم برای انسان ها، هویت سازی برای انسان هاست. در منظومه فکری مقام معظم رهبری، انسان ها باید احساس هویت کنند. هویت انسان به فرهنگ اوست، به دانسته های اوست، به سبک زندگی اوست. ایشان می فرمایند: «تمدن متکی به فرهنگ است؛ اگر فرهنگ قوی و غنی وجود نداشته باشد، تمدن به معنای مصطلح و راج خودش به وجود نمی آید». (امام خامنه ای، بیانات رهبری در دیدار معلمان و فرهنگیان به مناسبت روز معلم، ۱۳۹۸/۲/۱۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42410>).

## ۴. سبک زندگی از ابعاد پیشرفت همه جانبه

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه ی زیستن است. مقام معظم رهبری می فرماید:

«ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، بازپرداختن به سبک زندگی مهم است». (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، زندگی مهم است). (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

### شاخصه‌های سبک زندگی

یکی از راههای درک بهتر مفهوم سبک زندگی از نظر اندیشمندان گوناگون بررسی عناصر ومولفه‌هایی است که برای سبک زندگی برشمرده و یا از آنان به عنوان شاخص نام برده اند. عناصری که زیمل، ویلن و وبر یاد کرده اند شامل شیوه تغذیه، نوع مسکن (دکوراسیون، معماری واثاثیه)، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح و مانند اینها هستند و در دودهه اخیر نیز شاخصهایی چون الگوی مصرف، نحوه صحبت، دین، خانواده، میهن پرستی، هنرها و ورزشها، ارزشهای اخلاقی و سیاسی، روابط زناشویی و تربیت کودک، آموزش و... نیز مدنظر قرار گرفته اند (نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۹۲، ۱۸۵-۱۸۲).

شاخص های سبک زندگی اسلامی از دو منظر فردی و اجتماعی به شرح ذیل است.

### ۱.۵ شاخصه های فردی سبک زندگی اسلامی

#### ۱.۵-۱ ایمان

قرآن کریم در سوره عصر ضمن تاکید بر یک قسم می فرماید بشر جز با داشتن چهار خصلت زیانکار و بدبخت است: اول ایمان، دوم عمل درست و صحیح، سوم تشویق و وادار کردن افراد یکدیگر را به حق، چهارم تشویق و توصیه افراد یکدیگر را به خویشتن داری و استقامت و صبر.



اینها چهار رکن و چهارستون کاخ سعادت بشر می باشند اما رکن اول یعنی ایمان اساسی ترین رکن حیات انسانی است. انسان از آنجهت که انسان است نمی تواند بدون ایمان زندگی خوش و مقرون به آسایشی داشته باشد حرکات و فعالیت های انسان همین قدر که از حدود خور و خواب و خشم و شهوت و لذات آنی تجاوز کرد نقطه اتکایی لازم دارد، بدون آن نقطه اتکا، نه حرکات و فعالیت های انسان نظم و انضباطی دارد و نه نشاط و رغبت خواهد بود. این نقطه اتکا همان است که "ایمان" نامیده می شود. همان رکن اول از چهار رکن سعادت بشر که قرآن ذکر نموده (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۶ و ۳۸).

#### ۱.۵- ۲- تقواگرایی و خدامحوری

"تقوا" اصطلاحی به معنای خویشتن داری در اطاعت از دستورات الهی و دوری از گناهان است. تقوا به معنای عام کلمه لازمه ی زندگی هر فردی است که می خواهد انسان باشد و تحت فرمان عقل زندگی کند و از شاخص های معینی پیروی نماید. تقوای الهی یعنی این که انسان خود را از آن چه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده، خطا و گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود. تقوا در درجه اول و به طور مستقیم از ناحیه اخلاقی و معنوی به انسان آزادی می دهد و او را از قید و بند رقیبت و بندگی هوا و هوس آزاد می کند، رشته ی حرص و طمع و حسد و شهوت و خشم را از گردنش برمی دارد، ولی به طور غیرمستقیم در زندگی اجتماعی هم آزادی بخش انسان است. واژه ی "تقوا" و مشتقات آن بیش از ۲۰۰ بار تکرار شده است. از منظر قرآن تنها اعمال متقیان پذیرفته می شود و به کاری که بنیان آن بر اساس تقوا نباشد، اعتنایی نمی شود. «انما یتقبل من المتقین» (مائده، ۲۷) و همچنین از آن به عنوان بهترین توشه یاد شده «تزودوا فان خیر زاد التقوی و اتقون یا اولی الالباب» (بقره، ۱۹۷) و ملاک ارزش انسانها نزد خداوند قرار گرفته «ان اکرمکم عند الله اتقاکم ان الله علیم خبیر» (حجرات، ۱۳) و از طرفی عامل گشایش در هنگام گرفتاریهاست و موجب افزایش رزق نیز می شود. «ومن یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لایحتسب» (طلاق، ۲ و ۳)

### ۱.۵-۳ تفکر

تفکر درمتون دینی صرف دست یافتن به اطلاعات نیست و معانی وسیعی را شامل می شود. اما صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: "برترین عبادت، مداومت کردن بر تفکر درباره خدوند و قدرت اوست" و در برخی روایات نیز تصریح شده که یک ساعت تفکر، برتر از عبادت یک شب و شب زنده داری است. (تحریری، ۵۱، ۱۳۹۷)

یکی دیگر از مصادیق تفکر، تدبیر و عاقبت اندیشی است. امیرالمومنین علیه السلام در این مورد میفرماید: "عاقبت اندیشی پیش از اقدام به کار، تورا از پشیمانی باز میدارد. (تحریری، ۵۳، ۱۳۹۷)

یکی از شاخصه های مهم سبک زندگی فردی، معرفت و تفکر است زیرا بعد از تفکر و معرفت حرکت صورت می گیرد. ما برای این تفکر و اندیشه نیاز به دانش داریم و در اسلام اهمیت فراوانی برای دانش قائل شده اند. این خود یکی از شاخص های سبک زندگی است که چه چیزی فرا بگیریم. انسان برای فهم سبک زندگی باید ابتدا خود را بشناسد، باید ویژگی ها و ظرفیت خود مانند فطرت انسانی اش را بشناسد و به دنبال رفع نیازهای فطری اش باشد. همچنین مهمترین موضوعی که انسان در تعامل با خود در نظر گرفته، توجه به خود و تفکر و تدبیر در وجود انسان است. امام علی علیه السلام فرموده اند: "هیچ خیری نیست در عبادتی که تفکر در آن نباشد. اولین قدمی که برمی داریم دست یابی به معرفت و شناخت نسبت به خود است و به طور قطع کسی که خودش را شناخته خدا را می شناسد."

### ۱.۵-۴ راستگویی و صداقت:

صداقت یا راستگویی یکی ز بهترین ویژگی هایی است که هر انسان سالمی می تواند از آن برخوردار باشد. صداقت ابزار قدرتمندی است برای ساختن اعتبار و اطمینان. اولین خصوصیات رفتاری هر معتمدی، صداقت و صراحت اوست که نیمی از مشکلات ما را به راحتی از بین می برد و دست ما را برای بیان خواسته ها و برنامه هایمان بازتر می کند. صداقت مانند یک نیروی نامرئی، مانع از ادامه اشتباهات و خطاهای ما می شود. چرا که با

بیان حقیقت دیگر راهی برای ادامه ی خطا و اشتباه وجود ندارد و ناخودآگاه راه بیراهه ما به بن بست خواهد رسید. راستگویی روح و روان را جلا می دهد، قدرت بیان را افزایش میدهد و سخن را شیواتر می سازد. افراد راستگو از قدرت و جرات مناسبی در حقایق برخوردارند راحت تر می توانند به اعمال و رفتار اشتباه دیگران اعتراض کنند. با صداقت پایه ی زندگی سالم بنا می شود و استحکام آن دوچندان می گردد، رنجش دیگران از ما کمتر می شود و کمتر خود و اطرافیان را دچار دردسر میکنیم. (آذرشب ومیرمادی، ۱۳۹۳، ۶ و ۷).

قرآن در آیات ۷۰ و ۷۱ سوره احزاب به تاثیر و کارکرد راستگویی مومنان در گفتارشان اشاره کرده و آن را سبب اصلاح اعمال آنان می داند. از این رو فرمان می دهد برای این که اعمال آنها به اصلاح گراید، همواره گفتار خالی از هرگونه شائبه، دروغ و لغو بگویند و سخنی را بر زبان آورند که ظاهرآن با باطن آن موافق باشد. در آیات ۲۰ و ۲۱ همان سوره صداقت و راستگویی موجب تسلیم شدن شص در برابر دستورهاى خداوند و آموزه های وحیانی تسلیم اند هرگز بر خلاف آن عمل نمی کنند و رفتارشان همواره در چارچوب آموزه های دینی است و گامی بر خلاف آن بر نمی دارند. اصولاً رستگاری جز با راستگویی امکان پذیر نیست و کسی که دروغ می گوید و ظاهر کلامش با باطن ان موافقت ندارد و برخلاف واقع سخنی را بر زبان می راند، نمی تواند امید به رستگاری داشته باش. خداوند در آیه ۱۱۹ سوره مائده می فرماید: روز قیامت تنها کسای رستگار می شوند و از آتش دوزخ رهایی می یابند که راستگو باشند. امروز روزی است که تنها صدق و راستی راستگویان است که به فریادشان میرسد و سربلند و پیروز از آزمون دنیا بیرون می آیند. در حقیقت کسانی که راستگویی را منش و روش خویش قرار داده اند و در هر حال و مقامی راستگویی می کنند و سخنی به درو بر زبان نمی رانند در قیام از راستگویی خویش بهره مند می شوند.

#### ۱.۵- ۵ اهمیت دادن به سلامتی

سبک زندگی اسلام منظومه ای گسترده است که در تمام زوایای زندگی انسان الگو معرفی می کند. و درکنار جنبه ملکوتی و روحانی از توجه به بعد جسمانی انسان غافل نشده است

و برآن تاکید می‌ورزد. موضوعاتی نظیر مدیریت و بهداشت بدن، تفریح و استراحت، غذای سالم و... زیرمجموعه‌ی این شاخصه قرار می‌گیرند.

مواظبت بر طعام یکی از عوامل سلامتی بدن است. در غذا می‌گوید اگر کسی غذایش کم باشد بدنش سالمتر می‌ماند و قلبش هم باصفا می‌شود. رسول خدا فرمود "نعمتان مجهولتان" یعنی دو نعمت هستند که شناخته شده نیستند و آن دو امنیت و عافیت هستند. اینجانب نیز توصیه اسلام به سلامتی را میبینیم. پس یکی از شاخصه‌ها و قطعه‌های پازل سبک زندگی فردی آن است که ما سبک سالم نگه داشتن بدن خود را یاد بگیریم زیرا باین بدن میتوان نماز شب خواند، جهاد کرد، به همسایگان کمک کرد و روزی خانواده خود را تامین نمود. اسلام برای سبک زندگی برنامه دارد، اسلام به همه جنبه‌ها توجه کرده و جاهایی که به طور مستقیم اشاره نکرده جملاتی آورده که از آن میتوان خواست اسلام را دریافت.

#### ۱.۵-۶ صبر و خویشتن داری

فراز و فرودهای شرایط زندگی، نیاز به روحیه ای دارد که بتواند آن را مهار و در همه ی آنها ایستادگی کند. چنانچه انسان در برخورد با مشکلات گوناگون از ابزارها و مهارتهای کافی برخوردار نباشد به بن بست روانی خواهد رسید. در آموزه های دینی تلاش شده تا این پیش نیازها به پیروان عرفی و به عنوان یک مهم بدان نگریسته شود. بردباری و خویشتن داری از مهارتهایی است که بدون آن تحمل شکست ها و ناکامی ها ناممکن مینماید. امام حسین علیه السلام زیبایی این ویژگی را چنین بیان می کند: "بردباری زیور است. به همان اندازه که میل به گردآوری زینت های مادی در وجود انسان نهاده شده، گرایش فطری به گردآوری بسته ای از خوبی ها نیز وجود دارد، فقط کافی است یک انسان کامل و راهنما، چنین قضایایی را طرح کند تا فضای فکری و عاطفی افراد به آن سوق یابد. (آذرشب و میرمرادی، ۱۳۹۳، ۷ - ۸).

#### ۲.۵ شاخص های اجتماعی سبک زندگی اسلامی

#### ۲.۵-۱ کنترل خشم در جامعه

خشم و غضب یک امر فطری است که در نهاد انسان وجود دارد در عین حال کنترل و تعدیل خشم و غضب در تعاملات اجتماعی یک امر ضروری است. در صورتی که این قوه در وجود انسان کنترل نگردد پیامدهای جبران ناپذیر و گناهان بزرگی را در اجتماع پدید خواهد آورد. در روایات و آیات با اصطلاح "کظم غیظ" از تعدیل خشم انسان سخن گفته شده است. " کظم غیظ" به معنای خویشتن داری و تسلط بر اراده ی خود هنگام بروز خشم است. در قرآن کریم واژه ی غیظ یک بار به کاررفته است و این صفت را برای پرهیز کاران که جایگاهشان بهشت می باشد بر شمرده ات «الذین ینفقون فی السراء والضراء و الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یحب المحسنین» (آل عمران، ۱۳۴) همانان که در فراخی و تنگی انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از مردم در می گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. در راستای هدایت قرآن به تعدیل خشم و فرو نشاندن آن، امام سجاد علیه السلام نیز تعدیل این صفت را در جامعه ضروری دانسته است و از خداوند تقاضای کمک جهت دستیابی به تعدیل و کنترل این صفت نموده است و این راهکار امام دومین ویژگی انسان کامل در تحقق جامعه ی آرمانی محسوب می شود. پی ریزی روش زندگی درست با ویژگی تعدیل خشم در اجتماع رهنمود و راهکار شایستگان به شمار می آید، از این رو کسی که می خواهد به کمال برسد باید به هریک از این راهکارها و صفات ملتزم گردد تا به سبک زندگی کامل برسد (پهلوانی، ۱۶۰، ۱۳۹۴).

## ۲.۵- ۲ تلاش و کوشش

پس از تفکر و کسب دانش، نیاز به تلاش برای زنده ماندن و کسب درآمد داریم، اسلام نیز در سبک کار و تلاش و تامین معاش توصیه هایی کرده است. اسلام اهمیت بسیاری به تلاش و کار داده است و انسان را از کسلی و تنبلی بر حر داشته است. در روایتی دریم کسالت به دین و دنیای انسان ضرر می رسد. البته امیرمؤمنان علی علیه السلام خوشخویی را در سه چیز می داند از جمله این سه چیز فراهم آوری آسایش و رفاه برای خانواده است. پس خوشخویی تنها به چهره ی گشاده نیست بلکه در رفتاری است که بخشی از آن واجبات یا مستحبات

است. کسی که به وظیفه ی خود عمل کند خوشخو است و اگر بتواند فراتر از وظیفه ی واجبی، به مستحب نیز اقدام کند در خوشخویی برتر است. از این رو امام علی علیه السلام می فرماید: خوش اخلاقی در سه چیز است: دوری کردن از حرام، طلب حلال و فراهم آوردن آسایش و رفاه برای خانواده.

در سبک زندگی اسلامی انسان باید برای فقیر نبودن تلاش کند، انسان باید برای رهایی از فقر سعی خود را به کار بیند و هم زاهدانه زندگی کند و به دنیا دل نبندد (آذرشب ومیرمادی، ۱۳۹۳، ۸).

### ۲.۵ - ۳ اعتدال و میانه روی

اعتدال و میانه روی، همانگونه که از نامش پیداست به معنای پیمودن و گزینش راه میانه و وسط و عدم تمایل به دوطرف افراط و تفریط می باشد. این واژه در منابع اسلامی با الفاظی مانند قصد، اقتصاد، وسط استعمال شده است. پژوهشی ژرف و عمیق می توان دریافت همانگونه که اصل توحید در تاروپود احکام ومقررات اسلام وآیات و روایات وسیره ی ائمه علیهم السلام پیچیده شده، اصل اعتدال نیز در تشریح احکام لحاظ گردیده است. قرآن کریم، امت اسلام را امت میانه و وسط می نامد و می فرماید: «و کذلک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیدا» و این چنین شما را امتی میانه (معتدل) ساختیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم بر شما گواه باشد. (بقره، ۱۳) معنای آیه ی فوق این است که در آیین اسلام، هیچگونه افراط و تفریطی وجود ندارد و مسلمانان برخلاف سایر فرقه ها از مقرراتی پیروی می کنند که قانونگذار آن، به تمام نیازهای فطری بشر آگاه بوده و همه جهات زندگی جسمی و روحی او را در نظر گرفته است.

اصل اعتدال که در قرآن کریم به آن عنایت فروانی شده است در زندگی پربرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام و در کلیه ی اعمال و رفتارشان به روشنی دیده می شود. آنان هرگز در هیچ امری از اعتدال و میانه روی خارج نشدند. سیره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در همه ی وجوه سیره ای معتدل بود. همانطور که حضرت علی علیه السلام در مورد آن حضرت فرموده است:

"سیره القصد"، رسول خدا ﷺ سیره و رفتارش میانه و معتدل بود (پور کریمی، ۶، ۱۳۸۳). رسول خدا ﷺ در رفتار فردی، در خانواده و اجتماع، در اداره ی امور و سیاست، در رویارویی با دشمنان و حتی در میدان نبرد، اعتدال را پاس می داشتند و از افراط و تفریط در هر کاری پرهیز می کرد و تاکید فراوان داشت که امتش از او پیروی کنند و در زندگی میانه روی پیشه سازند. از این رو می فرمود: "یا ایها الناس علیکم بالقصد، علیکم بالقصد، علیکم بالقصد"، ای مردم بر شما باد به میانه روی، بر شما باد به میانه روی، بر ما باد به میانه روی. اصل اعتدال باید به شکل کلی و فراگیر در سبک زندگی فردی و اجتماعی حاکم باشد و همیشه و همه جا افکار، کردار و گفتار او را در برگیرد (آذرشب و میرمرادی، ۸، ۱۳۹۳)

#### ۲.۵-۴ پایبندی به خانواده

اسلام به حفظ نهاد خانواده اهتمام ویژه ای دارد در یک جمله می توان گفت خانواده شاهراه اصلی رسیدن به پیشرفت و کمال است و همین جایگاه عظیم سبب شده است که عوامل مختلف دست به دست هم دهند تا این مسیر را مسدود سازند. دشمن از این راه درصدد است تا با هدف گرفتن خانواده و تقدس زدایی و از بین بردن کارکردهای آن جلوی پیشرفت جامعه را بگیرد، زیرا پیشرفت و سلامت جامعه در گرو خانواده سالم است. حضرت آیت الله خامنه ای در سفارش به وفاداری و پای بندی همسران به خانواده می فرماید:

«توصیه می کنم به همسران خود مهر بورزید، به آنان وفاداری باشید و خویشتن را در سرنوشت یکدیگر شریک بدانید. از گره افتادن در رشته زندگی مشترک بر حذر باشید و گره های کوچک و بی اهمیت را نادیده بگیرید. خداوند به شما خوشبختی و شادکامی و اعتلاء روحی عطا فرماید و کانون زندگی تان را با فرزندان تندرست و صالح، گرمی و روشنی ببخشد.» (امام خامنه ای، پیام به مناسبت ازدواج دانشجویی دانشگاه های تهران،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2992>، ۱۳۷۸/۱۱/۲۴)

#### ۲.۵-۵ صله ی رحم

یکی از مولفه های کلیدی و برجسته سبک زندگی اسلامی در حوزه ی ارتباطات انسانی،

ارتباط با خویشان و بستگان نسبی (و نیز بستگان سببی بر اساس برخی دیدگاهها) اعم از مومن و غیر مومن (مشروط به شروط و حدود خاص) است که در منابع دینی و الهیاتی از آن به صله ی رحم تعبیر شده است. انگیزه و اشتیاق به رعایت صله ی رحم افزون بر محرک ها و بنیادهای زیستی، فطری، عقلایی، ضرورت های کارکردی در سطوح فردی و اجتماعی و پیشینه های تاریخی و فرهنگی، از توصیه ها و ترغیب های اکید ادیان الهی در قالب مجموعه ای از الزامهای فقهی و اخلاقی است و به یکی از ارزش های جهان شمول فرهنگی در جوامع انسانی تبدیل شده است.

شکی نیست که شبکه ی خویشاوندی به عنوان یکی از زیرمجموعه های مهم نظام اجتماعی کل در مرتبه ی پس از خانواده از کهن ترین و اصیل ترین کانون های تجمع انسانی است. این کانون، جمع درخور توجهی از افراد بهره مند از خویشاوندی نسبی و سببی را در چارچوب یک تشکل طبیعی - اجتماعی، با مرجعیت مجموعه ای از قواعد و سنن ریشه دار و پذیرفته شده، دارای ساختار غیرسلسله مراتبی (از نوع سازمانی)، دارای وابستگی مشترک و متقابل، برخوردار از تمایل و انگیزه ی قوی به تعامل عاطفی و اخلاقی و به دور از ملاحظه ها و محاسبه های سودجویانه، در خود جای داده است.

#### ۲.۵- ۵- ۱ لغوی اصطلاحی

«رحم» در لغت، به عضو خاصی از بدن زن که محل استقرار جنین و کنون نشو و نما ی طبیعی است اطلاق می گردد. این واژه بعدها به صورت استعاره و به علاقه ظرف و مظروف، به معنای قرابت و خویشاوندی به کار رفت و به همین دلیل، نزدیکان و خویشاوندان را به اعتبار نسبت داشتن به یک رحم واحد، «ارحام» می گویند (راغب اصفهانی، ۳۴۷، ۱۴۱۲). به بیان مفسران، «رحم» عبارت از وحدتی است که به دلیل تولد از یک پدر و مادر، یایکی از آن دو، در میان اشخاص برقرار می شود و موجب پیوند و وحدتی می گردد که در ماده ی وجودشان نهفته است، این پیوند یک امر اعتباری و خیالی نیست، بلکه حقیقتی جاری در میان ارحام است و آثار حقیقی در خلقت و در خوی آنان دارد و نیز در جسم و در روحشان



موجود است و هرگز نمی شود منکر آن شد (طباطبایی، ۲۳۴، ۴، ۱۳۶۳).

مفهوم «صله رحم» در مقابل «قطع رحم»، عام ترین مفهوم ناظر به معرفی حقوق و تکالیف فقهی و اخلاقی متقابل خویشاوندان در ادبیات دینی است.

یکی از شاخص های تعیین جایگاه یک آموزه یا ارزش در منطق دین، میزان اهتمام کمی و کیفی بدان در منابع دینی (آیات و روایات) است. عطف توجه مستقیم و غیمستقیم به موضوع «صله رحم» و در مقابل هشدار و پرهیز شدید از قطع آن، در ضمن ده ها آیه (بقره/۲۱۵، ۱۸۰، ۱۷۷، ۸۳، ۲۷؛ نساء/۳۶، ۸، ۱؛ انعام/۱۵۱؛ انفال/۷۵؛ رعد/۲۵، ۲۱؛ ابراهیم/۴۱؛ نحل/۹۰؛ اسراء/۲۶، ۲۳؛ مریم/۳۲، ۳۱، ۱۴، ۱۲؛ نور/۲۲؛ شعراء/۲۱۴؛ عنکبوت/۸؛ احقاف/۱۵؛ طور/۲۱؛ نوح/۲۸؛ روم/۳۸؛ لقمان/۱۵، ۱۴؛ محمد/۲۳، ۲۲؛ مجادله/۲۲) و صدها روایت همچون: استقرار سیره ی عملی بزرگان دین بر رعایت آن، اجماع و اتفاق نظر فقهای اسلام بر وجوب و استحباب سطوح مختلف آن و بلکه تلقی آبه عنوان ضرورت دین و تاکید عرف متشرعان بر رعایت آن، همگی شواهد گویایی بر اهمیت جایگاه ارزشی و هنجاری برجسته ی آن در آموزه های دینی و فرهنگ برخاسته از آن است (شرف الدین، ۴، ۱۳۹۴).

درمقابل، "قطع رحم" از گناهان کبیره است که در قرآن و روایات از آن شدیداً نهی شده و حتی در ردیف شرک به خدا دانسته شده است. خداوند در آیه اول سوره مبارکه در این زمینه انذار میدهد و می فرماید: «واتقوا الله الذی تسائلون به و الارحام ان الله کان علیکم رقیباً» بترسید از خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست میکنید و از قطع خویشاوندی ها پرواکنید که خدا مراقب شما است.

تعبیر به کاررفته در منابع دینی، به بهترین شکل ممکن، جایگاه ارحام و اهمیت حقوق قانونی و اخلاقی آنان را نشان می دهند. برای نمونه «رحم» در برخی روایات به عنوان مفهومی مشتق از نام خداوند رحمان، پرتویی از رحمت حق تعالی، اولین ناطق در روز قیامت، شافع روز جزا و برخوردار از حق بلا معارض توصیف شده است. (همان، ۵) افزون بر رحم موضوع

«صله رحم» نیز با تعبیرها و بیان های ویژه توصیف شده است. برای نمونه یکی از واجبات الهی (روم/۳۸، رعد/۲۱ و ۲۵؛ بقره/۲۷)، پرتویی از عنایت حق تعالی، از سنت های کهن ادیان الهی، از سفارش های پیامبران الهی به امت های خویش، از سفارش های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه ی اطهار علیهم السلام به جامعه اسلامی، از سیره های عملی معصومان علیهم السلام، از اعمال که معصومان علیهم السلام در انجام دادن آن بر دیگران پیشی گرفته اند (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۹۹)، از اهداف رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از پیمان های اسلام از مومنان، از نشانه های دین داری، از نشانه های تقوا، بهترین خصلت مومن، زیباترین عمل مومن، محبوب ترین عمل مومن، افضل اعمال مومن، از زکات اعضا، از زکات توانگری، مصافی از قرض، از اعمالی که توفیق انجام دادن آن را باید از خدا خواست، زمینه ساز حفظ و ابقا و مزید دیگر نعمتها، تخصیص پاداش فراوان به آن، واجبی که از قطع آن به خدا پناه برده شده است، و در برخی روایات نیز صله رحم در کنار جهاد فی سبیل الله، امر به معروف و نهی از منکر و برخی دیگر از وظایف، دارای جایگاه ارزشی بسیار متعالی معرفی شده که خود نشان دیگری از اهمیت و اعتبار آن است (شرف الدین، ۵، ۱۳۹۴).

#### ۲.۵- ۲- گستره مصداقی رحم

در گستره و شمول مصداقی «رحم» ی که صله ی آن واجب شمرده شده، اختلاف نظرهایی میان فقها و مفسران بروز کرده است با این حال، نقطه نظر مورد اتفاق آن، خویشاوندان نسبی است. از این رو ارحام فرد، همه ی نزدیکانی هستند که از ناحیه ی پدر و مادر و هرچه در سلسله ی عمودی خویشان بالاتر و پایین تر جای گیرد، یعنی اجداد، جدات و اولاد و نوه ها به وی منسوب هستند. براین اساس، پدر و مادر و همه ی اجداد و جدات پدری و مادری، فرزندان و نوه ها (پسران و دختران)، برادران و خواهران و فرزندان آنها، عموها و عمه ها و فرزندان آنها، دایی ها و خاله ها و فرزندان آنها و به طور کلی همه ی کسانی که در این پیوند خونی به نوعی به فرد انتساب داشته یا منشا خلق واحدی داشته باشند (اعم از این که جزء محارم باب نکاح باشند یا نه، جزء وراثت شمرده شوند یا نه، دور باشند یا نزدیک) در زمره ی

ارحام او جای می گیرند.

#### ۲.۵ - ۵ - ۳ اقسام رحم در فرهنگ اسلامی

در منابع روایی، همچنین از قشر دیگری با عنوان های خاص و عام نام برده شده که با عموم مومنان، پیوند روحانی و معنوی دارند و به تبع آن، از حقوق اخلاقی ویژه ای بهره مند شده اند. از این رو ارحام هر فرد در فرهنگ اسلامی به دو دسته ی جسمانی و روحانی تقسیم می شوند. ارحام روحانی بر اساس روایات عبارتند از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ائمه ی اطهار علیهم السلام به ویژه امیرالمومنین علی ابن ابی طالب علیه السلام که به عنوان «اب» امت معرفی شده است، علمای ربانی، به عنوان جانشینان و ایفا کنندگان رسالت آنها، مومنان صالح (یا عموم مومنان به عنوان فرزندان روحانی آن حضرت علیه السلام) و کسانی که قرآن از پیوند آنها به اخوت تعبیر کرده (انما المومنون اخوة) و سادات (به عنوان فرزندان جسمانی حضرت علیه السلام همان، ۸).

#### ۲.۵ - ۶ دوری از اسراف و هزینه گردهای زائد

اسراف به معنای افراط و تجاوز از حد در هر کاری است و تبذیر که به معنای پراکندن و بذر افشانی است، به کنایه برای ضایع کردن ثروت به کار رفته می شود. دو عمل یاد شده از نظر عرف و عقل و منطق، نکوهیده و محکومند و از دیدگاه شرع مقدس نیز به شدت مورد نکوهش قرار گرفته اند. مقام معظم رهبری در زمینه عدم اسراف و تبذیر، خطاب اول را متوجه مسئولان دانسته اند و معتقدند که اگر مسئولین کشور به اصلاح الگوی مصرف و دوری از اسراف و تبذیر پای بند باشند، این روحیه و خصلت به سوی مردم نیز سرریز خواهد شد. معظم له می فرماید:

«ما مسئولین باید این را وجهه همت خودمان قرار بدهیم؛ اسراف در آب، نان، مواد غذایی، دارو، وسایل زندگی، وسایل تجمل و آرایش و مانند اینها، بخش مهمی از منابع زنده کشور را هدر می دهد، مصرف خوب و درست، غیر از اسراف کردن و دور ریختن و ریخت و پاش کردن است». (امام خامنه ای، بیانات رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۵)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25795>

## ۲.۵- ۷ رزق معلوم

"رزق" به معنی عطا و بخشش مستمر است، و از آنجا که روزی الهی عطای مستمر او به موجودات است به آن رزق گفته می‌شود. این نکته نیز لازم به تذکر است که مفهوم آن تنها در نیازهای مادی خلاصه نمی‌شود بلکه هر گونه عطای مادی و معنوی را شامل می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۶).

رزق در زندگی از یک منظر مهم ترین مساله و از منظری دیگر ساده ترین مساله می‌باشد و به همین علت است که اگر نگاه خود را نسبت به رزق تصحیح نکنیم ممکن است طلب رزق، تمام زندگی ما را اشغال کند و امری که باید برای هدفی بسیار بزرگ تر در کنار زندگی باشد، هدف زندگی گردد. از این رو برای نجات از چنین مهلکه ای باید با دقت هرچه تمام تر جایگاه رزق را در زندگی و معیشت خود بشناسیم و وظیفه ی خود را نسبت به آن به درستی انجام دهیم. مساله معیشت و تامین مالی در زندگی غرب یکی از دغدغه های اصلی مردم می‌باشد و این مساله در زندگی انسان بسیار موثر واقع شده است و علت آن را می‌توان در دور شدن از مفاهیمی نظیر رزق و عدم فهم واقعی معیشت انسانی دنبال کرد. خداوند در آیه ۶ سوره مبارکه هود می‌فرماید «و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین» هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خداست، او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند همه ی اینها در کتاب آشکاری ثبت است.

همچنین خدا در آیه ۳۱ سوره سراء می‌فرماید: «و لا تقتلوا اولادکم خشية اطلاق نحن نرزقهم و ایاکم ان قتلهم کان خطا کبیرا» و فرزندانتان را از ترس فقر نکشید، ما آنها و شما را روزی می‌دهیم مسلما کشتن آنها گناه بزرگی است.

این آیه بیان می‌کند که توسعه دادن در روزی و تنگ گرفتن آن دست خدا است و هرکسی را

به اقتضای حالات ظاهری و نیات باطنی او روزی داده و وسعت و محدود می کند در نتیجه فرمود که اولاد و بچه های خودتان را از فشار تنگدستی و فقر نکشید و توجه داشته باشید که ما روزی آنها و شما را داده و تامین می کنیم. (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۳، ص ۱۸۶). نوع نگاه اشتباه انسان به مسئله ی رزق، گاه باعث پدیده های مذمومی میگردد که در آموزه های اسلامی به شدت نهی شده اند و در مقابل نگاه صحیح داشتن به مبحث رزق می تواند موجب کاهش چنین آسیب هایی که پیامدهای منفی دنیوی و اخروی دارد، بشود. پیامدهایی نظیر:

۲۰۵ - ۷ - ۱ ربا

ربا در زندگی معنا می دهد که رزاقیت خداوندی را قبول ندارند و تحقق سنن الهی را امری غیرقابل پذیرش می داند یا ایمان کافی به آنها ندارد. به عبارت دیگر در زندگی غربی که این سنن پذیرفته شده نیست زمانی که یک فرد می خواهد پول خود را در اختیار دیگران بگذارد به هیچ عنوان از آیه «من ذالذی یقرض الله قرض حسنا و یضاعف له اضعافا کثیرا» تبعیت نمی کند زیرا اعتقادی ندارد که خداوند چندین برابر پول او را به او باز خواهد گرداند. یا آنکه زمانی که پولی را برای کسب سود به کسی می دهد برای آن که میزانی را برای خود اطمینان ببخشد و امید داشته باشد که عایدی دارد حتما میزان مشخصی نرخ بهره وضع خواهد کرد تا تضمینی برای او باشد و عقد مضاربه و مشارکت در سود و زیان برای او معنا ندارد اما انسانی که از سنن الهی آگاهی دارد و برای او پذیرفته شده است با تمایل زیاد پول خود را به صورت قرض الحسنه در اختیار سائری ن قرار می دهد و خداوند وعده خویش را در خصوص این فرد عملی خواهد کرد. یا زمانی که بخواهد در مضاربه مشارکت کند می داند که اگر سود و عایدی از این معامله رزق و وبه صلاح او باشد، به او می رسد و اگر به صلاح او نباشد احتمال زیان خواهد بود. از این رو در هر دو حالت برای او مساله ای وجود ندارد و به راحتی به چنین عملی دست می زند اما تا زمانی که این برداشت از رزاقیت الهی تصحیح نشود نمی توان انتظار داشت که تضمینی خداوندی را قبول کند بلکه به دنبال یکی تضمین از

طرف بنده و تضمین مادی برای خود خواهد بود.

در آیه ۲۷۵ سوره مبارکه بقره آمده است: «الذین یاکلون الربا لایقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربا و احل الله البیع و حرم الربا فمن جاءه موعظه من ربه فاتتهی فله ما سلف و امره الی الله و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون»

کسانی که ربا می خورند (در قیامت) بر نمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده، این بخاطر آن است که گفتند دادوستد هم مانند ربا است در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام. و گر کسی اندرز الهی به او برسد و خودداری کند، سودهایی که در سابق به دست آورده مال اوست (این حکم گذشته را شامل نمی شود) و کار او به خدا واگذار می شود اما کسانی که بازگردند (وبار دیگر مرتکب این گناه شوند) اهل آتشند و همیشه در آن می مانند.

۲.۵ - ۷ - ۲ اکل مال به باطل

خداوندی در سوره بقره آیه ۱۸۸ می فرماید: «و لاتاکلوا امولکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام لتاکلوا من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون» و اموال یکدیگر را به باطل در میان خود نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، آن را به قضات ندهید (به عنوان رشوه) در حالی که می دانید (این کار گناه است). این آیه اشاره به یک اصل کلی و مهم اسلام می کند که در تمام مسائل اقتصادی حاکم است و به یک معنی می شود تمام ابواب فقه اسلامی را در بخش اقتصاد، زیر پوشش آن قرار داد و به همین دلیل فقهای بزرگ ما در بخش های زیادی از فقه اسلامی به این آیه تمسک می جویند. در این که منظور از باطل در اینجا چیست، تفسیرهای مختلفی ذکر کرده اند، بعضی آن را به معنی اموالی که از روی غصب و غضب و ظلم به دست می آید دانسته اند، بعضی اشاره به اموالی که از طریق قمار و مانند آن فراهم می گردد و بعضی آن را اشاره به اموالی میدانند که از طریق سوگند دروغ به دست می آید ولی ظاهر این است که مفهوم آیه عمومیت دارد و همه ی این مسائل و غیر

اینها را شامل می شود، زیرا باطل که به معنی زایل و از بین رفته است، همه را در بر می گیرد. بنابراین هر گونه تصرف در اموال دیگران از غیر صحیح و به ناحق مشمول این نهی الهی است. تمام معاملاتی که هدف صحیحی را تعقیب نمی کند و پایه و اساس عقلایی ندارد مشمول این آیه است. ذکر این نکته نیز لازم است که تعبیر به "اکل" معنی وسیع و گسترده ای دارد که هرگونه تصرفی را شامل می شود و در واقع این تعبیر کنایه ای است از انواع تصرفات و اکل یک مصداق روشن آن است. (مکارم شیرازی، ۱۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵ - ۳). همین معنی در سوره نسا آیه ۲۹ خطاب به مومنان آمده است که خداوند می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجارة عن تراض منکم و لاتقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیما» ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به باطل نخورید مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید، خداوند نسبت به شما مهربان است. این آیه بیان می کند که اموال یکدیگر را از طرق نابجا و غلط و باطل نخورید یعنی هرگونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و بدون یک مجوز منطقی و عقلانی بوده باشد ممنوع شناخته شده. بنابراین هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حدود آن کاملاً نامشخص باشد، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلایی در آن نباشد، خرید و فروش وسایل فساد و گناه، همه در تحت این قانون کلی قرار دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۵۴ و ۳۵۵).

#### ۲.۵ - ۷ - ۳ کم فروشی

خداوند در سوره مطففین آیات ۱ تا ۳ می فرماید: «ویل للمطففین\* الذین اذا اکتالوا علی الناس یستوفون\* و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون» وای بر کم فروشان، آنان که وقتی برای خود پیمانانه می کنند حق خود را به طور کامل می گیرند، ما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانانه یا وزن کنند، کم می گذارند.

در این آیات قبل از هرچیز کم فروشان را مورد تهدید شدیدی قرار داده، می فرماید: وای بر کم فروشان. در این حقیقت اعلان جنگی است از ناحیه خداوند به این افراد ظالم و ستمگر که

حق مردم را به طرز ناجوانمردانه ای پایمال می کنند. "ویل" در اینجا به معنی شر یا غم و اندوه یا هلاکت یا عذاب دردناک و یا وادی سخت و سوزانی در دوزخ است و معمولاً این واژه به هنگام نفرین و بیان زشتی چیزی به کار می رود. قابل توجه این که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «ولم يجعل الویل لاحد حتی یسمیه کافراً» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۵۳۷). خداوند ویل را درباره هیچ کس در قرآن قرار نداده مگر این که او را کافر نام نهاده است. از این روایت استفاده می شود که کم فروشی بوی کفر میدهد. کلمه "تطفیف" به معنای نقص در کیل و وزن است و بعید نیست با استفاده از الغای خصوصیت، کم گذاشتن در خدمات را نیز فراگیرد، فی المثل اگر کارگر و کارمندی چیزی از وقت خود بدزد در ردیف کم فروشان قرار گیرد. بعضی برای آیه توسعه بیشتری قائل هستند و هرگونه تجاوز از حدود الهی و کم و کسر گذاشتن در روابط اجتماعی و اخلاقی را مشمول آن می دانند، گرچه استفاده این معنی از الفاظ آیه روشن نیست، ولی تناسب هم نمی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۱۴۷ - ۱۴۴). بنابراین معنای آیه این است که کم فروشان وقتی از مردم، کالایی می گیرند حق خود را به تمام و کمال دریافت می کنند، ولی وقتی می خواهند کالایی به مردم بدهند به کیل یا وزن ناقص می دهند و مردم را به خسران و ضرر می اندازند. پس مضمون مجموع آیات یک مذمت است و آن این است که مطففین حق را برای خود رعایت می کنند، ولی برای دیگران رعایت نمی کنند. به عبارتی دیگر حق را برای دیگران آنطور که برای خود رعایت می کنند رعایت نمی نمایند و این خود باعث تباهی اجتماع انسانی است که اساس آن بر تعادل حقوق متقابل است و اگر این تعادل از بین برود و فاسد شود همه چیز فاسد می شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۸۷ - ۳۸۰).

رسالت انقلاب اسلامی در شکل دهی سبک زندگی اسلامی

انقلاب اسلامی حاوی نگرشی نو به جهان بود و دریچه ی تازه ای به سوی انسان عصر مدرنیته گشود تا وی بتواند از دیوارهای بلند انحصار و خودبینی و تک بعدی نگری رها شده و در بستری تازه و از دیدگاهی متفاوت به خود، هستی و خدا بنگرد. از دیدگاه ما اصلی ترین



ثمره ی این تفاوت دیدگاه، در شیوه ی زیست این دو نگاه ظاهر می شود. مدرنیته در پی بنیاد کردن زندگی بر اساس دنیا و منافع دنیوی است و انقلاب اسلامی در پی احیای زندگی چند بعدی با تجمیع دنیا و آخرت. در واقع می توان مدعی شد اگر انقلاب اسلامی شیوه ی زیست متفاوتی با دنیای مدرنیته عرضه نکند، تفاوت مهمی با غرب نخواهد داشت. به عبارت دیگر پارادایم متفاوت انقلاب اسلامی در حکومت، باید به پارادایم متفاوتی در سبک زندگی منجر شود (یعقوبی، ۲۰، ۱۳۹۴).

### نتیجه گیری

در نوشتار حاضر به علت گستردگی بحث تلاش شد بخشی از شاخصه های سبک زندگی اسلامی، به تفکیک شاخصه های فردی و اجتماعی تبیین گردد. و مباحثین ظیر تقوا و خدامحوری، تفکر، صبر و خویشنداری، سلامت بدن، کنترل خشم و... مختصرابیان شد.

دانستیم «سبک زندگی اسلامی» و «سیره» به یک معنا هستند اما مسئله مهم در جامعه ما این نیست که سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام چگونه بوده است، تا به سیره ی پیشوایان ارجاع داده شویم، بلکه مسئله مهم این است که جامعه ی ما چگونه می تواند سبک زندگی اهل بیتی داشته باشد. پیش از هر چیز نیاز داریم که اولاً، به لحاظ نظری و بنیادی، این باور را در خود و جامعه مان ایجاد کنیم که «سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام جامعیت دارد.»، ثانیاً به لحاظ راهبردی، تلاش ها را در این راستا قرار دهیم که سبک زندگی اهل بیتی را «دارا» شویم و به «دانا» شدن اکتفا نکنیم، چراکه تفاوت بین این دو بسیار زیاد است. دانا بودن به سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام شاید چندان مشکل نباشد ولی پژوهش هایمان باید با هدف دارا شدن سبک زندگی اهل بیتی باشد.

از جمله وظایف اندیشمندان در جامعه ی دینی به ویژه در عصر جدید، طرح و تبیین نظری الگوهای زندگی است، به این معنا که باید درباره ی چگونگی تربیت کودکان و نوجوانان، شیوه ی شهرسازی و معماری، مناسبات خانوادگی، اجتماعی و سازمانی، ویژگی های فردی

و جمعی و دیگر ساحت های زندگی بیندیشند، وضع موجود را آسیب شناسی کنند و الگوهای درست زندگی را که مبتنی بر آموزه های اسلامی است برای جامعه طرح کنند. مطمئناً صرف مطالعه یک رفتار و دستیابی به منبعی که رفتار را مشخص می کند کافی نیست. نیاز است متخصصان رشته های مختلف به مطالعه تخصصی این مباحث بپردازند و برای اجرایی نمودن آن نظام سازی نمایند. در این «اجرایی کردن» است که نقش بانک، بیمه، رقابت و... در حوزه اقتصاد و پای حوزه و دانشگاه و آموزش و پرورش و علوم انسانی و... در حیطه های معرفتی و نقش صدها مفهوم دیگر در حیطه های فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، دفاعی و... مطرح می شود و باید همه ی آنها را یکپارچه و نظام مند ببینیم.

با الهام از سیره و روش اهل بیت علیهم السلام در می یابیم که سبک زندگی، به تدریج نابود می شود یا به دست می آید؛ یعنی به سادگی نمی توان سبک زندگی مردم را تغییر داد، زیرا سبک زندگی یک لایه از هویت فردی و اجتماعی است که به سادگی و با یک بخشنامه و آیین نامه تغییر نمی کند، بلکه باید به طور بنیادی و با حوصله و آرامش به آن پرداخت. اجرای سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام به صورت همه جانبه در زندگی فردی و اجتماعی نیاز به برنامه ریزی درازمدت و اجرای تدریجی و مستمر دارد. وقتی سخن از تدریج می گوئیم منظور این نیست که باید مسامحه کنیم بلکه منظور این است که «تدریج» در ماهیت تغییرات و اصلاحات اجتماعی حضور دارد. در واقع با وجود نهایت تلاش، دقیق ترین تدبیرها و تنظیم برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت کافی، باز هم نتایج به تدریج حاصل خواهند شد. بنابراین نباید انتظار تغییرات ناگهانی و بسیار آشکار را داشته باشیم. امامیتوانیم با شاخصه هایی که مولفه ها و زیرمجموعه های بیشتری با تاثیرگزارتری دارند شروع کنیم تا با اصلاح آنها، بصورت سیستمی معضلات دیگری رانیز حل کرد.



## منابع

- اباذری، یوسف و چاوشیان، حسن، ۱۳۸۱، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، (رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناسی هویت اجتماعی)، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
- آذرشب، معصومه و میرمادی، عیسی، (۱۳۹۳)، شاخصه های سبک زندگی اسلامی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه در هزاره وم دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول.
- آرمند، محمد علی ورسولی نژاد، سیدپویا، ۱۳۹۴، بررسی رابطه ی سبک زندگی اسلامی با نشاط اجتماعی و رضایت از زندگی شهر یزد، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت.
- تحریری، محمدباقر، ۱۳۹۷، اخلاق بندگی، قم، نشرهاجر.
- پهلوانی، احمد، ۱۳۹۴، سجاده خورشید ۳، مجموعه مقالات منتخب چهارمین کنگره بین المللی امام سجادعلیه السلام، قم، اتقان.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، ۱۳۶۶، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، تفسیر تسنیم، چ دوم، قم، اسراء.
- چانی، دیوید، ۱۳۷۸، سبک زندگی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، مفردات الفاظ قرآن، لبنان، سوریه، دارالعلم و دارالشامیه.
- رجب نژاد، محمدرضا و دیگران، (۱۳۹۲)، بررسی سبک زندگی اسلامی از منظر حیات طیبه در قرآن (سبک زندگی با محوریت سلامت)، سال اول، شماره ۱.
- شرف الدین، سیدحسین، ۱۳۹۴، جایگاه صله رحم در سبک زندگی دینی، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش نامه اخلاق، سال هشتم، شماره ۲۷.

- شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۱)، سبک زندگی به عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره ۳.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۶۳، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ظهیری، سید جید، ۱۳۹۳، روش شناخت سبک زندگی اسلامی، پژوهش های اجتماعی اسلامی، سال نوزدهم، شماره سوم.
- لک زایی، نجف (۱۳۹۲)، راه گذر و عبور از غرب، بازگشت به مکتب اهل بیت علیهم السلام است.»، ویژه نامه سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام، ش ۱، قم، مجمع جهانی اهل بیت.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ق، بحار الانوار، بیروت، موسسه الرساله.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، حکمتها و اندرزها، چاپ ۲۷، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارکتب الاسلامیه.
- مهدوی کنی، محمد سعید، (۱۳۸۷)، دین و سبک زندگی؛ تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- مهدوی کنی، محمد سعید، مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، بهار ۱۳۸۷، تحقیقات فرهنگی، ش ۱.
- نیازی، محسن و کارکنان نصرآبادی، محمد، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه دینداری و سبک زندگی شهروندان (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۴.
- یعقوبی، جواد و سلطانی، عباسعلی، ۱۳۹۴، آسیب شناسی سبک زندگی ایرانیان و طراحی الگوی زندگی بهشتی، پژوهش های اجتماعی اسلامی، سال ۲۱، شماره ۴.



## فصل دوم

---

بایسته های سبک زندگی اسلامی

---

---

## بررسی شاخصه های سبک زندگی مسئولان حکومت اسلامی در نامه های نهج البلاغه و بیانیه گام دوم

---

محمد رضا ضیایی<sup>۱</sup>

چکیده

سبک زندگی یکی از مهمترین جلوه های زندگی انسان به حساب می آید که تأثیر مستقیم در پیشرفت یا عقب ماندگی ملت ها دارد. به ویژه سبک زندگی مسئولان در حکومت اسلامی بالاترین تأثیر را در ساخت و تکامل جامعه دارد. امام علی علیه السلام به عنوان حاکم اسلامی، در نامه هایی که نگاشته اند و در نهج البلاغه درج گردیده است، به سبک زندگی مسئولان حکومتی توجه داشته است. چنانکه مقام معظم رهبری در سال های اخیر اهمیت و جایگاه سبک زندگی را در تجدید بنای تمدن نوین اسلامی به طور مکرر متذکر شده و بند هفتم بیانیه گام دوم انقلاب را به آن اختصاص داده است. براین اساس، این نوشتار که از نوع تحلیلی و توصیفی است، با بهره گیری از روش کیفی، به این پرسش پاسخ داده است که سبک زندگی مسئولان حکومت اسلامی در پرتو نامه های امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب چگونه است؟ با بررسی نامه های امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و بایسته های روش تاریخ و حدیث پژوهی در می یابیم که در نامه های آن حضرت سبک

---

۱. دکترای تاریخ اسلام و پژوهشگر پژوهشگاه بین المللی المصطفی، @yahoo.com۱۹rezaziae



زندگی مسئولان تبلور یافته است. مقام معظم رهبری نیز در بیانیه گام دوم انقلاب به سبک زندگی و تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی اشاره کرده است. خدامحوری، معادمحوری، رعایت انصاف، صداقت و راستی محوری، ساده زیستی، اعتدال و میانه روی، خواب و خوراک از جمله مواردی است که امام علی علیه السلام به عنوان سبک زندگی مسئولان در نامه های خویش به آن اشاره کرده است.

واژگان کلیدی: نامه های امام علی، نهج البلاغه، سبک زندگی، بیانیه گام دوم انقلاب و مقام معظم رهبری.

## مقدمه

جریان زندگی بشر همواره با فراز و فرودها و تحولاتی همراه بوده است که سبک زندگی او را رقم زده است. امروزه دنیای غرب چنانکه مقام معظم رهبری > در بیانیه گام دوم بند هفتم اشاره فرموده است: تلاش می‌کنند سبک زندگی غربی را در جوامع اسلامی، مخصوصاً جمهوری اسلامی ایران پیاده کنند که این مهم مع‌الأسف باعث تغییراتی در سبک زندگی مردم و مسئولان جامعه اسلامی شده است. در حکومت اسلامی، سبک زندگی مسئولان نیز باید بر معیارهای روشن اسلامی باشد تا بتواند به عنوان الگو در جامعه خدمت کند، و مردم نیز رفتار و سبک زندگی خویش را بر اساس سبک زندگی مسئولان، به عنوان الگوهای جامعه تنظیم نمایند. چنانکه بر اساس حدیثی که از معصومین 7 وارد شده است: «التَّائِسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ۲۰۸). مردم را به حاکمان نسبت به پدرانشان شبیه‌تر می‌دانند. براین اساس، مسئله این است که سبک زندگی مسئولان حکومت اسلامی در نامه‌های امام علی 7 در نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب چگونه است؟

تشکیل حکومت اسلامی ایران توسط امام خمینی 1، جلوه و نمودی از نهضت و حکومت پیامبر 9 است (خمینی، ۱۳۸۹ش، ۱۲، ۱۳۶)، که با تکیه بر کتاب و سنت ایجاد شده، و توسط مقام معظم رهبری > ادامه دارد؛ که این خود از نقاط عطف تاریخ اسلام به حساب می‌آید. مقام معظم رهبری > به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی بیانیه‌ای صادر کردند که بند هفتم آن را به سبک زندگی اختصاص داده است. چنانکه امام علی 7 به عنوان حاکم و الگوی جامعه اسلامی، نامه‌های فراوانی فرستاده است و در این نامه‌ها به سبک زندگی مسئولان حکومت اسلامی اشاره کرده است. مقام معظم رهبری > نیز با تأسی به سیره عملی امام علی 7 در بیانیه گام دوم انقلاب به سبک زندگی پرداخته است.

علی‌رغم انعکاس سبک زندگی اسلامی در برخی کتاب‌ها و مقالات می‌توان گفت سبک زندگی دامنه وسیع و گسترده دارد که شامل سبک زندگی همه مردم از منظر آیات، روایات و

سیره عملی اهل بیت: می شود و می توان از این حیث سبک زندگی را مورد بحث و بررسی قرار داد. طبعاً کارهای علمی و تحقیقات فراوانی نیز در این زمینه انجام شده است. در این پژوهش تلاش بر این است که سبک زندگی مسئولان حکومت اسلامی در پرتو نامه های امام علی 7 در نهج البلاغه و بیانیه گام دوم انقلاب، به ویژه بند هفتم آن، مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. هرچند مقام معظم رهبری > در این بیانیه به تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در جامعه اسلامی و جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده و به جزئیات سبک زندگی نپرداخته و آن را به فرصت دیگر واگذار کرده است. بدین جهت، در این پژوهش از سایر مکتوبات و بیانات ایشان نیز بهره گرفته شده است.

#### مفاهیم

با توجه به نقش و جایگاه مفهوم شناسی در پژوهش های علمی و اهمیت شناخت معنای برخی واژگان در تبیین موضوع بحث، ضرورت دارد ابتدا واژه ها، کلمات و مفاهیم کلیدی مورد استفاده در این پژوهش، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

#### الف) سبک زندگی

واژه سبک تعدد معنایی فراوان دارد، از شایع ترین معنای این واژه «نوع»، «روش»، «شکل دادن یا طراحی چیزی مانند موی سر یا شیء مانند اسباب و وسایل، به خصوص آن چنانکه در نظر جالب و جذاب جلوه کند» و «شیوه و روش انجام چیزی» است (مهدوی کنی، ۱۳۹۰ ش، ۴۷). کلمه زندگی نیز به حالت موجود زنده که با رشد و نمو و پاسخ به محرک ها مشخص می شود اطلاق می گردد (انوری، ۱۳۸۱ ش، ۵، ۳۸۸۹)، و تمام ابعاد زندگی از مسائل ریز و درشت را دربر می گیرد (کاویانی، ۱۳۹۳ ش، ۲۰). این تعریف شامل زندگی حیوانات نیز می شود. به نظر می رسد زندگی نوعی خاص از حرکت و تکاپو است که همراه با هدف مندی، اندیشه ورزی، انتخاب آگاهانه، آزادانه و غایت گرا باشد (فلاح رفیعی، ۱۳۹۶ ش، ۱۷). اما، سبک زندگی به بُعد عینی و کمیت پذیر شخصیت افراد اطلاق می شود (کاویانی، ۱۳۹۲ ش،

۱۶). سبک زندگی از منظر اسلام از دو بعد ذهنی شامل بینش‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، اهداف، آرمان‌ها و جهت‌گیری‌های ذهنی افراد؛ و بعد عینی مانند رفتارهای الگومند که به اقتضای دنیای درونی افراد صورت می‌گیرد، اطلاق می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴ ش، ۲۴۷ - ۲۴۸). یکی از محققانی که دیدگاه مقام معظم رهبری > را درباره مقوله سبک زندگی بررسی کرده است، معتقد است که سبک زندگی اسلامی از منظر ایشان «حیات طیبه اسلامی» نام دارد (احمدی، ۱۳۹۳ ش، ۷۶). مقام معظم رهبری در جایی دیگر فرموده است: «در معارف اسلامی اصطلاح عقل معاش در مفهوم جامع خود، مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی است و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجمع علمای اهل تسنن و تشیع افغانستان، ۲۳ / ۷ / ۱۳۷۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=11167>). بنابراین، سبک زندگی اسلامی عبارت است از زندگی با محوریت اسلام که مقام معظم رهبری > از آن به حیات طیبه اسلامی یاد کرده است.

#### ب) حکومت اسلامی

با تتبعی که محققان انجام داده است حکومت اسلامی (دولت اسلامی)؛ عبارت است از «حکومتی که در عرصه سیاست و اداره جامعه، مرجعیت همه جانبه اسلام را پذیرفته و بر پایه مبانی و موازین مستفاد از فقه سیاسی تشکیل و حکمرانی و زمام امور به دست فقیه باشد» (درگاهی، ۱۳۹۹ ش، ۱۰۱ - ۱۰۲).

شاخص‌ها و مؤلفه‌های سبک زندگی مسئولان در نامه‌های امام علی 7 و بیانیه گام دوم انقلاب

با توجه به نامه‌های امام علی 7 به عنوان حاکم اسلامی و الگوی مسلمانان، مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی برای سبک زندگی مسئولان حکومت اسلامی وجود دارد که در نامه‌های امام علی 7 در نهج البلاغه منعکس شده است. چنانکه در بیانیه گام دوم انقلاب نیز هرچند به صورت اجمال بدین مهم اشاره گردیده است.

## الف) خدامحوری

از اساسی ترین و بنیادی ترین سبک زندگی مسئولان حکومت اسلامی در نامه های امام علی 7 خدامحوری و باور به حاکمیت خداوند در جهان است. خداوند به عنوان خالق و آفریننده همه کاینات، در همه ابعاد زندگی از جمله روش تعامل و مواجهه با امور گوناگون نقشی مهم دارد. خدامحوری در زندگی به همه لحظات عمر بشر معنا می بخشد، و همه ی زوایای سبک زندگی را تبیین و تعیین می کند و به حرکات و سکنات انسان نظم می بخشد. خدامحوری در زندگی همه افراد بشر جایگاهی رفیع دارد، ولی برای مسئولان به خاطر مسئولیت و قدرتی که دارند، اگر زندگی خدامحورانه نداشته باشند، به دام هوای نفس خواهند افتاد. امام علی 7 به عنوان حاکم اسلامی در نامه ای به معاویه چنین نگاشته است: «پس از خدای بترس. در آنچه به تو ارزانی داشته... زیرا اطاعت و فرمانبرداری از خدا را نشانه هایی آشکار است، و راههایی روشن و جاده هایی راست و دور از کژی و نهایتی مطلوب همگان» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۳۰).

امام 7 در این نامه خدامحوری و اطاعت از خدا را راه روشن و نشانه آشکار معرفی کرده است. کسی که سبک زندگی اش خدامحوری باشد و خدا در همه زوایای زندگی اش حضور داشته باشد طبعاً از کژی و انحراف به دور خواهد بود.

مقام معظم رهبری > نیز در بیانیه گام دوم انقلاب به سبک زندگی خدامحورانه مسئولان اشاره کرده است. ایشان وقتی بحث مبارزه با فساد را مطرح می کند، می فرماید: «(مسئولان) از خداوند در این باره کمک بخواهند» (خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بند چهارم). یعنی مسئولان در کارهایی که انجام می دهند همواره خدا را در نظر بگیرند و با ایمان و اتکاء به خداوند متعال تلاش کنند تا مسئولیت هایشان را به سرانجام برسانند.

مقام معظم رهبری > به مسئله خدامحوری همواره توجهی خاص دارد، چنانکه در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، به این مهم تصریح کرده و معتقدند که نخستین مسئله ای که باید مورد توجه باشد مسئله ی مبدأ و توحید است (امام خامنه ای، بیانات در نخستین

نشست اندیشه های راهبردی، ۱۰ / ۹ / [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10664)  
content?id=10664). سپس به آیه ۱۵۶ سوره بقره آیه «اَنَا اللَّهُ وَاَنَا إِلِيهِ رَاجِعُونَ» استناد کرده است. ایشان معتقد است اعتقاد صوری و ظاهری کافی نیست، بلکه باید به اعتقاد به خدا ملزم باشد (همان). چنانکه در بیانیه گام دوم انقلاب وقتی در مورد تقابل دوگانه جدید اسلام و استکبار، سخن می‌گوید، ایمان مردم ایران به خدا و شخصیت آسمانی و الهی حضرت امام ۱ را عامل موفقیت جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کند که اشاره به سبک زندگی خدامحورانه دارد.

بنابراین، خدامحوری از شاخصه‌های مهم سبک زندگی به حساب می‌آید که در نامه‌های امام علی ۷ منعکس شده است و مقام معظم رهبری > هر چند در بیانیه گام دوم انقلاب، به صورت کلی به سبک زندگی خدامحورانه اشاره کرده است. البته در موارد دیگر به طور مفصل به سبک زندگی اسلامی از جمله خدامحوری پرداخته است.

#### ب) معادمحوری

یکی از اموری که بیشترین و مهم‌ترین نقش را در سبک زندگی اسلامی دارد، و رفتارهای فردی را تعیین و روابط اجتماعی را تنظیم می‌کند؛ باور و اعتقاد به معاد و قیامت است. معادباوری در بسیاری از ابعاد زندگی انسان، به ویژه سبک زندگی بشر نقشی بس مهم دارد. چنانکه ممکن است عامل کنترل بسیاری از انسان‌ها، تنها معادباوری و اعتقاد به ثواب و عقاب اخروی باشد. اگر مسئولین به معاد و قیامت باور و اعتقادی نداشته باشند، به راحتی می‌تواند به مفساد اقتصادی، رشوه و رانتخواری دست بزنند. ولی سبک زندگی معادمحورانه مانع فساد و روی آوردن به هواهای نفسانی خواهد شد.

معادمحوری و باور به جهانی دیگر، نقشی اساسی در جلوگیری انسان از انحرافات اخلاقی و انواع فسادها دارد، و می‌تواند در تعیین سبک زندگی و روش زیست سالم در حوزه فردی و اجتماعی اثرگذار باشد. چنانکه امام علی ۷ در نامه‌ای به فرزندش امام حسن ۷ به این مهم تصریح کرده است:

«و بدان ای پسر، که تو را برای آخرت آفریده اند، نه برای دنیا. برای فنا آفریده اند، نه برای بقا؛ و برای مرگ آفریده اند، نه برای زندگی در سرای هستی ناپایدار که باید از آن رخت بریندی، و تنها روزی چند در آن خواهی زیست. راه تو راه آخرت است» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۳۱).

سبک زندگی معادمحورانه، باعث معنابخشی به زندگی انسان می شود. اعتقاد و باور به معاد همه زوایای زندگی بشر را در بر می گیرد، براین اساس، تلاش می کند در زندگی خویش از بسیاری از لغزش ها جلوگیری نماید. این مهم در زندگی مسئولان نمود بیشتری می یابد؛ چراکه ممکن است برای آنها از جهات مختلف، استفاده سوء از مسئولیت، برایشان فراهم باشند؛ و اینجاست که سبک زندگی معادمحورانه از اهمیتی خاص برخوردار خواهد بود. در کل هرگاه سبک زندگی معادمحورانه در جامعه ای به وجود آید، زندگی انسان ها چهره جدیدی به خود می گیرد، و باعث دوری از گناه و تجاوز به حق الله و حق الناس می شود.

مقام معظم رهبری > هرچند در بیانیه گام دوم انقلاب، به سبک زندگی معادمحورانه تصریح نکرده اند، ولی به مقابله با سبک زندگی غربی اشاره کرده که یکی از راه های مقابله با آن، ترویج سبک زندگی معادمحورانه، به ویژه برای مسئولان حکومت اسلامی است؛ زیرا وقتی مسئولان به معاد باور و اعتقاد داشته باشند، و آن را در زندگی خویش به عنوان مسئول پیاده کنند، بسیاری از تلاش های غرب در ترویج سبک زندگی غربی نقش بر آب خواهد شد. ایشان در بیانات و سخنرانی های خویش همه مردم به ویژه مسئولان را به یاد معاد سفارش نموده است. چنانکه فرمود: «ما نباید قیامت را فراموش کنیم؛ قیامت واقعه عظیمی است. ما باید همیشه یاد قیامت را در ذهن خود داشته باشیم و از قیامت بترسیم» (امام خامنه ای، سی روز سی گفتار، ۱۳۹۰/۶/۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17080>).

ایشان یاد قیامت و محاسبه الهی را مسیر درست و سودآور برای جامعه و کشور معرفی کرده است (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳ / ۸ / ۶).

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3256>. ایشان معتقد است که باور به معاد و سبک زندگی معادمحوری در پیشرفت یک جامعه معنا پیدا کند (امام خامنه ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، ۱۰ / ۹ / ۱۳۸۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10664>). بنابراین، باور به معاد و سبک زندگی معادمحورانه، چنانکه در نامه های امام علی ۷ منعکس شده است و مقام معظم رهبری > نیز به اهمیت داده است، معنابخشی حیات انسان است که باعث نظم در زندگی و تلاش او برای دنیای دیگر می گردد.

### ج) رعایت انصاف

انصاف ورزی یکی از ارکان زندگی اجتماعی به حساب می آید که ریشه در فطرت انسان دارد. انصاف این است که فرد در مواجهه با دیگران، ظرفیت ها و شرایط مختلف جسمی و روحی آنان را در نظر گرفته، و به همان میزان و باتوجه به شرایط آنان توقع و خواسته از آنها داشته باشد. مثلاً کسی که توان حمل ۵۰ کیلو را دارد از انصاف به دور است که از او انتظار حمل ۶۰ کیلو را داشته باشیم. انصاف از اموری است که انسان در جامعه فراوان با آن مواجه می شود، و رعایت آن تأثیر زیادی در روابط اجتماعی و خانوادگی دارد. یک مسئول منصف در حکومت اسلامی، به خاطر وضع مالیات سنگین بر مردم، آنان را تحت فشار اقتصادی قرار نمی دهد. چنانکه امام علی ۷ در یکی از نامه خود به یکی از کارگزاران جمع آوری مالیات فرمود: «فَأَنْصِفُوا النَّاسَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ...». در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید (نهج البلاغه)، ترجمه دشتی، نامه (۵). در اینجا مخاطب حضرت، کارگزاران امور و خزانه داران بیت المال هستند، از این رو به انتظارات به جا از مردم، و نیز موقعیت ممتاز کارگزاران اشاره می کند؛ سپس به مصادیق انصاف در زمینه دریافت مالیات که هرچند ممکن است حق باشد، ولی دور از انصاف است اشاره کرده و توصیه به نگرفتن می کند: «برای گرفتن خراج مردمان، لباس زمستانی و تابستانی ایشان را بفروشید؛ و نه چارپایی را که با آن کار می کنند؛



و نه بنده‌ای را که در اختیار دارند؛ و برای درهمی کسی را تازیانه مزینید؛ و به مال هیچ يك از مردم - چه مسلمان، چه اقلیت - دست مبرید، مگر اینکه اسب یا سلاحی باشد که در جنگ با مسلمانان به کار می‌رود» (همان).

از منظر امام علی 7 انصاف بر پایه‌ای از اهمیت است که ترک آن چه بسا منجر به ستم می‌شود. ایشان در نامه‌ای به مالک اشتر چنین می‌فرماید: «ای مالک! در برابر خدا (و انجام تکلیف‌های خدایی) و در برابر مردم، انسانی با انصاف باش، و نزدیکترین کسانت و دوستان محبوبت را به انصاف داشتن وادار، زیرا اگر انصاف را (نسبت به همه و درباره همه) رعایت نکنی، (به بندگان خدا) ظلم کرده‌ای؛ و هر کس به بندگان خدا ظلم کند، خداوند - از جانب بندگان مظلوم خود - با او طرف خواهد شد؛ و هر کس خدا با او طرف شود (و او را به محاکمه کشد)، هر دلیلی بیاورد بی‌اثر خواهد بود؛ و چنین کسی (که به بندگان خدا ظلم کند)، در حال جنگ (محارب) با خدا خواهد بود، تا آن هنگام که دست از ظلم کردن بکشد و به درگاه خدا توبه کند» (نهج ابلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۵۳). بنابراین، رعایت انصاف صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه امری مهمتر از آن است که اگر کسی رعایت نکند، مرتکب ظلم می‌شود. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، به موضوع سبک زندگی اشاره نموده، و به مقابله با ترویج سبک زندگی غربی تصریح کرده است. بدون شک یکی از راه‌های مقابله با ترویج سبک زندگی غربی، رعایت انصاف مسئولان در برابر خدا، مردم و دیگر مسئولان است. هرچند ایشان در این بیانیه به جزئیات سبک زندگی نپرداخته‌اند، ولی به خاطر اهمیت موضوع و نبود فرصت برای تبیین، آن را در مجال دیگر موکول کرده است. ایشان بارها به این مهم را گوشزد نموده است. ایشان در جایی فرموده‌اند: انصاف را باید رعایت کرد؛ انصاف در مقابل آن دوستی که در مجلس همکار شما است، انصاف در مقابل آن کسی که بیرون مجلس است، انصاف در مقابل دولت، انصاف در مقابل قوه قضائیه، انصاف را باید رعایت کنید (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲ / ۳ / ۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22728>).

ایشان معتقد است انسان در قبال مردم و خدا (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹ / ۹ / ۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>) حتی در برابر دشمن نیز باید انصاف را رعایت نماید و از بی انصافی بپرهیزد (امام خامنه ای، درس گفتار قرآن کریم روز ششم، انصاف و اعتدال، شرط تقوا، ۱۳۹۱ / ۵ / ۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20544>). بنابراین، مقام معظم رهبری > با توجه به اهمیت رعایت انصاف که در نامه‌های امام علی 7 بیان شده است، مسئولان کشور و مسلمانان را به رعایت انصاف دعوت کرده است.

#### ۴. قاعده زرین (آنچه برای خود نمی‌پسندیم برای دیگران نپسندید)

در ادیان گذشته اعم از ادیان توحیدی مانند مسیحیت، و غیرتوحیدی مانند بودیسم، قاعده ای وجود داشت که از آن به اخلاق زرین تعبیر می‌شود. این قاعده می‌گوید: «هرچیزی که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران نیز نپسند، و هرچه را که برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند». به نظر می‌رسد این قاعده برگرفته از قاعده عقلی و قاعده فطری و وجدانی باشد. چون ملاک و معیار در این قاعده خود شخص است که به آن خودمعیاری نیز گفته می‌شود. این قاعده، بخشی مهم از سبک زندگی، بویژه زندگی اجتماعی انسان را به خود اختصاص می‌دهد. مسئولان حکومت اسلامی نباید برای خود بیش از دیگران امتیاز قائل باشند. نباید فرزندان را به بهترین مدرسه شهر بفرستند، درحالی‌که دیگران این توان را ندارند. این قاعده به انسان می‌آموزد که انسان در جایگاه‌های مختلف و در مواجهه با حوادث اجتماعی، با هموعان خویش چگونه رفتار نماید؟ اگر این قاعده در سبک زندگی به ویژه سبک زندگی مسئولان نهاده گردد، حاضر نخواهند شد خود در رفاه باشند، درحالی‌که مردم در مشقت و گرفتاری زندگی کنند، یا فرزندان خود را به مدرسه‌ای بفرستند که دارای امکانات فراوان است، در حالی‌که فرزندان مردم عادی در مدرسه‌ای بدون امکانات یا امکانات کمتر تحصیل کنند.

امام علی 7 در نامه‌ای به فرزندش امام حسن 7 این معیار فراگیر و در عین حال ساده و علمی

را در سبک زندگی تبیین کرده است. امام 7 فرموده است:

«يَا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ؛ فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا»، ای فرزند، خود را در آنچه میان تو و دیگران است، ترازویی پندار. پس برای دیگران دوست بدار آنچه برای خود دوست می داری، و برای دیگران مخواه آنچه برای خود نمی خواهی» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۳۱).

امام 7 صرف به بیان این قاعده اکتفا نکرده اند، بلکه به چند مصداق مهم و کلی این قاعده هم اشاره کرده است که می توان گفت این مصادیق به سه دسته قابل تقسیم است:

#### الف) مصادیق فعلی و عملی

محور اول این قاعده، فعل و عمل انسان است. انسان همان طور که در عمل دوست ندارد مورد ظلم واقع شود، ظلم به دیگران را نیز نباید تأیید کند. امام علی 7 فرمود:

«وَلَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ، وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ»، و به کسی ستم مکن، همان گونه که نخواهی که بر تو ستم کنند، به دیگران نیکی کن، همان گونه که خواهی که به تو نیکی کنند» (همان).

نکته مهم در این جمله امام 7 تقدم ظلم نکردن بر نیکی است. گویا منظور امام 7 این است که به دیگران ظلم نکن، هرچند که نیکی هم نکردی. چنانکه ضرب المثل فارسی می گوید:

«مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان».

#### ب) مصادیق درونی و نفسانی

همانطور که انسان برخی صفات رذیله را برای دیگران بد می داند، برای خود نیز بد بداند. امام علی 7 می فرماید:

«وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ، وَ اِرْضَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ»، آنچه از دیگران زشت می داری از خود نیز زشت بدار. آنچه از مردم به تو می رسد و خشنودت می سازد، سزاوار است که از تو نیز به مردم همان رسد» (همان).

در زندگی اجتماعی انسان مصادیق زشتی و رضایت می تواند فراوان باشد به گونه ای که تمام

زویای زندگی افراد دربرگیرد. به عنوان نمونه، چنانچه فردی صفت‌هایی مانند خساست، بخل، حسادت، تکبر و غرور را برای دیگران بد می‌داند، همین صفات زشت را برای خود نیز بد بداند.

### ج) مصادیق زبانی

زبان یکی از نعمت‌های خداوند متعال است که در ارتباط با دیگران از جایگاهی خاص برخوردار است، کنترل و عدم کنترل زبان در تعاملات اجتماعی افراد نقش مؤثر دارد و روابط انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین جهت امام علی 7 قاعده اخلاق زرّین را که یک قاعده عقلی و تقریباً جهان‌شمول است معیار قرار داده و می‌فرماید: «وَلَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ»؛ و آنچه نمی‌پسندی که به تو گویند، تو نیز بر زبان میاور» (همان).

امام 7 در این جمله نکته‌ای بسیار مهم در سبک زندگی را گوشزد نموده است؛ انسان همان گونه که دوست ندارد مردم از او غیبت کنند یا تهمت زنند یا با القاب زشت و ناپسند او را یاد کنند یا سخنان دیگری که اسباب آزرده‌گی خاطرش شود نگویند، خود نیز نباید غیبت دیگران کند و به کسی تهمت زند و کسی را با القاب زشت یاد کند، با سخنان نیش‌دار خاطر دیگران را آزرده کند. اگر مردم از چنین سبکی در زندگی پیروی کنند، خیلی از مشکلات حل خواهد شد.

پیاده شدن این اصل مهم اخلاقی در جامعه که امام علی 7 به آن تصریح کرده است، باعث می‌شود صلح و صفا و امنیت بر آن جامعه سایه افکند، و نزاع‌ها و کشمکش‌ها به حداقل برسد. به جای آن محبت و صمیمیت ایجاد گردد و تعاون و همکاری به مرتبه اعلی برسد؛ زیرا بسیاری از مشکلات اجتماعی از زیاده‌خواهی ناشی می‌شود. عده‌ای همه چیز را برای خود می‌خواهند و صرفاً آسایش و آرامش خود را در نظر می‌گیرند. خود به دیگران ستم می‌کنند و سخنان ناخوشایند می‌گویند، در حالیکه انتظار دارند دیگران درباره آنها کمترین ستمی نکنند و سخنی بر خلاف نگویند، برای خودشان خواهان حداکثر باشند و برای دیگران حداقل.

مقام معظم رهبری > نیز در بیانیه گام دوم به این سبک زندگی اشاره کرده است. هرچند تفصیلش وقت دیگری واگذار نموده است. ایشان در بند چهارم بیانیه گام دوم انقلاب (عدالت و مبارزه با فساد) می فرماید:

«همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست». (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان صدا و سیما، ۱۵ / ۱۱ / ۱۳۸۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7227>).

یعنی مسئولان که خود در رفاه و آسایش زندگی می کنند به نیازمندان نیز توجه کنند. چیزی را که برای خود روا می دارند، برای فقیران نیز روا دارند و از آنان غفلت نورزند. چنانکه در همان بند می فرماید:

«در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیتها بتپد و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد». (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان صدا و سیما، ۱۵ / ۱۱ / ۱۳۸۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7227>).

در حکومت اسلامی سبک زندگی مسئولان باید بر اساس خودمعیاری باشد، هرچیزی را که برای خود سزاوار می بینند برای مردم نیز سزاوار بدانند. اگر برای خود رفاه و آسایش می خواهند برای دیگران نیز فراهم کنند. نیز نشود که یک مسئولی با استفاده از قدرت و مسئولیت زمینه شکاف طبقاتی را به وجود بیاورد، خود به تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری پردازد در حالیکه مردم در فقر و تنگدستی به سر می برند. ایشان در بیانات و سخنرانی‌های خویش به این قاعده زرین اخلاقی که سبک زندگی اجتماعی را ترسیم میکند، اشاره کرده است:

«خیلی از امکانات و برخورداریها را برای خود روا می داریم که برای دیگران روا نمی داریم. ما

این فرهنگ حاکم بر ذهن خودمان را باید عوض کنیم» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان صدا و سیما، ۱۵ / ۱۱ / ۱۳۸۱، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7227)).

بنابراین، یکی از ارکان سبک زندگی اجتماعی، قاعده‌زیرین اخلاقی و خودمعیاری است که امام علی ۷ در نامه خویش به امام حسن ۷ به آن تصریح کرده است. مقام معظم رهبری نیز در بیانیه گام دوم انقلاب، به مسئله سبک زندگی به طور کلی و به صورت اجمال اشاره دارد.

#### پرهیز از اسراف و تبذیر

یکی از شاخصه‌های مهم سبک زندگی اسلامی، پرهیز اسراف و تبذیر است. هرچند میان اسراف و تبذیر تفاوت معنایی وجود دارد، ولی هر دو به زیاده‌روی در مصرف نعمت‌های الهی مرتبط می‌شود. اسراف، به بیش از حدّ نیاز مصرف کردن و تبذیر، به نابود کردن نعمت بدون مصرف آن اطلاق می‌شود. توجه و عدم توجه به اسراف و تبذیر سبک زندگی انسان را دگرگون می‌سازد. سبک زندگی اسلامی به دور از اسراف و تبذیر است، و پرهیز از اسراف برای مسئولان که اداره امور جامعه را در اختیار دارد، اولویت بیشتری دارد. اسلام اسراف و تبذیر را جایز نمی‌داند. امام علی ۷ در یکی از نامه‌های خود به زیاد بن ابیه، وی را از اسراف منع کرده است. حضرت فرمود:

«فَدَعَ الْأَسْرَافَ مُقْتَصِدًا» اسراف را کنار بگذار و میانه روی را پیشه نما» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۲۱).

نامه امام ۷ اشاره به سفره‌های رنگین زیادبن ابیه، کارگزار امام علی ۷ در استخر فارس (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ۱، ۱۳۹؛ ان خلدون، ۱۴۰۸ق، ۳، ۱۶۹). است. اسراف و تبذیر سبک زندگی اسلام نیست و برای همه مسلمانان به ویژه برای حاکمان و مسئولان نکوهیده است.

مقام معظم رهبری > در بیانیه گام دوم به مسئله سبک زندگی در پرتو دوری از اسراف و تبذیر اشاره کرده است. ایشان وقتی درباره اقتصاد سخن می‌راند و اقتصاد ضعیف را زمینه‌ساز ضعف و نفوذ بیگانگان می‌داند، به دوری از اسراف و تبذیر اشاره کرده و می‌فرماید: مصرف

به اندازه و بی اسراف باعث تقویت اقتصاد جامعه می شود (خامنه ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بند سوم). وی همچنین در همین بند بیانیه گام دوم انقلاب وجود هزینه های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه های حکومتی را یکی از مشکلات و عیب های اقتصاد کشور می داند ( امام خامنه ای، بیانات در دیدار مسئولان صدا و سیما، ۱۵ / ۱۱ / ۱۳۸۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7227>).

ایشان در واقع جامعه را به عدم اسراف و تبذیر دعوت کرده است. وی در جایی دیگر شاخص مصرف را از مهم ترین شاخصه های سبک زندگی دانسته است. ایشان پیرامون مصرف از دیدگاه اسلام، نظرات متعدد و گسترده ای دارند، ایشان حتی سال ۱۳۸۸ شمسی را سال اصلاح الگوی مصرف نامید، تا توجه مسئولان و مردم را به این مسئله معطوف نماید. ایشان از سال ۱۳۷۴ به مدت چهار سال متوالی در خصوص چگونگی مصرف، اعم از صرفه جویی، عدم اسراف، مبارزه با اسراف و زیاده روی در مصرف، برنامه ریزی و نظم اقتصادی، دوری از ریخت و پاش های غیر ضروری و تجملات و اعیان نشینی، سخنرانی های متعددی داشته اند که نشان از اهمیت سبک زندگی اسلامی و به دور از اسراف از منظر ایشان است (امام خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران؛ ۲۵ / ۹ / ۱۳۷۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3040>).

#### ۶. صداقت و راستی محوری

زیست اجتماعی سالم و به دور از غل و غش، تعامل سازنده و روابط اجتماعی سالم را می طلبد و این مهم در سبک زندگی اسلامی محقق می شود که بنیان گذاری کارها بر محور صداقت و راستی استوار است؛ زیرا افراد در تعامل اجتماعی خویش به امنیت و اطمینان خاطر همه جانبه نسبت به همدیگر نیازمند است، صداقت و راستی محوری رکن اساسی در امنیت به ویژه امنیت اجتماعی است. این مهم برای مسئولان حکومت اسلامی از اهمیت دو چندان برخوردار است. یک مسئول باید با مردم صداقت داشته باشد، انتظار و توقع بحق مردم از مسئولی که مورد اعتمادشان است، صداقت و راستگویی است. براین اساس،

مسئولانی که سبک زندگی شان بر اساس صداقت و راستی تنظیم گردد و از صفت صداقت برخوردار باشد، امنیت در ابعاد مختلف در آن جامعه جریان می‌یابد و زیست اجتماعی برای افراد جامعه توأم با آرامش خاطر خواهد بود. به همین جهت، امام علی 7 در عهده‌ی که به مالک اشتر داده است، به این ویژگی اشاره کرده و به لزوم پیوندهای اجتماعی با راستگویان تأکید کرده و فرموده است:

«وَالصِّقُّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصِّدْقِ». به پرهیزگاران و راست‌گویان پیوند (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۵۳).

حضرت صداقت و راستگویی را به گونه‌ای دیگر نیز مورد توجه قرار داده، و شفاف‌سازی را که از مصادیق صداقت به حساب می‌آید، یکی از مهمترین اقدام برای سامان‌بخشی روابط اجتماعی به‌ویژه مسئولان و مردم دانسته است. به همین جهت به مالک اشتر نوشته است: «اگر شهروندان درباره تو ستم روا داشتند و گمان بد بردند، دلیل خود را به طور شفاف آشکار کن و با این شفاف‌سازی گمان‌های ایشان را از خود برگردان» (همان). بنابراین، صداقت و راستی محوری از شاخصه‌های مهم سبک زندگی اسلامی است. اگر جامعه به ویژه مسئولان به این مهم توجه کند و سبک زندگی خویش را به سوی صداقت و راستی محوری سوق دهد، در تعامل و ایجاد همبستگی میان افراد و گروه‌ها تأثیرگذار خواهد بود.

مقام معظم رهبری > نیز در بیانیه گام دوم به صداقت و راستی محوری اشاره کرده فرموده است: «این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامن‌های عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است» (همو، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی). ایشان در بند دیگر بیانیه گام دوم انقلاب، معنویت و اخلاق را نیاز اصلی جامعه دانسته، و راستگویی را از مصادیق آن دانسته است (همان). هرچند مقام معظم رهبری > در بیانیه گام دوم انقلاب، به جزئیات سبک زندگی نپرداخته است ولی در بیانات، سخنرانی‌ها و مکتوبات ایشان مطالب فراوانی وجود دارد که سبک زندگی اسلامی را تبیین فرموده، و صداقت و راستگویی را یکی از شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی دانسته است (امام خامنه



ای، بیانات در دیدار مردم استان سمنان، ۱۷ / ۸ / ۱۳۸۵،  
با صداقت و راستی محورانه در تعامل مثبت و همزیستی مسالمت آمیز جامعه نقش مؤثری  
دارد.

## ۷. ساده زیستی

سبک زندگی در پرتو ساده زیستی، در زندگی فردی و اجتماعی افراد تأثیرگذار است، و از نظر فرهنگ دینی ارزش به حساب می آید، و می تواند جامعه را به سوی معنویت گرایي سوق دهد. از آن طرف تشریفات و تجمل گرایی باعث دور شدن جامعه از معنویت و شکاف طبقاتی در جامعه می شود. چنانکه امام علی: وقتی خانه وسیع علاء بن زیاد که از یاران آن حضرت بود دید، واکنش نشان داد و فرمود: با این خانه وسیع در دنیا چه می کنی؟ در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری؟! (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه ۲۰۹). البته در ادامه فرمود: اگر در این خانه مهمانداری کنی و خویشان خود را دعوت کرده، و حقوق خویشاوندی را ادا نمایی، این خانه می تواند آخرت تو را آباد کند.

ساده زیستی برای همه افراد جامعه ارزش به حساب می آید، اما برای مسئولان و مدیران جامعه یک ضرورت است؛ زیرا مردم به مسئولان می نگرند و آنان را الگو قرار می دهند. امام علی ۷ وقتی با خبر شد عثمان بن حنیف یکی از کارگزاران آن حضرت در بصره، در مهمانی ای شرکت کرده که فقرا در آن حضور ندارند و اغنیاء سر سفره رنگارنگ نشستند، نامه ای به عثمان بن حنیف نوشت و گوشزد کرد که مانند امام و مقتدای خود زندگی نمایید:

«آگاه باشید که امام شما از دنیا به دو لباس کهنه، و از خوراکی به دو قرص نان بسنده کرده است. بدانید که شما بر این کار توانایی ندارید، ولی مرا با پارسایی و سخت کوشی و پاکدامنی و استواری یاری کنید. به خدا سوگند که از دنیای شما سیم و زری برای خود نگاه نداشته ام، و از غنیمت های آن چیزی برای خود ذخیره نکرده ام، و جامه کهنه ای برای عوض کردن این جامه کهنه ام آماده نساختم ام». (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۴۵).

یکی از محورهای مهم ساده زیستی که در نامه‌های امام علی 7 به عنوان سبک زندگی مطرح شده است، ساده زیستی در خوراک و پوشاک است. آن حضرت در نامه به عثمان بن حنیف، سبک زندگی در پرتو ساده زیستی را تبیین کرده از جمله به مسئله خوراک و پوشاک می‌پردازد و می‌فرماید: من که امام و حاکم شما هستم به دو جامه فرسوده و دو قرص نان بسنده می‌کنم، در حالی که اگر می‌خواستم، می‌توانستم از عسل پاک، از مغز گندم، و از بافته‌های ابریشم برای خود غذا و لباس فراهم آورم. حضرت می‌فرماید:

«نفس خود را چنان تربیت می‌کنم که به قرص نانی شاد و شکفته گردد و در خورش به نمک قناعت کرده و بسازد» (همان). اگر سبک زندگی مسئولان در پرتو ساده زیستی صورت نگیرد، فقر و تهیدستی مردم را درک نخواهند کرد و احساس همدردی را از دست خواهند داد.

از این رو، سبک زندگی در پرتو ساده‌زیستی به ویژه برای مسئولان و مدیران جامعه مورد تأکید امام علی 7 است. مقام معظم رهبری > نیز در بیانیه گام دوم به مسئله ساده زیستی مسئولان اشاره کرده است. ایشان در این زمینه می‌فرماید:

«... در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده زیستی می‌دادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد...» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بند چهارم).

ایشان بند هفتم بیانیه «گام دوم انقلاب» را به سبک زندگی اختصاص داده است و معتقد است که دنیای غرب تلاش می‌کند تا سبک زندگی غربی را در میان ملت ایران و جامعه اسلامی پیاده کند و امید بر جوانان است که نقشه غرب را خنثی نمایند. یکی از راه‌های مبارزه با نقشه غرب در ترویج سبک زندگی غربی، سبک زندگی در پرتو ساده زیستی به ویژه برای مسئولان است. به همین جهت، همواره جامعه را به ساده زیستی توصیه می‌کند، چنانکه یکی از توصیه‌های مهم مقام معظم رهبری > بعد از خواندن خطبه عقد نکاح، ساده

زیستی است. ایشان در پیامی به آغاز به کار دوره هفتم مجلس شورای اسلامی فرمود:  
«پیوند حقیقی با مردم، مستلزم حضور در میان آنان و دور نشدن از سطح متوسط زندگی آنان است. ساده زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت المال در امور شخصی و غیر ضروری، شرط لازم برای حفظ این پیوند است. ترویج فرهنگ اشرافی‌گری و تجمل و سفرهای پرهزینه و بیهوده‌ی خارجی از کیسه‌ی مردم، دور از شأن نمایندگی و عامل گسیخته شدن پیوند نماینده با مردم است» (امام خامنه‌ای، پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، ۱۶ / ۳ / ۱۳۸۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=141>).

بنابراین، سبک زندگی در پرتو ساده زیستی، برای همه جامعه به ویژه مسئولان از اهمیت برخوردار است. چنانکه امام علی ۷ در نامه‌ای به کارگزارش عثمان بن حنیف وی را به این مهم توصیه کرده است و مقام رهبری > نیز در بیانیه گام دوم انقلاب به آن اشاره نموده است.

#### ۸. مهربانی و محبت ورزی

مهربانی و محبت ورزی به مردم یکی دیگر از شاخصه‌های سبک زندگی مسئولان است که در نامه‌های امام علی ۷ به کارگزارانش تبلور پیدا کرده است. چنانکه آن حضرت خود الگوی عملی محبت ورزی، مهربانی و حسن خلق برای مسلمانان در حکومت داری است، در نامه‌ای که به مالک اشتر نوشته است، وی را به و عطوفت و مهربانی با مردم سفارش نموده است. آن حضرت در فرمانش به مالک اشتر فرمود:

«وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ» ای مالک دلت را به بخشودن (خطاهای) مردم، و دوست داشتن آنان و نرم‌دلی در برابر ایشان موظف بدار» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۵۳).

سبک زندگی مسئولان در حکومت اسلامی، باید همراه با رحمت و عطوفت باشد. امام علی به این مهم تأکید دارد، چنانکه در نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر چنین فرمود: «فَأَخْفِضْ لَهُمْ

جَنَاحَكَ وَ لَيْتِن لَهْمُ جَانِبِكَ وَ ابْسُطْ لَهْمُ وَجْهَكَ» بال‌هایت را برای مردم بگستران و پهلویت را برای شان هموار دار و با آنان فروتن و گشاده رو باش» (همان، نامه ۲۷). خوش‌رویی با مردم و رعیت از منظر امام علی به حدی اهمیت دارد که از آن به عنوان رأس و اساس سیاست یاد کرده است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ۳۷۸). و مهرورزی و خوش خلقی را نیز بهترین سیاست دانسته است (همان، ۷۱۸). بنابراین، سبک زندگی در پرتو مهربانی و محبت ورزشی به زیر دستان و رعیت، از مسائلی است که در نامه‌های امام علی ۷ تأکید شده است و در بیانیه گام دوم نیز به سبک زندگی اسلامی و مبارزه با ترویج سبک زندگی غربی سفارش گردیده است که یکی از راه‌های مبارزه با ترویج سبک زندگی غربی مهربانی و محبت ورزشی مسئولان به زیر دستان و رعیت است.

مقام معظم رهبری > در بیانیه گام دوم انقلاب به این مهم توجه کرده فرموده است: «انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است... این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد.

ایشان در بند دوم بیانیه گام دوم انقلاب، خیرخواهی، گذشت و کمک به نیازمندان را که توأم با مهربانی و محبت ورزشی است، از مصادیق اخلاق شمرده است. ایشان در ادامه می‌فرماید:

«شعور معنوی و وجدان اخلاقی (که مهربانی و محبت‌ورزی به مردم از مصادیق آن است) در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد. این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند.»

از جمله نکاتی که ایشان در بیانیه گام دوم به عنوان یکی از پایه‌های اقتدار اشاره دارد،

مهربانی و محبت انقلاب اسلامی به عنوان یک نظام سیاسی اسلامی به مردم است.

## ۹. قانون گرایی

در حکومت اسلامی سبک زندگی مسئولان باید دائرمدار قانون باشد و قوانین بر مسئول و رعیت به صورت مساوی اجرا گردد، یک مسئول نباید خود را فوق قانون تصور کند و اعمالی برخلاف قانون انجام دهد. حضرت علی برخی از کارگزاران را که از قانون تخطی کرده بودند، مورد سرزنش قرار داده و عزل فرمودند. ایشان در نامه‌ای به یکی از کارگزارانش در فارس به نام مصقله نامه نوشت، و وی را به خاطر عدم رعایت قانون و استفاده نامطلوب از اموالی که به دستش می‌رسید، مورد سرزنش و عتاب قرار داد (نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۴۳). بنابراین مسئولان حکومت اسلامی که در واقع مجری قانون است، نباید مرتکب اعمال خلاف قانون شوند و خود را فوق قانون بدانند. امام علی در نامه‌ای به فرماندارانی که لشکر از شهرهای آنان عبور می‌کرد، نوشت اگر افرادی از لشکر تخطی نماید و خلاف قوانین عمل نماید، شما قدرت دفع آن را ندارید به من شکایت نمایید (همان، نامه ۶۰). براین اساس، قانون‌گرایی و تبعیت از قوانین، به ویژه برای مسئولان در نامه‌های امام علی ۷ منعکس شده است.

مقام معظم رهبری > در بند پنجم بیانیه گام دوم انقلاب (استقلال و آزادی)، به مسئله قانون گرایی اشاره کرده است. ایشان می‌فرماید: «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود». یعنی آزادی نباید در تقابل با قانون قرار گیرد. رعایت قانون و قانون‌مداری یک فرهنگ معرفی کرده، و می‌فرماید: «مثلاً در حوزه اجتماعی، قانون‌گرایی یک فرهنگ است» (امام خامنه‌ای، بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱/ ۱/ ۱۳۹۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25993>). در جایی دیگر خطاب به مسئولان دولت می‌فرماید: «قانون را اهمیت بدهید. قانون وقتی که با ساز و کار قانون اساسی پیش رفت - حتمیت و جزمیت پیدا میکند» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۲ / ۱۶ / ۱۳۸۷،

قانون به عنوان محور سبک زندگی مسئولان در نامه امام علی 7 و بیانات مقام معظم رهبری > <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3661>. براین اساس، تبعیت از تبلور یافته است.

#### نتیجه

آن‌چنانکه مقام معظم رهبری > در بیانیه گام دوم انقلاب بند هفتم، فرموده است: تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی، از جهات مختلف به جامعه اسلامی و جمهوری اسلامی ایران زیان وارد کرده است. این می‌طلبد که مردم به ویژه مسئولان حکومت اسلامی نسبت به سبک زندگی خویش اهتمام ورزند. چنانکه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به این مسئله تصریح کرده است. ایشان به خاطر جامعیت بیانیه و پرداختن به دیگر مسائل به طور بسیار مختصر به سبک زندگی اشاره نموده و تفصیلهای در فرصت‌های دیگر واگذار نموده است. امام علی 7 به عنوان حاکم و الگوی جامعه اسلامی در نامه‌هایی که به کارگزاران خویش و امام حسن 7 پیشوای مردم بعد از خودش، نگاشته است، به سبک زندگی؛ مانند سبک زندگی خدامحورانه، معاد محوری، صداقت و راستگویی، رعایت انصاف، خودمعیاری، ساده زیستی، قانون‌گرایی و پرهیز از اسراف را به عنوان سبک زندگی مسئولان معرفی کرده است. از منظر امام علی 7 که در نامه‌هایش منعکس شده است، مسئول حکومت اسلامی این ویژگی‌ها را در سبک زندگی خویش باید داشته باشد. چنانکه مقام معظم رهبری > نیز در بیانیه گام دوم انقلاب و سایر مکتوبات و بیانات خویش به این مهم توجه ویژه دارد.

## فهرست منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن اثیر جزری، عزالدین، (۱۴۰۹ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار الفکر،  
ابن خلدون، عبدالرحمان، (۱۴۰۸ق)، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من  
عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، چاپ دوم.  
ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی  
اکبر، - قم، جامعه مدرسین، چاپ: دوم.

احمدی، ابوالفضل، (۱۳۹۳ش)، سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام عظم رهبری >،  
تهران، امیرکبیر، چاپ اول.

انوری، حسن، (۱۳۸۱ش)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن.

خامنه ای، سید علی، (۱۳۷۹/۰۹/۲۵) بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران.

خامنه ای، سید علی، (۱۳۷۴/۰۱/۰۱)، پیام نوروزی به مناسبت حلول سال جدید.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق و  
تصحیح: رجائی، سید مهدی، قم، دار الکتب الاسلامی، چاپ: دوم.

جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۴ش)، شاخص های سبک زندگی اسلامی، قم، انتشارات  
موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1، چاپ اول.

خامنه، سید علی، (۱۳۹۲/۰۳/۰۸ش)، بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی.

\_\_\_\_\_، (۱۳۸۷/۰۶/۰۲ش)، بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت،

\_\_\_\_\_، بیانات در نخستین نشست اندیشه های راهبردی،

\_\_\_\_\_، (۱۳۸۹/۰۹/۱۰)، بیانات در نخستین نشست اندیشه های راهبردی، با موضوع

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.

\_\_\_\_\_، (تاریخ ۱۳۷۸/۰۲/۰۳)، پیام به ریاست محترم جمهوری در خصوص سیاست های

کلی برنامه پنج ساله سوم.

\_\_\_\_\_، (۱۳۹۱/۰۵/۰۵)، درس گفتار قرآن کریم روز ششم | انصاف و اعتدال، شرط تقوا.

\_\_\_\_\_، (۱۳۸۳/۰۸/۰۶) سخنرانی در دیدار مسئولان نظام؛

\_\_\_\_\_، (۱۳۷۹/۰۳/۱۲) بیانات در دیدار کارگزاران نظام.

\_\_\_\_\_، بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، بند چهار.

\_\_\_\_\_، (۱۳۸۱/۰۱۱/۰۱۵)، بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما.

\_\_\_\_\_، (۱۳۹۰/۰۶/۰۳) سی روز، سی گفتار | بیست و چهارم: یاد معاد.

\_\_\_\_\_، (۱۳۹۳/۰۱/۰۱) بیانات در حرم مطهر رضوی.

\_\_\_\_\_، (۱۳۹۶/۰۹/۰۱) بیانات در دیدار بسیجیان.

\_\_\_\_\_، (۱۳۸۵/۰۸/۰۱۷)، بیانات در دیدار مردم استان سمنان.

\_\_\_\_\_، (۱۳۸۳/۰۳/۰۶)، پیام به مناسبت آغاز به کار هفتمین دوره‌ی مجلس شورای

اسلامی.

\_\_\_\_\_، (۱۳۹۱/۰۷/۲۳)، دیدار جوانان خراسان شمالی با رهبر انقلاب،

\_\_\_\_\_، (۱۳۷۲/۰۸/۱۸)، نامه به حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی جهت

تعیین سیاست‌های نظام در برنامه دوم در تاریخ

خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹ش)، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام -

ایران - تهران، چاپ پنجم.

درگاهی، مهدی، (۱۳۹۹ش)، مبانی فقهی عزت، حکمت و مصلحت در تعاملات بین

المللی دولت اسلامی، فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، سال بیست و پنجم،

شماره دوم، تابستان.

درشتی، محمد، (۱۳۸۵ش) ترجمه نهج البلاغه، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ دوم.

فلاح رفیع، علی، (۱۳۹۶ش)، بنیان‌های سبک زندگی در نهج البلاغه، تهران، امیرکبیر.

کاویانی، محمد، (۱۳۹۳ش)، چیستی سبک زندگی اسلامی، تهران، دانشگاه علامه



طباطبایی.

کاویانی، محمد، (۱۳۹۲ش)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.

مهدوی کنی، محمد سعید، (۱۳۹۰ش)، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21436>، زندگی شیرین، تاریخ نشر:

۱۳۸۶/۰۸/۰۱۸، تاریخ مراجعه، ۹۹/۹/۰۲۹.

## راهکارهای مبارزه با اسراف در جامعه اسلامی

زینب طیبی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - فاطمه ناصری<sup>۲</sup> - عارفه دادی نژاد<sup>۳</sup>

### چکیده

در عصر کنونی پدیده اسراف و تبذیر به عنوان یکی از علل انحطاط جوامع مختلف انسانی است که موجب تباهی نعمت های الهی و تزییع حقوق بسیاری از مردم جهان می شود. باتوجه به اینکه موضوع مصرف موجب شده است که حربه رواج اسراف و ترویج مصرف گرایی در جامعه کنونی یکی از مهم ترین ابزارهای دشمن علیه انقلاب اسلامی قلمداد شود، ضرورت دارد به راهکارهای مبارزه با اسراف پرداخته شود. روش تحقیق نقلی-وحيانی و گردآوری اطلاعات هم به صورت کتابخانه ای است. در کلام رهبری یک اقدام اساسی در زمینه پیشرفت و عدالت، مسئله مبارزه با اسراف است. راه های مقابله با اسراف از جنبه فردی، خانوادگی، اجتماعی حاکی از آن است که مصرف به تنهایی پدیده ای مذموم نیست بلکه اسراف، آثار منفی داشته و در اسلام مذموم است. باتوجه به تاکید رهبر انقلاب به پرهیز از اسراف و اینکه اسراف یکی از موانع مهم توسعه اقتصادی هر جامعه می باشد این نوشتار

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. ztayyebi62@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد، مدرس حوزه علمیه حضرت زینب علیها السلام، میناب  
minab.fatem@gmail.com

۳. طلبه سطح دو مدرسه علمیه حضرت زینب علیها السلام، میناب minab.fatem@gmail.com

بر آن است که راهکارهای مبارزه با اسراف را با نگاهی بر بیانیه گام دوم انقلاب مورد بررسی قرار دهد. راهکارهای فردی مبارزه با اسراف، توجه به آثار زیان بار اسراف و تقویت بینش و ارزش های اسلامی است. تربیت صحیح خانوادگی و مدیریت شایسته در زمره راهکارهای خانوادگی مبارزه با اسراف است و نظارت همگانی، معرفی الگوهای صحیح مصرف و پرهیز خواص از تجمل گرایی از جمله راهکارهای مبارزه با اسراف در جامعه اسلامی است.

**کلیدواژگان:** اسراف، تبذیر، مبارزه با اسراف، جامعه اسلامی، گام دوم انقلاب

## مقدمه

درآموزه های اسلامی، اسراف و ضایع کردن نعمت‌ها حرام و ناروا است، بدین جهت که هر مسلمانی به تناسب امکانات، توانایی‌ها و کارایی خود در برابر جامعه مسئولیت دارد و به دنبال این مسئولیت‌پذیری است که فرد به رعایت اصول اخلاقی مقید می‌گردد و در غیر این صورت فردی لا قید خواهد بود که از اجرای تعهدات و مسئولیت‌های اجتماعی خود سر باز می‌زند و با عادت‌های سوء اخلاقی برپیکره جامعه ضربه وارد می‌کند.

در اسلام از طریق اعتدال و میانه‌روی می‌توان به الگوی مصرف صحیح و درست مواهب الهی، همراه با قناعت و پرهیز از اسراف رسید و با تجملات، مصرف‌گرایی و هزینه‌هایی نامشروع که موجب نگرانی‌ها، نابرابری‌ها و انحراف‌ها در جنبه‌های مختلف زندگی بشر شده است، به مقابله برخاست. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال بیان راهکارهای مبارزه با اسراف در جنبه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی در جامعه اسلامی است، چرا که نفی اسراف، در اسلام از جایگاه ویژه‌ای در حد مسائل اعتقادی و عبادی برخوردار است؛ تا جایی‌که در هرکجا، در هر زمان و در هر موردی امری لازم و ضروری است زیرا مسئله شناخت اسراف از غیر اسراف و پرهیز از آن و تشخیص راهکارهای مبارزه با مصرف نادرست و غیر اخلاقی، یک تکلیف شرعی، عقلی و عرفی بسیار مهم و ضروری در جامعه است. این دغدغه را می‌توان در حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی بررسی کرد و راهکارهایی برای بهبود وضع موجود بیان کرد.

در این زمینه، آثار متعددی نگاشته شده است. کتاب «اسراف از دیدگاه اسلام» از «ولی الله رستگاری» به تبیین اسراف از دیدگاه قرآن و مصداق‌های آن می‌پردازد و در ادامه عوامل اسراف و راههای مقابله با آن را بررسی می‌کند و کتاب «چرا اسراف؟» از «عباس رحیمی» که تاملی در آثار اسراف با مدد از معارف اهل بیت علیهم‌السلام دارد و مقالاتی با موضوعات متنوع که اسراف، ریشه‌ها، پیامدها و راهکارهای مقابله با آن را ارزیابی می‌کنند. در مقاله پیش رو علاوه بر اینکه به اسراف، عوامل، پیامدها و راهکارهای آن پرداخته شده است، تمرکز بر این

تفاوت دارد که با قرار گرفتن اسراف بعنوان یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر می توان در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی از طریق آموزش، فضای مجازی، جمعهای دوستانه، گپ های خانوادگی و... نگاه عیب جویانه به اسراف را پرزنگ نمود و امر به صرفه جویی و قناعت بود، تا از این رهگذر با تغییر سبک زندگی و اصلاح الگوی مصرف بتوان گوشه ای از مشکلات اقتصادی خانوار و جامعه را مرتفع نمود و با پرهیز از مصرف گرایی، ترویج قناعت و حمایت از تولید ملی، مبین شعار سال «تولید، پشتیبانی ها، مانع زدایی ها» باشیم.

#### ۱. مفهوم شناسی اسراف

اسراف عبارت است از خارج شدن و تجاوز نمودن از حد اعتدال در هر کاری که از انسان سر بزند. (دهخدا، ۱۳۱۰: ۱۰/ ۱۰۲۶) از روایات بسیاری چنین استفاده میشود که اسراف به معنای خارج شدن از حد اعتدال و میانه روی است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام میفرماید: «فدع الاسراف مقتصدا: اسراف را به خاطر میانه روی و حد اعتدال رها کن.» (نهج البلاغه، نامه ۱۳/۱) کلمه اسراف، از نظر اصل و ریشه ی عربی «سرف» بر وزن «سرف» گرفته شده و هنگامی که بر باب افعال برده شود فعل آن متعدی می گیرد و مصدر آن اسرف به معنای زیاده روی، تجاوز و گزافکاری کردن (ضد قصد و میانه روی) می باشد. به معنای زیاده طلبی بی مورد، طمع کاری زیاد، تندروری بی جا، ضایع کردن و تباه کردن، هدر دادن، حرص، تجاوز نمودن و از حد گذراندن است. (دهخدا، ۱۳۱۰: ۱۰/ ۱۰۲۶) این واژه عموماً درباره ی رفتار انسان به کار می رود و برای غیر انسان به ندرت به کار رفته است اما در رفتارهای انسان عمومیت دارد و شامل تجاوز از هر حدی می شود، یعنی هر گونه زیاده روی در رفتارهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اعتقادی و اقتصادی، اعم از فردی و اجتماعی را در بر می گیرد. (رستگار جویباری، ۲۲: ۱۳۸۰)

در اصطلاح اسراف، معنای عدم رعایت اقتصاد، حیف و میل، افراط و تبذیر نمودن، تلف و ضایع کردن سرمایه ها، هدر دادن نعمت ها، تباه کردن اموال، گزاف مصرف کردن، بیهوده

خرج کردن، از حد گذشتن، خروج از حد و اعتدال در هر امری که از انسان سرزند را شامل می‌شود. «کل مازاد عای الاقتصاد اسراف؛ آنچه بیش از میانه روی باشد اسراف است.» (رستگار جویباری، ۱۳۸۰: ۲۲).

در قرآن کریم در ۲۳ آیه کلمه اسراف را به کار برده که در دو آیه ۲ بار تکرار شده است عمل اسراف از زشت‌ترین، مذموم‌ترین و زیان‌بارترین اعمال انسان از نظر قرآن کریم است و با روشنی و صراحت تمام مورد نهی و نکوهش قرار گرفته زیرا اکثر مفاسد، انحراف‌ها و ظلم‌ها از ناحیه ی اسرافکاری هاست موجب سقوط و هلاکت می‌شود. (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق: ۵۰۶/۱۶) «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف: ۳۳) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند اسرافکاران را دوست نمی‌دارد.»

## ۲. حرمت اسراف

از نظر فقه اسلامی و فتوی فقها، حرمت اسراف و گناه بودن آن، به طور اجماع و بدون هیچ شک و شبهه ای، یک حکم قطعی و مسلم فقهی است و پرهیز از آن یک تکلیف شرعی است که حتی در مسائلی مانند وضو، غسل و کفن بحث اسراف را مطرح کرده اند. (رستگار جویباری، ۱۳۸۰: ۲۲) عدول از حق و خروج از حد اعتدال، خرج مال در راه گناه، فساد و شر به هر اندازه و در هر زمان و مکان، صرف مال در راه غیر اطاعت خداوند هر چند کم شرعا و عقلا حلال و سزاوار نیست.

اسلام چون دین عدالت و امانت و خواهان تعادل، توازن و رعایت حقوق و عدالت اجتماعی در جامعه است هر چیزی را که این اصول مسلم را بر هم زند تحریم و نهی کرده است نعمت‌های الهی امانت‌هایی هستند که خداوند برای رشد و تعالی انسان‌ها در اختیار آنان نهاده است پس بهره‌برداری از نعمت‌ها باید همسویی با اوامر و حدود الهی و در جهت سعادت، کمال و عزت جاودانی انسان‌ها باشد حال آنکه اسراف بر هم‌زننده اعتدال و عدالت و به وجود آورنده فساد و تباهی در زندگی انسان هاست از این رو اسراف هرگز و هیچ‌گاه تایید شرع و عقل نبوده و حرمت آن از نظر شرعی

### ۳. نشانه های اسراف

یکی از بیماری های خطرناکی که امروز دامن گیر بسیاری از مردم در جامعه مدرن شده است و بسیاری از جنبه های زندگی را تحت تاثیر خود قرار داده است اسراف می باشد و با گسترش در کل طبقات جامعه موجب تغییرات و تنش های زیادی در روند رشد و کیفیت زندگی مردم شده است. آثار و نشانه های اسراف در ریخت و پاشهای غیر ضروری، مهمانی های تجملی، مصارف بیش از حد نیاز و... مشهود می باشد.

امام علی علیه السلام نشانه های اسراف را در ۳ چیز بیان می کنند: «۱. خوردن خارج از حد نیاز. پوشیدن بیرون از حد معمول ۳. خریدن اشیای غیر لازم و نشانه ای اسراف کننده را این گونه بیان می کنند: ۱. آنچه را که لازم نیست می خرد. ۲. آنچه را که لازم نیست می پوشد و ۳. آنچه را که لازم نیست می خورد.» (ابن بابویه، ۱۳۸۱: ۹۸)

### ۴. دلایل ناپسند بودن اسراف

#### ۴.۱. گناهان شرعی

معصیت انسان را از مسیر طاعت الهی خارج می کند. اگر معصیت بدون صرف مال باشد، اسراف است که تجاوز از دستورات دینی است و اگر مالی هم خرج شده باشد، علاوه بر معصیت، تبذیر و اسراف اقتصادی نیز هست که گناهی دیگر خواهد بود؛ لذا بعضی لغت شناسان و مفسران، آن را به «خوردن مال حرام» و برخی آن را به «تجاوز از حلال به حرام» معنی کرده اند و عده ای نیز آن را به «انفاق در راه گناه» تفسیر کرده اند.

#### ۴.۲. حکم عقل و معیارهای عقلی

عقل به زشتی اتلاف مال حکم می کند و تجاوز از آن را نوعی سفاهت و جهالت می شمارد؛ مانند انفاق به کسی که استحقاق آن را ندارد. مرحوم طبرسی در توضیح آیه شریفه «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» (اعراف: ) می فرماید: هر انفاق و مصرف مالی که عقل آن را زشت شمرد و به صاحبش ضرر رساند، اسراف و حرام است.» (طبرسی، ۱۳۳۸: ۴/۶۳۸)

#### ۴.۳. عرف جامعه

گاهی عرف اجتماعی عامل تعیین‌کننده «حدّ» در اسراف است؛ مثلاً مصرف مال در مصالح شخصی، زن و فرزند یا انفاق آن برای مصالح دیگران، محدود به حدّی است که عرف جامعه آن را براساس موقعیت اقتصادی و اجتماعی هر فرد مشخص می‌کند که کاستی از آن، مصداق بخل است و زیاده‌روی از آن خارج‌شدن از اعتدال و ورود به گروه مسرفین خواهد بود. (نوروزی، ۱۳۸۹: ۷/۲۷-۵)

اینک به نمونه‌هایی از اسراف و زیاده‌روی توجه می‌کنیم:

۱. استفاده بیش از مقدار نیاز: مصرف زیاد کالاها و خوراکی‌ها به دلیل زیان بار بودن اسراف است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اسراف نیست آنچه بدن را سالم نگه می‌دارد بلکه اسراف تباه کردن مال و زیان به بدن است.» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ۲۱/۵۵۱)

۲. استفاده نادرست از منابع و امکانات مادی و طبیعی عمومی: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ادقوا اقلامکم و قاربوا بین سطورکم و احذفوا من فضولکم و اقصدا و قصد المعانی و ایاکم و الاکثار؛ قلم‌های خود را ریز بتراشید، سطرها را نزدیک بنویسید، اضافی ننویسید و مقصود را هرچه فشرده تر بنگارید؛ مبادا زیاده‌روی کنید.» (کلینی، ۵۳/۴) اموال عمومی جامعه مسلمین نمی‌تواند کمترین زیانی را تحمل کند؛ حتی به اندازه‌ای که کارمندی در اداره‌ای سطری را درشت‌تر بنویسد یا جمله‌ای را در نامه‌ای اداری کمی طولانی کند.

از دیگر نمونه‌های اسراف می‌توان به اسراف در تهیه مقدمات عبادی (مثل وضو و ...) و اسراف در وقت و گذراندن آن به بطالت و بی‌برنامگی اشاره کرد.

##### ۵. شکل‌گیری و ترویج مصرف‌زدگی و اسراف در ایران

بر اساس شواهد تاریخی، بدیهی است که مردم ایران در دوران شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی از تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری و زرق و برق‌های مادی برخوردار نبود. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران طاغوت که بیت‌المال عمومی و خزانه کشور و درآمدهای حاصل از فروش نفت در انحصار دربار بود، نه تنها مردم از مواهب طبیعی، درآمدها و سرمایه‌های کشور بی‌نصیب بودند، بلکه دارایی‌های کشور در راه توسعه زیرساخت‌ها و پیشرفت و ترقی



کشور نیز هزینه نمی‌شد، خزانه کشور، خزانه دربار طاغوت بود و اسراف، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری در انحصار آنان بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فرار درباریان و اشراف سلطنتی، مردم به رهبری امام خمینی علیه السلام و با محوریت روحانیت در چارچوب آموزه‌های دینی و انقلابی بر سرنوشت خویش حاکم گشتند. در این دوره حساس، برای پایه‌ریزی نظامی متفاوت با گذشته و متکی بر اسلام و حمایت مردم، راه پرفراز و نشیبی را پیش رو داشت. آنچه به این نوشتار ارتباط دارد اینکه آحاد جامعه، دولت‌مردان و نیروهای انقلابی، علی‌رغم محرومیت نسبی خویش، جان و مال خود را برای تقویت نظام اسلامی در طبق اخلاص گذاشتند و هشت سال دوران دفاع مقدس را با ایثار و انفاق تحمل کردند و به پیروزی رساندند.

رانت‌خواری، ویژه‌خواری، انحصارطلبی و جلسات و سمینارهای پُرهزینه پدید آمدند که فرهنگ عمومی را نیز متأثر ساختند.

آنچه سبب گردید تا این فرهنگ و روحیات فراگیر شود، این بود که طبقه اشرافی تازه به دوران رسیده با حمایت برخی بزرگان و جریان‌های تسلط‌یافته در دولت‌های بعدی نیز مهار فرهنگ و اقتصاد کشور را به صورت انحصاری و موروثی تصاحب و آن را حق خویش می‌دانستند و کسی را یارای انتقاد و یا تغییر ناهنجاری‌های پدید آمده نبود، حزب کارگزاران سازندگی که بعدها برخی افراد شاخص آن، ایدئولوژی و الگوی مطلوب حزب را لیبرال دمکراسی نامیدند، برای نهادینه کردن قدرت و اهداف خویش زمینه‌سازی تشکیل جریان سیاسی جدیدی و تربیت و تقویت فعالان سیاسی وفادار به خود را در دستور کار قرار دادند، تا اینکه مطلوب خویش را در قالب جبهه دوم خرداد، سازماندهی و برای دولت پس از خویش به صحنه رقابت کشاندند. در دوران دوم خرداد، ولنگاری فرهنگی، بی‌برنامگی اقتصادی، شیفتگی دولت‌مردان به غرب و محصولات فرهنگی و واردات غرب وضعیتی را پیش آورد که امروزه توسعه و استقلال کشور در گرو تغییر و اصلاح آن است و مقام معظم رهبری اصلاح الگوی مصرف را شعار سال ۸۸ نامیدند. هرچند رویکرد یاد شده در دولت

عدالت خواه، ساده زیست و ولایت مدار، پرتلاش، کم مصرف و پایبند به آموزه‌های دینی و ارزش‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی و رفاه عمومی تا حدودی کنترل و هدایت گردید، لیکن بهبود مطلوب و تحوّل همه جانبه وضع موجود،

نیازمند زمان بیشتر، اجماع فراگیرتر، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جامع‌تری است که مقام معظم رهبری در پیام نوروزی خویش و سخنرانی در حرم مطهر امام رضا علیه السلام ابعاد آن را ترسیم نمودند. (شمخانی، ۱۳۹۴: ۴۹/۱۹)

«دکتر سبحانی» که چند دوره در مجلس حضور داشته است و از کارشناسانی هستند که در تدوین برنامه ۵ ساله اول و دوم دخیل بوده‌اند، می‌گوید «دولت‌ها در سال‌های پس از جنگ، لزوماً درصدد عملیاتی کردن اقتصاد اسلامی نبوده‌اند، بلکه با توجه به مشکلات اقتصادی کشور، با بهره‌مندی از بخشی از کارشناسان سازمان‌های دولتی به تهیّه و ارائه برنامه‌هایی اقدام نموده‌اند که به نظرشان می‌آمد، می‌تواند بخشی از کمبودها، نواقص و کاستی‌های مزمن اقتصاد ایران را برطرف نماید. ایشان در مقطع دیگری تصریح کردند که دولت‌سازندگی تأکید کرده بود که ملاحظات و خواسته‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را در تدوین برنامه‌ها در اولویت قرار دهیم. والبته برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی با اینکه زمینه‌ساز تحولاتی در کشور بودند و برخی از اهداف کمی را هم پوشاندند، اما در ارتباط با شاخصه‌های مورد نظر در قالب عزّت و اقتدار اقتصادی موفق نبوده‌اند.» (مرادزاده، ۱۳۸۸: ۶/۵)

## ۶. عوامل اسراف

اسراف، برخاسته از عواملی است که بدون توجه به آن، حذف اسراف از زندگی فردی و اجتماعی عملی نخواهد بود، برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

### ۶.۱. غفلت و بی‌توجهی مسئولان و کارگزاران به رسالت‌های انسانی

کمبود نیرو، ضرورت سرعت در جبران عقب‌ماندگی‌ها و خرابی‌های ناشی از چپاول سردمداران رژیم گذشته، جنگ و درگیری ضد انقلاب، نداشتن الگوی اقتصادی برخاسته از

فرهنگ دینی و خودباختگی در برابر الگوها و شیوه‌های جاری برخاسته از فرهنگ و تفکر غربی و یا حتی الگو گرفتن از کشورهای در حال توسعه‌ای همچون سنگاپور، کره جنوبی و مالزی منجر به بروز فضایی گردیده که روحیه قناعت و ساده‌زیستی ناشی از انقلاب و ۸ سال دفاع مقدس را به حاشیه رانده و امروز نمایش ثروت و برتری دنیوی، مجدداً در همه ابعاد ممکن در جامعه رواج یافته است.

تأثف‌بارتر اینکه منشاء بسیاری از اسراف‌ها در بی‌اعتنایی به بیت‌المال و اراثة الگوی مصرف بد از سازمان‌های دولتی و شیوه مدیریت اسراف‌کارانه مدیران است؛ مدیرانی که بعضاً اسراف و تجمل را بخشی از الزامات مدیریتی تلقی می‌کنند و به تبعات فرهنگی و اجتماعی آن توجه ندارند. حال آنکه الگوی علوی حکومت تا بدان پایه دقیق و ظریف است که در دستورهای اجرایی آن آمده است: «أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ احْذَرُوا عَنِّي فَضُولَكُمْ؛ یعنی قلم‌های خود را نازک کنید، فاصله میان سطرهای نامه را نزدیک و سخنان زاید را حذف کنید.» چنین پدیده‌ای هشدار رهبر معظم انقلاب را برانگیخته است و ایشان می‌فرماید: «مسئولان موظف‌اند. اسراف فقط در زمینه فردی نیست. در سطح ملی هم اسراف می‌شود. (هفته نامه، صبح صادق، ۱۳۸۸)

باتمام این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزه‌روز گام‌های بلندتری رو به جلو برمیدارد. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت آور در ایران اسلامی بوده ایم. که نتیجه مدیریتهای جهادی در پرتوایمان اسلامی و اعتقاد به اصل ما میتوانیم است که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، در نتیجه باید با توجه به توانایی‌های ملت و کشور و نظر به بیانیه گام دوم انقلاب و فرمایشات رهبری و دوری از تفکرات نادرست و اشتباه راه رو به پیشرفت جامعه را هموار نمود.

## ۲.۶. خودنمایی

بسیاری از افراد خواهان خودنمایی و جلب توجه دیگرانند. افراد ناکام و نیز انسان‌های ثروتمندی که در رسیدن به خواسته‌هایشان سرخورده و عقده‌ای شده‌اند، با اسراف و

ولخرجی و ریخت و پاش های غیرمعقول، قصد خودنمایی دارند. رسول اکرم ﷺ در حدیثی می فرماید: «هر کس بنایی را از روی ریا و سمعه بسازد، تهدید به عذاب الهی می شود. شخصی پرسید: چگونه بنایی با این وصف ساخته می شود؟ حضرت فرمود: ساخت و سازی بیش از اندازه که برای فخرفروشی بر همسایگان و برادران دینی اش انجام شود.» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ۳/ باب ۲۵)

### ۳. ۶. فساد اخلاقی

در بعضی مردم، زمینه اسراف را باید در شخصیت اخلاقی آنان جستجو کرد؛ زیرا شخصی که خود را به قانون شکنی و سرکشی عادت داده است، معمولاً نمی تواند فرد متعادلی در امور مالی اش باشد و همواره بر اثر هوسرانی سرمایه خود را در راه تامین عادات زشت به هدر خواهد داد. بنابراین در بعضی از آیات قرآن کریم، عنوان «اسراف» در کنار برخی گناهان دیگر بیان شده است: «كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ (غافر: ۳۴) این گونه خداوند هر اسراف پیشه، گرفتار شک را، گمراه و به خود وامی گذارد.»

### ۴. ۶. تقلید و الگوپذیری از مسرفان

تقلید، نیز از عوامل اسراف شمرده می شود. چه بسا کسی که الگوی مصرف خود را؛ مانند نوع پوشش، وسیله نقلیه، لوازم زندگی و... براساس نوع و کیفیت مصرف دیگران قرار می دهد، در بسیاری موارد از حدود فردی، اجتماعی و اقتصادی خود تجاوز نموده و به اسراف مبتلا شود. به یقین، این افراد آسایش را از خود و خانواده شان سلب کرده و خود را در رنجی بی پایان قرار خواهند داد. در حدیثی، امام باقر علیه السلام می فرماید: «ایاک ان تطمح بصرک الی من هو فوقک؛ زینهار که چشم به زندگی بالاتر از خویش دوزی.» (کلینی، ۱۳۷/۲) قرآن کریم آشکارا دستور می دهد که «ان انا الانذیرمبین: هرگز از مسرفان پیروی نکنید.» (شعرا: ۱۱۵)

انسان تعریف شده در فرهنگ اسلامی و ایرانی به دنبال حفظ مقام آدمیت و جستجوی انسان کامل است، انسان برخاسته از فرهنگ و تفکر مادی غرب، به دنبال لذت جویی و جستجوی مواهب دنیوی صرف می باشد. اما متأسفانه از دوره قاجاریه به این سو، نوعی

دنباله‌روی و تقلید از غرب بر هویت اسلامی و ایرانی ما سایه انداخته است و برخی از افراد ذی نفع به تبلیغ و اشاعه شیوه‌های مصرف‌گرا و مادی غرب می‌پردازند. وجود یک خصلت بومی، یعنی چشم و همچشمی ایران هم به این پدیده دامن می‌زند. «در این میان، قشر بالای جامعه که عموماً در پی حفظ برتری مالی و منزلتی خود هستند و از آنجا که عده قابل توجهی از ایرانیان با غرب در ارتباط هستند، بالطبع به منظور حفظ برتری خود، از معیارهای ارزشی کمیاب در داخل (یعنی ارزش‌های خارجی نظیر اتومبیل، لوازم، البسه، موسیقی، غذا، نوشابه و یا حتی رفتار...) استفاده می‌کنند و آنگاه قشر متوسط و فقیر نیز به تدریج از اینان پیروی می‌نمایند. جالب آن است که در این فرایند، دستگاه‌های ارتباط جمعی نظیر رادیو، تلویزیون، سینماها و مجلات نیز برای مقبول واقع شدن (جذب مخاطب) و نیز به علت آنکه از نظر سازماندهی، ماهیتاً دارای این خصلت هستند، در برنامه خود (سریال‌ها، تبلیغات، فیلم‌ها و...) به این فرایند گسترش ارزش‌های غربی کمک می‌کنند» (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۵۰۳) در واقع، فرایندی که از گرایش به فرهنگ غرب و تقلید از آن شروع

می‌شود، به وابستگی و مصرف‌گرایی منتهی می‌شود که ناشی از پذیرش مادی و جایگزین شدن مصرف به عنوان یک ارزش برای احساس بزرگی به جای ارزش‌های معنوی فراموش شده و به محاق افتاده فرهنگ و تفکر دینی و ایرانی است.

#### ۵.۶. ثروت و رفاه

یکی از زمینه‌هایی که موجب اسراف می‌شود غوطه ور بودن در نعمت و ثروت است. ثروت فراوان در صورت نبودن ایمان و ضعف اخلاق، موجب اسرافکاری، تجاوز و طغیان می‌شود. البته اسلام با داشتن ثروت مشروع مخالف نیست ولی ثروتی را که مستی و غرور به همراه داشته باشد و زمینه ساز اسراف و زیاده روی شود، ناپسند می‌داند.

امام صادق علیه السلام ضمن خواندن آیه «لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱) می‌فرماید: المال مال الله يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَدَائِعِ وَجَوَّزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصِداً وَيَلْبَسُوا قَصِداً وَيَنْكَحُوا قَصِداً

### و یرکبوا قَصْدًا؛

ثروت متعلق به خداست و خداوند متعال به عنوان امانت آن را در اختیار مردم قرار داده است و با رعایت میانه روی برای آنان مجاز شمرده که بخورند، بپوشند، ازدواج کنند و از وسایل نقلیه استفاده کنند.» (مجلسی، ۱۶/۱۰۳)

گاهی افرادی که زیاد خرج می کنند؛ برای توجیه ولخرجی ها و اسراف در میهمانی ها یا ریخت و پاش های خود می گویند: دارم! می توانم خرج کنم و از این قبیل توجیهات. آیا این دلیل کافی است؟ نه این دلیل به هیچ وجه دلیل قانع کننده ای نیست، چرا که باید به قدر نیاز و حاجت خرج کرد. (اکبری، ۲۴)

### ۶.۶. استعمار

اشاعه فرهنگ ولخرجی در جوامع بشری، می تواند از سوی استعمارگران حربه ای مؤثر باشد؛ زیرا استعمار از این راه، هم بازار فروشی برای کالاهای مصرفی اضافی خود فراهم می نماید و هم مردم را درگیر هزینه های سنگین زندگی ناشی از مصرف بی رویه می سازد. مقابله و ایستادگی در برابر تهاجمات فرهنگی و اقتصادی استعمار، جز با آگاهی کافی میسر نخواهد بود و انسان باید با بصیرت کافی، خود و دیگران را از این بلای خانمان سوز رهایی بخشد. (نوروزی، ۱۳۸۹: ۴/۲۷ - ۳) (موسوی کاشمیری، ۱۳۹۳: ۵۷)

### ۶.۷. وسواس

وسواس یکی از بیماری های روانی است که به شکل های مختلف نمود پیدا می کند. یکی از نمونه های آن افراط و زیاده روی در شستشو، وضو و غسل است. و خیال می کند با این عمل وضو و غسلش بهتر و کامل تر انجام می گیرد و چه بسا اعمال دیگران را نیز باطل فرض می کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«انَّ لِلَّهِ مَلَكَاً يَكْتُبُ سَرَفَ الْوَضُوءِ كَمَا يَكْتُبُ عُذْوَانَهُ؛ (حرا عملی، ۱۴۱۴: ق/۱: ۴۸۵)

برای خداوند فرشته ای است که اسراف در وضو را مانند دشمنی با خدا ثبت می کند.» (اکبری،

## ۷. تاثیرات اسراف

امروزه اسراف و تبذیر به صورت عرف و عادت و گاه یک ارزش درآمدی است. از اینرو تغییر زیرساخت‌های عرفی، اخلاقی و فرهنگی جامعه یکی از مهم‌ترین عوامل برای نابود کردن اسراف به شمار می‌آید که آن هم در گرو درک صحیح این مشکل است. با توجه به اینکه قرآن گره‌گشای بسیاری از مسائل علمی، فرهنگی و اجتماعی است، برآنیم تا در این بخش از دیدگاه قرآن و روایات اشاره‌ای به پیامدهای ویرانگر اسراف و تبذیر داشته باشیم.

### ۷.۱. فقر و تهی دستی

بی شک یکی از عوامل مهم فقر و تنگدستی در جهان، اسراف و تبذیر است. آنهایی که دست به ولخرجی و ریخت و پاشهای بی حد و حساب می‌زنند و با اسراف، امکانات مادی بیشتری را صرف هوسهای خود می‌کنند، سرانجامی جز تهیدستی و شکست اقتصادی در انتظارشان نیست.

قال الله تبارک و تعالی: «فَكَفَّرْتُ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (نحل: ۱۱۲) نعمتهای خدا را کفران کردند، خدا هم به دلیل آن کفران و معصیت، طعم گرسنگی و بیمناکی را به آنها چشانید و مانند لباس سراپای وجودشان را پوشانید.» (سبحانی، ۱۳۸۳: ۴۳/۶۰)

امام علی علیه السلام فرمودند: «سَبَبُ الْفَقْرِ الْاسْرَافُ؛ اسراف سبب فقر است.» (حرانی، ۱۳۶۳: ۴۰۳/ح ۸۱۲۶)

امام صادق علیه السلام به عبید فرمودند: «يَا عَبِيدُ إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْغِنَى؛ ای عبید! اسراف باعث فقر می‌شود و میانه روی موجب بی‌نیازی می‌گردد.» (کلینی، ۵۳/۴)

اسراف، عملی مخالف تقوا و دستورات و سفارشهای خدا و اولیای الهی است و باعث می‌شود برکت از زندگی انسان بیرون رود. امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ مَعَ الْاسْرَافِ قَلَّةَ الْبِرِّكَةِ؛ همانا اسراف همراه با کاهش برکت است.» (کلینی، ۵۳/۴)

## ۷.۲. رعایت نکردن حقوق مردم

امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید: «مصرف بی رویه سبب می شود که انسان از بهره مندی و استفاده از امکانات و منابع محروم شود.» (حکیمی، ۱۳۶۷: ۲/۲۵۶)

از آنجایی که امکانات و منابع ما، متعلق به نسل های آینده است، اسراف باعث محرومیت آن نسل می شود و همچنین از پس انداز سرمایه که یکی از ارکان توسعه است، جلوگیری می کند.

## ۷.۳. یار و همدم شیطان شدن

«إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ: تَبْدِيرِ كُنْدگان برادر شیطان هستند. (اسراء: ۲۷)

تبدیرکنندگان برادران شیاطینند؛ چنانکه شیطان به نادرستی از نیروهایش در گمراهی مردم استفاده می کند، آنان نیز نعمت های خدا را کفران کرده و به نادرستی از آن بهره می برند.»

## ۷.۴. مستجاب نشدن دعاها

اهل اسراف و خوشگذرانی لذات معنوی را درک نمی کنند؛ زیرا عبادت، عرفان، سیر و سلوک اخلاقی و معنوی درست در نقطه مقابل آن می باشد. بنابراین، یکی از آثار زیانبار مصرف گرایی و غرق شدن در زندگی مادی و دنیوی، محروم شدن از درک لذت های معنوی می باشد.

خداوند می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ (غافر: ۲۸) خداوند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغگو است هدایت نمی کند.»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «دعای چهارنفر؛ از جمله فردی که ثروت داشته و آن را تباه کرده است مستجاب نمی شود، آن کس به خداوند عرض می کند: پروردگارا، به من روزی ده، خداوند می فرماید: آیا تو را به میانه روی و اصلاح امور فرمان ندادم؟» (حکیمی، ۱۳۶۷: ۳۴۴/۶۸)

## ۷.۵. گرفتاری در منجلاب گناه و فساد

اسراف سرمایه را تباه می کند؛ لذا اسراف کار برای جبران این هزینه ها در معرض رذایلی



اخلاقی؛ همچون بخل و حرص یا مفاسدی اقتصادی؛ مانند ربا، رشوه و اختلاس قرار می‌گیرد.

همچنین، اسراف و تبذیر غالباً همراه با گونه‌ای مصرف‌گرایی، رفاه‌زدگی و غرق‌شدن در لذات مادی است که خود منشأ فساد است، لذا قرآن کریم مسرفان را «مفسد» دانسته و می‌فرماید: «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» (شعراء: ۱۵۱) فرمان اسرافکاران را پیروی نکنید، آنانکه در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌شوند.» (نوروزی، ۱۳۸۹: ۲۷/۵-۴)

#### ۸. چگونه از اسراف جلوگیری کنیم؟

راه علاج اسراف، توجه و تفکر در آیات و اخبار شریفه‌ای است که در مذمت آن وارد شده و انسان را از عواقب دنیوی و اخروی آن برحذر می‌دارد. نکته این است که اسراف، نوعی مرض است و خلاف عادت محسوب می‌شود و هیچ عاقلی تمایل ندارد به غیرطبیعی بودن متهم شود. برای ریشه کنی این عادت مذموم می‌توان در سه حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی راهکارهایی را بیان کرد:

#### ۸.۱. راهکارهای فردی مقابله با اسراف

در سطح فردی و شخصی با رعایت نمودن اصولی از قبیل موارد ذیل می‌توان با اسراف مبارزه نمود:

#### ۱.۱- ۸ تقویت بینش توحیدی

یقین و اعتقاد راستین به حضور خداوند متعال و مالکیت مطلق او، مانع از اسراف و تجاوزگری است. فردی که در راه حق قدم نهاده، محال است ذره‌ای از امکانات و استعدادهای مادی و معنوی خود را در مسیر باطل مصرف کند. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «المؤمن حسن المعونه، خفيف المؤونه، جيد التدبير لمعیشه؛ فرد با ایمان کمک و یاریش به دیگران نیک است، هزینه‌اش اندک و مدیریت زندگیش نیکوست.» (کلینی، ۲/۲۴۹)

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، مرا از اسراف و

زیاده‌روی بازدار، به بخشیدن و میانه‌روی مستقیم ساز، روش نیکو در معیشت و زندگی را به من بیاموز، مرا به لطف خود از بیجا خرج کردن بازدار، روزی مرا از راه حلال روان گردان و انفاق و مخارجم را در راه‌های خیر و نیکی قرار بده.» (فیض الاسلام، ۱۳۷۶: ۲۹۸)

## ۱.۲-۸. خودسازی

خودسازی، در تقویت ایمان و رسوخ ارزش‌های الهی در دل انسان، نقش مؤثری دارد؛ چراکه ایمان، نوری است که در آینه قلب می‌تابد و هرچه آینه قلب صاف‌تر و شفاف‌تر باشد، انعکاس نور ایمان توسط آن بهتر انجام می‌پذیرد. اگر قلبی آلوده به گناه شود و آینه دل را تیره کند، به طور طبیعی، تابش نور ایمان در چنین قلبی کم می‌شود. بنابراین، دوری از گناهان و حرکت در مسیر مستقیم اسلام، از دیگر عوامل تقویت ایمان است. امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «اعلموا عبدا لله، ان التقوی دار حصن عزیز و الفجور دار حصن ذلیل؛ ای بندگان خدا، بدانید که تقوا دژی محکم و شکست‌ناپذیر و هرزگی و گناه خانه‌ای در حال فرو ریختن است.» (دستی، ۱۳۷۹: ۲۵۳/ح ۱۵۷)

## ۸.۲. راهکارهای خانوادگی مقابله با اسراف

کانون خانواده، مکان اصلی برای یادگیری، تجربه کردن، امتحان شدن و فراگیری باید‌ها و نبایدهای زندگی هر شخصی می‌باشد، پس بایسته است که بهترین آموزشها در خانواده به فرد ارائه شود تا شناخت درستی از آن حاصل شود مثل معرفت به قبح اسراف با در نظر گرفتن راهکارهای خانوادگی ذیل:

### ۲.۱-۸. مدیریت شایسته

امام علی علیه السلام فرمودند: «حسن التدبیر و تجنب التبذیر من حسن السیاسه؛ نیکی تدبیر و دوری گزیدن از اسراف و تبذیر از خوش‌سیاستی است.» (آمدی، ۱۴۱۰: ق ۱۱/۳۲۲)

مدیر بالیاقت، با تدابیری مناسب میان تهیه مایحتاج زندگی و میزان درآمدش رابطه‌ای متعادل برقرار می‌کند که نه تنها، کمبود بودجه‌ای برای تأمین زندگی شرافتمندانه و درخور شأن نداشته باشد بلکه مقداری از اموالش را برای مواقع اضطراری پس‌انداز می‌کند.

## ۲.۲- ۸. تربیت خانوادگی صحیح و ترویج محاسن اخلاقی

امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «همانا قلب نوجوان همچون زمین خالی از هر بذری است که هرچه در آن بپاشی می‌پذیرد، پس من به تربیت تو پرداختم، قبل از اینکه زمان آن بگذرد.» (دستی، ۱۳۷۹: ۳۹۳/ نامه ۳۱) صفات اخلاقی خانواده بی‌بندوبار و مسرف بر ساختار روحی فرد، تاثیر می‌گذارد.

والدین مهمترین الگوهایی هستند که در آشناساختن کودکان با اعتدال در مخارج مالی و قناعت در زندگی نقش به‌سزایی دارند. در تربیت فرزندان، توجه به مسائل اقتصادی و آموزش راه‌های جلوگیری از اسراف و تبذیر به آنان اهمیت بسیاری دارد؛ چراکه پایه‌های همه اصول تربیتی از جمله رعایت میانه - روی، پرهیز از خواسته‌های غیرضروری و دوری از حرص و ولع مادی، در تربیت خانوادگی به - ویژه در دوران کودکی هر فرد ریشه دارد. البته از آنجا که مادران وقت بیشتری را با بچه‌ها در خانه می‌گذرانند، در پرورش روحیه اقتصادی و شکل‌گیری نگاه فرزندان به زندگی، نقش پررنگ و قابل توجهی دارند و هر گفتار، رفتار و عمل مادران و پدران رفتارواندیشه کودکان آنها منعکس میشود. بهتر است والدین با نگرش تربیتی انجام برخی از کارهای ساده و آسان را به کودک واگذار کنند و در مقابل تلاشی که فرزند انجام می‌دهد، او را تشویق کنند و به تدریج به میزان مسئولیت‌های او اضافه کنند و او را برای یک زندگی متحرک و پر تکاپو آماده سازند، که این امر زمینه‌ساز موفقیت اقتصادی او در آینده خواهد بود. (قدوسی، ۱۳۹۵: ۳/ ۱۰)

## ۸.۳. راهکارهای اجتماعی مقابله با اسراف

در سطح جامعه پایبندی به امور و قواعدی می‌تواند، زندگی اجتماعی شخص را از اسراف دور نگه دارد از قبیل:

### ۳.۱- ۸. تبلیغات و ارائه الگوی صحیح مصرف

امام علی علیه السلام الگوی صحیح مصرف، را به عثمان بن حنیف (فرماندار بصره) این‌گونه معرفی می‌نماید: «به سرعت سوی آن مهمانی شتافتی که خوردنی‌های رنگارنگ برایت آوردند و پی

در پی کاسه‌های پر از غذا جلوی تو نهادند. گمان نمی‌کردم میهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانش با ستم محروم شده و ثروتمندانش بر سر سفره دعوت شده‌اند، اندیشه کن در کجایی؟ و بر سر کدام سفره غذا می‌خوری؟ پس دور بیفکن غذایی را که به حلال و حرام بودنش آگاه نیستی و مصرف کن آنچه را که به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری.» (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۵۲ / خطبه ۴۵)

میان‌روی در تهیه و مصرف مواد گوناگون؛ مانند خوراکی‌ها، توجه به حلال و حرام بودن نعمت‌های الهی و رعایت اعتدال در مصرف همگانی؛ از جمله الگوهایی است که امام علیه السلام در مصرف عمومی به همه افراد سفارش کرده‌اند. مبلغین نیز که پرچم‌داران هدایت و رستگاریند، باید الگوی ساده‌زیستی باشند تا زندگی، رفتار و کردارشان سرمشق دیگران باشد.

### ۳.۲ - ۸. معرفی الگوهای ساده‌زیستی

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام بالاترین نمونه‌های عینی الگوی مصرف در اسلام‌اند. زهد و ساده‌زیستی از اصول زندگی نبی اکرم صلی الله علیه و آله بود، ساده غذا می‌خورد، ساده لباس می‌پوشید و بر مرکب بی‌زین و پالان سوار می‌شد. (طباطبائی، ۱۳۷۵: ۱۶/۳۱۴)

شخصیت‌هایی؛ همچون امام خمینی رحمته الله علیه، علما، مراجع، مقام معظم رهبری و بسیاری از فرهیختگان و فرزندان عرصه علم و دانش الگوهای عصر حاضرند. حضرت امام خمینی رحمته الله علیه درباره اسراف در همه ابعادش و به‌ویژه در مصرف، حساسیت مخصوصی داشت؛ برای نمونه یکی از مسوولین دفتر امام خمینی رحمته الله علیه می‌نویسد: یک‌بار مسئول امور مالی، پشت پاکتی چیزی نوشت و به امام داد، امام در کاغذی کوچک جواب آن را داد و در زیر آن چنین نوشت: شما می‌توانستید در این قطعه کوچک نیز بنویسید. «از این رو، آن برادر کاغذ خورده‌ها را جمع‌وجور می‌کرد و در کیسه‌ای می‌گذاشت و هنگامی که می‌خواست برای امام مطلبی بنویسد، روی آن کاغذپاره‌ها می‌نوشت، امام هم زیرش جواب می‌نوشت.» (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۹: ۲۲۳/۱۹)

### ۳.۳- ۸. نظارت بر بازار کار و جلوگیری از کالاهای تجملی

لازم است؛ همه افراد به خصوص مسئولین به بازار کار و مصرف اجناس توجه کنند تا با دوری از تجملات و مصرف کالاهای ایرانی، به خودکفایی برسیم. فروش لوازم ایرانی با کیفیت مرغوب، ما را از چشم‌وهم‌چشمی مصون می‌دارد و این صرفه‌جویی به افزایش ثروت و ایجاد کار در جامعه اسلامی منجر خواهد شد.

### ۳.۴- ۸. نقش رسانه‌ها و آموزش و پرورش در اصلاح الگوی مصرف

رسانه‌ها و تلویزیون در ترویج این فرهنگ نقش بسیار مهمی برعهده دارند؛ ضروری است که در برنامه‌های رادیو، تلویزیون و سینما به اهمیت اعتدال و میانه‌روی در اسلام توجه شده و روح انسان‌های خفته و غافل را بیدار نماید.

در آموزش و پرورش بعنوان خانه دوم فرزندان ما، که شخصیت اجتماعی کودکانمان در آن شکل می‌گیرد. لازم است، مربیان با توصیه به دانش‌آموزان، آنان را از هرگونه اسراف در پوشش، لوازم تحریر، وقت، استعدادها و توانایی‌ها برحذر دارند و کودکان با الگوبدیری از مربیان خود، فرهنگ ساده‌زیستی و قناعت را بیاموزند.

### ۳.۵- ۸. نقش نهادهای قانونی و عوامل اجرایی

برخورد با عوامل اجرایی مانند عوامل تجمع ثروت؛ می‌تواند به پیشگیری از این انحراف منجر شود؛ چرا که انباشته‌کردن مال و تجمع ثروت عاملی قوی برای گسترش روحیه اسراف است. قرآن مجید کسانی را که ثروت جمع کرده‌اند و از انفاق آن در راه خدا امتناع می‌ورزند، به عذاب دردناکی بشارت داده است. (توبه: ۳۴)

اهرم‌هایی نظیر منع احتکار و ربا، وضع مالیات‌هایی برای مصارف تجملاتی، تشویق مردم به پرداخت حقوق واجب (خمس و زکات)، دعوت به انفاق‌های مستحبی برای رفع نیازهای محرومین به عدم تمرکز ثروت در اختیار گروهی از افراد جامعه کمک می‌کند. (نوروزی،

۱۳۸۹: ۶/۲۷-۵)

۹. امر به صرفه‌جویی و نهی از اسراف رویکردی برای رشد اقتصادی

اجتناب از تضييع اموال و هدر دادن منابع عمومي و ثروت‌هاي کشور مانند آب، خاک، نفت و محصولات ذي قيمت مانند نان مي‌تواند دري به سوي گشايش اقتصادي کشور باشد. همه براي مراقبت از منابع عمومي بايد احساس مسئوليت کنند، اسراف با اقتصاد کشور و مصالح عمومي همان کاري را انجام مي‌دهد که دشمنان انتظار دارند آنان با تحريم هاي اقتصادي به پيکره جامعه ضربه وارد مي‌کنند و خودمان با اسراف و صرفه جويي نکردن اين ضربه را عميق تر بر جان جامعه وارد مي‌کنيم و صد البته که منظور از اسراف رياضت و سختي اقتصادي نمي‌باشد بلکه مراعات قناعت در زندگي شخصي و اجتماعي است، اسراف همانگونه که عيبي شخصي مي‌باشد به همان اندازه يک عيب ملي به شمار مي‌رود و ضربات جبران ناپذيري را به اقتصاد کشور وارد مي‌کند و تمام مسئولان را به جلوگيري از اين بلاي خطرناک موظف مي‌کند. (امام خامنه اي، بيانات در ديدار مردم آذربايجان، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=28974>) در سطح آحاد مردم و در سطح ملي بايد نگاه عيب جويانه به اسراف فراگير شود و با چاشني کردن امر به معروف و نهی از منکر با اين سوء اخلاق فردي و اجتماعي مبارزه نمود و از راهکارهاي بيان شده استمداد جست تا الگوي مصرف خانوار و جامعه را اصلاح نمود و از ريخت و پاش هاي غيرلازم پرهيز نمود، در اسلام حتي در انفاق نمودن نيز از اسراف پرهيز داده شده است. رهبر انقلاب حضرت آيت الله خامنه اي در ديدارهاي مردمی خود بارها به اين نکته توجه داده اند که اجتناب از اسراف از راه هاي حل مشکلات اقتصادي مي‌باشد ايشان تاکيد دارند که بايد مراقب باشيم، احساس مسئوليت کنيم و الگوي مصرف غلط خود و کشور را اصلاح نماييم و مناسب با جامعه اسلامي عمل کنيم.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29060>

براي محقق شدن اين ضرورت مي‌توان در سطح فردي، خانوادگي و اجتماعي از طريق آموزش، فضاي مجازي، محيط هاي خانوادگي، دوستانه و غيره، امر به صرفه جويي و قناعت و ناهي از اسراف باشيم، تا دري به سوي حل مشکلات اقتصادي کشورگشوده شود و به مرور زمان اين امر ناپسند در سطح جامعه تجلي، شخصيت، احترام و کلاس نباشد بلکه تجلي

مقید نبودن به اصول اخلاقی و عدم مسئولیت پذیری باشد تا مذموم بودن اسراف ملکه ذهن، جامعه گردد. «طبق فرمایش زمامدار انقلاب اسلامی، به رغم همه‌ی این مشکلات طاقت فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده میشود که این مدّت، با مدّتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریتهای جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل ما می‌توانیم که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.» (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

#### نتیجه‌گیری

برای برون رفت از مسیر مصرف‌گرایی و اسراف باید ساده‌زیستن را به مردم تلقین نمود و زندگی نورانی پیشوایان دین را برای مردم الگو و سرمشق قرار داد. کم‌مصرف کردن باید به عادت تبدیل شود و با دوری از اسراف‌کنندگان، محدود کردن رفت‌وآمد با آنها و ترویج نگاه عیب‌جویانه در جامعه به اسراف مردم را از این بیماری دور نمود. مبارزه با اسراف باید از طبقات بالا و از سازمان‌های دولتی شروع شود تا دیگران از آنها پیروی کنند. تبلیغ‌گفتاری و نوشتاری در مساجد، مدارس و محافل توسط مبلغین، معلمین، رسانه‌های گروهی و نصب تابلوهایی در معابر عمومی با موضوع اسراف، از جمله فعالیت‌های ضروری است. اجتناب از این عادت بد رفتاری در سطح خانواده و جامعه از طریق امر به معروف و نهی از منکر دری بسوی گشایش اقتصادی می‌باشد. و صدالبته سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور و مبارزه با فسادهای اقتصادی چون تجمل‌گرایی، مصرف‌زدگی و... می‌تواند یاری‌رسان کشور در گام‌های رو به پیشرفت خود باشد، چنان‌که این امر از دید رهبر انقلاب پنهان‌نمانده و ایشان در بیانیه گام دوم به این امر اشاره دارند.





## فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۱ش، الخصال، مترجم: محمد باقر کمره ای، بی جا، چاپ نهم، نشر کتابچی.

۲. اکبری، محمود، بی تا، اسراف تباهی سرمایه ها، بی جا، نشر فتیان.

۳. آمدی، ابوالفتح، ۱۴۱۰ق، غررالحکم ودررالکلم، قم، چاپ دوم، نشر دارالکتب السلامیه.

۴. حرانی، ابومحمد حسن، ۱۳۶۳ش، تحف العقول، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، چاپ دوم، موسسه نشر اسلامی.

۵. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، وسائل الشیعه، قم، نشر آل بیت.

۶. حکیمی، محمد رضا، علی و محمد، ۱۳۶۷ش، الحیاه، مترجم: احمد آرام، قم، چاپ سوم، ناشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۷. دشتی، محمد، ۱۳۷۹ش، ترجمه نهج البلاغه، قم، چاپ اول، انتشارات مشهور.

۸. دهخدا، علی اکبر، ۱۹۳۱ق، لغت نامه دهخدا، تهران، نشر موسسه دهخدا.

۹. رستگار جویباری، ولی الله، ۱۳۸۰ش، اسراف از دیدگاه اسلام، تهران، چاپ اول، انتشارات نورالاصفیاء.

۱۰. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۶ش، توسعه و تضاد، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۱. سبحانی، محمد، ۱۳۸۳، "آثار تخریبی اسراف و تبذیر"، مجله مبلغان، شماره ۶۰.

۱۲. شمخانی، اژدر، ۱۳۹۴، "سبک زندگی دینی"، آریان نادر بیگدلیو، عسگر درویش، فصل نامه سراج منیر، دوره ششم، شماره ۱۹.

۱۳. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۵ش، تفسیرالمیزان، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه.

۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۳۸ش، تفسیر مجمع البیان، تصحیح و تعلیق: ابوالحسن شعرانی، تهران، چاپ اول، نشر مکتبه العلمیه.

۱۵. فیض الاسلام، سید علی نقی، ۱۳۷۶، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، تهران، چاپ دوم، انتشارات فقیه.
۱۶. قدوسی، زهرا، ۱۳۹۵، " نقش خانواده در توانمندی اقتصاد فرزندان"، نشریه جامعه المصطفی العالمیه، دوره سوم، شماره ۳.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، بی تا، الکافی، قم، نشر دارالحدیث.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بی تا، بحارالانوار، قم، انتشارات الاسلامیه.
۱۹. محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۷۹ش، " اعتدال در انفاق و مصرف ویژگی های عباد الرحمن"، مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۲۳.
۲۰. مرادزاده، علیزضا، ۱۳۸۸ش، "تحلیلی بر اصلاح الگوی مصرف"، مجله معراج اندیشه، سال سوم، شماره ۵.
۲۱. موسوی کاشمیری، سیدمهدی، ۱۳۹۳ش، پژوهشی در اسراف، بی جا، چاپ هفتم، ناشر موسسه بوستان کتاب.
۲۲. نوروزی، حسنیه، ۱۳۸۹ش، "پژوهشی در اسراف و راههای مقابله با آن"، فصل نامه جستار، دوره نهم، شماره ۲۷.
۲۳. هفته نامه، صبح صادق، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۸ش.

زینب عباسی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - الهه نوبخت<sup>۲</sup>

### چکیده

در دستورات و احکام دین اسلام، تمام نیازهای انسان لحاظ شده و بهترین سبک زندگی که تأمین کننده سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد، بیان شده است. حضرت امام خامنه ای (زیدعزه) در بیانیه گام دوم انقلاب، به روش زندگی اسلامی توصیه داشته‌اند و به لزوم مقابله با سبک زندگی غربی اشاره کرده‌اند. ایشان از تبلیغ شدن و اشاعه یافتن سبک زندگی غربی، احساس نگرانی کرده و نسبت به آن هشدار می‌دهند. هدف این مقاله بیان ضرورت، اصول و راهکارها در مقابله با ترویج سبک زندگی غربی است. این پژوهش به روش اسنادی - تحلیلی و عقلی انجام شده و حاصل بررسی سبک زندگی از منظر قرآن، حدیث و بیانات رهبر جمهوری اسلامی می‌باشد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که با اتکای به اصول اسلام، می‌توان با بازنگری در سبک زندگی افراد و توجه به رهنمودهای مقام رهبری، در برابر هجوم ترویج سبک زندگی غربی راهکارهایی در سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی، در سنین و موقعیت‌های مختلف ارائه داد. به طور کلی راه مقابله با این تهاجم، ترویج سبک زندگی دینی، تعمیق و گسترش آن در جامعه می‌باشد.

---

۱. دانش آموخته دکترای شیمی z.abbasi.chem@gmail.com

۲. سطح ۳ حوزه علمیه خواهران ۱۴۳p.nowbakht@yahoo.com

کلیدواژه‌ها: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی غربی،  
مقابله جهادی، قرآن و حدیث.

## ۱. مقدمه

سبک زندگی هر فرد از فرهنگ و آداب و رسوم او نشأت گرفته و با شخصیت وی ارتباط مستقیم دارد. بهترین نوع سبک زندگی علاوه بر هماهنگی با یافته های علمی، بایستی مؤلفه های شناختی و رفتاری انسان را در نظر بگیرد. از آنجایی که زندگی انسان با مرگ پایان نمی یابد، سبک زندگی دنیایی انسان بایستی دنیا و آخرت را در کنار هم ببیند و از هیچ یک از ابعاد مادی و معنوی انسان غافل نشود. دین اسلام صورت معینی از تفکر، اخلاق و رفتار را در اختیار افراد مسلمان قرار می دهد که می توانند سبک زندگی خود را در قالب آن ها بنیان گذارند. این سبک زندگی جامعیت دارد و از کلی ترین مسائل تا جزئی ترین موضوعات نگرشی و رفتاری را در خود جای داده است. انسان با انتخاب سبک زندگی اسلامی، نظام ارزشی و مبانی اعتقادی اسلامی را در زندگی فردی و اجتماعی برای ایجاد ارتباط با محیط و جامعه، پاسخ به خواسته ها و تأمین نیازهایش به کار می گیرد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲، ۸۲).

تمدن غرب با هدف ترویج انسان محوری و اومانیسم، با استفاده از رسانه ها و ابزارهای نوین جنگ نرم و ورود با ساحت های مختلف زندگی ملت های جهان، در صدد است تا سیطره و سلطه فرهنگی خود را بر این کشورها غلبه دهد. دیوید کیو، مأمور سازمان سیا چنین می گوید: «مهم ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم.» (نگارش، ۱۳۸۰، ۱۸۴).

ترویج سبک زندگی اسلامی از مهم ترین دغدغه های مقام معظم رهبری می باشد. بارها و بارها تعریف، تبیین، آثار و راهکارها در این حوزه در بیانات ایشان تکرار شده است. اکنون که بنا به فرموده مقام معظم رهبری انقلاب وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شده است، در مسیر رسیدن به آرمان های انقلاب و رسیدن به تمدن اسلامی، لازم است به این امر مهم توجه ویژه شود. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، به روش زندگی اسلامی توصیه داشته اند و به لزوم مقابله ی جهادی، همه جانبه و هوشمندانه با

سبک زندگی غربی اشاره کرده اند. ایشان از تبلیغ شدن و اشاعه یافتن سبک زندگی غربی، احساس تهدید و نگرانی کرده و نسبت به آن هشدار می دهند. بنا به فرمایش ایشان «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان های بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد.» نکته ای که حائز اهمیت است این است که با توجه به توصیه مقام معظم رهبری برای مقابله با سبک زندگی غربی نیازمند روحیه جهادی در این عرصه مهم می باشیم. بعد از قبول ضرورت حضور جهادی در مقابله با سبک زندگی غربی، بایستی بدانیم راهکارهای انجام این مأموریت چه دسته بندی دارد و شامل چه مواردی می شود. مقاله حاضر حاصل بررسی سبک زندگی از منظر قرآن و حدیث و همچنین بیانات رهبر معظم جمهوری اسلامی می باشد. این پژوهش به شیوه اسنادی - تحلیلی صورت گرفته است و در جمع آوری مطالب از منابع کتابخانه ای و بیانات مقام معظم رهبری استفاده شده است. تلاش بر آن است تا ضرورت، اصول لازم و راهکارها در مقابله با ترویج سبک زندگی غربی به روش جهادی و هوشمندانه مورد شرح و بررسی قرار گیرد.

## ۲. مفهوم شناسی

### ۲.۱. مفهوم شناسی سبک زندگی:

«سبک» در لغت به معنی طرز، شیوه، روش، طرز بیان ما فی الضمیر می باشد (فرهنگ معین). «زندگی» به معنای زنده بودن، زیست، حیات، مدت عمر، وضع مالی، مال و منال بیان شده است (فرهنگ معین). معادل واژه سبک در زبان عربی تعبیر «اسلوب» و در زبان انگلیسی «Style» است. سبک زندگی که از آن به «Life Style» تعبیر می شود، همان سبک و یا طرز زندگی است که هرکس در یک جامعه برای خود برگزیده و بر اساس آن رفتار و کردار خود را شکل می دهد. ترکیب سبک زندگی در کتاب های لغت، به معنای روش خاصی از زندگی و فعالیت یک شخص یا گروه آمده است. در این راستا به مواردی چون: عادت ها، نگرش ها، سلیقه ها، معیارهای اخلاقی و سطح اقتصادی توجه می شود که با هم

شیوه زندگی فرد یا گروه انسانی را شکل می‌دهد (فاضل قانع، ۱۳۹۲، ۱۷). در موضوع سبک زندگی، با طیف وسیعی از لغات و اصطلاحات مواجهیم که هر کدام براساس بینش و نگرش خاص محققان، مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در تعاریف جامعه‌شناسانه بیشتر بر هنجارهای اجتماعی افراد و توصیف نگرش و منش اجتماعی افراد در جامعه تأکید می‌شود و در روان‌شناسی بیشتر به بعد فردی و شخصیتی می‌پردازند.

## ۲.۲. مفهوم شناسی سبک زندگی اسلامی:

منبع اصلی استخراج سبک زندگی اسلامی قرآن و سیره معصومان علیهم‌السلام و به تعبیری همان زندگی قرآنی اهل بیت علیهم‌السلام است. طبق این تعریف، سبک زندگی، سبک زندگی مصرف‌های مادی یا فرهنگی نیست، چرا که زندگی عناصر غیر از مصرف را نیز در بردارد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲، ۸۲). سبک زندگی اسلامی از آن جهت که سبک است به رفتار می‌پردازد و با شناخت عواطف ارتباط مستقیم ندارد. ولی از آن جهت که اسلامی است، نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد. سبک زندگی اسلامی نمی‌تواند به نیت‌ها کاری نداشته باشد و درعین‌حال که تأکید آن بر رفتار است، به عواطف و شناخت توجه دارد (کاوایی، ۱۳۹۲، ۱۸).

از نظر اصطلاحی می‌توان گفت که سبک زندگی از سوی مقام معظم رهبری دامت برکاته، در جمع جوانان استان خراسان شمالی مورد تأکید قرار گرفته و از آن زمان به‌عنوان یکی از کلیدواژه‌های محافل علمی و اجتماعی مطرح شد. بنابراین نگاه معظم له، سبک زندگی رفتار اجتماعی و شیوه زیستن است که آشنایی با آن از دو جهت معنوی (برای رسیدن به هدف اصلی انسان، یعنی رستگاری، فلاح و نجات) و مادی (زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی)، برای انسان ضرورت دارد؛ علاوه بر اینکه شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین می‌باشد (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع جوانان استان خراسان شمالی،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

جهاد از ریشه لغوی «جهد» به معنای سعی، تلاش و کوشش است. بنا به اقوال گذشته معنای فلانی جهاد کرد آن است که قدرت خود را به کار انداخت، متحمل مشقت شد و تلاش توأم با رنج کرد. جهاد به کسر جیم مصدر است به معنی تلاش و نیز اسم است، به معنی جنگ. افعال این ماده در قرآن همه از باب مفاعله آمده است و آن به معنای تکثیر است (دهخدا، ۱۳۷۷). معظم له در بیانات مختلفشان بر وسعت معنای جهاد تأکید داشته اند. در نگاه ایشان جهاد معنایی بسیار عمیق و عام دارد. هر چیزی که هم جد و جهد و هم مقابله با دشمن باشد، جهاد است. «در زمان جنگ مسلحانه، جهاد رزمی است. در میدان فرهنگی، جهاد فرهنگی است و چنانچه در میدان سیاست یا در میدان علم و دانش باشد، جهاد سیاسی و علمی است. از نظر ایشان تلاش و کوشش شرط اول و در مقابل دشمن بودن شرط دوم جهاد است.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ، ۱۳۷۵/۰۳/۲۰،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4790>).

### ۳. پیشینه تحقیق

شیوه زیستی افراد جامعه نشانگر یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی می باشد. ضرورت پرداختن به مقوله سبک زندگی اسلامی از سوی محققان و پژوهشگران درک شده است و مؤید این مطلب آمار گسترده تحقیقات کلی و جزئی پژوهشگران در مورد این موضوع می باشد. به عنوان نمونه خطیبی و همکارش شاخص های سبک زندگی را در بعد فردی و اجتماعی بیان کرده و مجموعه مؤلفه های تشکیل دهنده سبک زندگی و حیات طیبه را معرفی می کنند (خطیبی، ۱۳۹۲، ۱۳). پور امینی گستره سبک زندگی را عرصه ای وسیع از رفتار آدمی با خدا، خود، خانواده، جامعه و حتی طبیعت می داند. ایشان بیان می کند سبک زندگی اسلامی توجه به اجزای اسلام با همه ابعاد آن در تمام عرصه های زندگی آدمی است. می توان در دسته بندی مشخص و با ملاحظه ارتباطات چهارگانه انسان با خدا، خود، جامعه و طبیعت زندگی مؤمنانه ساخت و با تکیه بر متن سخن و سیره معصومان علیهم السلام



شیوه زیستن را مشق کرد (پورامینی، ۱۳۹۱، ۱۷). نتایج به دست آمده از تحقیقات نشان می‌دهد می‌توان بر سبک زندگی با توجه به اصول اسلام تأثیر گذار بود و زندگی افراد را به سمت رعایت دستورات خدا هدایت کرد (بختیاروند، ۱۳۹۵، ۱۳۴). احمدحسین شریفی در مقاله خود در پاسخ به پرسش چه راهکارها و روش‌هایی برای نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی از سخن سیره و سخن اهل بیت علیهم‌السلام قابل استخراج است، بیان می‌کند که هشت راهکار عمده تغییر فرهنگی از نگاه اهل بیت علیهم‌السلام لازم است: تغییر نگرش، توجه به آموزش‌های کاربردی، خودشناسی و تقویت شخصیت، بازشناسی سبک زندگی اولیای الهی به‌عنوان الگو، اصلاح رفتار مسئولان و متولیان فرهنگی، ترویج عزت فرهنگی، اقتصادی و اعتقادی، عنایت به عدالت و نظم سیستمی و اکتفا نکردن به عدالت و تقوای فردی و اجرای قانون در برخورد با مجرمان و نظم شکنان و قانون‌گریزی (شریفی، ۱۳۹۴، ۷).

در پژوهشی بین نظرات مقام معظم رهبری و سه اندیشمند مطالعات فرهنگی در زمینه شاخص‌های سبک زندگی مقایسه صورت گرفته است. در این پژوهش مفهوم سبک زندگی، شاخص‌ها و زیر شاخص‌های همچون زندگی روزمره، مصرف، اوقات فراغت، شیوه و هویت آن، از تحقیقات مشابه و چارچوب نظری و احصاء اندیشه‌های مقام معظم رهبری و سه اندیشمند مطالعات فرهنگی (بورديو، جان استوری و استوارت هال) بررسی گردیده است. وجود دیدگاه انتقادی به سبک زندگی، مهم‌ترین تشابه، و نگاه اسلامی به سبک زندگی در دیدگاه مقام معظم رهبری و نگاه مصرفی به سبک زندگی در میان سه اندیشمند، مهم‌ترین تفاوت؛ و دیدگاه غرب‌ستیزی در حوزه محتوای سبک زندگی غربی در آراء رهبر معظم انقلاب و فقدان چنین دیدگاهی و پذیرش آن توسط سه اندیشمند، مهم‌ترین تعارض می‌باشد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۵).

طبق نظر محققان در جامعه ما سبک زندگی از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌هایی است که اولیای فرهنگی و سیاسی کشور و در رأس آن مقام معظم رهبری را به آن حساس کرده است و تحقیقات گسترده‌ای در موضوع بررسی نظر و دیدگاه مقام معظم رهبری بر سبک زندگی

انجام شده است. احمدی و همکارش نظرات سبک زندگی از نظر جامعه شناسان و گفتمان سبک زندگی اسلامی در اندیشه ی مقام معظم رهبری را به صورت اکتشافی بررسی کردند. از نتایج مهم و قابل توجه این پژوهش استخراج مفهوم "حیات طیبه ی اسلامی" معادل اصطلاح "سبک زندگی اسلامی" درمنظر مقام معظم رهبری است؛ به طوری که معظم له، ضمن این که زندگی را فراتر از ابعاد و جنبه های مادی دانسته، نقش معنویت و دین را در زندگی مؤثر پنداشته و هدف دار بودن آن را با توجه به آموزه های دینی مورد توجه قرار داده اند (احمدی، ۱۳۹۸، ۱۴۵). یافته های تحقیق بنائیان سفید و همکاران نشان داد که میزان هم سویی دیدگاه مقام معظم رهبری در آینه قرآن و روایات با ساحت های شش گانه تفکر، تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و عرصه های ارتباطی و مؤلفه های برنامه های درسی ارتباط دارد. با توجه به این تحقیق می توان برنامه درسی و راهنمای ارزشمندی را در تدوین برنامه درسی استفاده کرد و در جهت وصول به هدف که همان جهت گیری به حیات طیبه و قرب الهی در سبک زندگی اسلامی است نقشه راه را ترسیم نمود (بنائیان سفید و همکاران، ۱۳۹۴، ۵۹).

پژوهش آقای نوروژلو و همکارش در راستای تبیین سبک زندگی در افق تبیین شده مقام معظم رهبری پاسخگویی سولات مطرح شده در حوزه سبک زندگی و اثر رسانه ها بر سبک زندگی کنونی و آسیب شناسی سبک زندگی می باشد. همچنین راهکارهایی برای طرح و اجرای سبک زندگی اسلامی در این پژوهش بیان شده است (آقای نوروژلو، ۱۳۹۲، ۷۲۵). آقای نوروژلو در مقاله خود معتقد است با توجه به ظرفیت های علمی و نیروی انسانی جوان و پویای موجود در کشور ایران و با توجه به هجوم فرهنگ های بیگانه غربی و سبک های زندگی نامتعادل و بویژه سبک زندگی امریکایی تدوین و ارائه یك الگو و يك سبک زندگی اسلامی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. تنها اقدام عملی ممکن و لازم برای جلوگیری از امریکایی شدن سبک زندگی و غرب زدگی آن تدوین الگو و سبک زندگی متناسب با جامعه امروزی کشور می داند که تا حد زیادی در دام غرب زدگی و تجددگرایی گرفتار آمده

است. ایشان بیان می‌کند سبک زندگی کنونی کشور نیازمند یک جراحی است تا بتوان غده شوم غرب‌گرایی را خارج و جنبه اسلامی زندگی را تقویت کرد. همانطور که بیان شد کتاب‌ها و مقالات متعددی توسط صاحب‌نظران در مجلات و سایت‌های اینترنتی در موضوع سبک زندگی نگاشته شده است. نکته مهم این است که چگونه می‌توان سبک‌های نامطلوب را کنار زد و سبک زندگی اسلامی را جایگزین آن‌ها کرد. باید راهکارهای عینی و عملیاتی برای تحقق سبک زندگی مطلوب پیدا و عملی شوند. دقت در سخنان و زندگی اهل بیت علیهم‌السلام این حقیقت را آشکار می‌کند که یکی از دغدغه‌های این بزرگواران نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در ابعاد مختلف زندگی روزمره مردم است. این مقاله تلاش می‌کند تا مهم‌ترین راهکارها و روش‌ها را از منابع قرآن و حدیث استخراج کند. در مقاله حاضر از منظر تهدید مسأله ترویج سبک زندگی غربی مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته و راهکارهایی در مقابله با این خطر مطرح می‌شود.

#### ۴. اهمیت سبک زندگی اسلامی در پیشرفت مادی و معنوی جامعه

پیشرفت در معنای اسلامی، با پیشرفت در فرهنگ غربی متفاوت است. برخورداری مردم از سبک زندگی دینی، یکی از ارکان تداوم انقلاب اسلامی و پیشرفت اصلی در حوزه مادی و معنوی به شمار می‌روند. طبق بیانات مقام معظم رهبری، «یک تمدن به صرف داشتن ماشین، صنعت و ثروت نبایستی قضاوت و تحسین شود، بلکه آن‌ها ابزاری است برای اینکه بخش رشد انسان‌ها تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید و امنیت زندگی کنند، حرکت کنند و تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند. اگر در بخش اصلی، پیشرفت صورت نگیرد، پیشرفت‌های بخش ابزاری نه می‌توانند ما را رستگار کنند، نه می‌توانند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشند؛ همچنان‌که در جوامع غربی به این آفت دچار شده‌اند و مبتلا به بی‌هدفی و پوچی و ناامیدی و عدم امنیت در اجتماع و خانواده هستند. اگر جامعه به ثروت و قدرت مادی دست یابد، به یک حیوان سیر و قدرتمند تبدیل می‌شود. بنابراین اصل همان سبک زندگی است که مشتمل بر مسائل قلمروهای خانواده، ازدواج، مسکن،

لباس، مصرف، خوراک، تفریحات، خط، زبان، کسب و کار، رفتار کاری، رفتارهای اجتماعی، رفتارهای سیاسی، رفتارهای رسانه‌ای، سفر، نظافت و طهارت و... می‌باشد که در اصطلاح اسلامی به آن‌ها عقل معاش گفته می‌شود و در قرآن و کتب حدیثی اصیل و مهم توصیه‌های فراوانی در این باره به چشم می‌خورد.» (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>)

##### ۵. آسیب‌شناسی سبک زندگی در ایران

از زمان قاجار به بعد به سبب ورود مدرنیته به ایران و تأثیرپذیری از فرهنگ و اندیشه غربی دگرگونی‌هایی در عرصه فرهنگی کشور رخ داد و بعضی از ارزش‌های خانواده فراموش شده یا رنگ باخت و در پی آن برخی ضدارزش‌ها که سنخیتی با جایگاه مقدس این نهاد ندارند، وارد خانواده‌ها شد (جوکار، ۱۳۹۱، ۱۹۱). با وقوع انقلاب اسلامی از سرعت این تحولات کاسته شد، ولی پس از گذشت سال‌های ابتدایی انقلاب مجدداً این تغییرات با سرعت نسبتاً بالایی آغاز شده و ادامه یافت. سبک زندگی امروز ما با گذشته با تأکید بر دو محور امکانات زندگی و روش‌های آموزشی تفاوت بسیار کرده و آسایش، آرامش و نیاز مبتنی بر این نوع سبک زندگی بیشتر غربی و برگرفته از فرهنگ غربی است، که در رسانه‌ها تبلیغ می‌شود. بالارفتن سن ازدواج و عدم تمایل به داشتن همسر و از طرف دیگر گرایش به تنوع طلبی در همه امور از استفاده از وسایل مادی گرفته تا نوع گرایش به ارزش‌های غیر مادی مبتنی بر سبک زندگی غربی است. سبک زندگی، زاویه نگاه ما را تغییر داده است. در این نوع سبک زندگی، نیازهای ما پابرجاست منتهی به ولع تبدیل شده است. همچنین می‌توان گفت که منبع معتبری از سبک زندگی ایرانی اسلامی که هم بر الگوهای عملی توجه داشته باشد و هم مبانی نظری را موشکافانه طرح کرده باشد، موجود نیست. با مطالعه سبک زندگی امروز و مقایسه با سبک زندگی دیروز متوجه می‌شویم، رابطه همه گزاره‌ها در سبک زندگی دیروز هماهنگ و به اندازه بوده است. برای همین بسته به امکانات آن روز، آسایش و آرامش برقرار

بود و نیازهای واقعی نیز از راه های طبیعی آن پاسخ داده می شد، اما امروز سبک زندگی از تقارن و همگونی خارج شده است (آقای نوروزلو، ۱۳۹۲، ۷۳۴-۷۳۲).

#### ۶. لزوم مبارزه با سبک زندگی غربی و مروجان آن

باطن فرهنگ غربی عبارت است از سبک زندگی مادی و گناه‌آلود. فرهنگ غربی، ذهن‌ها و فکرها را مادی کرده و هدف زندگی را به کسب پول و ثروت فرومی‌کاهد. اصل اصالت لذت و اصالت منفعت به‌عنوان دو اصل اساسی جاری در زندگی مردم مغرب‌زمین بر اساس مفاهیم فلسفه اومانیسم تعریف می‌شود. سبک زندگی غربی معمولاً با سنت‌گریزی، دین‌گریزی و طلب لذت آنی همراه است و روابط جنسی، ورزش و رسانه جلوه‌گاه‌های مهم آن هستند (ابوتربیان، ۱۳۹۳، ۹۶). جامعه غربی در درون خودش، در حال تهی شدن و پوک شدن است و بحران‌ها و چالش‌های بزرگی که اکنون جامعه غربی با آن‌ها مواجه است و آن را در معرض فروپاشی و انحطاط قرار داده است، در عمل نشان می‌دهد که غرب در مقام جامعه‌پردازی و تدبیر زندگی اجتماعی، شکست خورده و هرگز استحقاق الگو واقع شدن ندارد. دشمنان نظام با هدف به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی سعی کرده‌اند با ترویج سبک ناسالم زندگی غربی در جامعه اسلامی دست به اقدام بزنند. مروجان سبک زندگی غربی تحت عناوینی چون تحول شخصیت ایرانی، به هدف خود تصریح کرده‌اند. آموزه‌های اسلام ناب در تقابل مستقیم با فرهنگ‌های منحط غربی قرار دارد آموزه‌هایی که رنگ و بوی آخرتی داشته و ساده‌زیستی و همدلی را تبلیغ می‌کند تمام نقشه‌های فرهنگ غربی را نقش بر آب می‌نمایند. اگرچه خانواده اسلامی این توان و ظرفیت را دارد که با پیروی از آموزه‌های بی‌بدیل اسلام از این چالش‌ها عبور کند و تهدیدها را تبدیل به فرصت کند، ولی با توجه به گستره هجوم نظام سلطه علیه اسلام و آرمان‌های اسلام خطر تأثیرگذاری فرهنگ غربی زیاد است.

آنچه که رهبر انقلاب در بیانیه در توصیه هفتم خود بدان توجه کرده‌اند، ترویج سبک زندگی غربی است؛ یعنی ایشان از ناحیه تبلیغ شدن و اشاعه یافتن سبک زندگی غربی در جامعه،

احساس تهدید و نگرانی می‌کنند و نسبت به آن هشدار می‌دهند. در نتیجه بایستی راه‌ها و روش‌های گسترش یافتن سبک زندگی غربی را شناخت و تا بتوان چاره‌یابی و علاج‌اندیشی کرد. تغییر سبک زندگی امر ساده‌ای نیست و بردباری و پشتکار می‌طلبد. به تعبیر امام علی علیه السلام جابه‌جا کردن عادت‌ها دشوارترین سیاست‌هاست (آمدی، ۱۳۶۶، ۳۳۱). اصلاح سبک زندگی امری تدریجی است و بسیار کند تغییر می‌یابد و صبوری و بردباری ویژه‌ای می‌طلبد. به عنوان مثال پیدایش سبک معماری اسلامی بلافاصله پس از بیان آموزه‌های اسلام درباره‌ی اهمیت مسجد، نماز جماعت، تکریم میهمان، همسایه‌داری و اخلاق اجتماعی و شهروندی نبود، بلکه در طول سال‌ها آرام آن آموزه‌ها در سبک معماری مسلمانان نمود یافت. ترک عادات نادرست شراب‌خواری در صدر اسلام نیز به صورت تدریجی و مرحله به مرحله انجام شد (شریفی، ۱۳۹۴، ۱۰).

#### ۷. راهکارهای مقابله جهادی و هوشمندانه با ترویج زندگی غربی

مقابله با ترویج سبک زندگی غربی تجویزی مبتنی بر پیش فرض مهم و بنیادین قائل بودن به امکان مقاومت است. می‌توان در برابر تجدد جهانی شده ایستاد و مقابله کرد. ذکر این نکته قابل توجه است که حضرت امام خامنه‌ای در توصیه هفتم خود در بیانیه‌ی گام دوم مبنی بر سبک زندگی، شرح مفصلی مانند بندهای قبل ارائه نکردند و تنها به خطر و زیان‌های ناشی از ترویج سبک زندگی غربی و لزوم مقابله‌ی جهادی، همه‌جانبه و هوشمندانه با آن پرداختند. بنا به فرموده‌ی امام خامنه‌ای مسئولیت اصلی این جهاد، برعهده‌ی جوانان است. جوانان به عنوان نیروهای پیشران حرکت انقلاب، اگر خود به رعایت سبک زندگی دینی ملتزم باشند، جامعه را هم دنبال خود حرکت خواهند داد. سبک زندگی در ارتباط با جوانان از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

در مورد تغییر سبک زندگی ملت ایران، عوامل داخلی و خارجی بسیار مهم و تأثیرگذار هستند. این عوامل در زمینه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... اثرگذار هستند. مهم‌ترین راهکارهای تحقق و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی و زدودن

سبک نامطلوب رفتاری مقابله با تغییر سبک زندگی اسلامی و ترویج فرهنگ و سبک زندگی غربی با استناد به قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام شامل موارد زیر می باشد:

#### ۱.۷. تقویت اعتقادات و باورهای دینی و اسلامی

در جامعه اسلامی آموزه‌ها و مؤلفه‌های سرچشمه گرفته از دین اسلام که ارکان هویت فردی و نهادهای اجتماعی را تشکیل داده و بر حفظ کرامت و شرافت انسان‌ها تأکید دارند. برای پیاده کردن سبک زندگی اسلامی باید به بنیادها و زیرساخت‌های فکری و معرفتی آن توجه کرد و این باور بنیادی و زیرساخت سبک زندگی اسلامی توحید است، به این معنی که همه ی رفتارها و مؤلفه‌های زندگی فرد بایستی بر بستر توحید تنظیم شوند. ایمان، اعتقاد به یگانگی خدا و نگرش به زندگی در پرتو اعتقاد و باور به معاد، از مهم‌ترین عوامل برای سبک زندگی انسان و جامعه انسانی می باشد. در این زمینه تقویت اعتقادات دینی و مذهبی نهادهای اجتماعی و دولتی و قوی تر کردن برنامه‌های فرهنگی مورد نیاز است.

#### ۲.۷. روزآمد سازی آموزه‌های اخلاقی و افزایش معنویت

اخلاق و معنویت، جهت دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است. حضرت آیت الله خامنه‌ای یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی و از برکات بزرگ آن که به عنوان معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو یاد می کنند را رشد و افزایش چشمگیر فضای اخلاقی و معنوی جامعه می دانند و در بیانیه گام دوم می فرمایند: «رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد.»  
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673> طبق اصول و هدف انقلاب اسلامی بایستی حیات طیبه و منش اسلامی و اهل بیت علیهم السلام در جامعه برقرار شود. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می آورد. رشد اخلاقی و معنوی جامعه نیازمند جهاد و تلاش است و با دستور و فرمان به دست نمی آید، در نتیجه حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت و زور ایجاد کنند، اما در گام اول

خود افراد حکومت بایستی منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و بعد از آن زمینه را برای رواج اخلاق و معنویت در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول مبارزه کنند.

### ۳.۷. افزایش نشاط و معنویت در جامعه

تفریح و نشاط از نیازهای اساسی انسان محسوب می‌شود و گزینش روش‌های ابراز شادی و نشاط ارتباط بسیار نزدیکی با سبک زندگی افراد دارد. شادی و نشاطی که در اسلام مورد تأکید است با هدف خلقت و با کمال نهایی منافات ندارد. اسلام مصداق شادی‌های پایدار و زوال‌ناپذیر را راز و نیاز عاشقانه، دعا و نیایش با شور و حال، نماز با حضور قلب، کمک به انسانی افتاده، نوازش یتیمی غمگین، سیرکردن گرسنه‌ای بینوا، دیدار بستگان، گفت‌وگو با دوستی صمیمی، ابراز عشق به همسر و فرزندان، ایجاد سرور در دل‌ها و... معرفی کرده است. در قرآن و روایات اسلامی، به برخی از عوامل نشاط‌آور و شادی‌آفرین مانند: سیر و سفر، تفریح و تفرج، ورزش و دیدار دوستان، مشاهده طبیعت و طلوع و غروب خورشید با دید بسیار مثبت نگریسته شده است. تأکید اهل بیت علیهم‌السلام و پیشوایان دینی به آموزش برخی از ورزش‌ها به فرزندان و برشمردن ثمرات و فواید سیر و سفر و تفریح، دلیلی قطعی بر مطلوب بودن آن‌ها در دین است. با راهنمایی منابع دینی می‌توان شادی و نشاط واقعی را از شادی‌های کاذب و زودگذر بازشناخت و بر دولتمردان جامعه اسلامی واجب است که فضای جامعه را به گونه‌ای طراحی کنند تا امکان پرداختن به شادی و نشاط فراهم شود.

### ۴.۷. تغییر نگرش و باورها

مهم‌ترین راهکار اصلاح یا تغییر سبک زندگی تقویت جهان‌بینی و اصلاح باورها و ارزش‌هاست. بایستی از تغییر بنیادی مبانی فکری خانواده‌ها و سست شدن بنیادهای اسلامی و ایرانی در شرایط امروز جلوگیری کرد. از طرف دیگر انسان بایستی برای تربیت عقل و نفس خود، ابتدا از ادب ظاهری شروع کند. ادب ظاهری، اثر تربیتی خود را در نفس و قلب انسان خواهد گذاشت. از آنجایی که تعلقات و تلقیات انسان از رفتارهای خوب و بد او اثر می‌



پذیرد، می‌توان گفت اصلاح و تغییر تمایلات و اندیشه‌ها می‌تواند بواسطه‌ی رفتارهای ظاهری صورت بگیرد. تأثیر عمل بر باور، قطعی و اجتناب‌ناپذیر است.

#### ۵.۷. خودشناسی و تقویت شخصیت

از مهم‌ترین علت‌های بروز رفتار ضد فرهنگ این است که فرد به جایگاه خود آگاهی نداشته باشد و کرامت و شخصیت خود را قدر ندارند. امام هادی علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که خود را سبک بشمارد از شر او در امان نباشند.» (حرانی، ۱۴۰۴ ق.، ۴۸۳). اگر فرد یا جامعه به جایگاه و ارزش خود آگاه نباشد، خود را کوچک شمرد و شرافت و کرامت خود را نشناسد، از انجام دادن رفتارهای نامطلوب و ناپسند ابایی ندارد. در مقابل کسانی که جایگاه و شأن خود را می‌شناسند، کمتر در پی خواست‌های شخصی خویش هستند. امام خامنه‌ای در بیان ضرورت توجه به خودسازی اولین و مهم‌ترین قدم خودسازی را نگاه اعتقادی به خود و به اخلاق و رفتار خود می‌داند. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

#### ۶.۷. رهایی از فرهنگ غرب و تقویت روحیه خودباوری

کشورهای دشمن برای استیلای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از راه جنگ نرم وارد کشورهای هدف می‌شوند. برای این ورود از شیوه‌ها، تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و ابزار خاصی استفاده می‌کنند. باید توجه کرد که این مسأله یعنی تفوق و سلطه فرهنگی به تغییر در باورها، اندیشه و آداب و فرهنگ مردم منجر خواهد شد که از تهدیدات اساسی به‌شمار می‌رود. بهترین منفذ و مجرای نفوذ برای امپریالیزم فرهنگی، تغییر در شیوه و نحوه زندگی افراد است و این شدنی نیست، مگر این‌که تغییر در فکر و اندیشه به‌وجود بیاید؛ چراکه تغییر در فکر و اندیشه، تغییر در رفتار را به‌وجود خواهد آورد و تغییر در رفتار، تغییر در سبک زندگی را باعث خواهد شد. بایستی در این حرکت پیچیده دشمن، دامنه تأثیرات تهدیدهای نرم را شناخت. به عبارتی میزان موفقیت دشمن در این کارزار فرهنگی و اجتماعی را سنجد و برای مقابله با آن برنامه‌ریزی کرد. در این مسیر بایستی اثرپذیری از فرهنگ غربی به‌ویژه روشنفکران غرب‌زده کاهش یابد. پذیرش محض و تسلیم در برابر مبانی

فرهنگی و اعتقادی غرب ضرر آفرین است و برنامه ریزی مدون و برقراری استراتژی فرهنگی در مقابله با سبک زندگی غربی لازم است. همچنین فراگیری نظریات دانشمندان غربی و عمل به نظریات مستشرقین غربی در مواردی ضروری به نظر نمی رسد و خطر آفرین است.

۷.۷. ترویج عزت فرهنگی رواج دادن روحیه عزتمندی و غیرت دینی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی

برای نهادینه کردن سبک زندگی اسلامی و مبارزه با روش غلط، لازم است مسلمان معتقد در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی اصل تولی و تبری را مراعات کند و محبت خود به پیامبر صل الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم‌السلام و همچنین ولایت‌پذیری خود را در عرصه‌های مختلف زندگی نشان دهد.

۷.۸. عرضه آموزش‌های کاربردی و مصداقی

علت برخی رفتارهای نادرست نداشتن آگاهی و بینش صحیح درباره آن رفتار است. لازم است بینش صحیح و آگاهی به مردم داده شود و مردم برای فهم خوبی‌ها و بدی‌ها آموزش داده شوند. طبق شیوه تربیتی پیامبران و اولیای الهی دقیق‌ترین رفتارها و مصداق‌ها در گفتار و کردار ائمه بیان شده است. اسلام حکم هیچ مسئله‌ای فروگذار نشده و کوچک‌ترین مسائل بیان شده است. برای داشتن سبک زندگی اسلام پسند باید به آموزش‌های کاربردی و مصداقی روی آورد و مصداق‌های جزئی اصول کلی را بیان کرد. آموزش مصداقی و کاربردی از دشوارترین آموزش‌ها و تخصص‌ها است و به سطح بالایی از دانش نیاز دارد.

۷.۹. تربیت از راه معرفی الگوها و برجسته کردن الگوهای اخلاقی، ملی و دینی

رفتارشناسی اجتماعی انسان‌ها نشان‌دهنده این هست که انسان‌ها به شدت تقلید‌گرا هستند و تا حد زیادی در رفتار خود متأثر از دیگرانند. مبلغان دینی و علاقه‌مندان به اصلاح فرهنگ عمومی و شیفتگان تحقق سبک زندگی اسلامی باید از این روحیه استفاده کرده و الگوهای ناب و اصیل و فرهنگ‌سازی و تربیت اجتماعی را معرفی کنند. الگوی کامل سبک زندگی دینی و الهی وجود مقدس پیامبر اعظم (صلوات‌الله‌علیه) و ائمه علیهم‌السلام هستند.

خدای متعال از خلق و خوی پیامبر در آیه‌ی چهارم سوره‌ی قلم<sup>۱</sup> با تعبیر خلق عظیم و بزرگ یاد می‌کند و همچنین او را الگوی نیکو برای بشر معرفی می‌کند<sup>۲</sup>. امام علی علیه السلام در خطبه ۹۷ نهج البلاغه می‌فرماید: «به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند بروید، پی آن‌ها را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتشان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند بایستید، اگر برخاستند برخیزید، بر آن‌ها پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آن‌ها پس نمانید که تباه می‌گردید.»

#### ۱۰.۷. توجه به مناسبت‌های مذهبی و زنده نگاه داشتن شعائر

اسلام و سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام ظرفیت‌های لازم برای عرضه سبک زندگی متناسب با شرایط فعلی را دارد و می‌تواند سبک زندگی متعالی و انسانی را در اختیار بشر قرار دهد. البته به این معنا نیست که باید در شکل و صورت زندگی صدر اسلام متوقف بمانیم، بلکه این نوع نگاه‌های افراطی متحجران با روح دعوت اسلامی و با سیره زندگی ائمه ناسازگار است. مسئولان و مردم وظیفه دارند با زبان جدید برای نسل جوان نسبت به تدوین برنامه‌های بزرگداشت مناسبت‌های ملی و مذهبی اقدام کنند و ضمن برگذاری مناسبت‌ها و یادواره‌های شهدا درک نیاز روحی و فکری جامعه به ویژه جوانان و نسل جدید و استفاده از شیوه‌های نوین تبلیغاتی را در اولویت برنامه‌ریزی‌های خود قرار دهند.

#### ۱۱.۷. توجه ویژه به دعا و نماز

اقامه نماز از شاخص‌های مهم سبک زندگی اسلامی است. نماز مهم‌ترین رکن دین بیان شده است و اهمیت آن تا جایی است که قبولی آن شرط قبولی سایر اعمال است (نوری طبرسی ۱۴۰۷ق.، ۳/۵۴). از منظر امام رضا علیه السلام هیچ عملی برتر و ارزشمندتر از نماز نیست، زیرا بهترین راه برای رسیدن به قرب الهی است، آنجاکه می‌فرماید: «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلِّ تَقِيٍّ» (حر عاملی ۱۴۰۳ق.، ۴/۴۳). علاوه بر این نماز روح انسان را در برابر سختی‌ها

۱.. «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٍ.» (قلم، ۴).

۲.. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا.» (احزاب، ۲۱).

مقاوم می‌کند همان‌طور که خداوند در سوره معارج آیات ۱۹ تا ۲۳ می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا. إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا. وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا. إِلَّا الْمُصَلِّينَ. الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ.» پروفیسور توماس هاوس در این باره می‌گوید: «نماز بهترین وسیله‌ای است که تاکنون برای توسعه اطمینان و تسکین اعصاب و آسایش و نشاط شناخته شده است و به عبارت دقیق‌تر مهم‌ترین وسیله‌ی آرامش در روان و اعصاب نماز است.» (صادقی اردستانی، ۱۳۴۷، ۲۳). این موارد حاکی از آثار نماز در سبک زندگی اسلامی است و نکته مهم این است که نماز با همان مبانی نماز مطلوب اقامه شود. دعا سلاح مؤمن و ستون دین و روشنایی آسمان و زمین است. امام رضا علیه السلام همواره به اصحاب خود می‌فرمودند: «بر شما باد به سلاح انبیا. پرسیدند: سلاح انبیا چیست؟ فرمودند: دعا.» (کلینی، ۱۴۰۷، ق. ۴۶۸).

#### ۱۲.۷. توجه ویژه به دوران کودکی

ارزش‌ها و هنجارهای یک نظام اجتماعی زمانی به خوبی در وجود کنشگران درونی و نهادینه می‌شوند که در زمان مقتضی عمل شده باشد. بر اساس تحقیقات حوزه روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی غالب نگرش‌های افراد در دوران خردسالی و کودکی شکل می‌گیرد. بنابراین باید کانون توجه را متوجه این دوران کرد، زیرا که بستر مقتضی برای نهادینه کردن سبک زندگی براساس فرامین الهی در این سنین فراهم است. هرچقدر بتوان در این بازه سنی بهتر عملکرد می‌توان آینده را کنترل و هدایت کرد.

#### ۱۳.۷. اطلاع‌رسانی صحیح و درست

بسیاری از موارد در سبک زندگی اسلامی وجود دارد که مخاطبان از آن‌ها بی‌خبرند، یا آگاهی چندانی ندارند. بنابراین انتظار چندانی از مخاطب نمی‌توان داشت. چراکه در زمینه تبلیغات و شفاف‌سازی پیرامون این موضوع به‌درستی بایستی عمل شود.

#### ۱۴.۷. اهمیت به سبک تعلیم و تربیت

در هیچ مکتب و آیینی به اندازه اسلام به مفهوم تعلیم و تربیت پرداخته نشده است. این سنت در سیره و زندگی پیامبر اسلام و ائمه علیهم السلام به روشنی پیداست که از این راه به آگاهی

دانایی و کسب علوم حتی در سرزمین‌های دوردست تاکید فراوان شده است. گنجاندن منابع و محتوای اسلامی به صورت کاربردی و جذاب در برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها لازم است. امام خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید: «از لحاظ علمی خودتان را پیش ببرید شما می‌خواهید ستونی باشید که مدنیت ایران بر روی این ستون‌ها سر پا بایستد.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3381>، ۱۳۸۶/۰۲/۱۹).

یکی از کارهایی که در این حیطة باید انجام گیرد، پالایش متون غربی در حوزه علوم انسانی است. اسلامی‌سازی علوم انسانی و تأسیس علوم انسانی اسلامی بیان‌کننده اهمیت جایگاه اساتید، دانشجویان و طلاب علوم دینی در طرح ریزی و وجه اسلامی سبک زندگی می‌باشد. در برنامه‌های کوتاه مدت می‌توان از ذخایر علمی که فراهم گشته استفاده کرد و با تجمیع پژوهشگران و پژوهش‌های آنان در زمینه علوم انسانی اسلامی به اسلامی‌سازی علوم انسانی به مفهوم پیش‌گفته و تدوین الگوی اسلامی پرداخت و در برنامه‌های میان‌مدت با تعریف و برگزاري دوره‌های دکترا و فوق‌دکترای پژوهشی برای دانشجویان و طلاب علوم دینی در جهت تعمیق اسلامی‌سازی علوم انسانی موجود در برنامه کوتاه مدت و آسیب‌شناسی پژوهش‌های موجود و تشخیص موضوعاتی که پژوهش در آن‌ها ضعیف یا نادر است، و نهایتاً در برنامه‌های بلندمدت تشکیل گروه‌های پژوهشی فلسفه علوم انسانی از بین پژوهشگران، در این راهبرد با شناسایی محققان کلیدی در هر رشته به تشکیل گروه‌های پژوهشی در آن زمینه اقدام شود. بدین ترتیب در طول برنامه بلندمدت به تعمیق و وجه اسلامی‌تئوری‌ها در علوم انسانی و به موازات آن تعمیق وجه اسلامیت سبک زندگی پرداخته و به تدریج به نتیجه مطلوب دست می‌یابیم. افزون بر این نیروهای علمی و اجرایی لازم برای تحقق سبک زندگی اسلامی تربیت می‌شوند (آقای نوروزلو، ۱۳۹۲، ۷۴۰).

## ۱۵.۷. علم‌آموزی جهادی

پیشرفت در عرصه علمی جز با حضور جوانان فعال امکان پذیر نخواهد بود. آنچه نگاه

جدی به نخبگان را به عنوان یک فریضه غیرقابل اجتناب بر همه مسئولان لازم می کند، تبدیل کشور ایران به کشوری پیشرفته، قدرتمند، شریف و صاحب حرف نو در مسائل بشری و در مسائل بین‌المللی و برافرازنده‌ی پرچم تمدن نوین اسلامی می باشد. پرداختن به علم و دانش در حوزه قدم برداشتن برای پیشرفت کشور و ایجاد تمدن اسلامی انقدر دارای اهمیت است که قبل از هر توصیه دیگری حضرت آقا به این مهم سفارش فرمودند. با تلاش جوانان در عرصه علمی و به پشتوانه تربیت جهادی جوانان می توان با برخورداری از روحیه ولایت مداری و مجاهدت در راه خداوند و تحقق آرمان های الهی و با اتحاد و یکپارچگی و در نظر گرفتن شرایط و امکانات و فرصت ها زمینه را برای برپایی تمدن اسلامی فراهم آورد.

#### ۱۶.۷. توجه به خواسته های جوانان

توجه و پاسخ گویی به نیازهای جوانان و همچنین تربیت جهادی جوانان پیش برنده، جهت بخش و همراه با چشم انداز روشنی است که نه تنها در تراز انقلاب اسلامی و منویات بنیان گذار کبیر آن قرار می گیرد، بلکه می تواند تحقق بخش اهداف و آرمان های متعالی نظام اسلامی در سطح تمدن جهانی باشد. از جمله راهکارها می توان به موارد زیر اشاره کرد: ایجاد زمینه برای شکوفایی استعدادها و تلاش و فعالیت نسل جوان، نظارت والدین بر رفتار فرزندان، شناخت والدین از نیازهای دوره جوانی، شناخت ضرورت مراقبت و آگاهی در گروه سنی نوجوان و...

#### ۱۷.۷. توجه به رسانه و فضای مجازی

در دنیای امروز با توجه به فراگیر شدن وسایل ارتباط جمعی و گسترش ابزارهای رسانه‌ای، علاوه بر گسترده شدن امپریالیسم خبری و جهانی سازی فرهنگ غربی تحت عنوان لیبرال - دموکراسی، شاهد هدف قرار گرفتن زندگی خصوصی و کانون های خانوادگی هستیم. تأثیر مخرب شبکه های مجازی بر شاخص های مختلف زندگی افراد جامعه به وضوح مشاهده می شود. یکی از پیامدهای منفی رسانه ها و فضای مجازی، تحت فشار قرار گرفتن دین و اعتقادات مذهبی، به ویژه در رفتار و سبک زندگی بر اساس آموزه های اسلامی است. در اثر

تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی، زندگی تابع مصرف گرایی شده و تمایل به ایمان معنوی و رشد فرهنگی بر مبنای آموزه‌های اسلام تضعیف شده و بسیاری از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی به چالش کشیده شده است. در رسانه‌های نوین به محتوای دینی بهایی داده نشده و بر ظواهر دین تأکید می‌شود. در نتیجه، به ابعاد درونی دین که به ترویج سبک زندگی اسلامی منجر می‌شود، اشاره نشده و به سطوح و ظواهر دین و تربیت دینی بسنده می‌کنند که سبب می‌شود افراد در برابر تهاجمات فرهنگی بیگانگان، به زودی از پا درآیند و گرفتار از خودبیگانگی فرهنگی شوند. در حال حاضر، فضای مجازی به تهدید مبدل شده است؛ در صورتی که می‌تواند یک فرصت به شمار بیاید؛ به شرط اینکه با سیاست از قبل تعیین شده با آن برخورد شود. دستگاه‌های حکومتی، اشخاص و نهادهای غیرحکومتی از جمله حوزه علمیه در مورد این موضوع وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و مسئولانه انجام پذیرد. از طرفی بایستی اذعان داشت که رسانه با توجه به ویژگی گفتمان و در اختیار داشتن رسانه در فرایند تربیت دینی، می‌تواند به نهادینه کردن و ترویج سبک زندگی اسلامی کمک کند. همان‌طور که عضویت در شبکه‌های اجتماعی متأثر از فرهنگ غرب می‌تواند تأثیرات ویرانگری بر روح جوان ایرانی بگذارد عضویت در شبکه‌های بومی و دارای گرایش ارزشی می‌تواند باعث بالندگی جوانان شود با فعالیت‌های هدایت‌شده و مستمر در شبکه‌های اجتماعی موجود و با محور قرار دادن دوست‌یابی‌های سالم، دانش‌افزایی، کاریابی، سرگرمی‌های مفید و رشد دینی می‌توان از ظرفیت این شبکه‌ها در ترویج فرهنگ اسلامی استفاده کرد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۴۳). رسانه اسلامی با خلق کتاب‌ها، فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای، به خلق اسطوره تربیت دینی پرداخته، با تبعیت از سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و ارائه تصویری از سبک زندگی آن‌ها، به ارائه الگو می‌پردازد. رسانه اسلامی با ارائه برنامه‌های مفید و شاد به معرفی و ترویج سبک زندگی اسلامی مبادرت می‌ورزد و بیننده را در صورت خستگی از مطالعه یا کار روزانه، از امکانات تفریحی قابل دسترس در رسانه بهره‌مند می‌سازد. رسانه اسلامی با بمباران اطلاعاتی در زمینه تربیت اخلاقی و دینی افراد جامعه، بدون

اینکه نیازی به حضور فیزیکی فرد باشد، تعالیم دینی و ارزشی مساجد، از جمله مؤلفه های سبک زندگی اسلامی را به او می آموزد. در نتیجه از آنجایی که تکنولوژی پذیرفته شده است و زندگی ما سرشار از استفاده آن است، بایستی از فرآورده های علمی آن بهره برد اما فرهنگ، تفکر، نقاب و بینش سکولار محور آن نباید انسان را تحت تأثیر قرار دهد.

تقویت رسانه های داخلی در ترویج، تبلیغ و شناساندن فرهنگ و سبک زندگی اسلامی و همچنین توجه جدی به مبانی فکری رسانه های غربی و اهداف آن ها از ترویج سبک زندگی غربی لازم است. مدیران رسانه و به ویژه برنامه سازان نقش کلیدی در فهماندن و ایجاد مدل و الگو در جامعه دارند. بایستی این افراد به ایجاد برنامه هایی بپردازند که نه تنها بستری برای گسترش فرهنگ و الگوی غربی نشود، بلکه با استفاده از متفکران و دانشمندان در عرصه فرهنگ اسلامی به ساخت و ارائه برنامه های همت گمارند که الگوهای فرهنگ بومی و دینی را تقویت و پاسداری کنند.

#### ۱۸.۷. توجه ویژه به نهاد خانواده

توجه به سبک زندگی خانواده برتر از دیدگاه اسلام و قرآن به دلیل ارائه قوانین جامع و قابلیت تطبیق با نیازهای بشر اهمیت دارد. خانواده، به عنوان مؤثرترین عامل برای رسیدن به سبک زندگی اسلامی است و عناصر دیگری مانند: روحانیت، مساجد و مراکز دینی، کتب و نشریات، نهادهای اجتماعی، ابزارهای جدید ارتباطی، هنرمندان، ورزشکاران، صدا و سیما و نهادهای آموزشی در رتبه های بعدی قرار می گیرند. با توجه به اینکه خانواده، مهمترین نقش را در تحقق سبک زندگی اسلامی دارد، اگر سیاستگذاران و مسئولان جامعه درصدد برنامه ریزی برای تحقق سبک زندگی اسلامی در کشور هستند، باید ابتدا و قبل از هر چیز روی خانواده سرمایه گذاری نمایند. همچنین، به لحاظ فردی نیز اگر هر فردی، از خانواده خود، فعالیت را شروع کند و درصدد اسلامی سازی آن برآید، کم کم در سایر حوزه ها نیز سبک زندگی دینی رواج پیدا خواهد کرد. در رویکرد ساختاری توصیه می گردد که مواردی همچون اقتدار بخشی به خانواده و حمایت از پدر و مادر و همسر مورد توجه قرار گیرد، در



تسهیل عملکردهای خانوادگی نیز راه‌حل‌های سیستمی و تقویت نهادهای هنجار ساز خانواده به‌ویژه آموزش و پرورش و رسانه در دستور کار جدی قرار گیرند و نهادهای مرتبط با تعلیم و تربیت نظیر آموزش و پرورش آموزش عالی ضمن توجه به فرهنگ کار و تلاش نوع محتوای آموزشی و تنوع آموزش خود را در جهت مهارت‌آموزی و توانمند کردن فرزندان جهت ایفای نقش خود در زندگی خانوادگی و اجتماعی قرار دهند و آن‌ها را به معارف اسلامی تشویق و ترغیب نمایند (دالوندی، ۱۳۹۱، ۳۳۲). افزایش نقش تربیتی والدین، انتقال دادن عالمانه مبانی اعتقادی بین نسل‌ها، مدیریت صحیح خانواده و تقویت آموزش‌های مربوط به این نهاد، تقویت مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده، برخورد با گسست نسلی خانواده‌ها، تقویت عزت جوانان، تقویت جریان معنویات در زندگی خانواده محور، ازدواج به موقع، کنترل غرائز و توجه به تربیت صحیح فرزندان از جمله راهکارها در این زمینه می‌باشد. توجه به سبک زندگی خانواده برتر از دیدگاه وحیانی قرآن به دلیل ارائه قوانین جامع و قابلیت تطبیق با نیازهای روزانه و موارد مشابه اهمیت دارد.

#### ۱۹.۷. توجه به سبک زندگی زن ایرانی اسلامی

زنان سلول‌های حیاتی جامعه‌اند و قطعاً بانوان به عنوان افراد دارای نقش همسری و مادری از تأثیرگذارترین افراد در رشد و اصلاح جامعه می‌باشند. زن بی سواد و بی مهارت، نمی‌تواند فرزندان متناسب نسل امروز تربیت کند. حفظ کرامت زن در جامعه و همچنین حفظ عزت خانوادگی وی برای به انجام رساندن وظایف اجتماعی و محفوظ ماندن حقوق اجتماعی و خانوادگی به عنوان یکی از مسائل اساسی مطرح است. به طور کلی سبک زندگی زن اسلامی برگرفته شده از آیات، روایات، سبک زندگی حضرت فاطمه علیها السلام می‌باشد و حوزه علمیه خواهران و به خصوص بانوان طلبه می‌توانند پرچم دار این الگو برای زنان جامعه اسلامی باشند. از جمله راهکارها موارد زیر می‌باشند: رعایت حجاب و عفاف، رعایت کردن سبک زندگی پیامبران و ائمه با زنان، عدم نگرش ابزاری به شخصیت زنان، توجه به محدودیت برخی از شغل‌ها برای زنان و دانش چرایی آن و... باید به نقش زنان در فرآیند تربیت فرزندان،

ایجاد آرامش و محبت در خانواده ارزش‌گذاری بیشتری صورت گیرد.

#### ۷.۲۰. بالا بردن حد زادوولد در جامعه

جمعیت عاملی مؤثر در شکل دهی به قدرت کشورها در ابعاد گوناگون وجودی بویژه در حوزه های اقتصادی، سیاسی و امنیتی مطرح می باشد. در هر حکومتی نیروی جوان و کارآمد و برخورداری از نیروی انسانی کافی و مناسب از بزرگ‌ترین نقاط قوتی است که دولت‌ها بایستی در جهت تامین آن و برآوردن نیازهای آنان تلاش کند. نکته مشترک در آموزش‌های کلی ادیان سفارش و ازدیاد پیروان و آوردن اولاد است. نه تنها این اسلام بلکه تمامی ادیان آسمانی پیروان خود را با افزایش جمعیت باایمان و شایسته و به اندازه‌ای که در توان آنان باشد فرامی‌خوانند. در قرآن آیات متعددی وجود دارد در مورد فرزندان که از مجموع آنان چنین برداشت می‌شود که فرزندان نعمت‌های الهی نزد والدین هستند و چون سایر نعمت‌های الهی هم می‌توان با استفاده صحیح از آن‌ها در مسیر تکامل و هدایت از آن‌ها بهره‌جست و هم می‌توان با عدم استفاده صحیح از آن‌ها خود و آن‌ها را به خاک مذلت نشانند<sup>۱</sup>. نکته مهم و اساسی که در قرآن کریم وجود دارد توجه به زادوولد انسان‌ها شایسته و مؤمن است. آنچه که اهمیت دارد افزایش تعداد جمعیت نیکوکاران و صالحان است. رسول خدا ﷺ فرمودند: «نسل خود را زیاد کنید که من به زیادی نسل شما در قیامت افتخار می‌کنم.» (آمدی، ۱۳۷۵ق.، ۴۳۷). راهکارها در این زمینه عبارتند از: تولید نسل و تربیت آن در خانواده، فرهنگ‌سازی خانواده در زادوولد و ترکیب گروه سنی جمعیت جامعه، معافیت از مالیات و عوارض برای خانواده‌های دارای دو فرزند به بالا.

خانه‌های مجردی جامعه در حال مربوط به بالا رفتن سن ازدواج در جامعه و گسترش میل به فردیت و زندگی شخصی و بی‌همسر است. این بیماری غربی در جامعه ما نفوذ کرده و نیازمند راهکار است که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: وجود شرایط احراز برای

۱. «زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَإِ.» (آل عمران، ۱۴).

خانه‌های مجردی، مشارکت مردمی در نظارت رفت‌وآمدهای مشکوک، رعایت حریم همسایگان، عدم تأخیر در ازدواج، انتقال آسان دانشجویان و کارمندان بومی و محل زندگی، توجه به اشتغال بومی، ضابطه‌مند نمودن خانه‌های ملکی و اجاره‌ای برای سکونت، قانون مند نمودن بنگاه‌های مسکن در شیوه اجاره یا فروش به مجردها، تقویت فرهنگ مشاوره در ازدواج و تسهیل ازدواج آسان، ترویج و توسعه خانه‌های اجاره‌ای برای گروه‌های مجرد با نظارت هدفمند (بنائیان سفید، ۱۳۹۴، ۸۴).

#### ۲۱.۷. توجه و گسترش سبک زی طلبگی و روحانیت

با توجه به دوران طولانی طلبگی، روش و اسلوب زندگی طلاب علاوه بر یک الگوی آموزشی برای خود طلاب می‌تواند نوعی از روش زندگی باشد. منش طلبگی و زی روحانیت می‌تواند در میدان دینی، علمی، اجتماعی، فرهنگی و سبک زندگی بر اقشار مردم تأثیر گذار باشد. می‌توان گفت همان گونه که انتخاب طلبگی زیستن مخالف طالبان دنیا و ظواهر آن است، سبک زندگی معنوی و اخلاقی و دینی طلبه در مقابل سایر زندگی‌ها قرار گرفته و حتی می‌تواند به عنوان یک الگو مورد بررسی قرار گیرد. به طور کلی باید گفت که تنها راه نجات بشر امروز از انحطاط و بحران اخلاقی و معنوی، دین داری در اعتقادات، دین مداری در رفتار و دین نهادی در اخلاق است. در این میان مدرسه کشف و تولید و ارائه این مبانی اخلاقی بی‌تردید حوزه‌ها هستند که در حقیقت معارف دینی و اخلاقی را گسترش می‌دهند. به عبارتی تنها راه برون رفت از بحران اخلاقی دنیای امروز، نگاه به جمهوری اسلامی ایران و حوزه‌های علمیه است و حوزه باید در بحث پذیرش و گزینش طلاب مستعد دقت کافی کند و به جای برخورد انفعالی در این قضیه، با عنایت به یک هندسه تعریف شده در برگزاری دوره‌های عمومی اخلاق، به تربیت طلاب فاضل و اخلاق مدار همت گمارد. به عنوان یک راهبرد بایستی بیان کرد که حوزه‌های علمیه باید تلاش کنند تا مردم با فرهنگ اصیل اسلامی آشنا شوند؛ زیرا رو آوردن مردم به برخی فرهنگ‌های غربی به دلیل عدم تمایل آن‌ها به اسلام و سبک زندگی دینی نیست؛ بلکه در واقع یک الگوی اسلامی در دسترس شان نبوده، به

سبک غربی روی آورده‌اند. هدایت فکری و دینی جامعه به واسطه تبیین اندیشه‌های دینی، هدایت سیاسی و بصیرت‌افزایی به واسطه حوزه انقلابی و حضور مستمر در عرصه انقلاب و نیز راهنمایی و حضور هدایت‌گرانه در عرصه خدمات اجتماعی از مهم‌ترین مطالبات از حوزه‌های علمیه می‌باشد.

از آنجایی که در حوزه‌های علمیه، توجه به اخلاق و تربیت طلاب همیشه دغدغه اصلی و محوری در کنار دروس رسمی بوده است، می‌توان از این شیوه برای ایجاد سبک زندگی در سایر اقشار جامعه به شیوه‌ی مطلوب بهره‌برداری کرد.

#### ۲۲.۷. استفاده از سبک معماری عقلانی و منطقی

تأکید قرآن بر این‌که خانه و بیت محل سکونت است و این سکونت بیش از آن که مفهومی فیزیکی داشته باشد، در خود دارای معانی متافیزیکی به معنای سکونت و آرامش روح و روان است ایجاب می‌کند که قالب‌ها و فرم‌های منازل در جامعه اسلامی در جهت تحقق این معانی شکل بگیرند. معماری سنتی ایران تجلی نمادین جهانی ابدی و ازلی است که این جهان را محلی گذرا و واسطه‌ای برای رسیدن به مرتبه‌ای والاتر به منظور وصول به آرامش درونی می‌داند. قرآن در سوره شعراء<sup>۱</sup> در بیان ویژگی‌های برخی تمدن‌های نابودشده می‌فرماید: «آن‌ها خانه‌هایی بسیار مستحکم برای فخرفروشی می‌ساختند و امید داشتند که در آن‌ها جاودان بمانند.» معماری اسلامی به‌عنوان یکی از موفق‌ترین شیوه‌های معماری در تاریخ معماری جهان قابل‌بازشناسی است. راهکارها تقویت و توسعه معماری اسلامی ایرانی و سبک زندگی مترتب بر آن پرهیز جدی از الگوی معماری غربی است که با هویت فرهنگی و مبانی اعتقادی اسلامی هم‌سوایی ندارد. استفاده از کاربرد مصالح بومی در ساخت‌وسازها، استفاده از زیباشناختی و هنر در سبک معماری اسلامی ایرانی، سوق دادن فرهنگ آپارتمان‌نشینی در محرم‌سازی و مصونیت، در نظر گرفتن امنیت و آرامش فردی و اجتماعی در طراحی و ساخت مدارس، مساجد، سینما، پارک و مراکز رفاهی، تبیین تمدن

۱. «أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ. وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ». (شعراء، ۱۲۹-۱۲۸).

سازی معماری ایرانی اسلامی در قرون و ادوار مختلف، بررسی ریشه‌ها و علل کم‌رنگ شدن و بی‌رغبتی به طراحی و سبک معماری اصیل، استفاده از مواد با مقاومت در مقابل زلزله، تدریس در دانشگاه‌های مرتبط با عمران معماری و تلاش در جهت شناسایی مصالح و بررسی مشخصات آن‌ها از نظر مقاومت، زیبایی، بومی و ماندگاری، تشکیل شهرک‌های معماری و نمادین با تنوع و فراوانی، استفاده از الگوهای معماری ایرانی اسلامی، جذب گردشگر و ترویج فرهنگ گردشگری از کارهایی است که می‌توان انجام داد. امام خامنه‌ای در این زمینه فرمودند: «باید حفظ هویت و اصالت شهرها و پای بندی به معماری اسلامی و ایرانی و رعایت زیبایی و استحکام برجسته شود.» (امام خامنه‌ای، پیام به مناسبت آغاز به کار شوراها ۱۳۸۶/۰۲/۰۸، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=249>).

#### ۲۳.۷. ضرورت توجه به لذت‌های پایدار

لذت در اندیشه غربی جزء یکی از اصول بوده و هر مسیری که انسان را زودتر به آن برساند اصالت می‌یابد. سبک زندگی غربی برای نفوذ در جوامع سراغ ابزارهایی می‌رود که بیشترین جذابیت را در کنار بالاترین سطح از غفلت ایجاد می‌کنند. یعنی همان شیوه‌ای که شیطان از آن بهره می‌گیرد. شیطان برای نفوذ در انسان و انحراف او از راه هدایت اعمال زشت را در نظرش زیبا جلوه می‌دهد<sup>۱</sup>. یکی از میل‌های درونی انسان علاقه به بازی و شادی است و می‌تواند پل خوبی برای فرهنگ غربی باشد. موسیقی‌های لهوی، طنزهای حاوی گناه در قالب لطیفه، فیلم و سریال، تصاویر دست‌کاری شده و غیره روشی هستند تا محتوای مدنظر انتقال داده شود و ضمن تغییر و ایجاد انحراف در معنای نشاط و شادی کارکرد اصلی آن را تغییر داده و مسیر زندگی فرد را عوض کنند (کهوند، ۱۳۹۵، ۱۸۷). مشغول کردن و جهت دادن مردم از طریق برخی ورزش‌ها بسوی فرهنگ غربی نیز از اهمیت برخوردار است. نوع پوشش، شکل ظاهری ورزشکاران معروف و حتی رفتارهای خاص آن‌ها می‌تواند بنای فرهنگ غرب را ترویج و تبلیغ کند. لذا توجه به این موارد برای مبارزه با ترویج فرهنگ غربی

۱. «وَإِذْ زَيَّنَّا لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ...» (انفال، ۴۸).

لازم به نظر می‌رسد.

#### ۲۴.۷. طراحی لباس مناسب سبک زندگی اسلامی

دین اسلام در ارتباط با پوشاک انسان‌ها توصیه‌های گوناگون فرموده است. راهکارها در این زمینه عبارتند از: پرهیز از الگوی لباس‌های بیگانه در کشور، بررسی تحول و تطور لباس برگرفته از تمدن فرهنگ و سنت در ایران و در ملت‌های جهان، بررسی تغییر ذائقه‌ها در پوشش و طراحی لباس در ادوار مختلف تاریخی و تأثیرپذیری فرهنگی آن، بررسی نقش و جایگاه طراحی لباس در تغییر سبک زندگی، تشکیل جشنواره‌های طراحی لباس و پای‌بند بودن به پوشش‌های بومی و عرف جامعه، معاصرسازی طراحی لباس با توجه به رغبت‌ها و سلیقه‌ها با حفظ اصالت فرهنگ عفاف و حجاب، ارائه طراحی لباس مبتنی بر مبانی اعتقادی و آموزه‌های دینی و ارزش‌های ملی و ترویج و توسعه فرهنگ پوشش، تشکیل موزه‌های مردمی در تبیین آداب و سنن در اقصی نقاط کشور تقویت و ایجاد نگرش مثبت نسبت به لباس‌های ملی و پوشش اسلامی، وضع قوانین و اقدامات پیشگیرانه، وحدت رویه در لباس مدارس و معلمان در محل کار از نظر طراحی مدل با توجه به دوره تحصیلی و کمک به از بین بردن روحیه تجمل و تبعیض در محیط‌های آموزشی و کم کردن مسائل حاشیه‌ای، توجه جدی به حجاب کامل اسلامی در مدارس و دانشگاه‌ها و محل کار، توجه به رعایت حجاب و عفاف اخلاق و رعایت شاخص‌های مرتبط با آن، توجه به لباس‌های محلی، احیا و تقویت ترویج آن به‌ویژه برای نسل معاصر (بنائیان سفید، ۱۳۹۴، ۷۰).

#### ۲۵.۷. مبارزه با ترویج مد و مدگرایی

میان استفاده از رسانه‌های خارجی و ترویج مد و مدگرایی رابطه مستقیم وجود دارد. یعنی افزایش میزان استفاده از رسانه‌ها موجب ترغیب مدگرایی در افراد می‌شود. ساخت برنامه‌هایی با محتوای ایرانی اسلامی در پیشگیری از ترویج این پدیده مؤثر خواهد بود. بایستی زیرساخت‌های شخصیتی افراد مبتنی بر الگوهای فرهنگ اصیل ایرانی شکل بگیرد. میل به مدگرایی و امروزی شدن که از ویژگی‌های دوران جوانی است انسان را به پیروی از الگوهای

بیگانه می‌کشاند، همان‌طور غرور و احراز هویت نیز به همین دوره سنی اختصاص دارد. در رسانه ملی، غرور ملی و غیرت دینی را می‌توان تقویت کرد و میل به امروزی شدن و مدگرایی را با الهام گرفتن از آموزه‌های تمدن‌ساز اسلام و فرهنگ غنی اسلامی ایرانی خویش و متناسب با هویت فرهنگی می‌توان به فعلیت رساند. بایستی برنامه‌سازی آموزشی فرهنگی و تبلیغی فضای اجتماعی جامعه را به سمتی هدایت کند که افراد به صورت طبیعی و خودجوش به رعایت عفاف و حجاب مقید کند و نیازهای طبیعی افراد جهت نو بودن خاص بودن به روز بودن تعیین می‌شود. راهکارهایی مثل احیای فرهنگ اسلامی و اصلاح باورهای عمومی در برنامه‌سازی، اصلاح نگرش‌های فرهنگی در سیاست‌گذاری رسانه‌ای، هماهنگی نهادهای مربوطه اصلاح عملکرد رسانه‌ها، اصلاح نظام الگوسازی در رسانه و... راهکارهایی در این زمینه می‌باشند (فرهنگی، ۱۳۹۱، ۱۶۱).

#### ۲۶.۷. الگوی تفریح سالم

امام علی علیه السلام فرمودند: «فرح و شادمانی باعث بهجت و انبساط روح و مایه‌ی تهییج وجد و نشاط است.» (حر عاملی، ۱۴۱۶ ق.، ۱۱/۱۱). آیاتی در قرآن کریم نیز دستور می‌دهد در زمین گردش کنید و در کیفیت خلقت آن‌ها دقت کنید. راهکارها در این زمینه عبارتند از: فراهم کردن زمینه تجدید قوا، نشاط و شادابی با استفاده از امکانات و تجهیزات طبیعی و عمومی، زمینه‌سازی آرامش و امنیت با تفریحات سالم و سازنده، ارائه تعریفی درست از استفاده از نعمت‌های الهی و فناوری با توجه به تحولات زمان، تقویت و توسعه تفرجگاه‌های طبیعی، بناهای تاریخی، موزه‌ها، پارک‌ها، پارک‌های علمی، بوستان‌ها، سینما، تئاتر، کتابخانه، امکانات و تجهیزات بازدید ورزشی و ایجاد محرک‌های محیطی سالم در ارتقای دانش و معلومات، توسعه فضاهای عمومی برای استفاده از هر نوع جنسیت و گروه سنی، تقویت سبک زندگی در استفاده از تفرجگاه‌ها همراه با رعایت شئون عفاف و حجاب و اخلاق، اختصاص زمان برای تفریح و با هم بودن در محیط خانواده و...

#### ۲۷.۷. رونق دادن کسب و کارها و حمایت از آن‌ها

رونق کسب و کارهای کوچک و متوسط می تواند باعث حفظ و افزایش سطح اشتغال پایدار کشور و کاهش فقر و نرخ بیکاری، کمک به توزیع عادلانه ثروت و کاهش شکاف طبقاتی، افزایش سطح درآمد ملی و رشد و توسعه اقتصاد شود. بایستی با توجه به نقش ارزشمند و بی بدیل کسب و کارهای کوچک و متوسط در موضوع حفظ و افزایش سطح اشتغال پایدار کشور و با بهره گیری از تمامی تجربیات و ظرفیت های موجود در جهت بهبود نظام سیاست گذاری و اتخاذ خط مشی های مناسب برای توسعه کسب و کارها جهت گیری کرد و این امکان را فراهم کرد تا بیش از گذشته عملکرد بنگاه های کوچک و متوسط بهبود یابد. اسلام برای کار کردن اهمیت ویژه ای قائل است و این اهمیت در روش زندگی سالم بروز خواهد کرد. امام خامنه ای در این مورد فرمودند: «در هر نقطه که مشغول کاری هستید این کار، کشور شما را از بیگانگان بی نیاز و به آبادانی کشور کمک می کند.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار با معلمان و کارگزاران ۱۳۷۱/۰۲/۰۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2611>).

#### ۲۸.۷. افزایش وحدت در جامعه اسلامی

یکی از اساسی ترین محورهای حفظ جامعه در راه کمال و سعادت اتحاد و یکپارچگی و پرهیز از تفرقه و نفاق است. جامعه دچار تفرقه و پراکندگی، بخش مهمی از نیرو و توان خود را در کشمکش ها و درگیری ها داخلی از دست خواهد داد. بر همین اساس بر عنصر وحدت در جامعه اسلامی تأکید فراوان شده است. مسجد در این زمینه از نقش اساسی برخوردار است. مسجد کانونی است که همه روزه مؤمنان از قشرهای مختلف جامعه در آن حضور می یابند. یکی از نقش های اساسی نماز و مسجد در حوزه اجتماعی حفظ وحدت و تشویق به وحدت است وحدتی که نفاق را تضعیف جبهه حق را قوی می کند. امام محمد باقر علیه السلام در این باره می فرمایند: «ای گروه مؤمنان مأنوس و متحد باشید و به هم مهربانی کنید.» (کلینی، ۱۳۸۸). از طرف دیگر ذکر این نکته ضروری است که واقعیت هایی که باید در سبک زندگی اسلامی مد نظر گرفته شود، فقط به واقعیت های ایران و ایران امروز محدود و



منحصر نمی‌شود. باید واقعیت‌های جهان امروز را هم در نظر گرفت. ملت ایران باید برای دفاع از خود آماده‌سازی کند، در غیر این صورت مستکبران و سلطه‌گران کشور را نابود خواهند کرد و دیگر ملت مستقلی باقی نخواهد ماند تا بخواهد بر پایه‌ی فرهنگ و هویت ملی خود برای خود الگویی مستقلی از سبک زندگی اختیار کند.

#### ۲۹.۷. بالا بردن وجدان و انضباط اجتماعی

خداوند تبارک برای تمام آدمیان نیرویی عنایت کرده که به آن‌ها متذکر شود و دایره نیک و بد را برای آن‌ها مشخص کند و چراغ فطری باشد که آن‌ها را از افتادن در چاه ندامت برحذر دارد. در آیه ۱۹ سوره غافر<sup>۱</sup> اشاره به آگاهی خداوند از افعال همه پدیده‌ها می‌شود. راهکارها در این زمینه عبارتند از: ارتقاء مسئولیت‌پذیری با توجه به گروه سنی و شغلی، حضور به موقع برای انجام وظایف، پاسخ‌گویی به مراجعین در حوزه مسئولیت و شغل، خدا را ناظر بر اعمال و افعال و قضاوت‌ها دانستن، ایمان و خدمت به خلق و خانواده در جلب رضایت الهی، طلب مال حلال و قانون‌مندی.

#### ۳۰.۷. دوری از تجمل‌گرایی

تجمل‌گرایی یکی از جلوه‌های برجسته دنیاگرایی و نماد بارز دنیازدگی است. اهل بیت زندگی راحت، معتدل و بی‌تکلف را برای پیروان خود توصیه کرده‌اند. همان‌طور که در قرآن خداوند در آیه ۸۰ سوره قصص می‌فرماید: «خانه آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که نمی‌خواهند در زمین برتری جویی و تبهکاری کنند.» راهکارها در این زمینه عبارتند از: تناسب انتخاب با نیاز در عرصه زندگی، پرهیز از چشم و هم‌چشمی و نگاه سطحی، اهتمام به اصل سیری‌ناپذیری انسان، توجه به اسراف و تبذیر در تجمل‌گرایی و... در سایه زهد و ساده‌زیستی ظواهر دنیا رنگ می‌بازد و شخص می‌تواند خویش را با واقعیت زندگی وفق دهد و شرایط شرایط سخت و دشوار را با شادی و امیدواری سپری کند. هر چیز که از حد میانه بگذرد اسراف است. مرز میان اقتصاد میانه‌روی و ساده‌زیستی با اسراف و تبذیر مرز میان

۱. «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ.» (غافر، ۱۹).

ایمان و کفر است و این اوج دقتی است که دین به مسئله ساده‌زیستی دارد.

### ۳۱.۷. اصلاح الگوی مصرف

مصرف به خودی خود پدیده‌ای ناپسند نیست، بلکه بسیار بایسته و لازم است. زیرا که یکی از شیوه‌های جایگزین ناپذیر برای پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و غریزی انسان است که بدون آن حیات مادی و معنوی انسان‌ها دچار نابسامانی خواهد شد. گاهی مصرف شکل طبیعی خود را ازدست داده و به جای این‌که در خدمت انسان باشد انسان به خدمت او درمی‌آید. این‌جا ضرورت اصلاح الگوی مصرف آشکار می‌شود و اهمیت دغدغه مقام معظم رهبری و ارزشمندی اعلام سال ۸۸ به‌عنوان سال حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف آشکار می‌شود. آیات قرآن و روایات اهل بیت نیز درباره مصرف و آموزش درست مصرف کردن مطالبی را ارائه می‌کنند. مصرف بایستی بر پایه نیاز حقیقی و طبیعی انسان‌ها باشد درحالی‌که مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی ریشه در نیازهای کاذب و زیاده‌خواهی انسان دارد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «هرکس هرچه دلش خواست بخورد، هر چه دوست داشت بیوشد و هر چه از مرکب‌ها نظرش گرفت، سوار شود خداوند با نظر لطف آمیز به او ننگرد تا او را مرگ فرا رسد یا آن کارها را وانهد.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق.، ۶۳). از طرف دیگر آگاهی همه‌جانبه از دین مقدس اسلام لازم است، زیرا افرادی که این آگاهی را ندارند ممکن است ضمن توصیه‌های دینی به زهد و قناعت و پرهیز از اسراف و مصرف‌گرایی در دامن تفریط بیافتند و زندگی را بر خود سخت گیرند و خود را بدون منع شرعی و عرفی از نعمت‌های خداوند محروم کنند. اسلام از یک‌سو راه مصرف را بر انسان‌ها باز می‌گذارد تا دنیایشان سامان پذیرد و زندگی برایشان گوارا شود و از سوی دیگر مراقب است که مسئله مصرف از جاده اعتدال خارج نشود و آخرت آن‌ها آباد شود (حسن دوست فرخانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۳۳).

### ۳۲.۷. اصلاح سیستم‌ها

علاوه بر نهادینه کردن سبک زندگی مطلوب و با راه‌حل‌های درونی، بسترسازی فرهنگی و

فرهنگ‌سازی بسیار لازم می‌باشد. تقوا و عدالت فردی هرچند لازمه سبک زندگی اسلامی هستند، اما برای جامعه‌سازی کافی نیستند و باید بسترهای کنشی برای فراهم‌سازی آن‌ها آماده شود. هرگونه بی‌توجهی به عدالت و نظم سیستمی موجب بروز روابط ناسالم اجتماعی و اداری فراوانی می‌شوند و عامل بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی را باید در ناکارآمدی سازمان‌ها و سیستم‌ها جستجو کرد.

#### ۳۳.۷. اصلاح رفتار مسئولان متولیان و صاحب‌نفوذان

هرگونه انحراف در سبک زندگی حاکمان و مسئولان جامعه آثار جبران‌ناپذیری در سبک زندگی عامه مردم دارد. امام علی علیه السلام تأکید می‌کنند که هادیان جامعه باید در عمل از هم سبقت بگیرند و پیش از تبلیغ زبانی با رفتار خود فرهنگ‌سازی کنند: «ای مردم به خدا من شما را به راحتی بر نمی‌انگیزم جز این که خود پیش از شما به انجام دادن آن برمی‌خیزند و شما را از معصیتی باز نمی‌دارم، جز آنکه خود پیش از شما آن را فرومی‌گذارند.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۵).

#### ۳۴.۷. ضرورت نظارت اجتماعی

مردم به همان دلیل که از حق حاکمیت برخوردارند، حق نظارت بر حاکمان را دارند. زیرا حکومت به‌عنوان امانت در اختیار افراد قرار می‌گیرد. نظارت اجتماعی یکی از وظایف و شئون رسالت برای ایجاد تمدن اسلامی است. مهم‌ترین اقدام اولیه حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای نهادینه کردن دین و امور شرعی و گرامی‌داشت هنجارها و ارزش‌ها منطبق با آموزه‌های قرآنی اجرای دقیق نظارت اجتماعی بود. نظارت اجتماعی در فقه اسلامی و فروع دین اسلام به‌عنوان امر به معروف و نهی از منکر شناخته شده و به‌عنوان ضامن بقای اسلام و واجبی است که به‌سبب آن اجرای همه واجبات صورت می‌پذیرد. نظارت اجتماعی می‌تواند به اسلامی بودن سبک زندگی که یکی از شاخصه‌های مهم تمدن اسلامی است کمک کند.

#### ۳۵.۷. برخورد جدی با مجرمان

در شرایط خاصی برای تحقق اجتماعی ارزش‌ها برخورد جدی با مجرمان و قانون‌شکنان لازم

است. سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این گونه بود که با اهانت‌ها و بداخلاقی‌هایی که به شخص ایشان می‌شد کریمانه برخورد می‌کرد. این برخورد کریمانه و نرم تا جایی بود که تمجید و تحسین الهی را در پی داشته باشد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره مقررات و قوانین اسلامی هیچ قانون شکنی و تخلفات را نادیده نمی‌گرفت و در برابر قانون شکنی خلق عظیم پیامبر و نرم‌خویی و محبتش به خلق خدا موجب نمی‌شد این جرم را نادیده گیرد و حد الهی را درباره او جاری نکند. هیچ واسطه و شفيعی را برای اجرا نکردن حدود الهی نمی‌پذیرفت. امام علی عَلِيٌّ نیز همین روش را داشت.

#### ۳۶.۷. عرصه اقتصادی

سبک زندگی در عرصه اقتصادی چنانچه به صورت صحیح شکل گیرد، می‌تواند به عاملی تقویت‌کننده تبدیل شود و قدرت و مقاومت را دو چندان سازد و در صورتی که به طور ناصحیح در جریان باشد و همراه با تجمل، اسراف، تبذیر، اتلاف و غیره جریان یابد، خود به مانعی در مسیر پیشرفت تبدیل می‌شود. چنانچه سبک زندگی ناصحیح اقتصادی در زمینه مصرف، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز سبب تشدید آثار تحریم‌های اقتصادی در گذشته شد، در صورت عدم اصلاح می‌تواند آثار بیشتری نیز بر جای بگذارد.

#### ۳۷.۷. رعایت اعتدال

از جمله مسائل مهمی که در یک زندگی سالم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مسئله اعتدال است، به این معنی که انسان تمام ارزش‌ها از قبیل عبادت خدمت به مردم آزادی محبت و عشق ورزیدن و امور دیگر را به طور هماهنگ و معتدل در خود ایجاد نماید و به رشد حساب شده آن‌ها بپردازد. به صورتی که به حد متوسط آن‌ها دست پیدا کند. اسلام دینی سلامت محور است، چراکه همیشه حفظ تعادل و تقویت کرده در بنیاد و فطرت انسان هم سراسر تعادل دیده می‌شود. افرادی که مسئولیت‌های اجتماعی دارند، باید از هرگونه افراط و تفریط دوری کنند. چراکه این عرصه و میدان شخصی افراد نیست که ضرر آن متوجه خودشان باشد، بلکه هر اقدام افراطی یا تفریطی می‌تواند عواقب ناگواری داشته

باشد. وسعت دایره افراط و تفریط به جایگاه اجتماعی افراد مربوط است.

همانطور که بیان شد، سبک زندگی اسلامی مجموعه نظام مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردهایی است که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی به تحلیل وضعیت موجود و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می پردازد. در این الگویی، هدفها مشخص می شود اما راهبردها ممکن است به تناسب شرایط زمان دچار تغییر و اصلاح شوند. تغییر سبک زندگی افراد جامعه نیازمند انجام برنامه ریزی های کلان و تخصصی در سطوح مختلف سنی جامعه، استفاده از رسانه ملی بمنظور فرهنگ سازی و ارائه سبک زندگی اسلامی در مقابل سبک زندگی غربی می باشد. همچنین نسبت به برنامه ریزی میان مدت و بلندمدت برای دستیابی به الگویی کامل و خالص اسلامی مبادرت ورزید. تدوین برنامه های کوتاه مدت و میان مدت و بلندمدت براساس این راهبردها و نیز اجرای آن ها بدون مشارکت همه نیروهای نخبه علمی حوزوی و دانشگاهی به ویژه آنان که صلاحیت های علمی حوزوی و دانشگاهی را درخود جمع نموده اند، و نیز همکاری رسانه های جمعی جهت فرهنگ سازی امکان پذیر نیست.

در انتها ذکر این نکته ضروری است که توصیه رهبر انقلاب به مقابله با ترویج سبک زندگی غربی، به معنی انزواطلبی و گسستن از جهان و استفاده نکردن از ظرفیتها و فرصت های بیرونی نیست، بلکه به این معنی است که باید در عین برقراری ارتباط و تعامل با بیرون، مرزهای هویتی و حریم های ایدئولوژیک خود را حفظ کرد و گرفتار اضمحلال و انهدام معنایی نشد. قطعاً هرچه از غرب آمده، نباید نفی و انکار شود و متاع غربی می توانند درخور اخذ و اقتباس باشند، بلکه بایستی استقلال فرهنگی ایران حفظ شود. از طرف دیگر، فواید و منافع ارتباطات و تعاملات فرهنگی و معرفتی نیز کاملاً روشن است و بخش هایی از شکوفایی و رونق فرهنگی، وابسته به گشودگی ها و آزادی ها و تقابلهاست، اما درعین حال،

نباید وادادگی و انفعال و هضم شدن را تعامل و تبادل نام نهاد. بلکه آن تعامل و ارتباطی مطلوب و ممدوح است که موجبات بالندگی و بسط خویشتن فرهنگی ما را فراهم کند و بنیان‌های سبک زندگی بومی و دینی ما را تثبیت نماید ( <https://www.mehrnews.com/news/4568961>). افزون بر راهبرد منع فرهنگی، باید کار ایجابی و اثباتی نیز انجام شود. راهبرد اصلی و عمده، چاره‌اندیشی مبتنی بر مصونیت فرهنگی است؛ یعنی باید به صورتی عمل شود که جامعه، از درون خویش، قوی و مقتدر شود تا در مقابل تهاجم دشمن، گزند نبیند. باید نخبگان فکری و سیاسی در زمینه‌های مختلف آسیب‌شناسی کنند که چرا پیشرفت چندانی اتفاق نیفتاده است و بعد از پیدا کردن علت‌ها، راه علاج را بیابند. باید گفتمانی ناظر به رفع آسیب‌های سبک زندگی پدید آید. از طرف دیگر، نباید غفلت کرد که ایجاد تحول در سبک زندگی، امری تدریجی است نه یکباره و مهم‌تر اینکه محتاج فرهنگ‌سازی است نه دستور. به منظور ایجاد مصونیت فرهنگی بایستی جامعه ایرانی خود اسلامی را شناخته و دچار التقاط هویتی نشود. همچنین بایستی خویشتن فرهنگی اسلامی در زندگی ذهنی و عینی افراد جامعه، درونی شود. باید هویت یاد شده هرچه بیشتر، عمیق‌تر شود. برای این منظور، باید راه گفتمان‌سازی را در پیش گرفت؛ یعنی باید ارزش‌ها را هرچه بیشتر به امر مقبول و بدیهی و بهنجار تبدیل کرد. در نهایت اینکه باید ساختارها و نهادهای فرهنگی رسمی از سیاست‌های تجدیدی پنهان و پیدا، برحذر داشته شوند و جلوی انحرافات گرفته شود و جهت‌گیری‌های انقلابی خالص بر آن‌ها حاکم شود. این امر، محتاج حضور نیروهای اصیل انقلابی آموزش دیده در رأس ساختارهای یاد شده می‌باشد که تا حدود زیادی پرورش انسان‌ها در حوزه می‌تواند پاسخ‌گوی این نیاز باشد.

## ۸. نتیجه‌گیری

گسترش روزافزون سبک زندگی غربی در جامعه ایران به‌ویژه در میان نسل جوان و خطر استحاله فرهنگی، نیاز قشر مذهبی جامعه به دانستن سبک زندگی اسلامی براساس آموزه

های اسلام ناب برای جلوگیری از لغزش به سبک غربی یا دچار شدن به ارتجاع و تحجر مذهبی، جذب قشر به اصطلاح خاکستری به سوی اسلام ناب که تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی بشر می‌باشد و از جذابیت‌ها و زیبایی‌های خاص خودش برخوردار است و حفظ و تقویت امنیت ملی که بر پایه امنیت فرهنگ استوار شده است مجموعاً ضرورت توجه به آموزه‌های دین مبین اسلام را دوچندان می‌کند. در راستای تحقق اهداف بیانیه گام دوم و در مبارزه با گسترش سبک زندگی غلط بایستی راه‌های گسترش یافتن سبک زندگی غربی شناخته شود، تا بتوان چاره‌یابی کرد. با اتکای به اصول اسلام و با هدف مبارزه با ترویج سبک زندگی غربی می‌توان با بازنگری دستورات و سبک زندگی اسلامی و توجه به رهنمود های مقام رهبری برای محقق کردن آرمان‌های اسلام، در برابر هجوم ترویج سبک زندگی غربی راهکارهایی در سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی و در سنین و موقعیت های مختلف ارائه داد. تکیه بر فرهنگ اسلام، نهادینه کردن این فرهنگ و شناخت و زدودن انحراف‌ها نیازمند حضور نیروهای انقلابی و جهادی می‌باشد. به طور کلی راه مقابله با این تهاجم غربی، ترویج سبک زندگی دینی و تعمیق و گسترش آن در جامعه می‌باشد.

## منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، سید علی حسینی خامنه‌ای، ۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۷.

بیانات مقام معظم رهبری به نشانی پایگاه: <https://farsi.khamenei.ir>.

ابراهیمی، ابراهیم، طهماسبی بلداجی، اصغر، مرتضوی، سید ابراهیم، قنبری، لیلا، ۱۳۹۴، «بررسی نقش نماز در جهت دهی به سبک زندگی اسلامی در سیره رضوی»، سال سوم، شماره ۱۲.

ابن شعبه حرانی، محمد حسن بن علی، ۱۴۰۴ق.، تحف العقول، ترجمه و تحقیق صادق حسن زاده، قم، آل علی.

ابوترابیان فاطمه، ۱۳۹۳، «نمادهای سبک زندگی غربی در تقابل با سبک زندگی اسلامی»، مجله سبک زندگی دینی، سال اول، پیش شماره ۱، ۱۲۶-۹۵.

احمدی، ابوالفضل، ذوالفقاری، ابوالفضل، ۱۳۹۸، «سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال چهاردهم، شماره ۳۹، ۱۴۸-۱۲۱.

آمدی، ابوالفتح، ۱۳۷۵ق.، غررالاحکم و دررالکلم، نشر دارالکتاب الاسلامی، قم.

آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، تصنیف غررالاحکم و دررالکلم، تصحیح مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه.

آقایی نوروزلو، یعقوب، آقایی نوروزلو، معصومه، ۱۳۹۲، «سبک زندگی اسلامی» در افق تبیین شده مقام معظم رهبری»، کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۷۴۲-۷۲۵.

برادران، محمد، ۱۳۹۳، «بایسته‌های تمدنی سبک زندگی اسلامی از دیدگاه اهل بیت (علیهم‌السلام)»، بررسی موردی جایگاه نظارت اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، سال پانزدهم، شماره دوم، ۲۸۰-۲۵۳.

بختیاروند، مریم، هاشمی، سید جلال، نوکاریزی، حسن، ۱۳۹۵، «نقش تربیتی زکات در



سبک زندگی اسلامی: استنتاج اصول تربیتی، بصیرت و تربیت اسلامی»، سال ۱۳، شماره ۳۷، ۱۳۶-۱۱۷.

بنائیان سفید، محمد، یارمحمدیان، محمدحسین، کشتی آرای، نرگس، آقاپور، سیدمهدی، ۱۳۹۴، «واکاوی مفهومی سبک زندگی اسلامی ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری در آینه آیات و روایات»، مجله مدیریت فرهنگی، سال نهم، شماره سی ام، ۹۰-۵۹. پورامینی، محمدباقر، ۱۳۹۱، سبک زندگی: منشور زندگی در منظر امام رضا علیهاالسلام، مشهد، آستان قدس رضوی.

جوکار، محبوبه، «سیر تحول خانواده ایرانی در گذر تاریخ»، فصلنامه عرصه مطالعات زنان و خانواده، ۱۳۹۱، سال پنجم، شماره ۱۲، شماره ۲۱ صفحات ۲۱۷-۱۹۱.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، مفاتیح الحیاه، بی جا، مرکز نشر اسراء. حسن دوست فرخانی، هادی، رضایی، امید، حسن دوست فرخانی، داوود، ۱۳۹۲، «بررسی الگوی آرمانی سبک زندگی از دیدگاه مکتب اسلام»، نشریه معرفت، شماره ۱۸۶، ۳۶-۲۳. حر عاملی، شیخ محمدحسن، ۱۴۱۴ ق.، وسائل الشیعه تهران مکتبه الاسلامیه.

حرانی، حسن بن علی بن شعبه، ۱۴۰۴ ق.، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.

خطیبی، حسین، ساجدی، ابوالفضل، «مروری بر شاخص های سبک زندگی اسلامی»، معرفت، سال ۲۲، شماره ۱۸۵، ۲۵-۱۳.

دالوندی، اصغر، سادات سید مداح، باقر، خانکه، حمید رضا، بهرامی، فاضل، پروانه، شهریار، حسام زاده، علی، دالوندی، نیوشا، کیانی، تیام، ۱۳۹۱، «تبیین سبک زندگی سلامت محور مبتنی بر فرهنگ اسلامی»، مجله تحقیقات کیفی در علوم اسلامی، سال ۱، شماره ۴، ۳۴۳-۳۳۲.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغتنامه، بی جا، انتشارات چاپ سیروی. راهی، مصطفی، ۱۳۹۹، «مقایسه سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی غربی آسیب های

- خانواده در سبک زندگی غربی»، نشریه مبلغان، شماره ۲۵۷، ۹۰-۷۴.
- زائری لطف، حسن، امانیان، ابوالفضل، ۱۳۹۱، «بررسی تأثیر شبکه‌های حمایت اجتماعی بر کیفیت زندگی»، فصلنامه مددکاران اجتماعی متخصص، شماره ۱، ۱۳۴-۱۱۱.
- زارعی، بتول، جعفری نویمی پور، نیما، ۱۳۹۵، «ترویج سبک زندگی ایرانی و اسلامی با استفاده از ظرفیت شبکه‌های مجازی و اجتماعی»، فصلنامه علمی ترویجی اخلاق، سال ششم، شماره ۲۲، ۲۴۹-۲۱۹.
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۴، «روش‌های اهل بیت علیهم‌السلام در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی، مطالعات، اسلام و روان‌شناسی، سال نهم، شماره شانزدهم، ۲۶-۷.
- شریفی، عنایت الله، لطفی، مهرعلی، ۱۳۹۲، «سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام»، دوره ۴، شماره ۱۴، ۱۰۰-۸۱.
- صادقی اردستانی، احمد، ۱۳۷۴، جلوه‌های نماز در قرآن و حدیث، تهران، نشر مطهر.
- طغیانی، مهدی، ۱۳۹۵، «شناسایی و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی در جهت دفاع اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال نهم، شماره ۳۱، ۶۴-۲۹.
- فاضل قانع، حمید، ۱۳۹۲، «سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی، با رویکرد رسانه‌ای»، ج ۱، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- فرهنگی، علی اکبر، کیانا، هانی، ۱۳۹۱، «تأثیر رسانه‌ها در تبلیغ سبک زندگی غربی با تأکید بر الگوی پوشش غربی»، مجله پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره ۵، ۱۶۳-۱۳۹.
- کاویانی، محمد، ۱۳۹۲، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، چاپ دوم، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق.، کافی، جلد ۱، تهران.
- کهوند، محمد، شبکه عنکبوتی، معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه، انتشارات

ذکری، قم، چاپ اول ۱۳۹۵.

محمدی، رحیم، علی اکبری، حسن، میرابی قشونی، امیر هوشنگ، ۱۳۹۴، «مقایسه تطبیقی مؤلفه ها و شاخص های سبک زندگی در اندیشه های مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و سه اندیشمند مطالعات فرهنگی، بصیرت و تربیت اسلامی»، سال دوازدهم، شماره ۳۲، ۴۱-۲۵.

معین، محمد، ۱۳۸۸، فرهنگ فارسی (شش جلدی)، تهران، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.  
نگارش، حمید، ۱۳۸۰، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، تهران، نمایندگی ولی فقیه در سپاه.  
نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱۴۰۷ قمری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل بیت علیهم السلام.

---

## شناسایی نقش خانواده در توسعه و ترویج فرهنگ حجاب و عفاف در جوانان

---

نرگس نجاتی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - نسترن بهرمان<sup>۲</sup>

### چکیده

حجاب امری است که موافق فطرت انسان است. نقش والدین در حجاب فرزندان از عیون پنهان نیست. مادر می تواند نقش بی بدیل را در توسعه و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب ایفا نماید. این تأثیر پذیری از والدین آن چنان مهم است که می توان گفت تا حد قابل توجهی زمینه انحطاط و یا تعالی روان جوان را تشکیل می دهد. پس برای ترویج و توسعه ی این فرهنگ؛ نیازمند شناسایی نقش والدین در ترویج و توسعه ی فرهنگ حجاب هست و در صورت کم گذاشتن در تربیت فرزند، عوامل معاند جایگزین آن خواهند شد. در این پژوهش نقش موثر والدین در توسعه و ترویج فرهنگ حجاب و عفاف مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به بیانیه گام دوم، سبک زندگی جوانان باید مورد مذاقه قرار گیرد تا بتوانند آینده ی خوبی را برای کشور رقم زنند. روش این تحقیق توصیفی تحلیلی می باشد.

کلید واژگان: حجاب، تبلیغ و ترویج در جامعه، قرآن و حدیث، بیانات مقام معظم رهبری،

---

۱. کارشناسی قرآن و حدیث (گرایش حدیث) narges.nejati137638@gmail.com

۲. دانش پژوه دکتری مدرسی معارف اسلامی (گرایش قرآن و متون) Na.bahreman@gmail.com

حیا و عفت، پوشش، جوانان

## مقدمه

حجاب، یکی از با اهمیت ترین و مهم ترین ارزشها و دستورات الهی دین اسلام است و خود نمایانگر این نکته است که باتوجه به آموزش دستورات دین و احکام و آیین اسلامی، توجه همه جانبه ای به تمام ابعاد مختلف و عرصه های زندگی امروزه انسان داشته و دارد و لزوم و تاکید بر رعایت حجاب و پوشش زنان در برابر مردان نامحرم و نیز مردان نامحرم در برابر زنان، یکی از مسائل مهم دین اسلام در جامعه است و با رعایت کردن آن به زنان این اجازه را می دهند که با حفظ جایگاه انسانی خود در برنامه های مختلف در جامعه نقش داشته باشند. حجاب زنان از آن نظر مورد اهمیت است که نه تنها حفظ کننده اخلاق، حیا، عفت و تقوا در سطح جامعه است، بلکه وجود چنین احکامی در دین اسلام، نوعی گرمی داشتن شخصیت تمام زنان مسلمان و حفظ کردن آنان از هرگونه نگاه های آلوده مردان نامحرم است. جایگاه و مقام زنان؛ هنگام حضور در اجتماع و روبه رو شدن با مردان نامحرم، این اتفاق می افتد که یک زن مسلمان و باایمان تأثیر مهم حجاب را بفهمد و به جایگاه و مقام یک زن محجبه و باحیا پی ببرد و می تواند به رشد علمی و دینی و اخلاقی در جامعه هم برسد. بنابراین، ارزش و جایگاه اصلی حجاب زنان را باید در خانواده و سپس نقش آن را در جامعه جستجو و بررسی کنیم. زیرا خانواده، یکی از مهم ترین الگو برای یک جامعه است و ثبات آن در پایداری نهادهای دیگر جامعه موثر و الگویی خواهد بود و بی تردید، یکی از عامل های مهم در تشکیل و پایداری بودن خانواده، رعایت حجاب و عفاف و حیا است و رعایت کردن آن از جانب زنان و هم مردان، یکی از عوامل سامان دهنده و نظم دهنده روابط سالم و مفید میان زن و مرد در جامعه و پایداری خانواده است که در آیات و روایات فراوانی به نقش و پوشش زنان و مردان و عفت و حیا آنان اشاره شده است.

در این پژوهش در ابتدا؛ به مفهوم حجاب، عفت، حیا و فرهنگ پرداخته و با تمسک به آیات و روایات و با اشاره ای به بیانات مقام معظم رهبری پرداخته شده است. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی می باشد.

در این موضوع؛ کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی نگاشته شده است در این پژوهش سعی شده است تا خلاءهای موجود در پژوهش‌های پیشین، رفع گردد. از مقالاتی که در این موضوع به نگارش درآمده عبارت است از: پویسی در معنا و مفهوم حجاب با نویسندگی دکتر نهله غروی نایینی و وحیده عامری به چاپ رسیده است. در این پژوهش مفهوم شناسی حجاب و به کاربردی بودن آن. را نام برده است که عبارت است از: حجاب از دیدگاه فقه، کاربرد و حوزه حجاب در قرآن و روایات و حجاب و مفاهیم مرتبط به آن و آیات و روایات را بررسی نموده و به بیانات رهبری اشاره نشده است.

مقاله‌ای دیگر با عنوان رابطه حجاب زنان با سلامت روانی خانواده و جامعه بانویسنده شیرین گرامی و مهناز عزیز در سال ۱۳۹۶ نوشته شده است. در این مقاله، به نقش حجاب در سلامت روانی زن، امنیت، ارزشمند شدن زن، حجاب و حفظ استواری خانواده و... و به برخی از آیات و روایات پرداخته است. به بیانات رهبری و نقش جوانان در توسعه و ترویج فرهنگ حجاب در این مسئله اشاره‌ای نشده است. این در حالی است که پژوهش پیش رو به "شناسایی نقش خانواده در توسعه ترویج فرهنگ حجاب و عفاف در جوانان از منظر آیات و روایات و با نگاهی به بیانات مقام معظم رهبری در حوزه حجاب و نقش خانواده در توسعه ترویج فرهنگ حجاب و عفاف در جوانان اشاره شده است. و در تلاشیم با ارائه راهکارهایی در این زمینه رشد روزافزونی را در جامعه داشته باشیم.

## مفهوم شناسی

### معنای لغوی و اصطلاحی حجاب

کلمه «حجاب» مصدر از ریشه (ح ج ب) است که اهل لغت تعاریف مختلفی برای آن ذکر کرده‌اند. برخی گفته‌اند: «الحجاب ما حجب به شیء عن شیء» (فراهیدی، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۸۶). بنابراین تعریف حجاب آن چیزی است که به واسطه آن چیزی از چیزی در حجاب قرار گیرد. روشن است که نباید در تعریف چیزی از خود آن امر یا مشتقات آن

استفاده کرد تا مصادره به مطلوب رخ ندهد؛ اما در اینجا برای روشن شدن معنای حجاب از فعل آن (حجب) استفاده شده است. لذا بهتر آن است که گفته شود: «الحجاب کل ما حال بین شیئین» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۴). هر آنچه که میان دو چیز حائل شود، حجاب است.

برخی نیز این واژه کمی دقیق تر، تعریف کرده اند: «الحجاب هو الحائل الحاجز المانع عن تلاقی شیئین أو أثرهما، سواء كانا مادیین أو معنویین أو مخلفین، وسواء كان الحاجب مادیا أو معنویا» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۶۷). از این منظر حجاب، حائل میان دو چیز است که مانع تلاقی آن دو یا اثرگذاری آن دو بر هم می شود. حال این دو چیز می تواند مادی باشند یا معنوی، یا اینکه یکی مادی و دیگری معنوی. آن مانع هم می تواند مادی باشد یا معنوی.

تا اینجا به نظر می رسد که هر آنچه دو چیز را از هم جدا کند و فاصله اندازد، از مصادیق حجاب خواهد بود (از هر جنس و نوعی که باشد). اما تعاریف دیگری نیز به چشم می خورد که در آنها نوع این حائل و مانع مشخص شده و آمده است: «الحجاب الستر» (ابن منظور، ۴۱۴ ق: ج ۱، ص ۲۹۸) و یا به صورتی دقیق تر گفته اند: «اصل الحجاب الستر الحائل بین الرائی والمرئی» (طریحی، ۱۳۷۵: ج، ص ۳۴). مطابق این دسته از تعاریف حجاب پرده ای است که میان بیننده و آنچه می بیند، حائل می شود. البته لغت دانان «ستر» را هم به معنای پرده و هم پوشش آورده اند (آذرنوش، ۱۳۸۲: ص ۲۷۷).

حاصل آنکه جستجو در کتب لغت و تامل در تعاریف واژه حجاب حاکی از آن است که در معنای لغوی حجاب دو مفهوم قابل تمایز از هم وجود دارد؛ مفهوم اول، جدا کردن دو چیز، مرز گذاشتن میان آنها و فاصله انداختن بین دو امر می باشد که این معنا از واژه های حائل، مانع و حاجز مستفاد است. مفهوم دوم، پنهان کردن، پوشاندن و از مقابل دیده افراد خارج کردن است که این معنا از کلمه «ستر» و مانند آن قابل استفاده می باشد.

در اصطلاح حجاب در علوم هم چون عرفان، طب و دیگر علوم، تعریف خاص خود را دارد. در فقه، این واژه در معنای لغوی خود که همان پرده حائل میان دو چیز باشد، به کار رفته



است و معنای جدیدی برای آن ایجاد نشده است. در دوران متاخر، این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده است و به پوشش خاص زنان اطلاق گردیده است. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: استعمال کلمه حجاب درباره پوشش زن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها، کلمه «ستر» که به معنی پوشش است، به کار می‌رفته است.

فقها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند، کلمه ستر را به کار برده‌اند، نه کلمه حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ماهمیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم؛ زیرا چنانکه گفتیم، معنی شایع لغت حجاب، پرده است و اگر در باب پوشش به کار برده می‌شود، به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی است که زن در برابر نامحرمین باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد. در این نوشتار نیز به همین معنای اصطلاحی مورد نظر است. نه پرده نشینی زنان. تردیدی نیست که حجاب در این اندازه، یکی از احکام مشترک ادیان ابراهیمی و از احکام ضروری اسلام بوده است و همه طوایف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند (ر.ک؛ علی‌مردی، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

در آیه ۱۵۹ احزاب آمده است که «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» ای پیامبر! به همسران و دختران و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرمین قرار نگیرد]. این [پوشش] به اینکه [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک تر است، و در نتیجه [از سوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهند گرفت؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (احزاب، ۵۹)

در روایتی امام صادق علیه السلام می فرمایند: برای زن مسلمان، جایز نیست که روسری (مقنعه) و پیراهنی بر تن کند که بدنش را نپوشاند. (وسایل الشیعه، جلد ۳۰، ص ۵۱۸)

در روایتی دیگر امام علی علیه السلام میفرمایند: زن (باید) مو و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند. (مجمع البیان، ج ۷)

مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند:

زنان جامعه‌ی ما حقاً و انصافاً نه فقط در انقلاب ما، بلکه از گذشته هم همین جور بوده است؛ زنان متدین ما در میدانهای گوناگون و در همه‌ی قضایا جزو پیشروان بودند. قبل از شروع مبارزات تند مشروطیت، زنها در میدان بودند. در یک برهه‌ای، مبارزات مشروطیت آرام بود؛ بعد شدت پیدا کرد، که همه وارد شدند. آن وقتی که هنوز همه وارد نشده بودند و در واقع فقط یک عده‌ای از علما و خواص دنبال این قضایا بودند، زنها بلند شدند، یک اجتماعی تشکیل دادند، آمدند اینجا سر راه حاکم و زمامدار وقت را گرفتند، او از دست اینها فرار کرد، رفت در کاخ مخفی شد! رفتند آن طرف، فراش باشیهای دستگاه حکومت، اینها را کتک زدند. آن زمان با چادر و چاقچور وارد میدان شده بودند. اکثر قریب به همه‌ی شماها چاقچور را ندیده‌اید. چادر و چاقچور و روبند، نوع بسته‌ی حجاب اسلامی - ایرانی بود. با آن حالت، اینها وارد این میدان شدند. حالا یک عده‌ای خیال میکنند زن تا وقتی که بیحجاب نباشد، بیاخلاق نباشد، نمیتواند در میدانهای گوناگون اجتماعی و سیاسی وارد شود. در همین انقلاب خود ما، در بعضی از نقاط کشور، زنها زودتر از مردها اجتماع راه انداختند، در خیابانها حرکت راه انداختند و مقابله کردند؛ که ما اطلاع قطعی داریم. در دوران انقلاب همین جور، در مبارزات گوناگون بعد از پیروزی انقلاب همین جور، در جنگ تحمیلی همین جور بارها من این را گفته‌ام؛ در زیارت خانواده‌های شهدا، اغلب اوقات مادران شهید را شجاع‌تر و مقاوم‌تر از پدران شهید یافتم. مگر محبت مادر را میشود با محبت پدر مقایسه کرد؟ روح لطیف زنانه، آن هم نسبت به جگرگوشه، این را پرورش بدهد، بزرگ کند مثل دسته‌ی گل، بعد راضی بشود که او پرود میدان جنگ و به شهادت برسد؛ بعد

برای اینکه جمهوری اسلامی دشمن شاد نشود، بر جنازه‌ی او گریه هم نکند! که بنده مکرر به این خانواده‌های شهدا گفتم گریه کنید؛ چرا گریه نمیکنید؟ گریه ایرادی ندارد. گریه نمیکنند، میگفتند میترسیم جمهوری اسلامی دشمن شاد شود. «زن مگو، مرد آفرین روزگار». زنهای ما اینهايند؛ امتحان خوبی دادند.

البته انسان در معرض آسیب است؛ مردها در معرض آسیبند، زنها در معرض آسیبند، جوانها در معرض آسیبند، پیرها در معرض آسیبند؛ عالم، جاهل، همه در معرض آسیبند؛ «و المخلصون فی خطر عظیم». کو حالا مخلص؟ همه‌ی ما زیر این استاندارد قرار داریم. اگر به حد استاندارد هم برسیم، مخلص هم بشویم، تازه «فی خطر عظیم»! خب، باید مراقب باشیم. دشمنان دنیای ما، دشمنان آخرت ما، دشمنان عزت ما، دشمنان نظام جمهوری اسلامی، از نقاط ضعف ما استفاده میکنند؛ از حس شهوت ما، از حس غضب ما، از قدرت طلبی ما، از علاقه‌ی ما به جلوه‌فروشی و خودنمایی؛ باید مراقب باشیم. بانوان عزیز هم باید مراقب باشند، دخترهای جوان هم باید مراقب باشند.

این زندگی میگذرد؛ لذات و سختیهایش همه به طرفه‌العینی میگذرد. شما در دوره‌ی جوانی، این حرف را درست نمیفهمید. انسان در دوران جوانی خیال میکند دنیا ثابت است، ساکن است، همیشه همین جور است؛ به سن ما که رسیدید، یک نگاه میکنید، میبینید دنیا عجب سریع میگذرد؛ چشم به هم میزنید، گذشته. خب، آن طرف: «و انّ الدار الآخرة لهی الحیوان»؛ زندگی و حیات، آنجاست. «ذلک الذی یشیر الله عباده» - که امروز در آیات کریمه میخوانند - بشارتهای الهی آنجاست. هم برای آنجا، هم برای حفظ عزت کشور و پیشرفت کشور، وضع حجاب را، وضع عفاف را، وضع تقیدات و پایبندی را خانمها باید مراقبت کنند؛ این وظیفه است. خودنمایی و جلوه‌فروشی، یک لحظه است و آثار سوء آن برای کشور، برای جامعه، برای اخلاق، حتی برای سیاست، آثار مخرب و ماندگار است؛ در حالی که ملاحظه‌ی عفاف، ملاحظه‌ی حدود شرعی در رفتار و حرکات بانوان، اگر چنانچه سختیای داشته باشد، سختی کوتاهی است، اما آثارش، آثار عمیق و ماندگاری است. خود

خانمها خیلی باید مراقبت کنند مسئله‌ی حجاب را، مسئله‌ی عفاف را؛ وظیفه‌ی آنهاست، افتخار آنهاست، شخصیت آنهاست

حجاب مایه‌ی تشخص و آزادی زن است؛ برخلاف تبلیغات ابلهانه و ظاهرینانه‌ی مادیگرایان، مایه‌ی اسارت زن نیست. زن با برداشتن حجابهای خود، با عریان کردن آن چیزی که خدای متعال و طبیعت پنهان بودن آن را از او خواسته، خودش را کوچک میکند، خودش را سبک میکند، خودش را کم‌ارزش میکند. حجاب وقار است، متانت است، ارزشگذاری زن است، سنگین شدن کفه‌ی آبرو و احترام اوست؛ این را باید خیلی قدر دانست و از اسلام باید به خاطر مسئله‌ی حجاب تشکر کرد؛ این جزو نعمتهای الهی است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور، ۱۳۹۱/۲/۲۳،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=19808>

مقام معظم رهبری در بیانی دیگر می‌فرمایند: این مسأله‌ی حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه‌ی عفاف در این بین سالم نگه داشته شود. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۷/۳،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859>

### عفت در لغت و اصطلاح

واژه «عفاف» به فتح عین، مصدر ماده «عف» می‌باشد که مصدر دیگر آن «عفه» است و این دو دقیقا به یک معنا می‌باشند و به جای دیگر به کار می‌روند. کتاب «العین» عفت را اینگونه معنی کرده: «عفت، خودداری از چیزی است که حلال نباشد». راغب اصفهانی می‌گوید: «عفت به معنی پدید آمدن حالتی در نفس است که آدمی را از غلبه شهوت باز می‌دارد». (کتاب زنان، ۱۳۸۶، ش ۳۶: ۹۱) و در فرهنگ جامع عفت به معنای: نهفتگی و پاکدامنی و پارسایی می‌باشد. (سیاح، ۱۳۷۳: ۵۷۰)

علمای اخلاق نیز در تعریف «عفت» آن را صفتی حد وسط در میان شهوت پرستی و خمودی

دانسته اند. به هرحال از آیات قرآن مجید و روایات اسلامی استفاده می شود که «عفت» از بزرگترین فضایل انسانی است و هیچ کس در سیر الی الله بدون داشتن «عفت» به جایی نمی رسد. در زندگی دنیا نیز آبرو و حیثیت و شخصیت انسان در گرو عفت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۰۸)

در اصطلاح عفاف و عفت از اصطلاحاتی است که در علم اخلاق از آن بحث می شود و علمای اخلاق در تعریف آن گفته اند: «عفت آن است که قوه شهویه در خوردن و نکاح (امور جنسی) از حیث کم و کیف مطیع و فرمانبر عقل باشد و از آنچه عقل نهی می کند، اجتناب کند و این همان حد اعتدال است که عقل و شرع پسندیده است.» (نراقی، ۱۳۶۴، ج ۲، ۱۵)

شهید مطهری «عفاف» را اینگونه تعریف می کند: «عفاف و پاکدامنی یک حالت نفسانی است. یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، تحت تاثیر قوه شهوانی نبودن، شره نداشتن.» (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۵۲)

عفت در حقیقت کنترل شهوت است و شهوت در لغت یک مفهوم عام دارد که هرگونه خواهش نفس و میل و رغبت به لذات مادی را شامل می شود. اما شهوت یک مفهوم خاص هم دارد که همان شهوت جنسی است. بنابراین عفت نیز دو مفهوم دارد، یک مفهوم عام که عبارت است از خویشتن داری در برابر هرگونه تمایل افراطی نفسانی و مفهوم خاص آن خودداری از تمایلات افراطی جنسی است. غالباً در روایات و کتب اخلاق منظور از عفت، خویشتن داری در خوردن و امور جنسی است که برترین عبادات شمرده شده و به آن بسار تاکید شده است، چنانچه امام باقر علیه السلام فرموده اند: «عفت شکم و پاکدامنی بهترین عبادت است.»

دلیل اینکه بر این جنبه از عفت بیشتر تاکید شده این است که شهوت جنسی قوی تر از دیگر شهوات است و انسان در این امور بیشتر در معرض خطر و سقوط قرار می گیرد و اعتدال در این امور دشوارتر است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت داریم: «دو چیز تو خالی بیشتر از

هرچیز دیگری اتم را وارد جهنم می کند، یکی شکم و دیگری فرج» تاکید براین جنبه از عفاف، خصوصا عفاف در امور جنسی چه در روایات و چه در مکتب اخلاق آن قدر زیاد است که عرف نیز عفاف را کنترل شهوت جنسی می داند، گویی تمام معنای «عفاف» در همین خلاصه شده است، حال آن که عفاف از ابعاد گسترده ای برخوردار است که همه جنبه های زندگی حیات انسان را دربرمی گیرد.

«عفت» کشتن شهوت نیست، بلکه کنترل آن و اعتدال بخشیدن به آن است. در مقابل عفت دو صفت رذیله وجود دارد. یکی «شره» و آزمندی و آن عبارت است از عنان گسیختگی نفس و فرو رفتن در لذات شهوانی و دیگری «خمود» (ضعف و سستی) و آن عبارت است از منع نفس از آنچه برای دیدن ضرورت دارد. (کتاب زنان، ۱۳۸۶، ش ۳۶: ۹۳)

در روایتی از امام علی علیه السلام که می فرمایند: «افضل العباده العفاف»

بهترین عبادت، پاکدامنی است. (سفینه البحار، ۲۰۷؛ بحار الانوار، ۲۶۹)

مقام معظم رهبری می فرمایند:

ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی حد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه دعوت می کنیم. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۲۵/۹/۱۳۷۱،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2645>

مقام معظم رهبری در بیانی دیگر می فرمایند:

هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد... مردان هم باید عقیف باشند. منتها چون در جامعه، مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی، می تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859>، ۳۰/۷/۱۳۷۶

حیا یکی از مهم ترین صفات نفسانی است که تاثیر فراوانی بر حوزه های مختلف زندگی اخلاقی ما دارد. و نیز عامل موثری است که به صیانت فرد و جامعه کمک می کند. نقش بارز این تاثیر باز دارندگی است. «حیا» در لغت به معنای توبه، شرم (سیاح، ۱۳۷۳: ۳۲۸) و شرمساری و خجالت است که در مقابل آن «وقاحت» و بی شرمی قرار دارد. حیا به معنی «شرم داشتن، باز ایستادن، زنده گذاشتن» است. (شریعتمداری، ۶۴۳: ۱۳۸۷) حیا به معنی شرم و آزر باشد و آن انحصار نفس است در وقت ارتکاب فعل قبیح جهت احتراز و دوری از مذمت. (دهخدا، ۸۴۳: ۱۳۳۸).

درفرنگ عالمان اخلاق حیا خودداری نمودن از هرگونه کار قبیح و زشت است که مردم آنرا بد دانند و فاعل آن را مذمت نمایند و بدگویند. (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۹: ۴۰) حیا، نیرویی است مهارکننده و نظم دهنده که رفتار و افکار انسان را براساس «شرع» و «عرف» تنظیم می کند. مهارکردن و تنظیم، از یک دیدگاه به دو بخش بیرونی و درونی تقسیم می شود و بهترین و موثرترین نوع آن، مهارکردن و تنظیم درونی است. انسان به نیرویی درونی نیاز دارد تا افکار، احساسات و رفتار او را مهار کند و به آنها نظم دهد که در ادبیات دین به عنوان «تقوا» شناخته می شود و مجموعه ای از عوامل مهارکننده و نظم دهنده را در خود جای داده که یکی از مهم ترین و ارزشمندترین آنها «حیا» است.

برتری این عامل بر دیگر عوامل، بدین جهت است که حیا، نه مبتنی بر ترس است، نه مبتنی بر طمع، بلکه مبتنی بر احترام به خود یا کرامت انسانی است که براساس آن، وقتی فرد خود را در حضور شخص کریم بیابد، از ارتکاب زشتی ها خودداری و رفتار خود را تنظیم می کند. به همین جهت باشد که خداوند متعال، پیش از آن که مردم را به خوف (ترس) از خود فراخواند، به حیا فراخوانده و فرموده است: آیا انسان نمی داند که خداوند او را می بیند؟ (علق، آیه ۱۴)

عنصر محوری در حیا، همین نظارت دیگران و خود را در محضر آنان دانستن است. بدین معنا که حضور یک ناظر محترم، حیا را در انسان برمی انگیزد. (از همین جا روشن می شود که

حیا مترادف عفت نیست. عفت، ثمره نیروهای مهارکننده و نظم دهنده ای است که یکی از آنها حیاست. (پسندیده، ۱۳۸۷: ۱۰)

در تعریف عامیانه اغلب واژه حیا با کم‌رویی و یا عفت به یک معنا گرفته می‌شود. گرچه ارتباط تنگاتنگی بین عفت و نوعی از حیا وجود دارد. اما نمی‌توان این دو مقوله را به طور کامل در یک تعریف گنجانده. در برخی تعاریف و روایات مربوط به حیا، بر بحث زنان و عفت تأکید شده است؛ (پسندیده، ۱۳۸۶: ۹۹)

به همین جهت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دانستم که خداوند بر من مطلع است. پس شرم کردم. از دیدگاه روایات، محور حیا و وجه تمایز آن از دیگر بازدارنده‌ها، عنصر «نظارت» است، یعنی آنچه حیا را برمی‌انگیزد، حضور و نظارت ناظر است. معمولاً رفتار ما در جمع، رفتار ما در خلوت، تفاوت می‌کند. تفاوت رفتار در خلوت و جمع، به جهت تفاوت در حضور و عدم حضور است. (همان: ۱۱)

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: عظمت زن بودن را در آمیختن حجب و حیا و عفاف زنانه با عزت مسلمانانه و مؤمنانه، درک کنید (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور، ۱/۲/۱۳۸۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859>)

مقام معظم رهبری در بیانی دیگر می‌فرمایند: عظمت زن آن است که بتواند حجب و حیا و عفاف زنانه را که خدا در جبلت زن ودیعه نهاده است، حفظ کند؛ این را بیامیزد با عزت مؤمنانه، با احساس تکلیف و وظیفه؛ آن لطافت را در جای خود به کار ببرد، آن تیزی و بُرندگی ایمان را هم در جای خود به کار ببرد. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور، ۱/۲/۱۳۸۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859>)

و در بیانی دیگر اینگونه می‌فرمایند: عظمت زن به این نیست که بتواند چشم مردها را، هوس هوسرانان را به خودش جلب کند؛ این افتخاری برای یک زن نیست؛ این تجلیل زن



نیست؛ این تحقیر زن است (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از پرستاران نمونه کشور،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859>، ۱/۲/۱۳۸۹

## فرهنگ

واژه ی فرهنگ در فارسی معادل کلمه "ثقافه" در عربی است. (سیاح. ج ۱/ص ۱۷۸) واژه فرهنگ از دو بخش "فر" پیشاوند است و "هنگ" از ریشه ی "تنگ" اوستایی به معنای کشیدن و فرهیختن. (دهخدا: ۱۵۱۰۹/۱۰) فرهنگ یا فرهنگ به معنای ادب و تربیت می باشد و به معنای دانش و معرفت نیز آمده است. لذا سازمانی که امور تعلیم و تربیت افراد مملکت را بر عهده دارد وزارت فرهنگ نامیده میشود. فرهنگ بر آداب و رسوم نیز اطلاق شده است. (معین، ۱۳۸۶: ۲/۲۵۳۸) همچنین در فرهنگ عمید آمده است: فرهنگ یعنی علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت. (عمید، ۸۱۶: ۱۳۸۱) برای معانی اصطلاحی فرهنگ تعاریف گوناگونی ذکر شده از جمله: فرهنگ عبارت است از مایه های فکری و ارزشی که در رفتار اختیاری و اجتماعی انسان اثر میگذارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ش: ۲۲) مجموعه ای هماهنگ از دانش ها ارزش ها و هنجار های انسانی است که به صورت نماد های گوناگون در عرصه های سخت افزاری اجتماع انسان و امور مربوط به تمدن ظهور می یابد و به نسل های بعدی منتقل می شود. (خسروپناه، ۱۳۸۸: ش: ۲۷) مقام معظم رهبری در مورد فرهنگ می فرمایند: «فرهنگ هر جامعه و هر ملتی و هر انقلابی به مجموعه دستاوردهای ذهنی در آن جامعه که شامل دانش، اخلاق، سنن، آداب و چیزهایی که از این ها سرچشمه می گیرد گفته می شود و به طور کلی ذهنیت حاکم بر یک جامعه، به معنای وسیع آن، فرهنگ آن جامعه را تشکیل می دهد.» (بانکی پور فرد، ۱۳۸۰: ۵۳) همچنین آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرهنگ را اینگونه تبیین کرده اند: «فرهنگ، جهت دهنده ی ذهنیت های انسان و عامل اصلی و تعیین کننده ی رفتار های فردی و اجتماعی است و می تواند زمینه ی مناسب را برای شکوفایی استعدادها و توانایی های یک ملت به وجد آورد.»

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9617>

## تاثیرونقش استحکام خانواده برحجاب و عفاف

در تعریف خانواده گفته می شود که «نخستین سلول یا واجد زندگی اجتماعی و یک اساسی ترین نهاد های جامعه است مرکب از زن و مرد که ممکن است کودکانی هم داشته باشند. روابط زناشویی و خویشاوندی معینی که مورد قبول جامعه است و حقوق و تکالیف افراد نسبت به یکدیگر از ویژگی های خانواده شمرده می شود.» (تقوی، ۱۳۷۳: ۸)

شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه ی زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود، و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد.

اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می شود.

فلسفه ی پوشش و منع کامیابی جنسی از غیرهمسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود؛ در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی يك نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می رود و در نتیجه کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود

از آثار اولیه رعایت حجاب درجوامع، استحکام نهاد خانواده به عنوان کوچکترین و مهم ترین نهاد اجتماعی است با رعایت اصل حجاب و پوشش در محیط بیرون از خانواده، حریم زن و شوهر حفظ می شود و خانواده صاحب ثبات خواهد شد.

خداوند درسوره نور می فرماید: «وقل للمومنات بغضضن من ابصارهن ویحفظن فروجهن ولایبدین زینتهن الا ماظهر منها ولیضربن بخمرهن علی حیوبهن...» و به زنان با ایمان بگو

چشمهای خود را (ازنگاه هوس آلود) فروگیرند، ودامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تاگردن و سینه با آن پوشانده شود) (نور، ۳۱)

بنابراین، زنان باحجاب خود موجب تحکیم خانواده شخصی و دیگران می شوند؛ چرا که باحجاب خود اطمینان و اعتماد شوهرشان را به پاکی خویش جلب می کنند و باعث تحکیم خانواده میگردند، امانتش آنان درتحکیم خانواده ای دیگر، بدین لحاظ است که مردان از... خارج از محدوده زناشویی محروم می شوند و طبعاً به همسران خود بیشتر توجه می کنند (مطهری، ۱۳۷۳: ۸۹).

در روایتی پیامبر ﷺ می فرمایند: بهترین زنان شما، زنی است که برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند، اما خود را از نامحرمان بپوشاند. (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵)  
مقام معظم رهبری می فرمایند:

زن اسلامی عبارت است از آن موجودی که دارای ایمان و عفاف است، متصدی مهم ترین بخش تربیت انسان است، دراجتماع، اثرگذار است، رشد علمی و معنوی دارد، مدیر کانون بسیار مهم خانواده است، مایه جنس مرد است. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39136>)

باعنایت به تعاریف فوق، واهمیت نقش خانواده که از زن و مرد و فرزندان تشکیل شده. عواملی وجود دارد که باعث تحکیم و انسجام آن می گردد ازجمله مسئله حجاب و عفاف که در نتیجه آن موجبات ثبات خانواده و حفظ حریم آن توسط همسران و فرزندان می شود که این خود برتقویت و توسعه و ترویج حجاب و عفاف جوان در خانواده موثر واقع می شود.

#### عوامل استحکام خانواده

#### ۱.۱ اختصاص دلربایی و دلباختگی به محیط خانه و خانواده در شکل ازدواج مشروع

فلسفه حجاب در اسلام این است که این مهم تحقق یابد وهریک از زن و مرد تنها عامل

خوشبختی خود را همسر قانونی خود بدانند. (فلاح زاده؛ ۱۳۹۳: ۳۷)

## ۱.۲ ایجاد پاک ترین و صمیمی ترین عواطف بین زوجین و برقرار ساختن یگانگی واتحاد کامل در کانون خانواده

همه عوامل تاثیرگذار، تامین این هدف وقتی ممکن است که مرد چشم به زنی غیر از همسرش نداشته باشد و زن نیز درصدد تحریک و جلب توجه کسی جز شوهر خود نباشد، و اصل ممنوعیت هر نوع کامیابی جنسی در غیر چارچوب خانواده حتی قبل از ازدواج هم رعایت گردد. (فلاح زاده؛ ۱۳۹۳: ۳۷)

قرآن کریم در سوره بقره می فرماید: «هن لباس لکم وانتم لباس لهن» زنانان لباس شمایند و شما لباس زنان هستید. لباس از همه چیز به تن انسان نزدیکتر و محرم تر است و در عین حال، تن را از نگاه دیگران می پوشاند. (بقره، ۱۸۷)

زن و شوهر نیز به یکدیگر نزدیکند و هریک از آن دو موجب حفظ عفت دیگری است، آن چنان که لباس، انسان را از برهنگی و بی عفتی حفظ می کند. (ری شهری؛ ج ۳)

و به همان ترتیب که لباس هرکس مایه وقار و آراستگی اوست، همسر انسان نیز باید وقار و آراستگی را در اجتماع برای او فراهم سازد. (حداد عادل؛ ص ۷۲)

بی قیدی نسبت به تعهدات خانوادگی مانع ایفای نقش مکملی زن و مرد می گردد و به تعبیر قرآن این لباس ها دیگر مایه حفظ و عفت و وقار و رشد شخصیت نمی باشند. حجاب از لوازم سامان یافتن بنیان خانواده است و بی حجابی با آن تعارض آشکار دارد، زیرا بی بند و باری در پوشش، بی بند و باری در تحریک و احساس نیاز را در پی دارد و تامین نیاز های شعله ور، بنیاد خانواده را نشانه می رود. (فلاح زاده؛ ۱۳۹۳: ۳۸)

بنابراین باتوجه به عوامل استحکام خانواده که در فوق به آن اشاره شد عوامل موثر و قابل توجه و در عین حال راهبردی برای حجاب و عفاف می توان مد نظر قرار داد که در نتیجه آن موجب تقییدات در خانواده و تاثیرگذاری زن و مرد در ایفای نقش موثر در حجاب و عفاف گردید.

## نقش والدین در تقویت و توسعه و ترویج حجاب و عفاف

### ۱.۱ نقش مادر

شناخت صحیح احکام الهی عنصری مهم، در تربیت دینی فرزندان مان محسوب می‌شود. اگر بخواهیم فرزندان خود را طوری تربیت کنیم که احکام الهی را رعایت نمایند باید از همان کودکی بر طبق دستورات دینی عمل نماییم.

مادر به عنوان الگوی عملی و تأثیرگذار، روی شخصیت و طرز تفکر فرزندان به ویژه دختران نقش نمادین دارد و رفتار، کردار و پندار او مستقیماً در فرایند رشد و تکوین، تعیین کننده است. در جوامع اسلامی که حتی مردان بزرگ از دامن آنان به معراج می‌روند. زن جایگاه والایی در توسعه و ترویج فرهنگ اسلامی دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خوش بخت کسی است که مادرش دارای گوهر گران بهای عفت باشد.» از نظر حکم شرعی، واجب نیست مادر همه ی اعضای بدن خود را از فرزندان خودش بپوشاند. بنابراین باز بودن سر و گردن، دست‌ها و پاها و ساق پا اشکالی ندارد. (مکارم شیرازی، ناصر). اما از نظر تربیتی باید بگوییم کودک به راحتی رفتار و صدای مادر را تشخیص می‌دهد و آن را دنبال می‌کند. رفتار مادر برایش کاملاً آشناست و حافظه اش مملو از خاطراتی از این رفتارها است؛ کودک از رفتار و شکل آن‌ها عکس برداری و در حافظه ی خود ذخیره می‌کند. پایه های اساسی رشد شخصیت کودکان و نوجوانان از طریق تقلید نهاده میشود و این شیوه ی تقلید هم از راه شنیداری و هم از طریق بصری حاصل میشود. تقلید و الگوپذیری از ویژگیهای دوران کودکی است. کودک هر آن چه را که ببیند، براساس تقلید میپذیرد و مطابق آن‌ها عمل میکند، بدون این که از خوبی و بدی آن اطلاع داشته باشد. چشم و گوش کودک، چون دریچه ای باز است و ذهن کودک مانند دوربین عکاسی است که هر چه میبیند در آن منعکس و ثبت میشود. (فرهادیان، ۱۳۷۰: ۳۸)

بنابراین رفتار مادر تاثیر فراوانی بر روی کودکان دارد. آن‌ها نمی‌توانند در کارهایشان هدف گیری درستی داشته باشند، لذا تمام توجه اش به پدر و مادر و اطرافیان است، اعمال و

حرکات آن‌ها را مشاهده می‌نمایند و از آن‌ها تقلید می‌کنند. (فرهادیان، ۱۳۷۰: ۳۸)

این امر در مورد پوشش نیز صدق می‌کند. اگر مادر همیشه با پوشش مناسب در مقابل فرزندان خود ظاهر شده باشد؛ کودک هم سعی می‌کند همان پوشش را از مادر تقلید کند و در دوران نوجوانی و جوانی که نوبت به انتخاب می‌رسد، سعی می‌کند با مادر همانند سازی کند و همان شیوه‌ی مادر را برای خود انتخاب کند.

مقام معظم رهبری می‌فرماید: بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش کند. (امام خامنه‌ای؛ بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۲۰/۱۲/۱۳۷۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284>)

مادر به دلیل داشتن جایگاه خاص درمقایسه با دیگر اعضا خانواده تاثیر ویژه‌ای در رشد اخلاقی و شخصیتی فرزندان خود دارد، زیرا مادر به عنوان الگویی تاثیرگذار بر شخصیت فرزندان در بالندگی و تکوین آن‌ها به عنوان الگوی عملی نقش مهمی ایفا می‌کند در این امر هراندازه میزان شناخت و آگاهی مادر در زمینه مسائل و روش‌های تربیتی و مذهبی در سطح بالایی باشد به همان میزان تاثیر گذاری او بر رعایت دستورات دینی از جمله حجاب و عفاف فرزندان نیز بیشتر خواهد بود.

## ۱.۲ نقش پدر

پدر عضو مهم و اساسی در یک خانواده است و بعد از نقش و الگو پذیری از مادر، پدر بیشترین تاثیر را بر فرزند دارد و این تاثیر پذیری باعث ایجاد رابطه خوبی میان پدر و دختر است که این خود به تنهایی باعث می‌شود دختران در زمینه حجاب تاثیر زیادی از پدر خود بگیرند و طبق میل و اراده پدرشان عمل کنند. پدر می‌تواند با نقش و الگو سازی رفتار و کردار خود با فرزندان در پذیرش حجاب در خانواده و اجتماع تاثیر بسزایی داشته باشد. پدر خود به تنهایی نقش تعیین کننده‌ای در پذیرش حجاب توسط فرزندان دارد.

روش تربیتی پدر در خانواده، باید براساس محور و قوانینی باشد و براساس آن قوانین به صورت درست، به فرزندان آن قوانین را بیاموزد و به دنبال اجرای آن در خانواده باشد که یکی از مهم

ترین قوانین و وظایف، رعایت کردن حجاب و عفاف است. رابطه‌ی ای که بین پدر و فرزند وجود دارد، این مساله را راحت تر می کند. در واقع این پدر است که باید این رابطه ای که با فرزندش دارد را بیشتر تقویت کند تا بتواند در زمینه حجاب و عفاف تاثیر خوبی را بر فرزندش داشته باشد و به آن بیاموزد که در اجتماع پوشش مناسبی را داشته باشد.

وقتی پدر مبانی دینی و اخلاقی اسلام را از کودکی در میان فرزندانش جایبندازد، فرزند از ابتدا به اصول اصلی پدر در خانه پی می برد و خود را به اجرای آن موظف می کند و کاملاً می تواند روی فرزندش تاثیر داشته باشد و با بیانی موثر، اصول یک حجاب مناسب را برای فرزندش شرح دهد.

( <https://www.eghtesadonline.com/n/1g7Z> )

درسوره نور آمده است که خداوند به مردان خطاب کرده است: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم ویحفظوا فروجهم ذلک ازکی لکم ان الله خبیر بما یصنعون» به مردان با ایمان بگو: دیده (از نامحرمان) فرونهند و پاکدامنی خود را حفظ کنند که این برای آنها پاکیزهتر است، همانا خدا به آن چه میکنند آگاه است. (نور، ۳۰)

مقام معظم رهبری می فرمایند:

این مساله‌ی حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه‌ی عفاف در این بین سالم نگه داشته شود. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، عفت، رابطه زن و مرد، حجاب، ۳۰/۷/۱۳۷۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284>)

### ۱.۳ نقش خواهر

همانطور که پدر و مادربه عنوان دو الگو و عنصر مهم و تاثیر گذار بر مسائل تربیتی و شخصیتی از جمله حجاب و عفاف می باشند. اعضای دیگر خانواده به تبعیت از الگوپذیری دینی پدر و مادر می توانند در مراقبت و صیانت از این اصول در خانواده موثر باشند از جمله می توان به نقش خواهر یا خواهران اشاره کرد و به علت ارتباط عاطفی به

عنوان عضوی از خانواده در مسیر رشد و تعالی خانواده ایمانی که بنای آن دستورات و احکام الهی است موجب تقویت حجاب و عفاف گردد. خواهر بالگو گرفتن از مادر مومن و متدین هم می تواند خود یک الگویی موثر در جمع خانواده و دیگر خواهران باشد و هم الگویی برای آینده و فرزندان خود باشد.

#### ۱.۴ نقش برادر

در تبیین و تعریف جایگاه اعضای خانواده به تاثیر نقش برادر در حجاب و عفاف اشاره میکنیم. در صورتی که این نقش در انجام و وظایف خود به خوبی نقشش را ایفا کند تاثیر بسزایی در حفظ حجاب و عفاف در خانواده خواهد داشت و رعایت کردن ضوابط و مقررات اخلاقی و ظاهری با اخلاق نیکو و با محبت و توجه به نیازهای عاطفی در کنار پدر و مادر می تواند به ایجاد انگیزه در راستا حفظ امنیت روانی خانواده و تقویت حجاب و عفاف موثر باشد. و برادر میتواند با پوشش مناسب خود هم در خانواده و بعد در اجتماع در میان زنان و مردان به عنوان الگویی برای دیگران باشد.

#### راه های درونی کردن حجاب و عفاف در اعضای خانواده و اجتماع

۱. ایجاد شناخت نسبت به مصالح رعایت حجاب و تبعات و مضرات عدم رعایت آن، تا از این طریق شناخت کافی و در پی آن باور قلبی حاصل گردد. انسان قبل از این که عملی را انجام دهد، در ذهن خود آن عمل را تصور می کند و از تصور مصالح آن عمل، شوقی در او بوجود می آید که باعث برانگیخته شدن و ایجاد رغبت نسبت به انجام آن عمل می گردد و برعکس اگر از عواقب سوء کاری آگاه باشیم انگیزه ای برای ترک و اجتناب در ما ایجاد می شود.

۲. منطبق ساختن رفتار با این شناخت و باورهای قلبی.

جهت موفقیت در این کار، انجام این امور مفید فایده می باشد:



الف) کم کردن رابطه با کسانی که به این باورها بی اعتقاد یا کم اعتقادند.

ب) ایجاد ارتباط با کسانی که به این باورها سخت پایبندند.

ج) تفکر درباره آثار مثبت حجاب و آفات بی حجابی.

د) توجه ویژه به عبادات و انجام به موقع آن ها.

ه) عدم توجه به تمسخر و سرزنش دیگران.

و) توسل و استمداد از ائمه اطهار

ز) یادآوری خشنودی خداوند از عمل به دستور حجاب.

۳. از همه عوامل مهم تر تربیت های خانوادگی است. (فلاح زاده؛ ۱۳۹۳: ۱۵۲)

با توجه به بیان راهکارهای مطرح شده به این مسئله پی میبریم که با شناخت و تقویت اعتقادات قلبی و دستورات الهی و پایبندی به مسائل اعتقادی از جمله حجاب و عفاف (پوشش) می توانیم خود را در این زمینه بیشتر تقویت کنیم و در جامعه نیز موثر باشیم.

#### تاثیر و نقش حجاب و عفاف در جامعه

نفس آدمی دریایی ازخواستنی ها و تمایلات است. زمانی که به چیزی رغبت پیدا کند همانند دریا، توفانی می شود و تنها راه آرام شدن جزر و مد این دریا، رسیدن او به خواسته خویش است. لذا برای جلوگیری از چنین موقعیت مهلک و درد طاقت فرسایی، حجاب؛ داروی درمان کننده و موجد امنیت و صفای روحی است. همانطور که یک بانوی تازه مسلمان آمریکایی می گوید: «سلامت روح مرد و جامعه بانوع و کیفیت پوشش زنان، رابطه مستقیم و غیرقابل انکار دارد.» (صبوراردوبادی، ۱۳۶۶: ۲۱۹)

از یک سو، ظاهر زن به ویژه اگر به ارائه ها و پیرایه هایی آراسته گردد، جذاب و هوس انگیز است، ازسوی دیگر بخش عظیمی از نیروی انسانی یک جامعه که می توانند به رشد و تعالی آن جامعه کمک کنند و در ابعاد مختلف فرهنگی،

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقش آفرینی نمایند، زنان هستند. اسلام با طرح پوشش و

حجاب در حقیقت جواز حضور زنان در اجتماع را به صورتی سازنده و سالم صادر نموده است و با دستورهای حکیمانه و راهگشا از یک سو این نیروی عظیم را از تباه شدن نجات داده و از سوی دیگر جلوی فساد گستره و ناهنجاری های ناشی از اختلاط زن و مرد را گرفته است. وجوب حجاب، خود بهترین و محکم ترین دلیل حضور سالم زنان در اجتماع است؛ زیرا می دانیم حجاب و لزوم پوشش زن در مقابل نامحرم، درارتباط با اجنبی است و روشن است که اگر زن می بایست درگوشه ای به دور ازانظار، نگاه داشته شود و حضور درعینیت جامعه نداشته باشد، لزوم پوشش و حساسیت فراوان دراین باره مفهومی نداشت. استاد جوادی آملی می نویسد: «بنا بر آیه ۱۹ نساء، قرآن ما را متوجه یک مطلب مهم می کند و می فرماید: «بازن ها معاشرت نیک داشته باشید و زن را چون مرد درمجامعتان راه دهید و اگر خوشایندتان نیست که آن ها را درمجامعتان شرکت کنند، این کار ناخوشایند را بکنید؛ چراکه ممکن است خیر فراوانی درآن باشد و شما نمی دانید.» (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۷).

همه آحاد جامعه درمقابل سلامتی جامعه مسئول اند و مسئولیت مهم تر در این باره بر دوش خانم هاست. آن ها با رعایت پوشش اسلامی نه تنها جامعه را از آلودگی و بی بند و باری جنسی و هوس بازی حفظ می نمایند، بلکه خود به عنوان نیرویی کارآمد و اثربخش درجامعه حضوری سالم، سازنده و مفید خواهند داشت که اگر اینگونه شود، مسیر ترقی و رشد برای آن جامعه روز به فراهم خواهد شد.

با توجه به آیات قرآن مجید، به خوبی مشخص و معین می گردد که هدف از تشریح وجوب حکم حجاب اسلامی دست یابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی جهت استحکام و گسترش امنیت اجتماعی است.

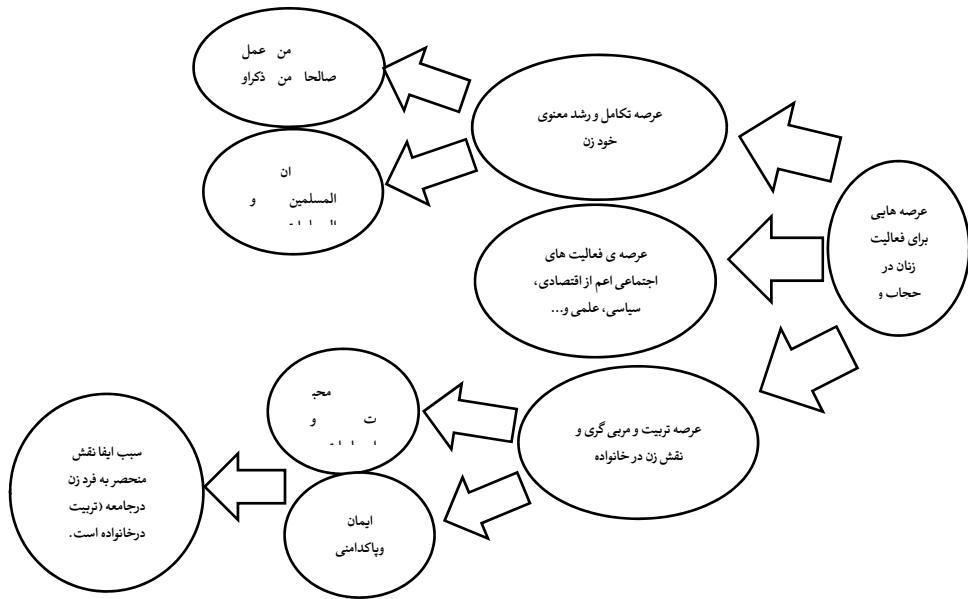
در سوره احزاب آمده است که: «إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ»

چون نگاه به نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد و ریشه کن نمودن امنیت اجتماعی می شود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش

بدن به بانوان، مردان را نیز امر به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر ایشان حرام کرده است. (احزاب، ۵۳) در روایتی امام رضا ع می فرماید: «حَرَّمَ النَّظَرَ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالزَّوْجِ وَغَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لَمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَمَا يَدْعُوا التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَالدُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ» نگاه به موهای زنان باحجاب ازدواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه مردان را بر می انگیزد و آنان را به فساد فرامی خواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته. (مجلسی؛ ج ۱۰۴، ص ۳۴)

مقام معظم رهبری می فرماید: «با حجاب زن مسلمان، هم خود زن مسلمان امنیت پیدا میکند و هم مرد مسلمان. آن جایی که زن را به عریانی و برهنگی نزدیک می کنند، در درجه اول، امنیت از خود زن و در درجه ی بعد، از مردان گرفته خواهد شد. برای این که محیط سالم و دارای امنیت باشد؛ زن بتواند کار خود را در جامعه انجام دهد، مرد هم بتواند مسئولیت های خود را انجام دهد، اسلام حجاب را رعایت کرده (امام خامنه ای؛ بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۲۰/۱۲/۱۳۷۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284>) مقام معظم رهبری در بیانی دیگر می فرماید: «بنده نسبت به مسئله ی حجاب و حیای اسلامی در دانشگاه ها دغدغه دارم. رؤسای دانشگاه ها، مدیران و خود دانشجویان و بخصوص دختر خانم ها به حجاب و فاصله گذاری اهمیت بدهند و توجه کنند.» (امام خامنه ای، بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل های دانشجویی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45639>، ۲۸/۲/۱۳۹۹)

### نمودارها



### نتیجه گیری

از نگاه دین مبین اسلام، حجاب باعث استحکام خانواده و ارتباط دوستانه و همچنین موجب حفظ سلامتی میان خانواده و جامعه می شود این خود باعث ایجاد آرامش روحی و روانی و ارتباط آن با حجاب و نقش آن در استحکام پیوند خانوادگی و همچنین جامعه اسلامی است که باید در این زمینه در کانون خانواده به آن توجه زیادی شود. خداوند زن را مایه آرامش و پیوند میان اعضای خانواده در خانه می داند. که در این زمینه به آیات و روایات زیادی اشاره شده است حجاب و عفاف پوششی است که مردم را در برابر فساد های جامعه حفظ می کند. جامعه ای که فرهنگ پوشش در آن باشد، هم خانواده و هم جامعه در آرامش قرار می گیرند به فساد کشیده نمی شوند.

در این پژوهش تلاش شده است که به شناخت و شناسایی نقش خانواده در توسعه و ترویج فرهنگ حجاب و عفاف در جوانان از منظر آیات و روایات و بیانات مقام معظم رهبری و ارائه راهکارهایی برای شناخت بهتر مسئله حجاب و عفاف مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد و مشخص شود. اهمیت پرداختن به این موضوع در کاربردی بودن آن نهفته است به این معنی که رشد فرزندان و جوانان و در پی آن رشد آنان در جامعه و تربیت نسل آینده در زمینه حجاب و عفاف به تربیت های خانوادگی و استحکام خانواده بستگی دارد و به صورت کلی نقش خانواده در تربیت اولیه فرزند بسیار مهم و موثر است.

## منابع

### قرآن کریم

### نهج الفصاحه

- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران نشرنی، چاپ ۳، ۱۳۸۲
- عسکری، محمدعلی، غیرتمند، سعید، مختاری، دکتر نادر، آثار فردی و اجتماعی عفاف و حجاب و نقش آن در امنیت زنان، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی دفتر تحقیقات کاربردی فا.ا. خراسان شمالی سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۴
- ابن منظور، محمد، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دارالحیاء التراث العالمی.
- بانکی پور فر، امیرحسین، ۱۳۸۰، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، احمد قماشچی، تهران، نشر تربیت اسلامی، وزارت آموزش پرورش، چاپ اول
- بانوی اصفهانی، ۱۳۶۹، کتاب اخلاق، طلوع آزادی مجلسی، محمد، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۴.
- پسندیده، عباس، ۱۳۸۷، غنچه های شرم، دارالحدیث قم.
- پسندیده، عباس، ۱۳۸۷، پژوهشی در فرهنگ حیا، دارالحدیث قم.
- تقوی، ن. (۱۳۸۲). جامعه شناسی خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، زن درآینه ی جمال و جلال الهی، اسراء.
- حق شناس، دکترسیدجعفر، ۱۳۸۶، حجاب درآیات قرآن بانگاهی به روایات، سال نهم شماره ۳۶
- خسرو پناه، عبدالحسین، ۱۳۸۹ش، جریان شناسی ضد فرهنگ ها، انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی، قم، چاپ ۲
- خادم پیر، علی، ۱۳۹۴، خاستگاه، عوامل و آثار شرم و حیا در نگاه قرآن و حدیث.
- خوش باور، دکتر داود، خوش باور، فاطمه معصومه، بررسی و مطالعه فلسفه حجاب و تأثیر

آن بر امنیت فردی و اجتماعی از منظر تقلین

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، فرهنگ دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱۳  
رزاقی، احمد، بدحجابی، ریشه ها و راهکارها....، خیرگزاری فارس

رهنما، اکبر، علی اکبر زاده آرانی، زهرا، خاری آرانی، مجید، ۱۳۹۴، بررسی مفهوم حجاب  
در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه های تربیتی آن، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۶، شماره

۲۲

سیاح، احمد، ۱۳۷۸، فرهنگ بزرگ جامع نوین سیاح، انتشارات اسلام، جلد ۱، چاپ ۱۷

سیاح، ع، ۱۳۷۳، فرهنگ بزرگ جامع نوین سیاح، انتشارات اسلام، جلد ۱

سفینه البحار، ۲۰۷؛ بحارالانوار، ۲۶۹

صبوراردوبادی، احمد، ۱۳۶۶، آیین بهزیستی اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرين، تهران مکتبه المرتضویه

کتاب زنان (فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۶، ش ۳۶.

گرامی، شیرین، عزیزی، مهناز، ۱۳۹۶، رابطه حجاب زنان با سلامت روانی خانواده و جامعه،  
تهران، دانشگاه الزهرا.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۵ق، کتاب العین، قم، دارالهجره.

فلاح زاده، محمدحسین، ۱۳۹۳، حجاب و عفاف، جباری، طاهره، قم، بهار دل ها، نوبت

چاپ اول، ص ۳۷

فلاح زاده، محمدحسین، ۱۳۹۳، حجاب و عفاف، جباری، طاهره، قم، بهار دل ها، نوبت

چاپ اول، ص ۳۸

فلاح زاده، محمدحسین، ۱۳۹۳، حجاب و عفاف، جباری، طاهره، قم، بهار دل ها، نوبت

چاپ اول، ص ۱۵۲

فرهادیان، رضا، ۱۳۷۰، آن چه والدین و مربیان باید بدانند، رؤف، قم، ص ۳۸.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، نظام حقوقی زن در اسلام، تهران، انتشارات ملامصدر

مطهری، مرتضی، ۱۳۶۵، مسئله حجاب، تهران، انتشارات ملاحظه  
مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات ملاحظه  
مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۷ش، تهاجم فرهنگی، قم، چاپ دهم، انتشارات موسسه  
آموزش و پژوهش امام خمینی رحمته الله علیه  
معین، محمد، ۱۳۶۴، فرهنگ فارسی معین، ج ۴، تهران: زرین: نگارستان کتاب،  
۱۳۸۲

مکارم شیرازی، ناصر، رساله ی توضیح المسائل، قم، هدف، ص ۴۲۴  
محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۶۳، میزان الحکمه، ج ۳، موسسه علمی فرهنگی  
دارالحدیث

مجمع البیان، ج ۷  
علیمرادی، مهناز، محمد مهدی، ۱۳۸۹، حجاب و پوشش در ادیان زرتشت، یهود و  
مسیحیت، فصلنامه معرفت ادیان، ش ۳، ص ۱۱۷ - ۱۳۸.

عمید، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ عمید، انتشارات معین، تهران، چاپ ۱  
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم و جامع المصطفی العالمیه  
عامری، وحیده، غروی نایینی، دکتر نهله، ۱۳۸۶، پویشی در معنا و مفهوم حجاب، فصلنامه  
شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال نهم، شماره ۳۶

حداد عادل، غلامعلی، ، ۱۳۸۶، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، رقیعی (شومیز)، صدا و  
سیمای جمهوری اسلامی ایران (سروش)، ص ۷۲

وسایل الشیعه، جلد ۳۰، ص ۵۱۸۱



---

## عوامل ترویج سبک زندگی غربی و راه‌های مقابله با آن از منظر قرآن و حدیث

---

دکتر محمدنبی احمدی<sup>۱</sup> (نویسنده مسؤول) - نوراله خانی پور<sup>۲</sup>

### چکیده

سبک زندگی، شیوه زندگی یا سبک زیستن است که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه می‌باشد. سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای از: باورها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها، سلیقه‌ها، و عملکردها دانست که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد. زمانی سخن از سبک زندگی به میان می‌آید که میان گذشته، حال و آینده یکپارچگی باشد؛ زیرا باید سبک باشد و نه رفتاری منفرد. سبک زندگی از آن جهت اهمیت می‌یابد که می‌تواند به طور مستقیم بر سلامت جسمی، روحی، اخلاقی، فردی و اجتماعی افراد و جامعه تأثیر بگذارد و پیامدهای مثبت و منفی برای آن‌ها داشته باشد. نفوذ فرهنگ و سبک زندگی غربی در کشور ما به دو صورت اتفاق افتاده است. یک روش به صورت رسمی و قانونی از طریق دولت مردان و کارگزاران دولتی و دیگری به صورت غیر رسمی که پیامد انتخاب‌های مردم در میان محدودیت‌های ساختاری و بازتاب مهم موقعیت‌های اجتماعی آن‌ها است. سبک زندگی

---

۱.. دانشیارگروه عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، Mn.ahmadi217@yahoo.com

۲.. دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم قرآنی و حدیث، کرمانشاه، khanipournoor1354@gmail.com

غربی ویژگی‌ها و نمودهای خاص خود را دارد که معمولاً با سنت‌گریزی، دین‌گریزی، طلب لذت‌آنی همراه است و روابط جنسی نامشروع، ورزش و رسانه جلوه‌گاه‌های مهم آن هستند. کشف حجاب می‌تواند به عنوان منشاء اصلی بسیاری از مفاسد اخلاقی در جامعه اسلامی باشد. سبک زندگی یکی از موضوعات مطرح شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌باشد که مقام معظم رهبری به تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران تأکید نموده است. این مقاله بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی عوامل ترویج سبک زندگی غربی و راه‌های مقابله با آن از منظر قرآن و حدیث بپردازد. لذا ضمن بیان شیوه‌های تغییر سبک زندگی به راه‌کارهای مقابله با نفوذ غرب در کشورمان با استفاده از آیات و روایات از جمله اعتقاد به توحید، تمسک به قرآن، اعتقاد به معاد و سرای پس از مرگ، زندگی اعتدالی، فراگیری فرهنگ و سواد رسانه‌ای توسط مردم و خانواده‌ها پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: قرآن، حدیث، سبک زندگی، فرهنگ، غربی، ترویج

## مقدمه

هنگامی که بحث از سبک زندگی<sup>۱</sup> می‌شود، آنچه مورد بررسی قرار می‌گیرد سبک «زیستن» و «زندگی» است. در طول زمان و در جوامع گوناگون، زندگی افراد بشر براساس مجموعه‌ای از قوانین و مناسبات مشخص، نظم و نسق یافته است. از آنجا که آیین اسلام، آیین جامع و کاملی است؛ انسان را کامل‌تر و جامع‌ترمورد ارزیابی قرار می‌دهد و زندگی را با پشتوانه امور اعتقادی و بینش‌ها ارزشیابی می‌کند. حتی رفتارهایی مانند نماز، اگر از پشتوانه اعتقاد به خدا و معاد برخوردار نباشند رفتار خوبی محسوب نمی‌شوند. بر اساس سبک زندگی دینی، اگر دنیا ارزشی داشته باشد؛ از آن جهت است که می‌تواند ابزاری برای نیل به سعادت اخروی و زندگی واقعی باشد. وگرنه دنیا به سبب زوال‌پذیری و توأم بودن آن با سختی‌ها و... ارزش واقعی ندارد و جز بازیچه‌ای موقتی برای کسانی که از خدا غافل شده‌اند نیست. در قرآن، از سبک زندگی ویژه برای انسانها با عنوان «حیات طیبه» یاد شده است. (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (نحل ۹۷/۱۶) «هرکس از مرد یا زن، [کار] شایسته‌ای انجام دهد، در حالی که او مؤمن است، پس قطعاً او را به زندگانی پاکیزه‌ای زنده می‌داریم و حتماً مزدشان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، به آنان پاداش خواهیم داد.»

قرآن در آیه فوق به بندگان وعده قطعی می‌دهد که در صورت رعایت حریم الهی در مقام عمل، در دنیا برای آن‌ها «حیات طیبه» رقم بزند و رستگاری اخروی آن‌ها را نیز تأمین نماید. در این زمینه تضاد جدی بین فرهنگ غرب و فرهنگ خودی وجود دارد. کشورهای غربی و دشمنان ایران و اسلام می‌کوشند تا با ترویج سطح زندگی غربی، کشورمان را متحمل زیان‌های جبران‌ناپذیری بکنند. سبک زندگی در انقلاب اسلامی به اندازه‌ای مهم جلوه نموده که در بیانیه گام دوم انقلاب رهبری نیز مد نظر قرار گرفته است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را می‌توان مانیفست انقلاب اسلامی در آستانه ورود به دهه پنجم انقلاب دانست که تمسک

به آن می‌تواند چراغ راه آینده کشور باشد.

مقام معظم رهبری که سردمدار احیاء سبک زندگی اسلامی در سال‌های اخیر به شمار می‌آیند نیز سبک زندگی را در یک کلام «رفتار اجتماعی و شیوه زیستن» تعریف نموده‌اند. (جعفرزاده، ۱۳۹۳، ص ۱۰۹). به گفته رهبری فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است و هویت ملت‌ها را از بین می‌برد. همه ما موظف به حراست از کشورمان با همه وجود می‌باشیم. در این نوشتار سعی بر آن است تا به شرح و توضیح بیانیه گام دوم انقلاب در مورد ترویج سبک زندگی غربی که باعث زیان‌های اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی در کشورمان شده و عواملی که مانع رواج این امور در جامعه می‌گردند را مورد بررسی قرار دهیم.

#### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در ارتباط با موضوع سبک زندگی انجام شده است که ذیلاً به چند مورد آن اشاره می‌شود: «دین و سبک زندگی» نوشته مهدوی کنی (۱۳۸۷) در این کتاب که مشتمل بر دو بخش و شش فصل می‌باشد به رابطه آموزه‌های دینی و سبک زندگی پرداخته شده و مؤلف اثر کوشیده است تا ضمن بررسی نظری دین و تعالیم و معارف آن درباره سبک زندگی به بررسی نظریه‌های مختلف موجود در باب سبک زندگی در غرب امروز و جایگاه دینی در آن‌ها بپردازد. «سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی (با رویکرد رسانه)» نوشته حمید فاضل قانع (۱۳۹۲) این کتاب مشتمل بر شش فصل می‌باشد که نویسنده به موضوع ابزارهای دیداری، شنیداری و ظرفیت‌های گسترده زیبایی‌شناختی و هنری برای ترویج و تثبیت سبک زندگی اسلامی پرداخته است. «مقاله سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام» نوشته عنایت‌الله شریفی، مهرعلی لطفی (۱۳۹۲) در این مقاله که مشتمل بر بیست صفحه می‌باشد نویسندگان به نقش اساسی باورها و اعتقادات دینی در خانواده از منظر قرآن و روایات پرداخته‌اند. «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن» نوشته محمد کاویانی (۱۳۹۴) مؤلف کتاب با استفاده از آیات قرآن، احادیث و روایات معتبر مطالب کامل و جامعی درباره تربیت کودک قبل از تولد، توجه به نیازهای ماه‌های اولیه،

نگرش‌های حاکم بر خانواده، نقش جنسی از دیدگاه اسلام و وضعیت اقتصادی - اجتماعی نوشته است. «سبک زندگی به روایت انقلاب اسلامی» نوشته محمد صادق کوشکی (۱۳۹۵) این کتاب شامل هشت بخش می‌باشد که نویسنده به بیان دو الگوی موفق در قالب سبک زندگی جهادی پرداخته، و این دو مصداق یکی مربوط می‌شود به سبک زندگی در سال‌های دفاع مقدس و دیگری سبک زندگی که در ارتباط با حرکت‌های جهادی بعدی می‌باشد. اما طبق بررسی‌های به عمل آمده تا کنون مقاله‌ای با عنوان عوامل ترویج سبک زندگی غربی و راه‌های مقابله با آن از منظر قرآن و حدیث نوشته نشده است.

### ۱. مفهوم سبک زندگی

مقام معظم رهبری: «یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن. این یک بعد مهم است؛ این موضوع را می‌خواهیم امروز یک قدری بحث کنیم. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ (غافره/ ۴۰) هر کس کار بدی انجام دهد، جز به همان مقدار کیفر داده نمی‌شود و هر کس از مرد یا زن که مؤمن باشد و کار شایسته‌ای انجام دهد، پس اینانند که داخل بهشت می‌شوند و در آن جا بی حساب روزی داده می‌شوند. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است. در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریم‌ها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است. اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار،

رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأموردولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه، اینها بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45639>).

امروزه سبک و شیوه زندگی در دوران جهانی شدن مصرف، از جمله مهمترین مسائل در علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی است؛ اما غلبه و شیوه و سبک زندگی مصرفی کنونی صرفاً یک مسئله قابل بحث و تحقیق در مراکز علمی-فرهنگی نیست؛ بلکه خطر بزرگی برای آینده فرهنگ‌ها و سست شدن بنیاد انسانیت و سرایت آشوب در همه چیز و همه جا و حتی در شیوه زندگی گسترش یافته کنونی است. یعنی وقتی شیوه زندگی را بدون باطن و هسته آن در نظر آوریم در حقیقت یک مسئله خطیر انقلاب اسلامی را که با بعضی دستورات عمل‌های ساده می‌توان از گسترش سبک زندگی غربی و جهانی جلوگیری کرد فراموش نموده‌ایم. اما اگر هم بگوییم بسیار خوب آن را هم می‌پذیریم و در کنار آن سبک و شیوه دیگری وضع می‌کنیم دچار پندار اشتباه شده‌ایم. این پندار کمتر از شیوه مصرفی خطرناک کنونی نیست و شاید خطرناک تر هم باشد. زیرا ممکن است گمان کنیم که مشکل با بعضی تغییرات جزئی در شیوه زندگی شخص حل شده و خطر حرص مصرفی، دیگر وجود ندارد.

از منظری که سبک زندگی و بررسی ابعاد و وجوه آن، حوزه بسیار تخصصی و حرفه‌ای در مطالعات فرهنگی به خود اختصاص می‌دهد، مقوله بسیار تعیین کننده و محوری در مطالعات و بررسی‌های کلان استراتژیک و طراحی چشم اندازهای یک فرهنگ نیز می‌باشد. امروزه، باید سلیقه‌های گوناگون افراد را کشف و پیش‌بینی کنیم. جامعه غربی به این مهم

اهتمام ویژه دارد و پس از وقوع هر نوع الگو و سلیقه‌ای آن را حدس می‌زند و پیش‌بینی می‌کند و در قالب بازی و نرم افزار و اثاثیه منزل و حتی شگردهای سینمایی و رفتارهای ویژه تئاتر و جز اینها در اختیار مردم قرار می‌دهد. از این گذشته، ممکن است که ما هم آنها را درون حوزه خود ناخودآگاه بپذیریم و در مقام گزینه‌ای که تا به حال نبوده و به تازگی ابداع شده است و معنای آن روشن نیست ترویج کنیم. در هر حال، عرضه الگوی مناسب در حوزه برنامه‌ریزی دین اهمیت بسزایی دارد. رویکرد ویژه به سلیقه‌ها و ذائقه‌های مختلف و بررسی الگوهای مناسب و کلیات و ارزشها برای نسل امروزی ضروری است و باید آنها را مطابق دین و خواسته‌های امروزی تبیین کرد. انسان باید تعیین هدف کند و اساس زندگی را با هدفی ترسیم کند که هم فرآیند شکل‌گیری سبک زندگی به فرد ارائه شود و هم با فطرت انسانی سازگار باشد. اینها، همه و همه، ویژگیهایی است که به هنگام رجوع به متون دینی و یافته‌های بزرگان دین برای ارائه سبک زندگی الزام می‌نماید.

از این روست که رهبر انقلاب اسلامی در بحث سبک زندگی به مصادیق و سؤالات دقیق و جزئی و عینی و ریز شده روی آورده‌اند. باید نیک نگریست که امروزه چه عاملی سبب مهم شدن سبک زندگی در دیدگاه مردم شده است و بخش عمده درآمد خود را به آن اختصاص می‌دهند. در این میان، مسأله جبر و اختیار هم البته بی‌تأثیر نبوده است. برخی به پاره‌ای از امور اجتماعی و ساختارهای آن تن می‌دهند و از پاره‌ای از آنها می‌گریزند. اما همواره این دغدغه بوده و خواهد بود. عادات و سبک زندگی مردم امر مهمی است و امروز اندیشمندان غربی هم از شیوه زندگی غربی دفاع نمی‌کنند و آراستگی به فضائل انسانی و زندگی پرهیزکارانه نیز در نظر همه کس شرط کمال و صورتی از آن است. پس یکی از مشکلات ما مقایسه و انتخاب میان دو صورت و شیوه زندگی نیست، بلکه در شرایط امکان تحقق آنها است.

## ۲- ترویج سبک زندگی غربی در کشور

۱.۲. تغییر سبک زندگی به صورت رسمی و قانونی و از طریق دولت و کارگزاران دولتی

۱-۱۰۲ «همفری» کارشناس و جاسوس معروف انگلستان که مأمور اعزامی وزارت مستعمرات انگلیس به کشورهای اسلامی بوده، از بی‌حجابی و برداشتن حجاب زنان و رواج بی‌بندوباری به عنوان یکی از مؤثرترین روشها در مبارزه با استقلال ملت‌های مسلمان یاد کرده است. (صلاح، بی‌تا، ص ۷۳). کشف حجاب در ایران نیز پدیده خودجوش داخلی نبود و محرک‌های خارجی داشت. این پدیده ناشی از تأثیر فرهنگ و آداب و رسوم غربی تحت عنوان «تجدد خواهی» در میان ایرانیان، به ویژه کسانی است که افکار و زندگی غربی را تجربه کرده‌اند. در این بین اراده دولت مردان نقش مکمل داشته و اشاعه آن تأثیر بسزایی داشته است. (فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶، ص ۷۴).

مقام معظم رهبری: «آنها به وسیله عوامل خودشان، با گماشتن رضاخان پهلوی و تقویت او و گذاشتن روشنفکران وابسته به غرب در کنار او فرهنگ خودشان را بر ما تحمیل کردند. بعضی از وزرا و نخبگان سیاسی دستگاه پهلوی که جنبه فرهنگی داشتند، اینها عامل غرب بودند برای دگرگون کردن فرهنگ کشورمان؛ و هر چه توانستند، کردند؛ یک مقوله‌اش مسئله ی کشف حجاب بود، یک مقوله‌اش فشار بر روحانیون و زدودن حضور روحانیون از کشور بود؛ و مقولات فراوان دیگری که در دوران رضاخان پهلوی دنبال می‌شد.» (حسینی خامنه‌ای، سخنرانی در جمع جوانان بجنوردی، ۱۳۹۱).

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>

(أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا) (احزاب ۳۳/۵۹) ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: روسری‌های بلند بر خود بپوشانند، این (عمل) مناسب‌تر است، تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، و خداوند آمرزنده مهربان است.

بر اساس شواهد تاریخی اولین نشانه‌های کشف حجاب از دربار ناصرالدین شاه قاجار آغاز شد. مسافرت‌های شاه به اروپا و مشاهدات وی از وضعیت پوشش زنان اروپائی در انتقال فرهنگ آن دیار به کشور و در ابتدا به دربار و دارالخلافه تأثیر به‌سزایی داشت. اولین اقدام



قانونی و رسمی در تغییر سبک زندگی در ایران به واقعه کشف حجاب رضا خانی برمی‌گردد. رضا شاه پس از تنها سفر خارجی‌اش به ترکیه در ۱۲ خردادماه ۱۳۱۳ تحت تاثیر اقدامات تندروانه آتاتورک قرار گرفت. از این رو بخش‌نامه کشف حجاب جهت تصویب در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۳۱۴ از طرف رئیس‌الوزرا به دربار فرستاده شد تا در آغاز دی ماه فرمان اجرای رسمی قانون کشف حجاب به تمام ولایات ایران ارسال گردد. رضا شاه در ۱۷ دی سال ۱۳۱۴ طی جشن فارغ‌التحصیلی دختران بی حجاب در دانشسرای مقدماتی رسماً بر کشف حجاب تاکید کرد.

این نخستین بار بود که خانواده شاه بدون حجاب و روبنده در مجمعی عمومی ظاهر می‌شدند. به دنبال این اقدام، زنان و دختران ایرانی از استفاده چادر، روبنده و روسری منع شدند. این قانون اوج سیاست‌های رضاخان در زمینه تغییر لباس بود که از سال ۱۳۰۷ آغاز شده بود. این قانون در مرحله اجرا با مقاومت‌های خونینی روبرو شد و قیام در مسجد گوهرشاد در تیر ماه ۱۳۱۴ از نمونه‌های آن است. آیت‌الله قمی، آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله سید یونس اردبیلی و... از جمله مراجع و علمای سرشناس بودند که نسبت به اقدامات رضاخان در ترویج بی‌حجابی شدیداً اعتراض کردند. استفاده از مراکز تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس آموزشی به سبک اروپا از دیگر عوامل زمینه‌ساز کشف حجاب در ایران عصر رضاخان بود. گرچه سابقه ایجاد این مدارس نیز به دوره ناصرالدین شاه باز می‌گشت، اما رضاخان در آستانه اعلام کشف حجاب، مشوق توسعه این مدارس بود. (فصلنامه مطالعات تاریخی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۳، ص ۲۲۰).

کشف حجاب بسیاری از مفاسد اخلاقی در جامعه را در پی داشت و خشم بسیاری از مردم به ویژه قشر مذهبیون را برانگیخت. بسیاری از زنان مؤمنه، برای حفظ حجاب از منازل خارج نمی‌شدند و خود را در خانه حبس می‌کردند. بسیاری نیز تلاش می‌کردند تا حجاب خود را در کوچه و خیابان، به دور از چشم مأمورین، حفظ کنند.

خداوند متعال می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) (رعد ۱۱/۱۳)

«درحقیقت خداوند حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.» شانس، طالع، اقبال، تصادف، تأثیر اوضاع فلکی و مانند این‌ها هیچ کدام پایه و اساس ندارند؛ بلکه اساس و پایه این است که: سربلندی و سرافرازی هر ملّتی و یا به عکس ذلّت و زبونی او به دست خودش می‌باشد. حتی لطف خداوند یا مجازات او بی مقدمه دامان هیچ ملّتی را نخواهد گرفت؛ بلکه این اراده و خواست ملّت‌ها و تغییرات درونی آن‌ها است؛ که آن‌ها را مستحق لطف یا مستوجب عذاب خدا می‌سازد. به تعبیر دیگر، این اصل قرآنی که یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی اسلام بیان می‌کند به ما می‌گوید: هر گونه تغییرات برونی متّکی به تغییرات درونی ملّت‌ها و اقوام است و هر گونه پیروزی و شکستی که به قومی برسد از همین جا سرچشمه می‌گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۱۷۳ و ۱۷۴).

## ۱.۲- برنامه تنظیم خانواده

دومین اقدام قانونی در تغییر سبک زندگی در ایران به برنامه تنظیم خانواده، می‌توان اشاره کرد. در سال ۱۳۳۷ اولین برنامه‌های تنظیم خانواده در ایران به اجرا گذاشته شد. این برنامه‌ها از سال ۱۳۴۸ به صورت متمرکز آغاز گشت. سیاست «فرزند کمتر، زندگی بهتر» (از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵) و سیاست «تنظیم خانواده» از ۱۳۶۸ از جمله سیاستهای تنظیم خانواده در ایران هستند که از دست‌آوردهای این سیاست، رواج پیشگیری از بارداری از ۳۷ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۵ درصد در سال ۱۳۷۹ می‌باشد. طی یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای سیاست تنظیم خانواده در اوایل دهه ۹۰ به دلیل نگرانی از سالخوردگی جمعیت کنار گذاشته شد و مقابله با آن از اولویت‌های نظام به شمار می‌رود. (صلاح، بی‌تا، ص ۷).

## ۲.۲ ترویج روابط نامشروع

خدا در قرآن می‌فرماید: (وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَاتِ اِنَّهُ كَانَ فَاْحِشَةً وَّسَاءَ سَبِيْلًا) (اسراء ۱۷/۳۲) و به زنا نزدیک مشوید چرا که آن همواره زشت و بد راهی است. روابط نامشروع جنسی زیان‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی فراوانی به دنبال دارد. در طول تاریخ بشری در جامعه و فرهنگ

های مختلف، رابطه با جنس مخالف، اشکال و ابعاد متنوعی به خود گرفته است. یکی از انواع جدید و رو به گسترش آن که در سالهای اخیر در کشورمان بخصوص در کلان شهرها شاهد آن هستیم، ازدواج سفید است. شروع زندگی مشترک زیر یک سقف، با توافق دو طرفه بین زن و مرد و بدون ثبت رسمی، قانونی و حقوقی ازدواج سفید گفته می‌شود. ازدواج سفید، پیوندی غیر قانونی و غیر رسمی است که در آن دو طرف هیچ تعهدی برای کنار هم ماندن ندارند. شروع زندگی مشترک بدون تبعیت از رسوم و قوانین قضایی و تنها با توافق طرفین، یکی از شیوه‌های مرسوم زندگی در غرب است. این پدیده نخستین بار در ایالات متحده آمریکا و در پی جنبشی پدیدار شد که «جنبش آزادی زن» نام داشت. این جنبش ظاهراً با هدف ایجاد تحول در نظام اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی جامعه آمریکا انجام شد و هدف آن برقراری شرایط عادلانه و برابر برای زنان بود. اما آنچه واقعاً اتفاق افتاد پدیده‌ای بود که بعدها «انقلاب جنسی» نام گرفت و نتیجه آن رواج رفتارهای ناهنجار و نامتعارفی بود که به غلط آزادی زنان نام گرفت.

مقام معظم رهبری: «یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی سازی گناه است؛ گناه‌های جنسی را عادی می‌کند. امروز این وضعیت در خود غرب به فضاحت کشیده شده؛ اول در انگلیس، بعد هم در بعضی از کشورهای دیگر و آمریکا. این گناه بزرگ هم جنس بازی شده یک ارزش! به فلان سیاست‌مدار اعتراض می‌کنند که چرا او با هم جنس بازی مخالف است، یا با هم جنس بازها مخالف است! ببینید انحطاط اخلاقی به کجا می‌رسد. این، فرهنگ غربی است. هم چنین فروپاشی خانواده، گسترش مشروبات الکلی، گسترش مواد مخدر.» (امام خامنه‌ای، بیانات در جمع جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45639>). خدا در قرآن می‌فرماید: (أَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ) (عنکبوت ۲۹/۲۹). آیا شما با مردان آمیزش می‌کنید و راه [توالد و تناسل] را قطع می‌نمایید و در محفل عمومی خود [در انظار یکدیگر] این کار بسیار زشت را مرتکب می‌شوید.

با توجه به ریشه‌های فرهنگی و مذهبی در ایران، ازدواج به شکل رسمی و سنتی با حضور پرنسپال خانواده‌ها روال رایج و مطلوب رابطه بین زوج‌های جوان است که از آداب و رسوم خاص فرهنگی هر منطقه تبعیت می‌کند به همین دلیل هرگونه عدم تجانس با این شیوه پذیرفته شده در جامعه ایرانی مذموم به شمار می‌آید. با این حال تغییرات اجتماعی و تبعیت از فرهنگ غرب راه را برای ورود شیوه‌های غیر سنتی به جامعه ما باز کرده است. از جمله عواملی که می‌تواند جوان‌ها را به این شکل از روابط بکشاند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مشکلات اقتصادی، بالا رفتن سن ازدواج، بالا رفتن آمار طلاق، نداشتن اعتقاد به ازدواج، عدم مسئولیت‌پذیری، حدود و قواعد ازدواج، آنچه که از نظر اکثر جوانانی که اقدام به ازدواج سفید می‌کنند دور می‌ماند، عدم آگاهی یا بی‌توجهی به مشکلاتی است که این سبک از زندگی در پی دارد. عدم تعهد و وفاداری، خیانت جنسی، وقت‌گذرانی و تفریحات مجردی، بروز مشکل در روابط خانوادگی، عدم پذیرش و حمایت عاطفی و مالی از طرف خانواده‌ها از جمله مواردی است که در ازدواج سفید بیشتر از ازدواج‌های رسمی گزارش می‌شود. بسیاری از روانشناسان معتقدند که عدم قطعیت در مورد ثبات و طول عمر این روابط سرمایه‌گذاری در آن را برای هر دو طرف پرخطرتر می‌کند. (وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا) (فرقان ۶۸/۲۵) و (بندگان خاص خدا) کسانی هستند که با خداوند، خدای دیگری را نمی‌خوانند و انسانی که خداوند (خونش را) حرام کرده است، جز به حق نمی‌کشند، و زنا نمی‌کنند، و هر کس چنین کند عقوبت گناهش را خواهد دید. از طرفی زندگی کردن با یک نفر به جای ازدواج کردن با او، جذابیت ازدواج را برای افراد کاهش می‌دهد. و حتی در صورت پذیرش ازدواج دائم با همان فرد یا فرد دیگر، احتمال موفق شدن این افراد کمتر است. در سبک زندگی ارتباط زن و مرد خارج از چارچوب شرع به هیچ وجه قابل قبول نیست. وظیفه زن و مرد بیگانه در قبال یکدیگر تقوا پیشه کردن است. یعنی مراقبت، نگه‌داری و مواظبت از خود! تقوا را که صیانت از خویش خوانده‌اند ریاضت نفس نیست، رضایت نفس است که

به استغنائی نفس و در نهایت به مرگ شهوت می‌انجامد. بنابراین در سبک حیات جنسی اسلامی عفاف، ضرورت زندگی است و بدون آن زندگی بشر به مخاطره می‌افتد.

### ۲. ۳. تاثیر معماری بناهای غربی بر سبک زندگی

خدا در قرآن می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) (نور/۲۴/۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویند این برای شما بهتر است باشد که پند بگیرید. حفظ حریم خصوصی تأثیر عمده‌ای روی معماری ایرانی به ویژه معماری سنتی داشته است. این حریم، محدوده ویژه‌ای از زمان و مکان است که شخص فارغ از قوانین و قالب‌های معین می‌تواند احساسات فردی و نیازهای روانی خویش را برآورده سازد. (معماریان و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۷) این موضوع از آنجا نشأت می‌گیرد که اسلام به مسلمانان دستور داده تا زندگی خصوصی خود را از دخالت عمومی جدا کنند. زندگی اجتماعی و خصوصی در جوامع اسلامی جدا از یکدیگر است و حتی در درون خانه‌ها نیز میزان خلوت و آرامش را ساخت و ساز معماری تعیین می‌کند.

امادیدگاه غربی‌ها چون از بنیان با هستی‌شناسی و انسان‌شناسی جوامع اسلامی متفاوت بوده برای آن‌ها اختلاط زن و مرد چه در بیرون از خانواده و چه در داخل خانه مهم نیست؛ لذا نوع معماری غربی‌ها در بنای ساختمان‌های مسکونی به شکلی است که بین اندرونی ساختمان و بیرون تفاوت چندانی مشاهده نمی‌شود و زنان و مردان نامحرم به راحتی و بدون هیچ گونه شرم و حیایی با همدیگر معاشرت دارند. نمونه بارزی از تأثیر معماری غربی بر سبک زندگی جوامع اسلامی ساخت پذیرایی‌ها و آشپزخانه‌های آپن می‌باشد.

### ۴. راه‌های مقابله با سبک زندگی غربی

#### ۴. ۱. اعتقاد به توحید

(وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تَوْسُوْسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ) (ق/۵۰/۱۶) و ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند و ما از شاه‌رگ [او] به

او نزدیک‌تریم. اعتقاد به خدا، همه رفتارهای اجتماعی و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد. ازمهمترین باورها و اعتقادات اسلامی که در همه ابعاد زندگی یک فرد مسلمان باید خود را نشان دهد، باور و اعتقاد به توحید است. بر این اساس، نظامهای اجتماعی، اعم از نظامهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و به تبع آنها سبک زندگی انسان موحد متفاوت با افراد و جوامع غیر موحد خواهد بود. اگر بر روابط افراد جامعه، ایمان به یگانگی خدا حاکم باشد، پیشرفت، سرافرازی و سربلندی جامعه را در برمی‌گیرد و آثار سازنده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی آنها در پی خواهد داشت. از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که خداوند می‌فرماید: «هر گاه دل بنده‌ام را بنگرم و دریابم که از روی اخلاص و برای خشنودی من طاعتم را به جا می‌آورد، اصلاح و تربیت او را خود به عهده می‌گیرم» (مجلسی، ج ۱۳۶/۸۲). اعتقاد به خدا، همه رفتارهای اجتماعی و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد. فردی که خدا را در همه جا ناظر و همراه خود و حتی از رگ گردن خود به خویش نزدیک‌تر می‌بیند تلاش می‌کند، روش زندگی خویش را طوری انتخاب کند که هم باعث کسب رضایت الهی شود و هم سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت را کسب نماید.

#### ۲.۴. تمسک به قرآن

امروز در برابر راه توحید، دنیای کفر و دین‌ستیزی مدرن قرار دارد. انسان مسلمان اینک بیش از هر زمان دیگر نیازمند بازگشت به قرآن است. (کِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ) (ابراهیم ۱/۱۴) ساین قرآن کتابی است که ما به تو فرود آوردیم تا مردم را به امر خدا از ظلمات بیرون آری و به عالم نور رسانی و به خدای مقتدر ستوده صفات رهسپار گردانی. ذات قرآن و معارف و آموزه‌های آن عاری از ابهام و تیرگی‌اند؛ از این رو می‌توانند انسان و جامعه انسانی را از تاریکی‌های فکری، اعتقادی، اخلاقی، بی‌هدفی و سرگردانی وارهانند. به زندگی انسان معنا بخشند و تلاش‌های وی را جهت دهند و به صراط مستقیم درآورند، و به سوی هدف مطلوب و سعادت سوق

دهند. (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) (آل عمران ۳/ ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام] چنگ زنید، و پراکنده و گروه گروه نشوید. در سبک زندگی، قرآن کریم، مهم‌ترین منبع آموزه‌های اسلامی، سرشار از الگوهایی است که شیوه زیست مؤمنانه و مورد نظر اسلام را معرفی می‌کند. در پرتو آیات نورانی قرآن، شیوه زیستن پیامبر گرامی اسلام که در قالب رفتار آن حضرت در تاریخ ثبت شده، اسوه و نمونه عالی زندگی است که به تمام مسلمانان معرفی شده است. همچنین سخنان و حکایت‌های فراوانی از اهل بیت علیهم‌السلام در اختیار جامعه مسلمان قرار دارد که با الهام از آموزه‌های نورانی قرآن کریم، نمونه‌های عینی‌تر و ملموس‌تری از شیوه‌ها و الگوهای زندگی مبتنی بر آموزه‌های دینی را بیان می‌کند؛ از این‌رو، اندیشمندان مسلمان در طول سده‌های گذشته و با اثرپذیری ژرف از این گنجینه‌های ارزشمند، آثاری نگاشته‌اند و در آن، دیدگاه‌های استنباطی و اجتهادی خود را درباره الگوهای زندگی متناسب با آموزه‌های اسلامی بیان کرده‌اند.

بدون تردید باید قرآن و حدیث را دو منبع هدایتگر و سرشار از مضامین متعالی اخلاقی دانست که طی اعصار مختلف، بالاترین الگوهای والای تعلیمی و تربیتی را در اختیار بشر قرار داده‌اند. از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام باورها و اعتقادات همانند توحید، نبوت و معاد نقش اساسی در تحکیم روابط اعضای خانواده دارند. بی بهره ماندن برخی از خانواده‌ها از این باورها، دره‌مه مراحل، مشکلات متعددی را در پی دارد و ترک باورهای دینی، آرامش و لذت را از زندگی سلب می‌کند. و این همان چیزی است که بنا به فرموده مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، باعث ترویج سبک زندگی غربی در کشورمان می‌شود. اعتقاد به خدا همه رفتارهای زندگی افراد را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد. تقوی که اولین و آخرین توصیه تمام انبیاء و ائمه و اولیاء الهی علیهم‌السلام بوده است، در مراتب عالی‌ه که سرشار از وجوه معنوی و باطنی است، باز هم با عمل و زندگی تنیده است و پر واضح است که حتی همان وجوه باطنی نیز، پایی در فکر ما و پایی در ذکر ما دارند. این جاست که یکی از کلیدی‌ترین درسهای سبک زندگی از نهج البلاغه

امیرالمومنین استنباط می شود؛ توصیه همزمان و هم ردیف به تقوا و نظم، تجلی این معناست که نظم در زندگی و رعایت نظامات اسلامی از تقوا و پرهیزگاری منشأ می یابد.

#### ۳.۴ اعتقاد به معاد و سرای پس از مرگ

(لَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا) (نساء/۴/۸۷) خدای یگانه، هیچ خدایی جز او نیست؛ محققاً همه شما را در روز قیامت که شک در آن نیست جمع آورد، و کیست که راست تر از خدا سخن گوید؟ اعتقاد به سرای پس از مرگ، خانواده را از بی معنایی و بی هدفی نجات می دهد و حلال مشکلات اقتصادی، اجتماعی و... است و از بد رفتاری و تعدی به حقوق یکدیگر باز می دارد. دنیا مزرعة آخرت و باشگاه تربیت انسان است. خدای متعال در این باشگاه به لطف و عنایت خود مصائب و دشواری هایی قرار داده تا جان ما را برای حضور در سرای دیگر ورزیده و نیرومند گرداند.

حضرت علی علیه السلام: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَجَازٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِكُمْ» (نهج البلاغه، خ ۲۰۳) ای مردم! همانا دنیا سرای گذرا و آخرت خانه جاویدان است پس، از گذرگاه خویش برای سر منزل جاودانه توشه بگیرید. «کسی که این دنیا را جای خوش گذرانی و لذت جویی می بیند به گونه ای زندگی می کند و کسی که این دنیا را مزرعة آخرت و محل آزمایش می داند زیست دیگری برای خود رقم می زند. انسان غیر دینی تلاش می کند هرآنچه در بیرون از زمین و پس از حیات دنیوی به دست می آید را در همین دنیا پدید آورد و در زمین، بهشت شداد بسازد، ولی آرمان انسان دینی زندگی در زمین را برای رسیدن به کمال در جای دیگر می داند. ایمان به معاد به زندگی انسان مفهوم می دهد و زندگی این جهان را از پوچی در می آورد. ایمان به معاد روح دنیا پرستی را که خمیرمایه تمام خطاها و جنایات است تضعیف می کند و دنیا را از صورت یک هدف نهایی بیرون آورده، مبدل به یک وسیله برای نیل به سعادت جاویدان می سازد، و چقدر میان این دو دیدگاه تفاوت است! ایمان به معاد به انسان در برابر شدائد نیرو می بخشد و چهره وحشت انگیز



مرگ را که همیشه به صورت کابوسی بر افکار انسان‌ها سنگینی داشته و آرامش را از آنها سلب می‌کرده، دگرگون می‌سازد و آن را از مفهوم فنا و نیستی به دریچه‌ای به سوی جهان بقا تغییر می‌دهد.

فرض کنید به مجلس جشنی دعوت شده‌اید. تلاش می‌کنید آمادگی لازم برای حضور در مجلس جشن و شادی را به دست آورید؛ لباس نو می‌پوشید، کفش خود را واکس می‌زنید، خود را معطر می‌کنید و... انتظار دارید که در آن محفل بهترین پذیرایی از شما صورت گیرد. اگر کمی در آن اخلال شود بر شما بسیار سخت می‌گذرد. دنیا مزرعة آخرت و باشگاه تربیت انسان است. خدای متعال در این باشگاه به لطف و عنایت خود مصائب و دشواریهایی قرار داده تا جان ما را برای حضور در سرای دیگر ورزیده و توانا گرداند. با این گونه نگاه به هستی، روش زندگی و آداب حضور ما در این جهان متفاوت خواهد شد. هرگز گلایه‌ای از دشواریهای زندگی نخواهیم داشت، وبال و مصیبت را به سادگی و شیرینی تحمّل خواهیم کرد. در حالیکه انسان غیر دینی تلاش می‌کند همه آنچه در بیرون زمین و پس از حیات دنیوی به دست می‌آید را در همین دنیا پدید آورد و در زمین بهشت شداد بسازد، آرمان انسان دینی زندگی کردن در زمین برای رسیدن به آسمان است. خلاصه کلام این که ایمان به معاد همراه با ایمان به مبدأ عالم هستی خط فاصل فرهنگ خداپرستان و بی‌دینان محسوب می‌شود.

#### ۴.۴ زندگی معتدل و میانه

یکی از اصول مهم حاکم و تاثیر گذار در سبک زندگی مسئله میانه روی می باشد. قرآن کریم در دستوری کلی و اساسی، همگان را به مشی اعتدال در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و... رهنمون می‌سازد: (وَأَقِمْ فِي مَشِيكَ وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ) (لقمان ۳۱/۱۹) و در راه رفتن خود میانه رو باش و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازه بانگ خران است. قرآن مسیر اعتدال یا همان صراط مستقیم را در پیش روی ما گشوده است. قرآن کریم با نفي دنیا زدگی از يك طرف و دنیا گريزي از طرف

دیگر، مسیر استفاده مطلوب از نعمات بی شمار الهی را به ما معرفی می‌کند که همان میانه روی و اعتدال در امور است. اسلام، مکتب اعتدال است و از هرگونه افراط و تفریط، حتی در کارهای نیک، نهی می‌کند، زیرا نتیجه‌ای به جز حسرت و ملامت ندارد. در سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام چنین چیزی وجود داشته است.

علی علیه‌السلام آب و هیزم خانه و جارو و نظافت آن را بر عهده می‌گرفت؛ و همسر ایشان (فاطمه علیها‌السلام) آرد کردن، خمیر و پخت نان را انجام می‌داد. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق.، ج ۱۴/ ۱۲۴). نیز در روایت آمده است که روزی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد خانه علی علیه‌السلام شد و دید حضرت علی علیه‌السلام در کنار زهرا علیها‌السلام نشسته، مشغول پاک کردن عدس است. حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ثواب عظیمی را برای مردی که به همسر خود در خانه کمک نماید بیان فرمود (مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱۳/ ۱۳۳). افزون بر همکاری، حضرت علی علیه‌السلام در امور خانواده و مسایل مهم با فاطمه علیها‌السلام مشورت می‌کرد و فاطمه علیها‌السلام در نهایت تواضع با ایشان همراهی می‌کرد؛ مثلاً در مسأله مهمی فاطمه علیها‌السلام به علی علیه‌السلام می‌فرماید: «خانه، خانه توست و من همسر تو هستم. هر آنچه می‌خواهی، انجام بده.» (همان، ج ۴۲/ ۱۸۹). از همین باب است حضور در خانه و همراهی با خانواده به‌ویژه در شب، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشستن نزد خانواده را از اعتکاف و عبادت در مسجد مدینه، نزد خدا محبوب‌تر دانسته است. همچنین غذا خوردن به همراه خانواده مورد توجه قرار گرفته است.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «هر مردی که سفره غذا را بگستراند و زن و فرزندش را بخواند و غذا را با نام خدا شروع کند و با شکر خدا به پایان برساند، هنگامی که هنوز سفره برداشته نشده، خدا رحمت و آمرزش را بر آنان نازل فرماید» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق.، ج ۱۶/ ۴۲۲). توجه به زندگی معصومان علیهم‌السلام ویژگی‌هایی را به دست می‌دهد که در پرتو چنین شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی که عینی و سازگار با وضعیت خاص ارتباطی است، می‌تواند مصداق بارز مفهوم میانه‌روی باشد.

برای نمونه می‌توان به زندگی آسیه علیها‌السلام و همسر طغیانگرش فرعون اشاره کرد. آسیه علیها‌السلام در

اصطلاح قرآنی نام زنی است که همسر فرعون بوده ولی در قرآن به نام این بانوی بزرگوار تصریح نشده است. اخلاص و ایمان او به حدّی بوده که خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم ایشان را به عنوان الگو واسوه‌ای برای همه مؤمنان از زن و مرد معرفی نموده است. (وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ) (تحریم ۱۱/۶۶) و برای کسانی که ایمان آورده اند خدا همسر فرعون را مثل آورده. آسیه علیها السلام زن شخصی بود که ادعای خدایی داشت؛ و تمام زرق و برق های مصر پهناور و مردم آن دیار در اختیار او بود؛ ولی آسیه علیها السلام خود را در برابر آن همه عوامل مادی نباخت؛ و به خدای موسی علیه السلام ایمان آورد و شیوه و سبک زندگی خود را تغییر داد، بنابراین برخی از این آموزه‌ها دستورات کلی است که برای تعیین مسیر صحیح زندگی داده شده است.

مسلم‌ترین حالت ممکن، این است که فرد در حد میانه بوده و با توجه به شرایط مختلف در هر موقعیتی یکی از ویژگی‌ها را بیشتر دوست داشته باشد. اگر بتوانید در شرایط مختلف بهترین تصمیم را بگیرید و در مواقع لازم سخت گیر یا سهل گیر باشید. می‌توانید از مزایای هر کدام از این دو گروه نیز بهره مند شوید و زندگی سعادت‌مند و موفق داشته باشید.

#### ۵.۴ فراگیری فرهنگ و سواد رسانه‌ای

یکی دیگر از راه‌هایی که مانع ترویج سبک زندگی غربی در کشورمان می‌باشد، فراگیری فرهنگ و استفاده درست از فضای مجازی و سواد رسانه‌ای توسط خود مردم و خانواده است. والدین باید مواظبت و کنترل داشته باشند، کودکان خود را به فرایض و انجام دادن اعمال دینی تشویق کنند تا دچار مشکل نشوند. یکی از عاداتی که مکاتب بشری در قرون اخیر تجویز کرده‌اند، پرهیز از پایبندی به خانواده و حتی تشکیل دادن آن و ترویج تنها زندگی کردن است. با توجه به حس مسئولیت‌گریزی و راحت‌طلبی انسان‌ها، این توصیه مورد استقبال برخی جوامع واقع شد و عده زیادی از مردم رو به زندگی فردی آوردند. تفاوت سبک زندگی صحیح با دیگر سبک‌های زندگی در نوع هدف آن‌ها است؛ چراکه یک فرد فاسد نیز در زندگی خود دارای هدف است و آن رسیدن به دنیا است. (فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ دِكْرِنَا

و لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا) (نجم ۵۳/۲۹) تو هم ای رسول از هرکس که از یاد ما روی گردانید و جز زندگانی دنیا را نخواست، به کلی اعراض کن. اما همین نسخه نامبارک پس از چندین دهه آثار شوم خود را نمایان کرد و ضربات جبران ناپذیری بر پیکره این جوامع وارد کرد که افسردگی و اضطراب و افزایش قتل و جنایات جنسی از جمله آنها است. اکنون همان مکاتب جهت جبران این ضایعه، به فکر ترویج زندگی دیجیتالی و پر کردن این خلأ توسط ماشین و عروسک و ربات خدمتکار افتاده‌اند. برخی دیگر نیز «حیوانات» را برای پر کردن جای خالی اعضای خانواده پیشنهاد می‌کنند. «اگر رسانه‌های عمومی جامعه اسلامی به عنوان یکی از گذرگاه‌های مهم تبلیغ و ترویج الگوهای رفتاری، قصد داشته باشند برای انسان امروز، الگویی از سبک زندگی دینی ترسیم کنند و آن را در سطحی فراگیر نهادینه سازند، باید بکوشند با تصرف حس زیبایی‌شناسی مخاطب، سازگاری آموزه‌های اصیل دینی و الگوهای رفتاری برآمده از این آموزه‌ها را با فطرت انسانی تبیین و آشکار کنند».

### نتیجه‌گیری

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی سرشار از نکات اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، حکومتی، فرهنگی و اقتصادی است و تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پذیری و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. در بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری با اشاره به الطاف الهی در چهل سال گذشته و عبور نظام اسلامی از گردنه‌های سخت خاطر نشان کردند: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران زیانهای بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن جهادی همه جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است.»

از دیدگاه رهبری مسأله سبک زندگی خیلی مهم و حیاتی می‌باشد و با توجه به نفوذ غربی‌ها، راه مقابله با آن باید به صورت همگانی مخصوصاً استفاده از پتانسیل نیروی جوان در جامعه صورت گیرد. در این پژوهش ضمن بیان عوامل بیرونی و درونی که در گسترش سبک زندگی

غربی نقش داشتند، راه‌کارهای مقابله با ترویج سبک زندگی از قبیل تمسک به قرآن، اعتقاد به مبدأ و معاد و فراگیری فرهنگ و سواد رسانه‌ای ارائه نمودیم. نتیجه و راه‌کار اصلی این پژوهش بازگشت خانواده‌ها و کل جامعه به سبک زندگی دینی می‌باشد.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، مترجم: دشتی، محمد، نشر جمال، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۳. جعفرزاده، محمدحسن، منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر، چاپ دهم، ۱۳۹۳.
۴. حرّ عاملی، محمدبن حسن بن علی بن محمد بن حسین، وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۱۲۴، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۵. وسائل الشیعه، ج ۱۶، باب ۴۲۲، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۶. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، سخنرانی «بیانیه گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۲/۲۲
۷. سخنرانی درمورد سبک زندگی، بجنورد، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۸. شریفی، عنایت الله و مهرعلی لطفی، سبک زندگی خانوادگی درقرآن و سنت پیشوایان معصوم علیهم‌السلام، پژوهش‌نامه معارف قرآنی (آفاق دین)، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۳۹۲.
۹. صلاح، مهدی، تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ص ۷۳.
۱۰. کشف حجاب، زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ص ۱۱۷.
۱۱. فاضل قانع، حمید، سبک زندگی براساس آموزه‌های اسلامی (با رویکرد رسانه‌ای)، تهران، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۱۲. فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۶، ص ۷۴ و ۷۸.

۱۳. فصلنامه مطالعات تاریخی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج ۳، ص ۲۲۰.
۱۴. کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، ۱۳۹۲.
۱۵. کوشکی، محمد صادق، سبک زندگی به روایت انقلاب اسلامی، نشر معارف، چاپ چهارم، ۱۳۹۵.
۱۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، ج ۱۳، باب ۱۲۴، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. بحارالانوار، ج ۸۲، باب ۱۳۶، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. بحارالانوار، ج ۴۲، باب ۱۸۹، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. معماریان، غلامحسین و همکاران، تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه، تهران، سروش دانش، چاکاران، ۱۳۸۹.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۲۹، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. مهدوی کنی، محمد سعید، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۷.

---

## نقش آفرینی زنان در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

---

فاطمه اسبقی<sup>۱</sup>

### چکیده

از آنجاکه بانوان مسلمان در شکل‌گیری و تداوم نهاد مقدس خانواده و جامعه اسلامی مناسب با طراز انقلاب اسلامی ایران، همواره نقشی اساسی در فرهنگ‌سازی داشته‌اند اما متأسفانه نگاه جنسیتی به این قشر، منجر به غفلت در این امر گشته؛ از این رو با امکان نظر به اهمیت مسئله در سبک زندگی اسلامی که فرمایش بزرگان نیز مؤید آن است؛ مقام معظم رهبری نیز همچون دیدبانی حکیم و خیرخواه، همواره به ضرورت زدودن این غفلت توجه نشان داده و گام‌های مؤثری در این راستا برداشته‌اند. ایشان در پرتو صدور بیانیه گام دوم، برای نهادینه نمودن نقش چشمگیر بانوان، نکات سودمندی را یادآور شدند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی ضمن بهره‌گیری از توصیه‌های حکیمانانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران در خلال بیانیه گام دوم تدوین یافته و می‌کوشد تا با تحلیل مضامین، به تبیین نقش بانوان مسلمان در دو حوزه «خانواده» و «اجتماع» پردازد. مضامین حاصل از این پژوهش این است که قشر عظیم بانوان، در حوزه‌هایی همچون: تحکیم نهاد خانواده، روان و عاطفه،

---

۱. دانش پژوه سطح ۴ مجتمع آموزش علوم اسلامی کوثر rohangizasbaghi@yahoo.com



تربیت درست، پویایی جامعه، سیاست همگون با طراز آموزه‌های اسلامی و گرایش و تثبیت دین‌باوری در خانواده‌ها و جامعه، صاحب‌نقشی کلیدی هستند.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، نقش بانوان در بیانیه گام دوم، نقش زیستی، نقش روانی، نقش اجتماعی.

## مقدمه

امکاناتی که درون خانواده برای فرهنگ‌سازی وجود دارد، مانند روابط مودت‌آمیز اعضای خانواده که به راحتی خطاها و کاستی‌ها را در خود هضم می‌کند و عرصه‌ای برای رشد و اعتلای افراد فراهم می‌سازد و نیز تأثیرپذیری از رفتار والدین که با مکانیسم منحصر به فرد انجام می‌پذیرد، همه از ابعاد و انواع امکانات بالقوه و بالفعل این نهاد اجتماعی محسوب می‌شوند؛ بنابراین با توجه به اهمیت مسئله در نقش‌آفرینی زنان در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی که فرمایش مقام معظم رهبری نیز مؤید آن است، «پرورش اسلامی زنان و مردان در همه‌ی مسائل باید پرورش اسلامی (الگوسازی اسلامی) پیدا کنند». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از پرستاران، ۲۲ / ۸ / ۱۳۷۰)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2511>

همچنین «مأنوس شدن زنان و مردان با قرآن، زیرا زن و مرد آشنای با قرآن و مأنوس با قرآن می‌تواند در تربیت فرزند تأثیر زیادی داشته باشد». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۲۸ / ۷ / ۱۳۸۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8259>)

همچنین با توجه به اینکه خطاب امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب، بیشتر به جوانان است و نیمی از جوانان ما را زنان تشکیل داده‌اند. (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به مردم ایران، ۲۲ / ۷ / ۱۳۹۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41673>)

پس می‌توان اذعان نمود نقش زنان در بیانیه گام دوم انقلاب، در متن، بسیار مهم و غیرقابل انکار است؛ از این‌رو نگارنده مناسب دیده است در حد امکان، نقش‌آفرینی زنان در نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی از منظر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را تحلیل کرده باشد؛ چراکه گاه خود بانوان از جایگاه و اثرگذاری‌شان در نظام احسن تکوین بی‌خبرند و در نتیجه این مقال باهدف نهادینه‌سازی این فرهنگ نگاشته شده است، لذا ایده مکمل بودن که

نظریه دینی است و در برابر نظریه سنتی غرب (خدمت‌رسانی یک‌سویه‌ی زن) نظریه برابری و استقلال قرار دارد، مبنای مهم تمایز نقش‌هاست. پس این تمایز می‌تواند به طبیعت و عوامل فرهنگی و کارکردی بازگردانده شود؛ از آنجاکه این احکام ثابت‌اند، تمایز نقش‌ها از این جهت تغییرناپذیرند. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸ش: ۲۴۹)

طبق این اصل از نهادینه‌سازی و رسالت زنان به‌خصوص در امر ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی سخن به میان آورده‌ایم. همچنین سبک زندگی، مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها است که مشی کلی فرد را در جهت رسیدن به اهداف و غلبه بر مشکلات تعیین می‌نماید لذا دلالت بر مجموعه عناصری دارد که به‌طور نظام‌مند باهم در ارتباط هستند و یک کل را تشکیل می‌دهند که همین وحدت و نظام واحد این کل را از کل‌های دیگر تمایز می‌دهد. (کاوایانی، ۱۳۸۸ش: ۱۳۵)

با توجه به تهاجم فرهنگی غرب خصوصاً با وسایل ارتباطی جدید، سبک زندگی در جوامع اسلامی با چالش‌های جدی مواجه شده است. اقدام برای بازیابی سبک زندگی اسلامی مطابق شرایط روز، از ضروریات مقابله با گرایش جامعه به سوی فرهنگ غربی است. التفات رهبر انقلاب به این مقوله نمایانگر آن است که ایشان بسیار به «وضع اجتماعی» و «مناسبات و احوالات مردم در لایه اجتماعی»، نظر دارند و دغدغه‌ها و ملاحظه‌هایشان محدود به لایه سیاسی نیست. این امر بدان جهت است که هدف حقیقی انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی جهت استکمال انسان و وصول آدمی به مراتب و درجات معنوی و روحی است؛ برآیند مطلوب این وضعیت، می‌تواند دست‌یابی به «سبک زندگی اسلامی» باشد؛ درعین‌حال واژه سنت یا سبک زندگی در ابتدا توسط مسلمانان و از روش زندگی پیامبر اکرم (ﷺ) گرفته شده است؛ لذا این مفهوم در دین مقدس اسلام از سابقه‌ای ۱۴۰۰ ساله برخوردار است.

روایات متعددی از پیامبر اکرم (ﷺ) و امامان معصومین (علیهم‌السلام) درباره زندگی باسعادت و تشویق مسلمین به رعایت دستورات دینی در کلیه مراحل زندگی در منابع اسلامی موجود است؛ هرچند از سبک زندگی اسلامی با عنوان حیات طیبه، تنها یک‌بار سخن به میان آمده، اما در

جای جای قرآن اشارات بسیاری به آن شده است.

از اسناد روایی مشهور درباره سبک زندگی صحیح، خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه است، به طوری که چندین فراز از این خطبه به تبیین سبک زندگی متقین می‌پردازد. اهمیت سبک زندگی اسلامی در اندیشه رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خمینی رحمته‌الله علیه و پافشاری‌های مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته) در این باره، باعث شد تا متفکران و صاحب‌نظران به این مبحث توجه ویژه نموده و از دیدگاه‌های مختلف به بررسی آن بپردازند و آن را در حوزه علوم انسانی بیشتر مورد تحقیق و بازنگری قرار دهند.

آنچه در ادامه می‌آید لیست کتاب‌های جامع و مفید در خصوص سبک زندگی اسلامی است؛ همچون: کتاب «مفاتیح الحیات» اثر علامه جوادی آملی؛ کتاب «سیری در سیره نبوی» اثر استاد مرتضی مطهری؛ کتاب «زندگی به سبک روح‌الله» شامل برداشت‌ها و برش‌هایی از سیره خانوادگی حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه و به کوشش علی‌اکبر سبزیان؛ همچنین کتاب «مصرف و سبک زندگی» تلاشی از محمد فاضلی برای آشناسازی با مفهوم دقیق سبک زندگی؛ کتاب «دین و سبک زندگی» به قلم دکتر محمد سعید مهدوی کنی؛ کتاب «سنن النبوی» تألیف آیت‌الله طباطبایی و یا مجموعه مقالاتی که به طور مرتبط‌تر با بحث گام دوم انقلاب و سبک زندگی می‌توان نام برد: «رسالت زنان در سبک زندگی اسلامی» (بیانیه گام دوم انقلاب)، با هدف بررسی مفهوم رسالت زنان در سبک زندگی اسلامی» ارائه شده است.

روش تحقیق نیز پیمایشی و توصیفی بوده و با توجه به شرایط و مسائل و مشکلات موجود در جامعه که به ارائه راهکارهایی با توجه به بیانات و سخنان رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و سخنان سایر بزرگان پرداخته بود اما پژوهش‌های فوق، به طور مستقیم به تبیین این امر در سه بُعد زیستی، روانی و اجتماعی با توجه به منویات مقام معظم رهبری نپرداخته‌اند؛ بر این اساس شیوه زندگی به هر میزان به موازین ناب اسلامی نزدیک‌تر شود، به تبع، افراد سلامت روان و رفتار خود را بازمی‌یابند و آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها یا به طور کلی، از بین رفته و

یا دست کم، کاهش می یابند و به شیوه ای منطقی و کارآمد مشکلات پیش آمده برطرف خواهند شد؛ از سوی دیگر، انقلاب اسلامی، یک انقلاب «مردم پایه» و به شدت «اجتماعی» است و قوام و دوام آن، وابسته به پشتوانه و بنیان مردمی اش است و چنانچه اوضاع و احوال فرهنگی مردم دگرگون شود و از آموزه های اسلام ناب محمدی و اهل بیت علیهم السلام فاصله گیرد، انقلاب نیز دچار چالش می شود. اولین شرط داشتن جامعه ای انقلابی اسلامی، حفظ سلامت و تحکیم خانواده است و از آنجایی که نگاه بیانیه گام دوم انقلاب به حوزه اجتماعی است نقش آفرینی بانوان در حوزه خانواده و اجتماع مورد بررسی قرار می گیرد. قسمت اول آن به بررسی نقش آفرینی زنان در بُعد زیستی و سپس در بُعد روانی و در قسمت سوم با عنوان نقش اجتماعی در فرایندی از کنش های متقابل است که عمل به آن ها موجب شکل گیری نقش آفرینی زنان بر ترویج فرهنگ اسلامی بر مبنای زنده کردم مفاهیم دینی و قرآنی و منویات مقام معظم رهبری خواهد بود.

#### ۱. نقش آفرینی زنان در بُعد زیستی

شناخت شخصیت انسانی زن و زمینه سازی برای رشد شخصیت وی در محیط خانواده، زن را بستر رشد و تعالی اعضای خانواده قرار می دهد که این مسئله غیرقابل انکار بوده و منطقی ترین رفتار علمی است؛ بنابراین این یک رابطه ی دوسویه بین دو رکن اصلی جامعه یعنی بانوان و خانواده خواهد بود بر این اساس که زن مؤثرترین عامل در انسجام، ایمنی بخشی، تربیت و هدایت دینی نهاد خانواده است؛ بارداری، زنان را آماده ایفای وظایف مهم مادری و حمایت و مراقبت از نوزاد می کند که این خود نمایانگر نقش مراقبت گرایانه ی مادران هست. پس از تولد نیز، مادر نخستین فرد نزدیک به کودک است که با کودک تماس مستقیم دارد.

بر این اساس امام خمینی رحمته الله علیه فرمودند:

«اول مدرسه ای که بچه دارد، دامن مادر است؛ مادر خوب بچه ی خوب تربیت می کند و خدای نخواستہ اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می آید».

(خمینی، ۱۳۶۳ش: ۶ / ۱۵۷)

در روایتی نیز به نقش وراث (قبل از تولد) در تربیت اشاره نموده و فرمودند: «اولی الناس بالکرام من عرقت فیہ الکرام؛ سزاوارترین مردمان به بزرگواری، کسی است که بزرگواران در او ریشه دارند»؛ بر همین اساس است که نقل شده از زن دیوانه طلب فرزند نکن، یعنی از زن عاقل طلب فرزند کن چراکه وراثت از طریق زن مادر به فرزندش انتقال می‌یابد و در ادامه می‌فرماید:

«الْشَّقِیِّ شَقِیٌّ فِی بَطْنِ أُمِّهِ وَالسَّعِیْدُ سَعِیْدٌ فِی بَطْنِ أُمِّهِ؛ بدبخت کسی است که در رحم مادر بدبخت شده باشد و خوشبخت کسی است که در شکم مادر خوشبخت شده باشد».

(مجلسی، ۱۳۷۴: ۵ / ۱۵۷)

ازاین‌رو توصیه مقام معظم رهبری نیز درگام دوم انقلاب عوامل انسجام خانواده را در سه عنوان «تشکیل خانواده»، «اقتصاد خانواده» و «وظایف اعضای خانواده» مطرح می‌نمایند و نیز ویژگی‌های همسر شایسته (دین‌داری، نجابت، صلاحیت، اخلاق، شرافت، کفویت در ایمان) را یکی از عوامل مؤثر در تشکیل خانواده معرفی می‌نمایند، عوامل مؤثر در اقتصاد خانواده را (جشن ازدواج، رعایت سادگی، عدم اسراف و هزینه کردن مال حرام، میزان مهریه و جهیزیه در حد توانایی والدین) بیان می‌دارند که این عوامل بی‌جهت با این نقش مهم و بی‌بدیل نبوده است.

همچنین مقام معظم رهبری وظایف بانوان در خانواده را که موجب تحکیم خانواده می‌شود را به دو مجموعه تقسیم می‌کنند: ۱. نگرش‌های مطلوب؛ ۲. وظایف عملی.

از «نگرش‌های مطلوب» می‌توان به بی‌اعتنایی به زخرف دنیوی، امیدواری به اجر الهی در قبال «حسن التبعل»، حفظ آبرو و اسرار همسر اشاره کرد و در بخش «وظایف عملی» بانوان در خانواده به تشویق و حمایت عملی از فعالیت‌های همسر و فرزندان در عرصه اجتماع، رعایت مصالح اعضای خانواده، افزایش تولیدمثل، مدیریت فضای خانواده و روحیات اعضا اشاره کرد. (مبینی مقدس، ۱۳۹۹ش: ۳۴)

علامه طباطبایی می‌نویسد:

«فالنساء هنّ الرکن الاول والعامل الجوهری للاجتماع الانسانی؛ زنان، سنگ زیرین و رکن اساسی و علت واقعی انسجام و تشکیل اجتماع خانوادگی انسان‌ها هستند». (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۲۲۳)

در طول گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی متأسفانه تلاش غرب سبب شده سبک زندگی غربی در جوامع اسلامی رواج یابد که بنا به نص بیانیه گام دوم انقلاب آثار جبران‌پذیر و غیرقابل جبرانی در بطن جامعه اسلامی بر جای گذاشته است. سبکی که ترویج آن باعث سست شدن نهاد خانواده شده است چراکه در این الگوی غربی نهاد خانواده و نقش حقیقی زن و مرد جایگاه حقیقی خود را ازدست داده و افراد را به سوی خانواده گریزی، خانواده ستیزی و یا میل به فرد انگاری و تجرد سوق می‌دهد. بدون شک زنان به‌عنوان یکی از دو محور اصلی خانواده با توجه به ویژگی‌ها و توانایی‌های فردی خود و با شناخت دقیق این آسیب‌ها می‌توانند با عملکردی هوشمندانه در بعد خانوادگی هر آنچه اثر سوء و به‌نوعی اسباب ترویج سبک زندگی غربی در نهاد خانواده باشد را به‌درستی شناخته و با آن مقابله نمایند، این عملکرد سبب حفظ انسجام خانواده می‌شود.

مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند:

«زن با نقاط قوت زنانه‌ی خود - که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته - همراه با ایمان عمیق و استقرار ناشی از اتکا به خداوند و همراه با عفت و پاک‌دامنی - که فضای پیرامون او را نورانیت می‌بخشد - می‌تواند در جامعه یک نقش استثنائی این‌گونه ایفا کند؛ هیچ مردی قادر به ایفای چنین نقشی نیست. زن مثل کوه استواری از ایمان، درعین حال مثل چشمه جوشانی از عاطفه و محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه صبر و حوصله و عاطفه خود سیراب می‌کند. اگر زن با این خصوصیات در عالم وجود نبود، انسانیت معنا پیدا نمی‌کرد». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم؛

زنی که بنا بر فطرت الهی، ارتباط روحی عمیق با خدا برقرار نموده و با توکل و اعتماد به خدا و دل بستن به لطف و عنایت او، آرامش خاطر و آرامش روانی‌ای از جانب دین نصیبش می‌گردد که هرگز یأس و ناامیدی را در مراحل دشوار زندگی به دل خویش راه نمی‌دهد. این یعنی رسیدن به نهایت کمال انسانیت و ثمره‌ی این اعتقاد عمیق، مقام خلیفه‌اللهی است.

«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره: ۳۰) و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت...».

استعداد و قدرت شگرفی که خداوند در آدم قرار داده است امتیاز بزرگی است که به حق، زن و مرد را شایسته خلافت و جانشینی کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش: ۱ / ۱۷۷؛ طبری، ۱۴۲۱ق: ۱ / ۱۵۷؛ طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش: ۱ / ۱۷۶) این شایستگی از رابطه‌ی معنوی با حق تعالی نشئت می‌گیرد. (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش: ۱ / ۱۱۰)

زن نقش به‌سزایی در رسیدن به کمال و مقام خلیفه‌اللهی افراد دارد، زیرا بخش عمده‌ای از فرهنگ جامعه به‌طور طبیعی به‌وسیله مادر به اعضای خانواده منتقل می‌گردد. مهم‌ترین نقش مادر، پس از تولد نوزاد، فراهم ساختن فضای معنوی برای تربیت دینی است. مادر، به‌عنوان کسی که بیش از دیگران در محیط خانه و با نوزاد به سر می‌برد، باید محیط خانه را به فضایی معنوی تبدیل کند:

«اثر محیط زندگی بر اخلاق و رفتار انسان، به‌ویژه کودک و نوجوان بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. اگر محیط خانواده، محیطی معنوی و مأنوس با دعا، نماز، تلاوت قرآن و مناجات باشد، فرزندان پرورش‌یافته در آن محیط با معنویت و دعا آشنا می‌شوند و به‌تدریج، آن خلق و خو را فرامی‌گیرند.» (شایسته رخ، بهرامی، ۱۳۹۱ش: ۶۴۹)

«بدین ترتیب می‌توان بر این باور بود دامان مادر، اولین پایگاه تربیتی است که کودک علم و اخلاق و دین را می‌آموزد و این امر مخصوصاً باید در سال‌های اول زندگی پایه‌گذاری شود. به هنگامی که طفل هنوز خردسال است کلمه توحید را بر زبانش جاری سازد و گوش او را با کلمات مذهبی آشنا سازد. در چنین صورتی است که این خاطره‌ها فراموش نمی‌شود و برای



همیشه جاویدان می‌ماند». (قائمی، ۱۳۶۸ ش: ۱۴۹ و ۱۵۴)

در صورتی که زن تربیت یافته فرهنگ عالی اسلام باشد؛ مانع نفوذ هر مسئله غلطی در اندیشه کودک خود می‌شود چراکه شخصیت کودک در محیط انس و محبت با مادر سپری می‌شود، ورود پرمهر و عطوفت او، سبب تأثیرپذیری عمیق کودک از رفتار و گفتار مادر می‌گردد. ماحصل و نتیجه تربیت این مادران، فرزندان فرهیخته و ایثارگری است که فرهنگ ایثار را در جامعه اسلامی تا ابد زنده نگه می‌دارند و چنین می‌توان گفت که امنیت و آرامش امروز جامعه مدیون حضور پربصابت این مادران و همسران و خون پاک فرزندان آن‌ها است.

بنابراین اصلی‌ترین محور نقش آفرینی بانوان در گام دوم انقلاب و تحقق سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر یک محور اساسی می‌چرخد و آن چیزی جز نقش مقدس مادری دین‌باور و دین‌دار نیست.

## ۲. نقش آفرینی زنان در بُعد روانی

گاه فشارهای روانی و تهدیدهای روحی، بسی مخرب‌تر از آسیب‌های جسمانی از جمله ضرب و شتم... است که البته به علت محسوس نبودن و دشواری اثبات؛ کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ با این حال اگر اختلال امنیت روانی از مصادیق عسر و حرج و سوء معاشرت محسوب گردد؛ برای فرد آسیب‌دیده حمایت‌های حقوقی در نظر گرفته شده است؛

با توجه به واقعیات موجود در بستر اجتماع، به وضوح می‌توان گفت: از بهترین ثمرات تشکیل خانواده، آرامش و امنیت خاطری است که خداوند آن را با ازدواج مرد و زن پس از آفرینش آنان، مقدر ساخته است. اگر یأس، نومیدی و اضطراب و بی‌پناهی عاطفی را از معضلات جوامع امروزی به شمار آوریم، بی‌شک باید با تشکیل خانواده سالم در استحکام آن بیندیشیم.

انسان، افزون بر نیازهای مادی و معیشتی، نیاز به محبت، صمیمیت و عشق دارد. خانواده نخستین گروه اجتماعی است که در آن نیازهای عاطفی می‌تواند، برآورده شود و عمیق‌ترین احساسات شخصی ابزار گردد، خانواده به این لحاظ کارکردی به‌عنوان «یک پناهگاه در

دنیای بی عاطفه» دارد و مکانی برای آخرین پناهندگی عاطفی و استراحت است. (ر.ک: قنادان و دیگران، ۱۳۷: ۱۵۰؛ دادخواه، ۱۳۸۵: ۱۰۷؛ محسنی، ۱۳۷۶: ۳۰۴؛ روسک و وارن، ۱۳۶۹: ۱۵۳-۱۵۲؛ اعزازی، ۱۳۸۷: ۱۷۰؛ کافی، ۱۳۸۵: ۲۰۶؛ بستان، ۱۳۸۳: ۸۰؛ نوربخش، ۱۳۸۴: ۳۲۳؛ به نقل از هدایت نیا گنجی، ۱۳۹۰: ۳۱۳)

در قرآن کریم چند چیز وسیله آرامش معرفی شده است، یکی از آن‌ها «شب» است:

«وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ...» (قصص: ۷۳)

و دیگری همسر انسان است.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا...» (روم: ۲۱)

در صورتی همسران می‌توانند مایه آرامش یکدیگر باشند که رفتارهای آنان از دو اصل مودت و رحمت که لوازمات رابطه صحیح هستند، نشئت گیرد، مودتی که در قلب ایجاد می‌گردد و رحمتی که در عمل نمایان می‌شود؛ و با توجه به این بخش از آیه «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱) به این امر می‌رسیم که جعل مودت و رحمت در میان همسران یک جعل تکوینی است به این معنا که استعداد قبول محبت و مودت و رحمت از یکدیگر در نهاد همه گذارده شده، با علقه زوجیت آغاز گشته و با ادای حقوق یکدیگر، این محبت و مودت، بالفعل و شعله می‌گیرد تا به کمال خودش برسد، هرچند فعلیت آن نیز از خداوند افاضه می‌شود و خداوند آن را این طور در وجود زوجین نهادینه کرده و قرار داده است.

.  
.  
.

همچنین مقام معظم رهبری درباره این حیطة از نقش آفرینی بانوان می‌فرمایند:

«کانون خانواده، جایی است که عواطف و احساسات باید در آنجا رشد و بالندگی پیدا کند. برای يك مرد بزرگ، این همسر كاری را می‌کند که مادر برای يك بچه كوچك آن كار را می‌کند و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند». (امام خامنه ای، بیانات در دیدار با

اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2536>

«از شگفتی‌های آفرینشش همین عواطف رقیق و قلب مهربانی است که در يك زن سالم به ودیعت نهاده شده و روحیه مهرورزی و صلح‌جویی او است که می‌تواند روحیه خشن و ناهموار مرد را تعدیل کند. خداوند این کانون متعالی و دارای قطب‌های مختلف را مکمل هم قرار داده تا چرخ هستی برمدار سازگاری و توازن و تعادل حرکت کند». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2536>

ارزش خانواده پیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضایی که انجام حقوق متقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و برکنار از منیت‌ها ادامه یابد به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید. زن با ظرفیت‌های عاطفی و با استعداد خویش پناهگاهی مناسب به نام خانه و خانواده را برای خود تدارک می‌بینند و ضمن تبادل احساسات به انسجام و قوت بخشیدن روزبه‌روز خانواده می‌اندیشند.

مقام معظم رهبری در نقلی دیگر می‌فرمایند:

«خانواده اگرچه از زن و مرد تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل و موجودیت خانواده مؤثرند؛ اما آسایش فضای خانواده و آرامش و سکونتی که در فضای خانواده است؛ به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه کنند تا معلوم شود که زن چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوق زن چیست؟». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از زنان،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2645>، ۱۳۷۱/۹/۲۵،

این حسن و این محبت‌هاست که بنای خانواده را ماندگار می‌کند این همان خاصیت تدین و دین‌داری و مذهبی بودن و جهات خدایی را رعایت کردن است.

### ۳. نقش آفرینی زنان در بُعد اجتماعی

بانوان با توجه به نقشی که در عرصه‌ی خانوادگی و اجتماعی زندگی دارند، باید آگاهانه عمل کرده و با شناخت صحیح از جایگاه خود به وظایف خویش اهتمام بیشتری ورزند تا از این طریق هم با هجمه‌ها و مکر دشمنان مقابله کنند و هم موجبات تسریع در تحقق اهداف گام دوم انقلاب را فراهم سازند. در این بخش برخی از مهم‌ترین جنبه‌های نقش آفرینی بانوان در بستر اجتماع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بنابراین نوع رفتار والدین در هماهنگ‌سازی خواست‌ها و تمایلات از یک سو و تمایلات خانوادگی و اجتماعی از سوی دیگر و تلاش پیوسته آنان برای تأمین رفاه و سلامتی روانی خانواده و نوع برخوردشان با وظایف دینی و اجتماعی از عوامل ایجاد هسته تعاون و همکاری اجتماعی در کودک شمرده می‌شوند. از آنجاکه در دوران کودکی بنیان‌های شخصیت فرد شکل می‌گیرد، نحوه زیستن افراد معمولاً بازتاب و برگردان نحوه تربیت فرد در دوران کودکی است.

مقام معظم رهبری در مورد خانواده و نقش تربیتی زن در آن می‌فرمایند:

«از نظر اسلام، خانواده یک رکن بزرگ است. اگر باشد و سالمش باشد و تربیت درست باشد، در پیشرفت کار جامعه به صورتی که اسلام می‌خواهد، تأثیر زیادی دارد. اسلام می‌خواهد این کانون تشکیل بشود و به وجود بیاید. اگر خانواده‌ها صحیح، قوی، سالم، بی‌انحراف و طبق سنت الهی تشکیل بشوند، آن وقت جامعه، جامعه‌ی سالمی خواهد بود. در خانواده همسر و مادر عضو اصلی است. زن در این مجموعه، جای بسیار اساسی و رفیعی دارد. به همین خاطر، وقتی اصل خانواده - یعنی زن - متزلزل است، در آنجا هیچ چیزی در جای خودش قرار ندارد.» (امام خامنه‌ای، بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۰/۴/۲۰،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2473>)

ایشان وضعیت کنونی بانوان مسلمان ایرانی را به‌رغم توسعه حضور اجتماعی، دارای حد متوسطی از پیشرفت می‌دانند و معتقدند بانوان ایرانی هنوز در اول راه پیشرفت قرار دارند. (رک: جایگاه و نقش زن در جامعه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب، سایت معاونت امور زنان و

خانواده ریاست جمهوری، ۲۴/۰۹/۱۳۹۴) <https://women.gov.ir/fa/news/4725> از آنجاکه نیمی از هر جامعه را بانوان تشکیل می‌دهند، مسائل مربوط به آنان حائز اهمیت است. سیر تاریخی نشان‌دهنده‌ی این است که اجحاف‌های زیادی در حق بانوان در زمینه‌های مختلف صورت گرفته است.

خانواده به‌منزله‌ی نهادی اجتماعی در بستر جامعه است و از دیدگاه جامعه‌شناسان نقشی اساسی در تربیت نیروی فعال جامعه، بارور کردن توانایی‌ها و سلامت روان افراد بر عهده دارد. بدون شك هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده‌ای سالم برخوردار نباشد و باز هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده باشد. از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است.

«مادر در این مدرسه نه تنها پناهگاه، بلکه نخستین و مؤثرترین آموزگار، راهنما و الگوی کودک محسوب می‌شود. کودک به دلیل وابستگی عاطفی به مادر و محدود بودن دنیایش از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر- که از همه تقلیدها بالاتر است - و به تزریق مادر- که از همه تزریق‌ها مؤثرتر است - تربیت می‌شود». (خمینی، ۱۳۶۳: ۷ / ۲۸۳)

بنابراین سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زنان است و این زن است که با تربیت صحیح خویش، انسان می‌سازد و کشور و جامعه را به سوی اصلاح پیش می‌برد. پس زنان باید در کسب فضایل و کمالات روحی و معنوی تلاش نمایند؛ چراکه در رشد دادن معنویت در جامعه نقش شایانی دارند. مقام معظم رهبری همچنین با تأکید بر جایگاه «مادری»، آن را وظیفه اصلی و حق زن می‌دانند و معتقد هستند جامعه غربی با محروم کردن زن از این حق به وی ظلم کرده است:

«من می‌گویم مهم‌ترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت می‌تواند ایفا کند، آن نقشی است که به‌عنوان یک مادر و به‌عنوان یک همسر می‌تواند ایفا کند. این از همه‌کاره‌ای دیگر او مهم‌تر است». (امام خامنه‌ای، بیانات رهبری در دیدار با بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام، ۱۳۸۶/۰۴/۱۳)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3390>

از آنجاکه زنان نقش مربی را در خانواده بر عهده دارند تفکرشان بر تفکر مردان جامعه نیز مؤثر است و بدین ترتیب اصلاح زنان به اصلاح مردان و در نتیجه اصلاح جامعه منجر می‌شود:

«اگر در کشوری زنان آن کشور بتوانند به این صفا، معنویت، رُفاء و تعالی فکری برسند، هیچ مشکلی در آن مملکت باقی نمی‌ماند، یعنی زن به‌طور محسوس در مرد، تأثیر دارد. هم بر روی شوهرش، هم بر روی فرزندانش تأثیرات تعیین‌کننده‌ای می‌تواند بگذارد و لذا در واقع اصلاح جامعه با اصلاح زنان است.» (امام خامنه‌ای، بیانات رهبری در دیدار با جمعی از بانوان اندیشمندان، ۱۳۷۷/۷/۱۸، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2910)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2910>

«زن اگر به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آن‌ها را شیر داد، آن‌ها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آن‌ها آذوقه‌های فرهنگی، قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد.» (امام خامنه‌ای، بیانات رهبری در

اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284>

اسلام به‌عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین توجه را به ولی خانواده مخصوصاً مادر دارد. از این رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت می‌شمرد. پدر و مادر مسئول تربیت فرزندانشان به سبک اسلامی هستند و بر اساس حدیث شریف پیامبر اکرم (ﷺ) به فرزندان خود احترام کنید و با آداب و روش پسندیده با آن‌ها معاشرت نمایید. (مجلسی، ۱۳۷۴: ۲۳ / ۱۱۴)

وجود والدین خصوصاً مادر، نحوه پاسخگویی آنان به کودکان در مورد مسائل دینی، اخلاقی و تربیتی، نحوه تعامل آنان با رویدادهای زندگی و ایجاد انگیزه در کودک یا سهل‌انگاری در آموزش ادب و آداب دینی، همه متأثر از نوع برخورد و چگونگی واکنش به آن‌ها است.

در دیدگاه رهبری، مناسب‌ترین زمینه برای فعالیت اجتماعی بانوان عرصه‌های علمی

است.

«برترین زنان تاریخ کسانی هستند که از خودشان خرد، اراده، تصمیم درست و شخصیت انسانی نشان داده‌اند». (امام خامنه ای، بیانات رهبری در دیدار با جمعی از بانوان اندیشمند، ۱۳۷۷/۷/۱۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2910>) بانوان باید به خودباوری برسند و شخصیت واقعی شان را اظهار کنند. یعنی شخصیتی که تحمیلی یا تلقینی نیست. باید به زن فرصت داده شود تا استعدادهاي عظیمی را که در درونش به طور بالقوه وجود دارد، بالفعل کند. از نظر رهبر انقلاب هدف از تعلیم و تربیت بانوان صرف اشتغال یا رسیدن به مناصب بالا نیست؛ زن باید شأن انسانی خود را در جامعه پیدا کند. شخصیت و اعتماد به نفس پیدا کند و این تصور که نسبت به مرد یک موجود درجه دوم و بازیچه خواسته‌ها و اراده مرد است، از بین برود. (رک: جایگاه و نقش زن در جامعه اسلامی از دیدگاه رهبر انقلاب، سایت معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۴/۰۹/۲۴)

در این مسیر، خود بانوان نقش اصلی را بر عهده دارند و باید مسئولیت‌ها، وظایف و جایگاه خود را در نظام اسلامی بیابند. مجالس زنانه نباید به سمت صحبت‌های پوچ سوق پیدا کند؛ مقابله با آثار به‌جامانده از فرهنگ قدیمی که به سطحی‌نگری بانوان و عدم پیشرفت آن‌ها دامن می‌زند، کاری است که جمعیت بانوان باید انجام بدهد. کسب علم و دانش توسط آنان موجب اعتلای تفکر خلاقانه اعضای خانواده می‌شود. باسواد بودن بانوان یکی از عوامل مؤثر در فرهنگ‌سازی صحیح اسلامی است. چراکه با کسب علم در انتخاب فرهنگ صحیح برای ایجاد سبک زندگی اسلامی دچار تزلزل نمی‌گردد. از نقطه نظر رهبر معظم انقلاب:

«خانم‌های باسواد و تحصیل‌کرده، خانم‌های اهل معرفت که باید وارد یک میدان مبارزه صحیح برای مسئله زن شوند، به نظر من کوتاهی می‌کنند». (امام خامنه ای، بیانات رهبری در دیدار با زنان نماینده مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶/۶/۳۰)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17974>

تاکنون در عرصه‌های علمی و پژوهشی بانوان رشد مطلوب اما ناکافی داشته‌اند یکی از دلایل این رویه رواج سبک زندگی غربی است. غلبه نگرش مدرک‌گرایی به جای علم‌آموزی حقیقی و یا پرداختن به علمی که مبنای کاملاً غربی داشته و با روح و فطرت زنانه آمیختگی ندارد و نمی‌تواند وی را در بستر خانوادگی و تربیتی نسل آینده کمک شایانی رساند و همچنین گسترش نگاه تساوی بین زن و مرد که از جمله دیگر آثار سوء رواج این الگوست که سبب انحصار ابعاد فعالیت‌های بانوان شده به طوری که خصوصاً با ورود به عرصه‌های اشتغال، آنان را حتی از ایفای مطلوب نقش همسری و مادری باز می‌دارد.

از نقطه نظر رهبر معظم انقلاب در درجه اول، این بانوان هستند که باید برای حل مشکلات قشر خودشان اقدام کنند. جامعه بانوان باید کار فرهنگی را در اولویت خود قرار دهند و دادن شناخت و آگاهی به قشر بانوان، آن‌ها را در برابر تهاجم فرهنگی دشمن مقاوم می‌سازد. بانوان هستند که باید نگاه غلطی را که نسبت به آنان و مسائل مربوط به جنسیت وجود دارد، تصحیح کنند و متولی مسائل خویش شوند. حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) لزوم تعلیم و تعلم را همراه و همزاد با تهذیب نفس می‌دانند و در این باره می‌فرمایند:

«دخترم! پیمبران مبعوث شدند تا رشد معنوی به بشر دهند و آنان را از حجاب‌ها برهانند».

(خمینی، ۱۳۶۳ش: ۱۸ / ۴۴۵)

«شما می‌دانید که فرهنگ اسلام در این مدت مظلوم بود، در این مدت چند صدسال، بلکه از اول بعد از پیغمبر ﷺ تا برسد به حالا فرهنگ اسلام مظلوم بود، احکام اسلام مظلوم بودند و این فرهنگ را باید زنده کرد و شما خانم‌ها همان طوری که آقایان مشغول هستند، همان طوری که مردها در جبهه علمی و فرهنگی مشغول هستند، شما هم باید مشغول باشید».

(خمینی، ۱۳۶۳ش: ۲۰ / ۹)

در اوایل انقلاب اسلامی با توجه بدان که حرکت‌های فرهنگی بانوان مورد توجه و تأیید قرار گرفت بستر مطلوبی برای نقش‌آفرینی بیشتر فرهنگی آنان در تمام ابعاد با توجه به بینش‌های



دینی ایجاد شد اما در ادامه غلبه سبک زندگی غربی بر فرهنگ جامعه، بانوان را از این مسیر دور و درگیر تغییر فرهنگی در تمام ابعاد داشت به طوری که با مشغول ساختن آنان به امور نه چندان مهم آنان را از فطرت و استعدادهای خویش درزمینه‌های فرهنگی و تحول ساز اجتماعی دور ساخت. حال بانوی طراز انقلاب در گام دوم انقلاب با احیای مجدد نقش فرهنگی خویش در جامعه با تکیه بر سبک زندگی اسلامی می‌تواند تحول‌آفرین و فرهنگ‌ساز برای جامعه باشد.

از نظر رهبری داخل کردن بانوان به متن انقلاب، یکی از کلیدهای اساسی پیروزی هر انقلابی است:

«اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران نمی‌بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی‌شد یا اصلاً پیروز نمی‌شد یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می‌آمد. بنابراین حضور زنان مشکل‌گشا بود. در جنگ هم همین‌طور بود، در مسائل دیگر از اول انقلاب تا به حال هم همین‌گونه بوده است. بنابراین تلاش زیادی شده است.» (امام خامنه‌ای، بیانات رهبری در اجتماع هزاران نفری بانوان به مناسبت میلاد حضرت زهرا علیها السلام، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=799>)

رهبر انقلاب در بیانی دیگری می‌فرماید:

«اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا کنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد.» (امام خامنه‌ای، بیانات رهبری در دیدار با شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20388>)

امام خمینی (رحمه‌الله علیه) می‌فرماید:

«امروز باید خانم‌ها به وظایف اجتماعی و دینی خودشان عمل کنند و عفت عمومی را حفظ کنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام دهند.» (خمینی،

۱۳۶۳ش: ۱۶ / ۱۱۶-۱۱۴)

در زمینه‌ی نقش سیاسی بانوان تاکنون نفوذ سبک زندگی غربی نسبت به سایر لایه‌ها در این زمینه اثرگذاری کمتری داشته است شاید بدان جهت که غرب اساساً نقش سیاسی خاصی برای آحاد بانوان جامعه در نظر نمی‌گیرد هرچند برای تزلزل نقش سیاسی بانوان در جامعه اسلامی تلاش کرده‌اند و تأثیرات اندکی نیز در این زمینه داشته‌اند اما در واقعیت همچنان بانوان نقش و هویت سیاسی خویش را در جامعه حفظ نموده‌اند و صرفاً نیازمند پویایی بیشتر در این زمینه هستند تا فاصله‌ی میان نقش ساسی امروز با آنچه مورداحتیاج گام دوم انقلاب هست را تقلیل دهند.

### جمع‌بندی

منویات رهبر انقلاب در آخرین فراض توصیه‌های بیانیه گام دوم (سبک زندگی) مؤید آن است که این مهم آن قدر ژرف و حساس است که به‌طور مجمل نمی‌توان آن را در بیانیه گام دوم انقلاب مطرح نمود. نکته دیگر آنکه ایشان صراحتاً عنوان می‌نمایند که رواج سبک زندگی غربی در طول سالیان متمادی باعث ایجاد آثار سوء الگویی غربی در جامعه اسلامی شده که بخشی قابل جبران بوده و دسته‌ای دیگر غیرقابل جبران است.

با توجه به فرمایشات معظم له سعی شد در ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی به برخی از ویژگی‌های مثبت و آسیب‌های فراوان نقش بانوان در جامعه اشاره شود که بانوی گام دوم انقلاب بتواند با شناخت این ویژگی‌ها سبک زندگی اسلامی را جایگزین آن کند. اولین اهتمام مجاهدانه‌ی آنان چیزی جز قوت بخشی به استحکام نهاد خانواده نیست که این امر در عملکردی هوشمندانه با ایمن‌سازی این کانون و هدایتگری مدبرانه و معرفت‌افزایی دینی در بُعد خانوادگی توسط بانوان قابل دستیابی است.

همچنین نقش‌آفرینی زن مسلمان در جامعه اسلامی مخصوصاً در مسائل اجتماعی در هر زمان و دوره می‌تواند راهگشای مشکلات اجتماعی در جامعه باشد و ازآنجاکه خانواده بهترین منبع الهام، شکل‌گیری شخصیت، رفتار و هنجارهای اجتماعی (فرهنگی، علمی،

سیاسی) است، با حرکت مطلوب و سازمان‌یافته خود می‌تواند الگوی مناسب اجتماعی (فرهنگی، علمی، سیاسی) را در اعضای خود ایجاد نماید. از نظر رهبری شخصیت والای زن هنوز آن‌طور که باید و شاید در خانواده و جامعه ترسیم نشده است.

بر مبنای منویات رهبر مکرّم انقلاب آنچه حتی در زمینه‌ی اجتماعی باعث آسیب شده و جلوی نهادینه شدن سبک زندگی اسلامی را گرفته است رواج سبک زندگی غربی است. بانوان در عرصه‌ی اجتماعی از منظر بعد علمی علاوه بر نقش آفرینی تعلیمی می‌توانند به عنوان منادیان حق با بصیرت افزایی و آگاهی بخشی به هم‌قشران خود گام‌های مؤثری را در زدودن سبک زندگی غربی و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی در گام دوم انقلاب بردارند. مشکل‌سازترین عامل در بخش فرهنگی رواج خوی اشرافی‌گری فاصله گرفتن از تأمین نیازهای واقعی و گرایش به میل‌سازی دروغین در بستر خانواده و اجتماع است؛ این نگرش غربی عامل اصلی بروز تعارضات فرهنگی در جامعه اسلامی است بانوان باروی آوردن و گسترش ارزش‌های فرهنگی - دینی در جامعه می‌توانند نه تنها جلوی بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را بگیرند بلکه رشد و اعتلای فرهنگی را در راستای تمدن‌سازی به‌پیش برند.

حضور بیش‌ازپیش بانوان در عرصه‌های سیاسی بر مبنای آنچه در سبک زندگی اسلامی مشخص شده و الگوهای طراز جهان اسلام همچون فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) بدان اهتمام داشته‌اند می‌تواند ناجی کشور در میان هجمه‌های سنگین دشمنان باشد دشمنانی که از هیچ تلاشی برای نابودی انقلاب فروگذاری نمی‌نمایند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به تلاش در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم بر آن تأکید نمودند؛ پس برای تشکیل تمدن اسلامی باید بستری مهیا شود که آن بستر ایجاد سبک زندگی اسلامی در جامعه است که بی‌شک زنان می‌توانند به‌عنوان نقش‌آفرینان این عرصه با یک حرکت هوشمندانه و همه‌جانبه (از جهت زیستی، روانی، اجتماعی) و کاملاً علمی،

بازهم در صحنه‌ی حضور اجتماعی امروز خود، افتخار آفرین باشند.

چراکه در طول گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی بانوان مسلمان ایرانی نقش آفرینی‌های بی‌بدیلی داشتند به طوری که توانسته‌اند الگویی سایر بانوان جهان واقع شوند؛ از این رو بیان سبک زندگی اسلامی به عنوان آخرین توصیه در بیانیه گام دوم انقلاب مؤید آن است که پایه‌ای‌ترین بستر برای تحقق هرچه مطلوب تر اهداف و سایر توصیه‌های موجود در بیانیه بستر احیا و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی است.

چراکه مقام معظم رهبری سبک زندگی غربی را عاملی می‌دانند که جامعه اسلامی را از طراز حقیقی خود دور ساخته و فاصله میان هست تا و باید‌ها را ژرف نموده حال که اصلی‌ترین نهاد جامعه خانواده و مؤثرترین نقش آفرینی در آن بر عهده‌ی بانوان است می‌توان گفت رسالت حقیقی بانوان در گام دوم انقلاب عملیاتی کردن سبک زندگی اسلامی در بُعد خانوادگی و اجتماعی است.

بانوان با شناخت عمیق از سبک زندگی اسلامی می‌توانند در حرکتی هوشمندانه آثار سوء سبک زندگی غربی را از نهاد مقدس خانواده و جامعه اسلامی پاک نمایند. آنان با انسجام دهی و ایمنی بخشی بستر خانواده همچنین تهذیب نفس و تربیت نسلی با هویت و باطنی کاملاً اسلامی و مورد نیاز گام دوم انقلاب با اتخاذ پیشرفت‌های علمی و ایفای نقش تعلیمی به ویژه در باب آموزه‌های دینی و معرفتی پرکاربرد و همراه سازی بانوان دیگر در این راستا بر روی فرهنگ جامعه تأثیر گذاشته و پایه‌های بینش سیاسی - انقلابی آحاد ملت را قوت ببخشند و هم‌زمان تأثیر بسزایی در تحقق سایر اهداف و توصیه‌های مرتبط با گام دوم انقلاب در بسترهای (علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی) که در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب وجود دارد داشته باشند و نیز می‌توانند زمینه ایجاد حرکت و پویایی هدفمند خود و آینده‌سازان کشور را در جهت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و بیداری اسلامی سایر جوامع فراهم نمایند و به عنوان بانوی طراز انقلاب الگویی برای سایر بانوان عالم باشند.

## راهکارها

۱. یکی از خلأهای جدی که سبب نفوذ سبک زندگی غربی در جامعه اسلامی شد عدم آشنایی دقیق خانواده‌ها به‌ویژه بانوان با سبک زندگی اسلامی بود بدون شك آشنایی دقیق و عمیق آنان با مضامین سبک زندگی اسلامی و آسیب‌های سبک زندگی غربی می‌تواند کمک شایانی به نقش‌آفرینی هوشمندانه بانوان و نهادینه‌سازی این سبک در جامعه اسلامی داشته باشد.

۲. تحقق الگو سبک زندگی اسلامی راهکاری مؤثر و کارآمد برای مقابله با ارزش‌های غرب در جامعه اسلامی است. لازمه تحقق آن حضور فعال بانوان به‌ویژه نخبگان در اندیشه‌های علمی و تخصصی حوزه بانوان است تا با ارائه برنامه‌ای جامع از الگوی سبک زندگی اسلامی به تفکیک نقش‌های موجود در نهاد خانواده و برنامه‌ریزی دقیق برای جامعه هدف بانوان نیاز آحاد جامعه را در شناخت عمیق سبک زندگی اسلامی پاسخ دهند.

۳. تبیین الگوی سبک زندگی متناسب با مقتضیات عصری و رواج سبک زندگی اسلامی در فضای رسانه و معرفی بانوانی نقش‌آفرین بر مبنای الگوی سبک زندگی اسلامی مورد انتظار است.

۵. تقویت روحیه جمع‌گرایی در برابر روحیه فرد انگاری حاصل از سبک غربی می‌توانند تأثیر بسزایی در بسیج نمودن جامعه بانوان برای ایجاد تغییر و روی‌آوری به سبک زندگی اسلامی خصوصاً در بُعد نقش‌آفرینی‌های اجتماعی داشته باشد.

۶. ایجاد کانون‌های آموزشی جهت آموزش مهارت‌های مرتبط با سبک زندگی اسلامی برای پر کردن اوقات فراغت بانوان نیز شیوه‌ی دیگری برای تسریع نهادینه‌سازی همه‌جانبه‌ی سبک زندگی اسلامی هست.

۷. مهیا نمودن نمایشگاه‌های دائمی و یا مناسبتی با نام «سبک زندگی اسلامی» و ارائه هر آنچه در قالب خوراک، پوشاک، محصولات فرهنگی و جلسات روشنگری در این مکان‌ها، شیوه دیگری برای اغنیا نیاز خانواده‌هاست.



## منابع و مآخذ

### \* قرآن کریم

- بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۲/۱۰/۶.
- بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۸۰/۱/۲.
- بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۹/۱۲/۲۳.
- بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۸۰/۱/۲.
- بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۶/۲/۱۰.
- بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۷/۱/۱۹.
- بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۶/۲/۱۰.
- بیانات رهبری در خطبه‌ی عقد، ۱۳۷۰/۴/۲۰.
- بیانات رهبری در دیدار با جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.
- بیانات رهبری در مصاحبه با مجله زن روز، ۱۳۶۶/۱۲/۱۳.
- بیانات رهبری در دیدار با جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۹/۲۵.
- بیانات رهبری در دیدار با جمعی از بانوان قرآن‌پژوه، ۱۳۸۸/۷/۲۸.
- بیانات رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۴/۰۳/۲۵.
- بیانات رهبری در دیدار با جمعی از بانوان اندیشمندان، ۱۳۷۷/۷/۱۸.
- بیانات رهبری در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.
- بیانات رهبری در دیدار با شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۱/۰۴/۲۱.
- بیانات رهبری در مصاحبه پیرامون جایگاه زن در جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳/۱۲/۱۴.
- بیانات رهبری در دیدار با زنان نماینده مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶/۰۶/۳۰.
- بیانات رهبری در گفت و شنود به مناسبت میلاد حضرت زهرا (سلام‌الله علیها)، ۱۳۷۷/۰۷/۱۸.

بیانات رهبری در دیدار با اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴.  
بیانات رهبری در دیدار با جمعی از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب کبرا (سلام الله علیها) و روز پرستار، ۲۲/ ۸/ ۱۳۷۰.

بیانات رهبری در دیدار با بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام،  
۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

بیانیه گام دوم انقلاب مقام معظم رهبری، [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir).  
خمینی، روح الله، ۱۳۶۳ش، صحیفه امام، تهران، ج ۱۸، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله علیه).

زیبایی نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۸ش، هویت و نقش‌های جنسیتی (مجموعه مقالات نقش های جنسیتی از دیدگاه اسلام با نگاهی به علوم اجتماعی)، قم: چاپ اول، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

شاه عبدالعظیمی، حسین، ۱۳۶۳ش، تفسیر اثنی عشری، تهران، ج ۱، میقات.  
شایسته رخ، الهه، بهرامی، شایسته، ۱۳۹۱ش، اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده: نقش مادر در تربیت دینی کودک (با تأکید بر ادبیات شفاهی، مطالعه موردی لالایی)، بی‌جا، نشر پیام عدالت.

طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴ش، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: موسوی، محمدباقر، قم، ج ۴، ج ۷، ج ۱۶، چاپ پنجم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبری، فضل بن حسن، ۱۴۲۱ق، جامع البیان، ج ۱، ج ۷، ج ۲۱، بیروت، دارالمعرفة.  
طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ج ۱، ج ۸، ج ۱۶، چاپ سوم، ناصر خسرو.

قائم‌ی، علی، ۱۳۶۸ش، نقش مادر در تربیت، تهران، نشر امیری.  
مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۴، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت، ج ۱،



ج ۲۳، دار احیاء التراث العربی.

مبیینی مقدس، مجید، ۱۳۹۹ش، خانواده در منظومه ماه، تهران، پژوهش‌های اسلامی رسانه صدا و سیما.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۵۳ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

هدایت نیا گنجی، فرج‌الله، ۱۳۹۰ش، مجموعه مقالات اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده، تهران: چاپ اول، پیام عدالت.

#### مقالات:

کاویانی، محمد، ۱۳۸۸ش، «تربیت اسلامی گذر از اهداف کلی به رفتاری»، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، دوره ۱.

## وظایف جوانان در گام دوم از دیدگاه رهبر انقلاب (دام ظلّه) با

### تأکید بر سه اصل تحصیل، تهذیب، ورزش

سیده زینب السادات حسینی<sup>۱</sup> - مرتضی فیروزجاهی<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول)

#### چکیده

بیانیه گام دوم در یک تقسیم کلی شامل نگاهی به گذشته، حال و آینده انقلاب اسلامی است و از این منظر، سیاست ها و راهبردهای آینده را مشخص نموده است. آرمان ترسیم شده در بیانیه، ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای قیام مهدوی است. در پژوهش حاضر برای پیگیری و بررسی نظرات و راهکارهای رهبر انقلاب برای جوانان در شکل دهی و ایفای نقش و زمینه سازی برای جامعه بزرگ جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در این پروژه مربوط به سه محور علم و پژوهش، معرفت و اخلاق و سبک زندگی ایرانی - اسلامی می باشد، با توجه و تأکید بر فرمایشات ایشان در سال ۸۲ در جمع انجمن اسلامی دانش آموزی که سفارش به تحصیل و تهذیب و ورزش نمودند، با روش توصیفی - تحلیلی پرداخته می شود، با تطبیق فرمایشات مقام معظم رهبری در این جلسه و سایر جلسات در راستای بیانیه گام دوم انقلاب مطالبی به دست آمد که از جمله راهکارهایی خطاب به جوانان است.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران z.hosseini@umz.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران m.firuzjahi@gmail.com

همچنین نتایج حاصل از این پژوهش عبارتند از اینکه رهبر انقلاب؛ تحصیل و دانش را مقدمه توانمندی کشور و محقق کننده آرمان های انقلاب می دانند و هدف از آن را خدمت، سعادت بشر، استقرار عدالت، رشد فضایل انسانی و دفاع از حقوق انسان ها می داند. هر فرد باید ابتدا خودسازی را از خود شروع نموده و اخلاق را رعایت نماید سپس دستگاه ها، نهادها و مردم باید معنویات و اخلاق را در جامعه رواج داده و با کانون های ضد آن با روشی معقولانه برخورد کنند. ورزش نیز یکی از محورهای مهم سبک زندگی است، چون در مکتب اسلامی سلامت جسمی زمینه ساز سلامت روح است و قوت مادی را به قوت معنوی تبدیل نموده و تقویت جسم، تقویت عقل و اعتدال نفس را به دنبال دارد. مطلبی که از این نتایج یافت می شود، این نکته است که نقش اصلی و اساسی در زمینه سازی و تحقق گام دوم انقلاب و شکل گیری تمدن نوین اسلامی بر دوش جوانان است که این نقش کلیدی را باید با کسب علم و اشاعه اخلاق و سلامت جسم و روح در خود و دیگران ایفا نمایند که در واقع این امر با جهاد عظیم در این عرصه ها دست یافتنی است.

کلید واژه ها: وظایف جوانان، گام دوم انقلاب، رهبر انقلاب، تحصیل، تهذیب، ورزش..

## ۱. مقدمه

در جامعه ای که برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی و برای محقق شدن حکومت جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تلاش می کند باید برنامه ریزی دقیق، با نگاهی گسترده و فرا ملی در جهت زمینه سازی ولایت آن موعود حقیقی داشت.

انقلاب اسلامی به عنوان تنها حکومت شیعی پرچمدار و زمینه ساز آن حکومت عدل الهی است که خداوند منان آن را در آیات قرآن کریم بشارت داده است. با گذشت چهل سال از رویش نهال انقلاب اسلامی ایران و برداشتن نخستین گام، وارد گام دوم انقلاب شدیم که با خون شهیدان گلگون کفن به درختی تنومند تبدیل شده است و برای تحقق ثمره این انقلاب و تبدیل شدن آن به یک تمدن جهانی نیاز به نقشه راهی است که تهدیدها و فرصت ها را به ما نشان دهد.

رهبر انقلاب به عنوان سکان دار این کشتی در حال حرکت، برنامه ای را تدوین نموده اند و روی صحبت و خطابه خود را غالباً جوانان این مرز و بوم قرار داده اند و از آنها به عنوان سرمایه های انسانی این تمدن، انتظاراتی دارند که باید محقق شود.

ایشان در این بیانیه که به منزله سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب است، هفت محور را به جوانان توصیه نمودند که در این پژوهش می خواهیم به سه محور علم و پژوهش، معرفت و اخلاق و سبک زندگی ایرانی - اسلامی با توجه و تاکید بر فرمایشات ایشان در سال ۸۲ در جمع انجمن اسلامی دانش آموزی که سفارش به تحصیل و تهذیب و ورزش نمودند، پرداخته شود.

مقام معظم رهبری هم در بیاناتی در اهمیت علم و پژوهش، معنویت و اخلاق و ورزش و سبک زندگی می فرمایند: «امروز جوان های ما بایستی، هم سلامت جسمی و هم سلامت معنوی و هم سلامت فکری را با هم داشته باشند و برای خودشان نگه دارند. سلامت جسمی را با ورزش و با تغذیه ی مناسب، سلامت معنوی و قلبی را هم با توجه به خدا، با نماز، با دعا، با توسل، با یاد شهدا، سلامت فکری را هم با کتاب خوانی تأمین کنید.» (امام خامنه ای،

بیانات رهبری در مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان-۱۳۹۵/۰۹/۲۳،  
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35137>)

تا کنون تحقیقاتی در این زمینه صورت نگرفته و بر این اساس پژوهش حاضر برای نخستین مرتبه، با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ برای سؤالات زیر خواهد بود:

نظرات و راه کار های مقام معظم رهبری برای جوانان در زمینه تحصیل، علم و پژوهش چیست؟

نظرات و راه کار های مقام معظم رهبری برای جوانان در زمینه تهذیب، معنویت و اخلاق چیست؟

نظرات و راه کار های مقام معظم رهبری برای جوانان در زمینه ورزش و سبک زندگی چیست؟

## ۲. ابعاد تمدن سازی در بُعد فردی

در بیانیه گام دوم انقلاب، ابعاد تمدن سازی در بُعد فردی متعدد بیان شده است اما در اینجا به ابعادی پرداخته می شود که در بُعد فردی قابل پیگیری است و اتکای قابل ملاحظه ای به ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... جامعه ندارد و هر انسان وارسته ای با همت و عزم راسخ خود می تواند به این اهداف نیک نایل گردد.

### ۱.۲. تحصیل:

تحصیل در لغت به معنای به دست آوردن، دانش آموختن، کسب کردن است. (فرهنگ معین، ذیل واژه تحصیل) و در اصطلاح عرف عام مطلقاً گردآوردن دانش ها است. (فرهنگ دهخدا، ذیل واژه تحصیل) از نظر اسلام علم آموزی و تعلیم نه تنها امری پسندیده است، بلکه از واجبات این دین به شمار می رود و آیات و روایات زیادی بر آن دلالت دارند. از جمله اینکه رسول گرامی اسلام فرموده اند: «طلب العلم فریضه علی کلّ مسلم»؛ فراگیری دانش بر هر مسلمانی واجب است. (کلینی، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۳۱) از طرف دیگر بر دانشمندان هم واجب است که به امر آموزش اهتمام ورزند، چنانچه در بیان دیگری از پیامبر

اکرم عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که فرمودند: «مَا أَخَذَ اللَّهُ الْمِيثَاقَ عَلَى الْخَلْقِ أَنْ يَتَعَلَّمُوا حَتَّى أَخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ يَعْلَمُوا»؛ خداوند از مردم برای یادگیری عهد و پیمان نگرفت مگر اینکه از دانشمندان برای یاد دادن پیمان گرفت. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵ش، ج ۳، ص ۲۱۸) نبی مکرم اسلام به مسلمین توصیه می نمودند به دنبال دانش بروید و در فراگیری دانش هیچ گونه محدودیت زمانی و مکانی نداشته، از ابتدای کودکی تا آخر عمر در پی آموختن باشید؛ «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» و حتی اگر تنها راه دستیابی به علم و دانش سفر به دوردست ترین نقاط جهان همچون چین باشد که در آن زمان مسافرت به آنجا به آسانی ممکن نبود، از هیچ کوششی دریغ ننمایید. «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ». (مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱، ص ۱۷۷ و ۱۸۰)

طلب علم آن چنان مهم است که در دین اسلام، طلب آن از طلب مال واجب تر و ارزش آن از عبادت بالاتر شمرده شده است، در بیانات گهربار امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می خوانیم: «أَيُّهَا النَّاسُ إِعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلْبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ أَلَّا وَإِنَّ طَلْبَ الْعِلْمِ أَوْجِبُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلْبِ الْمَالِ»؛ ای مردم کمال دین در جستجوی دانش و عمل به آن است و آگاه باشید که تحصیل علم از طلب مال واجب تر است. (شعبه حرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۹۹) در بیان دیگری فرمودند: «جستجوی دانش برتر از عبادت است». (مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۶۹، ص ۸۰، ح ۲۹) چراکه تنها عبادتی ارزش دارد که از روی معرفت باشد و تنها عالم است که در دام شبهات و وسوس گرفتار نمی شود. در میان همه معارف بر تعلیم و تعلم احکام و معارف دین تأکید بیشتری شده است. به حدی که بر مسلمین واجب گردیده که از هر قومی افرادی برای فراگیری علوم دین هجرت کنند و بعد از تحصیل به میان قوم خود برگشته و آن ها را آموزش دهند؛ «فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فُرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ؛ پس چرا از هر طایفه ای گروهی هجرت نمی کنند تا علم دین بیاموزند و وقتی برگشتند به سوی قوم خود، آن ها را انداز کنند.» (توبه / ۱۲۲)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ آن چنان در امر آموزش دین اهتمام داشتند که می فرمودند: «لَوْ أَتَيْتُ بِشَاةٍ

مِنْ شِبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ لَأَدَبَتَهُ؛ اگر بینم جوانی از میان جوانان شیعه به فراگیری احکام دین نپرداخته است او را تأدیب می‌کنم». (کلینی، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۳۶)

خداوند رحمان در آیات و در سوره‌های مختلف قرآن کریم مکرراً از ارزشمندی علم صحبت به میان می‌آورد همچون آیه؛ (هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ) (زمر/۹): «آیا کسانی که عالم هستند و کسانی که عالم نیستند، در مرتبه با یکدیگر مساوی هستند؟» این جمله جزء شعارهای اساسی اسلام است که عظمت مقام علم و عالمان را در برابر جاهلان روشن می‌سازد و معلوم می‌شود این دو گروه، نه در پیشگاه خدا یکسانند و نه در نظر خلق آگاه، نه در دنیا در يك صف قرار دارند و نه در آخرت، نه در ظاهر یکسانند و نه در باطن، همچنین علم در این آیه و آیات دیگر قرآن به معنی دانستن يك مشت اصطلاحات یا روابط مادی در میان اشیاء و به اصطلاح «علوم رسمی» نیست، بلکه منظور از آن معرفت و آگاهی خاصی است که انسان را به «قنوت» یعنی اطاعت پروردگار و ترس از دادگاه او و امید به رحمت خدا دعوت می‌کند، این است حقیقت علم و علوم رسمی نیز اگر در خدمت چنین معرفتی باشد، علم است و اگر مایه غرور و غفلت و ظلم و فساد در ارض شود «قیل و قالی» بیش نیست (بابایی، ۱۳۸۲ش، ج ۴، ص ۲۱۴) و نیز در آیه ای دیگر می‌فرماید: (وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا) (بقره/۲۶۹): «هر که را به او علم و دانشمندی عطا کرده باشد، به یقین که خیر بسیار به او اعطا شده است.» برترین نعمت الهی، با توجه به آنچه که در سیاق آیه قبل گذشت که به هنگام انفاق، وسوسه‌های شیطانی دایر به فقر و جذبه‌های رحمانی درباره مغفرت و فضل الهی، آدمی را به این سو و آن سو می‌کشد، در آیه مورد بحث سخن از حکمت و معرفت و دانش می‌گوید، چرا که تنها حکمت است که می‌تواند بین این دو کشش الهی و شیطانی فرق بگذارد و انسان را به وادی مغفرت و فضل بکشاند و از وسوسه‌های گمراه‌کننده ترس از فقر برهاند، می‌فرماید: «خداوند دانش را به هر کس بخواهد و شایسته بداند، می‌دهد» «حکمت» معنی وسیعی دارد که «معرفت و شناخت اسرار جهان هستی» و «آگاهی از حقایق قرآن» و «رسیدن به حق از نظر گفتار و عمل» حتی

نبوت را شامل می شود. سپس می فرماید: «و هر کس که به او دانش داده شده است، خیر فراوانی داده شده است». (بابایی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۲۴۳)

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است: آن حضرت از پدران خود روایت فرمودند که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که: بر هر مسلمی واجب است طلب علم، پس بطلبید علم را از جایی که مظنه آن را دارید و کسب کنید آن را از اهلش، به درستی که تعلیم گرفتن علم از برای خدا حسنه است و طلب آن عبادت است و ذکر کردن آن با یکدیگر تسبیح پروردگار است و عمل کردن به آن جهاد در راه خداست و یاد دادن آن به کسی که نمی داند تصدق کردن است و رسانیدن به اهلش تقرب به خداست». (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۲۴)

اینجاست که ارزش علم در اسلام مشخص می گردد و عبادت را صرفاً در انجام برخی اعمال همچون نماز و روزه و... مقید نمی کند بلکه دامنه نگرش اسلام به اندازه ای بسیط و گسترده است که طلب علم را هم جزو اعمال عبادی محسوب می کند البته یقیناً با توجه به اینکه علم و حکمت در این آیات و روایاتی که ذکر شد به صورت مطلق آمده است و شامل هر علم رسمی در این عالم می باشد اما هر علمی که بر غرور و تکبر و سرکشی بشریت بیفزاید، مدنظر آن نیست و علمی که در جهت شناخت و معرفت الهی بوده و در زندگانی بشریت نافع و مفید است مدنظر می باشد.

مقام معظم رهبری نیز در بیانات و سخنان خود به اهمیت علم و پژوهش می پردازند و ارزش علم را والاتر و به مثابه مجاهدت نام می برند، همانطور که فرمودند: «من جوانان عزیز را به يك مجاهدت حقیقی دعوت می کنم. مجاهدت فقط جنگیدن و به میدان جنگ رفتن نیست. کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری های سیاسی و تحقیق نیز برای مردم، جهاد محسوب می شود.» (امام خامنه ای، بیانات رهبری در دیدار جوانان و دانشجویان

سیستان و بلوچستان- ۱۳۸۱/۱۲/۰۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech->



ایشان اولین و مهم ترین وظیفه جوانان در جهت تحقق یک انسان، جامعه و کشور متمدن و قوی را دانایی می دانند و می فرمایند: «اولین کار شما جوانان، فراگیری آموزش ها و بالا بردن سطح دانایی هاست. با دانایی است که یک انسان، یک جامعه و یک کشور توانایی به دست می آورد.» (امام خامنه ای، بیانات رهبری در دانشگاه افسری امام علی علیه السلام -

۱۳۸۳/۱۰/۰۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3265>) ایشان

معتقدند که جامعه، بدون علم نخواهد توانست آرمان های خودش را بالا بیاورد. (امام خامنه ای، بیانات رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت - ۱۳۸۵/۰۶/۰۶،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3349>)

حضرت آیت الله خامنه ای مد ظله العالی در بیانات متعددی هدف و مقصود از آموختن علم و رسیدن به قله دانایی را چنین بیان فرمودند: «علم را برای خدمت، برای معنویت، برای پیشرفت فضائل انسانی، برای دفاع حقیقی از حقوق انسان باید فرا بگیریم.» (امام خامنه ای، بیانات رهبری در دیدار نخبگان جوان - ۱۳۸۹/۰۷/۱۴،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10233>) و نیز در جایی دیگر

فرمودند: «ما علم را برای سعادت بشر، برای رشد و شکوفایی بشر، برای استقرار عدالت و آرزوهای قدیمی بشر می خواهیم.» (امام خامنه ای، بیانات رهبری در دیدار وزیر علوم و

استادان دانشگاه تهران - ۱۳۸۸/۱۱/۱۳، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8824)

[content?id=8824](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8824))

ایشان در دیداری با مسئولان علت عقب افتادگی و کم ارزش بودن علم و عدم شکوفایی علمی را در قرن ها و دوره های گذشته قبل از انقلاب اسلامی چنین بیان می کنند: «در تاریخ کشور ما - اقلأ در این هفت، هشت، ده قرن - برای جوان هوشمند و فرزانه، هیچ فرصتی مثل امروز وجود نداشته است. اگر از حدود دوره ی حمله ی مغول به این طرف، مروری در تاریخ بکنید (که البته باید تاریخ را یاد بگیرید، چون چیز مهمی است. اگر بخواهید وضع و موقعیت امروز را درست تشخیص بدهید و بفهمید که در کجا قرار گرفته

اید، باید تاریخ را بدانید. تسلط به تاریخ، چیز خیلی مفیدی است)، خواهید فهمید که در تمام این دوران هفتصد، هشتصد سال - از قبل از حمله‌ی مغول تا حالا - هیچ وقت نبوده که به قدر امروز در این کشور، برای انسان فرزانه‌ی مستعد، امکان رشد وجود داشته باشد. البته در قرن‌های چهارم و پنجم، در زمان رژیم‌های دیکتاتوری غزنوی و سلجوقی و امثال اینها که مجال نفس کشیدن به کسی نمی‌دادند - آن طور که در تاریخ‌ها نوشته‌اند و این تاریخ‌ها هم خیلی حجت نیست - نظامی‌های هم می‌ساختند اما این طور نبوده که راه معلومات و تحصیل، برای همه باز باشد. حالا نسبت به آن وقت قضاوت نمی‌کنیم اما اگر از حدود حمله‌ی مغول به این طرف را ملاحظه کنید، خواهید دید که دوران، دوران جهالت و بی‌اعتنایی به معلومات و دوران پادشاهان مستبد خونخوار بدون یک ذره اعتنای به مردم بود، بعد هم که مسائل فرهنگ جدید و دانشگاه‌ها و امثال اینها به وجود آمد، هدف اول، با سواد کردن جوانان نبود. هدف اول، ساختن و پرداختن جوانان به شکلی بود که در جهت پیوستن هرچه سریعتر به قطب‌های استعمار و استکبار جهانی - یعنی در جهت نوکری - به دستگاه‌ها کمک کنند. در این دستگاه‌ها، آن کسی عزیزتر بود که نوکرت‌تر باشد. فکر مستقل و آزاد و انسان سازنده مطلوب نبود، چون دولت‌ها، دولت‌هایی بودند که اساس کارشان بر وابستگی به بیگانه‌ها بود. رژیم پهلوی را کدام قدرت سرکار آورده بود؟ رضاخان را چه کسی سرکار آورده بود؟ محمدرضا را چه کسی سرکار آورده بود؟ اینها در تمام دوران سلطنتشان، در جهت منافع همان کسانی کار می‌کردند که اینها را سرکار آورده و قدرت بخشیده بودند. می‌دانستند که اگر از آنها قطع بکنند، امکان ماندن برایشان نیست.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و مسئولان ستاد برگزاری دهه‌ی فجر - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2401>، ۱۳۶۹/۱۰/۱۱) سپس ایشان علت شکوفایی و توجه به علم در تمدن اسلامی را چنین بیان می‌کنند: «علت این‌که مسلمانان توانستند برای مدت چند قرن، مشعل علم را در دنیا به دست بگیرند، همین توجه اسلام به علم و دانش بود.» (امام خامنه‌ای، بیانات رهبری در دیدار اعضای گروه دانش

صدای جمهوری اسلامی ایران-۱۳۷۰/۱۱/۱۵، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2575)  
(content?id=2575

ایشان با تأکید بر فراگیری علم و جبران عقب ماندگی علمی (رک: امام خامنه ای، بیانات رهبری در دیدار جوانان استان اصفهان-۱۳۸۰/۰۸/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3092>) آن را جهاد فی سبیل الله (رک: امام خامنه ای، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی-۱۳۸۵/۰۱/۰۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3332>) دانسته البته علمی که توأم با دین و اخلاق باشد (رک: امام خامنه ای، بیانات رهبری در دیدار نخبگان جوان-۱۳۸۵/۰۶/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3351>) که در این صورت فراگیری و علم آموزی چون نماز و خواندن قرآن، عبادت است. (رک: امام خامنه ای، بیانات رهبری در دیدار جمعی از کارگران و معلمان-۱۳۷۴/۰۲/۱۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2748>) و در فراگیری علم فرقی بین زن و مرد نیست؛ «این مسأله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید در میان خود بانوان خیلی جدی گرفته شود و به آن اهمیت بدهند. «امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۳۰/۷/۱۳۷۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859>

باید کوشید تا همانطور که مقام معظم رهبری <sup>مد ظلّه العالی</sup> اشاره فرمودند: «علم شکوفا و پیشرفته اگر در اختیار يك ملت سالم و کامل باشد، مایه‌ی خیر و برکت است.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی-۱۳۷۱/۰۱/۱۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2609>

رهبر معظم انقلاب یکی از محورهای اصلی و اساسی را در گام دوم انقلاب به موضوع علم و پژوهش اختصاص داده و در این باره فرمودند: «دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که

توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه ی دانش در میان خود اصرار می ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیر کننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه ی شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته های حساس و نوپدید به رتبه های نخستین ارتقاء داد، همه و همه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت. اما آنچه من می خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه ی اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قلّه های دانش جهان بسیار عقبیم، باید به قلّه ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم ترین رشته ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم، ما از صفر شروع کرده ایم. عقب ماندگی شرم آور علمی در دوران پهلوی ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ ها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می رویم ولی این شتاب باید سالها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده ام، ولی اینک مطالبه ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک

انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است ناکام سازید.» (بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب)

بر این اساس باید با تلاش و مجاهدت جوانانه و غیورانه در گام دوم انقلاب به این اهداف نیک و برکات آن نایل گردیم و شاهد رشد و پیشرفت روزافزون تمدن نوین اسلامی باشیم تا از تمامی جهات به خصوص در زمینه علم و دانش در جهت خدمت به جامعه بشری و انسانی پیشرو باشیم.

## ۲.۲. تهذیب:

تهذیب در لغت به معنای پاکیزه کردن، اصلاح کردن، خالص کردن و شتاب کردن است و مُهذَّب کسی است که پیراسته از عیوب اخلاقی و آراسته به اوصاف نیکو باشد. (فراهیدی، ابن منظور، شرتونی، ذیل «هذَّب») تهذیب در عرفان، از مقامات سلوک و به معنای تبدیل اخلاق مذموم به محمود یا جدا شدن از نفس اماره و شیطان است. از این رو، عبودیت جز با تهذیب به دست نمی آید. (انصاری، ۱۹۷۳م، صص ۲۵ و ۷۱)

تهذیب در متون عرفانی به استقلال، کم به کار رفته و معمولاً نتیجه مقام مجاهدت یا ریاضت دانسته شده است. (قشیری، ۱۳۶۱ش، ص ۱۷۹) از این اصطلاح گاه به تصفیه و تنقیح نفس تعبیر کرده اند. (خوارزمی، ج ۱، ص ۴۰۶) در برخی منابع تهذیب در کنار تزکیه به کار رفته (غزالی، ج ۳، ص ۶۰ / فیض کاشانی، ص ۶۴.۶۱) و گاه در تعریف تزکیه معنایی نزدیک به تهذیب آورده شده است. (ر. ک: به نجم الدین کبری، ص ۳۴ / نجم رازی، ص ۱۷۸.۱۷۹ / باخرزی، ج ۲، ص ۷۹)

علمای اخلاق به جای تهذیب، بیشتر از اضافه تهذیب نفس یا تهذیب اخلاق استفاده کرده و کتاب های بسیاری نیز با عنوان تهذیب الاخلاق نوشته اند. (ر. ک: به حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۵۱۴؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۵۰۷) در کتب اخلاقی، علم تهذیب اخلاق، قسم اول از حکمت عملی (نصیرالدین طوسی، ص ۴۰) و درباره تعدیل قوای غضبیه و شهویه به

کمک نفس ناطقه (قوة عاقله) و شرع است. (یحیی بن عدی، ص ۲۴، ۳۰ / مسکویه، ص ۳۷-۳۸ / غزالی، ج ۳، ص ۶۳) از نظر علمای اخلاق، این علم شریف ترین علم است، زیرا ثمره آن کمال اشرف مخلوقات یعنی انسان است. (نصیرالدین طوسی، ص ۱۰۶-۱۰۷؛ نراقی، ص ۱۶-۱۷) به نظر علمای اخلاق، در تهذیب نفس باید از طبیعت پیروی کرد، یعنی تهذیب را به همان ترتیبی که قوا در بدو خلقت یا تولد در انسان فعال می شوند، باید به تدریج شروع کرد، بنابراین اول باید قوه شهویه، بعد قوه غضبیه و سپس قوه ناطقه تعدیل شود. (نصیرالدین طوسی، ص ۱۵۰-۱۵۴ / مسکویه، ص ۶۸-۶۹ / نراقی، ص ۳۶ / غزالی، ج ۳، ص ۵۸-۶۰)

در نظر علمای اخلاق و همچنین عرفا، اصلی ترین راه تهذیب، مجاهدت و صبر است اما قبل از آن انسان باید رذائل و فضائل را به خوبی بشناسد تا فضیلتی با رذیلت یا رذیلتی با فضیلت مشتبه نگردد، آنگاه به طور مداوم و شدید بر ضد آن رذیلت عمل کند و اگر موفق نشد، باید نفس را با توییح و ملامت و مرارت تأدیب کند. (غزالی، ج ۳، ص ۶۶ / نصیرالدین طوسی، ص ۱۷۱-۱۷۰ / نراقی، ص ۳۱، ۴۲-۴۳) البته راه های دیگری نیز در کنار راه اصلی ذکر کرده اند، از جمله همنشینی با صالحان، دوری از اشرار، تفکر در تمام اعمال، خوراک حلال، احتراز از هر آنچه موجب تحریک قوای غضبیه و شهویه می شود و حتی پرهیز از مباحات تا نفس به محرمات طمع نکند، دقت نظر در حرکات و سکانات و اقوال و افعال، خلوت، عبادت مدام، دوام ذکر و مناجات، شناختن عیوب خود از طریق شنیدن آن از دشمنان و دوستان. (نصیرالدین طوسی، ص ۱۶۳-۱۶۶ / نراقی، ص ۳۸-۴۰ / وژام، ج ۱، ص ۹۴-۹۶) تهذیب از نظر عرفا و علمای اخلاق مقدمه سعادت است. (نصیرالدین طوسی، ص ۱۵۴)

خودسازی و تهذیب نفس از جمله مسائل مهمی است که فراوان مورد تأکید و توجه آیین مقدس اسلام قرار گرفته است و نقش محوری و اساسی در رسیدن انسان به مدارج عالی انسانی و کمالات اخلاق را دارد. قرآن کریم تزکیه و تهذیب نفس را عامل رستگاری و راه

وصول به سعادت معرفی کرده است و فساد اخلاق را منشأ رذالت ها و بدبختی ها و مایه زیان می شناسد. (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا \* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا) (شمس ۹/ و ۱۰)؛ «به حقیقت که رستگار شد آن کس که خود را از هر ناروا و پلیدی پیراست و زیان کار شد آن که به زشتی و ناروایی آلوده گشت.» از این آیه می توان استفاده کرد که نفس انسان قابلیت تزکیه و نیز آلودگی را دارد و این دو با انتخاب و اختیار انسان انجام می پذیرد. او اگر خواست نفس خویش را پاکیزه قرار می دهد و اگر نخواست آن را آلوده می سازد.

در روایات فراوانی به طور مکرر دعوت به پیکار با تمایلات نفسانی شده و از این عمل به عنوان جهاد اکبر یاد شده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «المجاهدُ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ» (وَرَام، ۱۳۰۱ق، ج ۱، ص ۹۶)؛ «مجاهد کسی است که در راه خدا با نفس خویش پیکار نماید.» همچنین امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در این خصوص می فرماید: «غَايَةُ الْمَجَاهِدَةِ أَنْ يُجَاهِدَ الْمَرْءُ نَفْسَهُ»؛ «منتهای مجاهدت این است که انسان با نفس خویش مبارزه کند.» (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۴۱)

رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همچنین در باب اهمیت تزکیه نفس فرمودند: «آن کس که خود را رهبر مردم می داند بر او است که پیش از تعلیم دیگران به آموزش خویش بپردازد و بایستی پیش از آنکه به زبان تعلیم دهد عملاً مردم را با پروردگار آشنا سازد و آن کسی که به ادب و آموزش خویش پرداخته و به خود سازی کمر همت بسته است، به احترام سزاوارتر است از آن کسی است که دیگران را تعلیم و تربیت کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۵، ص ۸۳)

رهبر انقلاب نیز با تأکید بر لزوم تقویت معنویات و اخلاقیات در جامعه، این چنین به برکات انقلاب در این زمینه در بیانیه گام دوم اشاره نمودند: عیار معنویّت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ تَعَالَى در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد، آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه های ایمان مردمش بسی ریشه دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج

فساد و بی بند و باری در طول دوران پهلوی ها به آن ضربه های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت های جوانان در میدان های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه ی دینی از عزیزان خود که به جبهه های گوناگون جهاد می شتافتند دل کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون آلود یا جسم آسیب دیده ی آنان رو به رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاها ی دینی رونقی بی سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه داری و پیاده روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا به ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روز به روز بیشتر و با کیفیت تر شده است. و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش های عمده ی عالم منزوی کرده است و این معجزه ی دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است. معنویت به معنی برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده ی همه ی حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است، بودن آنها محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند. شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر



رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد. این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند، با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهتمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهتمی کنند. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست. در دوره پیش رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه مدّت و میان مدّت جامعی تنظیم و اجرا شود، ان شاء الله.»

(بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب)

#### ۲.۱-۲. خودشناسی مقدمه تهذیب نفس

با خودشناسی انسان می‌تواند به ارزیابی و تحلیل درستی از صفات و استعداد‌های خود دست یابد و در نتیجه آن، خصلت‌های ناروا را از خود دور کرده و درصدد تقویت جنبه‌های مثبت خود باشد. در نتیجه می‌توان گفت از توجه انسان به خود، برای خودسازی انگیزه ایجاد می‌شود، همچنان که در روایتی آمده است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ جَاهَدَهَا وَ مَنْ جَهَلَ نَفْسَهُ أَهْمَلَهَا»؛ «کسی که نفس خود را شناخت با آن جهاد می‌کند و کسی که آن را نشناخت از خودسازی کوتاهی می‌کند.» (خوانساری، ۱۳۸۱ش، ج ۵، ص ۱۷۷-۱۷۸)

مقصود از خودشناسی آن است که انسان با درون‌نگری و خودکاوی و تأمل در وجود خویش و ابعاد آن و کشف استعدادها و نیروهای درونی و تمایلات و کشش‌های باطنی، هدف

واقعی آفرینش و کمال نهایی و راه رسیدن به آن را بشناسد. این مسئله از جمله دستورات حکیمانه ای است که هم انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام به بشر ابلاغ کرده‌اند و هم عرفا و حکمای بزرگ جهان آن را به زبان آورده‌اند. بی‌جهت نیست که امام علی علیه السلام خودشناسی را برترین علوم معرفی کرده و فرموده‌اند: «أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسِهِ»؛ «برترین شناخت، خودشناسی است.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴ش، جلد ۷، ص ۱۶۲، ح ۲۹۳۵)

۲.۲- ۲. راهکارهای عملی تهذیب نفس:

کارهایی که به واسطه آنها می‌توان به تهذیب نفس پرداخت و در امر خود سازی به کار می‌آیند متعدد می‌باشد که در این تحقیق به چند عوامل اشاره می‌کنیم؛

#### ۲.۲- ۱. تبعیت از شریعت الهی:

از جمله اقدامات اولیه جهت خود سازی قرار دادن وجه کلی قلب به سمت خدا و دین و شریعتی آسمانی وی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا) (روم/۳۰).

خداوند با فرستادن خاتم انبیا و قرار دادن کتاب آسمانی و شریعت در دست آنها بر بشریت منت نهاد تا ایشان آیات خدا را برای آنان بخواند و از این طریق آنها را پاکیزه و تهذیب کنند، ایمان و دوستی خدا را در دلها زنده سازند و امانت و صداقت را به آنها بیاموزند. مقصود از آیین حنیف در این آیه که آفرینش انسان بر روی آن استوار شده همان «آیین توحید» و خداجویی است. این آیه با صراحت کامل هر نوع انحراف از جاده توحید را مخالف فطرت انسانی دانسته است. امام صادق علیه السلام آیه را چنین تفسیر می‌فرماید: «فَطَرَهُم عَلَى التَّوْحِيدِ». (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۲، ص ۱۲)

رهبر انقلاب رفتار امام خمینی رحمته الله علیه را به عنوان الگو و اسوه معرفی می‌کنند: «به اعتقاد من بایستی مهم‌ترین امر در ذهنتان این باشد که به خدا توکل کنید و حقیقتاً به معنای واقعی کلمه از او کمک بخواهید و از او استغاثه کنید. عجزمان را بایستی به قدرت بی‌نهایت پروردگار وصل کنیم، تا به کلی آسیب ناپذیر شویم من در زندگی امام بزرگوارمان رحمته الله علیه این را

یافتم که وقتی بار عظیمی بدون سابقه بر دوش او قرار می‌گرفت، با اتصال و ارتباط معنوی و قلبی، خودش را تقویت می‌کرد.. «(امام خامنه ای، بیانات رهبری در دیدار اعضای کادر مرکزی حزب الله لبنان-۱۳۷۰/۱۲/۱۳، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2601)

لذا هر آنکه به دنبال تهذیب نفس و خود سازی است، باید بداند که اولین قدم در این مسیر گردن نهادن به شریعت و احکام الهی و داخل شدن در جرگه مؤمنان است. مادامی که انسان فرمان و دستورات حق را به گردن نگیرد و در مقابل آن خاضع نگردد، مخالف فطرت خویش گام نهاده است و به تهذیب صحیح نفس نایل نمی‌گردد.

۲.۲-۲-۲. ذکر:

یکی دیگر از راه های رسیدن به قرب الهی ذکر و یاد خداست که انسان با ذکر از افق ماده اوج گرفته و به عالم معنا و معنویت قدم می‌گذارد و کامل می‌شود. ذکر نقطه شروع حرکت به سوی تکامل و تقرب الی الله است، انسان سالک با ذکر، خود را به مبدأ اعلیٰ نزدیک می‌نماید. البته باید این ذکر دائمی باشد و هم به زبان خدا را یاد نماید و هم با قلب و دل توجه تام به خداوند داشته باشد. قرآن مجید در مورد کسانی که صاحبان خرد و اندیشه هستند، می‌فرماید: (الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ)؛ «اینها کسانی هستند که هیچ موقع خداوند را فراموش نمی‌کنند و در تمام حالات یاد خدا هستند.» (آل عمران/۱۹۱) پس معلوم می‌شود که ذکر حق دل را صفا و روشنی می‌بخشد و محبوب خدا می‌گرداند و از اسارت نفس می‌رهاند و حبّ دنیا را از دل می‌راند و خانه را برای ورود صاحب خانه آماده می‌سازد و بهتر از ذکر دوام برای رفع معایب نفس و راهبری نیکوتر در معارف الهی پیدا نمی‌شود.

مقام معظم رهبری نیز قدم اول در راه خدا را، شکستن خویشتن و خود را فقیر و تهیدست مطلق دیدن است. یعنی انسان در عین قدرت و ثروت و علم و برخورداری از مزایا و محاسن و خصوصیات مثبت و در اوج دارایی و توانایی، واقعاً خود را در مقابل خدا، نیازمند و تهی

دست و محتاج و کوچک و حقیر ببیند. این، آن روحیه‌ی کمال انسانی است که البته باید با تمرین به اینجاها رسید. (امام خامنه‌ای، سخنرانی در دیدار اقشار مختلف مردم در روز بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان-۱۳۶۹/۰۱/۳۰، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2296)

۲۰۲- ۲- ۰۳. روزه:

یکی از عبادت‌های بسیار بزرگی که در تزکیه و تهذیب نفس و خودسازی آثار فراوانی دارد روزه است. در روزه دو مؤلفه مهم برای خودسازی از ناحیه شارع مقدس لحاظ شده است که یکی از سنخ ترک و دیگری از سنخ انجام است. آن دو عبارتند از:

اول: خودداری از مبطلات روزه از جمله خوردن و آشامیدن و دوری از عمل جنسی و هم‌چنین دروغ بستن به خدا و رسول او.

دوم: خلوص نیت و قصد قربت که به منزله روح این عبادت است. روزه دار با ترک گناهان، نفس‌آماره را مهار کرده و به اختیار خود در می‌آورد. لذا ماه رمضان دوران جهاد و تمرین و کف نفس از بسیاری اعمال و رفتار ناپسند و خلاف شرع و عرف و دوران جهاد با نفس و مبارزه با هواهای شیطانی است.

در بحث اخلاق، تهذیب نفس و ارزش و فضیلت روزه و ماه مبارک رمضان، مقام معظم رهبری نیز افاضاتی دارند از جمله اینکه: «همه‌ی این دردهای بزرگ، بیماری‌های مهلک و خطرناک، یعنی منیت‌ها، کبرها، حسدها، تعدی‌ها، خیانت‌ها، لایبالی‌گری‌ها - که اینها بیماری‌های بزرگ ما هستند - در ماه رمضان فرصت علاج پیدا می‌کنند، قابل درمان می‌شوند.» (امام خامنه‌ای، خطبه‌های نماز عید سعید فطر-۱۳۸۸/۰۶/۲۹،

[https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8070) و نیز «ما همان ماده‌ی خام هستیم که اگر روی خودمان کار کردیم و توانستیم این ماده‌ی خام را به شکل‌های برتر تبدیل کنیم، آن کار لازم در زندگی را انجام داده‌ایم.» (امام خامنه‌ای، بیانات رهبری در اولین روز ماه مبارک رمضان-۱۳۷۱/۱۲/۰۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech->

(content?id=2656)

بنابراین مهم ترین راه کار برای تهذیب نفس همان ارتباط قلبی با خدای متعال و توکل بر اوست. با ذکر و یاد خدا دل ها آرام می گیرد و ذهن ها از فکر گناه و آلوده رهایی می یابند. این ذکر و یاد خداوند است که بزرگترین تهذیب برای انسان هاست و آنها را از خطا و اشتباه مصون می دارد.

### ۳.۲. ورزش و سبک زندگی

ورزش از نظر لغوی اسم مصدر است. به معنای «ورزیدن» و برزیدن مصدر آن، یعنی کارکردن، عمل کردن، کوشیدن، پیایی انجام دادن و ریاضت کشیدن است که به هر نوع فعالیت بدنی و بازی که منجر به انجام مسابقه و نمایش مهارت بین دو فرد یا دو گروه شود، ملزم به انجام تمرین های مداوم و فراگرفتن مهارت در یک حرکت یا رشته ورزشی باشد، اطلاق می شود.

عبارت سبک زندگی را باید اخصّ از زندگی دید. با دقت در معنای واژهی «سبک»، می توان مراد از سبک زندگی را دقیق تر یافت. سبک مترادف واژهی «سیره» بر وزن «فعلّه» در زبان عرب است. در این وزن، واژه نه بر نفس عمل که بر نوع عمل دلالت دارد و اهل لغت آن را همان طریقه، هیئت، رفتار و روش و حالتی دانسته اند که انسان و غیر انسان بر آن حالت باشند. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۳۴۰ / راغب اصفهانی، ۱۳۶۲ش، ص ۲۴۷) شهید مطهری نیز «سیره» را نوع و سبک رفتار دانسته است. (مطهری، ۱۳۸۹ش، صص ۴۵ و ۴۶)

حضرت آیت الله خامنه ای در بیانیه گام دوم در مورد محور سبک زندگی اینگونه بیان نمودند: «سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وا می گذارم و به همین جمله اکتفا می کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان های بی جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است. مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان ها است.» (بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به مردم ایران، ۱۳۹۷/۷/۲۲)

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41673>

ایشان آنجایی که سخن از سبک زندگی به میان آورده‌اند، هم ردیف آن عبارات «روش زندگی» و «عادات زندگی» را نیز به کار برده‌اند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31847)

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، [content?id=31847](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252) که می‌تواند حکایت از <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>

دلالت سبک زندگی بر رفتارهایی داشته باشد که به عادت یک فرد یا جامعه تبدیل شده‌اند و از آنجا که در توضیح سبک زندگی، از عبارت «چگونگی مشی زندگی» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استان کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی، ۱۳۹۵/۷/۵، [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34514)

[content?id=34514](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34514)) استفاده نموده‌اند، استفاده می‌شود که اساساً سبک زندگی، نه بر نفس عمل و رفتار، بلکه بر کیفیت، شیوه و چگونگی رفتارها دلالت دارد. بر این اساس در سبک زندگی، چگونگی آن دسته از رفتارهای فردی و اجتماعی مورد نظر است که برای انسان به یک عادت یا حالت پایا تبدیل شده باشند و از نوعی تداوم برخوردار باشند.

یکی از اصول تربیتی در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای، اصل تأثیر متقابل رفتارها، باورها و گرایش‌ها است. بر این اساس، تعلقات و تلقیات انسان از رفتارهای خوب و بد او اثر می‌پذیرد. کار اگر بد باشد، «... روی دل ما اثر می‌گذارد، روی اخلاق ما اثر می‌گذارد، گاهی روی برداشت‌ها و تلقی‌های ما اثر می‌گذارد. دلبستگی که پیدا می‌کنیم، این دلبستگی روی ذهنیات ما اثر می‌گذارد». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۴/۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8472>) در

باب عمل خوب هم همین اصل وجود دارد. چنانکه ایمان «انسان را می‌کشاند و به عمل صالح دلالت می‌کند... عمل صالح هم انسان را به ایمان دلالت می‌کند. یعنی یک تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات

دولت، ۲۰/۸/۱۳۸۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3259> این اصل ما را به یک راهبرد مهم می‌رساند و آن اینکه اصلاح و تغییر تمایلات و اندیشه‌ها می‌تواند به واسطه‌ی همین رفتارهای ظاهری صورت بگیرد، پس باید مراقب عمل جامعه و سبک زندگی جامعه بود. تأثیر عمل بر باور، قطعی و اجتناب‌ناپذیر است: «عمل بد، به تغییر باورها منتهی می‌شود». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۳/۳/۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18292>) البته در منظومه‌ی فکری معظم‌له، آنچه می‌تواند «ماده‌ی خام» وجود انسان را به «شکل‌های برتر» تبدیل کند، استمرار عمل است (خسروپناه، ۱۳۹۶ش، ص ۳۸۳) و همین استمرار عمل است که می‌تواند ادراک و آگاهی را به ایمان که همان باور قلبی است تبدیل کند. (امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۹۱ش، ص ۸۷ و ۸۸ / آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳ش، ص ۱۰۳) در منطق قرآن نیز عمل بد می‌تواند باور را ایجاد، متأثر و حتی متحول نماید: (ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ) (روم/۱۰: «آن‌گاه فرجام کسانی که بدی کردند بسی بدتر بود، چرا که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را به ریشخند می‌گرفتند.») همین اصل در سبک زندگی نیز جاری است. در سبک زندگی دینی، تداوم عمل با معرفت دینی توأم است: (مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...) (فاطر/۱۰: «هر کس سربلندی می‌خواهد، سربلندی یکسره از آن خداست. سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد...») در این آیه، منظور از کلام طیب همان عقاید حق است. علامه طباطبایی با عنایت به عبارت «الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»، مرجع ضمیر در «يَرْفَعُهُ» را عقاید حق می‌داند و معتقد است به میزانی که عمل مکرر شود، اعتقاد راسخ‌تر، روشن‌تر و در تأثیرش قوی‌تر می‌گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۳) بر این اساس، سبک زندگی به عنوان راهبردی برای تغییر نگرش‌ها و باورها مطرح است.

خطر ترویج سبک زندگی غربی در توصیه‌ی هفتم از بیانیه‌ی گام دوم انقلاب گوشزد شد.

آیت‌الله خامنه‌ای قبلاً تصریح کرده بودند که عده‌ای در داخل کشور درصدد ترویج اخلاق و سبک زندگی غربی با هدف به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی هستند. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36775>) مروّجان سبک زندگی غربی تحت عنوانی چون «تحول شخصیت ایرانی»، به هدف خود تصریح کرده‌اند. آنها با هدف پیوستن به جهانی شدن به عنوان یک فرآیند غربی - آمریکایی، درصدد اصلاح حاکمیت ایران و تغییر مسیر انقلاب هستند. معتقدند راه اصلاح حاکمیت از تغییر باورها و تغییر باورها از طریق تغییر سبک زندگی و مطابقت نظم رفتاری مردم با نظم غربی می‌گذرد. در این صورت خواست مردم با خواست انقلاب متفاوت می‌شود و در نتیجه انقلاب اسلامی تابع خواست جامعه تغییر مسیر خواهد داد. واقعیت این است که دشمن فهمیده که راه اثرگذاری بر باورهای مردم، تغییر نظم رفتاری ظاهری و به اصطلاح تغییر سبک زندگی است. تدوین اسناد بین‌المللی همچون سند آموزش ۲۰۳۰ و تولیدات و تبلیغات بیشمار رسانه‌ای را می‌توان در همین چهارچوب تحلیل کرد.

همچنان که در سطور پیشین بیان شد، دشمن راهبرد خود را بر تغییر سبک زندگی با هدف تغییر باورها متمرکز کرده است. این راهبرد البته از پشتوانه‌ی نظری برخوردار است و آن اینکه «واقعیت‌های زندگی، در فکر انسان اثر می‌گذارد. رفتار روزانه در دل و روح انسان اثر می‌گذارد - هم روح خود انسان، هم روح مخاطبان و معاشران انسان - اینها می‌خواهند این [سبک زندگی] را تغییر بدهند». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31847>) راه مقابله با این تهاجم نیز از ترویج سبک زندگی دینی و تعمیق و گسترش آن در متن جامعه می‌گذرد. علمای دینی در حوزه‌ی تربیت نیز بر همین شیوه تأکید دارند. انسان موجودی است که نیازمند تربیت عقل، نفس، قلب و آداب ظاهری خود است. در این میان انسان اگر بخواهد عقل و نفس خود را تربیت کند، ابتدا باید از ادب ظاهری شروع کند. ادب ظاهری، اثر



تربیتی خود را در نفس و قلب انسان خواهد گذاشت. (تهرانی، ۱۳۹۵ش، ص ۷۷) همچنانکه رهبر انقلاب در توصیه‌ی هفتم بیانیه هم تأکید کردند و قبلاً در دیدار دانشجویان هم خطاب به جوانان دانشجو گفته بودند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36775>،

مسئولیت اصلی این جهاد، برعهده‌ی جوانان است. جوانان به مثابه پیشران حرکت انقلاب، اگر خود به رعایت سبک زندگی دینی ملتزم باشند، جامعه را هم دنبال خود حرکت خواهند داد. تأکید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر مظاهر دینی در میان جوانان همچون اعتکاف، رونق یافتن فضاها‌ی دینی، اردوهای جهادی، صحنه‌های عبادت، پیاده روی‌های زیارت اربعین و... اهمیت همین مطلب را می‌رساند.

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=42075>

در جهان معاصر پیشرفت انسان در ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی از اهداف تربیت بدنی و ورزش است. با توجه به تغییرات جهانی، توسعه سریع علوم و تاثیر آنها بر زندگی افراد جامعه، ماشینی شدن کارها و زندگی، افزایش اوقات فراغت، کم تحرکی مشاغل و افراد، شیوع بیماری‌های مرتبط با بی تحرکی ارزش حیاتی و کاربردی تربیت بدنی را بیشتر آشکار می‌شود. ورزش پدیده‌ای به عنوان نوعی تربیت و به عنوان بخشی از تربیت کلی مکتب اسلامی نگریسته شده است که فرد را از سلامت جسمانی به سلامت روحانی و از قوت مادی به سوی قوت معنوی و از تقویت جسم به سوی تقویت عقل و اعتدال نفسانی سوق می‌دهد. پس از این مقدمه، با استعانت از گزیده‌هایی از فرمایشات رهبر انقلاب در خصوص تربیت بدنی و ورزش، سعی می‌شود در حد امکان، جهت‌گیری‌های اساسی در این مقوله مورد بررسی قرار گیرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب در این زمینه به سه محور اساسی که جهت‌گیری‌های عمده در ورزش را روشن می‌نماید، اشاره نموده‌اند که در ادامه، این محورها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ایشان به سه محور به قرار زیر اشاره فرمودند:

۱. زنده کردن اشتیاق به ورزش و روح ورزشکاری و ورزش خواهی در مردم؛

۲. زنده کردن ورزش های بومی و محلی؛ <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=17918>؛

۳. ورزش های همگانی. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22168>.

جهت گیری نخست که زنده کردن اشتیاق به ورزش به همراه روح ورزشکاری و ورزش خواهی می باشد، همراهی اشتیاق به ورزش، با توسعه روح ورزشکاری و ورزش خواهی در مردم، ناظر بر بعد تربیتی و اخلاقی و آمیختگی مفاهیم دینی در این توسعه است. در واقع روح ورزشکاری، به معنای رعایت مسائل انسانی و انسانی در عرصه ورزش و حضور آن ها در این فعالیت ها و عدم فراموشی و ترویج و توسعه جدی بر مبنای پژوهش و برنامه ریزی است.

وجود روحیه ورزشکاری در حقیقت همان عنصر اساسی و فراموش شده در دنیای معاصر است و همان است که اساساً هدف از ورزش و ورزشکاری را آن طور که از فرمایشات امام علیه السلام برمی آید، تشکیل می دهد. آن جا که امام عج متذکر می شوند تهذیب نفس باید به دنبال ورزش حاصل شود، به همین امر اشاره دارند، لذا اشاعه روح ورزشکاری و قصد اشاعه آن در جامعه توسط مسئولان فرهنگی، علمی و اجرایی نشان از عدم فراموشی و گم کردن راه اصلی در ورزش و تربیت بدنی در جامعه دارد.

اما چگونه باید به مقابله با این مشکل پرداخت و دسیسه حذف ترویجی عناصر ارزشی و تهی نمودن آن در ورزش و منحرف نمودن ورزش از مسیر صحیح را خنثی کرد. گرچه پاسخ به این سؤال خود به بحث مستقلی نیاز دارد، اما از بعد فرهنگی و علمی باید از واژه ها و اصطلاحات رایج در امر ورزش آغاز نمود و محتوا، اهداف، برنامه ها و سیاست ها را مورد تأمل و پژوهش قرار داد.

یعنی به همان ترتیب که رفته رفته این پدیده را از متن جامعه خارج نمودند و به عنوان امر مستقلی جدای از وظایف فردی و اجتماعی مطرح کردند، باید مجدداً فعالیت های

جسمانی و ورزشی به عنوان زمینه های مناسب پرورش صفات عالی انسانی، فعالیت های شغلی، آمادگی های نظامی و روابط انسانی و اجتماعی مورد بازنگری قرارگیرند و این از مسئولیت های مسلم دانشگاه ها و مراکز پژوهشی است. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از ورزشکاران-۱۳۸۳/۰۷/۱۴- [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3252)

پس در واقع اشاعه روح ورزشکاری و اشتیاق ورزش در جامعه، با بازنگری عمیق فرهنگ ورزش میسر است. بدیهی است تحقق این جهت گیری اساسی در ورزش همان گونه که بیان شد نخست به عهده دانشگاه ها به عنوان مراکز علم و فکر می باشد. تحقیقات در دانشگاه های ما باید در راستای این جهت گیری اساسی در ورزش و در واقع برای اصلاح آن باشد و به طور جدی عمل نمایند.

تحقیقات مستقل و پایان نامه ها و رساله های متعددی در این خصوص باید تدوین شود، تا هم ریشه های انحراف که قطعاً جزئی از برنامه های وسیع استکباری در بیگانه نمودن کشور از خویشتن فرهنگی خویش و پذیرش بی قید و شرط تفکر بیگانگان بوده است، مورد بازشناسی عمیق قرار گیرد و از سویی نیز شیوه های بازگشت به فرهنگ اصیل دینی و ملی متناسب با مقتضیات عصر حاضر بررسی و شناسایی شود تا راهکارهای اجرایی مطلوب تعیین گردد.

برنامه ریزان آموزشی نیز با بازنگری در برنامه های کنونی در مقاطع مختلف و با ایجاد گرایش های متناسب با این نیازها، نیروی انسانی توانا و مورد نیاز جامعه را تأمین نمایند. وزارت آموزش و پرورش نیز با درک عمیق تر نقش تربیتی ورزش و آگاهی بیشتر از این که ورزش، تنها وسیله ای است که تلفیق وجه درونی انسان با وجه بیرونی را به عهده دارد، عنایت بیشتری به ایجاد ساختار مناسب سازمانی داشته باشد و به امر ضرورت وجود معلم ورزش در مقاطع مختلف تحصیلی اهتمام بیشتری داشته باشد.

برنامه های بازآموزی معلمان و یا تربیت معلمان به خصوص در مقاطع تحصیلی پایین باید

متناسب با نیازهای اساسی دانش آموزان و همگام با جهت گیری های اساسی در ورزش، از جمله ایجاد روح ورزشکاری در آنان باشد.

سازمان تربیت بدنی نیز به عنوان مهم ترین سازمان اجرایی در امر ورزش و تربیت بدنی باید با درک این اهداف و جهت گیری های منبعث از آن، استراتژی مشخص خود را در چگونگی ایجاد اشتیاق ورزش در مردم و ترویج روح ورزشکاری تدوین و ارائه نماید. این سازمان به عنوان نظام اجرایی باید رابطه تنگاتنگی را با نظام دانشگاهی برقرار نماید و بدون آن که بخواهد خود وظایف آن ها را نیز بر عهده گیرد، نیازهای کارشناسانه خود را طبقه بندی کند و به بخش های آموزشی و پژوهشی دانشگاهی واگذارد.

این رابطه نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاهی و نظام اجرایی، می تواند تضمینی در بهره وری بهتر منابع انسانی، انطباق فعالیت های علمی و پژوهشی دانشگاه ها با نیازهای نظام اجرایی و در نتیجه، برآوردن این نیازها در کوتاه مدت و دراز مدت باشد.

مسئله رواج ورزش های بومی و محلی که جزء ملیت و فرهنگ ایران محسوب می شود، دومین محور در جهت گیری اساسی در ورزش کشور است. توجه به چنین امری خود می تواند به عنوان شیوه ای مطلوب و مناسب در همگانی کردن ورزش نیز محسوب گردد.

اساساً ورزش هایی که در گذشته این کشور رواج داشت، عموماً دور از تربیت باطنی نبود، در واقع بررسی ورزش های بومی و محلی نشان می دهد این ورزش ها گرچه با هدف اولیه بهداشت، نیرومندی و رشد جسمی شروع می شدند، اما در عین حال آماده نمودن جهت تحمل مشقت کار و برای رفع خستگی های روانی و ایجاد استقامت هم بوده اند و از آن برتر تربیت انسانی سالم و با نشاط و واجد مفاهیم عالی انسانی را در هدف داشته است.

ورزش های بومی و محلی ورزش هایی در خدمت زندگی هستند و به واسطه همین، احساس نیاز به آن وجود داشته است و به جهت این که در متن زندگی جای داشتند مورد استقبال اقشار مختلف جامعه واقع می گردیدند.

ورزش هایی که در عمق فرهنگ اصیل ما ریشه دارند فقط ظاهر انسان ها را درست نمی

کردند، بلکه از درون سازنده انسان بودند. چون این ورزش ها همراه با توانایی کاربردی آن، تحت نظام عقلی و انسانی بود، لذا خود در تهذیب جامعه و تذکر مسائل انسانی نقش ایفا می نمودند. نمونه ای گروهی از چنین جهت گیری ای پیدایش گروه حلف الفضول بود که پیامبر اسلام نیز به ایشان پیوست، اهل فتوت یا فیتیان، عیاران، شطاران و نظایر آن نمونه هایی از تبلور اندیشه اصیل فرهنگ دینی و ملی در ورزش می باشند. پاسداری از زندگی خانوادگی و قومی و ملی در برابر تجاوزات بیگانگان، بدن نیرومند و چابک و مقاوم را ایجاد می کرده و این امر بدون درک مسئولیت اخلاقی به خاطر دفاع از مقدسات و نوامیس انسانی نمی توانست میسر باشد. لذا ورزش در ایران دیرین و باستان هم در کسب فضایل اخلاقی و هم در هدف های نظامی و جنگی شکل گرفته است.

رهبر معظم انقلاب در ارائه رهنمود در این باره می فرمایند: «زنده کردن ورزش های بومی نیازمند تلاش، ابتکار و فکر کردن است و با اجرای برنامه های بلندمدت، می توان ورزش بومی را به فراتر از مرزها نیز منتقل کرد. در واقع در امر گفتگوی تمدن ها که به ابتکار ریاست محترم جمهور مطرح شده، ورزش های بومی و محلی می توانند بهترین عناصر مطرح در این زمینه باشند.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از جوانان-۱۳۷۷/۰۲/۰۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2884>)

در ورزش های بومی و محلی باید به عناصر سازنده و روابط حرکات ورزشی با عوامل مورد اعتنا و نظر مکتب درباره تربیت انسان و آمادگی های آینده او واقف شد.

در این راه پس از نقش دانشگاه ها، سازمان های اجرایی و رسانه های گروهی هم متناسب با این جهت گیری باید عمل نمایند و این ورزش ها را از شکل نمایشی خارج نموده و به جد برای رواج و بهره مندی جامعه اندیشه نمایند.

سومین جهت گیری، ترویج ورزش های همگانی است که دلیل تأخیر آن در دو جهت گیری دیگر این است که باید دانست که چه ورزشی برای همگانی نمودن مناسب است، چرا که در دو جهت گیری نخست به خوبی خطوط راهنمایی اصلی در توسعه و تعمیم ورزش را معین

می نماید و حداقل آن چه در آینده باید بدان دست یافت را مشخص می کند. از طرفی نیز در ورزش های کنونی می باید غور و تأمل نمود و برای توسعه آن ها راهبردهای مشخصی را تدوین کرد، اساس امر آن است که مسئولین و برنامه ریزان نظام اجرایی ورزش کشور با درک عمیقی که از ورزش و توانمندی آن در تربیت و اصلاح جامعه دارند به امر همگانی نمودن ورزش همت گمارند. درک عمیقی که به ورزش به عنوان یک علم و از نوع علوم تربیتی بنگرند که با آن مجموعه وجودی انسان مورد توجه قرار می گیرد.

لذا مشخص می شود در امر همگانی نمودن ورزش نیز نقش مربی و معلم دارای اولویت نخست است. اساساً نقش نیروی انسانی کارآمد در ایجاد حرکت و جهش علمی و اجرایی، نقش تعیین کننده ای است. مهم آن است که در وهله نخست محل تأمین این نیروی انسانی درست انتخاب شود و دیگر این که متناسب با نیاز و خواست نظام اجرایی، برنامه های تأمین و تربیت نیروی انسانی تدوین گردد. چنین امری در تربیت نیروی انسانی به عنوان معلم و مربی ورزش به طور کلی و مربی ورزش های همگانی به طور خاص نیز صادق است. تعدد مراکز تربیت نیروی انسانی و انجام آن توسط نظام اجرایی که مأموریت سازمانی مشخصی دارند، قطعاً به تربیت نیروی انسانی کارآمد منجر نمی شود. از سوی دیگر عدم ارتباط دانشگاه ها و سازمان های اجرایی نیز نمی تواند برنامه های مورد نیاز این سازمان ها را برآورده نماید.

بنابراین در همگانی کردن ورزش به عنوان یکی دیگر از جهت گیری های لایق در ورزش کشور، هم توجه به نقش تحقیقات در تعیین نوع ورزش ها، سیاست ها و خط مشی های توسعه آن ها لازم است و هم بازنگری به ورزش های موجود برای شناسایی و انطباق با پسندهای مکتب و حذف یا کم رنگ کردن جنبه های مغایر ضروری است و بالاخره با توجه به نقش مهم معلمین و مربیانی که توانایی ابلاغ پیام مهم ورزش در نظام اسلامی را به نسل جوان داشته باشد و مکان تربیت آنان هم ضروری است. بالاخره با بازنگری در محتوا و برنامه و علمی تر کردن ساختار و نظام آموزشی و سپردن این امر مهم به دانشگاه ها، همگانی کردن

ورزش را در درازمدت می بایست دنبال نمود.

مقام معظم رهبری نیز ترویج ورزش همگانی را به مردم و جوانان توصیه می کنند و می فرمایند: «ورزش همگانی را ترویج کنید، ورزش همگانی، سلامت همگانی است. من البتّه از سابق که بعضی ها نسبت به ورزش قهرمانی ان قُلت داشتند، همیشه دفاع کردم از ورزش قهرمانی - به دلایل متعدّدی که حالا بعضی از آنها را عرض کرده ایم و روشن است - لکن ورزش همگانی، یعنی سلامت جسمانی عمومی ملّت، که این متأسفانه امروز آن چنان که باید، نیست. خب، زندگی شهری را ملاحظه می کنید، عدم تحرّک، غذاهای نامناسب، غذاهای تقلیدی که در بعضی از این فروشگاه ها در اختیار می گذارند و مردم هم به اینها اقبال می کنند و عمدتاً عدم تحرّک، اینها جسم ملّت را ضعیف می کند، جسم ها باید قوی باشد، باید سالم باشد، این با ورزش همگانی به دست می آید، به آن حتماً توجّه کنید. روی آوردن مردم به ورزش، بسیاری از مشکلات و معضلات اجتماعی و اخلاقی را حل می کند، مثل مسئله ی اعتیاد، مسئله ی تنازعات خانوادگی، داخلی، مشکلات کسبی، اعصاب، چه و چه. اگر ورزش به صورت همگانی در کشور حقیقتاً باب شود. یکی از مهم ترین دستاوردهای ورزش این است که دایم میدان های تازه و افق های تازه ای را باز می کند و قابلیت های جسم انسان و قدرت پروردگار را در به وجود آوردن این جسم، در خلق این شیء بدیع که نامش انسان است، نشان می دهد. این جسم با این همه دارای تحرک، با یک عامل معنوی همراه است و آن عامل، خرد و اراده ی انسان است، که انسان می تواند این دو را به کار بگیرد و جسم را هدایت کند و در جهت های گوناگون آن را حرکت بدهد. آن اراده هم خودش یک چیز فوق العاده ای است. ورزشکار اگر دارای اراده ی قوی و عزم راسخ نباشد، قطعاً به مرحله ی قهرمانی نمی رسد، اگر اراده نباشد حتّی ورزش هم نمی کند. با اینکه این همه راجع به ورزش گفته می شود - ورزش معمولی، نرمش صبحگاهی - اما بعضی ها حاضر نیستند ده دقیقه، یک ربع وقتشان را به این کار مصروف کنند، این کم ارادگی است. حالا وقتی یک جوانی ورزش می کند و سختی های جسمانی ورزش را تحمل می کند

و با شوق و ذوق به سمت پرورش استعداد‌های جسمانی و بدنی خودش حرکت می‌کند، این عزم راسخ را نشان می‌دهد، این یک نقطه‌ی خصوصیت شخصی است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مدال‌آوران المپیک و پارالمپیک-۱۳۹۱/۱۲/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22168>)

لزم پرهیز از اختلاف و کوشش در ایجاد تفاهم و همدلی بین نظام‌های دانشگاهی و اجرایی در ورزش کشور که برخاسته از اعتقاد و باور به حل مشکلات و نارسایی‌های موجود از طریق علم و پژوهش است، از امور مهم می‌باشد، تا ورزش کشور در راه صحیح و اصولی خود گام نهد و نقش بارز خود را به عنوان وسیله‌ای مفید در تہذیب سلامت و تأمین مهارت‌های مورد نیاز جامعه اسلامی ایفا نماید.

### نتیجه‌گیری

مؤلفه‌های مطرح شده برای علم و پژوهش، معنویت و اخلاق و سبک زندگی اسلامی، هر کدام زیرمجموعه‌های بی‌شماری دارند که بسیار گسترده می‌باشند. آنچه در این تحقیق مورد نظر بوده است، تبیین این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در قالب تحلیل‌گفتمانی مقام معظم رهبری و ارائه بخش‌هایی از آنها به منظور توجه بیشتر جوانان می‌باشد.

تحصیل به معنی کسب علم و آموختن دانش است که با محور علم و پژوهش در بیانیه گام دوم انقلاب تناسب و ارتباط دارد، آنچه که مسلم است، اهمیت و ارزش علم و پژوهش در اسلام حائز جایگاه بسیار والایی است که رهبر انقلاب نیز از کوشش و تلاش در مسیر آن به جهاد و مجاهدت تعبیر می‌کنند. دانش را مقدمه توانمندی کشور و محقق‌کننده آرمان‌های انقلاب می‌دانند و هدف از آن را خدمت، معنویت، سعادت بشر، استقرار عدالت، رشد فضایل انسانی و دفاع از حقوق انسان‌هاست که باید توأم با اخلاق و دین و مایه خیر و برکت باشد.

تہذیب نیز به معنی پاکیزه کردن و در اصطلاح به معنای رفع عیوب اخلاقی و آراستگی به اوصاف نیکوست که با محور معنویت و اخلاق در بیانیه گام دوم مرتبط است. مقدمه



تهذیب خودسازی است و راهکارهای عملی همچون تبعیت از دین، ذکر، نماز و روزه برای این منظور معرفی شده است. رهبر انقلاب نیز دو توصیه مهم در این رابطه در بیانیه گام دوم بیان نمودند: از جمله اینکه هر فرد باید ابتدا خودسازی را از خود شروع نموده و اخلاق را رعایت نماید سپس دستگاه ها، نهادها و مردم باید معنویات و اخلاق را در جامعه رواج داده و با کانون های ضد آن با روشی معقولانه برخورد کنند.

ورزش نیز اسم مصدری به معنی ورزیدن و کوشیدن است که در اصطلاح به هر نوع فعالیت بدنی یا مهارت تمرینی گفته می شود که مرتبط با یکی از وجوه سبک زندگی و از محورهای بیانیه گام دوم انقلاب است که به حالات و رفتار انسان ها و غیر انسان ها اطلاق می شود. رفتارهای افراد چه خوب باشد و چه بد، بر روی یکدیگر اثر می گذارد که ابتدا عمل و سپس باور و عقیده فرد را تغییر می دهد. دشمن با ترویج سبک زندگی غربی به دنبال منحرف نمودن انقلاب اسلامی و سایر کشورهاست تا آنها را با نظم جهانی غربی - آمریکایی هماهنگ سازد. آنها از طریق تغییر رفتارهای ظاهری در صدد این هستند تا به این هدف نایل شوند که به عنوان نمونه سند ۲۰۳۰ و تبلیغات و محتواهای سوء رسانه ای نمایان گر این رویه است. بنابر بیانات مقام معظم رهبری راه مقابله با این رویکرد ها و تهاجمات فرهنگی و اجتماعی، ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی است که باید در متن جامعه اشاعه و اجرا شود، همانگونه که اعتکاف، اردوهای جهادی، پیاده روی اربعین و... نمونه هایی بسیار خوبی از تقابل با سبک غربی و ترویج سبک ایرانی و اسلامی است. ورزش نیز یکی از همین محورهای سبک زندگی است که با توجه به توسعه علوم و ارتباطات و ماشینی شدن کارها نیاز بیشتری برای ورزش نمودن است چون در مکتب اسلامی سلامت جسمی زمینه ساز سلامت روح است و قوت مادی را به قوت معنوی تبدیل نموده و تقویت جسم، تقویت عقل و اعتدال نفس را به دنبال دارد. توصیه های رهبری نیز تشویق و ترغیب به ورزش، بازی های بومی محلی و به خصوص ورزش های همگانی است. اشاعه روح ورزش و اخلاق ورزشی و مقابله با حذف ترویجی عناصر ارزشی در ورزش و منحرف نمودن آن از نکات مهم در

تذکرات رهبر انقلاب در این زمینه است.

وظیفه جوانان بنابر مطالب اشاره شده از سوی رهبری در بیانیه گام دوم و سایر فرمایشات ایشان، رعایت و تلاش در جهت کسب این اصول سه گانه تحصیل، تهذیب و ورزش با کیفیتی که بیان شده می باشد تا با این اصول و مبانی زمینه ساز تمدن عظیم و نوین اسلامی حضرت حجت بن الحسن عَلَيْهِ السَّلَام و وَرَجَاهُ الشَّرِيف و برقراری حکومت گسترده اسلامی به دست مبارک ایشان باشیم.

پیشنهاداتی نیز برای محققانی که تمایل به پژوهش و تحقیق در این زمینه دارند ارائه می شود:

وظایف دستگاه ها، نهادها و مردم در برخورد با کانون های ضد اخلاق در گام دوم انقلاب و شیوه صحیح مقابله با آن از نگاه رهبر معظم انقلاب چیست؟

پیروی از اسناد و شیوه نامه های غربی همچون سنده ۲۰۳ از دیدگاه رهبری چه تبعاتی را در گام دوم انقلاب به دنبال دارد؟

راه کار های مقابله با حذف ترویجی عناصر ارزشی و انحراف در ورزش در گام دوم انقلاب از دیدگاه رهبری چیست؟

از دیدگاه رهبری، اشکالات ساختاری نظام آموزشی و تربیتی فعلی کشور در محقق نمودن سبک زندگی ایرانی - اسلامی در گام دوم انقلاب چیست؟

## منابع و مأخذ

### الف) کتب:

- قرآن کریم، ترجمه انصاریان، (۱۳۹۳ش)، سازمان دارالقرآن کریم، تهران، نشر تلاوت.
- نهج البلاغه، ترجمه دشتی، (۱۳۷۹ش)، محمد، قم، نشر مؤسسه اسلام.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الإسلامی.
- چانی، دیوید، (۱۳۷۸ش)، سبک زندگی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خلیل بن احمد فراهیدی، (۱۴۰۹ق)، العین، قم، مؤسسه دار الهجرة.
- فاضلی، محمد، (۱۳۸۲ش)، مصرف و سبک زندگی، قم، انتشارات صبح صادق.
- کاویانی، محمد، (۱۳۹۱ش)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، تهران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مهدوی کنی، محمد سعید، (۱۳۸۷ش) دین و سبک زندگی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۱۵ق)، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، قم، دارالکتب الاسلامیه.

### ب) مقالات:

- اصمی اصطهباناتی، مریم و گروسی، سعیده، (۱۳۹۳ش)، سبک زندگی دینی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان، مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۳، سال چهارم، شماره ۴، صفحه ۵۱۵ - ۵۳۸.
- پورکریمی، اسلام، (۱۳۸۳ش)، اعتدال و میانه روی در اسلام، ماهنامه شمیم یاس، سال چهارم، شماره ۱۴، صفحه ۶ - ۸.
- خواجه نوری، بیژن و دیگران، (۱۳۹۰ش)، سبک زندگی و مدیریت بدن، فصلنامه علمی

- پژوهشی جامعه شناسی زنان، سال دوم، شماره ۴، صفحه ۲۱ - ۴۷.
- خوشنویس، ناهید، (۱۳۸۹ش)، رسانه و سبک زندگی، ماهنامه علمی تخصصی انجمن روابط عمومی ایران، شماره ۷۳، صفحه ۹ - ۱۷.
- ربانی خوراسگانی، رسول و رستگار، یاسر، (۱۳۸۷ش)، جوان، سبک زندگی و مصرفی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم، شماره ۲۳ و ۲۴، صفحه ۴۴ - ۵۳.
- رجب نژاد، محمدرضا و دیگران، (۱۳۹۲ش)، بررسی سبک زندگی اسلامی از منظر حیات طیبه در قرآن (سبک زندگی با محوریت سلامت)، سال اول، شماره ۱، صفحه ۹ - ۲۶.
- رستمی، احسان و اردشیرزاده، مرجان، (۱۳۹۲ش)، نگاهی به نظریه های سبک زندگی، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال دوم، شماره ۳، صفحه ۹ - ۳۱.
- شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۱ش)، سبک زندگی به عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره ۳، صفحه ۴۹ - ۶۲.
- فتحی، سروش و مختارپور، مهدی، (۱۳۹۳ش)، بررسی نقش و تاثیر رسانه های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۲، صفحه ۱۰۱ - ۱۱۸.
- فیضی، مجتبی، (۱۳۹۲ش)، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸، صفحه ۲۷ - ۴۲.
- کاویانی، محمد، (۱۳۹۰ش)، کمی سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی، مجله روان شناسی دین، سال چهارم، شماره ۲، صفحه ۲۷ - ۴۱.

## فصل سوم

---

آسیب شناسی سبک زندگی مادی

---

---

## بررسی عوامل مبنایی افراط در «مدیریت بدن» با تأکید بر بیانیه

### گام دوم

---

بی بی وحیده هاشمی<sup>۱</sup>

#### چکیده

در بیانیه گام دوم بر موضوع سبک زندگی و زیانهای بی جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی که به کشور و ملت ما در ترویج سبک زندگی غربی وارد گردیده تأکید شده است. سبک زندگی مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار است که از بینش‌ها و ارزش‌های انسان متأثر و به صورت عینی در رفتار او متجلی می‌شود؛ از این رو اصلاح سبک زندگی از راه اصلاح باورها امکان پذیر است. بازسازی پدیدار بیرونی بدن انسان یا «مدیریت بدن» یکی از موضوعات سبک زندگی است. توسعه مادی‌گرایی امروزه سبب شده برخی افراد به‌طور فزاینده‌ای به بعد ظاهری خویش توجه نمایند و افراط در توجه به زیبایی بدن در قالب کنترل وزن با رژیم‌ها و ورزش‌های سخت، آرایشهای غلیظ، جراحی‌های زیبایی و... برای بعضی، هویت جدید جعلی آفریده است. بروز مشکلات ناشی از این تغییر سبک زندگی و توجه افراطی به بدن، نگارنده را بر آن داشت تا در این نوشتار، ضمن بررسی عوامل زیربنایی افراط از آیات و روایات، به صورت تحلیلی - توصیفی، اثبات کند که معضل مذکور با تعمیق

---

۱. دانش آموخته سطح ۳ جامعه الزهراء ۱۳۵۷.v.h@yahoo.com

باورهای دینی و توحیدی و آگاهی از هویت حقیقی فطری و الهی خویشتن، قابل حل است. باشد که گامی بنیادین در ترویج سبک زندگی اسلامی برداشته شود. کارهایی همچون: آموزش اعتقادات دینی به صورت عمیق و درونی بر مبنای فطرت، معرفت افزایی نسبت به هویت انسانی خویش، آموزش نظرات اسلام در مورد بدن و بهداشت آن و نیز آموزش احکام فقهی و استفتائات جدید در مسائل مربوط به مدیریت بدن در همه مقاطع تحصیلی و به خصوص در آموزش عالی، گامهایی موثر در جهت جلوگیری از زیاده روی افراد جامعه در مدیریت بدن است.

**کلید واژه ها:** بیانیه گام دوم، سبک زندگی، مدیریت بدن، عوامل مبنای افراط، عمل های زیبایی

## ۱. طرح مسئله

اهمیت یافتن بدن و متعاقب آن اصالت دادن به هویت بدنی افراد از پیامدهای اساسی جامعه‌ی مصرفی در عصر حاضر است که در آن افراد با تغییر ویژگیهای ظاهری بدن خود مبادرت به ساخت بدنی می‌کنند که از نظر وضعیت ظاهری، آرایشی و پوششی مقبول نظام اجتماعی باشد. برخی افراد برای رسیدن به احساس رضایت از بدن و تصور بدنی مثبت از خود، سعی در مدیریت بر بدنهایشان دارند.

مدیریت بدن به معنای نظارت و تغییر مستمر ویژگیهای ظاهری و مرئی است که به کمک معرفیهای کنترل وزن و رژیم‌های غذایی برای حفظ تناسب اندام، جراحی‌های زیبایی، اهمیت دادن به مراقبتهای آرایشی و بهداشتی سنجیده می‌شود. زیاده روی در مدیریت بدن و توجه به زیبایی ظاهری که به صورت آرایش‌های غلیظ، تن دادن به عملهای زیبایی سخت و متعدد؛ مانند جراحی بینی، لیپوساکشن، لیپولیز، تزریق چربی، بوتاکس، پیکر تراشی، زاویه دهی و زیبایی فک، رفع افتادگی پلک، اتوپلاستی (جراحی زیبایی گوش) جراحی غبغب، تزریق ژل برای گونه گذاری، کاشت ناخن، لیفت، تاتو، و... تناسب اندام با ورزشها و رژیم‌های سختگیرانه برای پرورش اندام و ایجاد بدنی حجیم و هر نوع دستکاری بدنی غیر ضروری میان افراد مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد امروزه این افراط، مانند یک بیماری مسری، شیوع روز افزون یافته است و علاوه بر اینکه بخش بزرگی از سرمایه‌های مادی و معنوی جامعه را هدر می‌دهد موجب پیامدهای اجتماعی مانند: کاهش اعتماد به نفس، کاهش میزان بازدهی کار و تحصیل، استفاده ابزاری از زیبایی به ویژه در زنان، کاهش امنیت اجتماعی، افزایش فساد و روابط نامشروع، ایجاد صدمه‌های جدی به بدن، ایجاد زمینه تقلب و کلاهبرداری برای سودجویان و... می‌گردد؛ از این رو برای توقف و یا کاهش این روند ضرورت دارد گام‌های مؤثری برداشته شود.

همچنان که همه رفتارهای انسان از باورهای قلبی او سرچشمه می‌گیرد؛ افراط در مدیریت بدن و توجه بیش از اندازه به آن نیز ریشه در اعتقادات و تمایلات درونی شخص دارد و نتیجه



باورهای غلطی مانند: جهان بینی مادی، ضعف خودشناسی، اصالت دادن به بدن و تمایلاتی چون میل به زیبایی و خودنمایی است. عوامل مذکور که ریشه در درون انسان دارد مبنای افراط در مدیریت بدن می باشد و دارای اهمیت بسیار است. در این نوشتار سعی شده به هدف معرفت بخشی، این عوامل مبنایی از نظر اسلام به صورت تفصیلی بررسی شود و نگاه اعتدالی دین به بدن که نه به معنای رهبانیت و بی توجهی به ظاهر و نه افراط در پرداختن به بدن است تبیین گردد. اسلام در هر موضوع مربوط به زندگی انسان و از جمله در مورد سبک زندگی، زیباترین و بی نقص ترین دیدگاه را ارائه می کند و بازگشت به دین و تعالیم حیات بخش آن، بهترین راه برای حل معضلات زندگی فردی و اجتماعی بشر و مبارزه با ترویج سبک زندگی غربی است.

این نوشتار در پی پاسخ به سوالات زیر است:

مدیریت بدن به چه معنی است؟

چند دسته عوامل، موجب افراط در مدیریت بدن است؟

عوامل مبنایی که موجب افراط در توجه به زیبایی ظاهری بدن می شود چیست؟

از نظر اسلام تا چه اندازه و چگونه باید به بدن اهمیت داده شود؟

۲. پیشینه: مطالعات نشان داده اند که انسان ها از گذشته تا به حال بدنهایشان را به لحاظ فرهنگی به روش های گوناگون شکل داده اند. این روش ها دامنه ای وسیع از راههای سنتی همچون کنترل غذا و یا کشیدن گردن تا راههای جدیدتر همچون استفاده از جراحیهای زیبایی را در بر می گیرند. امروزه اهمیت دادن به بدن به ویژه از بعد زیبایی، بیش از گذشته در جامعه به خصوص در میان زنان شایع شده و روند آن رو به افزایش است. می توان گفت اهمیت بدن خصوصاً ظاهر آن در هیچ دوره ای از تاریخ بشر به مانند امروز مورد تأکید قرار نگرفته است؛ (ر.ک: خواجه نوری و دیگران، «مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی» مطالعات راهبردی زنان، ش ۴۸، ۱۳۹۰، ص ۲۲ / فعالی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۰). به طوری که زیبا سازی بدن در بعضی افراد به صورت افراطی و بیمارگونه مشاهده می شود؛

این مسئله پژوهشگران را وادار ساخته موضوع را مورد بررسی قرار دهند. در بخشی از «کتاب مبانی سبک زندگی اسلامی» دکتر محمد تقی فعالی به این موضوع پرداخته است. مقالات متعددی نیز در مورد مدیریت بدن وجود دارد؛ مانند: «مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران» از احمد رضایی و مینا اینانلو و محمد فکری، «جامعه شناسی بدن و پاره ای مناقشات» از یوسف اباذری و نفیسه محمدی، «سبک زندگی و مدیریت بدن» از بیژن خواجه نوری و علی روحانی و سمیه هاشمی؛ «عوامل موثر فردی بر نگرش زنان نسبت به مدیریت بدن» از فاطمه براتلو و مرجان خودی. مقالات یافت شده معمولاً پژوهشهایی میدانی با دامنه محدود است. به نظر می رسد عوامل مبنایی افراط در مدیریت بدن و زیبایی آن از منابع دینی استخراج نشده و به صورت مستقل مورد توجه قرار نگرفته است و مقاله پیش رو از این جهت نو می باشد.

### ۳. مفهوم شناسی

۱.۳. مدیریت بدن: این اصطلاح مفهومی جامع را دربردارد و آراستگی اندام، دست کاریهای بدنی و مانکنیسم را شامل می شود. این مفهوم، به معنای بازسازی پدیدار بیرونی اندام است. در فرهنگ مدرن، مدیریت بدن به فهرست بلندی از دست کاری های بدنی نظیر تاتو، بریدن بخشی از بدن، بدن سازی، رژیم لاغری یا چاقی، استفاده از انواع داروهای بهداشتی یا آرایشی و جراحی های زیبایی اطلاق می گردد. (فعالی، مبانی سبک زندگی اسلامی، ص ۱۰۰، ۱۰۱)

۲.۳. مبنا: از ریشه "بنی" و به معنای اساس، ریشه، بنیاد، شالوده، محل بنای چیزی و... است. (ابن فارس، ۱۴۰۴؛ ج ۱؛ ۳۰۲؛ ابن منظور ۱۴۱۴؛ ج ۱۴، ۹۴؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۲، ۱۷۷۵۹) از نظر اصطلاح، مبانی هر علم، باورهای بنیادی ای هستند که «اصول» و «قواعد» آن علم بر آنها استوار است و در علم دیگر اثبات می شوند و «اصل موضوعی» نیز نامیده می شوند. (رک: ملا عبدالله یزدی، حاشیه علی تهذیب المنطق، ص ۱۱۵ - ۱۱۹ / محمد علی تهنائی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۱۰۶.)

۳.۳. عوامل مبنایی: از آن جا که همه رفتارهای بشر ریشه در باورهای او دارد، منظور از «عوامل مبنایی افراط در مدیریت بدن» آن دسته از باورها و اعتقادات فرد است که عامل اصلی و ریشه ای زیاده روی در توجه به بدن می باشد و تبیین آنها در اصل مربوط به «علم کلام» است.

۳.۴. سبک زندگی: یا نحوه زیستن به مجموعه ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار اطلاق می شود که از بینش ها و ارزش های آدمیان متأثر بوده، به صورت عینی در رفتار فرد تجلی می یابد. هر گاه انسان می خورد یا می آشامد و پوششی را بر می گزیند از الگوی خاصی تبعیت می کند. این الگوهای رفتاری، سبک زندگی آدمی را شکل می دهد. (فعال، مبنایی سبک زندگی اسلامی، ص ۳۱)

#### ۴. عوامل افراط در مدیریت بدن:

جذابیت جسمانی از موضوعاتی است که در دنیای امروز استانداردهای جدیدی پیدا کرده و از عوامل شکل دهنده روابط افراد محسوب می شود به این دلیل، موضوع مدیریت بدن در دوران مدرن اهمیت یافته و بخش عظیمی از فرصت های علمی و پژوهشی و هزینه های اقتصادی و صنعتی را به خود جلب نموده است در این راستا رفتارهای گوناگون بهداشتی نظیر بدن سازی، رژیم های غذایی، تجهیزات ورزشی و آرایشی مختلف برای بدن پدیدار و عملهای گوناگون زیبایی نیز به آنها اضافه شده است. از آن جا که ظهور همه پدیده های انسانی تک عاملی نیست و مجموعه ای از عوامل، زمینه بروز یک پدیده انسانی و اجتماعی را ایجاد می کنند، در موضوع مدیریت بدن نیز عوامل مختلفی موجب رویکرد افراط گرایانه به زیباسازی بدن می شود.

بررسی عوامل مذکور نشان می دهد که می توان آنها را در دو دسته کلی تقسیم بندی نمود: ۱. عوامل مبنایی و درونی که مربوط به حوزه باورها و تمایلات درونی است. ۲. عوامل بیرونی که تحت تاثیر جامعه و محیط می باشد. در نوشتار حاضر سعی بر آن است که دسته دوم به صورت اجمالی و دسته اول، به صورت تفصیلی بیان گردد؛ زیرا از آن جهت که رفتار انسان

از باورهای او سرچشمه می‌گیرد، عوامل مبنایی اهمیت بیشتری دارد. اگر اعتقادی در جان انسان رسوخ کند عوامل بیرونی نمی‌تواند او را به کاری که خلاف باور قلبی است وادار نماید و رفتاری که توسط عوامل بیرونی تحمیل شود استمرار و تداوم نخواهد داشت.

### عوامل مبنایی (درونی)

#### ۱.۴-۱. نوع جهان بینی

یکی از عوامل مهم زیر بنایی افراط در توجه به بدن، «جهان بینی» و نوع نگاه انسان به عالم است. همهٔ مکتب‌ها و مسلک‌ها بر نوعی اعتقاد و ارزیابی دربارهٔ هستی و گونه‌ای تفسیر و تحلیل از جهان مبتنی است، نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب دربارهٔ جهان هستی دارد و زیر ساخت و تکیه‌گاه فکری آن را تشکیل می‌دهد، در اصطلاح «جهان بینی» نامیده می‌شود. (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ۲۵) انسان جزئی از نظام خلقت است و همان هدفی که هر مکتب فکری برای جهان خلقت تعریف می‌کند غایت آفرینش انسان را نیز معین می‌سازد. میزان و نوع توجه انسان به بدن و جسم مادی خویش بستگی به نوع جهان بینی او دارد؛ از این رو باید ابتدا انواع جهان بینی بیان گردد.

**الف) انواع جهان بینی:** تعبیر و تفسیر انسان از جهان، به طور کلی دو گونه است: مادی و الهی.

**الف) ۱. جهان بینی مادی:** یعنی انسان، بینش کلی دربارهٔ هستی را بر اساس دستاوردهای علوم تجربی و از راه فرضیه و آزمون بدست آورد و هرآنچه نامحسوس و فاقد اثر طبیعی است چون قابل آزمون نیست، افسانه و خرافه تلقی می‌شود. جهان بینی مادی، جزء شناسی است نه کل شناسی؛ مانند شناخت کسی که در تاریکی فیل را لمس می‌کند و به شناختی جزئی و غیر جامع دست می‌یابد. همچنین از نظر تکیه‌گاه بودن برای یک ایدئولوژی بی‌ثبات است. در این جهان بینی، چهره جهان روز به روز تغییر میکند و نمیتواند پایگاه ایمان واقع شود؛ زیرا علم بر فرضیه و آزمون مبتنی است نه به اصول بدیهی اولی عقلی، فرضیه و آزمون ارزش موقت دارند. علاوه بر این که، جهان بینی علمی به حکم محدودیتی که ابزار علم

یعنی فرضیه و آزمون دارند از پاسخگویی مسائل اساسی جهان شناسی ناتوان است؛ از قبیل: جهان از کجا آمده است؟ به کجا می‌رود؟ ما در چه نقطه و چه موضع از مجموع هستی هستیم؟ و ...

الف) ۲. جهان بینی توحیدی: جهان بینی توحیدی که از مبدأ عقل و وحی گرفته شده یعنی جهان آفریده‌ای است که یک آفریدگار دارد و نظام هستی که نظام احسن و اکمل است بر اساس خیر وجود و رحمت، و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته آنها استوار است، جهان بینی توحیدی، یعنی جهان، یک قطبی است و ماهیت از اوایی (انالله) و به سوی اوئی (انالیه راجعون) دارد، موجودات جهان با نظامی هماهنگ به طرف یک مرکز تکامل می‌یابند، آفرینش هیچ موجودی بدون هدف نیست، جهان با یک سلسله نظامات قطعی که «سنن الهیه» نامیده میشود اداره میشود. از مزایای این جهان بینی ثبات و جاودانگی، عموم و شمول و قداست است و نیز آرمان ساز، شوق انگیز، تعهد آور و مسئولیت ساز بوده و از پوچی و بیهودگی دور می‌باشد و بدین جهت می‌تواند تکیه گاه یک ایدئولوژی قرار گیرد. (ر. ک: مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ص ۸۵- ۷۷)

در این جهان بینی انسان دارای کرامت و مسئولیت است. این جهان بینی با نیروی منطق و استدلال حمایت می‌شود و به حیات و زندگی معنا و روح و هدف می‌بخشد. دارای کشش و جاذبه است و به انسان نشاط، دلگرمی و هدفهای متعالی و مقدس عرضه می‌دارد. (ر. ک: مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ص ۸۵- ۷۷؛ جوادی آملی، حیات حقیقی انسان در قرآن، ۳۱۷؛ مصباح، ۵۴، ۱۳۷۴)

ب) ارتباط جهان بینی با میزان توجه به بدن: بر اساس جهان بینی مادی یا علمی، انسان، موجودی مادی و محدود به جسم و ماده است و بعد الهی و معنوی انسان پذیرفته نیست. تکامل انسان در بُعد جسمی و آنچه مربوط به آن است منحصر می‌باشد و پیشرفت های علمی باید در خدمت تکامل این جنبه از وجود انسان باشند. در این تفکر هدف زندگی در لذت جویی های فراوان و متنوع جسمی تعریف می‌شود و از آن جا که متناسب، زیبا و قوی

بودن بدن انسان زمینه ای برای لذت جویی بیشتر است، باید به بدن و ظاهر آن توجه ویژه ای مبذول گردد. پیشرفتهای علمی نیز در این جهان بینی به کمک آمده و لذت جویی سیری ناپذیر پیروان این نگرش را دامن زده اند. توجه افراطی به تناسب اندام، آرایشهای غلیظ و عملهای زیبایی غیر ضروری و گوناگون می تواند ناشی از این جهان بینی باشد که امروزه به صورت گسترده ای در جهان حاکم شده و حتی مسلمانان را که در واقع به جهان بینی اسلامی معتقدند تحت تأثیر قرار داده است. گرچه بعضی از مسلمانان به خدا و ماوراء طبیعت اعتقاد دارند، اما در عمل، اشتغال به لذت های دنیا چنان بر آنان حاکم شده که گویا مزرعه بودن دنیا برای جهان دیگر و لزوم تکامل و آراستگی و روح به فضایل در آخرت به فراموشی سپرده شده است. تنها راه مقابله با افراط مذکور آشنا ساختن مردم با دیدگاه متعالی اسلام نسبت به جهان هستی و منزلت انسان است.

در جهان بینی توحیدی جهان آفریده ای است که با مشیت الهی و بر اساس سنتهای الهی نگهداری و اداره می شود. هیچ چیزی خالی از حکمت و فایده آفریده نشده و نظام عالم بهترین و کامل ترین نظام است. انسان به حکم قضا و قدر، آزاد و مختار و مسئول و حاکم بر سرنوشت خویش است. خداوند انسان را آفرید تا به تکامل برسد و صفات و اسماء خدا در او تجلی یابد و جهان گاهواره تکامل انسان است. تکامل حقیقی انسان مربوط به روح اوست نه جسم. در نگاه توحیدی جسم انسان مانند سایر نعمات و مواهب الهی امانتی است که برای زندگی در دنیا ضروری بوده و خداوند آن را تنها برای بهره برداری در مسیر رشد و تکامل معنوی در اختیار انسان قرار داده است.

ج) نگاه مالکانه یا امانتدارانه: در نگاه مادی انسان ها خود را مالک بدن می پندارند. از دستاوردهای انسان شناسی مدرن که برخاسته از جهان بینی مادی است، اعطای حق مالکیت بدن به هر فرد است. این حق او را در هر گونه تصمیم گیری برای تصرفات بدنی آزاد می گذارد تا جایی که مرگ های خودخواسته، سقط جنین و تغییر جنسیت و حتی تصمیم گیری درباره بدن دیگران را جایز می شمرد. اما از نظر اسلام انسان و جسمش، بلکه همه

موجودات عالم، متعلق و وابسته به ذات اقدس پروردگار، و مملوک اویند و انسان فقط باید امانتداری کند نه این که آزادانه در جسم خود دستکاری نماید. دلایل عقلی و نقلی بسیاری در مورد مالکیت مطلق الهی وجود دارد.

بنابر براهین محکم عقلی و فلسفی، موجودات ممکن، به جهت آنکه وجودشان «ربط» است، در هیچ شأنی از شئون زندگی خود نمی‌توانند بدون فیض الهی به حیات خود ادامه دهند. آنها هیچ استقلالی از خود نداشته، بلکه وابسته محض به خدایند و تنها خداست که عهده‌دار تدبیر و تقدیر عالم است و این نیز همان معنای مالکیت تام خداست.

دلایل نقلی و قرآنی نیز بر مالکیت مطلق الهی تأکید دارد؛ برای نمونه، خداوند سبحان می‌فرماید: «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (آل عمران، ۱۸۹) و «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانُونٌ» (بقره، ۱۱۶) و به طور ویژه خداوند مالکیت خود بر اعضا و جوارح انسان چنین بیان می‌فرماید: «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ» (بلد، ۸ و ۹): یعنی ما او را از نعمت اعضا و جوارح برخوردار کردیم و انسان می‌تواند از آنها برای زندگی خود استفاده کند. در آیه دیگر می‌فرماید که انسان را از منافع اعضا بهره‌مند کردیم و او بر اساس این نعمتها از سمع و بصر منتفع شد: «فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (انسان، ۲) انسان باید مواظب باشد، مبدا دچار توهم شود که ملکیت حقیقی اعضا از آن اوست.

توهم استقلال، تصویری خام و سطحی است. انسان فقط امانتدار خداوند سبحان و اعضای بدن در دست او امانت است. خداوند فرمود: «أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ» (یونس، ۳۱)؛ یعنی چه کسی است که مالک شنوایی و بینایی هاست. با توجه به اینکه کلمه «أم» در آیه، «منقطعه» است، آیه صراحتاً بر مالکیت خداوند سبحان بر شنوایی و بینایی انسان تأکید می‌کند. مسلم است اگر خداوند، مالک شنوایی و بینایی - که منافع اعضاست - باشد چشم و گوش نیز از آن اوست، بلکه اعضای دیگر و نیز کل هستی و وجود آدمی از آن خدا و متعلق به اوست. شواهد دیگری در قرآن بر اثبات این مدعا وجود دارد: اول آن که خداوند انسان گنهکار را ظالم نامیده است. اگر انسان مالک هستی خود است هر تصرفی را که

بدون اذن خدا در امور خویش کند نمی‌تواند مصداق ظلم باشد. ظلم، در جایی است که شخص، خودسرانه در حق دیگری تصرف کند و بی‌اجازه او به حقوق و دارایی وی تجاوز کند؛ نه آنکه در مال و حق خود تصرف کند. (ر.ک: جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، ص ۱۷۰، ۱۷۱). همچنین شهادت اعضا و جوارح بر علیه انسان در قیامت که روز بروز حقایق عالم است گواه بر عدم مالکیت حقیقی او بر بدن محسوب می‌شود.

در نتیجه، بدنی که در اختیار بشر است، متعلق به خدا و ملک او و امانتی الهی است و انسان، امانتدار خداوند است؛ لذا، تصرف در بدن باید در چارچوب دستورات مالک حقیقی یعنی خداوند متعال و مورد رضایت او باشد که حدود آن در فرمایشات علما و فقها بیان شده است. بر این اساس هر گونه تصرف و زیباسازی بدن توسط زنان مانند آرایش، تاتو و عمل‌های زیبایی اگر به نیت‌های حرامی چون خودنمایی برای نامحرمان یا تفاخر و... یا مستلزم کارهای حرام دیگری باشد - که در شریعت بیان شده - بی‌شک خلاف جهان بینی توحیدی و کاری شیطانی است؛ زیرا اذن تشریحی خداوند به آن تعلق نگرفته است. و در مردان

شیطان پس از رانده شدن از درگاه خدا مسئله تصرفات بدنی را پیش کشید و اعتراف نمود که یکی از راه‌های گمراه کردن بندگان و ادار نمودن آنان به تغییر خلقت خداوند است: «وَلَا ضَلَّتْ لَهُمْ وَلَا مُمْيَتَتْهُمْ وَلَا مَرْنَتْهُمْ فَلْيَبْتَئِكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْنَتْهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (نساء، ۱۱۹) و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد و وادارشان می‌کنم تا گوش‌های دام‌ها را شکاف دهند و وادارشان می‌کنم آفریده خدا را دگرگون سازند. هرکس به جای خدا شیطان را دوست گیرد قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است. (ر.ک: فعالی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۸)

اما در مواردی که نیت حرام یا لوازم حرامی در این گونه تصرفات نباشد از نظر شرعی حرمتی ندارد، اما بر اساس جهان بینی توحیدی صرف عمر در اهتمام به اموری شایسته است که در هدف متعالی انسان یعنی کمال و زیبایی روح تاثیر دارد. پرداختن بیش از حد به زیبایی



ظاهری حتی اگر توأم با عمل نامشروع نباشد در مسیر کمال، رهزن است و آدمی را از پرداختن به آراستگی روح غافل می‌کند.

#### ۱.۴-۲. ضعف خودشناسی

یکی از عوامل تغییر فرهنگ پوشش، آرایش و دست کاری های بدنی، فقدان شناخت کافی و مطابق واقع این افراد به هویت انسانی خویش و تغییر نگرش ایشان نسبت به انسان مدرن و منزلت او، تحت تأثیر فرهنگ های حاکم در زمان حاضر است که متأثر از فرهنگ مادی غرب می‌باشد، در این تفکر مادی بدن و خصوصیات ظاهری و آراستگی آن نه تنها کارکرد زیبایی شناسانه پیدا کرده، بلکه برای انسان هویت آفریده است و رشد و تکامل انسان به تغییرات بدن بستگی دارد و شخص با التفات به ظاهر و دست کاری بدن سعی دارد علاوه بر هویت فردی، هویت اجتماعی خویش را با تغییرات بدنی بهبود بخشیده و خود را در چشم دیگران، زیبا جلوه دهد. ضعف خودشناسی ذکر شده در زنان بروز بیشتری دارد، تا آن جا که امروزه هویت زنان تا حد یک شیء تنزل یافته و «شیء انگاری زنان» به صورت یک تئوری در آمده است. در این تئوری ظالمانه نه تنها مردان به زنان به عنوان شیء نگاه می‌کنند، بلکه خود زنان هم از نگاه مردان خود را به عنوان یک شیء ارزیابی می‌کنند و این نگاه بیرونی و اجتماعی به زنان در آنان درونی شده است. (ر. ک: افلاک سیر و فاطمه ابراهیمی، ۱۳۹۳، ص ۳۲) نگاه غربی «شیء انگاری زنان» به تدریج میان زنان ایران و سایر کشورهای اسلامی شایع شده است؛ از این رو افراط در مدیریت بدن میان زنان رواج بیشتری دارد. این نگاه به زن در حقیقت از جهان بینی مادی نشأت می‌گیرد؛ حال آن که در نگاه دینی، هویت زن به عنوان یک انسان مربوط به بدن نیست؛ بلکه چیزی ورای جنبه مادی او است.

اسلام، انسان را دارای سه بُعد: حیوانی، انسانی و الهی می‌داند و توجه به انسان را بدون در نظر گرفتن همه این ابعاد، نقص در شخصیت انسان به شمار می‌آورد؛ یعنی زمانی می‌توان انسان را به معنای واقعی شناخت و درباره مسائل او سخن گفت که لایه‌های سه گانه او

مورد توجه واقع شود. بُعد حیوانی انسان، لایه شهوت و غضب اوست، انسان دارای تفکر، تعقل، عزم و اراده، خود انسانی نامیده می‌شود و لایه سوم برترین خود و حقیقت انسان است (ر.ک: جوادی، حق و تکلیف، ۸۹، ۹۰)، برای سخن گفتن از بایدها و نبایدهای انسان باید هر سه جنبه وجودی او را در نظر داشت.

**الف- هویت انسان:** در عرف توده مردم، تعریف ارائه شده در علم منطق برای انسان «حیوان ناطق» است. بر اساس این تعریف، انسان، جانوری است که سخن می‌گوید و می‌اندیشد. قرآن کریم این تعریف را کامل نمی‌داند، زیرا بسیاری از افراد «حیوان ناطق» در فرهنگ والای قرآن کریم، «انسان» نیستند و خداوند تعالی از اینها با عناوینی نظیر انعام و شیاطین یاد می‌کند: «إِنَّهُمْ إِلَّاكَاالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (انعام، ۱۱۲) خدای سبحان از انسان به عظمت و نیکی یاد می‌کند، ولی انسانیت انسان را به جنبه مادی او نمی‌داند، چون این را حیوانات هم دارند. آیات «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا ءَاخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون، ۱۲ - ۱۴) مراحل خلقت انسان را چنین برمی‌شمارد: عصاره‌ای از گل؛ نطفه‌ای در جایگاهی استوار؛ علقه؛ مضغه؛ شکل‌گیری استخوانها؛ پوشاندن استخوانها با گوشت. همه این مراحل را حیوانات نیز به همین شکل یا با اندکی تفاوت دارند؛ اما در همین آیات، پس از بیان مراحل خلقت جسمی انسان، سخن از انشای خلق دیگری است که خداوند به سبب خلقت آن، به خود تبریک می‌گوید: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا ءَاخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» و این روح الهی منشأ حیاتی است که حقیقت انسان و وجه تمایز او از سایر حیوانات است.

طبق قرآن، تعریف نهایی انسان «حي متألّه» است. یعنی انسان زنده ای است خداشناس و خداخواه که در الوهیت ذوب شده است. «حیات» و «تألّه» چنان در هم تنیده است که واقعیت حیات و هویت انسان، چیزی جز تأله و دل‌باختگی به جمال و جلال الهی نیست. (جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ۱۳۷ - ۱۵۰) بنا براین تعریف هویت انسان همان

فطرت الهی است که بر اساس آن خلق شده است «فَطَرَتَّ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم، ۳۰)

ب) فطرت: نوع ویژه‌ای از آفرینش است که تنها به انسان اختصاص دارد؛ از نظر معنا نحوه‌ای از آفرینش است که «حقیقت آدمی» را تشکیل می‌دهد؛ یعنی انسان به گونه‌ای خلق شده است که در نهم خود «کمال مطلق» (خداوند) را می‌شناسد و به او عشق می‌ورزد؛ به تعبیر دقیق‌تر فطرت و وجود انسان، همان «بینش شهودی» و «گرایش آگاهانه» نسبت به کمال مطلق است (ر. ک: جوادی آملی، فطرت در قرآن؛ ۲۳-۲۵)

براساس این تعریف فطرت دارای دو بعد بینش و گرایش است که به صورت مختصر، توضیح داده می‌شود:

ب) ۱. بینش فطری: انسان از نظر معرفت و ساختمان فکری به گونه‌ای است که دارای برخی معلومات غیر اکتسابی و فطری است که از آغاز آفرینش، همراه او بوده است و برای دانستن آنها به معلم و استدلال احتیاج ندارد. مثل شناخت کمال مطلق، هدف مندی خلقت، خیر و شر، قانون علیت و... که به علم حضوری قابل دریافت است. (ر. ک: مطهری، مجموعه آثار؛ ج ۳، ۴۹۲ / جوادی آملی، فطرت در قرآن؛ ص ۴۳ / ری شهری، مبانی شناخت؛ ص ۲۰۷.)

ب) ۲. گرایش فطری: تمایلات و خواسته‌هایی که از نهاد و فطرت بشر می‌جوشد، حالت اکتسابی و اختیاری ندارد و بر او تحمیل نشده است، مانند گرایش به پرستش، گرایش به خیر و فضیلت، گرایش به حقیقت، گرایش به نوآوری و خلاقیت، گرایش به زیبایی. (جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان؛ ص ۱۷۶ - ۱۸۰ / همو، فطرت در قرآن، ص ۳۸ / مطهری، ۱۳۷۷، ص ۴۹۲-۴۹۹.)

ج) کرامت انسان: فطرت یا همان آفرینش ویژه، مخصوص انسان است و نشان می‌دهد که خداوند از خلقت آدمی هدفی را دنبال می‌کند که اختصاص به او دارد و سایر موجودات نیز برای رسیدن انسان به آن هدف عالی خلق شده‌اند؛ از این رو آیات بسیاری از قرآن، انسان را

به منزلتی می ستاید که در هیچ یک از موجودات دیگر وجود ندارد؛ مانند:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰)؛ ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم...  
 «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ... ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ  
 الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۴)؛ ما انسان ها را از عصاره ای از گل آفریدیم... سپس او را آفرینش تازه  
 ای دادیم، پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است.

کرامت و منزلت انسان به جهت امانتی الهی است که بر دوش دارد و آن، مقام خلیفه الهی  
 در زمین است. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ  
 أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» (احزاب، ۷۲)؛ ما امانت را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه  
 داشتیم...، اما انسان آن را بر دوش کشید...

«إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰) همانا من روی زمین جانشینی قرار خواهم داد.  
 تمام عالم خلقت برای انسان و در خدمت او آفریده شده و انسان فقط برای خدا خلق شده  
 است. خداوند در حدیث قدسی می فرماید: خلقت الأشياء لأجلك و خلقتك لأجلي  
 (مدنی ۱۴۰۹، ج ۱؛ ص ۵۵۸) خداوند سبحان انسان را با فطرت خداشناس و خداخواه خلق  
 نمود و استعداد و ابزار خدایی شدن را به او ارزانی داشت و روح الهی در او دمید و او را  
 مختار نمود تا با کمک راهنمای درونی (عقل و فطرت) و بیرونی (انبیاء)، استعدادهای خود  
 را شکوفا نموده خدایی شود. این مقدار منزلت و تکریم برای انسان به جهت دارا بودن  
 استعداد رسیدن به بی نهایت است.

فطرت و آفرینش ویژه، در همه انسان ها اعم از زن و مرد مشترک بوده و این اشتراک در گوهر  
 انسانی؛ نژاد، ملت، جنسیت و... را محو کرده و همه را در هدف خلقت، یکسان می کند.  
 شکی نیست که منزلت و مقام انسان در عالم به جهت جسم مادی و بدن وی نیست، چرا  
 که بدن انسان به خودی خود برتری و شرافتی بر جسم سایر موجودات ندارد؛ حتی از بعضی  
 جنبه های بدنی از بعضی حیوانات ضعیف تر است، بلکه فضیلت آدمی به روح الهی و  
 فطرت خداجوی اوست که او را شایسته مقام خلیفه الهی نموده است.

د) ارتباط خودشناسی و تعادل در مدیریت بدن: خداوند بر اساس رحمت بی انتهای خویش انسان را آفرید و استعداد ویژه ای به او عنایت نمود تا آنچه از کمال و زیبایی دارد به انسان عطا کند. آدمی برای رسیدن به این هدف عالی، باید روح خویش را به صفات و کمالات الهی، بیاراید تا بتواند رسالت خلیفه الهی خود را انجام دهد. درک چنین جایگاه و منزلت بالایی که مربوط به روح الهی اوست نه جسم مادی، خودباوری و کرامتی در انسان ایجاد می کند که حاضر نمی شود، هرگز سرمایه وجودی و عمر گرانمایه خویش را به هدفی غیر از رسیدن به کمال بی نهایت صرف کند. انسان اگر به بلندی منزلت خویش آگاه گردد، بسیاری از رفتارهای حقیرانه خود را اصلاح می کند و در این مسیر به بدن خویش تنها به اندازه ای توجه می کند که ابزاری سالم و نیرومند برای رسیدن به آن هدف متعالی باشد و بیش از آن که به آراستگی و تناسب بدن خویش توجه کند به زیبایی روح به واسطه اتصاف به فضایل و کمالات می اندیشد.

آدمی به اقتضای گرایش فطری به زیبایی، هم از جمال ظاهری و آراستگی خویش لذت می برد و هم زیبایی، در مناسبات اجتماعی و روابط افراد با هم تأثیر گذار است، شایان توجه است انسان حتی اگر بتواند همه زیبایی ها و آراستگی ها را برای خود فراهم کند؛ اما هرگز تمایل و عشق به زیبایی در او ارضاء نمی شود؛ به این دلیل است که امروزه اکثر کسانی که در زیباسازی بدن افراط نموده و دست به اعمال گوناگون می زنند احساس رضایت صد در صد نداشته و تمایل دارند شیوه های جدید زیبایی را که هر روز ابداع می شود، امتحان کنند و در این مسابقه بی پایان عقب نمانند.

#### ۱.۴ - ۳. اعتقاد به اصالت بدن

یکی دیگر از عوامل مهم که موجب افراط در زیبا سازی بدن می شود و از سایر عوامل اهمیت بیشتری دارد، اعتقاد به اصالت بدن به جای اصالت روح است. اصاله مصدر از ماده «اصل» در مقابل فرع، به معنی آن چه چیز دیگری بر آن بنا می شود چه در جمادات باشد یا گیاهان، حیوانات، علوم و... (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ۱۰۴) در اصطلاح آن چه که ریشه و

اساس شیء دیگری باشد، اصیل نامیده می شود؛ مانند پدر که اصل و ریشه فرزند است. روح در اصطلاح بُعد مجرد انسان است که در مقابل بُعد مادی و جسم انسان قرار دارد. در پاسخ به این سوال که «روح نسبت به جسم انسان چه موقعیتی دارد و کدامیک از آن دو، اصل و کدام فرع است؟» نظراتی وجود دارد: بر اساس جهان بینی مادی آنچه قابل ادراک حسی است، اصالت دارد و جسم انسان، جزئی مهم از هویت آدمی است؛ بنابراین ما موجودی مستقل از ماده بنام روح یا نام دیگر سراغ نداریم، هرچه هست همین ماده جسمانی و یا آثار فیزیکی و شیمیائی آن است؛ بنابراین روح و پدیده های روحی چیزی جز خواص فیزیکی و فعل و انفعالات شیمیائی سلولهای مغزی و عصبی ما نمی باشد و مانند سایر دستگاههای بدن مادی است و تحت قوانین ماده فعالیت می کند. اما بر اساس جهان بینی الهی و آموزه های دینی روح یک حقیقت ماورای طبیعی است که ساختمان و فعالیت آن غیر از ساختمان و فعالیت جهان ماده است، درست است که دائماً با جهان ماده ارتباط دارد، ولی ماده و یا خاصیت ماده نیست و بدن آدمی تحت تأثیر مستقیم آن قرار دارد و این گوهر مجرد، واقعیت انسان را تشکیل می دهد... (ر.ک: سبحانی، ۱۳۵۸، ۳۳ - ۳۶)

**الف) ارتباط اعتقاد به اصالت بدن با افراط:** زیاده روی در زیبا سازی بدن با اقدام به آرایش های بیش از اندازه، به نمایش گذاشتن افراطی زیبایی های بدن، تمایل به دستکاری های پزشکی در بدن، تن دادن به رژیمها و ورزشهای سخت برای پرورش اندام و... یا ناشی از اعتقاد به تک ساحتی بودن وجود انسان و خلاصه نمودن هویت آدمی در بدن او است و یا در صورت اعتقاد به روح، نتیجه اصل قرار دادن بدن و غفلت از اصالت روح می باشد. در اندیشه اسلامی بدن، ساحتی از وجود انسان است و بُعد روحانی او اصالت دارد و انسانیت انسان را شکل می دهد و باز گشت به باورهای عمیق دینی بهترین راه برای پیشگیری از افتادن به ورطه افراط در تجمل و نمایش بدنی است.

براساس باورهای دینی، روح آدمی برای آن که تکامل یابد و به کمال مطلق برسد، نیاز به وسیله و ابزار دارد و بدن ابزاری است تا روح به وسیله آن به کسب معارف و علوم پردازد. به

بیان روشن تر، روح با تعلقش به بدن و با به کار بردن قوای مادی آن و از راه محسوساتی که به وسیله حواس پنجگانه بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و لامسه، ادراک و احساس می کند، به مجهولاتی پی می برد که قبل از آن به آنها آگاه نبود. این معنی با قطع ارتباط حواس با جهان خارج و جدایی روح از بدن (بعد از مرگ) بخوبی روشن می شود. از روایات پیرامون معاد استفاده می شود که بعد از جدائی روح از بدن، دیگر استکمالی برای انسان نخواهد بود، مگر برای افرادی که در دنیا تخم بعضی از اعمال نیک را افشاندند باشند و در عالم برزخ از آن بهره مند شوند.

در عین حال که روح با رابطه اش به بدن به کمال و رشد می رسد، بدن را نیز تدبیر می کند و او را مورد تربیت و رشد قرار می دهد، اما نباید گمان نمود که روح، داخل در بدن و یا خارج از آن است، زیرا زمان و مکان برای موجود مجرد، معنی ندارد، بلکه رابطه اش رابطه تعلقی است که احاطه به بدن دارد، یعنی در هر عضوی در عین حال که آن عضو است، روح نیز موجود است، لیکن وجود روح، محدود به آن عضو نیست و روح در عین اینکه بالاست، پایین نیز می باشد، همچنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «انّ الأرواح لا تمازج البدن ولا تواکله...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۸، ص ۴۱) همانا روحها با بدن آمیخته نبوده و متکی بر آن نیستند؛ بنابراین در رابطه روح با بدن اصالت با روح انسان است.

ب) دلایل اثبات اصالت روح: مهمترین عامل درونی که موجب زیاده روی در توجه به بدن و ظاهر آن، حتی در افراد معتقد به جهان بینی الهی می شود، اعتقاد به اصالت بدن است. چه بسا دیندارانی که ساحت وجود انسان را منحصر به بدن مادی ندانسته و وجود خویش را مرکب از روح و جسم می دانند، اما در متن زندگی به دلیل آن که به ادراکات حسی خود توجه بیشتری دارند، جسم مادی و نیازهای آن را اصل و روح که هویت حقیقی انسان است را فرع قرار داده و از نیازهای واقعی روح خویش غافل می شوند؛ یعنی عملکرد افراط گرایانه بعضی از آنان ناشی از اصل قرار دادن بدن به جای روح است. به این جهت اعتقاد به اصالت جسم، از میان عوامل مبنایی افراط در مدیریت بدن، دارای اهمیت بیشتری است و

ضرورت دارد که این عامل به همراه دلایل اثبات اصالت روح با شواهد عقلی و قرآنی به تفصیل بیان گردد.

برای اثبات اصالت روح می توان دلایل زیادی از آیات و روایات اقامه نمود.

ب) ۱. آیات: بسیاری از آیات قرآن به روشنی روح را اثبات می کند؛ از جمله:

ب) ۱ - ۱. «إِنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص، ۷۱، ۷۲) خدای سبحان انسان را مرگب از جسم و جان، یکی مادی و دیگری مجزود آفرید: این دو در زندگی دنیوی پیوسته همراه یکدیگرند تا هنگام مرگ که روح از بدن جدا و به پیشگاه پروردگارش باز می گردد؛ لیکن از اسناد جسم انسان به گل و اسناد روح او به خدا، معلوم می شود که این دو همتای هم نیستند، بلکه روح انسان اصل و بدن او فرع آن است.

نکته شایان توجه آن که ابلیس در گفتگو با خداوند تنها به بعد مادی آدم عَلَيْهِ السَّلَام اکتفا کرد و جسم خود را با جسم آدم مقایسه کرد و با برتر دیدن جسم خودش از سجده ابا نمود. در واقع ابلیس بعد روحانی آدم عَلَيْهِ السَّلَام را ندید و از آن غافل شد. نگاه بشر امروز به انسان تک ساحتی و نگاهی شیطانی است. امروزه آدمی، وجود خودش را تا گلی خشکیده و لجنی بد بو تنزل داده و بعد روحانی خویش را یا منکر گشته و یا به فراموشی سپرده است. به همین دلیل محکوم به رانده شدن از بارگاه ربوبی شده است. (فعالی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۸)

ب) ۱ - ۲. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۲ - ۱۴) آیه داستان پیدایش انسان را از آغاز تا انجام چنین ذکر کرده است: خلقت طبیعی انسان از خاک، آنگاه از گل... و پس از آن از نطفه است و با گذراندن مراحل مادی و حصول استعداد تام، خداوند با اعطای روح، آفرینش دیگری به او می بخشد که خلقتی نو و تازه است و هرگز شبیه مراحل پیشین نیست و لفظ «انشاء» بر آن معنا دلالت دارد. این خلقت ویژه نه تنها مایه امتیاز انسان از موجودات دیگر، بلکه مایه امتیاز روح از جسم نیز هست، از همین رو آفریننده او «احسن الخالقین» است:



وگرنه از نظر جسمی انسان با حیوانات دیگر تفاوتی ندارد، بلکه برخی از حیوانات زیباتر و قوی‌تر آفریده شده‌اند؛ مانند طاووس و فیل. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۵۸، ص ۳۶)

ب) ۱- ۳. «قُلْ يَتَوَفَّاكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ» (سجده، ۱۱) تعبیر «توفی» - که به معنای گرفتن چیزی به طور کامل و تام است - برای قبض روح، نشانه اصالت روح است که هرگز با مرگ، نابود نشده و چیزی از او گم نمی‌شود، بلکه وفات می‌کند؛ یعنی فرشتگان الهی او را همانند پرنده‌ای که از قفس بیرون آورده می‌شود، قبض روح می‌کنند و تمام حقیقت او را می‌گیرند. اگر در مرگ چیزی از انسان فروگذار شود، استیفاء و توفی نخواهد بود، پس تمام حقیقت انسان جان اوست که قبض می‌شود اگرچه بدن بپوسد. (جوادی، تسنیم، ج ۱۰، ص ۴۳۲)

ب) ۱- ۴. «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (اسراء، ۸۵): قرآن کریم روح را که اصل است به خداوند اسناد می‌دهد و بدن را که فرع است به طبیعت، و خاك و گل، نسبت می‌دهد (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ)؛ بنا براین، قرآن حقیقت هر انسانی را روح او دانسته و بدن را، ابزار وی می‌داند. انسان در نشئه دنیا و برزخ و قیامت، بدنی متناسب با همان نشئه و مرحله دارد، البته همان طوری که در دنیا بدن دارد، و بدن فرع است - نه اصل، و نه جزو اصل - در برزخ و قیامت نیز چنین است. (همان، ج ۱۹، ص ۲۰۰)

ب) ۲. روایات: برخی احادیث بر اصالت روح انسان و منزلت آن نسبت به بدن دلالت دارند؛ از جمله:

ب) ۲- ۱. امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَثَلُ رُوحِ الْمُؤْمِنِ وَ بَدَنِهِ كَجَوْهَرَةٍ فِي صُنْدُوقٍ إِذَا أُخْرِجَتِ الْجَوْهَرَةُ مِنْهُ طَرَحَ الصُّنْدُوقُ وَ لَمْ يُعْبَأْ بِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳؛ ج ۵۸؛ ص ۴۰) مثل روح مومن و بدن او مانند گوهری است که در صندوقچه‌ای باشد و زمانی که گوهر از آن خارج شود صندوقچه به کناری انداخته شده و به آن اعتنایی نمی‌شود.

ب) ۲- ۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «أَنَّ الْأَرْوَاحَ لَا تَمَازِجُ الْبَدَنَ وَلَا تَوَاكِلُهُ وَ إِنَّمَا هِيَ كِلَلٌ لِلْبَدَنِ مُحِيطَةٌ بِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۸، ص ۴۱) همانا روحها با بدن آمیخته نبوده و متکی بر آن

نیستند، بلکه بر بدن سوار و بر آن تسلط و احاطه دارند. تسلط و احاطه روح بر بدن، دلیل اصالت روح است.

ب) ۲ - ۳. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أصل الإنسان لبّه» (همان، ج ۱، ص ۸۲) اصل انسان جان اوست. لب در اصطلاح به عقل اطلاق می‌شود و عقل یکی از شئون بعد مجرد انسان؛ یعنی روح اوست.

ج) ارتباط سعادت با روح: از پرسشهایی که جهان بینی الهی به آن پاسخ می‌دهد این است که سعادت چیست و آیا سعادت، و کمال انسان، تنها مربوط به روح است یا مربوط به روح و بدن؟ آنها که برای بدن، هیچ نقشی قایل نیستند و آن را ابزاری بیش نمی‌پندارند، برای آن سعادتی معتقد نیستند و همه سعادت‌ها را برای روح وی می‌دانند و احیاناً به تفریط مبتلا می‌شوند و حق بدن را رعایت نمی‌کنند. عده‌ی که برای بدن سهمی قایل هستند و سعادت را برای بدن و روح می‌دانند، سلامت و داشتن امکانات مادی و... را جزو سعادت‌های بدنی و مسئله علم، حکمت، معرفت، قسط و عدل و... را از سعادت‌های روحی به شمار می‌ورند. حکمت متعالیه در اینجا سخن تازه‌ای دارد که: گرچه بدن، نقش و سعادتی مربوط به خود دارد اما انسان دارای دو بدن است که باید آنها را شناخت: ۱. بدن طبیعی و محسوس که زشتی و زیبایی اعتباری آن به طور کامل در اختیار خود انسان نیست و بر اساس «هُوَ الَّذِي يَصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ» (آل عمران، ۶) با خلقتی که خدا خواسته به دنیا آمده است. ۲. بدن برزخی که خود، آن را می‌سازد. این بدن خود ساخته، حد فاصل بدن مادی و روح مجرد است یعنی هر کس با کاری که انجام می‌دهد، سرگرم ساخت و ساز آن بدن برزخی است.

اگر به معارف و مطالب حق، گوش می‌سپارد، بدنی می‌سازد که دارای گوش شنواست و اگر به آیات الهی می‌نگرد و حق چشم را آدا می‌کند و از گناه چشم، می‌پرهیزد، بدنی می‌سازد که دارای چشم، بینا و بیدار است و در مورد اعضا و جوارح دیگر نیز چنین است. طبق این نظریه حکمت متعالیه، سلامتی و زیبایی بدن برزخی غیر از بدن مادی است و از آنجا که

بدن مثالی در همه حالات با انسان است و پس از مرگ تا قیامت او را همراهی می کند اهمیت بسیار دارد و انسان باید همتش را صرف زیبایی آن کند. (ر. ک: جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ص ۶۴)

آراستگی و زیبایی بدن مادی در تعالیم دینی مورد توجه قرار گرفته و دستوراتی در این زمینه وجود دارد، اما بیش از آن، زیبایی روح که در زیبایی و تناسب بدن برزخی متجلی می شود مورد تأکید قرار گرفته و دستورات فراوان اخلاقی که در قرآن و روایات ذکر شده برای اتصاف به کمالات الهی و زیبایی بدن برزخی می باشد.

در تمثیل برزخی عقاید حقه، اخلاق و اوصاف کریمه و نیت‌های پاک و اعمال صالحه ظاهر شده و عالم درونی انسان صورت پیدا می کند، بلکه اخلاق و اوصاف و خصوصیات عینی ارواح را می سازد و به هر کدام موجودیت خاصی می بخشد. فضایل اخلاقی انسان در برزخ چنان موجب زیبایی بدن مثالی او می شود که در قالب عبارات نمی گنجد و رذایلی چون تند خویی در برزخ به صورت موجود نفرت انگیزی متمثل می شود که بر صاحب خویش مسلط است و او را عذاب می دهد و اگر صفات رذیله حیوانی بر انسان حکومت کند در برزخ با صور حیوانی متمثل می شود؛ (ر. ک: شجاعی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۸۲ - ۹۲) بنابراین صرف وقت و هزینه بیش از اندازه برای زیبایی بدن مادی که بعد از چند سالی از بین می رود و تلاش برای زیبایی آن از راه اعمال جراحی یا رژیم های سخت غذایی و غفلت از زیبایی و تناسب بدن مثالی که باقی است، خلاف عقل و دوراندیشی است و توجه به این مسئله، عامل مهمی برای جلوگیری از افراط در توجه به بدن است.

#### ۱.۴-۴. زیبایی دوستی فطری

همچنان که ذکر شد، یکی از گرایش‌های فطری انسان‌ها، تمایل به زیبایی و هنر است، این کشش در زن و مرد وجود دارد. عشق به زیبایی، یکی از عوامل درونی خصائصی مثل: مدپرستی، میل به آرایش‌های غلیظ، توجه افراطی به تناسب اندام، عمل‌های زیبایی و... شده است. برای تبیین این مسئله ابتدا باید تعریف و اقسام زیبایی توضیح داده شود.

زیبایی به معنای حسن، ظرافت، لطافت و کیفیت زیبا و نیز عبارتست از نظم و هماهنگی که همراه عظمت و پاکی، در شیئی وجود دارد و عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک کند و لذت و انبساط پدید آورد. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۸، ۱۱۵۰۹)

زیبایی را می‌توان به صورت زیر تقسیم‌بندی کرد: ۱. زیبایی محسوس مانند گستره‌ی طبیعت که محسوس حواس پنج‌گانه است ۲. زیبایی غیر محسوس مانند تصویر زیبای شکل یافته در خیال انسان ۳. زیبایی معقول مانند مفاهیم کلی زیبا و زیبایی‌های جلوه‌های ذات الهی. با این تقسیم، جمال و زیبایی هم به زیبایی محسوس اطلاق می‌شود و هم به زیبایی غیر محسوس؛ هم به زیبایی جسمانی گفته می‌شود و هم به زیبایی روحانی. (رنجبران، ۱۳۹۰، ص ۳۳-۶۱)

به طور کلی زیبایی اعم از مادی و معنوی (محسوس و معقول) درخشنده‌ترین گوهر زندگی است که سیمای هر کسی را تابناک و با نشاط و سیره هر انسانی را جذاب و با حلاوت نشان می‌دهد و نقش مهمی در ایجاد روابط سالم انسانی و جذب آحاد اجتماعی نسبت به هم و زدودن نفرت‌ها و کراهت‌ها دارد؛ علاوه بر این که دارای ریشه و اصالت عمیق فطری، تاریخی و فرهنگی هم هست. (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۸، ص ۹۸)

این گرایش فطری به هدف تشدید عشق به کمال مطلق در همه انسان‌ها قرار داده شده؛ زیرا خداوند جمال بی‌نهایت است و زیبایی دوستی فطری انسان، او را عاشق جمال بی‌نهایت می‌کند. غفلت از فلسفه حقیقی این گرایش فطری موجب می‌شود انسان، بر ارضاء نمودن این میل با پرداختن به جسم مادی و ظاهر خویش، تمرکز کند و از هدف عالی خلقت دور بماند و از آنجا که انسان موجودی بی‌نهایت خواه است، اگر به اشتباه، زیبایی را تنها در بدن خود منحصر بداند برای آراستن آن، دست به هر کاری می‌زند.

شایان ذکر است که حس زیبایی شناختی زنان قوی‌تر از مردان است به این معنی که آنان برای زیبایی خود اهمیت قائلند و با آرایشها و زینتهای گوناگون تلاش می‌کنند مورد پسند شوهرشان قرار گیرند. زیبایی دوستی ابزار و مکانیسمی است که خداوند در زنان برای نفوذ

در دل مردان و جلب توجه ایشان قرار داده تا موجب تحکیم رابطه زن و شوهر و به تبع بنیان خانواده شود. به طور اساسی زندگی زنان با زیبایی و هنر آمیخته است: هنر تربیت کودک، هنر خانه‌داری، هنر همسر‌داری، هنر آشپزی و... زنان در هنرهایی مثل بازیگری، نقاشی، شعر و... استعداد ویژه دارند، شاید علت آن قوی بودن عاطفه و قوه خیال آنان است. به طور کلی، استعداد زیبایی‌شناسی زن، از مرد بالاتر است، اما قدرت خلاقیت زنان در این زمینه، به طور قابل ملاحظه‌ای محدود است. (ر.ک: مجد، ۱۳۷۹، ص ۱۷۵ - ۱۷۷؛ پیره، ۱۳۷۷، ص ۹۲).

میل به زیبایی مطلق فطری بوده و استعداد ویژه ای است که خداوند در انسان قرارداده تا ظرفیت ملاقات با جمال بی نهایت الهی در بهشت جاویدان را داشته باشد؛ به این جهت عشق به زیبایی مطلق، تنها در بهشت به طور کامل پاسخ داده می شود و روح انسان به آرامش می رسد. اعتقاد قلبی به ملاقات زیبایی بی نهایت در بهشت، قلب را آکنده از شوق وصال می سازد و این عشق، موجب می گردد انسان مومن با تمام انرژی و توان خود را برای آن روز آماده کند و پرداختن به زیبایی بدن اولویت خود را از دست می دهد. اگر میل به زیبایی بی نهایت در انسان نبود نیروی محرک برای رسیدن به زیبایی مطلق در او وجود نداشت؛ بنابراین زیبایی دوستی فطری در خدمت رساندن انسان به هدف نهایی خلقت، در او نهاده شده و پرداختن افراطی به زیبایی بدن از عدم شناخت تمایلات فطری و اشتباه در مصداق حقیقی زیبایی ناشی می شود.

همانگونه که جسم انسان تمام حقیقت او نیست و اصالت ندارد زیبایی جسمی نیز فاقد اصالت بوده و منزلت آفرین نیست. زیبایی واقعی آن چیزی است که روح انسان را زیبا می سازد و زیبایی روح در گرو سیرت زیبا و آراستگی به ملکات اخلاقی زیبایی مانند، راستگویی، مهربانی، عدالت، عشق ورزی به دیگران، ایثار، احسان و... است؛ یعنی با روح الهی انسان زیبایی معنوی مناسب دارد نه زیبایی ظاهری و جسمی.

یکی از عوامل درونی افراط در مدیریت بدن تمایل به محبوب بودن نزد دیگران است. گرایش مذکور درونی بوده و یکی از تمایلات فطری مهم در انسان محسوب می شود. آدمی دوست دارد در نظر دیگران محبوب و مورد توجه باشد. این میل فطری نیز بر اساس حکمت الهی در انسان قرار داده شده تا به شوق محبوبیت نزد کمال بی نهایت (ذات اقدس خداوند) در مسیر تقرب الهی حرکت کند. خداوند همچنان که زیباست و زیبایی را دوست دارد، دوست دارد بندگان او آثار نعمات و جمال منبسط او در آفرینش را ارائه دهند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «ان الله جمیل و یحب الجمال و یحب ان یری اثر النعمه علی عبده» (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ۴۳۸) و تصریح پیشوایان ما به آراستن ظواهر و ارائه زیبایی نشانگر آن است که به این خواسته فطری و اصیل انسانی پاسخی مناسب داده شود. (ر.ک: هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۷) میل به خود نمایی نیز به انسان بخشیده شده تا او خود را به کمالات و فضایل بیاراید و به محبوب بی همتایش که منشأ همه کمالات و زیبایی هاست ارائه کند. در این ارائه و عشق بازی با معبود تقرب و وصال آن جمال بینهایت نهفته است و هرکه تمایلش به محبوبیت نزد خداوند قویتر باشد در این راه تلاش بیشتری نشان می دهد.

باز هم باید این نکته را مورد توجه قرار داد که میل به محبوبیت نیز در زنان بیش از مردان است. زنان بنا به خصلت دگر خواهی، به ارائه زیبایی خود به دیگران بیش از خود زیبایی علاقه نشان می دهند. این میل در زنان که باید در خدمت گرم شدن روابط همسران باشد وقتی دچار افراط گردد تبرج و جلوه‌گری نامیده می شود که به شکل بدحجابی، مُدپرستی، آرایش های جلف، لباس های نامناسب، عملهای زیبایی متعدد و... خود را نشان می دهد. قرآن از آن به «تبرج جاهلیت نخستین»، تعبیر می کند. (احزاب، ۳۳) منظور از جاهلیت نخستین، عصر عرب جاهلی است که در آن، زنان زینت های خود را در معرض دید مردان نامحرم قرار می دادند و چنین کاری، از بی تمدنی و رعایت نکردن اخلاق اسلامی، حکایت می نمود. (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۱۶، ص ۳۰۹)

امروزه روان‌شناسان خودنمایی افراطی و خارج از تعادل را بیماری «هیستری» می‌نامند. فرد مبتلا به این بیماری به جای پرداختن به افکار زنده و مثبت، به طور دائم در فکر جلوه‌گری و مطرح ساختن خود است تا از دیگران برتر باشد، جوانان، بیشتر از افراد مسن و زنان بیشتر از مردان به بیماری هیستری، مبتلا می‌شوند. (حق جو، خودنمایی و جلوه‌گری، ص ۱۸-۲۰)

#### ۲.۴. عوامل بیرونی و غیر مبنایی

برخی پژوهشگران مواردی دیگری را به عوامل افراط در مدیریت بدن افزوده اند، ولی این موارد ریشه در عوامل مبنایی دارد و در صورت نبود عوامل مبنایی، وجود عوامل و زمینه های بیرونی تأثیر چندانی بر فرد نخواهد داشت؛ از این رو در درجه دوم اهمیت قرار دارند. ترویج فرهنگ مادی غربی به وسیله سیاستمداران و مدیران خودباخته در جامعه احساس فشارهای اجتماعی مانند تمسخر و کنایه های اطرافیان در اثر غلبه فرهنگ مادی حاکم بر جامعه؛

رسانه هایی مانند اینترنت و ماهواره و شبکه های اجتماعی و تاثیرپذیری از الگوهای رؤیایی ارائه شده توسط آنها (تبلیغات غیر مستقیم)؛

تبلیغات انواع داروها و وسایل تنظیم کننده بدن و جراحی های زیبایی در رسانه ها (تبلیغ مستقیم)؛

رشد فرهنگ مصرفی؛

مد پرستی؛

تغییر سبک زندگی؛

تبدیل اعمال زیبایی پزشکی به صنعتی قدرتمند و پولساز در خدمت بخشی از نظام سرمایه داری و تسلط این صنعت سودآور بر رسانه های جمعی؛

تحولات پزشکی و امکان پذیر بودن دست کاریهای متنوع اندامی؛ مانند جراحی بینی، لایپو ساکشن و... (ر. ک: فعالی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱ - ۱۰۳ / رضایی و دیگران، «مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی»، ۱۳۸۹، ص ۱۵۵ / اباذری و نفیسه محمدی، «جامعه شناسی

بدن و پاره ای مناقشات»، (۱۳۸۷)

### نظر اسلام در مورد بدن

در آیین مقدس اسلام، بر خلاف بعضی از آیین های دیگر، بدن آدمی مورد تحقیر نیست. اسلام بدن انسان را چیزی بی ارزش نمی شمرد، زیرا بدن انسان ابزار تکامل روح است. تحقیر بدن، در حکم تحقیر شخصیت آدمی است و کسی که مرتکب این عمل شود، مستوجب کیفر و قصاص است. نگاه ابزاری اسلام به بدن، موجب شده که به جنبه سلامت و قوت بدن بسیار توجه کند از این رو فقه و سنت اسلامی آکنده از مطالب و دستور العمل هایی در این زمینه است. بهره برداری از دنیا که مورد توصیه قرآن است به واسطه سلامتی است. در واقع سلامتی در اسلام هدف واسطه ای برای انجام تکالیف الهی است و روایات زیادی در مورد سلامتی وجود دارد داریم؛ مثلاً امام فرمودند: «الصَّحَّةُ أَفْضَلُ النَّعْمِ»: صحت و سلامتی از هر نعمت دیگری بهتر و ارزشمندتر است". «وَأَنَّ لِبَدْنِكَ عَلِيكَ حَقًّا»: بی شک بدن تو بر تو حقوقی دارد (که باید آن ها را ادا کنی و به آن رسیدگی نمایی). «المؤمن القوی خیر و احب من المؤمن الضعیف»: مومنی که قوی و نیرومند باشد، در نظر من از مومنی که ضعیف باشد، بهتر و دوست داشتنی تر است. در این روایت، ارزش اصیل و واقعی، به ایمان اختصاص یافته و در مرحله بعد، قوت مدنظر قرار گرفته است.

همچنین، احادیث فراوانی در باره استحمام و نظافت، و مسواک زدن، تشویق به کم خوری، نهی از پرخوری، خوردنی های حلال و حرام، خواص گیاهان، میوه ها و سایر خوراکی ها و همچنین سایر دستورات بهداشتی، وارد شده است. هیچ مکتب و آیینی در جهان وجود ندارد، که به اندازه اسلام، به صحت، سلامتی و شادابی انسان ها اهمیت داده باشد؛ بنابراین در دستورات اسلام آنچه در مورد بدن اصالت دارد حفظ سلامتی، قدرت، عافیت و نظافت بدن است؛ زیرا بدن ابزار تکامل روح است و این ابزار برای استفاده حد اکثری باید سالم و قوی باشد؛ بنابراین از نظر اسلام سه مولفه سلامتی، قدرت و نظافت در مورد بدن مهم بوده و باید بسیار مورد توجه قرار گیرد.



علاوه بر سه مولفه مذکور، از نظر اسلام، زیبایی ظاهر نیز تا حدودی اهمیت دارد؛ از این رو از ویژگی‌های مومن آن است که آراسته بوده و در پاکیزگی، رعایت بهداشت و معطر بودن کوشا باشد؛ زیرا انسان فطرتاً از آلودگی یا بی‌نظمی منزجر است و برای حفظ پیوند عاطفی که به توصیه قرآن باید میان مومنین موجود باشد، همگان موظفند خود را از آنچه موجب تنفر دیگران می‌شود دور کنند. از این منظر، توجه به زیبایی و آراستگی برای امتثال امر پروردگار و موجب رشد معنوی و روحانی انسان می‌شود، به شرط آن که از حد اعتدال خارج نشود. خروج از اعتدال در جایی است که توجه به آراستگی و زیبایی یا موجب خروج از حدود الهی شده و یا تا حدی اهمیت یابد که اصالت زیبایی و کمال روح را تحت الشعاع قرار داده و زمینه غفلت از یاد خداوند را فراهم سازد.

اسلام به زیبایی و آراستگی زن و مرد در محیط خانواده توجه ویژه ای دارد؛ زیرا آن چه زن و مرد را به هم پیوند می‌دهد مودت و عاطفه ای است که میان ایشان به وجود می‌آید و یکی از عواملی که پیوند مذکور را شکل داده و تشدید می‌کند، کشش جنسی میان زن و مرد است و زیبایی ظاهری و آراستگی بدن تأثیر زیادی در تشدید این کشش و جذابیت دارد. زیباسازی ظاهر توسط زن و مرد باید در خدمت تحکیم رابطه آن دو و در محدوده خانواده باشد؛ بنابراین زن و مرد نباید وقت و انرژی خود را در طول روز به‌گونه‌ای صرف زیبایی ظاهری نمایند که از امور مهم فردی، خانوادگی، معنوی و اجتماعی غافل شوند و یا با خود نمایی موجب تحریک جنسی دیگران شده و آنان را به تباهی بکشانند؛ از این رو، با وجود آن‌که در تعلیمات اسلام، مطلق آرایش برای زنان پسندیده است، از آرایش زنان در معرض نامحرمان به شدت نهی شده و آرایش زنان به محیط خانواده و برای شوهر محدود گردیده است.

از مجموعه روایات بدست می‌آید که زیبایی برای زنان و مردان از سنتهای موکد اسلام است (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۸۲ / مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۳۶۵ / حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۳۴ / بروجردی، منابع فقه شیعه، ج ۲۵، ص ۵۰۷) به شرطی که برای محارم باشد و موجب تحریک غرایز در سطح جامعه نشود. بر اساس تعالیم دینی همه می‌توانند و باید از

روشهای معمول برای زیبایی بهره ببرند. فقها و مراجع تقلید نیز با توجه به این نکته، انجام اعمال زیبایی را با شرایطی جایز می دانند. حضرت آیت الله مکارم شیرازی نیز فرمودند: «در صورتی که آمیخته با حرام دیگری نباشد، در هیچ صورت اشکال ندارد و در صورتی که مستلزم حرامی باشد (مانند نظر و لمس نامحرم) تنها در صورت ضرورت جایز است» (<https://makarem.ir>)

البته طبیعی است که اهتمام بیش از اندازه به زیبایی، مانع کمال و پیشرفت ایشان در زمینه های فردی و اجتماعی است و زن را تا حد یک کالا تنزل می دهد؛ کالایی که مانند یک عروسک زیبا در چشم مردان جلوه کند. بنابراین چارچوب زیبایی برای زنان فقط در محدوده محارم و خانواده و تا اندازه ای که زن را از تکامل روحی، معنوی، اجتماعی و... باز ندارد و موجب تنزل هویت انسانی او در حد ابزار شهوت رانی مردان نشود، مجاز است و برای مردان نیز پرداختن افراطی به بدن که غالباً به صورت پرورش اندام و آرایشهای نامتعارف و... بروز می کند موجب تضييع عمر و غفلت از امور مهمی چون تزکیه نفس از رذایل و آلودگی های اخلاقی می شود. معمولاً کسانی که هویت والای انسانی خود را باور دارند و قائل به اصالت زیبایی و کمال روحی می باشند، در بعد ظاهری به زیبایی های خدادادی که مورد پسند عرف فرهیختگان جامعه است اکتفا می کنند و عمر خویش را صرف زیبایی های غیر ضروری و نامتعارف نمی کنند که صرفاً برای هماهنگ شدن با مد پرستی یا شرکت در مسابقه خودنمایی رایج شده است.

### نتیجه گیری

از مطالب بیان شده این نتایج به دست می آید:

مدیریت بدن یا مدیریت ظاهر به معنای بازسازی پدیدار بیرونی است که شامل دستکاری های بدنی نظیر تاتو، کاشت ناخن، کاشت ابرو، بوتاکس، تزریق زل، رژیم های لاغری و چاچی، پرورش اندام، جراحی های زیبایی و... می شود.

امروزه در میان بسیاری از افراد جامعه به ویژه زنان و جوانان افراط در مدیریت بدن رو به

افزایش است. دو دسته عامل درونی و بیرونی برای افراط گرایی قابل ذکر است که یکی منشأ دیگری و دارای اهمیت بیشتری است. همه رفتارهای انسان از باورهای قلبی او، سرچشمه می‌گیرند؛ از این رو افراط در توجه بدن نیز ریشه در باورهای غلط دارد.

بر اساس جهان بینی توحیدی، بدنی که در اختیار بشر است امانت و ملک الهی است؛ لذا، تصرف در آن باید در چارچوب دستورات خداوند متعال و مورد رضایت او باشد. در نگاه دینی مقام انسان بالاتر از آن است که زیبایی و کمال آن در ظاهر منحصر باشد و از آن جا که روح انسان نسبت به جسم دارای اصالت است، زیبایی روح نیز از زیبایی جسم مهم تر و اصیل تر است و روح انسان به واسطه اتصاف به فضایل و کمالات است که زیبا و متکامل می‌شود.

تعمیق باورهای دینی در جامعه اسلامی بهترین راه برای پیشگیری و کاستن از زیاده روی در تجمل و نمایش بدنی توسط زنان است.

در اسلام، بدن آدمی مورد تحقیر نیست؛ بلکه ابزار تکامل روح است. نگاه ابزاری اسلام به بدن، موجب شده که به جنبه سلامت و قوت بدن توجه بیشتری کند.

از نظر دین و در آراء فقها، اعمال زیبایی که به اهداف ناصوابی چون تفاخر و تجمل گرایی یا در خدمت امیال شهوانی حرام باشد یا مستلزم برخی رفتارهای غیر شرعی مثل تماس با نامحرم شود حرام شمرده می‌شود.

از نظر اسلام زیبایی و آراستگی برای انسان با رعایت حدود شرعی و به میزان معمول و مورد پسند عرف، سنت موکد می‌باشد و اما افراط در آن که کمترین پیامدش غفلت از آراستگی روحی است مذموم شمرده می‌شود.

کارهایی همچون: آموزش اعتقادات دینی به صورت عمیق و درونی بر مبنای فطرت، معرفت افزایی نسبت به هویت انسانی خویش، آموزش نظرات اسلام در مورد بدن و بهداشت آن و نیز آموزش احکام فقهی و استفتائات جدید در مسائل مربوط به مدیریت بدن در همه مقاطع تحصیلی و به خصوص در آموزش عالی، گامهایی موثر در جهت جلوگیری از زیاده روی

افراد جامعه در مدیریت بدن است.

## ۷. فهرست منابع

### \*قرآن

- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴.
- آمدی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۰.
- بروجردی، حسین، منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه) مصحح: جمعی از فضلاء، انتشارات فرهنگ سبز، تهران
- پیرو، روزبه، روان شناسی اختلافی زن و مرد، ترجمه محمد حسین سروری، جان زاده، بی جا، ۱۳۷۷.
- تهانوی، محمد علی، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، مکتبه لبنان، ۱۹۹۶.
- جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، حق و تکلیف، قم: اسراء، چ ۵، ۱۳۸۸.
- ، تفسیر انسان به انسان، قم: اسراء، چ ۵، ۱۳۸۹.
- ، حیات حقیقی انسان در قرآن، قم: اسراء، چ ۲، ۱۳۸۴.
- ، حق و تکلیف، قم: اسراء، چ ۳، ۱۳۸۸.
- ، زن در آینه جلال و جمال، قم: اسراء، چ ۱۹، ۱۳۸۸.
- ، فطرت در قرآن؛ قم: اسراء، چ ۳، ۱۳۸۴.
- ، مبادی اخلاق در قرآن، قم: اسراء، چ ۶، ۱۳۸۷.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق
- حق جو، محمد حسین، خودنمایی و جلوه‌گری، قم، انصار المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۷۵.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه ۱۳۷۳.
- رنجبران تهرانی /، علی اکبر، جز زیبایی ندیدم (شرحی بر کلام حضرت زینب علیها السلام)، ما رأیت الا جمیلاً؛ تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۹۰.
- سبحانی، جعفر، اصالت روح از نظر قرآن؛ قم: چاپخانه علمیه، ۱۳۵۸.

شجاعی، محمد، معاد یا بازگشت به سوی خدا، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۳، ۱۳۹۲  
 طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی، قم: دفتر  
 انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.

طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی، چ ۴، ۱۴۱۲ ق  
 فعالی، محمد تقی، مبانی سبک زندگی اسلامی، قم: موسسه آل یاسین، چ ۲، ۱۳۹۷.  
 کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی؛ تهران، دارالکتب الإسلامیة ۱۴۰۷ ق.  
 کبیر مدنی، سید علیخان، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین؛ مصحح:  
 محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ ق.  
 مجد، محمد، انسان در دو جلوه، مکیال، تهران، ۱۳۷۹.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار؛ بیروت، دار إحياء التراث العربی ۱۴۰۳، ق  
 مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، مصحح: حسین موسوی  
 کرمانی، و علی پناه اشتهاردی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ ق.  
 محمدی ری شهری، محمد، مبانی شناخت؛ قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث،  
 ۱۳۸۸.

مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چ ۱۳، بی جا،  
 ۱۳۷۴

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار؛ ج ۳ و ۲، تهران: صدرا، چ ۸، ۱۳۷۷.

-----، مقدمه ای بر جهان بینی توحیدی، صدرا، تهران، ۱۳۷۷ / ۱۳۷۵.

مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۱، قم: مدرسه امام امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۶۴.

یزدی، ملا عبدالله حاشیه علی تهذیب المنطق.

\*مقالات:

۱. افلاک سیر، عبد العزیز و فاطمه ابراهیمی، مقاله «خود شیء انگاری و رابطه آن با افسردگی

- و عزت نفس» مجله مطالعات اجتماعی و روان شناختی زنان، ش ۱، ۱۳۹۳.
۲. اباذری، یوسف، «جامعه شناسی بدن و پاره ای مناقشات» پژوهش زنان، دوره ۶، ش ۴، ۱۳۸۷.
۲. رضایی، احمد، «مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران» مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۲، ش ۴۸، بهار ۱۳۸۹ /
۳. خواجه نوری، بیژن و علی روحانی و سمیه هاشمی، «سبک زندگی و مدیریت بدن»، فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه شناسی زنان، سال دوم، ش چهارم، ۱۳۹۰.

\*منابع اینترنتی:

<http://farsi.khamenei.ir>

<https://makarem.ir>

---

## چگونگی شکل‌گیری سبک زندگی غیردینی، با نگاهی دشمن شناسانه به داستان فرعون در قرآن کریم

---

آمنه شهبازی<sup>۱</sup>

چکیده

از آن جایی که مردم بسیار متأثر از حکام هستند، یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری سبک زندگی غیردینی، حاکمیت مجازی استکبار جهانی با سوء استفاده از رسانه‌هاست. از طرفی سبک زندگی، بخش اصلی تمدن‌سازی نوین اسلامی به عنوان آرمان بزرگ انقلاب اسلامی است؛ لذا پرداختن به آن بسیار ضروری به نظر می‌رسد. روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، کتابخانه‌ای و پردازش آن‌ها به صورت توصیفی-تحلیلی، انجام پذیرفته است. در این مقاله با پرداختن به داستان فرعون در قرآن و محور قرار دادن بیانات رهبری با هدف شناخت دشمن و روش‌های دشمنی او به منظور پیش‌گیری از شکل‌گیری سبک زندگی غیردینی در راستای تحقق بیانیه‌ی گام دوم تلاش شده و مشخص شده است که در شکل‌گیری سبک زندگی غیردینی، علاوه بر نقش مهم مستکبران، نقش زمینه‌ای ملت‌ها نیز مؤثر است. دشمنان با روش‌ها و ابزارهایی فرعون‌ی بر ملت‌ها مسلط می‌شوند؛ که برخی راه‌کارهای علاج آن را می‌بایست در تقویت مبانی و باورها، مدیریت فضای مجازی، بومی‌سازی

---

۱. سطح ۳ تفسیر و علوم قرآنی جامعه الزهراء [valasrshahbazi@gmail.com](mailto:valasrshahbazi@gmail.com)



حکمرانی مجازی، دوری از یأس و بازگشت به قرآن طلب نمود.  
واژگان کلیدی: سبک زندگی غیردینی، دشمن‌شناسی، فرعون، موسی، مقام معظم رهبری،  
بیانیه‌ی گام دوم.

## مقدمه

سبک زندگی هر فرد یا جامعه نقش بسزایی در سعادت یا شقاوت او دارد. امروزه ترویج سبک زندگی غربی در ایران زیان‌های بی‌جبرانی را موجب شده است. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۲۲/۱۱/۱۳۹۷: <https://www.farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) بر اساس روایات اسلامی و تأیید آن در مصادیق عینی، تأثیرپذیری ملت‌ها از حاکمان بسیار فراوان است؛ امام علی علیه السلام شباهت مردم به حاکمان را بیشتر از شباهت آنان به پدرانشان دانسته و می‌فرماید: «التَّائِسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ». (حرانی ۱۴۰۴ق: ۲۰۸) «مردم به حاکمانشان شبیه‌ترند تا به پدرانشان». شهرت این مطلب تا جایی است که حدیث «التَّائِسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ» (اربلی، ۱۳۸۱ق: ۲/۲۱) «مردم بر دین پادشاهانشان هستند.»؛ چون مثلی در محافل عامه مردم مورد استفاده قرار گرفته است و اگر عده‌ای هم در این جوامع پیدا شوند که به دلایلی چون ایمان و مقاومت، مشمول این قانون کلی نگردند، از باب «التَّائِسُ بِزَمَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ» (مشکینی، ۱۴۲۴ق: ۱۳۶)؛ «مردم به اهل زمانشان شبیه‌ترند تا به پدرانشان.» بی‌تأثیر از جو حاکم بر اجتماعشان نخواهند بود. بر این اساس یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری سبک زندگی غیر دینی، حاکمیت طواغیت است. گاهی حاکمیت طواغوت مصداق عینی دارد مانند حکومت فرعون و گاهی مانند عصر حاضر از مصداق فردی فراتر رفته و تحت عنوان استکبار جهانی یا نظام‌های سلطه‌گر، نمود یافته است. اهمیت مسأله آن جایی است که امروزه نمی‌توان حاکمیت مجازی مستکبران عالم با سوء استفاده از ظرفیت‌های عصر ارتباطات و همچنین تأثیرپذیری جوامع از آن‌ها را انکار نمود. یکی از بخش‌هایی که متأثر از سیطره‌ی رسانه‌ای دشمن است بخش سبک زندگی است. از آنجایی که سبک زندگی بخش اصلی تمدن‌سازی نوین اسلامی است، ضرورت پرداختن به آن، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ چرا که آسیب‌های موجود در این عرصه در صورت رفع نشدن، حرکت تمدن‌سازانه در جهت نیل به حکوت منجی موعود را دچار وقفه خواهد نمود. برای علاج سبک زندگی غربی

و یا پیشگیری از ترویج آن می‌بایست مقدماتی که منجر به این معزل شده است را شناخت. یکی از راه‌های شناخت، درس‌آموزی از تاریخ درمؤتق‌ترین منبع یعنی قرآن کریم است. براین اساس با توجه به اینکه فرعون رهبر استقرار سبک زندگی غیردینی در جامعه عصر خویش است و استکبار جهانی نیز فرعون‌های زمان ما محسوب می‌شوند، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که بر اساس قرآن کریم عوامل شکل‌گیری سبک زندگی غیر دینی در قرآن کدامند و با چه روش‌ها و ابزارهایی به دنبال اهداف خود هستند؟ در این اثر، روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و پردازش آن‌ها به صورت توصیفی-تحلیلی و با هدف ایجاد شناخت، نسبت به چگونگی شکل‌گیری سبک زندگی غیردینی در قرآن، به منظور پیش‌گیری و مقابله با آن انجام شده است.

در این مقاله که بر اساس قرآن کریم و با محوریت بیانات مقام معظم رهبری انجام شده، سعی شده است عوامل شکل‌گیری سبک زندگی غیردینی، در دو محور اصلی: الف) مطاع و ب) مطیع، آورده شده و برخی روش‌ها و ابزارهای اطاعت شونندگان و برخی علل سرسپردگی اطاعت‌کنندگان بیان گردد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

بنا بر شیوه‌ی هر پژوهش علمی برای ورود به بحث، در ذیل به مفهوم‌شناسی برخی واژه‌ها می‌پردازیم.

### ۱.۱. دشمن

دهخدا «دشمن» را مرکب از «دش» به معنی بد و زشت و «من»، به معنی نفس و ذات، معرفی کرده است. از نظر او دشمن در لغت یعنی بد نفس، بد دل، زشت طبع، آنکه عداوت می‌کند به شخصی و کسی که ضرر می‌رساند. (ر. ک: دهخدا، ۱۳۶۱: ۲۳ / ۱۲) معین نیز می‌گوید دشمن یعنی «آنکه بدخواه دیگر است، عدو، خصم» (معین، ۱۳۷۹: ۲ / ۱۵۳۷) مقام

معظم رهبری دشمن را به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم کرده و دشمن درونی را خصلت های بدی می داند که ممکن است ما در خودمان داشته باشیم مانند تنبلی، نشاط کار نداشتن، ناامیدی و مسائلی از این دست. دشمن بیرونی از نظر ایشان، «نظام سلطه بین المللی» یا همان «استکبار جهانی» است. (امام خامنه ای، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۷۸>) از نظر آیت الله خامنه ای «هر کس که با حاکمیت نظام مستقل مردمی دینی مخالف است، دشمن است. طمع ورزان، غارتگران، سودجویان، زراندوزان، زورگویان، وابستگان، مایلین به فساد و کسانی که از حاکمیت فرهنگ دینی زیان شخصی می بینند، دشمنند.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۷۹/۱۰/۱۹: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۷۹/۱۰/۱۹>) از نظر ایشان درجات دشمن مختلف است و در رأس آنها دشمنان خارجی هستند که آمریکا از همه پیش تر است و نیز صهیونیست ها و کمپانی های بزرگ جهانی و افراد و گروه هایی از این دست در مجموع یک جبهه دشمن بوجود آورده اند. (ر.ک (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۷۹/۱۰/۱۹: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۰۴۵>) اصطلاح مد نظر ما در این پژوهش همان معنای اصطلاحی دشمن بیرونی در تعریف مقام معظم رهبری است.

## ۲.۱. سبک زندگی

عبارت «سبک زندگی» مرکب از دو واژه سبک و زندگی است که بخش دوم آن نیاز به توضیح ندارد؛ اما در مورد بخش اول آن هم در لغت و هم در مفهوم تعاریف متفاوتی بیان شده است. واژه «سبک» در لغت به چند معنا آمده است: ۱. گذاختن چیزی پس از ریختن، (دهخدا، ۱۳۳۹: ۲۸ / ۲۴۸)؛ فلز ذوب شده را در قالب ریختن ۲. طرز، روش، شیوه ۳. روش خاصی که شاعر یا نویسنده ادراک و احساس خود را بیان می کند، طرز بیان ما فی الضمیر.

(معین، ۱۳۷۹: ۲ / ۱۸۱۸) عمید نیز سبک در لغت را به معنای «ریخت، طرز و روش» معرفی کرده است. (عمید، ۱۳۸۹: ۵۶۱) کاربرد اصطلاحی این واژه در ترکیب «سبک زندگی» با مفهوم دوم لغوی آن یکسان است. از آن جایی که دهخدا در بیان مفهوم «سبک»، آن را در مقوله ادبیات و هنر تعریف می‌نماید، (ر. ک: ، دهخدا، ۱۳۳۹ش: ۲۰ / ۲۴۹) مشخص می‌شود این واژه در زبان فارسی در ابتدا در حوزه ادبیات و هنر بیشترین کاربرد را داشته؛ سپس به تدریج در سایر حوزه‌ها نیز راه یافته و اخیراً در مقوله وسیع زندگی کاربرد فراوان یافته است. مهدوی کنی تعریف رندم هاوس از سبک زندگی را که می‌گوید: «شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس‌کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه است، عادات، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی، سطح اقتصادی و... که با هم، طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازد»؛ بیان همان معنای اصطلاحی سبک زندگی می‌داند که امروزه در ادبیات علوم انسانی و اجتماعی رواج یافته است. (ر. ک: مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۰۴) مقام معظم رهبری، سبک زندگی، رفتار اجتماعی و شیوه زیستن را عبارة اخرای یکدیگر معرفی کرده و آن را از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی‌اش می‌داند. ایشان برای تمدن‌سازی نوین اسلامی دو بخش معرفی می‌کند که یک بخش آن ابزاری و دیگری متنی و اصلی است که همان سبک زندگی اسلامی است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۱۲۵۲>) بنابراین سبک زندگی عبارت است از شیوه زیستن یا طرز زندگی که متأثر از مؤلفه‌های فراوانی چون عقاید، افکار، مذهب، جهان‌بینی، اوضاع اجتماعی، طبقه فرهنگی، سطح سواد و غیره است.

### ۳.۱. سبک زندگی غیردینی

واژه «دین» در لغت به معنای طاعت و جزا آمده، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۲۳) اما در اصطلاح تعاریف گوناگونی از آن شده است. در اصطلاح علمای شیعه، دین به معنای

اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۱/۱) علامه طباطبایی نیز تعریفی مشابه دارد. از نظر ایشان دین همان روش زندگی است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۶۸: ۱۹) تعریف مقام معظم رهبری از دین بر این تعریف صحیح می‌گذارد. ایشان دین را صراط زندگی معرفی کرده معتقد است دین خدا که مضمون رسالت است، در حقیقت عبارت از شکل دادن، جهت دادن و قالب بخشیدن به همه تلاش‌های انسانی است؛ به طوری که همه این فعالیت‌ها را جهت داده هدایت می‌کند و به یاری خرد انسانی می‌شتابد تا انسان این فعالیت‌ها را طوری تنظیم کند که سعادت او را در دنیا و آخرت تأمین کند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۱۱۰>) با توجه به مفاهیم یاد شده، شیوه و روش زیستن انسان، متأثر از مؤلفه‌های فراوانی است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها دین و مذهب است. بر این اساس، سبک زندگی به دو دسته عمده دینی و غیردینی تقسیم‌بندی می‌شود. منظور نگارنده در این پژوهش از سبک زندگی دینی، شیوه زیستنی است که متأثر از معنای اصطلاحی دین نزد علمای شیعه است و به طبع آنچه در مقابل آن قرار دارد سبک زندگی غیردینی به شمار می‌رود.

## ۲. پیشینه

از منابعی که نزدیک به موضوع مقاله است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. مقاله «گونه شناسی جنگ نرم در قرآن کریم» نوشته آقایان اصغر افتخاری و رمضان علی عبدی؛ که در فصلنامه‌ی امنیت ملی، پاییز ۱۳۹۳، سال چهارم، شماره ۱۳، در ۳۰ صفحه از ۹ تا ۳۸ منتشر شده است. نویسندگان در این مقاله گونه‌هایی از جنگ نرم را در قرآن بیان کرده و تلاش کرده‌اند این موارد را تحت سه گونه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار دهند.
۲. مقاله «نفوذ فرهنگی زمینه‌ساز سلطه‌ی همه جانبه دشمن با تأکید بر خودباختگی فرهنگی در اندیشه‌ی امام و رهبری» نوشته خدایار ابراهیمی که در نشریه‌ی مطالعات

عملیات روانی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۴۳، از صفحه ۹۶ تا ۲۷ چاپ شده است. ایشان در این مقاله سعی کرده‌اند با استفاده از بیانات امامان انقلاب به نقش زمینه‌ساز خودباختگی فرهنگی در سلطه‌ی دشمن بپردازند و بخشی را نیز به راه‌های پیشگیری و درمان این معزل اختصاص داده و پیشنهادهایی در این زمینه ارائه کرده‌اند.

۳. مقاله «الگوی دشمن‌شناسی مبتنی بر دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) با تأکید بر بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی» نوشته جعفر شیرازی، که در فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع) سال هشتم، پاییز ۱۳۹۸، شماره ۳۱ از صفحه ۳۷ تا ۷۶ به چاپ رسیده است. ایشان در این مقاله سعی کرده‌اند با استفاده از بیانات رهبری الگویی از دشمن‌شناسی ارائه دهند. در مورد روش‌های دشمنی دشمن هم دو مورد را آورده‌اند که هر دو مورد فقط نقل مستقیم بیانات رهبری است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هر چند در زمینه‌ی مؤلفه‌های عنوان پژوهش، مانند سبک زندگی و دشمن‌شناسی، تحقیقات ارزشمندی انجام شده است؛ اما با جستاری که صورت گرفت تا کنون پژوهشی منطبق با این عنوان صورت نگرفته است. مقالات نامبرده یا فقط در حیطه‌ی بیانات رهبری است یا فقط در حیطه‌ی قرآنی. در ضمن کل قرآن را در برمی‌گیرد. وجه تمایز مقاله پیش رو با کارهای ارزشمند پیشین این است که بر محور قرآن و بیانات رهبری هردو است و نیز به صورت جزئی به داستان فرعون پرداخته است؛ چرا که مقام معظم رهبری در بیانیه‌ی گام دوم از دشمن با تعبیر فرعون نام برده است. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۷/۲۲: <https://www.farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) همچنین به لحاظ نوع نگاه به موضوع و محتوا تلاش بر ارائه کار جدیدی بوده است.

### ۳. عوامل شکل‌گیری سبک زندگی غیردینی

مرزبندی با دشمن، یکی از توصیه‌های هفت‌گانه‌ی بیانیه‌ی راهبردی گام دوم انقلاب است. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۷/۲۲: <https://www.farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

روش‌های دشمنی اوست. «غالب ملت‌هایی که فریب خوردند و دولت‌هایی که اشتباه کردند از این جا اشتباه کردند که روش‌های دشمنی را نشناختند». (امام خامنه‌ای، بیانات دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۷۵/۷/۹، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>) یکی از روش‌های دشمنی دشمن، جایگزین نمودن سبک زندگی غیردینی، به جای سبک زندگی دینی است؛ که برای رسیدن به این هدف نیز شیوه‌های متعددی به کار می‌بندد. در هر جامعه‌ای فرد یا افرادی پیش‌گام و عده‌ای دیگر دنباله‌رو آنها می‌باشند که در ادبیات قرآنی از آنها به «الَّذِينَ اتَّبَعُوا» (بقره: ۱۶۶) یعنی کسانی که اطاعت می‌شوند یا همان مطاعان و «الَّذِينَ اتَّبَعُوا» (بقره: ۱۶۶) یعنی کسانی که اطاعت می‌کنند یعنی مطیعان، یاد شده است؛ که در استقرار سبک زندگی غیردینی هر دو دسته مطاع و مطیع، سهیمند.

## الف) مطاع

در هر حرکتی اعم از اجتماعی، دینی، فرهنگی و مانند آن اساسی‌ترین نقش، مربوط به رهبران آن است. بنابراین، زمامداران و سرکردگان باطل یکی از مهم‌ترین عوامل استقرار سبک زندگی غیردینی به شمار می‌روند که برای رسیدن به مقصودشان، از روش‌ها و ابزارهایی کمک می‌گیرند.

### ۱. روش‌ها

قرآن کریم در داستان مواجهه حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام با فرعون، به روش‌هایی که فرعون در مطیع نمودن قومش به کار بست، اشاره نموده که در ادامه به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

#### ۱.۱. ایجاد ترس



یکی از روش‌های سلطه‌گران برای تسلط بر جامعه هدف، ایجاد ترس است. دشمن با روش‌هایی چند، جامعه‌ی هدف خود را مرعوب نموده تا پذیرای او شوند.

### ۱.۱-۱. باجوسازی و دروغ‌پراکنی

فرعون برای اینکه مردم را به اطاعت خود وا دارد به دروغ به آنان گفت موسی قصد بیرون راندن شما از سرزمینتان را دارد «يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ...» (شعراء: ۳۵) «او می‌خواهد با سحرش شما را از سرزمینتان بیرون کند!...» از آنجایی که سرزمین از عناصر هویتی افراد محسوب می‌شود؛ تهدید شدن با آن، بیشترین حساسیت‌ها و تندترین واکنش‌ها را در پی خواهد داشت. بنابراین مردم از ترس از دست دادن وطن خود، توسط موسی، دروغ فرعون را باور کردند. در جامعه‌ی امروزی نیز دشمن با دست نهادن بر نقاط حساسی چون هویت، که مواردی چون سرزمین، مذهب، فرهنگ، تاریخ و زبان یک جامعه را در بر می‌گیرد؛ و با دروغ‌پراکنی در مورد آنها سعی می‌کند سبک زندگی مردم را به نفع خود تغییر دهد؛ تا مردم به دست خویش او را بر امور خود مسلط کنند. «امروز شما سیاست‌های رسانه‌ای مسلط دنیا را ملاحظه کنید. مصلحت آنها اقتضاء می‌کند که اسلام را با تروریست مساوی بدانند. این کار با سرعت هر چه بیشتر و با استفاده هر چه بیشتر از فناوری‌های پیشرفته انجام می‌گیرد. مصلحت آنها اقتضاء می‌کند که متقابلاً آمریکا را مظهر حقوق بشر و دمکراسی به حساب آورند. این کار به راحتی و با شیوه‌های پیچیده و بسیار پیشرفته‌ی رسانه‌ای در دنیا انجام می‌گیرد. دروغ‌های بزرگ مثل حقیقت در امواج رادیویی، اینترنتی، و غیره منعکس می‌شود.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف، <https://farsi.khamenei.ir/speech-۱۳۸۵/۲/۲۶>،

[content?id=۳۳۴۰](https://farsi.khamenei.ir/speech-۱۳۸۵/۲/۲۶)

### ۱.۱-۲. با نمایش گذاشتن هیمنه پوشالی

نمایش هیبت دروغین، روشی برای هراس افکنی است. «قرآن کریم در بیان داستان فرعون، از اطرافیان و کارگزاران فرعون نیز با تعبیر «ملاء»، یاد کرده است. «ملاء» (بر وزن خلاء) از ماده «ملا» (بر وزن خلع) به معنی گروهی است که هدف مشترکی را تعقیب می‌کنند و ظاهر آنها چشم پرکن است. این کلمه در قرآن مجید معمولاً به اشراف و ثروتمندان یا درباریان گفته می‌شود». (مکارم، ۱۳۷۴: ۲۱ / ۷۸) آن‌گونه که از کلام قرآن کریم برمی‌آید غالباً فرعون با همراهی ملاء اش در انظار قرار می‌گرفته است تا علاوه بر بهره‌مندی از مشورت آنان، هیمنه‌ی او ترسی در مخاطب ایجاد نماید که در برابر عظمتش خرد شود. مستکبران کنونی نیز همواره چندین کشور مستبد، چون خویش را، با خود همراه می‌کنند و این همراهی را به رخ جوامع ضعیف می‌کشند تا آنها را مرعوب نموده و تحت سیطره‌ی خود درآورند. علاوه بر به نمایش گذاشتن طرفداران و کارگزاران، تفاخر به قدرت و ثروت از دیگر حربه‌های فرعون برای ارائه شوکت تو خالی خود به مخاطبان است. او با توسل به ارزش‌های پست سعی کرده برای خود عظمتی شکوهمند، دست و پا کند آنجا که گفته است: «... أَلَيْسَ لِي مُلْكٌ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي...» (زخرف: ۵۱) «... آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟...». در ادبیات گفتمانی آیت الله خامنه‌ای نیز قدرت، عظمت و هیبت دشمن متصف به پوشالی است. از نظر ایشان «قدرت‌های پوشالی یک پندار محض است.» (امام خامنه‌ای، بیانات د ر دیدار مردم قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۵: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۲۰۸>) زیرا در واقع این انسان‌های ضعیفند که برای دشمنان در مقابل قدرت قاهره الهی ابهت و شکوتی متصور می‌شوند.

### ۱.۱-۳. با ادعای برتری

از خصوصیات فرعون در قرآن کریم، ادعای برتری تا بالاترین درجه یعنی ادعای ربوبیت است. «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» (نازعات: ۲۴) «و گفت: من پروردگار برتر شما هستم!» و یا در مقایسه خود با موسی در جمع مردم گفت: «أَنَا خَيْرٌ» (زخرف: ۵۲) «... من برترم...» با آنکه

بطلان سخنان بی‌منطق فرعون در برابر خدای علی‌عظیم آشکار است؛ اما این گزافه‌ها ممکن است اشخاص ضعیف‌الایمان را هدف قرار داده و بترساند. به فرمایش مقام معظم رهبری عدم تضرع در پیشگاه خدا موجب احساس ضعف در مقابل قدرت‌های پوشالی است. (امام خامنه‌ای، شرح حدیث قدسی درباره اهمیت دعا کردند، ۱۳۹۷/۱/۱۹: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۵۰۹۴>) بنا بر این هر چه رابطه‌ی انسان با خدا قوی‌تر باشد به معرفت دینی عمیق‌تری نائل شده، درک او از قدرت پوشالی دشمن واقعی‌تر و مقاومت او در مقابل دشمن بیشتر خواهد بود.

#### ۱.۱-۴. با تهدید

گاهی فرعون برای ایجاد ترس از روش تهدید استفاده کرده است. مانند آنجا که در پاسخ به دعوت موسی او را این‌گونه تهدید کرد: «قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» (شعراء: ۲۹) «(فرعون خشمگین شد و) گفت: «اگر معبودی غیر از من برگزینی، تو را از زندانیان قرار خواهم داد!» او حتی موسی را به قتل نیز تهدید کرد «وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى...» (غافر: ۲۶) «و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم، ...» و یا در جایی دیگر که ساحران به پروردگار موسی و هارون اظهار ایمان نمودند فرعون به آنان گفت: «قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلافٍ وَلَأَصْلَبَنَكُمْ أَجْمَعِينَ» (شعراء: ۴۹) «(فرعون) گفت: «آیا پیش از اینکه به شما اجازه دهم به او ایمان آورید؟! مسلماً او بزرگ و استاد شماست که به شما سحر آموخته (و این يك توطئه است)! اما بزودی خواهید دانست! دست‌ها و پاهاى شما را به عكس يكديگر قطع می‌کنم، و همه شما را به دار می‌آویزم!» امروزه نیز تهدید از ابزار متکبران برای ارباب شمرده می‌شود. بنابراین «رهبران دینی باید آماده‌ی سختی‌ها باشند.» (قرائتی، ۱۳۸۳: ۸ / ۳۰۷) مقام معظم رهبری، بدترین موقعیت برای یک کشور را ترسیدن مسئولین آن از اخم و تهدید و تشر دشمن دانسته و آن را اول بدبختی معرفی می‌نماید. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار

فرماندهان و کارکنان ارتش، ۳۰/۱۰/۱۳۹۶: [https://farsi.khamenei.ir/speech-  
content?id=۳۶۲۴۲](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۶۲۴۲) چرا که از موضع ترس با دشمن رو به رو شدن نتیجه‌ای جز ذلت و شکست نخواهد داشت. از همین رو یکی از اصول روابط بین‌الملل که در بیانیه گام دوم انقلاب به آن تصریح شده، اصل عزت است. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۲۲/۱۱/۱۳۹۷-[https://farsi.khamenei.ir/message-  
content?id=۴۱۶۷۳](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳))

#### ۱.۱-۵. با خشونت

خشونت یکی از عوامل ایجاد ترس است. ترسیمی که قرآن از فرعون ارائه می‌دهد، تصویر یک حاکم حيله‌گر و خشن است. قرآن کریم به تناسب بحث به مواردی از حيله‌گری و خشونت او اشاره می‌کند. به عنوان مثال ذیل آیه «وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ» (فجر: ۱۰) تفاسیر مختلف، به شکنجه‌گری او اشاره کرده‌اند. (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴/۷۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰/۲۸۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱۰/۷۳۹) همچنین سر بریدن پسران و زنده نگاه داشتن زنان بنی اسرائیل<sup>۱</sup> مواردی از این قبیل است. امروزه نیز گاهی خشونت ابزار جنگ نرم است یعنی یکی از اهدافی که دشمن با ارائه چهره‌ی خشن از خود دنبال می‌کند ایجاد رعب است. مقام معظم رهبری در نامه‌ای به عموم جوانان غربی، دنیای اسلام را قربانی وحشت‌افکنی و خشونت معرفی کرده است. (امام خامنه‌ای، نامه رهبر انقلاب به عموم جوان در کشورهای غربی، ۸/۹/۱۳۹۴: [https://farsi.khamenei.ir/message-  
content?id=۳۱۵۳۶](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۳۱۵۳۶)) بنابر این در جنگ سخت می‌بایست به اهداف نرمی که با آن تلفیق شده نیز توجه داشت تا با تحلیل درست، از صدمات کاسته، راه برون رفت مشخص گردد.

#### ۲.۱. همدلی و همزیانی منافقانه

۱. ر.ک: سوره بقره، آیه ۴۹

یکی از روش‌های همراه نمودن و در نهایت مطیع نمودن ملت‌ها، روش هم‌دلی و هم‌زبانی منافقانه با آنهاست. فرعون نیز این مطلب را به کار بسته است. او این بار نیز به سراغ عناصر هویتی جامعه بلکه از مهم‌ترین آنها که عبارت از دین باشد رفته است. «إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ». (غافر: ۲۶) «... من می‌ترسم که آیین شما را دگرگون سازد، و یا در این سرزمین فساد بر پا کند!» در طول تاریخ با لباس دین به جنگ دین آمدن روشی است که دشمنان در ضمن آن پیروزی‌های فراوانی به چنگ آورده‌اند. تجربه ثابت کرده آن جایی که تیزی شمشیر، بزآن نیست؛ تیغ نفاق برنده است. ریاکاری و رفتار منافقانه از مشخصات دشمن استکباری است که مقام معظم رهبری بارها به آن اشاره کرده و از آن به خطر بزرگ دنیا یاد کرده است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران اسلامی و خانواده‌های آنان، ۱۳۹۴/۷/۱۵: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۱۰۲۴>) دشمن با آنکه خود دچار مشکلات عدیده است خود را هم‌درد ملت‌ها معرفی نموده و با وعده‌ی حل مشکلات قصد فریب آنها را دارد. مقام معظم رهبری نیز به این مطلب اشاره کرده و بر آنها نهیب زده است. (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی ره، ۱۳۹۸/۳/۱۴: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۲۷۵۸>) از دیگر شگردهای سلطه‌گران هم‌زبانی با ملت‌هاست. چرا که «النَّاسُ إِلَىٰ أَشْكَالِهِمْ أَفْتِيلٌ». (صدوق، ۱۴۰۰: ۲۲۹؛ مجلسی، مختلف: ۹۲ / ۵۷) «مردم به همانند خود بیشتر از دیگران تمایل دارند.» مردم اغلب بیش از آنکه اهل باطن باشند اهل ظاهرند لذا تابع کسی هستند که حرف دل خود را از زبان او بشنوند، بی‌آنکه توجه کنند آنچه مدعی به زبان می‌راند حقیقت دارد یا نه؟ فرعون هنگامی که بنی اسرائیل را گرد می‌آورد تا برتری و هیمنه‌ی خود را به آنان بقبولاند آنها را با تعبیر «ای قوم من» مورد خطاب قرار می‌دهد تا بیشترین نتیجه‌ها را کسب کند. «و نادى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ...» (زخرف: ۵۱) «فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من!...» در سال‌های اخیر، آمارها حاکی از ارقام نگران‌کننده‌ای در مورد افزایش تعداد شبکه

های فارسی زبان است، که ۲۴ ساعته مشغول فعالیتند. حتی رئیس جمهور آمریکا به زبان فارسی عید نوروز را به ملت ایران تبریک می‌گوید. دشمن سعی می‌کند خود را هم زبان ملت نشان دهد تا او را از خود بدانند و به او اعتماد کنند. اما در واقع این همان دست چدنی است که با دست کش مخمل به سوی ما دراز شده است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱-<https://farsi.khamenei.ir/speech-1388/1/1>، [content?id=6082](https://www.khamenei.ir/content?id=6082)) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الشَّفَقَةُ مِنَ الْعُدُوِّ مُحَالٌ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق: ۵۸/۴) «شفقت از جانب دشمن محال است.»

### ۳.۱. هوچی‌گری و تمسخر

از خصوصیات بارز باطل، هوچی‌گری است. هوچی‌گری قدرت تعقل را از مخاطب سلب کرده و او را به سطحی‌نگری و اقدام عجولانه‌ی بی‌منطق تحریک می‌کند. نداشتن بینش عمیق، در شناسایی هوچی‌گری دشمن در برهه‌هایی از تاریخ صدمات جبران‌ناپذیری را سبب شده است. نمونه‌ی بارز این مسأله، سطحی‌نگری و لغزش خوارج در واقعه صقین است که بر کسی پوشیده نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ بَيِّنَاتٌ إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ» (زخرف: ۴۷) «ولی هنگامی که او آیات ما را برای آنها آورد، به آن می‌خندیدند!» و همچنین می‌فرماید: «قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ» (شعراء: ۲۷) «(فرعون) گفت: «پیامبری که به سوی شما فرستاده شده مسلماً دیوانه است!» تصور صحنه‌ای که دو آیه مذکور وقایع آن‌ها را بیان داشته است؛ درک هوچی‌گری و تمسخر موسی و آیین الهی او توسط فرعون و فرعونیان را بسیار ملموس‌تر می‌نماید. آن گونه که تفاسیر نیز می‌گویند حتی آن جا که فرعون از موسی با عنوان فرستاده‌ای که به سوی شما فرستاده شده نه خودش، تعبیر کرد، جنبه سخریه‌ای توأم با خودبرتربینی داشت. (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۲۱۱) مقام معظم رهبری وادار نمودن ملت به عقب‌نشینی را هدف دشمن از تمسخر و هوچی‌بازی (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۴/۱۰/۵-<https://www.khamenei.ir/content?id=6082>)

[//farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2779](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2779) معرفی می‌کنند. بنابراین تمسخر و

هوچی‌گری حربه‌ی دشمن است و نباید فریب خورد و احساس حقارت کرد.

#### ۴.۱. حمله به رهبران جبهه حق

همواره سریع‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه سرکوب نهضت‌ها، سرکوب رهبران آن است. امام سجاد علیه السلام نیز پراکندگی پیروان باطل را در پراکندگی رهبران آن‌ها دانسته و این‌گونه دعا می‌فرماید: «وَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ وَ نَكِّلْ بِهِمْ مَنْ وَّرَاءَهُمْ». «به پراکندگی ایشان دنباله‌های آنها را نیز پراکنده ساز و این‌ها را عبرت آن‌ها گردان». (صحیفه سجادیه، دعای ۲۷، ص ۱۸۰). چه بسیار نهضت‌هایی که با کنار رفتن یا از بین رفتن پیشوایان نشان اسمی از آنها نماند. فرعون برای رسیدن به هدفش این روش را نیز به کار بست. او برای مقابله با موسی سعی کرد او را در مقابل قومش تحقیر کند؛ لذا وقتی خودش را با موسی مقایسه کرد گفت: «أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَ لَا يَكَادُ يُبِينُ» (زخرف: ۵۲) «مگر نه این است که من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی‌تواند فصیح سخن بگوید برترم؟» او بدون اینکه از موسی نامی ببرد از او با لفظ تحقیر آمیز «این» یاد کرد و نیز با لفظ «مهین» او را از طبقه پست جامعه خواند که شایستگی پیشوایی ندارند. همچنین با اشاره به نقص جسمی او یعنی لکنت بر تحقیرهای خود افزود. علاوه بر تحقیر، فرعون و ملاءاش با تهمت، به مقابله با موسی رفتند. «وَ قَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ...» (زخرف: ۴۹) «وقتی گرفتار بلا می‌شدند می‌گفتند: «ای ساحر!...». بنابراین این هم رهبران دینی می‌بایست خود را آماده‌ی هدف قرارگرفتن توسط دشمن کرده و هم ملت‌ها پشتیبان رهبران خود بوده، در دام شایعه‌سازی‌ها در مورد رهبران خود واقع نشوند.

#### ۵.۱. انحراف ادراک

سطحی‌نگری و عدم بصیرت بالای خانمان برانداز جوامع است. قرآن کریم بارها مخاطبان‌ش

را به تعقل، تدبیر و اندیشه‌ورزی فراخوانده و از عدم تفکر بازداشته است.<sup>۱</sup> اما فرعون برخلاف روش قرآن کریم، انسان‌ها را به جای تعقل به سطحی‌نگری دعوت کرده و با این ترفند، ادراک آنها را از حقیقت، منحرف نموده است. «وَ نَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَ فَلَآ تُبْصِرُونَ» (زخرف: ۵۱) «فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی‌بینید؟» آن‌گونه که در آیه تصریح شده است فرعون مردم را تحمیق نموده و به جای دعوت به تفکر، به نگاه کردن خوانده است. چون بصیرت را کنار نهادن و بر اساس بصر قضاوت نمودن، حاصلی جز گمراهی نخواهد داشت. چیزی که در جوامع امروزی ما بسیار شایع است همین مورد است. سلطه‌گران همواره ملت‌ها را با اهداف حقیر و پستی که با افق دیدهای کوتاه قابل مشاهده است، سرگرم می‌نمایند تا حق حقیقی را درک ننموده و ترک نمایند. «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوا قَائِمًا...» (جمعه: ۱۱) «هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند؛ ...» دیدن تجارت و لهو نیازمند بصر است اما حقانیت نبی مکرم ﷺ بصیرت می‌طلبد. بنابراین «یکی از نکات مهمی که باید توجه داشته باشیم و توجه بدھیم مردم را، این است که فهم و ادراک ما آماج حمله‌ی دشمن است؛ یعنی دشمن سعی فراوانی می‌کند که ادراک ما را از واقعیت، فهم ما را از واقعیت منحرف کند.» (امام خامنه‌ای، گزیده‌ی از بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، <https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43597>) سلطه‌گران به خوبی می‌دانند اگر ملت‌ها بیدار شوند در مقابل آنها خواهند ایستاد لذا عقول آنها را از درک حقایق منحرف می‌سازند. علت دشمنی دشمنان با انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیز همین نکته است که ملت ما بیدار شدند و عزت خود را در استقلال و آزادی از بیگانگان مطالبه کرده و به پیروزی رسیدند و با پیشرفت‌ها و موفقیت‌های خود الگوی موفق از بیداری

۱... مانند: سوره بقره، آیه ۲۴۲، سوره مؤمنون، آیه ۸۰، سوره انبیاء، آیه ۶۷، سوره یونس، آیه ۱۰۰ و...



اسلامی به دنیا عرضه داشتند.

### ۱.۶. نادیده گرفتن پیشرفت‌ها و بزرگ‌نمایی نقطه ضعف‌ها

این روش از روش‌های شاخص دشمن، در مقابل ارائه همینه‌ی پوشالی خود به منظور ایجاد یأس در جامعه و ترغیب آنان به سمت خویش است. فرعون در مقابل برشمردن دو امتیاز حکومت مصر و مالکیت نیل برای خود، نقطه ضعف‌هایی برای موسی معرفی کرد که عبارت از فقر و دیگری لکنت زبان بود درحالی که ملاک برتری در فرهنگ اسلام در بیان قرآن و سیره معصومین تقواست. و نیز موسی در آن زمان هرگز لکنت زبان نداشت زیرا در ابتدای بعثتش از خدای تعالی درخواست فرمود: «وَ اخْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي» (طه: ۲۷) «و گره از زبانم بگشای؛» (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱ / ۸۶) یکی از اصلی‌ترین مأموریت‌های رسانه‌های معاند زمان ما نادیده گرفتن پیشرفت‌ها و بزرگ‌نمایی نقطه ضعف‌ها به منظور ترویج روحیه یأس و ناامیدی و سرخوردگی و در نهایت نارضایتی از حاکمان خودی و وادادگی و تسلیم در مقابل دشمنان است. از همین رو مقام معظم رهبری در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب نخستین توصیه را به امید و نگاه خوشبینانه به آینده اختصاص داده و راندن ترس و نومیدی از خود و دیگران را ریشه‌ای‌ترین جهاد معرفی کرده‌اند. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲-<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>). به عنوان نمونه معمولاً فیلم‌هایی برنده جوایز بین‌المللی می‌شوند که حاکی از فقر و بدبختی و عقب‌ماندگی ملت‌های مظلوم‌اند. و یا در زمینه بهداشت و سلامت، چنان به نشر اکاذیب و بزرگ‌نمایی نارسایی‌های محدود می‌پردازند که پیشرفت‌های شگفت‌انگیز ما علی‌رغم همه تحریم‌های ظالمانه و فشارهای حداکثری به چشم نیاید و ملت به جای احساس عزت، سرافکننده و ناراضی شوند.

### ۱.۷. چند قطبی‌سازی

از قدیمی‌ترین سیاست‌های سلطه‌گران، سیاست «تفرقه بیانداز و حکومت کن» است. تا

جایی که در برخی جوامع از آن به عنوان ضرب‌المثل استفاده می‌شود. طبق قرآن تفرقه افکنی و چند قطبی‌سازی از روش‌های استعماری فرعون بوده است. «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: ۴) «فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین از مفسدان بود!» رهبر معظم انقلاب مکرراً جامعه را به وحدت فرا خوانده و از تفرقه برحذر داشته‌اند. تفرقه افکنی اقتدار جامعه را می‌شکند و آن را در مقابل دشمن آسیب‌پذیر می‌نماید. در جامعه‌ای چون ایران با وجود گسل‌های فراوان، اهمیت حفظ وحدت به روشنی نمایان است. سوء استفاده دشمن در تحریک گسل‌ها و چند قطبی‌سازی، اخیراً در آستانه‌ی انتخابات‌ها شدت بیشتری پیدا می‌کند. توصیه‌ی رهبر انقلاب به نامزدهای انتخاباتی این است که «سعی کنند گسل‌های اعتقادی یا جغرافیایی یا زبانی یا قومی را تحریک نکنند؛ مراقب باشند! سال‌های متمادی است که دشمنان ما دارند روی این گسل‌ها کار می‌کنند.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسدار امام حسین ع، ۱۳۹۶/۲۰/۲۰ <https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۶۴۹۰>) دشمنان اخیراً غیر از گسل‌های مذکور، از جنسیت نیز به عنوان گسل سوء استفاده می‌کنند. از آنجایی که نیمی از جمعیت جوامع را زنان تشکیل می‌دهند، تحریک این گسل می‌تواند موازنه‌ی قدرت را به هم‌زده و زنان را ابزاری برای رسیدن قدرتمداران به اهدافشان نماید. مثال دیگر در این زمینه، تحریک گسل قومیتی عرب و عجم و گسل مذهبی شیعه و سنی توسط سلطه‌گران در بین کشورهای اسلامی و در داخل این کشورهاست که خسارات بی‌شماری به بار آورده است.

## ۸.۱. نیازسازی

هشتمین روش، نیازسازی است؛ که یکی از نتایج آن القای فرهنگ مادی است. قرآن کریم

در داستان مواجهه‌ی فرعون با موسی این سخنان فرعون را آورده است: «فَلَوْلَا أُلِّقِيَ عَلَيْهِ أَسْوَرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ» (زخرف: ۵۳) «(اگر راست می‌گوید) چرا دستبندهای طلا به او داده نشده، یا اینکه چرا فرشتگان دوشادوش او نیامده‌اند (تا گفتارش را تأیید کنند)؟!» از مواردی که فرعون برای نشان دادن ناکارآمدی رهبری الهی به جامعه القا کرد این دو مورد است: برخورداری از ثروت شخصی و همراهی قدرت ماورائی‌ای که قابل مشاهده باشد. در صورتی که رهبری الهی برای هدایت جامعه در مسیر سعادت، به هیچ کدام از این دو مورد نیازمند نبود؛ بلکه این فرعون بود که این نیاز را در ذهن مردم القا کرد. نیازسازی ترفندی است که دشمن به کار می‌گیرد تا روح استغنا را در ملت بخشکاند و آنها همواره در خود احساس کمبود و نیاز و حقارت کنند. نیازمندی کاذب، جوامع را به سوی پرتگاه طمع و مصرف زدگی و وابستگی و در نهایت تسلیم می‌کشانند. آن‌گونه که از کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام دانسته می‌شود، آنچه فرعون به زبان راند خلاف اهداف الهی است. خدای تعالی پیامبران را با عزم و اراده قوی گرچه با ظاهری ساده و فقیر، مبعوث کرد به گونه‌ای که قناعت آنان دل‌ها و چشم‌ها را پر می‌نمود. اگر پیامبران الهی دارای چنان قدرتی بودند که مخالفت با آنها امکان نمی‌داشت، اعتبار و ارزششان در میان مردم اندک بود و مردم با نیت‌های مختلف از جمله ترس و علاقه به مادیات به آنها می‌گرویدند در حالی که اراده‌ی الهی بر این بود که مردم با نیت خالص، تسلیم اطاعت الهی باشند و اهداف غیر الهی در ایمانشان راه نیابد. (ر. ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۸۹) نکته‌ی دیگری که از این سخنان فرعون دانسته می‌شود ماهیت مادی فرهنگ فرعون است که در صورت نفوذ، با اضمحلال هویت‌ها و تغییر جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها، آرمان‌های بلند مقدس را هدف قرار داده و دست نیافتنی می‌سازد. در جوامع کنونی نیز جایی که دشمن عرصه‌ی تقابل رو در رو را مناسب نمی‌بیند، نیروهایش را در این میدان پیاده می‌نماید. «فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هر جا وارد شود، هویت‌زدائی می‌کند؛ هویت ملت‌ها را از بین می‌برد. فرهنگ غربی، ذهن‌ها را، فکرها را مادی می‌کند، مادی پرورش می‌دهد؛ هدف زندگی می

شود پول و ثروت؛ آرمان‌های بلند، آرمان‌های معنوی و تعالی روحی از ذهن‌ها زدوده می‌شود. خصوصیت فرهنگ غربی این است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-۱۳۹۱/۷/۲۳-content?id=۲۱۲۵۲>) بنابراین یکی از روش‌های دشمن در مطیع نمودن مردم، نیازسازی است که طیفی از آثار سوء به دنبال خود دارد و پیامد نهایی آن وابستگی و فرمان‌پذیری است.

#### ۹.۱. استخفاف ملت

از منظر قرآن کریم این روش از مهم‌ترین راهکارهای به زانو درآوردن جامعه است. ملتی که تحقیر شود تن به هر ذلتی می‌دهد. قرآن کریم تصریح می‌کند که علت اطاعت بنی اسرائیل استخفاف و تحقیر آنان توسط فرعون بود. «فَأَسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ...» (زخرف: ۵۴) «(فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛...». این درحالی است که در فرهنگ اسلامی، انسان، برخوردار از کرامت ذاتی است. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء: ۷۰) «ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم؛...» بنابراین اصل کرامت جزء حقوق بشر به شمار می‌رود. از ویژگی‌های شخص کریم، عزت نفس است. چنین فردی، خود را بالاتر از آن می‌بیند که توسط زورمداران ستمگر مورد اهانت و تحقیر واقع شود. بر این اساس دشمن هرگز توان مقهور کردن ملتی را که در خود کرامت انسانی و عزت نفس را زنده نگه داشته‌اند ندارد. خودباوری و اعتماد به نفس از مهم‌ترین مؤلفه‌های استقامت در مقابل دشمنان است. تحقیر، انسان‌های ضعیف‌النفس را در مقابل مستکبران دچار خودباختگی و تسلیم می‌نماید. مقام معظم رهبری بارها از دمیدن روح خودباوری توسط امام خمینی رحمته‌الله علیه در ملت ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین علل پیروزی انقلاب اسلامی یاد کرده‌اند. ایشان تزریق روح اعتماد به نفس و خود اتکائی در ملت ایران را از مظاهر عقلانیت امام خمینی رحمته‌الله علیه برمی‌شمارد و آن را نقطه تحوّل ملت اعلام می‌کند. (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیست و

دومین سالگرد رحلت امام خمینی ره، ۱۳۹۰/۳/۱۴: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۲۵۹۵> اهمیت اعتماد به نفس، خود باوری و پرهیز از خودکم‌بینی تا جایی است که مقام معظم رهبری آن را ضامن پیشرفت کشور معرفی نموده و از خود کم‌بینی به بیماری بسیار خطرناک یاد کرده و از خدشه دار شدن اعتماد به نفس، تضعیف و متزلزل شدن آن در عرصه‌ی جنگ روانی و تبلیغاتی مصرّانه دشمن هشدار داده و ابراز نگرانی نموده‌اند. (امام خامنه‌ای، بیانات د ریدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3416>) بنابراین تقویت خودباوری یکی از عوامل بسیار اثرگذار در مبارزه با دشمنان است.

## ۲. ابزارها

با توجه به مقتضیات هر عصری مطاعان برای آنکه مردم را تحت فرمان خود درآورند از ابزارهایی بهره جسته‌اند. دراین جا به دو ابزاری که فرعون در این زمینه استفاده نمود اشاره می‌شود.

### ۱.۲. قدرت

قدرت زمانی ارزشمند است که در مسیر خدمت به خلق به کار گرفته شود. آیت الله خامنه‌ای در جایگاه رهبری، خود را خدمت‌گذار ملت معرفی نموده و قدرت را اگر با هدف خدمت به مردم باشد عبادت معرفی کرده است. (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۱۳۸۴/۵/۱۲: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۰۰>) بر خلاف سبک زندگی دینی، در سبک زندگی غیر دینی، قدرت، ابزاری برای چپاول ضعیفان محسوب می‌شود؛ همان‌گونه که در حاکمیت طواغیت از جمله فرعون چنین بوده است. از نظر مقام معظم رهبری سردمداران نظام سلطه ابزارهای قدرت را

دارند اما ابزارهای کنترل قدرت یعنی دین، اخلاق و شرف را ندارند. لذا هر کاری از دستشان بریاید می‌کنند. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۹۷/۷/۲۵>: ۴۰۷۲۵) بنابراین قدرت برای آنان ابزار سلطه‌گری است به همین خاطر در طول تاریخ نزاع‌های خونینی برای به دست گرفتن قدرت صورت گرفته است. در دنیای کنونی نیز این زورمداران صاحب قدرتند که با مدیریت اذهان و مهندسی افکار، هویت جوامع را ترور و حرّیتشان را صلب کرده و آن‌ها را به خدمت می‌گیرند.

## ۲.۲. رسانه

امروزه مهم‌ترین ابزار دشمن در پیش‌برد مقاصدش بهره‌مندی از رسانه است. «دشمنانی که نه امروز بلکه از چند دهه پیش، هویت و شخصیت و باور و رفتار و سبک زندگی اسلامی - ایرانی مردم خصوصاً جوانان را هدف قرار داده و با شیوه‌ها و ابزارهای متکی به فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای اعم از هنر و سینما و فضای مجازی و غیره، در صدد تهی کردن انقلاب از عقبه‌ی ایمانی و مردمی آن می‌باشند.» (امام خامنه ای، در حکم انتصاب حجت الاسلام محمد قمی به ریاست سازمان تبلیغات اسلامی، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۰۲۹۷>) فرعون نیز از این ابزار در جهت مطامعش سوء استفاده کرده است. هر چند رسانه به معنای کنونی در عصر فرعون بی‌معناست اما تریبون می‌تواند رساتر باشد. فرعون از تبلیغات عمومی بهره جست آنجا که قرآن کریم می‌فرماید: «و نَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ...» (زخرف: ۵۱) «فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من!...». تعبیر به «نادی» در مخاطب قرار دادن مردم توسط فرعون اشاره به انبوه جمعیت مخاطب دارد. حضرت موسی علیه السلام خدای تعالی را این‌گونه خطاب فرموده است: «فَقَالَ يَا رَبِّ أَقْرَبُ أَنْتَ مِنِّي فَأُنَاجِيكَ أَمْ بَعِيدٌ فَأُنَادِيكَ» (کلینی، ۱۳۶۲: ۲/۴۹۶) از اینجا مشخص می‌شود که عرب برای فاصله دور از واژه «ندا» استفاده می‌کند. و باز این

تعبیر و مشابه آن در جای دیگر قرآن آمده است که برای رساندن پیام خود مردم را جمع کرد: «فَحَشَرَ فَنَادَى» (نازعات: ۲۳) «و ساحران را جمع کرد و مردم را دعوت نمود».

نقش رسانه در دنیای امروز بسیار مهم و تعیین کننده است. «امروز رسانه‌ها در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسان‌ها را القاء می‌کنند و تعیین کننده هستند.» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار مدیران و برنامه سازان رسانه ای کشورهای مختلف، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۸۵/۲/۲۶>، ۳۳۴۰)

اهمیت رسانه آنجا روشن تر می شود که تمامی روش‌های پیش‌گفته دشمنی با کمک این ابزار به تحقق می‌پیوندند. به عنوان نمونه در مسأله نیازسازی، دشمن با ارائه فرهنگ اشرافی‌گری، مدپرستی و تجمل، مردم را به سوی مصرف‌زدگی کشانده و در لایه‌های عمیق‌تر، آنان را به این مسائل پوچ سرگرم نموده تا از آنچه بر سرشان می‌آید آگاه نگردند. رسانه‌های معاند که متأسفانه رسانه‌های داخلی را نیز در برخی موارد متأثر از عملکرد خود نموده‌اند، به صورت دائم نیاز به دیده شدن را در همه عرصه‌ها به مخاطب القاء می‌نمایند. لذا برخی مخاطبان به رفتارهای هنجارشکنانه در آن میادین پرداخته و تمام همت خود را مصروف نیاز کاذبی می‌نمایند که متضمن سعادت آنها نیست. دشمن با دروغ پراکنی‌های بزرگ و شایعه‌سازی، ارزش‌ها را تبدیل نموده و جای معروف و منکر را عوض می‌نماید. این حرکت به صورت خزننده با برنامه دراز مدت و تکرار و جلوه‌های پر زرق و برق و به طور دائم از رسانه‌ها به مخاطب عرضه می‌شود.

### ب) مطیع

از دیدگاه قرآن، در رواج و استقرار سبک زندگی غیردینی، جامعه هدف نیز بی‌تقصیر نیست. «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف: ۵۴) «فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ آنان قومی فاسق بودند!» با دقت در آیه، سهم مطیع در اطاعت از مطاع، روشن تر می‌شود. که در زیر به برخی از عوامل سرسپردگی مطیعان

خواهیم پرداخت.

### ۱. خود کم بینی

اولین نکته‌ای که از آیه دانسته می‌شود خودکم‌بینی است که یکی از عوامل مطیع شدن در برابر فرعونیان است. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد «تحقیر» در مقابل «تکریم» قرار دارد. اگر بنی اسرائیل جدای از شرافتِ خاندانِ یعقوبِ نبی بودن، حتی به کرامت انسانی خود واقف بودند هرگز ذلیل بشری زیون، چون خود، نمی‌شدند. مشکل از آن جایی آب می‌خورد که انسان‌های ضعیف‌النفس می‌پندارند جایی که موازنه‌ی قدرت وجود ندارد تکلیف ساقط است و برای آسودگی وجدان خود چنین می‌اندیشند که باید امر را به خدا تفویض نمود؛ در حالی که بر اساس قرآن کریم «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُهَيِّبْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.» و همچنین می‌فرماید: «... وَ لِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ...» (حج: ۴۰) «... و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛...» و البته در این مسیر از کمی عُدّه و عِدّه نباید ناامید و مأیوس شد چرا که «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۲۴۹) «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان) است.» بنابراین نمی‌توان تنها رفتار حقارت‌آمیز فرعون را علت سرسپردگی بنی اسرائیل دانست و ایشان را بی‌تقصیر معرفی نمود. زیرا نادیده گرفتن شخصیت و کرامت انسانی سبب پذیرش حقارت و عامل خودکم‌بینی است که نقطه مقابل عنصر پیش‌برنده‌ی خودباوری و اعتماد به نفس است. فرد خودکم‌بین بسیار آسیب‌پذیر و در واقع لقمه‌ی آماده بلعیده شدن توسط چپاول‌گران است. به همین سبب است که مقام معظم رهبری بارها با دعوت آحاد مردم و مسؤولان به اعتماد به نفس و خودباوری و پایبندی به شعار «ما می‌توانیم» تأکید کرده‌اند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار نخبگان جوان،



۱۳۸۵/۶/۲۵: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۵>) ایشان از شعار ما می‌توانیم به یک اصل یاد می‌کنند که از امام ع آموخته‌ایم. (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>) تاریخ چهل ساله انقلاب را اگر بنگریم هر جایی که از دشمن مأیوس شده‌ایم و یا مورد تحریم واقع شده‌ایم، در آن عرصه پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته‌ایم و هر جا که به انتظار نشسته‌ایم که دشمن مشکلات ما را حل کنند دچار زیان و عقب‌گرد شده‌ایم.

## ۲. فسق

دومین نکته‌ای که از آیه فهمیده می‌شود، این است که علاوه بر خودکم‌بینی، فسق عامل دیگر مطیع شدن در برابر ظالمان است. بر اساس قرآن کریم هر چند استخفاف ملت توسط فرعون سبب اصلی مطیع شدن آنان شد؛ اما اینکه آنان به این روز در آمدند و به زندگی ذلت بار تن در دادند، زمینه‌هایی داشت که در تعبیر قرآن کریم از آن به «فسق» یاد شده است. فسق خارج شدن از مدار شریعت و اعم از کفر است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶) فسق نمادهای فراوانی دارد. براساس قرآن کریم، نفاق در دایره فسق قرار دارد. «... إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (توبه: ۶۷) «... به یقین، منافقان همان فاسقانند!» و یا تکذیب آیات الهی از نمادهای فسق شمرده شده است. «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (انعام ۴۹) «و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، عذاب (پروردگار) بخاطر نافرمانی‌ها به آنان می‌رسد.» هر چند عنوان فاسق در عرف جامعه به گونه‌ای جا افتاده است که این توهّم را ایجاد می‌کند که عده‌ی کمی از افراد تحت این عنوان قرار می‌گیرند به این علت که هنوز این واژه قبح خود را در لغت بر خلاف میدان عمل حفظ نموده است، اما باید دانست که فسق، هم با انجام گناهان کم محقق می‌شود و هم با انجام گناهان بسیار. لکن در آنجایی که گناهان زیاد انجام می‌شود، معروف شده است. فاسق کسی است که ملتزم احکام شرع

است و اقرار به آن دارد اما همه احکام یا بعضی از احکام شریعت را به جا نمی‌آورد. (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶) فاسق هر چند بی‌دین نیست و تحت آیینی قرار دارد، اما به آداب و احکام آن دین پای‌بند نیست و این همان خروج از مدار شریعت است. از آن جایی که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ...» (آل عمران: ۱۹) «دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است...» خروج از دین‌مداری به معنای عدم تسلیم در برابر فرامین الهی است. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِذَا طَلَبْتَ الْعِزَّ فَاطْلُبْهُ بِالطَّاعَةِ». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش: ۱۸۴) «اگر جویای عزت هستی آن را در اطاعت [خدا] بجوی» بر این اساس ذلت و حقارت، نتیجه خروج از اطاعت الهی است.

قرآن کریم علاوه بر آیه‌ی مذکور در موارد دیگری نیز از قوم حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام به فاسقان یاد می‌کند از جمله در آیه: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَتُذُّونَنِي وَفَدَّ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (صف: ۵). «(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «ای قوم من! چرا مرا آزار می‌دهید با اینکه می‌دانید من فرستاده‌ی خدا به سوی شما هستم؟!» هنگامی که آنها از حق منحرف شدند، خداوند قلوبشان را منحرف ساخت؛ و خدا فاسقان را هدایت نمی‌کند!» بر اساس این آیه، آزار موسی عَلَيْهِ السَّلَام توسط قومش سبب ورود آنان در دایره‌ی فاسقان است. بنابراین ایذاء رهبران دینی توسط قوم خود، یکی از مصادیق فسق به شمار می‌رود. «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا» (احزاب: ۵۷) «آنها که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است. در جای دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا» (احزاب: ۶۹) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند؛ و خداوند او را از آنچه در حق او می‌گفتند مبرا ساخت؛ و او نزد خداوند، آبرومند (و گرانقدر) بود!» همچنین در بعضی از روایات می‌خوانیم: آنها که علی عَلَيْهِ السَّلَام و فرزندان او را آزار دادند مشمول این آیه‌اند «وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ

فِي عَلِيٍّ وَ الْأَيْمَةِ - كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۳۰۸) لذا بر اساس قرآن کریم در سوره صف، اذیت انبیایی چون حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام توسط قومش، برخاسته از فسق است، بنابراین در قرآن و روایات از ایداء پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه‌ی هدی با برشمردن پیامدهای وخیمی چون دوری از رحمت الهی در دنیا و آخرت و عذابی پست کننده، به شدت نهی شده است. «ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که این خطاب مخصوص مؤمنان زمان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نبود، ممکن است کسانی بعد از او قدم به عرصه وجود بگذارند اما کاری کنند که روح مقدسش آزرده شود، آئین او را کوچک بشمرند، زحمات او را بر باد دهند، مواردی او را به فراموشی بسپارند آنها نیز مشمول این آیه خواهند بود.» (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۷ / ۴۶۴) و از مواردی آن حضرت حکومت اسلامی به رهبری ولایت فقیه است که این مسأله را در شأن رهبری آن نیز می‌بایست رعایت نمود.

#### نتیجه

۱. در بحث استقرار سبک زندگی غیر دینی، اصل «پیش‌گیری آسان‌تر از درمان است»، اصلی است که باید در اهمیت آن بازنگری شود. تأکید مکرر مقام معظم رهبری بر تقویت مبانی معرفتی، نقطه‌ی عطفی است تا جامعه‌ی علمی کشور اعم از دانشگاهی و حوزوی با متمرکز شدن بر مبانی، در عینیت بخشیدن به آن، سرعت بیشتری به خود بگیرند و در این امر مسامحه نوزند.

۲. به مسأله‌ی تغییر سبک زندگی مردم بر اساس حاکمان، به دو زاویه می‌توان نگرست؛ که هر دو بسیار مهمند و نباید از آن‌ها غفلت شود. یکی عدم شایسته‌سالاری در پست‌های کلیدی است که مردم را در مسیر یک زندگی متعادل منحرف و مورد طمع و دست اندازی دشمنان قرار می‌دهد؛ و دیگری حاکمیت مجازی دشمنان است که با رسانه و نفوذ، شیوه‌ی زیستن مردم را به سمت اهداف شوم خود سوق داده و بر اندیشه و ایمان آنان حاکم می‌شوند.

۳. امروزه مهم‌ترین ابزار دشمن در تغییر سبک زندگی مردم، ابزار رسانه است. این در حالی است که در برهه‌ی کنونی جای تقابل رسانه‌ای با دشمن کم‌رنگ و در بسیاری موارد خالیست. البته تقابل رسانه‌ای با دشمن مراتبی دارد که در ساده‌ترین حالت می‌توان هنر متعهد را تقویت نمود، به اندیشه‌های جوان انقلابی میدان داد و در مقابل از مطرح شدن عناصر بیگانه از فرهنگ خودی، به عنوان الگوی جامعه اسلامی ممانعت نمود. در سطح کلان نیز مدیریت فضای مجازی، بومی سازی حکمرانی مجازی و به ثمر نشستن شبکه ملی اطلاعات می‌بایست به صورت انقلابی و جهادی محقق شود.

۴. این‌گونه نیست که دشمن یک باره سبک زندگی مورد نظرش را بر جوامع تحمیل کند بلکه خود جامعه با خودباختگی و خروج از مدار حق زمینه استقرار و ترویج سبک زندگی غیر دینی را فراهم می‌آورند. از همین رو خودسازی، مقدمه جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است. لذا باید برای درست نهاده شدن خشت اول، در جهت تقویت باورها، انقلاب فرهنگی به معنای واقعی صورت پذیرد.

۵. با دقت در سخنان فرعون مشخص می‌شود که روش برخورد او با مخالفانش متفاوت است. او نسبت به آحاد ملت زبان هم‌دلی و هم‌زبانی را به کار می‌برد؛ اما در مقابل نخبگان و رهبران جامعه، زبان تهدید را پیش می‌گیرد. لذا اگر کشور اسلامی ما توسط دشمن تهدید شود نباید مرعوب و مأیوس شود؛ بلکه باید بداند اینک در جایگاه پیشاهنگ بیداری اسلامی، در مرحله‌ای قرار دارد که با استقامت او، دشمن به ستوه آمده است. و این همان صبر بر نصرت خداست که یاری بندگان توسط خدای تعالی را در پی دارد و به دنبال خود فتح و پیروزی و در نهایت ایجاد تمدن نوین اسلامی را نوید می‌دهد.

۶. همه‌ی دردهای جامعه‌ی کنونی ناشی از دوری از قرآن کریم و علاج آن بازگشت به قرآن است. بر اساس داستان فرعون در قرآن و تطبیق آن بر جوامع امروزی مشخص می‌شود که دشمنان کنونی نیز در دستیابی به مقاصد سلطه‌گرانه‌ی خود روش‌های فرعون‌ی را به کار می‌بندند. مقام معظم رهبری در جهت خنثی کردن توطئه‌ی آنان، همه را به شناخت دشمن و

روش‌های دشمنی او فراخوانده است. ایشان، همچون دیدبانی بصیر افق‌های پیش روی جامعه را نگریسته و ملت را بر اساس آموزه‌های هدایت‌گر قرآن کریم در مسیر سعادت هدایت می‌نمایند. که می‌بایست همگان، شکرگزار این نعمت الهی باشند و از این فرصتِ مغتنم، نهایت استفاده را در تحقق آرمان‌های الهی بنمایند.

### فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ۱۳۷۹ش، ترجمه محمد دشتی، قم، چاپ سوم، الهادی.
- صحیفه سجادیه، ۱۳۸۶ش، ترجمه ابوالحسن شعرانی، قم، چاپ ششم، قائم آل محمد.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، ۱۴۰۴ق، من لا یحضره الفقیه، قم، جلد ۴، چاپ دوم، جامعه مدرسین.
- اربلی، محدث، ۱۳۸۱ ق، کشف الغمه فی معرفة الائمه، تبریز، جلد ۲، چاپ اول، بنی هاشمی.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی) (<https://farsi.khamenei.ir>).
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۳۶۶ش، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، چاپ اول، دارالکتاب الاسلامی.
- حرانی، ابن شعبه، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول عن آل الرسول، قم، چاپ دوم، جامعه مدرسین.
- دهخدا، علی اکبر، تیر ماه ۱۳۳۹، لغت نامه، تهران، جلد ۲۰، ۲۳ و ۲۸، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت، چاپ اول، دارالعلم الدارالشامیه.
- زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، جلد ۴، چاپ سوم، دارالکتاب العربی.
- شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، ۱۴۰۰ق، أمالی الصدوق، بیروت، چاپ پنجم، اعلمی.
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۶۸ش، شیعه در اسلام، قم، چاپ هشتم، دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جلد ۲۰، چاپ پنجم، دفتر

- انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، جلد ۱۰، چاپ سوم، انتشارات ناصر خسرو.
- عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، جلد ۴، چاپ چهارم، انتشارات اسماعیلیان.
- عمید، حسن، ۱۳۸۹ش، فرهنگ فارسی عمید، رهیاب نوین هور.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، تفسیر نور، تهران، جلد ۸، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲ش، الکافی، تهران، جلد ۲، چاپ دوم، اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر، مختلف، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، جلد ۵۷، چاپ مکرر، اسلامیة.
- مشکینی، علی، ۱۴۲۴ ق، تحریر المواعظ العددیة، قم، چاپ هشتم، الهادی.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۱ش، آموزش عقاید، تهران، جلد ۱، چاپ پنجاه و هشتم، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- معین، محمد، ۱۳۷۹، فرهنگ فارسی، تهران، جلد ۲، چاپ شانزدهم، امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیرنمونه، تهران، جلد ۱۵، ۱۷ و ۲۱، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیة.
- مهدوی کنی، محمد سعید، ۱۳۸۷، مفهوم «سبک زندگی» و گستره‌ی آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، ش ۱.

## آثار مبارزه با فساد اخلاقی جامعه در قرآن کریم و بیانات مقام معظم رهبری (دام ظلّه)

زینب طیّبی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - مرضیه شمس الدینی گورزانگی<sup>۲</sup> - زینب ذاکری<sup>۳</sup>

### چکیده

سالم سازی جامعه از آلودگی های اخلاقی، تعالی و تکامل جامعه را به دنبال خواهد داشت و جوامعی که جوّی سالم نداشته باشند، در سرایشی سقوط و اضمحلال قرار خواهند گرفت. هدف از پژوهش حاضر بررسی آثار مبارزه با فساد اخلاقی در جامعه از دیدگاه آیات قرآن کریم و بیانات مقام معظم رهبری با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است. یافته های پژوهش نشان می دهد عوامل زیادی می تواند جامعه را به سوی فساد سوق دهد؛ این در حالی است که ایده آل جامعه اسلامی، جامعه ای عاری از فساد و تباهی است. فساد اخلاقی به عنوان یک بلای عمومی در جامعه به شمار می آید و در صورت فراگیری می تواند بخش مهمی از جامعه را درگیر خود کند و خسارات مادی و معنوی زیادی را بر جامعه تحمیل نماید. نتایج تحقیق

۱. استادیار دانشگاه فرهنگیان، ztayybi62@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، marziyeshamsodini@gmail.com

۳. طلبه سطح ۲ مدرسه حضرت خدیجه علیها السلام، سیریک s.ahmadi\_t@yahoo.com



نشان داد مبارزه با فساد اخلاقی در جامعه آثار فردی مانند آموزش، بهره‌مندی از رحمت الهی، سعادت اخروی و... و آثار اجتماعی نظیر پرهیزگاری اجتماعی، راستی و درستی در جامعه، پاکدامنی افراد دارد.

کلیدواژه‌ها: مفسد اخلاقی، جامعه اسلامی، قرآن کریم، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

## مقدمه

فساد عبارت است از خارج شدن همه چیز از حد اعتدال و طبیعی خود، یعنی خارج شدن از وضع معمولی و طبیعی که مورد پسند باشد. فساد در هر زمینه ای باشد و به هر علتی که باشد نظم زندگی را به هم می‌ریزد و دچار اخلال می‌کند و آدمی را به سقوط و گناه می‌کشاند؛ و جامعه سالم را نابود می‌کند. فساد اخلاقی که همان اخلاق فاسد است؛ یعنی رفتارهایی غیرعادی و غیر مورد پسند عقل و اینکه خارج شدن از حد اعتدال رفتارهای آدمی است. پرداختن به مفاسد اخلاقی و مبارزه با آن‌ها از اهمیت و جایگاه بالایی در اسلام و جامعه برخوردار است. مسأله اصلی که در این پژوهش مطرح است چگونگی آثار مبارزه با مفاسد اخلاقی از منظر قرآن و بیانات مقام معظم رهبری یا تکیه بر گام دوم انقلاب است.

مبارزه با فساد یکی از مسائل حیاتی و مهمی است که بارها مورد تأکید رهبر کبیر انقلاب قرار گرفته است، ایشان می‌فرماید: «از جمله مهم‌ترین کارها مبارزه با فساد است، مبارزه با فساد یک جنبه اخلاقی محض نیست؛ اداره کشور متوقف به مبارزه با فساد است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس هفتم، ۸۳/۳/۲۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3235>)»

معظم له در بیانیه گام دوم انقلاب در مورد اخلاق می‌فرمایند: «اخلاق جهت دهنده همه حرکت‌های مادی و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است.» (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) همچنین ایشان در رابطه با تأکید داشتن جامعه‌ای سالم می‌فرمایند:

«با مردم هم صادق باشید؛ با مردم با تقلب و خدعه و فریب و دورویی برخورد نکنید. «صِدْقُ النَّاسِ» یعنی صدق عمل با مردم؛ انسان در مواجهه‌ی با مردم با صداقت وارد بشود، با کلک و دروغ و فریب و مانند اینها با مردم برخورد نکند. اگر

ما در مسائل گوناگون اجتماعی مان، سیاسی مان، انتخاباتی مان، و مانند اینها، همین یک مورد را مراعات کنیم، ببینید چقدر دنیا آباد خواهد شد». (امام خامنه ای، مراسم نظامی مشترک نیروهای نظامی مسلح در قزوین، ۱۳۹۶/۹/۲۶، <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1067>)

با توجه به اهمیت بحث اخلاق و مفاصد اخلاقی در جامعه اسلامی، کتابها و مقالات گوناگونی در زمینه مفاصد اخلاقی به رشته تحریر در آمده است، از جمله: مقاله «نقش فساد اخلاقی در انحطاط تمدن اسلامی در آندلس» نوشته حسین عبدالمحمدی و اسداله رحیمی (۱۳۹۷) که به بررسی علل انحطاط تمدن اسلامی در آندلس از جمله فساد اخلاقی پرداخته است. همچنین مقاله «سالم سازی جامعه از آلودگی های اخلاقی در حکایات قرآن» نگارش محمدحسین نوکنده (۱۳۹۴)، از دیگر آثار نگاشته شده مرتبط با موضوع نوشتار حاضر است. ایشان معتقدند، با حرکتی تدریجی، انقلابی فرهنگی، گسترش امر به معروف و نهی از منکر، مجازات منحرفان، طرد عوامل فساد و تباهی و نیز بهره جستن از شیوه های تربیتی گوناگون، می توان جامعه را از آلودگی های اخلاقی زدود.

با این حال مقاله مستقلی در این زمینه به رشته تحریر در نیامده است؛ از این جهت پرداختن به موضوع آثار مبارزه با فساد اخلاقی جامعه در قرآن با تکیه بر بیانات معظم انقلاب کاری نو و جدید است.

## مفهوم شناسی

### ۱. فساد

فساد در لغت به معنای تباهی و ضد صلاح به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱، جلد ۵، ۱۷۴). این واژه از لحاظ لغوی در فرهنگ معین به معنی تباه شدن، متلاشی شدن، از بین رفتن، خرابی و نابودی است و در اصطلاح سوء استفاده از قدرت به نفع منافع خصوصی است. فساد عبارت است از خارج شدن هر چیز از حد، اعتدال و طبیعی خود اعم از اینکه این

خروج در اندازه کم باشد یا زیاد، این مفهوم ضد صلاح به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۳۷۹).

## ۲. اخلاق

از منظر لغت شناسان، اخلاق جمع خلق به معنای گوناگونی همچون ویژگی ذاتی، حالت طبیعی، خوی فطرت، جوهره، طبیعت، سرشت، طبیعت (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ۸۶) و امثال آن آمده است. راغب اصفهانی می‌گوید «خلق» به فتح یا ضم در اصل به یک ریشه باز می‌گردد و تنها خلق به معنای هیئت و شکل و صورت ظاهری است که انسان با چشم می‌بیند و خُلُق قوا و سجایا و صفات درونی که با چشم دیده می‌شود، نه با دید ظاهری، و آن صفات در گفتار و رفتار فرد ظهور و بروز پیدا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۱۵۷).

در اصطلاح، اخلاق حالت نفسانی راسخ در نفس است که با پیدایش آن حالت، اعمال اخلاقی بدون زحمت و نیاز به تأنی و تأمل سر می‌زند. علمی که پیرامون صفات نفسانی بحث می‌کند، نیک و بد و خیر و شر را به انسان تعلیم داده، راه چگونگی زیستن را به او می‌آموزد، «علم اخلاق» نام دارد. موضوع دانش اخلاق، نفس و روح انسان است و هدف این دانش، پیراستن نفس از پستی‌ها، آراستن آن به فضایل و خصلت‌های اخلاقی، توجه دادن به خود شناسی و در نتیجه، رساندن انسان به کمال و سعادت است (الهامی‌نیا، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۵).

از منظر مقام معظم رهبری تعریف اخلاق عبارت است از: «رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمندان، راستگویی، تواضع و اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکوست» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷).

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

## تقسیمات اخلاق

اخلاق دارای بخش‌های گوناگونی است که هر یک به جهات متفاوت خودنمایی می‌کند و بوجود می‌آید. اما از یک نگاه، همه اخلاق به دویخش اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی تقسیم می‌شود.

## اخلاق فردی

منظور از اخلاق فردی آن دسته از فضایل و رذایل یا بایدها و نبایدهایی هستند که متعلق به خود افرادند، هرچند که ممکن است بازتاب اجتماعی نیز داشته باشند. اخلاق فردی محور اصلی در مباحث ارزشی است. تمامی اقسام اخلاق به یک معنا جنبه فردی دارند و در حقیقت به اشخاص برمی گردند؛ زیرا اگر افراد به فضایل اخلاقی آراسته گردند، جامعه سالم و متعادلی به وجود می آید. افراد تشکیل دهنده یک جامعه هستند پس فرد با خودسازی می تواند در تشکیل جامعه با فضیلت نقش مؤثری را ایفا کند. به همین دلیل ملتی نیرومند خواهد بود که دارای افراد نیرومند و با نشاط و دارای اخلاقی نیکو باشند. در نتیجه اخلاق فردی نقش بسزایی در پیشرفت جامعه دارد و افراد جامعه را از انحرافات و مفاسد باز میدارد و افراد را به سوی نیکی و پرهیز از پلیدی سوق می دهد (بشر، ۱۳۹۲، ۵۶-۵۷).

## اخلاق اجتماعی

بدون تردید به همان اندازه که افراد ممکن است به گناه و رذایل اجتماعی آلوده شوند، جامعه نیز به ناهنجاری های اجتماعی و فسادهای اخلاقی آلوده خواهد شد. چه بسا ضرر و زیان ناشی از آلودگی های اجتماعی به مراتب بیشتر و عمیق تر از نا به سامانی های فردی و اجتماعی و شخصی باشد. به همین علت اصلاح جوامع و امت ها مهم ترین هدف ادیان الهی بوده و بعثت انبیا با تعلیم و تربیت و تزکیه نفوس انسان ها گره خورده است. حضرت آیت الله خامنه ای، برخورداری از ارزش های اخلاقی اسلام را بدین معنا تفسیر کرده اند که روح فضیلت و پرهیزکاری و وارستگی و بردباری و اجتناب از شهوات ممنوع و دوری از حرص و آز و دنیا طلبی و حق کشی و نامردی و مال اندوزی و روی آوردن به خلوص و پاکی و پارسایی و دیگر خصلت های اخلاقی در جامعه رواج یابد و به صورت ارزش های اصلی به حساب آید (امام خامنه ای، خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۴/۲۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2142>).

در آیات وحی آمده است: «لقد من الله على المؤمنين اذا بعث فھیم تعلیم الکتاب و الحکمة» (آل عمران: ۱۶۴) خداوند بزمومنان نعمت بزرگی بخشید هنگامی که در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن ها بخواند و آن ها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد.

برخی مفسران برآنند که تلاوت آیات الهی و تعلیم و کتاب و حکمت که در آیه شریفه آمده است، مقدمه ای بر مسئله تزکیه نفوس و تربیت انسان ها و همان چیزی است که هدف اصلی علم اخلاق را تشکیل می دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۳، ۱۵۹). در یک تقسیم بندی کلی از افعال و رفتار انسان ها را می توان به دو دسته ارزشی یا اخلاقی و غیر ارزشی یا غیر اخلاقی تقسیم نمود. منظور از افعال ارزشی کارهایی است تحسین برانگیز و گران مایه و افعال غیر ارزشی که نه تنها بد است و ارزشی ندارد بلکه ممکن است نفرت انگیز و نکوهیده نیز باشد. نمونه این رفتار را می توان در تملق گفتن از قدرتمندان و سلاطین به طمع کسب جاه و مقام دید، رفتاری که ضد اخلاق محسوب می شود. بر این اساس انسانی در برابر افعال اخلاقی ارزشمند ارزشمند، خضوع و احترام می گذارد، هرچند خود نتواند به آن ها عمل کند. این دسته از اعمال موجب ظهور تجلی ملکات و عبادت های راسخ نفسانی شود که حکم زیربنایی برای افعال اخلاقی آدمی دارند. (پهلوانی، ۱۳۹۵، ۴۵)

مقام معظم رهبری در بیان جایگاه و اهمیت اخلاق اجتماعی می فرمایند:

«ما چقدر احتیاج داریم به اخلاق معاشرتی با یکدیگر... هم اخلاق فردی خودمان، اخلاق شخصی خودمان بایستی تهذیب بشود و رشد و علو پیدا بکند، هم اخلاق معاشرتی مان، رفتارهایمان با مردم، مثل گذشت، مثل ایثار، مثل صداقت، مثل اخوت، برادری و از این چیزها. خوشبختانه در تاریخ شعر ما، در این زمینه خیلی حرف هست، خیلی اشعار عالی سروده شده و این گفتمان سازی باید ادامه پیدا کند؛ همچنین در زمینه های گوناگون که عرض کردم؛ مثل مقاومت». (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب، ۹/۳/۹۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39752>)

بدون تردید، مسایل مرتبط با اخلاق فردی و به ویژه اخلاق اجتماعی، مسائلی فصلی و زودگذر نیست و افراد و جامعه اسلامی نیازمند تحول اخلاقی است. به تعبیر مقام معظم رهبری، یک عادت اجتماعی یا یک مشقت عادت های اجتماعی را در ملتی به وجود آورده اند یا در آن تزریق کرده اند و سالها لازم است که یک عادت زشت برطرف شود و یک عادت خوب در جان یک ملت ریشه دواند (امام خامنه ای، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۳ / ۱۳۷۴/۱ - [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2744) (content?id=2744).

معظم لخ در تعریف تحول اخلاقی آورده است:

در جامعه ای که حسد و بد دلی و کینه نباشد، اگر کسانی صاحب فکرند، آن فکر را در راه توطئه برای دیگران و تقلب با دیگران بکار نبرند، اگر کسانی دارای سواد هستند مانند آن را در راه ضرر زدن به مردم و کمک کردن به دشمنان مردم بکار نبرند. بلکه همه افراد انسان در یک جامعه به یکدیگر خیرخواه باشند، به بهای نابودی دیگران، زندگی خود را سروسامان ندهند و دست یافتن به همه چیز را نخواستند، این تحول اخلاقی است (امام خامنه ای، بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱/۱/۱۳۷۶ - [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2830) (content?id=2830).

در اینجا مناسب است به راه های تحول اخلاقی و پیشگیری از مفاسد اخلاقی در جامعه اسلامی پرداخته شود.

### راه های پیشگیری از فساد

برخی از موارد سالم سازی جامعه از مفاسد اخلاقی عبارتند از:

#### ۱. عبودیت و بندگی

نخستین راه سالم سازی جامعه اسلامی و پیشگیری از مفاسد اخلاقی، یاد خدا و عبودیت و بندگی است. در منظومه فکری مقام معظم رهبری، هدف پیامبران، کشاندن مردم به صراط

مستقیم است و صراط مستقیم به معنای عبودیت و بندگی است: «و ان اعدونی هذا صراط مستقیم» (یس: ۶۱). حضرت آیت الله خامنه ای برآنند که باید مردم را به عبودیت الهی که همان صراط مستقیم است، سوق داد. ایشان می فرمایند: «البته این عبودیت، در زمینه اخلاق، در زمینه عمل فردی و در زمینه عمل اجتماعی کاربرد دارد که وقتی بحث عمل اجتماعی پیش آمد، آن وقت بحث های سیاسی، تحلیل های سیاسی - تبیین سیاسی - هم در حوزه کار شما قرار می گیرد» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۶/۱۰/۳، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2867>).

## ۲. مبارزه با رهبران باطل

از آنجا که نبض هر جامعه در دست گروه هایی حاکم است بنابراین هر برنامه اصلاحی و انقلابی اول باید آنها را هدف گیری کرد. اینکه در قرآن حضرت موسی در درجه اول به سوی فرعون و ملاء او مبعوث می شود علاوه بر اینکه یکی از برنامه های موسی نجات قوم بنی اسرائیل از چنگال فرعونیان بود، این بدون گفت وگو و پنجه در پنجه فرعون افکندن امکان پذیر نبود و اینکه مفاسد و انحراف های اجتماعی تنها با اصلاحات فردی و موضعی چاره نخواهد شد. بلکه باید سردمداران جامعه آن هایی که نبض، سیاست، اقتصاد و فرهنگ را در دست دارند در درجه اول باید اصلاح گردند تا زمینه را برای اصلاح بقیه فراهم گردد و در نتیجه جامعه سالم خواهیم داشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۶، ۲۸۰).

مقام معظم رهبری درباره رهبران باطل می فرمایند: «بشر در طول تاریخ بیشترین خطا و گنهکاری و بی تقوایی را در عرصه حکومت داری نشان داده است. گناهایی که از سوی حاکمان و زمامداران و سلطان بر سرنوشت مردم سر زده با گناهان بسیار بزرگ افراد معمولی قابل مقایسه نیست» (امام خامنه ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۰/۱۲/۲۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3111>).

## ۳. تقویت عقل و اندیشه

عقل و خرد همیشه راه خوبی برای مبارزه و پیشگیری از وقوع فساد اخلاقی و نابودی فرهنگی



جامعه بوده است. اندیشه و تفکر در مخلوقات و مصنوعات حق، و عظمت هستی و قوانین حاکم بر آن، و تعقل در ساختمان آسمان‌ها و زمین و ساختمان نباتات و حیوانات و ساختمان شگرف و اعجاب‌انگیز بدن و حالات روانی انسان برای رسیدن به خالق هستی و ایمان و اعتقاد به او و صفات و افعال حضرتش از اعظم عبادات و مهم‌ترین حرکات معنوی است. اندیشه سبب رشد و کمال، تربیت، دست یافتن به حقایق، تغییر مجهولات به معلومات، پختگی عقل و ضامن خیر دنیا و آخرت انسان است. (انصاریان، بی تا، ج ۳، ۱۶۶)

#### ۴. شناخت عوامل فساد

یکی دیگر از راه‌های پیشگیری از فساد و به ویژه فساد اخلاقی شناخت عضوهای فاسد و منشاء فساد است. چرا که اگر عوامل فساد تشخیص داده شوند این عوامل اعم از اصولی که بر اجماع حکمفرما است از قبیل: طرز اصول، اقتصادی اجتماعی و افرادی که دخالت دارند در حفظ آن اصول. بدیهی است تا زمانی که کانون‌های فساد و تباهی در جامعه وجود داشته باشد نمی‌توان جامعه را از گناه و آلودگی‌ها پاک کرد.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرمایند: «بدانید هرگز به راه سعادت این حق پی نخواهید برد تا کلی را که آن را واگذشته از آن پیروی ننموده بشناسید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷)

#### ۵. ترویج امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از مفسدات امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن کریم کسانی را که نسبت به فساد محیط خود بی تفاوت هستند و سر در لاک خود دارند و نسبت به اعمال زشت دیگران حساسیتی به خرج نمی‌دهند مطرود و ملعون انبیاء خود خوانده است می‌فرماید: لعن الذین کفروا بنی اسرائیل علی لسان داوود و عیسی بن مریم ذلک بما عصوا و کانوا لایتناھون عن المنکر فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون. ۱. کافران بنی اسرائیل بر زبان داوود و عیسی بن مریم لعن و نفرین شدند این به سبب آن بود که گناه کرده اند و تجاوز نموده اند آن‌ها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند یکدیگر را نهی نمی‌کردند. علاوه بر آیات

فراوان قرآن کریم احادیث زیادی از منابع معتبر اسلامی درباره اهمیت وظیفه بزرگ اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر و فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آن ها بر پا می شوند و به وسیله این دو راه ها امن می گذراند و کسب و کار مردم حلال می شود، حقوق افراد تأمین می گردد و در سایه آن سرزمین ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می شود و در پرتو آن همه کارها روبراه می گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۴، ۲۷۰)

### ۶. آزادی بی قید و شرط غرایز عامل فساد و تباهی

آزادی بی قید و شرط غرایز و شهوات با تعالی معنوی و حیات اجتماعی پیشرو خلاصه با زندگی شایسته انسان ناسازگار است. زیرا موجب اختلال نظام و ناامنی و هرج و مرج می شود و جامعه را به فساد و تباهی می کشاند. انسانیت انسان را سرکوب می کند و انسان ها را به انحطاط و پستی سوق می دهد. زیرا عقل تا حدی می تواند از طغیان غرایز جلوگیری نماید، ولی در برابر دیو شهوت، به سان گاهی است در برابر امواج کوبنده دریا، و یا چراغ کوچک و کم سویی است در برابر دره ای ظلمانی و تاریک. (سبحانی تبریزی، ۱۳۷۷، ۱۵)

### آثار مبارزه با فساد اخلاقی

مبارزه با فساد اخلاقی ثمرات و آثار زیادی در جهت فردی و اجتماعی به دنبال دارد:

### الف) آثار فردی

#### ۱. آموزش

یکی از آثار مبارزه با مفاسد اخلاقی آموزش گناهان است. انسان اگر از گناه و آلودگی ها دوری کند خداوند متعال گناهان او را می بخشد، همانطور که خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ» (اگر اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) ایمان آورده و تقوا پیشه کنند، قطعاً گناهانشان را می بخشیم و آنان را به باغ های پر نعمت بهشت وارد می کنیم). (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۲، ۳۳۳)

مقام معظم رهبری می فرماید: «طلب آموزش از خدای متعال یکی از نعمت های بزرگ الهی است، یعنی خداوند متعال باب توبه را به روی بندگان باز کرده تا آن ها بتوانند در راه کمال

پیش بروند و گناه زمین گیرشان نکنند». (، امام خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه

تهران ۲۸/۱۰/۱۳۷۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3111>)

## ۲. بهره مندی از رحمت خداوند

یکی دیگر از آثار مبارزه با فساد اخلاقی بهره مندی از رحمت خداوند است: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ حَوْفًا وَقَطْمَعًا ۗ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف: ۵۶) و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید و او را با بیم و امید بخوانید زیرا رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است. در این آیه وظیفه بندگان در رابطه با یکدیگر و نیز در رابطه با خداوند بیان می شود. ابتدا دستور می دهد که به اصلاح مردم و ریشه کن نمودن ظلم و از بین بردن آن مستلزم بودن به تقوی چون حقیقت این چیزی جز اصلاح شئون زندگی مردم و رفع مظالم و از بین آنان نیست. فساد در زمین اقسام بسیاری دارد، قسم اول فساد در زمین تبلیغات سوء که مسلمین را از جاده منحرف می کند، قسم دوم جلوگیری از طاعت و عبادت، وظایف دینی و سوق به معاصی و اشاعه فحشا، قسم سوم ظلم چپاول و غارت.

## ۳. احسان

احسان و نیکوکاری به افراد جامعه خود موجب رفع فساد است. این معنا را می توان در آیه ۷۷ سوره قصص به دست آورد و آن را به عنوان یک شیوه قرآنی در مبارزه با فساد مطرح کرد. مقام معظم رهبری در مورد احسان و نیکوکاری می فرمایند: اگر کسی به شما نیکی کرد، شما هم در مقابل به او نیکی کنید. این طور نباشد که نیکی دیگران را اهمال و احیاناً با بدی پاسخ دهیم. احسان و کارهای نیک باید بین خود انسان و خدا بماند (امام خامنه ای، بیانات رهبری در ابتدای درس خارج از فقه درباره صفت های برجسته اخلاقی <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41955>، ۲۱/۱۲/۱۳۹۷).

## ۴. سعادت اخروی

یکی دیگر از آثار اجتناب از گناه سعادت اخروی است، خداوند در قرآن می فرماید: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص:

۸۴) ما در این دار بهشت ابدی آخرت را برای آنان که در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند مخصوص می گردانیم و حسن عاقبت خاص پرهیزکاران است. همانطور که در قرآن بیان شد دوری از فساد حسن عاقبت است. که همان رسیدن به سعادت اخروی است و فردی که از گناه دوری می کند به چنین سعادت دست می یابد. کسی که به خداوند متعال اعتقاد دارد و به توحید و یگانگی او معتقد است به سراغ گناه نمی رود. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: اگر توحید با همان معنای واقعی که اسلام آن را تفسیر کرد همه پیامبران حامل آن پیام بودند از زندگی جامعه مسلمانان و بشری تحقق پیدا کند به سعادت حقیقی و رستگاری دنیوی و اخروی خواهید رسید. (امام خامنه ای، بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۷/۲، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3196>)

### آثار اجتماعی مبارزه با فساد

مبارزه با فساد آثار اجتماعی نیز دارد که بعضی از این آثار عبارتند از:

#### ۱. پرهیزکاری

روح حاکم بر جامعه اخلاقی پرهیز و تعهد است. کرامت اخلاقی و عزت نفس انسانی از آثار تقوا است. پرهیزکاری مردم نمی گذارد که بیمارداران و بدسیرتان آنان را به ذلت و زبونی بکشند و با ترساندن و به آزار انداختن آنان را به انحراف بکشانند. خط و مشی در جامعه اخلاقی به گونه ای ترسیم می شود که زمینه های لغزش، دروغ و نیرنگ از بین می رود. اساس کار بر تعهد و پرهیزکاری پی ریزی می شود و برتری های دیگران از آن پدیدار می شود.

اگر سنگ زیرین جامعه بر تقوا، تعهد گذارده شده و بنیان جامعه بر این کمال ها استوار گردد اجتماع از گزند ها به دور خواهد ماند و از هرگونه ضد ارزش در امان خواهد بود زیرا تقوا دژی فولادین دنیا هنگامی است امن که می تواند سیل ویرانگری ها، پستی ها و زشتی ها را مهار و از آفت ها و مفسد اخلاقی جامعه جلوگیری کند.

#### ۲. راستی و درستی

جامعه اخلاقی جامعه ای است که به راستی و درستی بناگردیده، رهبران راستگو و مسئولان

و مردمان درست کردار در چنین زیستگاهی بسیارند. در جامعه ای که راستی و درستی کم رنگ گردد و نیز کلک و خیانت رواج یابد طبیعی است که دیگر ارزشها نیز گرفتار آفت خواهد شد. جامعه سالم و صالح نیازمند سرمایه هایی است که آسودگی خاطر همگانی که مهم ترین آن است. اگر این سرمایه حیاتی به خاطر دروغ و نیرنگ و تجاوز به حقوق دیگران از بین برود راه های انحراف و مفسد اخلاقی باز می شود و راه خیر و رستگاری اجتماع را می بندد. (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، ج ۶۷، ۵)

### ۳. پاک دامنی و آزم

پاک دامنی و آزم یکی دیگر از آثار مبارزه با مفسد اخلاقی است که آثار روشن و جلوه های زیبای جامعه اخلاقی است. پاکی در کلام پاکی در شکم و بهره برداری است از نیروهای شهوانی نشانگر سلامت نفس و پاکی روح است. اگر همه افراد جامعه به این سوی حرکت کنند دامن خویشتن را از رذایل و زشتی ها پاک گردانند جامعه اخلاقی شکل می گیرد. در روایات اسلامی در زمینه پاک دامنی می فرمایند: «لَا تَكْمُلُ الْمَكَارِمُ إِلَّا بِالْعَفَافِ» کسی که در جایی زندگی دامن خود را پاک نگه دارد و در برابر هوس های سرکش ایستادگی کند چون رزمنده ای است که در گرما گرم نبرد و آتش سنگین دشمن افزون بر دفاع از مواضع خود با چابکی و زبردستی جان سالم به در برد. امام علی علیه السلام می فرمایند: «کاروکسب همراه با پاکدامنی بهتر است از ثروت همراه با گناه. (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴). مقام معظم رهبری نیز در زمینه پاک دامنی می فرمایند: «پاک دامنی نقش تعیین کننده ای در سالم سازی جامعه اسلامی دارد.» (امام خامنه ای، بیانات رهبری در ابتدای درس خارج از فقه درباره صفت های برجسته اخلاقی ۱۳۹۷/۱۲/۲۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech->، [content?id=41955](https://farsi.khamenei.ir/speech-)).

### ۴. گناه زدایی

یکی دیگر از آثار اجتماعی مبارزه با مفسد اخلاقی گناه زدایی در جامعه است. وقتی با

گناهی مبارزه شود آن گناه از سطح جامعه زدوده می شود، چون گناه کدورت آور و میل و رغبت آدمی به کارهای نیک و خدایی کاهش می دهد عبادت و بندگی و به یاد خداوند بودن وجدان مذهبی انسان را پرورش می دهد، و میل و غبت به کار نیک را افزون می کند و از میل و رغبت به شر و فساد و گناه می کاهد. مقام معظم رهبری می فرمایند: «گناهان ضربه ای به روح انسانی، صفای انسانی، معنویت و اعتزاز روحی می آورند و شفافیت روح انسان را از بین می برد، گناهان در زندگی انسان علاوه بر این جنبه های معنوی عدم موفقیت ها نیز به بار می آورد.» (امام خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2823>)

همانطور که گناهان کدورت و آلودگی به بار می آورند عبادت و بندگی و به یاد خدا بودن صفا و صمیمیت را به جامعه می آورد، بعضی تیرگی ها ناشی از گناهان را ذایل می گرداند و میل و رغبت به خیرونیککی ما جایگزین آن می شود. (مطهری، ۱۳۵۴، ج ۱، ۹۶)

### نتیجه گیری

فساد اخلاقی از دو واژه فساد و اخلاق ترکیب شده که شاخصه اصلی فساد شمرده شده است و باعث بدبختی و عقب ماندگی جامعه می شود و تأثیر بسیار زیادی بر روی افراد جامعه نیز دارد. مبارزه با فساد به ویژه مبارزه با فساد اخلاقی از جمله وظایفی است که مردم در یک جامعه نیز در برابر آن احساس مسئولیت می کنند و در راستای سلامت جامعه از این معطل تلاش کنند. این مبارزه آثار بسیار زیادی دارد مانند پرهیزکاری، راستی، درستی و پاک دامنی در جامعه، که اگر در مسیر درست خود به کار برده شود جلوی بسیاری از انحرافات و مفاسد را می گیرد. جامعه را از نابودی و سقوط نجات می دهد. اگر جامعه ای این مؤلفه ها در آن به کار گرفته شود دیگر هیچ فساد و تباهی در آن جامعه شکل نمی گیرد و مبارزه با مفاسد اخلاقی نقش اساسی در تحول جامعه سالم خواهد داشت. زشتی ها و پلیدی ها جای خود را به خوبی ها و نیکی ها می دهند.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم: مشهور، ۱۳۸۰ ش.  
ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، بیروت، چاپ سوم، دار صادر  
انصاریان، حسین، بی تا، تفسیر حکیم، قم، جلد ۳، دارالعرفان  
الهامی نیا و همکاران، علی اصغر، ۱۳۹۲، اخلاق اسلامی، بی نا، جلد ۱، بشر  
بعلی برجی، یعقوب، ۱۳۹۴، اخلاق پیامبران در قرآن، تهران، جلد اول، چاپ چهارم، نشر  
تهران سازمان تبلیغات اسلامی

پهلوانی، احمد، ۱۳۹۵، سجاده خورشید، قم  
جوادی نیا، حسین، ۱۳۹۶، امر به معروف و نهی از منکر در آثار شهید مرتضی مطهری، تهران،  
جلد اول، چاپ دهم، انتشارات صدرا

حیدری فراقی، محمد، ۱۳۸۸، رساله حقوق امام سجاد شرح نراقی، قم  
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، نشریه حوزه، قم، شماره ۶۷  
دیلمی، احمد و دیگران، ۱۳۸۳، اخلاق اسلامی، قم، جلد دوم، چاپ بیست و پنجم، دفتر  
نشر معارف

راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، المفردات فی غریب القرآن، بی نا، چاپ دوم، دفتر نشر کتاب  
سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۷۷، نظام اخلاقی اسلام، قم، چاپ هشتم، بوستان کتاب  
(انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

شیرازی، محمد، ۱۳۷۸، کتاب اخلاق اسلامی، قم، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات رشید  
طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، ترجمه محمدرضا صالحی و دیگران،  
جلد چهارم، نشر فرهنگی رجاء

قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، تفسیر سوره نور، تهران، جلد اول، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی

درسهایی از قرآن

قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، تهران، جلد ۵، چاپ ششم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه

مباران، محمد، ۱۳۸۳، درسنامه علم و اخلاق، تهران، جلد اول، چاپ دوم، نشر سنابیل  
مطهری، مرتضی، ۱۳۵۴، سیری در نهج البلاغه، قم، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات صدرا  
مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، ۱۳۷۳، تفسیر نمونه، قم، جلد ۳، چاپ دوم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، اخلاق در قرآن، قم، جلد ۱، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام

، ۱۳۸۶، یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، جلد ۴



---

## آسیب شناسی سبک زندگی اسلامی بر اساس آموزه های قرآن ورویات با محوریت بیانیه گام دوم

---

محمد سحرخوان<sup>۱</sup>

### چکیده

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم در موضوع سبک زندگی، نمایانگر آن است که ایشان بسیار به «وضع اجتماعی» و «مناسبات و احوالات مردم در لایه ی اجتماعی» نظر دارند و دغدغه‌ها و ملاحظه‌هایشان محدود به مسائل سیاسی نیست. موضوع این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی صورت پذیرفته است «آسیب شناسی سبک زندگی اسلامی بر اساس آموزه های قرآن با محوریت بیانیه گام دوم» است. زیرا تنها معرفی سبک زندگی اسلامی کافی نیست بلکه لازم است به طور شفاف مطرح شود که چه اموری از سبک زندگی اسلامی نیست و آسیب های سبک زندگی چیست؟ از جمله آسیب های بدست آمده در این پژوهش در زمینه های فرهنگی: تقلید از بیگانه، قانون گریزی و زمینه های قانون گریزی، خرافه گرایی؛ در زمینه های اخلاقی: تملق و چاپلوسی، دروغ گویی؛ در زمینه های رفتاری: رفاه طلبی، پیمان شکنی، خیانت و بی تفاوتی نسبت به مسائل جامعه؛ در موضوعات اقتصادی: کسب در آمد حرام، رشوه خواری، رباخواری و تنبلی

---

...۱ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی m.saharkhan@isca.ac.ir

وسستی؛ در موضوعات جنسی است: تبعیت از تمایلات جنسی، آزادی های جنسی و اباحی گری است. برخی از راهکارها مانند: خدا باوری، معاد باوری، نماز و تقوای الهی برای پیشگیری از آسیب های سبک زندگی و مقابله با سبک زندگی غربی مطرح شده است.

کلید واژگان: سبک زندگی، بیانیه گام دوم، آسیب شناسی سبک زندگی، راهکارهای اصلاح سبک زندگی

## مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در میان هزاران نفر از دانشجویان، دانش آموزان و دیگر جوانان خراسان شمالی، «سبک زندگی» را بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن سازی نوین اسلامی خواندند و با دعوت از نخبگان و صاحبان فکر و اندیشه برای «پرداختن به این مفهوم مهم و آسیب شناسی وضع موجود سبک زندگی در ایران و چاره جویی در این زمینه» تأکید کردند: پیشرفت در علم و صنعت و اقتصاد و سیاست که بُعد ابزاری تمدن اسلامی را شکل می دهد وسیله ای است برای دستیابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی.

رهبر انقلاب اسلامی، در تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی، به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیطهای مختلف، اشاره کردند و افزودند: در واقع سبک زندگی به همه مسائلی بر می گردد که متن زندگی انسان را شکل می دهند.

رهبر انقلاب اسلامی، آسیب شناسی و علت یابی در زمینه عدم پیشرفت لازم در بخش سبک و فرهنگ زندگی را ضروری خواندند و با دعوت از اندیشمندان حوزه و دانشگاه، نخبگان سیاسی و فکری، دستگاههای مرتبط با فرهنگ و تعلیم و نیز جوانان خاطرنشان کردند: در این زمینه باید همه ضمن تلاش جدی برای آسیب شناسی، به چاره جویی و جستجوی راههای علاج پردازیم.

برای پیشگیری از انحراف در سبک زندگی، تنها معرفی سبک زندگی اسلامی کافی نیست؛ بلکه لازم است به طور شفاف آسیب های سبک زندگی اسلامی تبیین شود تا خلطی صورت نگیرد. در احادیث، به آموزه های فراوانی برمی خوریم که به صراحت آسیب زدایی می کند و بیان می دارد که چه باورها و عواطف و عملکردهایی که نه تنها سبک زندگی نیستند بلکه به زندگی فرد نیز آسیب وارد می سازند.

در پیدایش انحرافات اجتماعی و رفتارهای آسیب زا عوامل متعددی به عنوان عوامل

پیدایش و زمینه ساز می تواند مؤثر باشد: مانند عوامل فردی، عوامل محیطی، عوامل اجتماعی.

در قلمرو سبک زندگی اسلامی، باورهای ناشی از عدم شناخت و یا به کار نگرفتن عقل و تقلید کورکورانه از اندیشه‌ها و عقاید کفرآمیز دیگران و رفتارهایی مانند: رشوه و ربا خواری، دروغ‌گویی و تجاوز به حقوق دیگران با اساس سبک زندگی اسلامی منافات دارد؛ لذا شناخت آسیب‌ها در سبک زندگی اسلامی و تمییز آن از آنچه که سبک زندگی نیست، می تواند در کاربرد سبک زندگی اسلامی مؤثر باشد.

ما در این مقاله در صدد آسیب شناسی سبک زندگی براساس آموزه های قرآن می باشیم تا از انحرافات در سبک زندگی اسلامی جلوگیری شود و سبک زندگی اسلامی در جامعه پیاده شود.

### مفهوم شناسی

#### «آسیب»

«آسیب» به معنای «آفت، بیماری، اختلال و خطر» آمده است. در فرهنگ فارسی چنین معنا شده است: «آسیب: زخم، عیب و نقص، درد، رنج، گزند، آزار، زیان، خسارت (معین: ۱۳۷۵، ۱/ ۵۸). آسیب شناسی به معنای شناخت درد و رنج و خسارت» (عمید: ۱۳۶۳، ۴۴/۱).

آسیب در اصطلاح به آن دسته از علل و اختلالاتی اطلاق می شود که وجودشان تداوم و حرکت پدیده ای را تهدید می کند و آن را از رسیدن به اهداف و آرمانش باز می دارد و یا از کارایی لازم می اندازد.

آسیب شناسی در اصطلاح شناخت دردها، کاستی‌ها، مصیبت‌ها و آفت‌های فکری، جنسی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی است که روح و روان و محیط جامعه را فرا گرفته است، و نیز راه یافتن به ریشه‌ها و عوامل متنوع آنهاست.

#### «سبک زندگی»

«سبک زندگی عبارت است از الگوی هم گرا یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع های اجتماعی و دارایی ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره ای از تمایلات و ترجیح ها (سلیقه) اش و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می کند. یا به اختصار، سبک زندگی: الگو یا مجموعه نظام مند کنش های مرجح است «مهدوی کنی، ۷۸» در تعریفی دیگر گفته شده است: «سبک زندگی، عبارت است از الگوی زندگی فردی که در فعالیت ها، دلبستگی ها و افکار شخصی، خود را نشان می دهد»

برخی دیگر گفته اند «سبک زندگی نظام واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام واره، هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده ها و جوامع را از هم متمایز می سازد» (شریفی، همیشه بهار، ص ۱۴۶) این تعریف به گونه ای هویت فرد را در برابر دیگران به نمایش می گذارد. وی در جای دیگری منظور از سبک زندگی را چنین بیان می کند: «مجموعه ای از رفتارها و عملکردهایی که یک فرد به منظور تامین نیازها و احتیاجات روزمره خود به کار می گیرد. شیوه زندگی هر فردی بیانگر هویت و معرّف شخصیت آن فرد است (همان) مؤلف کتاب «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن» می گوید: «سبک زندگی شیوه ای است نسبتاً ثابت که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می کند. (کاوایی: سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ۱۶).

در این مقاله به آسیب های سبک زندگی اسلامی پرداخته می شود. محورهای مباحث این مقاله عبارت است: ۱. زمینه های فرهنگی ۲. زمینه های اخلاقی ۳. زمینه های رفتاری ۴. زمینه های اقتصادی ۵. زمینه های نفسانی و جنسی و در پایان مقاله به برخی راهکارهای پیشگیری از آسیب ها پرداخته شده است.

## ۱. زمینه های فرهنگی

### ۱.۱. تقلید از بیگانه

در قرآن کریم از تقلید ناپسند با تعبیرهای مختلفی یاد شده است؛ مانند اقتدا و پیروی از

نیاکان (زخرف: ۲۳)؛ پیروی ضعیفان از مستکبران (ابراهیم: ۲۱)؛ پیروی از رؤسا و بزرگان گمراه (احزاب: ۶۷) این آیات ضمن اشاره به تقلید اقوام پیشین و اعراب عصر جاهلی از نیاکانشان در عقاید، سنن و آداب خود و نکوهش این تقلید، آنان را به ترك روش باطل خود و پذیرش آیین حق فراخوانده اند. درآموزه های اهل بیت علیهم السلام نیز از تقلید کورکورانه نکوهش شده است. امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خویش توصیه می کنند که «إِمَّعَه» مباش و آن گاه توضیح می دهد که «إِمَّعَه» بودن، آن است که بگویی: «من با مردم و پیرو آنانم و من همانند یکی از مردمم. (هرچه دیگران گفتند، من هم می گویم و هرچه کردند من هم می کنم)» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ۲۶۶). کمیل بن زیاد می گوید: امام علی علیه السلام دست مرا گرفت و با خود به صحرا برد و در آن جا با آه و اندوه فرمود: «مردم سه دسته اند: عالم ربانی، آموزنده ای که در راه رستگاری کوشاست و فرومایگانی بی هویت که پی هر بانگی را گیرند و با هر باد به سویی خیزند. نه از روشنی دانش فروغی یافتند و نه به سوی پناه گاهی استوار شتافتند» (صبحی صالح: ۱۴۱۴، ۴۹۵).

### ۲.۱. قانون گریزی

یکی از آسیب های سبک زندگی اسلامی عدم رعایت قانون توسط برخی افراد جامعه است، که لازمه آن وقوع جرم، جنایات و ناهنجاری های اجتماعی می باشد. جامعه اسلامی، آن جامعه ای است که افراد آن قانونگرا و قانونمند و همه خود را ملزم به رعایت قانون و دوری از قانونگریزی می دانند.

قانون گرایی یکی از ضروریات و نیازهای یک جامعه است که، رعایت قانون و مقررات در تمامی زمینه های مختلف جامعه، منجر به ایجاد نظم و انضباط و دوری از هرج و مرج و کشمکش در تمامی ارکان آن جامعه می شود.

خداوند در آیه ۲۵ حدید در باره قانون گرایی و لزوم رعایت قانون، ایجاد نظم و دوری از قانون گریزی و بی نظمی را به بندگان می فرماید: «ما پیامبران خود را با دلایل روشن و آگاهی بخش فرستادیم و همراه ایشان کتاب، مجموعه اوامر و نواهی خود و میزان معیارهای داوری و

قضاوت فرستادیم تا در میان مردم عدالت اجتماعی برقرار شود و برای ایجاد انضباط و تنبیه متخلفان آهن را فرستادیم که در آن سختی و شدت فراوانی است».

### علل وزمینه های قانون گریزی

الف) پیروی از تمایلات نفسانی

بسیاری از قانون گریزی های انسان ناشی از تبعیت هوای نفس می باشد. خداوند در قرآن کریم انسان ها را از پیروی کردن هوای نفس نهی کرده است، این نهی اختصاص به انسان های عادی ندارد، بلکه پیامبران نیز از پیروی هوای نفس نهی شده اند؛ چنان که خداوند متعال خطر پیروی از هوای نفس را به پیامبر یادآور شده، می فرماید: «میان مردم بر اساس آنچه خداوند فرستاده است، داوری کن و از هواهای نفسانی پیروی مکن» (مائده: ۴۹).

امیرمؤمنان علیه السلام در این باره، می فرمایند: «من بر شما از دو چیز می ترسم: پیروی از هوای نفس و آرزوهای دور و دراز. پیروی هوای نفس انسان را از راه حق بازمی دارد، و آرزوهای دراز آخرت را از یاد انسان می برد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۳۳۶).

ب) حرص و طمع برای کسب ثروت

یکی از زمینه های قانون گریزی حرص و طمع برای بدست آوردن خواسته خود است. دل باختگی و دل دادگی در برابر رزق و برق دنیا انسان را به سوی حرص و ولع نسبت به مواهب مادی می کشاند و روز به روز انسان را در این لجن زار آلوده تر می سازد. از این رو در آیات و روایات، به شدت از این نوع حرص نکوهش شده و آثار زیان بار آن در ابعاد گوناگون برای انسان تبیین گردیده، تا جایی که از آن به عنوان منشأ و سرآغاز بدی ها و بیماری های روانی، معنوی و اجتماعی یاد شده است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۲/۱۰۱).

ج) تعصب نسبت به آشنایان

گاهی ریشه قانون شکنی ها در تعلق و دل بستگی افراطی به خویشان و دوستان است. از این رو اسلام از هرگونه وابستگی افراطی به خویشاوندان نهی می کند تا مانع از هلاکت انسان و انحراف او بشود. قرآن کریم در آیات متعددی درباره علاقه مفرط به فرزندان به مؤمنان هشدار

داده است؛ از جمله می‌فرماید: «و بدانید اموال و اولاد شما وسیله آزمایش است، و (برای کسانی که از عهده امتحان برآیند) پاداش عظیمی نزد خداست» (انفال: ۲۸)

(د) جهل و غفلت

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های قانون‌گریزی، جهل و نادانی است که ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها و انحراف‌ها می‌باشد. این آفات و تبعات منفی به قدری عظیم است که اولیا و انبیای الهی از خوف آن به درگاه ربوبی استعاذه می‌کردند. حضرت موسی در مقام التجا به درگاه خداوند متعال عرضه می‌دارد: «به خدا پناه می‌برم از اینکه از جاهلان باشم» (بقره: ۶۷).

برخی از افراد به خاطر عدم آگاهی، احساس می‌کنند که وجود قوانین، آزادی آنها را محدود کرده، ابتکار عمل را از آنها می‌گیرد، و یا ممکن است با نیت خیر و برای کمک به کسی و راه انداختن کار کسی از روی دل‌سوزی، قانون را دور بزنند و کار دیگری را راه بیندازند.

### ۳.۱. خرافه‌گرایی

یکی دیگر از آسیب‌های سبک زندگی اسلامی که زمینه رفتارهای انحرافی را فراهم می‌سازد، خرافه‌گرایی است که رنگ دین به خود می‌گیرد. شناخت زمینه‌های این گونه خرافه‌ها و درمان به موقع آن و نیز اصلاح نگاه‌ها در جامعه اسلامی، به منظور رهانیدن مسلمانان از خطرها و آسیب‌های آن، از اهمیت زیادی برخوردار است.

اسلام از ابتدای ظهور با تمام قدرت با خرافه پرستی به مبارزه برخاست و درصدد برآمد تا فکر بشر را از آلودگی‌ها و اوهام پاک و در جهت تعقل‌گرایی و حکمت و منطق هدایت کند (اعراف: ۱۵۷).

### ۲. زمینه‌های اخلاقی

#### ۱.۲. تملق و چاپلوسی

تملق و چاپلوسی از رذائل اخلاقی است که نقش مهمی در آسیب پذیری فرد و جامعه دارد. از مهم‌ترین آفات و عوامل عقب ماندگی جوامع، رواج روحیه ی تملق و چاپلوسی بین افراد



جامعه است. از این رو ایجاد محیط نقادی و انتقادپذیری از ضروریات جامعه دینی و از راه های مقابله با این آفت است. زیرا زمینه ای فراهم می آورد که عیوب مطرح شده و ضعفها جبران شود و از گرایش به استبداد و خودکامگی جلوگیری شود.

امام علی علیه السلام در تعریف چاپلوسی می فرماید: «مدح و تعریف بیش از استحقاق و شایستگی تملق است و کمتر از استحقاق یا ناتوانی در بیان است یا حسد» (طوسی، ۱۴۱۴، ۶۸۰)

چاپلوسی از عامل های بازدارنده کرامت و حیثیت انسان به شمار می رود. با چاپلوسی و چرب زبانی، انجام کارهای نیک و می ماند و رهبر یا زمامدار و مدیر جامعه را خودکامه و مغرور، و حق گویی و حق پویی را دشوار می سازد. چاپلوسی از خوی و منش های ایمان نیست؛ علی علیه السلام می فرماید: «دوری کن از تملق کردن؛ پس به درستی که تملق نیست از خوی های ایمان؛ یعنی صاحب ایمان.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۱۵) و پیامبران نیز هرگز چاپلوس و چرب زبان نبوده اند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۱۵) به همین سبب باید از آن دوری جست.

## ۲.۲.۲. دروغ گویی

یکی از آسیب های سبک زندگی اسلامی، رواج دروغگوئی در میان افراد جامعه است. برخی ها به بهانه های مختلفی دروغ گفته و آن را به راحتی توجیه می کنند. به گونه ای توجه ندارند که دروغ یکی از گناهان کبیره می باشد و در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام از آن به شدت نهی شده است.

دروغ با ایمان ناسازگار است موجب ضعف و نابودی ایمان می شود. حسن بن محبوب می گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم آیا ممکن است مومن بخیل باشد؟ فرمود: بله. آیا ممکن است ترسو باشد؟ فرمود بله. آیا ممکن است دروغگو باشد؟ فرمود: نه، مومن دارای هر سرشتی می شود، جز دروغ و خیانت (مفید، ۱۴۱۳، ۲۳۱). یکی از آثار مهم دروغ گویی در جامعه کمزنگ شدن روح مروت و جوانمردی در انسان می شود پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

«جوانمردی در شخص دروغگو از همه کمتر است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۹/۲۵۹).  
 زمانی که دروغ، عادت انسان شود، چه بسا جوانمردی، از وجود انسان رخت بریندد؛ چنان که علی علیه السلام می فرماید: «هرکس دروغ گوید، جوانمردی خویش را تباه سازد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۲۱). مروت و جوانمردی، جز با راستی و درستی سازگار نیست، و با ناراستی و دروغ جمع نمی شود گریزان است. از این رو حضرت علی علیه السلام می فرماید: «دروغ و جوانمردی جمع نمی شوند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۲۲۱). دروغ افزون بر آثار سوء اخلاقی که برای خود انسان دارد بنیان و شالوده جامعه را نیز ویران می کند و آثار زیانباری از جهت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به دنبال دارد.

از مهم ترین آثار دروغ‌گویی در حوزه اجتماعی، سلب اعتماد عمومی است. افزایش دروغ در میان افراد جامعه، هرگونه قضاوت و داوری درستی را سلب می کند و اشخاص در تعامل با یک دیگر نمی توانند به گفتارهای یک دیگر در هیچ حوزه ای اعتماد کنند. همچنین موجب از بین رفتن اعتبار و آبروونابود کنند ارزش اجتماعی انسان می شود. علی علیه السلام می فرماید: «دروغگو و مرده یکسان هستند؛ زیرا همانا برتری زنده بر مرده، در اطمینان مردم به او است؛ پس وقتی مردم به سخن دروغگو اعتماد نکنند، زنده بودنش باطل است»

### ۳. زمینه های رفتاری

#### ۳.۱. رفاه طلبی

آموزه های اسلامی به بهره مندی از رفاه به صورت متعادل و متناسب با شرایط زمان و مکان سفارش کرده است. رهبران الهی نیز استفاده از نعمت های الهی را سفارش کرده اند، اما میزان و حد بکارگیری از این نعمت ها حائز اهمیت است؛ چرا که اسلام مسلمانان را از افراط و تفریط در هر زمینه ای نهی کرده است؛ پیمودن راه افراط و تفریط در زندگی به معنای خروج از حد اعتدال است که در زندگی فردی و اجتماعی امروزی به وجود آمده است و به نام رفاه زدگی و به دنبالش تجمل گرایی که آثار و نتایجی منفی به دنبال دارد.

در قرآن اتراف، مترادف رفاه زدگی و مترف به معنای ثروتمند و کسی که به او نعمت زیاد داده شده می باشد. رفاه طلبی آثاری دارد که به برخی آنها اشاره می شود: یکی از مهمترین آثار رفاه خود بزرگ بینی است. در قرآن مترفان به انسان های متکبر تعبیر شده اند. خداوند در سوره فجر می فرماید: «اما انسان هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و گرامی بدارد او را و نعمتش بخشد، می گوید: پروردگرم چون شایسته و سزاوار بودم مرا گرامی داشت و اما چون او را بیازماید، پس روزی اش را بر او تنگ گیرد، گوید: پروردگرم مرا خوار و زبون کرد» (فجر: ۱۵ - ۱۶).

خداوند در آیه ۱۵ تغابن می فرماید: «اموال و فرزندانان فقط وسیلهی آزمایش اند، و خداست که پاداشی بزرگ در نزد اوست» (تغابن: ۱۵) برخی مفسران گفته اند: آزمایش بودن اموال و فرزندان به خاطر این است که این دو نعمت دنیوی از زینت های جذاب زندگی دنیا است، نفس آدمی به سوی آن دو آن چنان جذب می شود که از نظر اهمیت هم پایه آخرت و اطاعت پروردگارش قرار داده، وانسان بر سر دو راهی قرار می گیرد، و بلکه جانب آن دو را انتخاب می کند، و از آخرت غافل می شود. (طباطبایی: ۱۴۱۳، ۷۷/۱۶)

### ۲.۳. ضیق صدر و کم حوصلگی

اصل بردباری و شکیبایی جایگاه والا و ارزشمندی در اخلاق دارد. امام علی علیه السلام می فرماید: «خیر در زیاد شدن مال و فرزند تو نیست، بلکه خیر در آن است که علمت افزونتر و بردباریت بیشتر شود» (صبحی صالح: ۱۴۱۴، ۴۸۴).

بردباری و شرح صدر به معنای ظرفیت فکری و روحی است و گسترش ظرفیت فکری و روحی انسان موجب می شود که بینش و ظرفیت او برای پذیرش حق تقویت شود.

در مقابل صبر و بردباری ضیق صدر و کم حوصلگی است که موجب کم ظرفیتی و تحیر در تصمیم گیری و درماندگی در کار و رفتار نادرست با مردم می شود. امام علی علیه السلام فرمودند: «کسی که سعه ی صدر ندارد و برای ادای حق تاب نمی آورد» (کراجکی: ۱۴۱۰، ۲۷۸/۱).

### ۳.۳. پیمان شکنی

احترام به پیمان و عمل به آن ریشه فطری دارد. هر انسانی وفای به پیمان را از راه فطرت و سرشت انسانی می‌آموزد و از آن الهام می‌گیرد. در مقابل وفای به عهد پیمان شکنی است و پیمان شکن آن کسی است که عهد بسته را نگاه ندارد. پیمان شکنی از گناهایی است که رشته اطمینان و اعتماد را در جامعه می‌گسلد و زیربنای روابط اجتماعی را سست می‌کند و خشم خدای متعال را برمی‌انگیزد از این رو پیمان شکنی از رحمت الهی به دور است.

بر اساس آیه ۷۷ آل عمران، کسانی که پیمان شکنی می‌کنند، به پنج نوع قهر الهی از جمله بی‌بهره بودن در آخرت، محرومیت از خطاب الهی، محرومیت از نظر لطف الهی، محرومیت از پاکی از گناه و گرفتاری به عذاب دردناک تهدید می‌کند.

وفای به عهد و پرهیز از پیمان شکنی از مسائل مهم و اساسی است که در آموزه‌های الهی مورد توجه قرار گرفته است، زیرا اگر به این مسئله اساسی توجه نشود زندگی مردم متلاشی خواهد شد و در اثر بی‌نظمی و هرج و مرج مردم از یکدیگر سلب اعتماد خواهند کرد و در نتیجه زیربنای روابط اجتماعی سست می‌شود. از این رو اسلام آنقدر به وفای به عهد اهمیت می‌دهد که حتی در مورد دشمن و کسی که از نظر عقیده و مسلک و هدف با انسان توافق ندارد وفای به عهد و پیمان را لازم می‌شمرد. رسول خدا ﷺ فرمود: نزدیکترین افراد روز قیامت نسبت به من کسانی هستند که در سخن راستگوتر، در ادای امانت کوشاتر و در عهد و پیمان از یکدیگر با وفاتر باشند» (ابن شعبه حرانی: ۱۴۰۴، ۴۶) همچنین ﷺ فرمودند: «کسی که پای بند به پیمان خود نباشد دین ندارد» (پاینده: ۶۷۶) و نیز فرموده اند «آن کس که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید به وعده خود وفا کند» (کلینی: ۱۴۰۷، ۲/۳۶۴).

### ۴.۳. خیانت (نقض امانتداری)

خداوند متعال یک سلسله قوانین و مقرراتی را که برای بندگان وضع نموده و به عنوان «امانت» از آنها نام برده و از هرگونه خیانتی نسبت به آن به شدت نهی کرده است و با تعبیر گوناگون خیانت و خائن را مورد نکوهش قرار داده است. «خداوند خیانت‌کنندگان را

دوست ندارد» (انفال: ۵۸) و در جای دیگر می فرماید: «همانا خداوند خیانت کنندگان را با مکر و خدعه به مقصود نمی رساند» (یوسف: ۵۲).

یکی از مصادیق شایع خیانت، خیانت به مردم در امور مالی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «کسی که خیانت کند امانتی را در دنیا و آن را به اهلش رد نکرده و از دنیا برود، بر غیر ملت من مُرده و خداوند را غضبناک خواهد نمود» (ابن بابویه: ۱۳۷۶، ۴۳۰).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چهار چیز است که یکی از آنها به خانه ای درنیاید، مگر این که آن خانه ویران شود و روی برکت را نبیند: یکی از آنها خیانت می باشد». (ابن بابویه: ۱۳۷۶، ۳۹۸) و نیز فرمودند «کسی که امانتی را که در دست او است اهمیت ندهد و سهل انگاری کند تا از دست برود، پیرو ما نیست و از ما نیست کسی که نسبت به زن و مال مسلمانی خیانت ورزد» (مفید: ۱۴۱۳، ۱۴۸).

### ۵.۳. بی تفاوتی

یکی دیگر از آسیب های سبک زندگی اسلامی بی تفاوتی نسبت به نابسامانی های اخلاقی در جامعه است. بی تفاوتی در جامعه، به خصوص بی اعتنائی به نابسامانی های اخلاقی و بیگانگی نسبت به حوادث اجتماعی و سیاسی، از جمله مسائلی است که امروزه با پیشرفت جوامع و توسعه شهرها، گسترش یافته و بیش تر صحنه های زندگی مردم را تحت تأثیر خود قرار داده است. همچنین، تغییر سبک زندگی برخی از مردم در سایه تبلیغات فرهنگ غربی نیز به دامنه این عارضه اجتماعی - اخلاقی افزوده است.

«بی تفاوتی» از جمله آسیب های مهم در روابط انسانی و مانعی مهم در برابر سبک زندگی اسلامی است. زیرا در روابط افراد جامعه ضمن بر هم زدن تعادل و هماهنگی و نظم جامعه، انواع ناهنجاری ها را به دنبال دارد و در صورت فراگیر شدن بی تفاوتی در جامعه، در هیچ کس توانایی و عزم برخورد با نابسامانی ها و دعوت به خوبی ها وجود نخواهد داشت و تمام افراد با بی خیالی و بی توجهی، فقط به منفعت و لذت شخصی خود می اندیشند و این همان خودمحوری و خودپرستی است که در دامن خود انواع تجاوزها، مظالم و سیئات

اخلاقی را پرورش خواهد داد.

اندیشمندان اسلامی موضوع بسیار مهم امر به معروف و نهی از منکر را با تعبیرهای گوناگون مورد توجه قرار داده اند که احساس مسئولیت و نوع دوستی موجب قوام و دوام تمام واجبات و ارزشهای انسانی و اسلامی است.

دین اسلام با توجه به همین هدف بزرگ، انسانها را به برادری و مواسات فراخوانده است و مؤمنان را برادر یکدیگر و افراد جامعه را اعضای یک بدن قلمداد نموده و فرموده است: «مؤمنان برادر یکدیگرند، پس دو برادر خود را صلح [و آشتی] دهید و تقوای الهی پیشه کنید به امید اینکه که مشمول رحمت او شوید» (حجرات: ۱۰).

امام صادق علیه السلام می فرماید: «مؤمن برادر مؤمن است، همچون يك پیکر که هرگاه عضوی از آن به درد آید دیگر اندامها آن درد را حس می کنند؛ و ارواح آنها از يك روح است.» (کلینی: ۱۴۰۷، ۱۶۶/۲).

مواسات، همدلی و همراهی با دیگران، از بهترین جلوه‌های اعمال نیک به شمار می رود برخاسته از فطرت انسانی است؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام می فرمایند «برترین و سرور اعمال عبارتند از: حق دادن به مردم از طرف خودت (رعایت انصاف) و همدردی با برادر دینی‌ات در راه خدا و ذکر خدای عز و جل در هر حال» (کلینی: ۱۴۰۷، ۱۴۵/۲).

#### ۴. زمینه های اقتصادی

##### ۱.۴. سستی و تنبلی در کارها

یکی از صفات ناپسندی که در وجود انسانها ریشه می دواند، سستی و تنبلی کردن است که می تواند در تمام مراحل زندگی فردی و اجتماعی انسانها مانند امور عبادی، دینی، نظامی، تعاملات اجتماعی و... رسوخ کرده، فرد و جامعه را با بحران مواجه گرداند.

در قرآن از کسالت و تنبلی به خصوص در کارهای نیک و در راه عبادت خدا، به زشتی یاد شده و این صفت از ویژگی‌های منافقان برشمرده شده است. «منافقان می خواهند خدا را

فریب دهند در حالی که او آنها را فریب می دهد و هنگامی که به نماز برمی خیزند، با تنبلی برمی خیزند و در برابر مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی نمایند» (نساء: ۱۴۲) و در آیه ۵۴ توبه می فرماید: «هیچ چیز مانع قبول انفاق های آنها نشد، جز اینکه آنها به خدا و پیامبرش کافر شدند، و نماز بجا نمی آورند جز با تنبلی، و انفاق نمی کنند مگر با اجبار» بر اساس آموزه های اهل بیت علیهم السلام سستی و تنبلی در کارها نکوهیده است و در دعاهایی که از اهل بیت علیهم السلام معصومین علیهم السلام رسیده، از ما خواسته شده تا از شر آن به خدا پناه بریم (کلینی: ۱۴۰۷، ۵۸۶/۲). امام علی علیه السلام: «هر که تسلیم سستی و سهل انگاری گردد، حق خود و دیگران را تباه سازد» (صبحی صالح: ۱۴۱۴، ۵۱۱).

از پیامدهای تنبلی و سستی ادا نکردن حق خداوند و برخی انسان هاست. پذیرش حق نیازمند ایستادگی و پایداری در راه آن است. بعضی از انسان ها گرچه دوست دار حق اند و میل به ادای وظیفه ی خویش در راه اجرای حق دارند، اما تن پروری و سستی مانع از انجام وظیفه می شود و همین امر سبب می گردد تا نتوانند وظایف خویش را در برابر خود و دیگران انجام دهند.

امام کاظم علیه السلام می فرماید، پدرم علیه السلام در سفارشی که به یکی از فرزندانش داشت چنین فرمود: «از تنبلی و ملالت بپرهیز، چه این دو، تو را از دست یافتن به بهره ات از دنیا و آخرت، باز می دارند» (کلینی: ۱۴۰۷، ۸۵/۵).

#### ۲.۴. عدم استفاده مفید از ساعات عمر

فرصت ها، ساعت ها، روزها و ماه ها و سال ها بلکه دقیقه ها و ثانیه ها و لحظه ها و بهره گیری از آنها بزرگترین توفیقی است که نصیب انسان می شود، و او می تواند در پرتو آن به اهداف بزرگ برسد، وقت گوهر ناب و گران سنجی است که ارزش هیچ چیز را نمی توان با آن مقایسه کرد.

بیشتر انسان ها وقت را فدای مال و ثروت می کنند، و آن را وسیله ترقی مادی قرار می دهند، در حالی که مال و ثروت باید وسیله بهره مندی برتر از وقت قرار داد.

بر همین اساس پیامبر ﷺ به ابوذر سفارش می کند «در مورد حفظ عمر خود بخیل تر از پول و ثروت خود باش.» (طوسی: ۱۴۱۴، ۵۲۷).

چگونگی استفاده بهینه از وقت و فرصت ها به این گونه است که انسان با برنامه ریزی صحیح، کارهای خود را بین ساعات شبانه روز تقسیم کند، و این گونه بهره مندی از فرصت های گرانبهای وقت موجب رشد و تعالی شده در دو جهان خواهد شد.

امام کاظم علیه السلام در باره تقسیم بندی اوقات فرموده است: «سعی کنید اوقات خود را به چهار قسمت تقسیم نمایید: زمانی برای مناجات با خدا و زمانی برای کسب و کار و زمانی برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتمادی که عیب هایتان را به شما گوشزد می کنند و در باطن خیرخواه شما هستند و زمانی برای بهره مندی از لذت های غیر حرام» ابن شعبه حرانی: ۱۴۰۴، ۴۰۹). پیامبر ﷺ به ابوذر فرمود: «پنج چیز را قبل از فرارسیدن پنج چیز دیگر غنیمت بشمار؛ زندگی قبل از مرگ، سلامتی قبل از بیماری، فراغت قبل از اشتغال، جوانی قبل از پیری، و بی نیازی را قبل از تهی دستی» (طوسی: ۱۴۱۴، ۵۲۶).

#### ۳.۴. کسب مال حرام

خداوند در قرآن مردم را از آلوده شدن به مال حرام نهی می کند، مانند آیه ۱۰ سوره نساء که می فرماید «بی تردید کسانی که اموال یتیمان را به ستم می خورند، فقط در شکم خود آتش می خورند و به زودی در آتش فروزان در آیند.» همچنین آیات ۲۹ و ۳۰ سوره نساء «ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید، مگر آن که تجارتی از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد و خودکشی نکنید؛ زیرا خدا همواره به شما مهربان است. و هر که خوردن مال به باطل و قتل نفس را از روی تجاوز [از حدود خدا] و ستم [بر خود و دیگران] مرتکب شود، به زودی او را در آتشی [آزار دهنده و سوزان] درآوریم؛ و این کار بر خدا آسان است.»

پیامبر اسلام ﷺ در باره مال حرام می فرماید: «چهار چیز است که هر یک از آن ها وارد خانه ای شود آن خانه خراب می شود و آباد به برکت نگردد: خیانت، مال دزدی، شرب خمر، زنا»



(ابن بابویه: ۱۳۷۶، ۳۹۸).

نبی اکرم ﷺ فرمود: «هرکس به اندازه یک وجب از زمین به همسایه خیانت کند، خداوند همان مقدار را از آخر زمین های هفت گانه، هم چون حلقه به گردش اندازد، تا خدا را به همان صورت در قیامت ملاقات کند، مگر توبه کند و مال مردم را به صاحبش برگرداند» (ابن بابویه: ۱۳۷۶، ۴۲۷).

#### ۴.۴. رشوه خواری

رشوه خواری یک پدیده ناهنجار و آسیبی جدی در روابط انسان هاست که موجب اختلاط و آمیختگی حق و باطل و حلال و حرام می گردد

خداوند در آیه ۴۲ مائده کسب مال از راه رشوه را حرام و ننگ آور دانسته و با نام بردن این مال به سحت، از ننگ و پلیدی آن یاد کرده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «سحت انواع زیادی دارد، از جمله رشوه در قضاوت که آن کفر به خداوند بزرگ است» (کلینی: ۱۴۰۷، ۵/۱۲۷). امام علی علیه السلام می فرمایند: «سزاوار نیست [شخص] بخیل بر ناموس، جان، غنیمتها و احکام مسلمانان ولایت یابد و امامت آنان را عهده دار شود... و سزاوار نیست کسی که در حکم رشوه می گیرد، بر مسلمانان ولایت یابد؛ زیرا حقوق را پایمال می کند و آن را چنان که باید به صاحب حق نمی رساند.» (صبحی صالح: ۱۴۱۴، ۱۸۹).

گاهی رشوه در لابلای عبارت و عناوین زیبا و فریبنده دیگر است و نام هدیه، حق الزحمه، انعام و مانند آن به خود می گیرد، ولی این تغییر نام ها به هیچ وجه موجب تغییر در ماهیت آن نمی شود و پولی که از طریق رشوه به هر نام گرفته شود، حرام و نامشروع است. از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود «خداوند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه میان آن دو را از رحمت خود دور گردانیده است.»<sup>۱</sup>

و نیز در باره آثار رشوه خواری می فرماید: «جامعه ای که در آن جامعه رباخواری و رشوه خواری

۱.. «عن رسول الله ﷺ لعن الله الراشي و المُرتشي و مَنْ يَبْتئها يَمْشِي» (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰،

حاکم باشد آن جامعه راقحطی وترس فراخواهد گرفت.» (پابنده: ۷۱۱).

#### ۴.۵. رباخواری

ربا در لغت به معنی افزون شدن و فزونی شدن است (راغب اصفهانی: ۱۴۱۰، ۳۴۰) و در اصطلاح ربا عبارت است از افزوده‌ای که افراد از وام‌دار خود می‌گیرند و یا در معامله در شرایطی خاص، دریافت می‌دارند (مکارم شیرازی و همکاران: ۱۳۷۴، ۱۶/۴۴۴).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «به راستی خوف ناک ترین چیزی که بر اتمم پس از خودم از آن ترس دارم، درآمدهای حرام، و شهوت پنهان، و ربا» (کلینی: ۱۴۰۷، ۵/۱۲۴).

حرام بودن ربا به این علت است که ربا اکل مال به باطل است، اکل مال به باطل، به این معناست که کسی بدون راه عقلی و منطقی درآمدی به دست آورد مانند درآمد از راه قماربازی و یا شراب‌فروشی، از این رو خداوند در این باره حرمت ربا فرموده است «پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آنکه (مردم را) بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه‌ای را که بر آنان حلال شده بود، حرام گردانیدیم، و (به سبب) ربا گرفتنشان با آنکه از آن نهی شده بودند، و به ناروا مال مردم خوردنشان و ما برای کافران آنان غذایی در دنیا آماده کرده‌ایم» (نساء: ۱۶۰-۱۶۱).

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام سماعه روایت می‌کند، به حضرت گفتم: خداوند متعال بحث (حرام بودن) ربا را در قرآن مکرر بیان نموده است. حضرت فرمود: آیا علتش را می‌دانی؟ «عرض کردم: خیر. فرمود: چون ربا مانع کمک به دیگران و انجام کارهای خیر (در جامعه) می‌گردد» (کلینی: ۱۴۰۷، ۵/۱۴۶).

#### ۴.۶. اسراف و مصرف‌گرایی

یکی از آسیب‌های مهم سبک زندگی اسلامی اسراف و زیاده‌روی در مصرف است که پیامدهای منفی، چه در بُعد اقتصادی و چه در بُعد اخلاقی بر جای می‌گذارد. اسراف، به معنای تجاوز از حد در هرکاری است که انسان انجام می‌دهد. (راغب اصفهانی: ۱۴۱۲، ۴۰۷). برخی مفسران گفته‌اند: اسراف هرگونه تجاوز از حد اعتدال و گرایش به افراط یا تفریط

را در برمی گیرد (طبرسی: ۱۳۷۲، ۵ / ۱۹۲). خداوند در آیه ۲۷ اسراء تبذیرکنندگان (مصرفان) را برادران شیاطین نامیده است؛ مراد از برادری باشیاطین همراهی و تبعیت در عقیده و عمل می باشد (طباطبایی: ۱۴۱۷، ۱۳ / ۸۲)

اسراف، مفهومی فراگیر بوده، شامل هرگونه انحراف (اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و...) می شود (راغب اصفهانی: ۱۴۱، ۴۰۷) اما تبذیر، بیشتر در امور مالی و اقتصادی (همان)، و به ندرت در موارد دیگر به کار می رود.

در قرآن مصادیق متعددی برای اسراف بیان شده است، از جمله خوردن و آشامیدن (اعراف: ۳)، انفاق و بذل و بخشش (اسراء: ۲۹)، و قصاص و انتقام گیری (اسراء: ۳۳). همچنین در برخی آیات قرآن از گمراهی اسراف کاران سخن گفته است (غافر: ۲۸ و ۳۴).

خداوند در آیه ۳۱ اعراف ۷ پس از جواز استفاده از خوردنیها و آشامیدنیهای پاک و پاکیزه از اسراف نهی می کند (... کُلُوا وَاشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ).

امام صادق علیه السلام کسی را که برای مصرف بیش از درآمد خود، دست نیاز به سوی دیگران دراز کند را مسرف خوانده است (عیاشی: ۱۳۸۰ ق، ۲ / ۱۳). مصرف بیش از حد و افزون بر نیاز نیز از مصادیق اسراف برشمرده شده است (سیوطی: ۱۴۰۴، ۳ / ۸۰).

امام صادق علیه السلام در مورد اسراف به اصحاب می فرماید: «کمترین حد اسراف این است که لباسی را که بیرون خانه برای حفظ آبرو می پوشی در داخل خانه نیز بپوشی یا باقیمانده آب و غذا را که در ظرف می ماند دور بریزی و یا خرما را خورده و هسته آن را دور اندازی» (کلینی: ۱۴۰۷، ۴ / ۵۶).

## ۵. زمینه های نفسانی و جنسی

### ۱.۵. تبعیت از تمایلات جنسی

تمایلات انسان به مادیات و امور دنیوی یکی از مهم ترین زمینه های گرایش انسان به فساد اخلاقی می باشد، در این میان تمایلات جنسی از میان شهوات دیگر درونی، قوی تر و آسیب رسان تر است. از این رو یوسف علیه السلام شهوت جنسی را از عوامل آسیب زننده به پاک

دامنی انسان بر می شمارد وبا خداوند چنین سخن می گوید: «پروردگارا: زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا بسوی آن می خوانند، و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من باز نگردانی، بسوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود» (یوسف: ۳۳). همچنین خداوند در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره نور رفتارهای تحریک آمیز زنان را آفت حیا و عفت معرفی می کند و از زنان می خواهد باتوجه به تاثیرپذیری شدید مردان از حرکات و رفتارهای آنها نه تنها حجاب خویش را حفظ کنند بلکه هرگونه عوامل تحریک زا از جمله مواضع زینت خویش و زینت های خود را آشکار ن سازند (نور: ۳۰-۳۱).

#### ۲.۵. آزادی های جنسی

همانگونه که تمایلات جنسی و رفتارهای تحریک آمیز زنان می تواند آسیب جدی برای سبک زندگی اسلامی و سلامت اخلاقی جامعه باشد وارد سازد، بی گمان نقش هوسرانان در این باره نیز مهم می باشد. و یکی از مهم ترین زمینه های تباهی اخلاقی جامعه، هوسرانی هوس بازان می باشد. خداوند در آیه ۲۷ سوره نساء به تحلیل آزادی جنسی می پردازد و بیان می کند که «هوسبازان بی بند و بار، به چیزی جز غرق شدن شما در شهوات، قانع نمی شوند و می خواهند شما رفیق راهشان باشید» و اینکه یکی از آسیب های سبک زندگی اسلامی هوسرانی و آزادی جنسی می باشد.

#### ۳-۵. اباحی گری وعدم التزام به دوری از محرمات

یکی از مسائلی که در سبک زندگی اسلامی قابل توجه است، اهمیت حدود دادن به ضوابط شرعی و کوشش در انجام دقیق و کامل فرامین الهی است. گاهی انسان به دلیل تبعیت از غرائز نفسانی و میل به آزادی های فردی و اجتماعی به حدود شکنی پرداخته و با مباح یا جایز شمردن کارهای حرام است به خود حق می دهد که نسبت به حدود و ضوابط شرعی بی اعتنا شده و مرزهای حلال و حرام را زیر پا گذارد، به این گونه اعمال خلاف شرع «اباحی گری» گفته می شود.

اباحی‌گری مهم‌ترین و شایع‌ترین خطری است که جامعه اسلامی در معرض آن قرار دارد. و تبلیغات گسترده و دسیسه‌های مستمر دشمنان فرهنگی، در بسط و گسترش این پدیده نقش جدی دارند.

از این رو یکی از مسائل مهم در سبک زندگی اسلامی «حدود پذیری» انسان است. به معنای تبعیت کردن از احکام و مقرراتی که شارع در تنظیم روابط فردی و اجتماعی انسان برای سعادت و کمال انسان مقرر کرده و پیامبران الهی نیز مأمور ابلاغ آن به انسان بوده اند. از این رو قرآن بر احترام به «حدود الهی» و پاسداری از آن تأکید فراوان داشته است و در بسیاری از موارد پس از ذکر یک حکم شرعی به «حدود خدایی» بودن آن تأکید می‌کند (بقره: ۲۲۹).

حدود الهی که در قرآن بیان شده یاد شده اختصاص به مسائل و احکام شرعی ندارد؛ بلکه شامل مسائل اخلاقی مانند فضائلی را که لازم است، انسان به آن آراسته شود یا ردائلی را که باید از آن اجتناب گردد، نیز می‌گردد.

#### راه کارهای پیشگیری از آسیب ها

بر اساس بیانیه گام دوم موضوع «معنویت و اخلاق» و برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: خداباوری، معادباوری، عبادات مانند نماز و تقوا و سایر امور معنوی دیگر می‌توان به عنوان راهکار پیشگیری از آسیب های زندگی معرفی کرد.

#### ۱. خدا باوری

ایمان به خدا یعنی ایمان ما به توحید و یکتاپرستی باعث می‌شود انسانی که می‌داند خداوند ناظر اعمال و رفتار اوست خیلی تلاش می‌کند تا کاملاً رضایت خانواده‌اش را با انجام دادن وظایف و رعایت حقوق آنها امکان پذیر سازد.

هدف همه انسان ها این است که به کمال و سعادت برسند و این جز در گرو برخورداری از آرامش میسر نخواهد شد. آرامش نیز در گرو ایمان به خداوند است (رعد: ۲۸).

از آنجا که ما اعتقاد داریم خداوند در زندگی انسان ها تأثیر دارد از این رو همه هستی ما و

همه آنچه که ما در پیرامون خود می بینیم، اینها مخلوقات الهی هستند، اینها فیض مستمر الاهی هستند که یک لحظه هم اگر این فیض قطع شود، نه ما خواهیم بود و نه آنچه که پیرامون ما وجود دارد. بر این اساس به اندازه ای که ایمان به خدا هست این در رفتار ما تأثیر می گذارد؛ یعنی در واقع بین علم، ایمان و رفتار یک تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد و به اندازه ای که من به خدا ایمان دارم به همان اندازه در رفتارهای من تأثیر و تأثر پیدا می کند اگر ما واقعاً خدا را مصدر همه چیز ببینیم آن موقع رفتار ما با دیگران، با کسی که چنین نمی بیند متفاوت می شود.

## ۲. معاد باوری

سبک زندگی هر کسی متأثر از فلسفه زندگی اوست؛ زیرا نگرش هر کسی به هستی تعیین کننده اهداف زندگی است، از این رو، سبک زندگی هر شخصی با توجه به اهداف، متفاوت از دیگری خواهد بود.

پذیرش و انکار آخرت و معاد تأثیر مستقیمی بر سبک زندگی شخص می گذارد؛ زیرا کسی که قیامت و معادی را باور ندارد، پاسخگویی رفتار و گفتار و کردار خویش نخواهد بود و اگر توان و قدرت داشته باشد قوانین را کنار می نهد و بر خلاف آن عمل می کند؛ زیرا ترسی از مجازات و بازخواست ندارد؛ اما کسی که به قیامت باور دارد، سبک زندگی قانون محوری را انتخاب می کند که تأمین کننده آخرت او باشد. از نظر قرآن، مهم ترین فلسفه و هدفی که خدا برای آخرت قرار داده، بازخواست و کیفر و پاداش نسبت به اعمالی است که انسان در دنیا مرتکب شده است. کسانی که در زندگی به آخرت و معاد ایمان و باور دارند، سبک زندگی آنان به گونه ای است که آثار آن در همین زندگی دنیوی نیز دیده می شود.

برخی از آثار ایمان به معاد در زندگی را می توان در موارد زیر برشمرد: رعایت عدالت و اخلاص در دین است. کسانی که به معاد ایمان داشته باشند، در مسیر عدالت گام برمی دارند و حق و حقوق دیگران را تضییع نمی کنند؛ زیرا باور به قیامت آنان را به پایبندی خالصانه و مخلصانه به این اصول ملزم و متعهد می سازد (اعراف: ۲۹). باور و ایمان به معاد

موجب می شود تا شخص نسبت به حق استقامت ورزد و از اصول آن کوتاه نیاید، حتی اگر تحت شکنجه های فرعون و عذاب های سخت دنیوی قرار گیرد (شعراء: ۴۶ - ۵۰). همچنین ایمان به معاد، برانگیزاننده آدمی به انفاق و کمک های مالی به دیگران و نیازمندان است (بقره: ۲۴۵) و مانع تجاوز و سرکشی در زمین از سوی انسان می شود (یونس: ۲۳). اثر ایمان به معاد در امور اقتصادی، مانع کم فروشی افراد در معاملات می شود؛ زیرا از مصادیق بی عدالتی و ظلم در حق دیگران است (مطففین: ۱ - ۵) همچنین ایمان به معاد، زمینه ساز صبر و شکیبایی انسان در سختی ها و نامایمات می شود (غافر: ۷۷).

همچنین تزکیه و اصلاح خویشتن، برخاسته از ایمان به معاد است. کسانی که خودسازی می پردازند که به معاد ایمان داشته باشند و بخواهند مسیر کمالی را پیمایند (فاطر: ۱۸).

کسانی که سبک زندگی شان بر اساس معادباوری است، درخواست هایی که دارند در ارتباط با حسنات دنیا و آخرت است؛ در حالی که کافرین سبک زندگی و درخواست های خویش را محدود به دنیا و نیکی های آن می کنند که بسیار زودگذر است خداوند در آیات ۲۰۰ - ۲۰۲ بقره آنان را چنین توصیف می کند «از مردم کسی است که می گوید پروردگارا به ما در همین دنیا نیکی عطا کن و حال آنکه برای او در آخرت نصیبی نیست؛ و برخی از آنان می گویند پروردگارا در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش دور نگه دار؛ آنانند که از دستاوردشان بهره ای خواهند داشت و خدا زودشمار است».

### ۳. نماز

نماز یکی از ارکان دین است که قبولی آن برابر با قبولی سایر اعمال است؛ این تأکید به خاطر اهمیت نماز در زندگی دنیوی و اخروی است. بر اساس آموزه های اسلامی نماز به تمامی جوانب زندگی انسان سمت و سو می دهد و آن را در مسیر کمال و سعادت رهنمون می سازد؛ بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام نمازی می تواند مطلوب و مؤثر باشد که دارای مؤلفه هایی مانند اول وقت بودن، حضور قلب داشتن باشد. این مؤلفه ها، تأثیرات عمیقی در سبک زندگی فردی و اجتماعی دارند. سبک زندگی اسلامی مشتمل بر بایدها و نبایدها و

راهکارهایی است که در زندگی نمود پیدا می کنند. نماز با داشتن شرایط و آداب، زندگی فردی و اجتماعی را تحت الشعاع خود قرار می دهد که غایت آن تعالی فردی و اجتماعی است. نماز در بعد فردی با ارائه شاخص هایی مانند ایجاد آرامش در انسان، تقویت امید و نشاط در زندگی و منع ناامیدی، تقویت ارتباط بین خدا و انسان، توکل و اعتماد به خدا و تقویت صبر و استقامت در برابر مشکلات ضمن تأثیرات والا در زندگی فردی، زندگی اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد.

بر اساس آموزه های اهل بیت (علیهم السلام) نماز مانع از فساد و تباهی فرد و جامعه می شود، همچنان که تقارن نماز با زکات این مهم را به دنبال دارد که نمازگزاران با پرداخت زکات و کمک به اقشار کم درآمد جامعه مانع محکمی در پیشگیری از آسیب های اجتماعی و اقتصادی در جامعه شوند.

#### ۴. تقوا

خداوند در آیات قرآن انسان را از انجام حرام ها نهی و به انجام واجبات امر می کنند. و هدف اصلی قصص قرآنی، آیات معاد، نقل نعمتهای اخروی و عذابه های جهنم، اندازها و تبشیرها، تشویق و ترغیب مؤمنین به رعایت تقوا - که همان انجام واجبات و ترک محرمات است.

تقوا در لغت از ماده «وقایه» و به معنی خودنگه داری و خویشتن داری و در اصطلاح دینی، خویشتن داری در مقابل انجام گناهان و ترک واجبات است (راغب اصفهانی: ۱۴۱۲، ۸۸۱) بر این اساس اولویت اصلی برای سبک زندگی اسلامی، انجام واجبات و ترک محرمات است.

قرآن کریم نیز رعایت «تقوای الهی» در زندگی را از مهم ترین ارکان زندگی قرار داده و فرموده است: «خداوند تنها از متقین می پذیرد.» (مائده: ۲۷) بنابراین در سبک زندگی اسلامی، شرط قبولی اعمال و رفتار انسان در آخرت، رعایت تقواست. از منظر قرآن کریم، گرامی ترین مؤمنان نزد خدا، باتقواترین آنها هستند: «با کرامت ترین شما، همانا باتقواترین شما است»



(حجرات: ۱۳).

امیر المؤمنین علی علیه السلام خطاب به امام حسن علیه السلام می نویسد: «بدان پسر من تو برای آخرت آفریده شده ای، نه برای دنیا؛ و برای رفتن از دنیا، نه برای پایدار ماندن در آن. در منزلی هستی که باید از آن کوچ کنی، و جایی که از آن به جای دیگر برسی، و تو در راه آخرتی» (ابن شعبه حرانی: ۱۴۰۴، ۷۶).

بر این اساس سبک زندگی اسلامی، توجه دادن به آخرت است و هدف از این سبک زندگی، بهشت و رضوان الهی می باشد. برنامه عملی رسیدن به آن هدف انجام واجبات و ترک محرمات است، چراکه خداوند، تنها وارثان بهشت را اهل تقوا معرفی می کند: «این همان بهشتی است که به هر یک از بندگان ما که پرهیزگار باشند، به میراث می دهیم» (مریم: ۶۳) همچنین در سوره شعراء آیه ۹۹ فرموده است: «بهشت برای اهل تقوا آماده شده است»

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «من شما را به تقوای الهی سفارش می کنم... پس اطاعت خدا را... بر تمام امورتان حاکم گردانید» (صبحی صالح: ۱۴۱۴، ۳۱۳) همچنین حضرت چنین پیشبینی کرده اند «شما را به تقوای الهی سفارش می کنم... چقدر کم اند کسانی که تقوا را می پذیرند و به حق به آن عمل می کنند. آنها تعدادشان بسیار کم است» (صبحی صالح: ۱۴۱۴، ۲۸۴)

### نتیجه گیری

یکی از مهمترین و راهبردی ترین کلیدواژه هایی که مقام معظم رهبری بارها در سخنرانی های خود به کار برده و بر آن تأکید داشته اند، موضوع «سبک زندگی اسلامی» است. ایشان معتقدند: آن تمدن نوین اسلامی که ما به دنبال هستیم و انقلاب اسلامی نیز می خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون دستیابی به «سبک زندگی اسلامی» و دوری از سبک زندگی غربی تحقق پیدا نخواهد کرد.

نکته حائز اهمیت آن است که طرح موضوع آسیب شناسی و اصلاح سبک زندگی از سوی مقام معظم رهبری با رویکرد فردی و اجتماعی مطرح شده است از این رو باید این موضوع را

به عنوان یک مسئله فردی و اجتماعی مورد توجه و تحلیل قرار داد. با این وصف از آنجایی که پدیده‌های اجتماعی در ارتباط مستقیم با ابعاد مختلف هستند بدون ملاحظه مؤلفه‌های سبک زندگی که بیشتر شامل ویژگی‌های رشدی و شخصیتی آحاد مردم جامعه می‌شود، نمی‌توان به درک جامعی با رویکرد فرهنگی و اجتماعی از سبک زندگی رسید.

این مقاله شامل ۵ عنوان است که به زمینه‌های آسیب‌های سبک زندگی اسلامی می‌پردازد. عنوان اول: زمینه‌های فرهنگی: شامل تقلید از بیگانه، قانون‌گریزی و زمینه‌های قانون‌گریزی، خرافه‌گرایی می‌باشد. عنوان دوم: زمینه‌های اخلاقی است که در انحرافات از سبک زندگی اسلامی نقش اساسی دارد که برخی از آنها مانند تملق و چاپلوسی، دروغ‌گویی مطرح شده است.

عنوان سوم: زمینه‌های رفتاری است که می‌توان آنها را از آسیب‌های جدی سبک زندگی اسلامی برشمارد مانند: رفاه‌طلبی، پیمان‌شکنی، خیانت و بی‌تفاوتی نسبت به مسائل جامعه.

عنوان چهارم: موضوعات اقتصادی است که آسیب‌های جدی در جامعه ایجاد می‌کند مانند: کسب در آمد حرام، رشوه‌خواری، رباخواری و تنبلی و سستی که آسیب‌های جبران‌ناپذیری در جامعه ایجاد می‌کند.

عنوان پنجم: موضوعات جنسی است که زمینه آسیب به زندگی اسلامی ایجاد می‌کند مانند: تبعیت از تمایلات جنسی، آزادی‌های جنسی و اباحی‌گری.

در پایان مقاله با توجه به یکی از محورهای بیانیه «معنویت و اخلاق به برخی راهکارها مانند: خداباوری، معاد باوری، نماز و تقوای الهی برای پیشگیری از آسیب‌های سبک زندگی و مقابله با سبک زندگی غربی می‌پردازد.

## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی؛ دعائم الإسلام؛ قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۳۸۵ ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- پاینده، ابو القاسم؛ نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)؛ تهران: دنیای دانش،
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ محقق / مصحح: رجائی، سید مهدی؛ قم: دار الکتاب الإسلامي، ۱۴۱۰ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ تحقیق: صفوان عدنان داودی؛ دمشق: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
- شریفی، احمد حسین، همیشه بهار، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۹.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو مکان چاپ: تهران، چاپ: سوم، ۱۳۷۲
- طوسی، محمد بن الحسن؛ الأمالی؛ محقق / مصحح: مؤسسة البعثة؛ قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- عیاشی محمد بن مسعود، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، کتاب التفسیر، ناشر: چاپخانه علمیه، تهران، ۱۳۸۰ ق.
- کاویانی، محمد، سبک زندگی و ابزار سنجش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
- کراچکی، محمد بن علی؛ کنز الفوائد؛ قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق.

- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد؛ تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بحار الأنوار، ناشر: دار إحياء التراث العربي، بیروت، چاپ دوم: ۱۴۰۳ ق.
- معین محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.
- مفید، محمد بن محمد؛ الإختصاص؛ محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود؛ قم: المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ ق.
- مفید، محمد بن محمد؛ الأمالي؛ محقق / مصحح: استاد ولی، حسین و غفاری علی اکبر؛ قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.
- محمد سعید مهدوی کنی، محمد سعید؛ دین و سبک زندگی، تهران؛ دانشگاه امام صادق؛ ۱۳۸۷.

---

## تاملی بر راهبردهای قرآن کریم در باب دگردیسی سبک زندگی مورد اشاره در بیانیه گام دوم انقلاب

---

جواد زروندی<sup>۱</sup>

چکیده

قرآن کریم از طرف خداوند متعال در دوره ای نازل شد که انسان عصر جاهلی از نظر فرهنگی شرایط نامساعدی داشت. تعالی انسانی مغفول مانده بود و باورهای آن‌ها مملو از خرافات بود تلی از غبار غفلت و نادانی روی قلب و دل انسان آن عصر و دوره را پوشانده بود، صاحب تواریخ مختلف اشاره کرده اند که انسان عصر نزول با تعالیم نورانی قرآن کریم در مدت زمان کوتاهی به مرحله ای رسید که گوی سبقت را از خیلی افراد دیگر در طول تاریخ گرفت. یعنی قرآن کریم دگردیسی شگرفی در ذهن و فکر انسان عصر جاهلی به وجود آورد گویا که اصلاً دوره جاهلیتی درکار نبوده و تاریخ به خود آن دوره را هرگز ندیده است. در همین راستا، پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با نگاه تحلیلی عمیق به تاریخ، کتب مستند و متقن، ابتدا به بیان ویژگی های سبک زندگی انسان عصر جاهلی قبل نزول قرآن و سپس به بیان ویژگی های سبک زندگی انسان عصر جاهلی بعد نزول قرآن پرداخته است. نتایج و یافته های پژوهش نشان داد که قرآن کریم با راهبردهایی مانند الگودهی

---

۱. استادیار دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری. javadzarvandi@gmail.com

مناسب، تبلیغ مناسب، توجه به کانون‌های تأثیرگذار در جامعه، استفاده از روش مرحله به مرحله، ... در مدت زمان بسیار کوتاهی دگردیسی بسیار عظیم و سترگی را در سبک زندگی انسان عصر جاهلی به وجود آورده است؛ و این حاکی از این مطلب می باشد که قرآن کریم با این ظرفیت عظیم خود، توانایی هر نوع تغییر مثبت و موثر در سبک زندگی انسان در هر عصر و دوره را دارد؛ زیرا قرآن کتاب و منبعی وحیانی برای همه اعصار و همه انسان ها در همه مکان ها می باشد و این همان موضوع مورد اشاره رهبری در تغییر سبک زندگی افراد جامعه و حلقه مفقوده جامعه ما (عمل و برگشت به قرآن کریم) در بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب می باشد.

**واژگان کلیدی:** قرآن کریم، دگردیسی، سبک زندگی، انسان جاهلی، راهبردهای قرآنی.

## مقدمه

انسان عصر جاهلی به‌گونه‌ای با رفتار و عملکرد اجتماعی خود سبک زندگی زمان خود را ساخته است که به آن سبک زندگی جاهلی و مردمش را انسان جاهلی لقب داده‌اند، درواقع جاهلیت دورانی است که زندگی مردم از ارزش‌های معقول، موازین فرهنگی، منطقی و باورهای معنوی و امیدوارکننده تهی می‌باشد. آلودگی به گناهان مختلف تا آنجا پیش رفته بود که از هنجارهای اجتماعی شمرده می‌شد به‌گونه‌ای که بسیاری، از ارتکاب آن احساس شرم نمی‌کردند و قتل و غارت، دزدی، میگساری و انواع قمار و فحشا، بخشی از زندگی روزانه مردم بود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا) (آل عمران، ۱۰۳)

«ای جمعیت عرب، قبل از اسلام، بر لب پرتگاه آتش بودید، خدا از طریق پیامبر شما را نجات داد.»

همچنین خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: (لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ) (آل عمران: ۱۶۴)

«هرآینه خداوند بر مؤمنان ممت نهاد آنگاه که از خودشان فرستاده‌ای در میانشان برانگیخت که آیات او را بر ایشان می‌خواند و پاکشان می‌سازد و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد، هرچند پیش‌ازاین در گمراهی آشکار بودند.»

حضرت علی عليه السلام در یکی از خطبه‌های خویش، وضعیت انسان عصر جاهلی را این‌گونه بیان می‌فرماید:

«خداوند، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سلم را بیم دهنده جهانیان و امین وحی و کتاب خود، مبعوث کرد و شما گروه عرب در بدترین آیین و بدترین جاها به سر می‌بردید. در میان سنگلاخ‌ها و مارهای کر (که از هیچ صدایی نمی‌رمیدند) اقامت داشتید. آب‌های لجن را می‌آشامیدید و

غذاهای خشن (مانند آرد هسته خرما و سوسمار) می‌خوردید و خون یکدیگر را می‌ریختید و از خویشاوندان دوری می‌کردید، بت‌ها در میان شما سرپا بود، از گناهان اجتناب نمی‌کردید.»<sup>۱</sup>

از سوی دیگر بررسی و کنکاش پیرامون ابعاد مختلف آن دوره و شناخت دقیق و همه‌جانبه از شرایط زندگی آن لازم و ضروری است زیرا بدون آگاهی از فضای حاکم بر بستر زمانی و مکانی آن دوره خاص، نمی‌توان به برداشتی درست و راهگشا در موضوعات مختلف، دست یافت. حال، سوال مهم این می‌باشد که راهبردهای قرآن کریم در دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی کدام است؟ و به همین منظور به جهت فهم هرچه بهتر لازم است که ابعاد مختلف زندگی انسان جاهلی آن دوره مورد بررسی قرار گیرد که در ذیل به آن پرداخته شده است ذکر موارد پیش رو در بازسازی آن دوره برای ذهن مخاطب بسیار مهم و ضروری بوده و سبب می‌گردد که اطلاعات دقیق و درستی نسبت به آن دوره داشته باشد.

#### وضعیت جغرافیایی جزیره العرب

به اعتبار وضعیت داخلی جزیره العرب، صحرا و شنزار از هر طرف آن را در بر گرفته است و به همین دلیل، جزیره به صورت حصار بزرگ درآمد که همواره دست بیگانگان و دشمنان از آن کوتاه بوده و نتوانسته‌اند نفوذ خود را در آنجا توسعه دهند و تسلط یابند.<sup>۲</sup> منطقه حجاز از جمله مناطقی بود که از دستبرد کشورگشایان محفوظ مانده بود زیرا اراضی لم‌یزرع و غیرقابل سکونت آن، چندان ارزشی نداشت که تا برای به دست آوردن آن لشکرکشی کنند و بعد از هزاران مشکلات که لازمه تسلط بر خاک آن منطقه بود، تازه دست خالی برگردند.<sup>۳</sup> اکثر بادیه‌نشینان در شمال شبه جزیره به دلیل نیاز به جست‌وجو برای آب و علف اندک و

۱. -دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۲۶.

۲. حسینی، محمد بهاء الدین، باده ناب، انتشارات کردستان، سنندج، ۱۳۸۲ش، ص ۲۳.

۳. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم (ﷺ)، بوستان کتاب، قم،



پراکنده در طبیعت به کوچ‌نشینی رو آوردند. در پی آن، کوچ‌نشینی و لوازمش - چون جنگاوری و شجاعت - به امری ارزشمند مبدل گشت. در واقع کمی منابع در طبیعت و دستیابی به این منابع با مسئله مرگ و زندگی در ارتباط است. اگر فقدان منابع بخواهد به مرگ یک اجتماع انسانی بینجامد، غارت راهی برای حل مشکل می‌شود.<sup>۱</sup>

بنابراین این قوم بر حسب محیطی که در آن زندگی می‌کنند، طبیعت وحشیگری دارند و به غارتگری و خرابکاری عادت گرفته‌اند و بی‌آنکه آهنگ غلبه و جهانگیری داشته باشند یا به کارهای پرمخاطره‌ای دست یازند به آنچه دسترسی پیدا کنند آن‌ها به غارت می‌برند و به بیابان‌های خشکی که جایگاه‌های چادرنشینی آن‌هاست می‌گریزند. از این رو تأثیر محیط زندگی در بسیاری از کیفیات و حالات سبک زندگی و اخلاق آن‌ها غیرقابل انکار می‌باشد.<sup>۲</sup>

### وضعیت سیاسی جزیره العرب

در جزیره العرب، قدرت مرکزی در برابر نهضت‌های مردمی وجود نداشت زیرا هر قبیله، حاکمیتی مستقل از سایر قبایل داشت و قدرت آن‌ها پراکنده و فاقد رهبری واحد بود. قبایل مختلف حاکمیت‌های مستقل از هم داشتند و درگیری‌ها و رقابت‌های زیادی برای گرفتن امتیاز میان آن‌ها رخ می‌داد. نبود سبک زندگی واحد و ایدئولوژی مشترک میان این قبیله‌ها، نبود راه‌های ارتباطی مناسب، عامل جغرافیا و دوری مسافت میان مناطق مسکونی و محدودیت منابع اقتصادی سبب پراکندگی و استقرار نیافتن حاکمیت قانون و نظم سیاسی فراگیر در جزیره العرب بود.<sup>۳</sup> بر اساس نسب و حسب، تمام افراد باید از شناسنامه قبیله‌ای و

---

۱. پرهیزکار، غلامرضا، «منابع سازنده فرهنگ منطقه حجاز پیش از بعثت (طبیعت و ارتباطات میان فرهنگی)»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم؛ شماره ۲، بهار ۱۳۹۱، ص ۸۱.

۲. ابن خلدون، عبدالرحمان بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۶۱ش، ج ۱، ص ۲۴۴.

۳. نصیری، محمد، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ش، ص ۴۹-۵۰.

فضایل و مفاخر قبیله آگاه باشند و بر اساس عصب و عرق قبیله‌ای، همه در ساختار قبیله محو بودند. به‌گونه‌ای که همه پیوندها و روابط برای حفظ وحدت خون و گوشت قبیله قربانی می‌شد. به تعبیر دیگر این عصبیت برای اعضای قبیله محدودیت، جبر و ناسیونالیسم قبیله‌ای و برای رهبران آن‌ها نوعی استبداد مطلق پدید می‌آورد. ضمیمه شدن روح جنگجویی که دستاورد طبیعی بیابان‌های خشک و سخت عربستان است به این عصبیت و ناسیونالیسم جاهلی، توجیه‌گر بسیاری از جنگ‌های اعراب (ایام العرب) است. به‌گونه‌ای که گاه به سبب برخوردی ساده میان دو فرد، جنگ خونین قبیله‌ای به راه می‌افتاد. از این رو نه تنها نشانی از تمدن و سبک زندگی اجتماعی حکومت به چشم نمی‌خورد، دشمنی‌های توجیه‌نشده‌ی، ارتباطات عاطفی و انسانی و زندگی فردی - قبیله‌ای آنان را در معرض سقوط جدی قرار داده بود.<sup>۱</sup>

#### وضعیت اقتصادی جزیره العرب

اوضاع اعراب جاهلی به‌گونه‌ای بود که گاهی بر اثر تنگ‌دستی، فرزندان خود را می‌کشتند؛ خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فرزندان خود را از بیم فقر و تنگ‌دستی به قتل نرسانید. ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم» (انعام، ۱۵۱) عوامل مختلف مانند جهل و تنگی معیشت و نداشتن سبک صحیح زندگی، وحشی‌گری و درنده‌خویی و تنبلی و بی‌حالی و دیگر رذایل اخلاقی، محیط عربستان را به نحو بارزی تاریک کرده و کم‌کم امور شرم‌آوری را در میان آن قوم، معمول و قانونی ساخته بود. غارت و چپاول، قمار، ربا و اسیرگیری افراد، در زندگی عرب جاهلی کاری متداول بود. یکی دیگر از عادات زشت آنان، باده‌گساری بود. این عادت نکوهیده، چنان در جامعه آنان نفوذ داشت که جزء سرشت آن قوم شده بود. شاعران آن سرزمین، قریحه‌های شعری خود را بیشتر در وصف شراب و شرح باده‌گساری به کار می‌بردند و میخانه‌ها در تمام ساعات برای نوشیدن انواع شراب‌ها آماده بود و پرچمی بر فراز آن‌ها در اهتزاز بود. باده‌فروشی به قدری در آن محیط رواج گرفته بود که کلمه تجارت در عرف

آنان، برابر باده‌فروشی بود.<sup>۱</sup>

### ارزش های جزیره العرب

اخلاقی که در نظر عرب جاهلی مطرح بود، تفسیر متفاوتی داشت. آن‌ها وفا را بدین معنی می‌دانستند که از افراد قبیله و هم‌پیمانان خود در هر حادثه طرفداری کنند، خواه حق باشد یا باطل. آن‌ها مروّت و شجاعت را ستایش می‌کردند اما زیادی مقتولان در جنگ را نشانه شجاعت می‌دانستند. در واقع جنگ و غارتگری و خونریزی خو گرفته بودند که تاراج اموال دیگران را از افتخارات اعراب، آن‌چنان با غارتگری و خونریزی خو گرفته بودند که تاراج اموال دیگران را از افتخارات خود برمی‌شمردند. شیوع عقاید خرافی و فساد از یک سو و نداشتن تعلیمات درست و سبک زندگی ناصحیح و نبودن تربیت، زندگانی اعراب را با درگیری و جنگ‌های مختلف همراه ساخته بود. به طوری که بر سر موضوعات کوچک و بی‌اهمیت، جنگ‌های بسیار طولانی سر می‌گرفت. شعر، این عالی‌ترین مظهر سبک زندگی عرب، به دلیل الهام از عقده‌های قبیله‌ای و خرافه‌ها، گاه آن قدر خشن و خون‌فشان بود که گویا از دم شمشیر فرومی‌چکد. مضامین اشعار معمولاً آمیزه‌ای از ستایش یا نکوهش قبیله یا رئیس آن، تشویق به غارتگری، فتنه‌انگیزی، تجدید خاطره‌های سیاه‌گذشتگان، عشق حیوانی و شراب و شکار بود.<sup>۲</sup>

### باورهای خرافی جزیره العرب

از جمله باورهای خرافی عرب این بود که روان انسان پس از مرگ به صورت پرنده‌ای، شبیه «بوم» به نام «هامه و صدی» از کالبد بیرون می‌آید و پیوسته در کنار جسد بی‌روح انسان شیون می‌کند و ناله‌های جان‌خراش و وحشت‌زا سر می‌دهد. آنگاه که کسان مرده، وی را به خاک سپردند؛ روح او- به صورت که گفته شد- به آرامگاه وی وارد می‌شود و تا ابد در آنجا قرار

۳. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم (ﷺ)، بوستان کتاب، قم،

۱۳۸۵ش، ص ۵۰.

۲. نصیری، محمد، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ش، ص ۴۹-۵۰.

می‌گیرد و گاهی برای اخذ اطلاعات از اوضاع فرزندان، بر بام خانه فرزندان می‌نشیند. اگر انسان با مرگ غیرطبیعی، چشم از این جهان پوشیده باشد؛ پیوسته صدا می‌زند: اسقونی...! اسقونی...! یعنی با ریختن خون قاتل من، سیرابم کنید و تا انتقام از قاتل گرفته نشود، خاموش نخواهد شد. در مورد دیگری، عقیده داشتند که زنی که بچه‌اش نمی‌ماند، اگر هفت بار بر کشته مرد بزرگی قدم می‌گذاشت، معتقد بودند که بچه‌اش باقی می‌ماند.<sup>۱</sup> انسان عصر جاهلی اعتقاد داشت که خون انسان شریف، در درمان کسی که سگ او را گاز گرفته، مؤثر است. از این رو قطره‌ای از خون انگشت مردی شریف را با آب مخلوط می‌کردند و به فرد گاز گرفته شده می‌دادند تا درمان شود. اعراب جاهلی ازدواج زن فقیری که از خانواده شریفی باشد را با مردی ثروتمند از خانواده‌ای غیر شریف نمی‌پذیرفتند؛ زیرا شرافت نسبی را بر ثروت ترجیح می‌دادند. همچنین به سبب اهمیت خون و نژاد، برخی افراد به نوعی ازدواج تن می‌دادند که در آن، فرد همسر خود را نزد فردی شریف می‌فرستاد و تا پیش از حامله شدن اجازه بازگشت به همسر خود را نمی‌داد تا فرزند او از نسب شریفی به دنیا آید. با کشته شدن فردی از بزرگان، به سبب شرافت خونش باید خون بزرگی ریخته می‌شد، حتی اگر آن بزرگ هیچ تقصیری نداشته باشد. قرآن کریم در این باره به این نکته اشاره می‌کند که نفس محترم را نکشید و اگر کسی مظلوم کشته شد، در مقابل اسراف در قتل نکنید (اسراء، ۳۳) این در حالی است که غارتگری و خونخواهی، همواره فکر قبیله را به خود مشغول داشت. در ادامه لازم است تعریفی درباره سبک زندگی نیز ارائه شود.

### سبک زندگی

سبک زندگی در دیدگاه‌های مختلف و با تفکرات گوناگون ارائه شده است اما در یک تعریف عام همان شیوه‌ها و الگوهای زندگی روزمره است که الگوهای فردی زندگی و تمام عادات و روش‌هایی را که فرد یا اعضای یک گروه به آنها خو کرده یا عملاً با آنها سروکار دارند

۱. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم (ﷺ)، بوستان کتاب، قم،

را در بر می‌گیرد، مانند الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف، لباس و نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان بینی فرد و گروهی را که عضو آن می‌باشند، که مدنظر ما در این پژوهش همین تعریف از سبک زندگی می‌باشد.

### شاخص‌های کلیدی سبک زندگی انسان عصر جاهلی قبل از نزول قرآن

هرچند خصلت‌های پسندیده‌ای چون روحیه سلحشوری، وفای به عهد، بخشندگی و میهن‌نازی، صراحت لهجه، حافظه قوی و اهتمام به شعر و شاعری گواه خوبی بر وجود برخی ارزش‌ها در میان سبک زندگی انسان عصر جاهلی است، اما اندکی تأمل در دستاوردهای هریک از این خوی‌ها، پرده از استضعاف فکری و فرهنگی این سرزمین برمی‌دارد؛ زیرا جهت‌دار نبودن روحیه حماسی، در بسیاری اوقات، به افروختن بی‌دلیل آتش کینه و درگیری میان قبایل می‌انجامید. وفاداری به قبیله در هر موقعیت و پشتیبانی از افراد قبیله خود، بی‌توجه به ستمگر یا ستم‌دیده بودن آن‌ها، تبعیض نژادی و همسنگ ندانستن غیر عرب با عرب‌ها، نمودهای دیگری از نبودن نظام جامع سبک زندگی صحیح در جزیره العرب است.<sup>۱</sup> قبیله مهم‌ترین رکن اجتماعی در سبک زندگی انسان عصر جاهلی به شمار می‌آمد. در میان آنان، جز همان پیمان‌هایی که بین قبایل منعقد می‌گشت و به موجب آن حقوق هر قبیله و وابستگان آن محترم شمرده می‌شد قانون دیگری وجود نداشت و اگر فردی جزء قبیله‌ای نبود و یا پیوندی با دیگر قبایل نداشت کسی از او دفاع و حمایت نمی‌کرد. به‌طور طبیعی قبایل بزرگ‌تر از حقوق بیشتری برخوردار بودند و می‌توان گفت زور و شمشیر یگانه قانون آن دیار به شمار می‌آمد. از این‌رو، مردم این سرزمین، خشن، متکبر، خون‌خوار و چپاولگر بودند و گاهی برای مسئله‌ای بسیار جزئی جنگی بس طولانی برپا می‌داشتند.<sup>۲</sup> قبیله قوانین خاص خود را دارا بود و همه افراد قبیله باید این اصول را رعایت می‌کردند. تخلف از این قوانین، باعث طرد فرد خاطی از قبیله می‌شد و نتیجه آن، پناهنده

۱. نصیری، محمد، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ش، ص ۴۹-۵۰.

۲. میر شریفی، سید علی، پیام آوران رحمت، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۵، ص ۵.

شدن به قبیله‌های دیگر بود. گاهی نیز به جرگه راهزنان می‌پیوستند. از سوی دیگر، در اثر درگیر شدن قبایل با یکدیگر و گرفتن اسیر، طبقه‌ای به نام بردگان پدید آمده بود که جمعیت آن‌ها نیز فراوان بود.<sup>۱</sup> صحرائشینی عرب‌ها و زندگی بدوی آن‌ها مانع از هر نوع پیشرفت علمی و تمدنی در آن سرزمین شده بود؛ زیرا مردم حجاز در سرزمین‌های بدآب و هوا زندگی می‌کردند و نمی‌توانستند با مردم متمدن در ارتباط باشند.<sup>۲</sup> در این جامعه که فاقد هرگونه سازمان یا نهاد متمرکز و غیرمتمرکز جهت اداره مسئله تعلیم و تربیت بود، تعداد افراد درس خوانده و باسواد بسیار اندک بود. به‌غیراز نواحی معدودی از شمال و جنوب عربستان که به پیشرفت‌های علمی و فرهنگی دست یافته بودند، سایر مناطق این سرزمین وسیع، وضعیت عقب‌مانده‌ای در عرصه علمی و فرهنگی داشت. يك شاعر جاهلی، وقتی زبونی و ناتوانی قوم خود را، در امر غارت می‌بیند، این شعر را می‌سراید:

«فلیت لی بهم قوما إذا ركبوا شتوا الإغارة فرسانا و ركبانا»

و با بیان این شعر، آرزو می‌کند که ای کاش به‌جای این گروه، قوم دیگری داشت که وقتی بر اسب‌های خود سوار می‌شدند، دست به تاراج و غارت می‌زدند.<sup>۳</sup> حال دراین مقاله به برخی از ویژگی‌های سبک زندگی انسان عصر جاهلی را بیان می‌کنیم.

#### ۱. تأکید بر پیروی از اجداد در سبک زندگی انسان عصر جاهلی

در نظام‌های قبیله‌ای، همه‌چیز، مشروعیت خود را از سنتی می‌گیرد که ریشه در آداب و رسوم اجداد و نیاکان داشته و از پدران آن‌ها به ارث رسیده است.<sup>۴</sup> آن‌ها همواره بر سنن آبا و

۱. علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد، جامعة البغداد، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، صص ۵۰ و ۲۱۲.

۲. زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه: علی جواهر کلام، تهران، نشر امیر کبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۶ ش، ص ۶۷.

۳. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم (ﷺ)، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ ش، ص ۴۹.

۴. چلونگر، محمدعلی، «بازگشت به معیارهای جاهلی، تهدید نهضت پیامبر اعظم»، مجله نامه تاریخ پژوهان - شماره ۸ و ۹، زمستان ۱۳۸۵ و بهار ۱۳۸۶.

اجداد خویش استناد می‌کردند و آن را عامل صیانت از خویش در مقابل دشمنان دانسته و آداب و رسوم آن‌ها را به عنوان مرجع اصلی و نهایی خویش در مقابل دیگران قلمداد می‌نمودند. اعراب جاهلی بر شناخت نسب تأکید زیادی داشتند. پایبندی آن‌ها به این امر تا حدی بود که نسب‌شناسی به عنوان یک علم شاخص در میان آن‌ها مطرح شده و آن را یک علم مهم می‌دانستند.<sup>۱</sup> این در حالی است که اسلام از جنبه‌های مختلف بر سبک زندگی انسان عصر جاهلی تأثیر گذاشت، زندگی دینی مردم را دچار تغییر اساسی کرد، با ظهور اسلام، زندگی اجتماعی آنان که یک ساختار قبیله‌ای بود از بین رفت. دیگر شخصی به عنوان رئیس قبیله وجود نداشت و به جای دشمنی و اختلاف و سرسختی، همکاری و برادری حکم فرما شد. اسلام امتیازات قبیله‌ای را حذف کرد، مردم را در برابر خدا و قانون مسئول شمرد و ملاک برتری را تقوا قرارداد.<sup>۲</sup> تلاش رسول اکرم (ﷺ)، اصلاح معیار ارزش گذاری انسان‌ها بود. در جامعه‌ای که افراد با معیارهای سطحی قدرت و ثروت ارزش گذاری می‌شدند و جامعه از درون، تهی و آسیب پذیر شده بود، آن حضرت معیار اسلامی و انسانی را جایگزین کرد.<sup>۳</sup> خداوند در آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات، تنها معیار ارزش‌گذاری افراد را تقوا بیان نموده و می‌فرماید که ارجمندترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست.

## ۲. داشتن مبانی اعتقادی نادرست در سبک زندگی انسان عصر جاهلی

دین عرب جاهلی، بازتعریفی مادی از عقاید آن‌ها بود که عینیت‌گرایی را دنبال می‌کرد و حقیقت را جلوه مادی پوشانده بود تا حدی که آن‌ها خدایان سنگی را مورد پرستش قرار می‌

۱. ر. ک. حتی، فلیپ. تاریخ عرب، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تبریز، نشر کتابچی حقیقت، ۱۳۴۴ ش، ج ۱، ص ۳۹.

۲. بهادری اردشیری، عباسعلی، «تحلیل مفهومی شعر در صدر اسلام»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۸۶ ش، ص ۳۶۱.

۳. علیانسیب، سیدحسین، «شیوة پیامبر اکرم (ﷺ) در مدیریت روانی جامعه اسلامی»، مطالعات اسلام و روانشناسی، سال ۹، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش، ص ۷۵.

دادند. این نوع تفکر زمینه‌ساز تعارض و چندگانگی شده بود و تفکر جاهلی را اسیر عالم ماده نموده بود. در نتیجه، این نوع ایدئولوژی، بستری را فراهم می‌کرد که از درون آن، نزاع طلبی و جنگ جویی پدید می‌آمد زیرا روحیه تعدی و سلطه‌گری را در میان آن‌ها تقویت می‌نمود. در واقع یکی از نشانه‌های مهم اعراب جاهلی، انحراف آن‌ها در شناخت خداوند می‌باشد. آن‌ها علاوه بر پرستش ذات باری تعالی، برخی موجودات دیگر را نیز مورد پرستش و ستایش قرار می‌دادند. هرچند مفهوم دین با محوریت کعبه از مدت‌ها قبل در میان اعراب جاهلی ظهور و بروز داشت، اما ایدئولوژی آن‌ها با انحرافات فراوانی مواجه شده و آستن تعارضات فراوانی گشته بود و اصل یکتاپرستی و توحید در جامعه عرب جاهلی، به شرک تبدیل شده بود.<sup>۱</sup>

### ۳. تأکید بر قبیله‌گرایی در سبک زندگی انسان عصر جاهلی

در دوره جاهلی، قبیله، اساس پیوند اجتماعی اعراب در حجاز و سایر مناطق عربستان بود که مهم‌ترین و حقیقی‌ترین واحد اجتماعی در جامعه جاهلی محسوب می‌شد. قبیله، گروهی در عرب است که بر مبنای نسب و خون تشکیل شده و برای بهبود معیشت خود با یکدیگر همکاری می‌کنند.<sup>۲</sup>

عضو قبیله باید در حفظ این رابطه و تداوم آن کوشیده و حتی از جان و مال خود دریغ نرزد. گاهی نیز به تشخیص بزرگان قبیله‌ها، اموری با ارزش محسوب می‌شد که در راه پاسداری و دفاع از آن‌ها خون‌های بسیاری ریخته می‌شد. شیخ قبیله در صدور رأی و برپایی مراسم‌ها و نیز در امور صلح و جنگ و بستن پیمان‌ها مسئولیت مهمی داشت. او در پذیرش یا رد آئین

۱. سلیمانی، جواد، «چگونگی و چرایی بازگشت به جاهلیت در جامعه پس از پیامبر (ﷺ)»، حکومت

اسلامی، سال سیزدهم، شماره چهارم، ۱۳۸۷ش.

۲. صالح، احمد‌العلی، حجاز در صدر اسلام، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر مشعر، چاپ اول، تهران،

۱۳۸۲ش، ص ۱۵۳.



ها و تثبیت عقیده، نقش زیادی داشته است.<sup>۱</sup>

انتساب به یک قبیله، تنها از طریق پیوند خونی ایجاد می‌شد یعنی فرد باید در آن قبیله متولد می‌شد تا عضو آن محسوب گردد. اگر می‌خواستند فردی را به هر علتی به یک قبیله خاص منسوب کنند، او می‌بایست چند قطره از خون یکی از افراد قبیله را می‌مکید تا از این طریق انتساب به آن قبیله را پیدا نماید.<sup>۲</sup>

در ساختار قبیله‌ای، پدر نسب و اصل قبیله را به فرزندان خویش منتقل می‌سازد. به همین دلیل اگر مادر از قبیله‌ی دیگری باشد، او هم بیگانه تلقی می‌گردد.<sup>۳</sup>

زمانی که پیمانی میان قبایل مختلف صورت می‌گرفت و یا حتی میان افراد قبیله و رئیس قبیله پیمانی منعقد می‌شد، طرفین بیعت کرده و شکستن آن پیمان را بسیار نادرست می‌دانستند. ابن‌ابی‌الحدید بیان می‌کند که تربیت قبیله‌ای عرب به‌گونه‌ای بود که آن‌ها بیعت خود را نقض نمی‌کردند و خیانت را نمی‌پذیرفتند، چه این پیمان بر مبنای درستی بوده باشد یا مبنای نادرستی داشته باشد.<sup>۴</sup> در واقع اگر بحران و گسستی پیش می‌آمد باید حفظ قبیله را مقدم می‌داشتند و نزاع‌های فردی را به نفع قبیله به حاشیه می‌راندند.<sup>۵</sup>

#### ۴. تأکید بر حمیت و تعصب در سبک زندگی انسان عصر جاهلی

حمیت از ماده «حَمِي» برگرفته شده است و به معنای حرارتی است که از خورشید یا بدن

۱. آئینه وند، صادق، تاریخ سیاسی اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ش، ص ۵۳ و ۲۳۳.

۲. حتی، فلیپ. تاریخ عرب، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تبریز، نشر کتابچی حقیقت، ۱۳۴۴ش، ج ۱، ص ۳۷.

۳. امین، احمد، پرتو اسلام، ترجمه‌ی ضحی‌الاسلام. به قلم عباس خلیلی. تهران، شرکت نسبی حاج محمد اقبال و شرکاء، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش، ص ۳۸.

۴. ابن‌ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، دار إحياء الكتب العربية، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق، ص ۱۳۷.

۵. افتخاری، اصغر، «نشانه‌های ساختاری "امنیت اسلامی" مطالعه موردی حکومت نبوی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۲۶، زمستان ۱۳۸۳ش، ص ۲۸.

انسان و آتش یا امثال آن به وجود می‌آید (و) زوال عقل را به دنبال دارد. حمیت میان قبایل عصر جاهلی متداول بوده است.

مصدق بارزی از حمیت باطل، در طول پیمان حدیبیه (در سال ششم هجرت) صورت گرفت که در طی آن، رفتار مشرکان با مسلمانان نامناسب بود و آن‌ها برای اینکه از ورود مسلمانان به مکه جلوگیری کنند، بسیاری از اعتقادات خود را زیر پا گذاردند.<sup>۱</sup>

خداوند در آیه ۲۶ سوره مبارکه فتح درباره حمیت و تعصب جاهلی می‌فرماید: (إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا) (فتح: ۲۶)

نگرش اعراب بیابان‌گرد به پیرامون خویش، ابتدا از محیط کوچک خانواده‌اش شروع می‌شد. هرچه این محیط وسیع‌تر می‌شد، تعصب او به آن محیط کم‌تر می‌گردید.<sup>۲</sup>

تعصب قبیله‌ای تا آنجا بود که عرب جاهلی تصور می‌کرد که خصوصیات جسمی و فیزیکی افراد قبیله‌اش با قبیله‌های دیگر تفاوت دارد.<sup>۳</sup>

در نظام‌های قبیله‌ای، تعصب و حمیت به عنوان معیاری بود که حق را از باطل جدا می‌کرد و دوستی و دشمنی را از یکدیگر تمییز می‌داد. شناسایی دشمن با معیار تعصبات قبیله‌ای صورت می‌پذیرفت و افراد قبیله، خود را به شدت موظف می‌دانستند که از قبیله خود و اعضایش در هر وضعیتی حمایت و دفاع نمایند.

در نگاه اعراب جاهلی، میان خودی و غیرخودی، مرزی به نام تعصب، ترسیم شده بود که هویت اجتماعی آن‌ها را دگرگون ساخته و بر روی قوه تفکر و استدلال ورزی جامعه‌ی قبیله

۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش، ج ۲۲، ص ۹۵-۹۶.

۲. ابن عبدربه الاندلسی، احمد بن محمد عبدربه، العقد الفرید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۵۳ م، الجز الثالث، ص ۳۳۰.

۳. ممتحن، حسنعلی، نهضت شعوبیه، جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی، ص ۱۴۸.

ای، غبار افکننده بود. در بسیاری از مواقع، این حمیت و تعصب بر نوعی حمایت کورکورانه مبتنی بود.

در اینجا لازم است به جهت جلوگیری از اطاله کلام به شاخص های کلیدی سبک زندگی انسان عصر جاهلی بعد نزول قرآن نیز اشاره مختصر و کوتاهی شود.

شاخص های کلیدی سبک زندگی انسان عصر جاهلی بعد نزول قرآن

۱. پذیرفتن قرآن به عنوان منبع قانون گذاری.

۲. پذیرفتن پیامبر ﷺ به عنوان رهبر و تشکیل جامعه واحد در سراسر شبه جزیره عربستان.

۳. رسیدن به بالاترین معارف بشری مانند گذشت از جان و مال بخاطر خداوند و سایر انسانها.

۴. رسیدن به سالم ترین و منظم ترین روابط جنسی.

۵. جایگزین شدن روابط ایمانی و عقیدتی به جای تفاخر قومی و قبیله ی.

۶. پرستش خدای واحد.

۷. دست یابی به انواع علوم و آگاهی از سایر فرهنگ ها.

۸. احترام بسیار به حقوق انسان ها و حق حیوانات و گیاهان...

اما حال پس از بیان مطالب فوق این سال اساسی پیش روی ما قرار می گیرد که قرآن کریم با چه راهبردهایی توانست در سبک زندگی انسان عصر جاهلی دگردیسی ایجاد نماید؟ از این رو در سطور ذیل به بیان این رهبردها می پردازیم.

راهبردهای قرآن کریم در دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی

در ادامه راهبردهای قرآن کریم در دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی را مورد بررسی قرار می دهیم:

۱. دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با الگودهی مناسب

با بررسی اجمالی تاریخ عصر جاهلیت، می توان اذعان داشت که جنگ جزء لاینفک

زندگی اعراب بوده و آئینه تمام نمای جنگ‌های قبیله‌ای، بخشی از زندگی روزمره‌ی عرب را مصروف خودساخته است. دستیابی به آب، تصرف چراگاه‌ها، انتقام، قدرت‌نمایی، تفاخرت و رقابت‌های قبیله‌ای و دستیابی به غنائم، علت عمده‌ی این جنگ‌ها به حساب می‌آید.<sup>۱</sup>

با ظهور اسلام، هدف از جنگ متحول گردید و الگوی مناسبی از سبک زندگی به منصفه ظهور گذاشته شد. پیامبر (ﷺ) قبل از هر چیز هدف از جنگ را تشریح می‌ساخت و اهداف استراتژی آن را روشن می‌نمود. با این کار نشان می‌داد که جنگ فی‌نفسه همانند عصر جاهلیت بر سر رقابت‌های قبلی‌های و تنازعات قومی، آب، زمین و مرتع نیست، بلکه هدف‌ها و غایات الهی و مکتبی در آن نهفته است.

در این راستا همه این‌ها زمینه‌سازی بود برای اینکه نبی مکرم اسلام (ﷺ) الگوی جدیدی از نگرش به مرگ را که در قالب شهادت‌طلبی بروز می‌نماید، به مخاطبان نشان دهد. شهادت‌طلبی و استقبال از مرگ، بدین معنی است که اگر بر دشمن پیروز گردند، از این‌که دین خدا را یاری کرده‌اند، مسرورند و خود را کامیاب و ظفرمند می‌دانند و اگر کشته شوند و دشمن فاتح کارزار گردد، به سعادت‌ی گران‌قدرتر و ارجمندتر دست یافته‌اند و آن شهادت در راه خدا است. از این‌رو، خود را در هر دو حال، چه بکشند و چه کشته شوند، پیروز و سربلند می‌دانند و شکست و ناکامی در قاموس آنان معنا و مفهومی ندارد. در سبک زندگی انسان قرآنی، جنگ هیچ جایگاهی ندارد مگر آنجا که بحث دفاع از حدود شرعی و قانونی به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته شود و گرنه اصالت اولیه در ارتباط با تمامی انسان‌ها بر صلح و همزیستی می‌باشد.

## ۲. دگرذیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با تبلیغ مناسب

تحول‌آفرینی در زمینه اعتقادات و رفتارها سبب شد که بسیاری از ارزش‌ها و باورهای

۱. قائدان، اصغر، «تاثیر روایت ایام العرب در مغازی و فتوح نگاری»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال

نادرست جامعه جاهلی درگیر چالش‌های جدی شود. در واقع، تبلیغ آموزه‌های دینی و اسلامی زمینه‌ساز آن شد که شرایط نامساعد سبک زندگی انسان عصر جاهلی، درگیر تحول اساسی شود و روحیه غارتگری و خشونت‌طلبی وی، همه و همه مغلوب تعالیم حیات‌بخش اسلام گردد. بسیاری از محققان و حتی نویسندگان غربی به تلاش‌های نبی مکرم اسلام در این باره اذعان نموده‌اند. توماس کارلایل، محقق انگلیسی پیرامون این موضوع می‌گوید: «محمد (ﷺ) با تبلیغ مناسب قانون‌های اخلاقی و مدنی را ارائه نمود تا ددمنشی و وحشیگری را از بین برده و تمدن و نظم را جایگزین بی‌نظمی و بی‌قانونی نماید.»<sup>۱</sup>

ویل دورانت، تلاش‌های فراوان نبی مکرم اسلام (ﷺ) در راستای تحول‌آفرینی در جامعه جاهلی را صحنه‌گذارده و می‌گوید: «در طول پنج قرن از نظر قدرت، نظم، تصفیه رفتار و اخلاق، گسترش قلمرو حکومت، ایجاد قانون‌های منصفانه انسانی و تساهل دینی و... سردمدار جهان بودند.»<sup>۲</sup> پیامبر (ﷺ) برای ایجاد اراده‌های محکم، وفاداری‌ها و علاقه‌مندی‌های محدود و فردی را به وفاداری‌های ارزشی و مکتبی تبدیل کرد؛ زیرا ریشه اراده جمعی، در ارزش‌های حاکم بر جامعه است و قرار گرفتن فرد در چهارچوب ارزشی وسیع‌تر، وی را از حالت انفعالی به حالت فعال درمی‌آورد و روابط عادی را شدت می‌بخشد؛ اشخاص را تهییج می‌کند و آنان را در باورهای عمیق خود راسخ‌تر می‌سازد.

### ۳. دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با توجه به کانون‌های تأثیرگذار در جامعه

برای این‌که باورهایی در یک جامعه مؤثر واقع شود، شناخت محیط پیرامون مخاطبان بسیار مهم می‌باشد. لذا باید شناخت عمیق و اطلاعات کافی از محیط و فضای زندگی جوامع، وجود داشته باشد؛ زیرا رفتار انسان متأثر از محیط‌زیست او است، بدین معنی که انسان با

۱. صمیمی، مینو، محمد (ﷺ) در اروپا، ترجمه: عباس مهر پویا، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۲ ش، ص ۳۴۸.

۲. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهری، چ ۴، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ش، چ ۱، ص ۴۳۲.

توجه به نیازها و ارزش‌ها، محیط خود را دگرگون کرده و خود نیز تحت تأثیر محیط دگرگون شده قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> پژوهشگران ارتباطات در مباحث مخاطب‌شناسی، از نظریه ارتباطات دومرحله‌ای یاد می‌کنند که براساس آن، افکار در مرحله اول به خواص و نخبگان و از آنان به بخش‌هایی از جمعیت که کمتر فعال هستند، منتقل می‌شود. براساس این پژوهش‌ها، افکار عمومی نخبگان سریع‌تر از افکار عمومی جامعه شکل می‌گیرد و همین امر موجب می‌شود که نهادهای مختلف، بیش از هر چیز در پی شکل‌دهی به افکار عمومی این گروه باشند که با عنوان گروه‌های مرجع یا خواص شناخته می‌شوند. در همین راستا، پیامبر (ﷺ) با حفظ اصول و پایبندی کامل به وظیفه الهی خود، پیوسته از ظرفیت گروه‌های مرجع بهره می‌برد و تا جایی که امکان داشت، از تحریک و تقابل مستقیم با آن‌ها پرهیز می‌کرد. از مهم‌ترین گروه‌های مرجع در صدر اسلام، کسانی بودند که سال‌ها به‌عنوان بزرگ قوم خود شناخته می‌شدند و در جامعه قبیله‌ای عرب، جایگاه ویژه داشتند. پیامبر (ﷺ) پس از تسلط بر هر قومی و دعوت آن‌ها به اسلام، بزرگ آن‌ها را ارج می‌نهاد و او را بر قوم خودش حاکم می‌کرد.<sup>۲</sup>

درواقع، خواص یا نخبگان آنان‌اند که با توجه به ویژگی‌ها، استعدادها، نقش و فعالیت‌های خود در جامعه، از موقعیت‌های برتری برخوردارند. آنان سمبل‌های تفکر، عمل و وجودند و از قدرت جاذبه بیشتری در قیاس با دیگران بهره‌مندند. از این رو، این‌ها الگوی دیگران قرار می‌گیرند و سایر مردم به آنان اقتدا می‌کنند.<sup>۳</sup> پیامبر اکرم (ﷺ) در حدیثی می‌فرماید: «هرگاه دو گروه از امت نیکوکار باشند، امت نیکوکار خواهند بود و اگر آن‌ها فاسد گردند امتم به فساد کشیده می‌شوند. پرسیدند یا رسول الله آن دو گروه کدام‌اند؟ فرمود: دانشمندان و

۱. متفکر، حسین، جنگ روانی، قم، نشر زمزم هدایت پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۷ش، ص ۴۰.

۲. علیان‌سب، سیدحسین، «شیوة پیامبر اکرم (ﷺ) در مدیریت روانی جامعه اسلامی»، مطالعات اسلام و روانشناسی، سال ۹، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۴ش، ص ۶.

۳. گی‌روشه، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی، بی تا، ص ۱۱۶-۱۲۷.

حاکمان<sup>۱</sup>»

از این رو نخبگان در ایجاد تغییرات مثبت یا منفی اجتماعی نقش مهم و مؤثری دارند. در نظام جاهلی، افتخار به حسب و نسب در کنار تعصبات قبیله‌ای، پایه و اساس نظام حاکم بر اندیشه اعراب جاهلی بود. این فخرفروشی‌ها به شکل‌های گوناگونی انجام می‌گرفت و برخی از آن‌ها تبعاتی در پی داشت که تا سال‌ها ادامه می‌یافت. جامعه جاهلی که قانونی نوشته شده و حکومتی فراگیر نداشت، به منظور تنظیم روابط و حیات اجتماعی، سنت‌هایی را ایجاد و پرورش داد که مانند قانون پذیرفته شد و معمولاً مورد تخطی قرار نمی‌گرفت. این سنت‌ها متأثر از تفکرات هستی‌شناختی، محیط جغرافیایی عربستان و به‌ویژه نوع زندگی قبیله‌ای عرب بود. فخرفروشی به اعمال و ویژگی‌های شخصی و شخصیت (حسب)، نژاد و خون (نسب) در چارچوب علاقه و تعصب افراط گونه به قبیله بخش جدایی‌ناپذیری از اندیشه عرب جاهلی را تشکیل می‌داد که در رفتارها و سنت‌های آن‌ها نمود می‌یافت.<sup>۲</sup>

#### ۴. دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با استفاده از روش مرحله‌به‌مرحله

بررسی آیات متعدد از سوره‌های مکی قرآن کریم نشان می‌دهد که خداوند، در راستای تغییر سبک جنگ انسان جاهلی ابتدا نبی مکرم اسلام (ﷺ) و مسلمانان را از درگیری با مشرکان نهی کرده و امر می‌کند که در مقابل آنان صبر و شکیبایی نموده و با آنان مدارا نمایند؛ زیرا مراحل اولیه دعوت اسلامی در فضایی صورت می‌گرفت که بت‌پرستی در جزیره العرب رواج داشت و تلاش سران شرک بر آن بود که ندای توحید را خاموش نمایند زیرا با منافع آن‌ها سازگاری نداشت. از سوی دیگر جمعیت مسلمانان نیز در اقلیت بود و همان

۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، مؤسسة الوفاء،

چاپ دوم ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۴۹

۲. باصری، وحید و آئینه وند، صادق، «بررسی سنت منافقه در جاهلیت و بازتولید و پیامدهای آن در دوران

اسلامی»، مطالعات تاریخ اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۹۲، ص ۹

جمعیت کم نیز از آزار و اذیت سران شرک در امان نبودند. پس آزان، در راستای کاهش آلام مسلمانان اقدامات ویژه‌ای نیز صورت می‌گرفت. از جمله فرمان رسول خدا (ﷺ) به هجرت مسلمانان بی‌پناه به حبشه.<sup>۱</sup>

بر این اساس، مدارا به‌عنوان یک راهکار در شرایطی استفاده می‌شد که هرگونه نزاع و درگیری، سبب به‌خروش آمدن خشم سران شرک شده و امنیت مسلمانان را با خطری جدی مواجه می‌ساخت. پس از گذشت این مراحل و با تشدید درگیری‌ها اذن جهاد داده شده است؛ بنابراین موضوع جهاد به‌صورت مرحله‌به‌مرحله و پس از طی گام‌های مختلف ابلاغ گردیده است.

#### ۵. دگرذیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با تأکید بر وحدت‌آفرینی

قرآن در راستای ایجاد تغییرات اساسی در سبک زندگی جاهلی، برنامه‌های منسجمی را ارائه نمود تا علاوه بر اینکه در میان مردم وحدت‌آفرینی نماید، بتواند با بسیاری از افکار و باورهای تفرقه‌افکن از جمله آداب و رسوم جاهلی و اندیشه‌های متحجرانه به مبارزه قاطع برخیزد. دین مبین اسلام، برنامه‌های اصولی و جامع برای سعادت بشریت به ارمغان آورده است. این برنامه‌ها محدود به هیچ زمان و مکانی نیست و برقراری وحدت و انسجام، از اولویت‌های مهم آن محسوب می‌شود. اهتمام دلسوزانه و تلاش‌های فداکارانه نبی مکرم اسلام (ﷺ) در جهت وحدت‌آفرینی بود و بسیاری از رهنمودهایی که ایشان به‌طور مستمر و مجدانه بیان می‌کردند، برای از میان برداشتن و ریشه‌کن ساختن اختلافات و درگیری‌ها بود. وجود مبارک ایشان در جریان فتح مکه فرمودند: «هیچ عربی بر عجمی و هیچ عجمی بر عربی، جز به خاطر پرهیزکاری، برتری ندارد.»<sup>۲</sup>

سبک زندگی انسان جاهلی، که تحت حاکمیت ارزش‌های غیردینی می‌باشد، صمیمیت و

۱. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق مصطفی سقا، ابراهیم آبیاری و عبد الحفیظ شبلی، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۳۴۴.

۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۳ ش، ج ۲، ص ۱۱۰.



برادری را به وجود نمی آورد. زیرا قبیله از جمله پایگاه‌های مهمی است که انتقال ارزش‌های حاکم بر جامعه جاهلی در آن صورت می‌گیرد و از این رو در این نظام، دغدغه‌ای جز منافع شخصی و قبیله‌ای وجود ندارد.<sup>۱</sup>

قرآن کریم در آیه ۱۰۳ آل عمران بیان می‌کند که: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ) (آل عمران: ۱۰۳)

و همگی به رشته دین خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت خدا را که شما باهم دشمن بودید، پس خدا در دل‌هایتان الفت و مهربانی انداخت و در نتیجه همه برادر یکدیگر شدید. در صورتی که در پرتگاه آتش بودید، پس خدا شمارا از آن نجات داد. این چنین خداوند آیتش را برای شما بیان می‌کند؛ باشد که هدایت شوید.

در تفسیر این آیه آورده‌اند: «مصادق بارز معنای مورد نظر را در شرایط و نحوه تعامل اوس و خزرج [دو طایفه از اعراب قحطانی] می‌توان ملاحظه نمود؛ آنجا که تا پیش از اسلام دشمنان سرسخت یکدیگر بودند و با آمدن اسلام به برادران دینی تبدیل شدند که بیش از یکصد سال جنگ و دشمنی قبلی را خاتمه دادند.»<sup>۲</sup>

به عبارت دیگر، از شاخصه‌های مهمی که در پایداری وجود بشر نقش بنیانی دارد، انسجام اجتماعی و همبستگی گروهی است. این همبستگی در استمرار و تداوم خود نیازمند ارزش‌هایی است که بنیان هر جامعه بر آن‌ها نهاده شده است. در میان ارزش‌های موجود در جوامع، ارزش‌های دینی به دلیل عدم تحریف و اتصال به وحی از انسجام‌بخشی بیشتری برخوردارند. زیرا این ارزش‌ها از منبعی جوشیده‌اند که کاملاً بر استعدادها و نیازهای انسان

۱. خطیبی، محمد، راه کارهای حفظ و نشر ارزشهای دفاع مقدس، قم، نشر زمزم هدایت پژوهشکده

تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶ش، ص: ۴۱

۲. افتخاری، اصغر، «ایمان و ایمنی: بررسی تطبیقی گفتمان امنیت ایمان محور و منفعت محور»، مجله

پژوهشهای دفاعی امنیتی اسلام، سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش، ص: ۱۱۱.

واقف است، چون خود آفریدگار بشر است و راه رسیدن به مطلوب واقعی انسان را کاملاً می‌شناسد. همه افراد بشر نزد وی حقوق یکسانی دارند و در مرتبه وجودی خودشان از امتیاز واحدی برخوردارند. این همه، سبب می‌شود که در ارزش‌های الهی سود همه افراد، در هر زمان و مکان یکسان لحاظ گردد و ترجیحی برای فرد یا گروهی نباشد. این یکسانی و عدم ترجیح در ارزش‌های دینی، خود عامل بسیار مستحکمی در انسجام اجتماعی است که پی آمد آن برادری دینی در جامعه اسلامی می‌باشد.<sup>۱</sup>

درواقع، اعراب بادیه‌نشین از تعصبی شدید برخوردار بودند که دامنه اختلافات را فزونی می‌بخشید. یکی از راه‌های کاهش این خطر و نفوذ دادن هم‌پیمانی دینی و پیوند معنوی به جای تعصب قومی و حزبی به درون شخصیت افراد، عقد اخوت بود که وحدت جامعه را در سایه پیوند معنوی افراد، رقم می‌زد.<sup>۲</sup> برقراری پیمان برادری در میان مسلمانان سبب می‌شد که همه رو به یک هدف واحد کرده و به سمت برادری دینی هدایت شوند. درواقع، قالب‌های سنتی و قبیله‌ای همچون ظرفی بود که محتوای دینی و همبستگی بر مبنای اعتقادات، درون این ظرف ریخته شده و در نتیجه آن، تعصبات قبیله‌ای به همبستگی‌های اجتماعی تبدیل می‌شد.

#### ۶. دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با تأکید بر وحدانیت الهی

مطالعه پیرامون سبک زندگی جامعه جاهلی نشان می‌دهد که بی‌توجهی به امر توحید، قسمت اعظمی از فرهنگ آنان بوده است. عدم آگاهی نسبت به پروردگار یگانه و عدم گرایش به او، سبب تسلیم شدن در مقابل بت‌های مختلف شده بود و اظهار عبودیت و بندگی کردن در مقابل آن‌ها را به دنبال داشت و بدین ترتیب، خطوط جاهلیت را در میان انسان‌ها ترسیم نموده بود. به گونه‌ای که آتش اختلاف و درگیری چنان در میان آن‌ها زبانه می‌

۱. خطیبی، محمد، راه کارهای حفظ و نشر ارزشهای دفاع مقدس، قم، نشر زمزم هدایت پژوهشکده

تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶ش، ص: ۳۳

۲. نصیری، محمد، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ش، ص: ۱۰۵

کشید که جنگ و خونریزی سالیان متمادی به طول می‌انجامید؛ اما همه بشریت از یک ریشه واحد آفریده شده‌اند و خداوند باری تعالی، معبود و خالق همگان می‌باشد. هیچ‌یک از انسان‌ها از نظر آفرینش، بر دیگری امتیاز و برتری ندارد تا از حقوق ویژه‌ای برخوردار گردد و فقط از طریق تلاش‌های خود می‌تواند از نعمت‌های الهی و موهبت‌های خداوند بهره‌مند شود.<sup>۱</sup>

اما بر مبنای سبک زندگی توحیدی قرآن، انسان‌ها از جنبه خلقت، از یک منشأ واحد می‌باشند و خالق یگانه‌ای دارند از این رو همه آن‌ها در فطرت و خلقت مشترک خویش، یکسان و برابر می‌باشند. عقیده‌مندی به توحید، همچون نیروی قدرتمندی است که به طور مستمر اراده انسان را به حرکت و تکاپو وامی‌دارد. زندگی عرب جاهلی با تشتت عقاید و آرای مذهبی همراه بوده است؛ اما مبانی اسلامی و کلام قرآنی، وحدت عقیده با محوریت توحید را پایه‌گذاری نموده‌اند. تبلور راستین باور توحیدی در میان جامعه سبب عمیق شدن وحدت و انسجام مردم می‌شود زیرا فردگرایی و خودکامگی‌ها را نزول می‌بخشد. حس خداپرستی یک قدرت شکست‌ناپذیر می‌باشد که در پرتو درک و شناخت عمیق آن، نه تنها نزاع طلبی و قومیت‌گرایی بر افراد بی‌اثر بوده بلکه دوستی و برابری بر آن‌ها تسلط کامل می‌یابد. جامعه اعراب جاهلی به گونه‌ای بود که اختلاف و درگیری آن را فراگرفته بود و این نزاع‌ها بخشی از سبک زندگی‌زیستی آن‌ها شده بود؛ اما حرکت به سمت توحید و شناخت یگانگی خداوند، نیازمند مبارزه و پیکار علیه خدایان ساختگی می‌باشد. عقیده داشتن به توحید و فهم صحیح از واحد مطلق، انسان را در مقام فکر و عمل، به صفات عالی الهی متصف می‌سازد. اهتمام ویژه نبی مکرم اسلام (ﷺ) در نهادینه کردن سبک زندگی توحیدی و رواج آن در جامعه، نه فقط از نظر معنوی حائز اهمیت بود، بلکه به لحاظ اجتماعی نیز انسجام و وحدت را به دنبال داشت. دین مبین اسلام کامل‌ترین راه رسیدن به کمال و سعادت را فرا

۱. موثقی، احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۰ش، ج ۱،

روی بشریت قرار داده است. اسلام آن قدر بر وحدت بخشی و انسجام تأکید و اختلاف و درگیری را نهی نموده که طرح امت واحد را به عنوان یک نمود فرهنگی، بارز نموده است. در پرتو این فرهنگ، اندیشه‌ها و دل‌ها به یکدیگر نزدیک می‌شود و بینش‌ها و اعتقادات واحدی شکل می‌گیرد. اسلام، مسیر فکری و ایدئولوژیکی را برای انسان روشن می‌سازد تا در پرتو راهنمایی قرآن و کلام معصومین علیهم‌السلام نگاه درستی به جهان داشته باشیم. وحدتی که تحت لوای امت اسلامی پدید می‌آید، همچون دژی قوی و مستحکم است که هیچ نزاع و درگیری را جرأت ضربه زدن به آن نیست و اگر این مهم تحقق نیابد، درگیری‌های قومی و اختلافات قبیله‌ای چنان پررنگ می‌شود که آتش شعله‌ور آن را خاموشی نخواهد بود.<sup>۱</sup>

#### ۷. دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با تأکید بر حقوق مشترک انسان‌ها

از مواردی که سبب دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی شده است، آگاهی آن‌ها از حقوق مشترک انسانی می‌باشد. مبانی اسلامی به صراحت و روشنی هرگونه برتری جویی قبیله‌ای و قومی را نهی نموده و بر حفظ کرامت و عزت انسانی تأکید نموده‌اند. در پرتو کلام الهی، همه انسان‌ها از حقوق انسانی مشترکی برخوردار هستند که از جمله مهم آن‌ها حق حیات می‌باشد که باید گرامی پنداشته شود. اعراب جاهلی، ثروت و قدرت را دو معیاری می‌دانستند که بر مبنای آن‌ها، انسان‌ها برتری خود را نشان می‌دادند، جامعه‌ای با چنین ارزش‌گذاری‌ها، یک جامعه به شدت آسیب‌پذیر و درون‌تهی می‌باشد چراکه طبقات مختلف می‌کوشند تا به قدرت و ثروت دست یابند و چه بسا که در این راه، از ارزش‌های انسانی و دینی، فاصله گیرند. سیره نبی مکرم اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) رعایت احترام و پاسداشت حقوق انسانی بوده است. این بزرگوار پس از فتح مکه، از هرگونه کشتار و انتقام‌جویی کرده و خطاب به مسلمانان و مردم مکه فرمودند: «ای گروه قریش! خداوند در سایه اسلام غرور و فخرفروشی و نخوت جاهلیت به اجداد و آباء را از میان برداشت، همه انسان‌ها از آدم هستند و آدم نیز از

۱. عابدی، احمد، سلسله دروس مکتب دفاعی اسلام، تنظیم: محمد قاسمی، حسین احمدی، سال ۹۳ -

خاك گرفته شده است.»<sup>۱</sup> همچنین در جای دیگری ایشان فرموده اند: «ای مردم، پروردگار شما یکی است و پدر شما نیز یکی می باشد. آگاه باشید که هیچ عربی بر هیچ عجمی برتری ندارد و هیچ عجمی نسبت به هیچ عربی برتر نیست. همچنین هیچ سفیدی بر هیچ سیاهی و نیز هیچ سیاهی بر هیچ سفیدی برتری و تفوق ندارد مگر اینکه ملاک تقوا در میان باشد. ارجمندترین شما نزد پروردگار، کسی است که باتقواتر باشد.»<sup>۲</sup> در میان اعراب جاهلی، نسب یک ارزش مهم محسوب می شد و در حقیقت، جایگاه و موقعیت هر قبیله، ارزش های فردی را تعیین می کرد.<sup>۳</sup>

حیات اجتماعی اعراب جاهلی با محوریت تعصبات قومی و خونی شکل گرفته بود و نوعی وحدت خونی در یک قبیله حاکم بود. از این رو قبیله، تنها افرادی را که بدان وابسته بودند، به یکدیگر پیوند می داد. ویژگی بارز جامعه اعراب جاهلی، پراکندگی و تشتت آرای آن ها بوده است. پرستش ادیان مختلف و حتی رواج بت پرستی نیز سبب رفع این اختلافات نشده بود بلکه وجود بت های مختلف زمینه ساز تفرقه بیشتری گردیده بود؛ اما در مقابل، رسول مکرم اسلام (ﷺ) بر حفظ ارزش های انسانی و اصول مذهبی تأکید می نمود.

#### ۸. دگردیسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با برانگیختن انگیزه های الهی

یکی از گام های بسیار مهم قرآن، ایجاد انگیزه در جنگجویان بوده است، زیرا انسان ها به مقتضای نیازهای روحی و عاطفی خویش و با توجه به غرایز انسانی خود، چنانچه از نظر معنوی تقویت شوند و پیام های الهی را دریافت نمایند، با انگیزه بیشتری در راه رسیدن به هدف گام برمی دارند. انگیزه مند ساختن آن ها نیازمند آن است که آن ها از نظر روحی تقویت

---

۱. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق مصطفی سقا، ابراهیم ابیاری و عبد الحفیظ شبلی، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق، ص ۸۸۴.

۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، نشر جاویدان، ۱۳۶۳ ش، ص ۶۷۵.

۳. آلوسی بغدادی، محمود شکری، بلوغ الأرب فی معرفه احوال العرب، تحقیق بهجه الاثری، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۰.

شوند و متوجه اهداف برتر و متعالی باشند که در انتظار آنهاست. یکی از مهم‌ترین منابع قدرت در جامعه، اعتقادات دینی افراد می‌باشد که همچون محرکی قوی، افراد جامعه را به سوی اهداف خویش به حرکت درمی‌آورد. به‌رغم انگیزه‌های مادی و دنیوی که بسیار سطحی و زودگذر می‌باشند، انگیزه‌های معنوی و اعتقادات دینی بسیار قوی و پایدار هستند. پیامبر اکرم (ﷺ) این مهم را می‌دانست. از این رو در برنامه ایشان، ارزش‌های انسانی و عقاید اسلامی، محور تحرکات نظامی بود و به همین دلیل بر آنها پافشاری و تأکید می‌شد.

آری، چنانچه به عوامل درونی و محتوای باطنی افراد توجه گردد و نظام ارزشی، احیا گردد، روحیه افراد تقویت می‌شود. پیامبر (ﷺ) نیز از هر فرصتی بهره می‌برد تا با مردم و گروه‌های مختلف مردمی رابطه برقرار کند و از حال و روز آنها جويا گردد.

#### ۹. دگرديسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی با الگوی رفتاری پیامبر ﷺ

یکی از عرصه‌هایی که در دوران جاهلیت، باعث دگرديسی سبک زندگی انسان عصر جاهلی شد الگوی رفتاری پیامبر (ﷺ) می‌باشد. بزرگواری و رحمت ایشان پس از فتح مکه مثال بارزی می‌باشد که در آنجا به دنبال انتقام‌گیری از دشمنان بی‌رحم خویش نبود و حتی هند، مادر معاویه و وحشی که حمزه عموی ایشان را تکه‌تکه کرده بودند را در معرض هیچ آسیبی قرار نداد.<sup>۱</sup> ایشان در مواجهه با مشرکان می‌فرمود: «من تنها به منظور رحمت مبعوث شده‌ام»<sup>۲</sup>

نبی مکرم اسلام (ﷺ) که تربیت یافته سبک زندگی قرآنی است با توسل به اصول اخلاقی و با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف انسانی که با فطرت انسان همخوانی دارد، محتوای باطنی انسان جاهلی را متحول ساخت. در نتیجه اراده آنها از جنبه صرفاً اعتقادی فراتر رفته و جنبه عملی و کاربردی پیدا کرد. بدین طریق عقاید، عواطف و باورهای اعراب جاهلی به

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، دارصادر، بیروت، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۲۵۲.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۵، ص ۴۹۴.

یک منبع مهم قدرت مبدل شد به گونه‌ای که آن‌ها توانایی آن را یافتند که بر قدرت‌های پیرامون خود فائق آیند و بقای خویش را مستحکم سازند.

### نتیجه‌گیری

همانطور که در مطالب ذکر شده بیان کردید، در دوره جاهلیت همزمان با نزول قرآن انسان عصر جاهلی از نظر فرهنگی شرایط نامساعدی داشت. تعالی انسانی مغفول مانده بود و باورهای آن‌ها مملو از خرافات بود، آنان دختران خود را زنده‌به‌گور می‌ساختند، زنان را افرادی فاقد ارزش تلقی می‌کردند و برده‌ها را با سخت‌ترین شکنجه‌ها آزار می‌دادند. جنگ و درگیری نیز از جمله مسائل مهم سبک زندگی ایشان بوده و میل به قدرت و سلطه‌گری بر دیگران، در روح عرب جاهلی ریشه دوانیده بود.

این شرایط بحرانی نشان می‌دهد که سبک زندگی انسان عصر جاهلی بسیار نامساعد و ناآرام بوده است

و حال آنکه فطرت انسان‌ها چیز دیگری را می‌طلبید و کام تشنه انسان جاهلی نیازمند جرعه‌های معرفت بود؛ اما این معرفت از کدام سرچشمه باید جاری می‌گشت و کدام آرمان‌های متعالی باید فراهم می‌گشت تا تغییراتی را به‌طور ریشه‌ای در تفکر و سبک زندگی عرب جاهلی نهادینه‌سازی نماید. کدام قدرت متعالی، توانایی آن را داشت که در سبک زندگی و اهداف و رسالت آن تغییرات اساسی ایجاد نماید؟

براساس شواهد و قرائن موجود، این دگردیسی در ماهیت و ذات این جامعه، توسط قرآن و تعالیم روح بخش آیین مقدس اسلام در آن دوره صورت پذیرفت.

از مطالعه و بررسی مطالب بیان شده می‌توان نتیجه گرفت که قرآن کریم با راهبردهای خود دگردیسی بزرگی در سبک زندگی انسان عصر جاهلی در مدت زمان کوتاهی به وجود آورد. بدون شک این قدرت عظیم قرآن، در باورهای درونی و ارزش‌های انسان جاهلی ریشه دوانده و رشد یافت تا بدانجا که می‌توان به راحتی بیان نمود فقط این تفکر و حیانی قرآن بود که می‌توانست این استحاله و دگردیسی را به این نحو تمام و کمال به وجود آورد.

مبانی و حیانی قرآن، جنسی از سنخ امور قلبی دارند که تنها در زمین اقلع عقلی و برهان و با پشتوانه کاربست عملی پیامبر ﷺ قابل رسوخ و نفوذ به قلب‌ها می‌باشند. در این گونه دگردیسی‌ها اعمال زور و اجبار، شاید وسیله‌ای برای سلطه بر جسم‌ها و پیکرها باشد اما هیچ‌گاه ابزار حکومت بر قلب‌ها نبوده و نخواهد بود. رسوخ تعالیم و حیانی قرآن کریم در قلب‌ها و پذیرش روزافزون آن از سوی افراد، و تاثیر آن بر سبک زندگی انسان جاهلی یک دلیل روشن بر این قدرت، صداقت و درستی تفکر اسلام ناب و قرآن کریم می‌باشد، در این راستا بزرگترین معجزه قرآن کریم دگردیسی در سبک زندگی یک انسان است چه رسد به یک جامعه زیرا که در طول تاریخ خیلی از مکاتب و ادیان این ادعا را داشته‌اند ولی نتوانسته‌اند. حال آنکه قرآن کریم این دگردیسی و تغییر شگرف را در مدت زمان بسیار کوتاهی انجام داد که اگر در حالت عادی می‌خواست در جامعه‌ای رخ دهد نیاز به دهه‌ها و حتی قرن‌ها زمان بود، اما قرآن با تعالیم و حیانی خود در مدت ۲۳ سال کل این تغییرات را انجام داد. خداوند تعالیم نهایی خود به انسان را به صورت آزمایشگاهی در بدترین شرایط امتحان نمود و جواب گرفت تا هیچ بهانه‌ای برای نوع انسان در تمام زمان‌ها و مکان‌ها در همه اعصار باقی نماند.

و این همان موضوع مورد اشاره رهبری در تغییر سبک زندگی جامعه ما در بیانیه گام دوم می‌باشد، یعنی

قرآن امتحان خود را پس داده و اگر ما و جامعه ما همانطور که رهبری معظم در بیانیه گام دوم انقلاب بیان فرموده‌اند بخواهند سبک زندگی خود را تغییر دهند باید به تعالیم قرآن به معنی واقعی برگردند؛ یعنی باید همه در نشانه‌های قرآن کریم عمیق شویم، خوب این منبع و حیانی را مطالعه کنیم و بفهمیم و خود را در مقام عمل به انجام قرآن ملزم کنیم و گرنه آنکه در آخر کار ضرر خواهد کرد خود ما هستیم و جامعه ما. و نکته آخر اینکه خداوند هم به هیچ قومی به راحتی وعده نجات و سعادت بدون تلاش و مجاهدت نداده و نخواهد داد. که «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱) خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنان



خود حال خود را تغییر دهند. امید که با تعمق و تفکر در آیات قرآن کریم و با به کار بستن تعالیم آن در زندگی روزمره هر روز و هر لحظه بتوان سبک زندگی درست تر و رو به رشد تری را برای جامعه خود رقم بزنیم و این کار میسر نخواهد شد جز با تلاش و دلسوزی فرد فرد انسان های یک جامعه.

## فهرست منابع

### قرآن کریم.

دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه.

حسینی، محمد بهاء الدین، باده ناب، انتشارات کردستان، سنندج، ۱۳۸۲ ش.

سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم (ﷺ)، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ ش.

پرهیزکار، غلامرضا، «منابع سازنده فرهنگ منطقه حجاز پیش از بعثت (طبیعت و ارتباطات میان فرهنگی)»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم؛ شماره ۲، بهار ۱۳۹۱.

ابن خلدون، عبدالرحمان بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۶۱ ش، ج ۱.

نصیری، محمد، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ ش.

میر شریفی، سید علی، پیام آوران رحمت، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۵.

علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد، جامعة البغداد، ۱۴۱۳ ق، ج ۱.

زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه: علی جواهر کلام، تهران، نشر امیر کبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۶ ش.

چلونگر، محمد علی، «بازگشت به معیارهای جاهلی، تهدید نهضت پیامبر اعظم»، مجله نامه تاریخ پژوهان - شماره ۸ و ۹، زمستان ۱۳۸۵ و بهار ۱۳۸۶.

حتی، فلیپ. تاریخ عرب، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تبریز، نشر کتابچی حقیقت، ۱۳۴۴ ش، ج ۱.

بهادری اردشیری، عباسعلی، «تحلیل مفهومی شعر در صدر اسلام»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۴، تابستان ۱۳۸۶ ش.

علیانسب، سیدحسین، «شیوة پیامبر اکرم (ﷺ) در مدیریت روانی جامعه اسلامی»، مطالعات اسلام و روانشناسی، سال ۹، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.

سلیمانی، جواد، «چگونگی و چرایی بازگشت به جاهلیت در جامعه پس از پیامبر (ﷺ)»، حکومت اسلامی، سال سیزدهم، شماره چهارم، ۱۳۸۷ ش.  
صالح، احمد‌العلی، حجاز در صدر اسلام، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر مشعر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲ ش.

آئینه‌وند، صادق، تاریخ سیاسی اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ ش.  
حتی، فلیپ. تاریخ عرب، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تبریز، نشر کتابچی حقیقت، ۱۳۴۴ ش، ج ۱.

امین، احمد، پرتو اسلام، ترجمه ضحی‌الاسلام. به قلم عباس خلیلی. تهران، شرکت نسبی حاج محمد اقبال و شرکاء، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ش.  
ابن ابی‌الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، دار احیاء الکتب العربیة، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.

افتخاری، اصغر، «نشانه‌های ساختاری "امنیت اسلامی" مطالعه موردی حکومت نبوی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۲۶، زمستان ۱۳۸۳ ش.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۲.  
ابن عبدربه‌الاندلسی، احمد بن محمد عبدربه، العقد الفرید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۵۳ م، الجز الثالث.

ممتحن، حسنعلی، نهضت شعوبیه، جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی.  
قائدان، اصغر، «تاثیر روایت ایام العرب در مغازی و فتوح نگاری»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال سوم، شماره ۹، تابستان ۱۳۹۰ ش.

صمیمی، مینو، محمد (ﷺ) در اروپا، ترجمه: عباس مهر پویا، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۲ ش.

دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهری، چ

۴، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ش، ج ۱،  
متفکر، حسین، جنگ روانی، قم، نشر زمزم هدایت پژوهشکده تحقیقات اسلامی،  
۱۳۸۷ش.

گی روشه، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی، بی تا.  
باصری، وحید و آئینه وند، صادق، «بررسی سنت منافره در جاهلیت و بازتولید پیامدهای آن  
در دوران اسلامی»، مطالعات تاریخ اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۹۲.  
ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق مصطفی سقا، ابراهیم آبیاری و عبد  
الحفیظ شبلی، چ ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱.  
یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ الیعقوبی، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۳ش، ج ۲.  
خطیبی، محمد، راه کارهای حفظ و نشر ارزشهای دفاع مقدس، قم، نشر زمزم هدایت  
پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶ش.

افتخاری، اصغر، «ایمان و ایمنی: بررسی تطبیقی گفتمان امنیت ایمان محور و منفعت محور»،  
مجله پژوهشهای دفاعی امنیتی اسلام، سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش.  
خطیبی، محمد، راه کارهای حفظ و نشر ارزشهای دفاع مقدس، قم، نشر زمزم هدایت  
پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶ش.

موثقی، احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی، قم،  
۱۳۷۰ش، ج ۱.

عابدی، احمد، سلسله دروس مکتب دفاعی اسلام، تنظیم: محمد قاسمی، حسین احمدی،  
سال ۹۳-۹۴، بی جا.

پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، نشر جاویدان، ۱۳۶۳ش.  
آلوسی بغدادی، محمود شکر، بلوغ الأرب فی معرفه احوال العرب، تحقیق بهجه الاثری،  
بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا، ج ۱.

ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، دارصادر، بیروت، ۱۳۸۵ ق، ج ۲.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش، ج ۵.

## تحلیل کارکرد لذت در تأمین شادکامی انسان در سبک زندگی اسلامی

مرتضی فدایی اصفهانی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) محمد زینلی خوزانی<sup>۲</sup>

### چکیده

لذت، عامل اصلی تحقق نشاط و شادکامی است. از آنجا که انسان، موجودی دو بُعدی است و مرکب از بُعد مادی و معنوی است، لذا نشاط او نیز دو بُعدی می باشد و لذتی هم که تأمین کننده ی آن نشاط است دو بُعدی است و می بایست لذت های مادی و معنوی انسان را تأمین نمود تا نشاط در وجود او محقق گردد. در روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) (از موارد متعددی به عنوان عوامل نشاط انسان یاد شده است که هر کدام یکی از ابعاد وجودی انسان را پوشش می دهد و نشاط آنها را تأمین می نماید، در این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی به بیان برخی مصادیق لذت های مادی و معنوی از منظر روایات اهل بیت (علیهم السلام) (به عنوان عوامل اختیاری شادکامی پرداخته می شود. و عوامل غیر اختیاری شادکامی تحقیق مستقلی می طلبد. لذت تحرک و ورزش، لذت لامسه، لذت بینایی، لذت خوردن و آشامیدن، لذت جنسی، لذت پاکیزگی، لذت ارتباط با دیگر انسان ها، لذت بوی

۱. استادیار جامعه المصطفی العالمیه. واحد اصفهان fadaemortaza@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تفسیر اثری، دانشکده علامه مجلسی (علیه السلام) اصفهان، kesaci14@gmail.com

خوش، لذت شوخی با دیگران، لذت خندیدن و لذت خریدن هدیه از جمله لذات مادی است چنانچه انس با خدا، دوستی با او، یادکرد خدا، باور به خدا، مناجات با خداوند متعال، قرآن و نماز خواندن از جمله لذت های معنوی است که در روایات اهل بیت علیهم السلام به آنها اشاره شده است که از عوامل شادکامی محسوب می گردند.

**واژگان کلیدی:** سبک زندگی، شادکامی، عوامل نشاط، لذت، نشاط

## مقدمه

یکی از امور بدیهی، نقش انواع لذت های مادی در شادی است تا جایی که توده مردم، شادکامی را در دستیابی به این طیف از لذت ها خلاصه می کنند. اما نکته قابل تأمل در این زمینه، این است که در منابع اسلامی، نقش شماری از عناصر مادی و لذا این طبیعی در پدید آوردن شادی و برطرف کردن نگرانی، مورد تأکید قرار گرفته است، مانند: خوردن گوشت، به ویژه گوشت برخی از پرنده ها، خوردن انگور سیاه، مصرف کدو، نوشیدن عسل، نگاه کردن به سبزه، و چهره زیبا، لذا این جنسی حلال، خواب، نظافت، شستشوی سر با گل خطمی، استفاده از انگشتر فیروزه، و لباس نرم، استعمال بوی خوش، سوارکاری و پیاده روی و... در تبیین روایاتی که به نقش این گونه امور در درمان نگرانی و یا پدید آوردن شادی اشاره دارند، چند نکته قابل توجه است:

۱. عوامل شادی و یا غم زدایی، منحصر به عوامل معنوی نیستند؛ بلکه عوامل مادی نیز در کنار دیگر عوامل می تواند در آسایش روانی و شادکامی فرد، مؤثر باشد.
۲. با عنایت به این که سند همه این روایات، از اعتبار لازم برخوردار نیست، پژوهش های علمی می تواند در ارزیابی مدلول (محتوای) آنها مؤثر باشد، چنان که در مواردی صحت مفاد آنها از نظر علمی، مورد تأیید قرار گرفته است.
۳. آنچه در روایات مورد اشاره آمده، همه عوامل تأثیرگذار در درمان اندوه و یا پدید آوردن شادی نیست؛ زیرا نه بنای اهل بیت علیهم السلام بر این بوده که در این گونه مسائل وارد شوند، و نه همه آنچه آنها فرموده اند، به دست ما رسیده است.
۴. آنچه از عوامل شادی در روایات اهل بیت علیهم السلام در دو بعد مادی و معنوی، بیان شده است در حقیقت اموری اختیاری هستند که انسان، با بهره گیری از آنها، می تواند شادکام باشد؛ اما در روایات اهل بیت علیهم السلام، به دو عامل غیر اختیاری شادی و یا اندوه نیز اشاره شده است: الف) رابطه ناشناخته روانی

برپایه شماری از روایات، ارواح اهل ایمان، رابطه مرموزی با یکدیگر، و با اهل بیت علیهم السلام



دارند که در نتیجه آن، شادی و اندوه آنها به یکدیگر منتقل می‌شود. در این صورت، انسان، احساس شادی و یا اندوه می‌نماید بدون این که بداند علتش چیست؟! (ب) القائنات فرشته و یا شیطان

یکی دیگر از عوامل غیر اختیاری شادی و یا غم، القائنات درونی است که به وسیله فرشته و یا شیطان صورت می‌گیرد. گاه بدون این که انسان بخواهد، مسائلی به ذهن او خطوط می‌کنند که باعث شادی وی می‌شوند و گاه به عکس، چیزهایی در ذهنش وارد می‌شوند که او را غمگین می‌نمایند. بر پایه برخی روایات این گونه شادی‌ها و غم‌ها ممکن است ریشه در الهام فرشتگان و یا وسوسه شیاطین داشته باشد. (ر. ک: محمدی ری شهری، محمد، الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث، ص ۱۰۹)

از آنجا که لذت، عامل اصلی تحقق نشاط و شادکامی است در این مقاله به بیان برخی مصادیق لذت‌های مادی و معنوی از منظر روایات اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان عوامل اختیاری شادکامی پرداخته می‌شود. و عوامل غیر اختیاری شادکامی تحقیق مستقلی می‌طلبد.

#### پیشینه

در کتابهای متعددی به بحث از عوامل شادی و شادکامی پرداخته شده است کتابهایی همچون؛ الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا، شادی و شادکامی، درآمدی بر شادی از دیدگاه اسلام با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا، رضایت زناشویی، الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث، اما از آنجا که این عوامل بصورت یک تحقیق مستقل در قالب یک مقاله ارایه نشده است در این مقاله در دو بخش، ضمن بر شمردن انواع لذت‌ها به عنوان عامل شادابی به دسته‌بندی این عوامل به عنوان عوامل اختیاری تاثیر گذار در ایجاد شادابی پرداخته می‌شود.

#### مفاهیم

#### الف) فرح

با توجه به پژوهش لغوی بر روی واژه «فرح»، مجموعه‌ای از تعاریف زیر به دست می‌آید،

که نخست، آنها را بیان می‌کنیم و در پایان، به جمع‌بندی آنها می‌پردازیم.

ابن فارس، ماده «فرح» را دارای دو معنای کلیدی می‌داند: معنای اول: «الفرح: فرح، یفرح»، به نقیض اندوه می‌گویند، آن چنان که در آیه شریف: ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ (سوره غافر: آیه ۷۵) بدین معنا آمده است. معنای کلیدی دیگر آن، «الإفراح»، به معنای سنگینی است: «فرح: الفاء و الراء و الحاء، أصلان يدل أحدهما على خلاف الحزن و الآخر الإثقال». (معجم مقاییس اللّغة، ص ۸۳۵)

خلیل نیز تعاریف خود را در قالب مصادیقی آورده و «فرح» را سنگینی و سرور، تعریف کرده است: «رجلٌ مُفْرَحٌ أثقله الدّین». همچنین کسی که زیر بار قرض، پشتش خم شده است: «ما یسرتنی به مُفْرَحٌ و مفروح». (العین، ص ۱۳۸۱)

راغب اصفهانی، معتقد است که واژه «الفرح»، به معنای باز شدن دل و گشادگی خاطر، به وسیله لذت آنی و زودگذر بوده و بیشتر در لذات بدنی است.

وی، تمام آیاتی که واژه فرح را در خود جای داده، بجز دو مورد، از این مقوله می‌داند. راغب، تنها آیات ۵۸ سوره یونس: فَبَدَّلِكَ فَلْيَفْرَحُوا و آیه ۴ سوره روم: وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ را جزء مواردی دانسته که شادی و شادمانی کردن برای آنها اجازه داده شده است. در مقابل، «رجلٌ مُفْرَحٌ»، به کسی گفته می‌شود که زیر بار بدهی، پشتش خم شده است. راغب نتیجه می‌گیرد که «إفراح»، در جلب شادمانی و از بین بردن شادی، هر دو، به کار می‌رود. (مفردات ألفاظ القرآن، ج ۳، ص ۳۲)

زمخشری نیز در اساس البلاغة، فرح را شادمانی و غم تعریف می‌نماید. (أساس البلاغة، ص ۴۶۸)

ابن منظور هم سبکی دل را فرح می‌داند. (لسان العرب، ج ۵، ص ۱۰۵)

طریحی، بر این باور است که فرح، در سه معنای «سرور»، «رضا» و «أشْر و بَطْر»، استعمال گردیده و برای هر يك، مصادیقی را ذکر کرده است. (مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۳۷۵)

فیومی نیز در کتاب خود، المصباح المنیر، به همین تقسیم‌بندی، پایبند است. (ر. ک: المصباح المنیر)

همان گونه که در تعاریف یاد شده اشاره شد، فرح، نقطه مقابل حزن، به معنای سبکی و باز شدن دل و انبساط خاطر است که به واسطه لذت‌های پایدار و ناپایدار به وجود می‌آید. بین فرح و برخی واژگان دیگر، تفاوت‌های ظریفی وجود دارد که بدان‌ها اشاره می‌شود. سُرور: انبساطی است که به واسطه آن، غم و اندوه از بین می‌رود. طَرَب: خارج شدن از حدّ اعتدال در سُرور است.

بَطْر: گذشتن از مرز طرب است. اَشْر: گذشتن از حدّ بَطْر است. فرح: مطلق شادی است که در تمام مراتب گفته شده، یافت می‌شود. (ر. ک: خطیب، مهدی، شادی و شادکامی، درآمدی بر شادی از دیدگاه اسلام با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا، ص) (ب) نشاط

لغت‌شناسان، برای این واژه در کتاب‌های لغت، معانی متعددی آورده‌اند. «حرکت»، «تَفْتُح»، «طیب النفس للعمل»، «حَلّ العقدة»، «خف»، «أسرع» و «ضدّ الكسل»، از جمله معانی‌ای است که برای نشاط، آورده شده است. خلیل می‌گوید که «نشط»، آرامش خاطر برای انجام دادن کارهاست (العین، ج ۶، ص ۲۳۷)

ابن فارس هم نشاط را چیزی می‌داند که در خود، حرکت و اهتزاز و گشایش، داشته باشد. (معجم مقاییس اللّغة، ص ۱۰۲۶)

ابن اثیر، ماده «نشط» را، آن گاه که در دو باب مختلف به کار گرفته شود، دارای دو معنای متناقض (گره خوردن و گره گشودن) می‌داند و می‌گوید. (النهاية، ج ۵، ص ۴۹) و ابن منظور، بیشتر با استفاده از معانی روایی، دست به تعریف زده است و به گونه‌ای ماهیت آن را مشخص کرده و آورده که نشاط، نقطه مقابل کسل است. (لسان العرب، ج ۷، ص ۴۱۳)

سبکی و سرعت هم معنایی است که طریحی بدان اشاره نموده است. (مجمع البحرین، ج ۴، ص)

مصادیق و کاربردهای ذکر شده برای نشاط در کتب لغت نیز می‌تواند در شناخت مفهوم، تأثیرگذار باشد. خلیل معتقد است: ماده نشاط، آن‌گاه که به صورت اسم فاعل، محلاً به الف و لام باشد، به معنای گاو وحشی‌ای است که به این طرف و آن طرف می‌رود. (العین، ج ۶، ص ۲۳۷)

این منظور هم کاربردهای متعددی برای نشاط آورده است، (لسان العرب، ج ۷، ص ۴۱۳)

از میان برداشت‌های لغوی، چند نکته مشترک محوری را می‌توان یافت:

محور اول. یکی از مؤلفه‌های نشاط، تحرّک و تکاپوست.

محور دوم. نشاط، در خود شکفتن و گشایش به همراه دارد.

محور سوم. محصول و نتیجه دو محور یاد شده، انبساط و رضایت خاطر است.

لذا با استفاده از برداشت‌های لغوی، می‌توان نتیجه گرفت که: نشاط، آن تحرّک و

پویایی‌ای است که به واسطه انبساط نفس، به وجود می‌آید.

تعاریفی که لغت‌شناسان برای «نشرة» آورده‌اند، به کاربردهای لغوی آن نیز اشاره دارد.

از مجموع آنچه آمد، این موارد، برداشت می‌شود:

۱. نُشْره، همچون نشاط، حالتی هیجانی نیست؛ بلکه وسیله و مقدمه و راهی برای

رسیدن به نشاط است، ولی نشاط، نتیجه‌ای است که از این امر، حاصل می‌شود.

۲. نُشْره را می‌توان منبع نشاط‌آفرینی برشمرد و با وجود تفاوت‌های ماهوی میان نشره و

نشاط، ارتباط آندو را به دست آورد.

در نهایت، این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که: نشره، زمینه‌ای برای نشاط، حرکت، باز شدن،

دوباره جان گرفتن و زندگی است. (خطیب، مهدی، شادی و شادکامی، درآمدی بر شادی

از دیدگاه اسلام با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا، ص ۶۷)

بخش اول) انواع لذت‌های مادی

يك. لذت تحرک و ورزش

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که "التُّشْرَةُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ الْمَشْيِ وَالرُّكُوبِ وَالِإِتِّمَاسِ فِي الْمَاءِ وَالنَّظَرِ إِلَى الْخُضْرَةِ وَالْأَكْلِ وَالشُّرْبِ وَالنَّظَرَ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَالْجَمَاعِ وَالسَّوَاكِ وَغَسْلِ الرَّأْسِ بِالْخُطْمِيِّ فِي الْحَمَامِ وَغَيْرِهِ وَمُحَادَثَةِ الرِّجَالِ" (المحاسن، ج ۱، ص: ۱۵) در این روایت پیاده‌روی و سوارکاری از جمله عوامل نشاط آفرین برشمرده شده است. دو عنوان «المشی» و «الركوب» در روایت مذکور به مسئله تحرک، و جنب و جوش انسان مربوط می‌شود. جسم و روان، رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند. بی‌تحرکی و سستی بدن، موجب خمودگی و کسالت روحی و روانی می‌گردد. این امر، به ویژه در دوران حاضر، بسیار به چشم می‌خورد. شیوه زندگی کنونی، بشر را به موجودی ایستا و بی‌تحرک تبدیل کرده است. در این میان، پیاده‌روی، موجب تحرک بدن می‌شود و خمودگی و سستی را از بین می‌برد.

سوارکاری نیز موجب تحرک بدنی و از بین رفتن خمودی می‌گردد. همچنین در سوارکار ایجاد هیجان بیشتر می‌کند و از این جهت نیز لذت بخش می‌گردد. پس سوارکاری می‌تواند از دو جهت تأثیرگذار باشد: یکی تحرک و دیگری هیجان. امام علی علیه السلام در ضمن روایتی، از سواری و سوارکاری به عنوان عامل ایجاد انبساط خاطر و نشاط یاد می‌فرماید:

الرُّكُوبُ نُشْرَةٌ. (نهج البلاغة، حکمت ۴۰۰)؛ سواری، نشاط آور است.

این که آیا می‌توان سوارکاری را به ماشین سواری و اتومبیل رانی نیز تعمیم داد، نیازمند بررسی بیشتر است. ماشین سواری می‌تواند هیجان آور باشد، اما بی‌تردید تحرک آور نخواهد بود؛ بلکه چون جای پیاده‌روی را می‌گیرد، و تحرک را کم می‌کند که ثمره آن خمودگی خواهد بود. نکته قابل ذکر این که ممکن است با توجه به آنچه گذشت، بتوان این دو مورد را به عنوان عام «ورزش» تعمیم داد. (الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان شناسی مثبت گرا،

## دو. لذت لامسه

حس لامسه، بُعد دیگری از انسان است که لذت مربوط به خود را می‌طلبد و می‌تواند موجب نشاط گردد. عنوان «الارتماس فی الماء» یا فرورفتن در آب، موجب تماس آب با پوست بدن می‌شود و لذتی مربوط به حس لامسه به شمار می‌رود. این امر، شادی بخش است و موجب نشاط برای فرد می‌گردد. در حالات امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که در شب‌های سرد، بدن خود را شستشو می‌دادند (و غسل می‌کردند) تا حالت نشاط در ایشان به وجود آید. امیرمؤمنان علی علیه السلام این حالت را برای نزدیک شدن به محبوب و نماز شب می‌خواستند. (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۲۱، ح ۲۶۱۸)

البته نباید فراموش کرد که تماس بدن با آب، غیر از شنا کردن است. شنا می‌تواند بُعد ورزشی نیز پیدا کند که در این صورت، دو بُعد خواهد داشت: تماس بدن با آب و ورزش.

همچنین ممکن است تماس بدنی نیز موجب نشاط از این بُعد گردد. در روایاتی، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به گرفتن دست همسر - که يك تماس لامسه‌ای است - اشاره می‌کند و می‌فرماید:

إِذَا نَظَرَ الْعَبْدُ إِلَى وَجْهِ زَوْجِهِ وَنَظَرَتْ إِلَيْهِ، نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِمَا نَظَرَ رَحْمَةٍ، فَإِذَا أَخَذَ بِكَفِّهَا وَأَخَذَتْ بِكَفِّهِ، تَسَافَطَتَا دُنُوبَهُمَا مِنْ خِلَالِ أَصَابِعِهِمَا. (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۶، ح ۴۴۴۳۷)

هنگامی که بنده به صورت زنش و زنش به صورت او نگاه کند، خداوند به هر دوی آنها نظر رحمت می‌افکند و هنگامی که دستان همدیگر را بگیرند، گناهانشان از لابه لای انگشتانشان فرو می‌ریزد.

## سه. لذت بینایی

عبارت (و النظر إلى الخضره، و النظر إلى المرأة الحسناء)، ناظر به بُعد بینایی و لذت آن است. دیدن، بُعد دیگری از انسان است که لذت خاص خود را دارد و می‌تواند بر نشاط و شادابی اثر بگذارد. این جا صحبت از زیبایی به میان می‌آید که بخش‌هایی دارد. امور زیبایی که چشم‌نوازاند، موجب لذت بینایی می‌شوند و از این طریق، به نشاط انسان کمک

می‌کنند. مناظر زیبای طبیعت، یکی از این موارد است. البته حضور در مناطق خوش آب و هوا، گذشته از بُعد بینایی، از راه تنفس هوای پاک و فرح‌بخش و تماس بدن با آن نیز موجب نشاط می‌گردد. مناطق بد آب و هوا، سبب کسالت و خمودگی می‌شوند. بنا بر این، با رفتن به مناطق یا مکان‌های سرسبز و خرم، می‌توان لذت این بُعد را تأمین، و به نشاط دست یافت.

از این گذشته، رنگ زرد نیز موجب سرور و شادابی از راه بینایی می‌شود. در روایتی، امام باقر علیه السلام پوشیدن کفش زردرنگ را باعث سرور دانسته است. سرور، خود یکی از عوامل نشاط است که به تبیین آن خواهیم پرداخت.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: "مَنْ لَيْسَ نَعْلًا صَفْرَاءَ لَمْ يَزَلْ يَنْظُرُ فِي سُورٍ مَا دَامَتْ عَلَيْهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ" (سوره بقره، آیه ۶۹) (الکافی، ج ۶، ص ۴۶۶) هر کس کفش زرد بپوشد، تا زمانی که آن کفش را داشته باشد، شادمان است؛ چرا که خداوند عز و جل می‌فرماید: (زردی پر رنگ، که دیدنش، بینندگان را شاد می‌کند).

از دیگر امور لذت‌بخش برای بینایی، دیدن همسر زیباست. در روایات، یکی از ویژگی‌های همسر شایسته، این دانسته شده که نگاه به چهره او سرورآور باشد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّ مِنَ الْقِسْمِ الْمُصْلِحِ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَكُونَ لَهُ الْمَرْأَةُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا سَرَّتْهُ... (همان، ج ۵، ص ۳۲۷)

از عوامل سازنده برای مرد مسلمان، این است که همسری داشته باشد که وقتی به او نگاه می‌کند، وی را خوش حال کند....

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیانی دیگر، به نگاه محبت‌آمیز همسران به یکدیگر اشاره می‌کند و می‌فرماید:

إِذَا نَظَرَ الْعَبْدُ إِلَى وَجْهِ زَوْجِهِ وَنَظَرَتْ إِلَيْهِ، نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِمَا نَظَرَ رَحْمَةٍ، فَإِذَا أَخَذَ بِكَفِّهَا وَأَخَذَتْ بِكَفِّهِ، تَسَاقَطَتَا دُنُوبَهُمَا مِنْ خِلَالِ أَصَابِعِهِمَا. (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۶،

ح ۴۴۳۷)

هنگامی که بنده به صورت زنش و زنش به صورت او نگاه کند، خداوند به هر دوی آنها نظر رحمت می‌افکند و هنگامی که دستان همدیگر را بگیرند، گناهانشان از لابه لای انگشتانشان فرو می‌ریزد.

البته دیدن همسر، می‌تواند بُعد جنسی نیز داشته باشد که در این صورت، دیدن همسر زیبا، دارای لذت دو بُعدی «بینایی - جنسی» است.

بنا براین، یکی از ویژگی‌هایی که باید همسر داشته باشد، آراستگی و خوش‌رویی است. آراستگی و خوش‌رویی، در حقیقت، به معنای تولید سیما و تصویر زیبا برای بیننده است. آنچه در این جا باید به آن اشاره کرد این است که شاید بتوان با الغای خصوصیت (و تسری دادن این اصل از روابط همسران به کل روابط اجتماعی)، این را به یک قاعده تبدیل کرد و تعمیم داد. بر این اساس، زیبایی و آراستگی، منحصر در زن و مسائل خانواده نیست و به دیگران نیز تعمیم داده می‌شود. همچنین منحصر در افراد نیست و به محیط نیز می‌تواند سرایت کند. آنچه مهم است این که باید زیبایی را جدی گرفت تا بُعد زیبایی‌شناختی انسان ارضا شود و از این طریق، انسان به نشاط و شادابی برسد. برخی از علل بی‌نشاطی را باید در نازیبا بودن جستجو نمود. (الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا، ص ۴۶۹)

چهار. لذت خوردن و آشامیدن

خوردن و آشامیدن نیز از دیگر ابعاد نسان است که لذت خاص خود را دارد. آشپزی و آماده‌سازی غذاها و نوشیدنی‌هایی که مورد علاقه اعضای خانواده است، می‌تواند به نشاط و شادابی آنها کمک کند. غذاهای لذیذ و خوش‌مزه، این بُعد از لذت‌جویی اعضای خانواده را ارضا می‌کند و بدین طریق، موجب سرور و نشاط آنان می‌گردد.

البته خوردن و آشامیدن نیز حدی دارد. اگر خوردن و آشامیدن، به پرخوری و شکمبارگی بینجامد، دیگر نشاط‌آفرینی در آن معنایی نخواهد داشت و به سستی و کسالت



بدنی تبدیل خواهد شد. امام علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ شَبِعَ عَوْقِبَ فِي الْحَالِ ثَلَاثَ عُقُوبَاتٍ: يُلْقَى الْغِطَاءَ عَلَى قَلْبِهِ، وَالتُّعَاسُ عَلَى عَيْنِهِ  
وَالكَسْلُ عَلَى بَدَنِهِ. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۲۰، ح ۶۷۴)

کسی که سیر شد، سه پیامد فوری را خواهد دید: پرده‌ای بر قلبش افکنده می‌شود؛ خواب به چشمانش می‌آید؛ و سستی بر بدنش چیره می‌شود.

لذا اصل اعتدال به عنوان پیش فرض اساسی نشاط، به واسطه تغذیه است. امام

کاظم علیه السلام می فرماید:

لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَدُوا فِي الطَّعْمِ لَاعْتَدَلَتْ اِبْدَانُهُمْ. (وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۴۰۷، ح ۸)

اگر مردم در خوردن اعتدال می‌ورزیدند، بدن‌هایشان سالم می‌ماند.

خوردن و آشامیدن، دارای مصادیقی است که در روایات به آنها اشاره شده است به

عنوان نمونه

عسل به عنوان غذایی مقوی - که خداوند متعال، آن را مایه شفا (يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ  
مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ. سوره نحل، آیه ۶۹) دانسته است -، از مصادیق تغذیه  
سالمی است که باعث انبساط خاطر و نشاط انسان می‌گردد. امام علی علیه السلام عسل را نشاط  
آفرین می‌داند. (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۰)

پنج. لذت جنسی

غریزه جنسی، بُعد دیگر انسان است که ارضای آن، موجب نشاط و شادابی می‌گردد. به

همین جهت، اسلام برای این مسئله جایگاه ویژه‌ای قائل شده است. در برخی روایات، یکی

از اخلاق‌های پیامبران، ارضای مشروع غریزه جنسی شمرده شده است. (الکافی، ج ۵،

ص ۳۲۱) این مسئله، آن‌چنان برای اسلام مهم است که با پدیده رهبانیت جنسی، به شدت

برخورد کرد و اهل ایمان را به اصل ازدواج و روابط زناشویی ترغیب نمود.

شش. لذت پاکیزگی

در روایات پیش گفته و دیگر روایات مربوط به نشاط، به اموری اشاره شده که به بُعد

بهداشت و نظافت مربوط می‌شود. جنبه‌های مختلف بدن انسان، نیازمند پاکیزگی است. عدم رعایت بهداشت، موجب بروز نابسامانی و بیماری در بدن می‌گردد و موجبات غم و اندوه وی را فراهم می‌سازد. لذا نسبت به کثیفی، واکنش شدید نشان داده شده است. پیامبر خدا ﷺ تأکید می‌کند که فرد کثیف، بد بنده‌ای است (الکافی، ج ۶، ص ۴۳۹، ح ۶) و خداوند متعال، چرکی و ژولیدگی را دشمن می‌دارد. (کنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۱، ح ۱۷۱۸۱)

بنا بر این، اگر بهداشت و نظافت بدن رعایت گردد، بدن، سرحال و سرزنده خواهد ماند و بدین وسیله، نشاط از این بُعد نیز حاصل می‌شود. به همین جهت، اسلام توجه جدی‌ای به پاکیزگی دارد. و پاکیزگان، یکی از گروه‌هایی هستند که مورد محبت خداوند متعال قرار دارند. (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ. سوره بقره، آیه ۲۲۲. پیامبر خدا ﷺ: إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ يَحِبُّ الطَّيِّبَ، نَظِيفٌ يَحِبُّ النَّظَافَةَ. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۱۱۲، ح ۲۷۹۹) از این روی، انبیای الهی به این مسئله اهتمام ویژه داشتند. امام کاظم علیه السلام در این باره می‌فرماید:

من أخلاقِ الأنبياءِ التَّنَظُّفُ. (الکافی، ج ۵، ص ۵۶۷، ح ۵۰)

پاکیزگی، از اخلاق انبیاست.

در روایات، موارد مختلفی همچون مسواک زدن، کوتاه کردن شارب، زدودن موهای زاید بدن و شستن سر با خطمی از مصادیق پاکیزگی دانسته شده است.

هفت. لذت ارتباط

تنهایی برای انسان، تلخ و آزاردهنده است. انسان، دوست دارد با دیگران باشد و با آنان رابطه برقرار کند. این، نیازی عاطفی است. انسان تنها، احساس خلأ می‌کند؛ احساس دردآوری که هیچ چیز حتی ثروت و شهرت و ریاست، آن را پر نمی‌کند. انس با دیگران، یکی از نیازهای جدی بشر است. ما نه برای تأمین نیازهای مادی زندگی؛ بلکه برای تأمین نیازهای عاطفی مان، به انس گرفتن با دیگران نیازمندیم. بنا بر این، انس و صمیمیت، یکی از عوامل مهم در نشاط و شادابی است. پیامبر خدا ﷺ دیدار با برادران را یکی از خرسندی‌های دنیایی مؤمن (سنن الترمذی، ج ۵، ص ۱۱۲، ح ۲۷۹۹) و امام علی علیه السلام آن را مایه آبادانی

قلب مؤمن (غررالحکم، ح ۶۳۱۳) می‌داند. امام باقر علیه السلام نیز در باره نقش روابط اجتماعی در نشاط می‌فرماید:

مُلَاقَاةُ الْإِخْوَانِ نُشْرَةٌ وَ تَلْقِيحٌ لِلْعَقْلِ وَإِنْ كَانَ نَزْرًا قَلِيلًا. (الأمالی، طوسی، ص ۹۴، ح ۱۴)

دیدار دوستان، مایه نشاط و پرورش عقل است، اگرچه اندک باشد. البته این هنگامی است که ارتباط انسان با افراد صالح باشد. در روایات اسلامی، معاشرت با افراد صالح، یکی از عوامل سعادت و شادکامی شمرده شده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این باره تصریح می‌فرماید:

أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ. (الکافی، ج ۵، ص ۲۵۷، ح ۱)

خوش‌بخت‌ترین مردم کسی است که با بزرگواران معاشرت کند. البته آنچه ارتباط را لذت بخش می‌سازد، ارتباطی است که مثبت و سازنده باشد و این ارتباط نیازمند برخورداری از مهارت‌های ارتباطی است. این بررسی، گنجایش طرح این موضوع را ندارد؛ اما آنچه مهم است این که کسب مهارت‌های ارتباطی، نقش مهمی در لذت بردن از ارتباط با دیگران دارد. از این رو باید مهارت‌های ارتباطی، مورد توجه قرار گیرد. هشت. لذت بوی خوش

بوی خوش، از دیگر عوامل مؤثر در شادی است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الطَّيْبُ يُسِّرُ. (صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۳۹، ح ۱۴۴)

بوی خوش، شاد می‌کند.

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «الطَّيْبُ نُشْرَةٌ... (بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۴۱، ح ۴)

بوی خوش، مایه نشاط است...

بوی خوش آثار دیگری از جمله تقویت عقل (الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰) و قلب (میزان الحکمة، ج ۷، ص ۳۳۳۸، ح ۱۱۳۲۲) نیز دارد. همچنین می‌تواند موجب افزایش توان جنسی گردد (الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰) که در این صورت، با لذت جنسی نیز پیوند می‌خورد. استفاده از عطر و بد بو نبودن بدن، از اموری است که در آموزه‌های دین، مورد توجه

جدی قرار گرفته است و تا جایی اهمیت دارد که جزء اخلاق و سنت پیامبران در نظر گرفته شده (کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۱) و به اهل ایمان، توصیه شده است که از عطر استفاده نمایند (الکافی، ج ۶، ص ۵۱۸)

نُه. لذت شوخی

شوخی و خنده، از عوامل شادی و نشاط است. پیامبر ﷺ یکی از ویژگی‌های اهل ایمان را شوخ طبعی آنان می‌داند. (تحف العقول، ص ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۵۵) فضل بن ابی قره نیز می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ مؤمنی نیست، جز این که در او «دُعابه» است. گفتم: دعابه چیست؟ فرمود: «شوخی» (الکافی، ج ۲، ص ۶۶۳، ح ۲)

شوخی، موجب نشاط روحی و آسایش روانی می‌گردد (در کلمات منسوب به امام علی علیه السلام: لا بَأْسَ بِالْمُكَافَهَةِ يَرْوَحُ بِهَا الْإِنْسَانُ عَنْ نَفْسِهِ وَيَخْرُجُ عَنْ حَدِّ الْعَبُوسِ (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۳۹، ح ۸۸۶)) و فشارهای روانی را کاهش و غم و اندوه را رفع می‌کند. سیره معصومان علیهم السلام این بوده که گاه با استفاده از این عامل، فشارهای روانی خود را کنترل می‌کردند. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَأْتِيهِ الْأَعْرَابِيُّ فَيَهْدِي لَهُ الْهَدِيَّةَ ثُمَّ يَقُولُ مَكَانَهُ اعْطِنَا ثَمَنَ هَدِيَّتِنَا! فَيَضْحَكُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَكَانَ إِذَا اغْتَمَّ يَقُولُ: مَا فَعَلَ الْأَعْرَابِيُّ لَيْتَهُ آتَانَا (الکافی، ج ۲، ص ۶۶۳، ح)

گاهی عربی بادیه‌نشین، خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌رسید و هدیه برای ایشان می‌آورد و تقدیم پیامبر صلی الله علیه و آله می‌کرد. سپس می‌گفت: پول هدیه ما را بده! پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌خندید و هر گاه اندوهگین می‌شد، می‌فرمود: «آن اعرابی چه کرد! ای کاش دوباره می‌آمد!». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از شوخ‌ترین مردم بود. (کنز العمال، ج ۷، ص ۱۴۰، ح ۱۸۴۰۰)

ده - لذت خندیدن

خندیدن، یکی دیگر از اموری است که موجب نشاط و شادابی می‌گردد. همان گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، برخی افراد لذت‌های دنیوی را با ایمان و دینداری در تضاد می‌

دانستند و تنها عبادت کردن را می‌پسندیدند، لذا در موضوع ما، از خندیدن پرهیز می‌کردند و تنها گریه کردن را مشروع می‌دانستند. این در حالی است که پیامبر خدا ﷺ در برابر این جریان ایستاد و فرمود:

أَلَا إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرَّةً ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى فِتْرَةٍ فَمَنْ صَارَتْ شِرَّتُهُ عِبَادَتِهِ إِلَى سُنَّتِي فَقَدْ اهْتَدَى وَ مَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَقَدْ ضَلَّ وَ كَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ أَمَا إِنِّي أُصَلِّي وَ أَنَامُ وَ أَصُومُ وَ أَفِطِرُ وَ أَضْحَكُ وَ أَبْكِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي مِنْهَا جِي وَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي. (الكافی، ج ۲، ص ۸۵، ح ۱)

هان! هر عبادتی را جوش و خروشی است که سرانجام فروکش می‌کند. پس هر کس جوش و خروش عبادتش به سنت من آرام گیرد، هدایت شده است و هر که با سنت من مخالفت ورزد، گم‌راه شده است و عملش بر باد رفته است. بدانید که من نماز می‌خوانم، می‌خوابم، روزه می‌گیرم، افطار می‌کنم، می‌خندم و می‌گریم. پس هر که از روش و سنت من روی گرداند، از من نیست.

این نشان می‌دهد که عبادت پایدار، در گرو تعادل در همه امور از جمله خنده و گریه است. وقتی پیامبر خدا ﷺ با دیگران بود، با خنده آنان می‌خندید. (عیون أخبار الرضا ﷺ، ج ۱، ص ۳۱۹) هیچ کس پُر تبسم تر از پیامبر خدا ﷺ دیده نشده است. (مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۱۹۰؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۰۱، ح ۳۶۴۱) گاه در حضور ایشان، اصحاب شعر می‌خواندند و از خاطرات جاهلیت چیزی را نقل می‌کردند و می‌خندیدند و پیامبر خدا ﷺ نیز تبسم می‌کردند. (الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۷۲) در توصیف امام صادق ﷺ نیز گفته شده که ایشان زیاد شوخی و تبسم می‌کردند. (بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۳۳، ح ۱۴) امام کاظم ﷺ نقل می‌کند که در میان پیامبران، یحییٰ ﷺ اهل گریه بود و نمی‌خندید؛ ولی عیسیٰ ﷺ هم می‌خندید و هم گریه می‌کرد، و سپس داوری می‌کند که روش عیسیٰ ﷺ برتر از روش یحییٰ ﷺ است. (الكافی، ج ۲، ص ۶۶۵، ح ۲) از دیدگاه اسلام، بهترین مسلمانان، کسانی هستند که در آشکار، از گستره رحمت الهی خوش حال‌اند و می‌خندند و البته در نهان، از ترس عذاب خدا می‌گریند. (المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۹، ح ۴۲۹۴)

### یازده- لذت خریدن هدیه

خریدن برخی چیزها سبب سرور و شادی خانواده می‌شود. در درجه نخست، خود خریدن و در درجه بعد، خواستنی بودن آن برای اعضای خانواده، مهم است. (پسندیده، عباس، رضایت زناشویی، ص ۲۰۸) در روایتی رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ (عزوجل) لِيُحِبَّ الرَّجُلَ مِنْ خَلْقِهِ إِذَا انصَرَفَ مِنْ سَوْقِهِ، فَيَأْخُذُ شَيْئاً فِي كُمِّهِ لِعِيَالِهِ فَيَفْرَحُوا بِهِ، فَيُبَاهِيهِ اللَّهُ بِهِ الْمَلَائِكَةَ. (الفردوس، ج ۱، ص ۱۶۸، ح ۶۲۴)

خدای (عزوجل) اخلاق بنده‌ای را دوست دارد که وقتی از بازار برمی‌گردد، چیزی در آستینش داشته باشد و برای خانواده‌اش بیاورد و آنان را با آن خوش حال سازد که خداوند، به وسیله آن بنده، بر ملائکه، مباحث می‌کند.

پیامبر ﷺ در روایتی، تأکید می‌کند که غذای مناسب و فرح‌بخشی برای روز جمعه در نظر گرفته شود. أَطْرَفُوا أَهْلِيكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ أَوْ اللَّحْمِ؛ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ (الكافی، ج ۶، ص ۲۹۹، ح)

خانواده‌تان را در هر جمعه‌ای، با مقداری میوه یا گوشت، دور هم جمع کنید تا این که در این روز، خوش حال باشند؛ همچنین ایشان تصریح می‌فرماید که خرید هدیه خوش حال کننده، همانند صدقه دادن در راه خداست و البته هنگام تحویل دادن، باید دختران را بر پسران مقدم داشت (ثواب الأعمال، ص ۲۳۹، ح ۱) که هر کس دختری را خوش حال کند، خداوند، روز قیامت، او را خوش حال می‌کند.

مَنْ حَمَلَ مِنَ السُّوقِ طُرْفَةً إِلَى وُلْدِهِ، كَانَ كَمَنْ حَمَلَ صَدَقَةً حَتَّى يَضَعَهَا فِي فِيهِمْ، وَ لَيَبْدَأُ بِالْأُنْثَى فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرِقُّ لِلْأُنْثَى، وَ مَنْ رَقَّ لِلْأُنْثَى كَانَ كَمَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَ مَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَفَرَهُ، وَ مَنْ فَرَّحَ أَنْثَى فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْحُزْنِ (تنبيه العافلين، ص ۳۵۲، ح ۵۲۶)؛ هر کس از بازار، نوبری برای فرزندانش [بخرد و] بیاورد، همچون کسی است که صدقه‌ای را حمل می‌کند تا این که آن را در دهانشان بگذارد و اول از دخترها شروع کند؛ زیرا خداوند، نسبت به دختران، دلسوز و مهربان است و هر کس نسبت به دختران، نرمی

و لطافت نشان دهد، همچون کسی است که از ترس خدا گریه می‌کند و هر که از ترس خدا گریه کند، خدا او را می‌بخشد و هر کس دختری را خوش حال کند، خداوند، او را در روز قیامت خوش حال می‌کند.

### بخش دوم) انواع لذت‌های معنوی

از دیگر عوامل نشاط، لذت معنوی است. بُعد معنوی انسان، یکی از ابعاد مهم و اساسی اوست. برای تحقق نشاط کامل، لازم است که این بُعد نیز ارضا شود و لذت آن تأمین گردد. محور اساسی این بخش، ارتباط با خداوند متعال است. ارتباط با خدا یکی از نیازهای اساسی انسان است. تا خدا در زندگی انسان نباشد، زندگی، بی‌معنا خواهد بود، و زندگی بی‌معنا، سرد و بی‌روح است. اگر همه امکانات، فراهم باشد، ولی خدا در زندگی نباشد، زندگی، خسته‌کننده و ملال‌آور خواهد بود؛ زیرا خداوند، اصل و ریشه انسان است و قطع ارتباط با ریشه، موجب پژمردگی و افسردگی می‌شود. در ادامه، به بررسی عوامل التذاذ معنوی می‌پردازیم. متون این بحث، با تعبیرهای متفاوتی در ادبیات دین بیان شده‌اند که به هر کدام بیانگر بُعدی از این مسئله‌اند.

### الف) انس با خدا

یکی از اموری که در روایات مورد بحث قرار گرفته، انس گرفتن با خداوند است. در روایات، از خداوند متعال به عنوان «انیس» یاد شده است. واژه «انس» در لغت، ضدّ «نُفور (گریز)» و به معنای «آرام یافتن به چیزی» و «خو گرفتن» و «دل بستگی» به آن است. (راغب اصفهانی در تبیین معنای «انس» می‌گوید: الانسُ خِلافُ النُّفورِ؛ آرام یافتن به چیزی، خلاف رمیدن است (مفردات ألفاظ القرآن، ص ۹۴)

همچنین ابن فارس، این واژه را چنین ریشه‌یابی می‌نماید: الهَمَزَةُ وَالْتَوُّنُ وَالسَّيْنُ أَصْلُ وَاحِدٌ، وَهُوَ ظُهُورُ الشَّيْءِ، وَكُلُّ شَيْءٍ خَالَفَ طَرِيقَةَ التَّوَحُّشِ... وَالانْسُ: انْسُ الْإِنْسَانِ بِالشَّيْءِ إِذَا لَمْ يَسْتَوْحِشْ مِنْهُ (معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۴۵) بر این پایه، چون خو گرفتن و دل بستگی نسبت به چیزی (بر خلاف نفرت و وحشت از آن)، موجب نزدیکی و نمایان شدن آن

می‌گردد، «انس» نامیده می‌شود.

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: هر کس که خدا انیس او باشد، احساس تنهایی نخواهد کرد؛ و بدون هیچ مونس‌ی، نیاز او را برمی‌آورد؛ (مشکاة الأنوار، ص ۲۲۳، ح ۶۱۸) او مونس هر کسی است که همدم ندارد. (المصباح، کفعمی، ص ۳۴۲؛ البلد الأمين، ص ۴۰۴) امام صادق علیه السلام از خداوند، با تعبیر «بهترین انیس تنهایی‌های خود» یاد می‌کند (الإقبال، ج ۲، ص ۱۴۱) و به همین جهت، امام زین‌العابدین علیه السلام از او می‌خواهد که رحمت خود را نصیب وی کند تا به کسی غیر او انس نگیرد. (مصباح‌المتهجد، ص ۵۹۳، ح ۶۹۱)

جالب این که در روایات و دعاهاى معصومان علیهم السلام انس گرفتن با خدا، ویژگی اهل معرفت دانسته شده که بر نقش شناخت تأکید دارد. به عنوان يك واقعیت، خداوند متعال، بهترین مونس انسان است؛ اما اگر شناخته نشود، تأثیری برای بشر ندارد. از این رو، شناخت خدا موجب انس با او می‌شود. امام زین‌العابدین علیه السلام از خداوند می‌خواهد وی را در زمره کسانی قرار دهد که با معرفت خود، مونس جان‌های آنان شده است. (بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۵۶، ح ۲۲) امام صادق علیه السلام نیز تصریح می‌کند که شناخت خدا، دل‌آرام هر دل‌تنگی، و یار هر تنهایی است. (الکافی، ج ۸، ص ۲۴۷، ح ۳۴۷)

وقتی خدا شناخته شد، موجب یادآوری او می‌گردد. شاید بتوان یادآوری را ساز و کار تأثیر معرفت در انس دانست. به تصریح پیامبر خدا ﷺ هر کس خدا را یاد کند، خدا انیس او خواهد شد. (المصباح، کفعمی، ص ۳۴۶؛ البلد الأمين، ص ۴۱۰) امام زین‌العابدین علیه السلام و امام صادق علیه السلام به تجربه می‌گویند که هرگاه هراسِ غربت، ما را فرا گیرد، یاد خدا، مونس ما می‌شود. (همان، ص ۱۵۱) از آن جا که یادکرد خداوند، خود بحث مستقلی است، در مباحث آینده، آن را به صورت مستقل مطرح خواهیم کرد. عنوان دیگری که همانند انس، می‌تواند نمایانگر بُعد عاطفی لذت معنوی باشد، دوستی با خداست که در ادامه به آن می‌پردازیم.

ب) دوستی با خدا



از امور لذت بخش برای انسان، محبت و دوستی است. بی تردید عاطفه، یکی از ابعاد انسان است که ارضا شدن آن، موجب احساس لذت برای انسان می‌گردد. آنچه این مسئله را مهم تر می‌سازد، متعلق دوستی است. اگر موضوع عشق، موجودی مانند خداوند متعال باشد، لذتی فراگیر و اصیل به وجود خواهد آمد.

اما آنچه مهم است این که محبت و دل بستگی به خدا، با دل بستگی به دنیا در تقابل اند. کسی که دل بسته دنیا است، نمی‌تواند دل بسته خدا شود. (ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ. سوره احزاب، آیه ۴ پیامبر خدا ﷺ: حُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ اللَّهِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبٍ أَبَدًا (تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲))

لذا از شیرینی آن نیز محروم می‌گردد. بنا بر این، دل کندن از دنیا و دل بستن به خدا، موجب چشیدن شیرینی محبت خدا می‌شود. امام صادق علیه السلام در این باره تصریح می‌فرماید: إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمَا، وَوَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ، وَكَانَ عِنْدَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَأَنَّهُ قَدْ خَوْلَطَ، وَإِنَّمَا خَالَطَ الْقَوْمَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ فَلَمْ يَشْتِغَلُوا بِغَيْرِهِ. (الكافی، ج ۲، ص ۱۳۰، ح ۱۰؛ مشكاة الأنوار، ص ۱۲۱)

هر گاه مؤمن از دنیا دست بشوید، بلندی می‌گیرد و شیرینی محبت خدا را می‌چشد، و در نظر اهل دنیا دیوانه می‌نماید، حال آن که در واقع، شیرینی محبت خداوند با [جان] آنان آمیخته است و از این رو، به غیر او نمی‌پردازند.

جالب این که عامل اساسی در ایجاد محبت خدا، معرفت و شناخت اوست. کسی که خدا را بشناسد، او را دوست می‌دارد. (امام حسن علیه السلام: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ (تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۵۲)) به همین جهت، اشتیاق به خدا خصلت عارفان است. (امام علی علیه السلام: الشَّوْقُ خُلْصَانُ الْعَارِفِينَ (غرر الحکم، ح ۸۵) امام علی علیه السلام: الشَّوْقُ شِيْمَةُ الْمُوقِنِينَ (همان، ح ۶۶۳)) در گام بعدی، یاد خدا موجب دوستی می‌گردد. وقتی انسان، کسی را که می‌شناسد، زیاد یاد کند، محبت او در دلش جای می‌گیرد. (الكافی، ص ۵۰۰، ح ۳) همان گونه که در بحث انس گذشت، این جا نیز باز، صحبت از یاد خدا به میان آمد. از این رو، در

بحث بعد به این مسئله می‌پردازیم.

ج) یادکرد خدا

حقیقت یاد شده، در ادبیات دین با عنوان «ذکر» و یادآوری خدا مورد توجه قرار گرفته است. یادکرد خدا از عواملی است که موجب ارتباط با او و التذاذ معنوی می‌گردد. واژه شناسان برای ماده «ذکر»، دو معنا بیان کرده‌اند: یکی «یادکرد» در مقابل «فراموشی»، و دیگری «نری» در مقابل «مادگی». (معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۳۵۸؛ مفردات الفاظ القرآن، ص) ریشه‌یابی واژه ذکر، نشان می‌دهد که اصل در معنای آن، «یاد» در مقابل «فراموشی» است و استعمال آن در معانی دیگر، بدان مناسبت است که مورد استعمال، دارای خصوصیتی است که موجب یاد و توجه انسان به آن می‌شود، چنان که به پسر، از آن جهت «ذکر» و «مذکر» گفته شده که موجب زنده ماندن و بقای یاد و نام پدر می‌گردد.

آنچه در بحث ما مهم است این که یاد خدا از عوامل مهم نشاط و شادابی در زندگی است. نقش یاد خدا در نشاط انسان، با تعبیرهای گوناگونی در آیات و روایات وارد شده است. یاد خدا موجب «آرامش و اطمینان نفس» و «جلای دل‌ها» و «شرح صدر» و «حیات دل» و «نورانیت قلب» و حلاوت زندگی دوستداران خدا و اهل تقوا و یقین می‌گردد که هر يك را می‌توان به بُعدی از ابعاد نشاط اشاره دانست. از این رو، پیامبر خدا ﷺ این گونه به درگاه خداوند متعال دعا می‌کند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ... شَاكِرِينَ عَلَى نِعْمَائِكَ، مُتَلَذِّذِينَ بِذِكْرِكَ. (جامع الأخبار، ص ۳۶۴، ح ۱۰۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۶۰، ح)

خداوندا! ما را به کار خودت سرگرم بدار... و [ما را] بر نعمت‌هایت، سپاس‌گزار و از یادت، لذت‌برنده قرار بده.

آنچنان نقش یاد خدا اساسی است که بدون آن نمی‌توان انتظار نشاط داشت. غفلت از یاد خدا موجب «خودفراموشی» (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. سوره حشر، آیه ۱۹) و «قساوت قلب» (الكافی عن علی بن عیسی رفعه: إِنَّ

موسی علیه السلام ناجاهُ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاتِهِ: ... يَا مُوسَى، لَا تَنْسِنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَلَا تَفْرَحْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ؛ فَإِنَّ نِسْيَانِي يَقْسِي الْقُلُوبَ، وَمَعَ كَثْرَةِ الْمَالِ كَثْرَةُ الدُّنُوبِ (الكافي، ج ۸، ص ۴۲ - ۴۵، ح ۸؛ تحف العقول، ص ۴۹۳. نیز، ر. ك: الكافي، ج ۲، ص ۴۹۷، ح ۷؛ علل الشرائع، ص ۸۱، ح ۲؛ الخصال، ص ۳۹، ح ۲۳) و «مردن دل» (امام صادق علیه السلام: فيما ناجى الله به موسى عليه السلام، قال: يا موسى، لا تنسني على كل حال؛ فإن نسياني يميث القلب (الكافي، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۴۴، ح ۲۴)) می‌گردد. از این رو، خداوند متعال به عنوان آفریننده انسان - که بیشترین آگاهی را از ماهیت او دارد -، تصریح می‌فرماید که:

(وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا. (سوره طه، آیه ۱۲۴) و هر کس از یاد من روی گرداند، زندگی سختی خواهد داشت).

و اما حقیقت ذکر چیست؟ حقیقت ذکر، عبارت است از توجه دل به آفریدگار جهان و احساس این واقعیت که عالم، محضر خداست و انسان، در حضور اوست. این معنا تحقق نمی‌یابد، مگر با دو شرط: یکی معرفت حقیقی نسبت به خداوند متعال، و دیگری توجه به او. به بیان روشن‌تر، تا انسان، آفریدگار حقیقی جهان را نشناسد، نمی‌تواند او را یاد کند. بنا براین، کسانی که چیزی غیر از معبود حقیقی را عبادت می‌کنند، در واقع، او را یاد نکرده‌اند؛ بلکه پندار خود را یاد کرده‌اند. (إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ ... سوره نجم، آیه ۲۳)

(د) باور به خدا

ایمان، از دیگر عوامل ارتباط با خدا و التذاذ معنوی است. در ادبیات دین، از چیزی به نام «حلاوت ایمان» یاد شده است. (ر. ك: دانش‌نامه قرآن و حدیث، ج ۸، ص ۱۰۴ (حلاوة الایمان)) آنچه این جا مهم است این که این شیرینی، مربوط به لذت‌های معنوی انسان است که می‌تواند نشاط روحی و روانی را برای انسان به ارمغان بیاورد. این شیرینی چنان لذتی دارد که هر کس آن را بچشد، از او روی‌گردان نمی‌شود (امام زین العابدین علیه السلام در مناجات نهم از مناجات پانزده‌گانه: مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا، وَمَنْ ذَا

الَّذِي آتَسَّ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَغِي عَنْكَ حَوْلًا (بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۱۴۸)) و با چشیدن آن، سیراب نمی شود.

#### ه) مناجات با خدا

یکی از لذت‌های معنوی، لذت دعا و مناجات است. در اهمیت دعا همین بس که «برترین عبادت» و بلکه «روح و مغز عبادت» معرفی شده است و به همین دلیل، «سودمندتر از قرائت قرآن» بلکه «با فضیلت‌تر از همه عبادات» از آن یاد شده است. دعا، کلید رحمت الهی، موجب تأمین خواسته‌ها، سلامتی از شیطان است. آنچه به بحث ما بیشتر مربوط می شود، این که دعا و مناجات با خدا، یکی از بهترین انواع ارتباط با خداست. طبق برخی روایات، دعا و مناجات، مایه تقرب به خدا، (امام علی علیه السلام: التَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمَسْأَلَتِهِ، وَإِلَى النَّاسِ بِتَرْكِهَا (غرر الحکم، ح ۱۸۰۱ و ۲۰۵) انس در تنهایی، (فلاح السائل عن جمیل بن دراج: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ: يَا سَيِّدِي، عَلَتِ سِنِّي وَمَاتَ أَقَارِبِي، وَأَنَا خَائِفٌ أَنْ يَدْرِكَنِي الْمَوْتُ وَلَيْسَ لِي مَنْ أَنِيسُ بِهِ وَأَرْجِعُ إِلَيْهِ. فَقَالَ لَهُ: إِنَّ مِنْ إِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ هُوَ أَقْرَبُ نَسَبًا أَوْ سَبَبًا، وَإِنْسُكَ بِهِ خَيْرٌ مِنْ إِنْسِكَ بِقَرِيبٍ، وَمَعَ هَذَا فَعَلَيْكَ بِالِدُّعَاءِ (فلاح السائل، ص ۳۰۳، ح ۲۰۵)) زنده شدن دل (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله): إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِيَحْيِي قَلْبَ الْمُؤْمِنِ بِالِدُّعَاءِ (الفردوس، ج ۱، ص ۱۶۸، ح ۶۲۵)) و بهره‌مندی از آن (امام صادق علیه السلام: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُودَ عليه السلام: يَا دَاوُودُ، بِي فَافْرَحْ، وَبِذِكْرِي فَتَلَذَّذْ، وَبِمُنَاجَاتِي فَتَنْعَمْ، فَعَن قَرِيبٍ اخْلِي الدَّارَ مِنَ الْفَاسِقِينَ، وَأَجْعَلْ لِعَنْتِي عَلَى الظَّالِمِينَ (الأمالی، صدوق، ص ۲۶۳، ح ۲۸۰؛ روضة الواعظین، ص ۵۰۵)) می شود و همین امر، موجب لذت معنوی می‌گردد.

#### و) قرآن خواندن

قرآن، سخن خداوند و حاوی معارف اصیل و ناب الهی است و انسان، فطرتی پاک و خداجوی دارد. از این رو، آیات قرآن کریم، سخن دل‌نشین از سوی خاستگاه اصلی انسان، یعنی خداوند متعال به شمار می‌رود. امام علی علیه السلام بر این باور است که هر کس به تلاوت قرآن انس گیرد، جدایی برادران، او را به تنهایی نیندازد. (مَنْ أَنِيسٌ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ لَمْ تُوحِشْهُ

مُفَارَقَةَ الْإِخْوَانِ (غررالحکم، ح ۸۷۹۰)) به همین جهت، خواندن آیات نورانی قرآن کریم، مایه شادی قلب می‌گردد. پیامبر خدا ﷺ از خداوند می‌خواهد که قلب او را با قرآن شاد سازد. (پیامبر خدا ﷺ در دعایی که به امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ تعلیم داد: ... اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِكِتَابِكَ صَدْرِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَفَرِّحْ بِهِ قَلْبِي (الكافی، ج ۲، ص ۵۷۷، ح ۲؛ قرب الإسناد، ص ۵، ح ۱۶)) همچنین گاه قلب انسان زنگار می‌گیرد و همین می‌تواند موجبات کدورت و گرفتگی باطن شود.

چیزی که می‌تواند این زنگار را از بین ببرد، قرآن است. ابن عمر نقل می‌کند که روزی پیامبر خدا ﷺ فرمود: «این دل‌ها نیز همانند آهن، زنگار می‌بندد». به ایشان گفته شد: ای رسول خدا! صیقل دهنده دل‌ها چیست؟ فرمود: «تلاوت قرآن». (کنز العمال عن ابن عمر: قال رسول الله ﷺ: إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصَدِّدُ كَمَا يَصَدُّ الْحَدِيدُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا جَلَاؤُهَا؟ قَالَ: تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ (کنز العمال، ح ۲۴۱)) بنا بر این، با استفاده از تلاوت قرآن می‌توان به لذت معنوی دست یافت.

ز) نماز خواندن

از دیگر رفتارهای مذهبی‌ای که می‌تواند لذت معنوی را به وجود آورد، نماز است. یکی از مهم‌ترین توصیف‌های قرآن کریم در باره نماز، عبارت (أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي) است. بر اساس این آیه، نماز، یاد خداست و پیش‌تر گذشت که یادکرد خدا، به جهت اتصال انسان به منبع اصلی خود، موجب لذت می‌شود. به همین جهت، پیامبر خدا ﷺ نماز را مایه چشم‌روشنی خود می‌داند (الكافی، ج ۵، ص ۳۲۱، ح ۷) و به آن عشق می‌ورزد (مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۵۲۸، ح ۲۲۰۵) و ارزش آن را از هر آنچه خورشید بر آن می‌تابد، بیشتر می‌داند. (پیامبر خدا ﷺ - لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ. مَا أَحَبُّ أَنْ لِي بِهَا مَا ظَلَعَتْ عَلَيْهِ السَّمْسُ وَغَرَبَتِ (الزهد، ابن مبارک، ص ۳۱۷، ح ۹۰۶)

نماز، همانند خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، یکی از نیازهای انسان است، با این تفاوت که هر چه از این عامل استفاده شود، انسان سیر نمی‌شود. پیامبر خدا ﷺ در این باره می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، وَحَبَّبَهَا إِلَيَّ كَمَا حُبِّبَ إِلَيَّ الْجَائِعِ الطَّعَامُ، وَإِلَى الظَّمآنِ المَاءَ، فَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ، وَإِذَا شَرِبَ المَاءَ رَوِيَ، وَ أَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ. (الأمالی، طوسی، ص ۵۲۸، ح ۱۱۶۲؛ مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۲۶۶۱؛ تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۵۴)

خداوند متعال، روشنی چشم مرا در نماز نهاده است و آن را محبوب من ساخته، همان گونه که خوراک را برای گرسنه و آب را برای تشنه، خوشایند کرده است. همانا گرسنه، پس از خوردن غذا، سیر می شود و تشنه، پس از نوشیدن آب، سیراب می گردد؛ ولی من از نماز سیر نمی شوم.

نماز، موانع ارتباط نزدیک با خداوند متعال را - که گناهان باشد-، از میان بر می دارد (وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ وَ زُلْفَاً مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ. سوره هود، آیه ۱۱۴. ر. ك: الصلاة في الكتاب والسنة، ص ۱۱۱ - ۱۱۴ (ذهاب السيئات)، ح ۳۹۱ - ۴۰۸) و جان انسان را پاك می گرداند (پیامبر خدا ﷺ: إِنَّمَا مَثَلُ الصَّلَاةِ فِيكُمْ كَمَثَلِ السَّرِيِّ - وَهُوَ النَّهْرُ - عَلَى بَابِ أَحَدِكُمْ يَخْرُجُ إِلَيْهِ فِيالْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ، يَغْتَسِلُ مِنْهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ، فَلَمْ يَبْقَ الدَّرَنُ مَعَ الْعَسَلِ خَمْسَ مَرَّاتٍ، وَلَمْ تَبْقَ الذُّنُوبُ مَعَ الصَّلَاةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ (كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۶۴۰؛ الأمالی، مفید، ص ۱۸۹، ح ۱۶؛ صحيح مسلم، ج ۱، ص ۴۶۳، ح ۲۸۴). نیز، ر. ك: الصلاة في الكتاب والسنة، ص ۱۱۴ و ۱۱۵ (طهارة النفس)، ح ۴۱۰ - ۴۱۴) و سپس شیطان را دور می سازد (. ك: همان، ص ۱۱۶ (طرد الشيطان)، ح ۴۱۵ - ۴۱۸) و فرد را از کارهایی که موجب دوری از خدا و غفلت از او می شود، باز می دارد (ر. ك: همان، ص ۱۱۶ (المنع من الفحشاء والمنكر)، ح ۴۱۹ - ۴۲۱) و هر خیری را نصیب انسان می کند (ر. ك: همان، ص ۱۲۰ (الوصول إلى كل خير)، ح ۴۴۳ - ۴۴۴) و بدین سان، موجب نزول رحمت الهی می شود (ر. ك: همان، ص ۱۱۸ (نزل الرحمة)، ح ۴۳۱ - ۴۳۹) و انسان را به خدا نزدیک می سازد (ر. ك: همان، ص ۱۲۰ (التقرب إلى الله)، ح ۴۴۵ - ۴۴۹) و در نهایت، وارد بهشت می کند (ر. ك: همان، (دخول الجنة)، ح ۴۵۰ - ۴۵۴) که انتهای شادکامی است.

### نتیجه گیری

۱= عامل اصلی تحقق نشاط و شادکامی، لذت می باشد و از آنجا که انسان، موجودی مرگب از بُعد مادی و معنوی است با تأمین لذت های مادی و معنوی انسان، نشاط و شادکامی در وجود او محقق می گردد.

۲= در روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام از موارد متعددی به عنوان عوامل نشاط انسان یاد شده است که هر کدام یکی از ابعاد وجودی انسان را پوشش می دهد و نشاط آنها را تأمین می نماید.

۳= لذت تحرك و ورزش، لذت لامسه، لذت بینایی، لذت خوردن و آشامیدن، لذت جنسی، لذت پاکیزگی، لذت ارتباط با دیگر انسان ها، لذت بوی خوش، لذت شوخی با دیگران، لذت خندیدن و لذت خریدن هدیه از جمله لذات مادی است که موجب فراهم شدن نشاط در وجود انسان می گردد.

۴= انس با خدا، دوستی با او، یادکرد خدا، باور به خدا، مناجات با خداوند متعال، قرآن و نماز خواندن از جمله لذت های معنوی است که در روایات اهل بیت علیهم السلام به آنها اشاره شده است که از عوامل شادکامی محسوب می گردند.

## منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه، جمع آوری: سید رضی، تحقیق: صبحی صالح، چاپ اول، دارالهجره، قم، ۱۴۱۴ق.
- ۳- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الأثر، قم، اسماعیلیان، چهارم، ۱۳۶۷ش.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۱۳ق.
- ۵- عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، جهان، اول، ۱۳۷۸ق
- ۶- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ق
- ۷- ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبة الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۴ق
- ۸- ابن حنبل، أحمد بن محمد، مسند احمد، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق
- ۹- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق
- ۱۰- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۱ق.
- ۱۱- پسندیده، عباس، الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان شناسی مثبت گرا، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۹۲.ه. ش.
- ۱۲- رضایت زناشویی، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۹۱.ه. ش.
- ۱۳- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دارالکتب الاسلامی، دوم، ۱۴۱۰ق



- ۱۴- الحاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۱ ق
- ۱۵- حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۳ ق
- ۱۶- خطیب، مهدی، شادی و شادکامی، درآمدی بر شادی از دیدگاه اسلام با رویکرد روان شناسی مثبت گرا، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۹۱ ه. ش.
- ۱۷- زمخشری، محمود بن عمر، أساس البلاغة، بیروت، دار صادر، اول، ۱۹۷۹ م
- ۱۸- الطبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، المكتبة الحیدریة، دوم، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م / ۱۳۴۴ ش
- ۱۹- الطبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی، چهارم، ۱۴۱۲ ق
- ۲۰- الطوسی، محمد بن الحسن، الامالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۲۱- العاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ ق.
- ۲۲- فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، قم، دارالهجره، دوم، ۱۴۱۴ ق
- ۲۳- القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج بن مسلم، الجامع الصحیح المسمى صحیح مسلم، بیروت، دارالجمیل، بی تا.
- ۲۴- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، اسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۵- محمدی ری شهری، محمد، الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، چاپ: ۲، ۱۳۹۲ ه. ش.
- ۲۶- الصلاه فی الكتاب و السنه، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۷۶ ه. ش.
- ۲۷- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق:

- بكري حياني، صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٩٨٩ م.
- ٢٨- منسوب به علي بن موسى، امام هشتم عليه السلام، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، مشهد، كنگره جهاني امام رضا عليه السلام، اول، ١٤٠٦ ق
- ٢٩- مجلسي، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بيروت، دار إحياء التراث العربي، دوم، ١٤٠٣ ق
- ٣٠- النوري، حسين بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بيروت، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، دوم، ١٩٩٨ م.